



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

امام مهدی علیہ السلام

عِنَّا لَتَبْتَكَ مِنْ عِبَادِكَ

جمعی از نویسندگان مجله مبلغان :

تنظیم اکبر اسد علیزاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نویسنده:

جمعی از نویسندگان مجله مبلغان

ناشر چاپی:

حوزه علمیه قم - مرکز مدیریت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۰	امام مهدی (عج)
۲۰	مشخصات کتاب
۲۰	معرفی
۲۰	مقدمه
۲۳	پیشگفتار:
۲۸	فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان (ع)
۲۸	تولد و کودکی امام زمان (ع)
۲۸	مقدمه
۳۰	بانویی از نسل شمعون
۳۵	گل نرگس
۳۷	وقایع خیره کننده
۴۱	رشد امام
۴۳	امام عسکری (ع) و تولد فرزند
۴۷	پس از پدر
۵۱	نامها و القاب حضرت
۵۴	امام زمان (ع) خردسال ترین پیشوای معصوم
۵۴	مقدمه
۵۵	جایگاه اعتقاد به امامت
۵۹	نبوت در کودکی
۶۱	امامت در کودکی
۶۵	آخرین پیشوا
۶۹	نشانه های ظاهری امام زمان (ع)
۶۹	مقدمه

۷۱	زیباییهای ظاهری حضرت مهدی(ع)
۸۱	محل زندگی امام زمان(ع)
۸۱	اشاره
۸۳	دوره های زندگی
۹۴	فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)
۹۴	امام مهدی(ع) در قرآن
۹۴	مقدمه
۹۶	آیات مهدویت
۱۰۵	امام مهدی(ع) از نگاه پیامبر اعظم(ص)
۱۰۵	پیوسته به یاد مهدی(ع)
۱۰۸	مشخصات فردی مهدی(ع)
۱۱۱	غیبت طولانی و ظهور حتمی
۱۱۳	پاداش انتظار
۱۱۴	اوصاف منتظران راستین
۱۱۸	وقت ظهور و قیام
۱۱۹	علائم ظهور
۱۲۰	پس از ظهور
۱۲۵	حسن ختام
۱۲۷	امام مهدی(ع) در آئینه خطبه غدیر
۱۲۷	مقدمه
۱۳۰	انتقام از ظالمان
۱۳۳	وارث تمام علوم
۱۳۶	گوشه هایی از اوصاف و مقامات آن حضرت
۱۳۹	بشارت به مهدی(ع) در ادیان دیگر
۱۴۱	لیاقت محوری
۱۴۳	امام مهدی(ع) در کلام امیرمؤمنان(ع)

- ۱۴۳ مقدمه
- ۱۴۴ الف) اشتیاق به رؤیت مهدی(ع)
- ۱۴۸ ب) تداوم امامت با دوازده نفر
- ۱۵۱ ج) غیبت حیرت زا
- ۱۵۴ د) پیروزمندان دوران سخت غیبت
- ۱۵۶ ه) فضیلت انتظار
- ۱۵۷ و) نقش امام غایب در هدایت مردم
- ۱۵۸ ز) راز غیبت امام زمان(ع)
- ۱۵۹ ح) غربت و تنهایی مهدی(ع)
- ۱۶۱ ظهور، نزدیک است
- ۱۶۳ آینده روشن در حکومت
- ۱۶۵ ره آورد حکومت امام زمان(ع)
- ۱۷۴ امام زمان(ع) از منظر امام حسین(ع)
- ۱۷۴ مقدمه
- ۱۷۵ صاحب الامر کیست؟
- ۱۷۷ ویژگیهای امام زمان(ع)
- ۱۷۹ من خادم او هستم
- ۱۸۰ غیبت حضرت
- ۱۸۲ صبر در دوران غیبت
- ۱۸۴ حتمی بودن قیام
- ۱۸۶ چهره شاداب
- ۱۸۷ روزگار پس از ظهور
- ۱۹۰ مدت حکومت حضرت
- ۱۹۴ امام مهدی(ع) در کلمات و دعاهای امام سجاده(ع)
- ۱۹۴ نگاهی اجمالی به سخنان امام سجاده(ع) درباره امام زمان(ع)
- ۲۰۲ دعاهای امام سجاده درباره امام زمان(ع)

۲۱۸	حضرت مهدی(ع) محبوب پاکان
۲۱۸	محبوب پروردگار
۲۲۰	محبوب پیامبر خدا(ص)
۲۲۱	محبوب امیرمؤمنان(ع)
۲۲۳	بیانات محبت آمیز امام باقر(ع)
۲۲۴	ارادت امام صادق(ع)
۲۲۶	ارادت امام هشتم(ع)
۲۲۷	امام زمان(ع) در آئینه زیارت جامعه
۲۲۷	اشاره
۲۲۹	نخستین آیه ای که امام پس از ظهور می خواند
۲۳۰	خبر از غیبت امام زمان(ع)
۲۳۱	انتظار ظهور دولت حق
۲۳۴	رجعت در زمان حضرت مهدی(ع)
۲۳۵	رهاورد ظهور
۲۳۹	نگاهی کوتاه به ادعیه و زیارات مربوط به امام مهدی(ع)
۲۳۹	مقدمه
۲۴۰	دعای افتتاح
۲۴۲	دعای عهد
۲۴۳	دعای فرج
۲۴۵	دعای ندبه
۲۴۷	زیارت آل یس
۲۴۹	زیارت ناحیه مقدسه
۲۵۱	فصل سوم: شباهتها
۲۵۱	امام زمان(ع) میراثدار انبیا(ع)
۲۵۱	الف) جامع کمالات
۲۵۶	ب) میراثدار انبیا

- ۲۵۸ پیراهن ابراهیم خلیل و حضرت یوسف(ع)
- ۲۶۱ عصای حضرت موسی(ع)
- ۲۶۳ انگشتر حضرت سلیمان
- ۲۶۵ تابوت سکینه
- ۲۶۷ زره، پرچم، شمشیر و... پیامبر خاتم(ص)
- ۲۶۹ شباهتهای پیامبر اعظم(ص) و امام زمان(ع)
- ۲۶۹ اشاره
- ۲۷۲ الف) پیوندها
- ۲۸۲ ب) اوصاف مشترک
- ۲۹۲ شباهتهای رستاخیز مهدی(ع) با رستاخیز آخرت
- ۲۹۲ اشاره
- ۲۹۴ حوادث عجیب
- ۲۹۶ حوادث پیش از رستاخیز مهدی(ع)
- ۲۹۹ برقراری عدالت
- ۳۰۲ اقتدار در حاکمیت
- ۳۰۵ بشارت انبیا و اولیا به ظهور قیامت کبری و صغری
- ۳۱۰ زندگی خوب و فراوانی نعمت
- ۳۱۳ آشکار شدن باطنها
- ۳۱۵ حیات مجدد
- ۳۱۷ حیات دوباره در رستاخیز مهدی(ع)
- ۳۲۰ انتقام از ظالمان و ستمگران
- ۳۲۲ فصل چهارم: امام زمان(ع) از نگاه اهل سنت
- ۳۲۲ امام مهدی(ع) از نگاه اهل سنت
- ۳۲۲ مقدمه
- ۳۲۴ الف) دانشمندان شافعی
- ۳۳۴ ب) دانشمندان حنبلی

۳۳۷	ج) عالمان حنفی و مهدویت
۳۴۳	د) امام مهدی(ع) در نگاه مالکیان
۳۴۸	فصل پنجم: عصر غیبت
۳۴۸	غیبت امام زمان(ع) در اندیشه امام صادق(ع)
۳۴۸	مقدمه
۳۴۹	الف) تثبیت اصل مهدویت
۳۵۰	ب) حکم منکران مهدی(ع)
۳۵۲	ج) تأکید بر وقوع غیبت
۳۵۷	د) نهی از انکار غیبت
۳۵۸	هـ) پایداری بر امامت و ولایت در دوران غیبت
۳۶۰	ز) تصریح به غیبت کبری و صغری
۳۶۱	ح) فلسفه و حکمت غیبت
۳۶۶	ط) انتظار در زمان غیبت
۳۶۷	ی) مردم در زمان غیبت
۳۷۰	فلسفه غیبت امام زمان(ع)
۳۷۰	اشاره
۳۷۱	آزمایش مردم
۳۷۳	حفظ جان امام زمان(ع)
۳۷۴	خالی نماندن زمین از حجت
۳۷۶	نداشتن یار و یاور
۳۷۸	آزادگی از بیعت دیگران
۳۸۰	آماده نبودن ملتها
۳۸۲	چگونگی غیبت امام زمان(ع)
۳۸۲	مفهوم غیبت
۳۸۴	امکان غیبت
۳۸۵	غیبت حضرت مهدی(عج)

۳۸۶	انواع غیبت
۳۹۲	اختصاص نداشتن غیبت به امام زمان(ع)
۳۹۲	اشاره
۳۹۳	نمونه ای از غیبت‌های پیامبران و اوصیای الهی
۴۰۲	فواید غیبت امام زمان(ع)
۴۰۲	مقدمه
۴۰۳	نمونه های روایی
۴۰۵	وجوه شباهت امام زمان(ع) به خورشید پشت ابر
۴۰۹	فایده تکوینی و تشریحی
۴۱۰	فواید تکوینی امام زمان(ع)
۴۱۵	فایده های تشریحی امام غایب
۴۲۰	رهیافتگان کوی دوست
۴۲۰	طلیعه سخن
۴۲۵	شبهه تکذیب رؤیت
۴۲۸	ایمان به غیب
۴۳۷	برخی انتظارات امام زمان(ع) از شیعیان
۴۳۷	اشاره
۴۳۹	پروا پیشگی و تسلیم
۴۴۰	جلب محبت اهل بیت(ع) و ترک گناهان
۴۴۲	همدلی و اتحاد
۴۴۳	دعا برای فرج
۴۴۴	مراجعه به علما
۴۴۵	پرداخت سهم امام(ع)
۴۴۷	توقیعات امام زمان(ع)
۴۴۷	مقدمه
۴۴۸	توقیعات ائمه(ع)

۴۴۹	توقیعات امامان پیش از حضرت مهدی(ع)
۴۵۲	توقیعات حضرت مهدی(ع)
۴۶۲	امام زنده
۴۶۲	مقدمه
۴۶۵	الف) دلایل عقلی
۴۶۶	ب) دلایل نقلی
۴۷۷	طول عمر امام زمان(ع)
۴۷۷	اشاره
۴۷۸	حد عمر طبیعی
۴۸۰	تأخیر پیری و ازدیاد عمر
۴۸۲	طول عمر از نظر عقل
۴۸۴	طول عمر از نظر فلسفه
۴۸۵	طول عمر از منظر زیست شناسی
۴۹۰	طول عمر از دیدگاه تاریخ
۴۹۳	طول عمر از منظر متفکران بزرگ و دانشمندان علوم
۴۹۵	طول عمر از دیدگاه ادیان آسمانی
۴۹۷	تورات و طول عمر
۴۹۸	قرآن و طول عمر
۵۰۰	نامعلوم بودن ماهیت حیات
۵۰۱	کیفیت اداره جامعه در عصر غیبت
۵۰۱	ضرورت حکومت
۵۰۶	دلایل لزوم حکومت در عصر غیبت
۵۱۰	ولایت فقیه برترین گزینه ها، برای حکومت دینی
۵۱۳	دلایل ولایت فقیه
۵۱۵	وظایف و شئون ولی فقیه (حاکم اسلامی)
۵۱۸	فصل ششم: عصر انتظار

۵۱۸	انتظار در فرهنگ شیعه
۵۱۸	اشاره
۵۲۲	انتظار چیست؟
۵۲۳	صبر و انتظار
۵۲۴	انتظار ظهور
۵۲۷	انتظار سازنده یا ویرانگر؟
۵۳۳	نقش فرهنگ انتظار در اصلاح جامعه
۵۳۳	مقدمه
۵۳۶	معیار ارزش انسانها
۵۳۷	مراقب دیدن امام(ع)
۵۳۸	نظارت امام بر اعمال شیعیان
۵۴۱	تأثیر دعاهاى دوران غیبت
۵۴۶	خوش بینی به آینده بشری
۵۴۸	انتظار و رهایی از جهل و غفلت
۵۴۹	حضور فعال در عصر انتظار
۵۴۹	مقدمه
۵۵۵	واحدهای اجتماعی همسو در عصر حضور
۵۶۴	شرایط عضویت در گروه یاران مهدی(ع)
۵۷۳	وظایف منتظران در عصر انتظار
۵۷۳	مقدمه
۵۷۴	معرفت نسبت به حضرت ولی عصر(ع)
۵۷۶	تمسک به ریسمان ولایت اهل بیت(ع)
۵۷۸	انتظار فرج
۵۸۱	تهذیب نفس و اصلاح فردی
۵۸۲	اصلاح اجتماعی
۵۸۴	آمادگی نظامی برای ظهور امام زمان(ع)

۵۸۵	یاد حضرت ولی عصر(ع)
۵۸۸	محبت به حضرت مهدی(ع)
۵۹۱	اندوهگین بودن در فراق حضرت
۵۹۳	شناخت عظمت و مقام حضرت مهدی(ع) و نگه داشتن حرمت او
۵۹۷	دعا برای فرج امام زمان(ع)
۶۰۰	دعا و زمزمه عاشقانه
۶۰۲	نبرد انتظارها
۶۰۲	اشاره
۶۰۴	هندوئیسم و اندیشه انتظار
۶۰۶	زرتشتیان
۶۰۸	یهودیان و مسیح موعود
۶۱۳	مسیحیان و بازگشت مسیح
۶۱۸	بازگشت مسیح از زاویه ای دیگر
۶۱۹	منتظران هارمجدون (آرماگدون)
۶۲۹	پایان سخن
۶۳۰	مهدویت و مدعیان دروغین
۶۳۰	مقدمه
۶۳۲	ادعاهای مدعیان
۶۳۴	انگیزه های مدعیان دروغین
۶۳۷	فصل هفتم: عصر ظهور
۶۳۷	عصر ظهور در کلام امام باقر(ع)
۶۳۷	مقدمه
۶۴۱	منتظران مزده باد
۶۴۲	یاران وفادار
۶۴۴	جهان در آستانه ظهور
۶۴۵	اقتدار حضرت مهدی(ع)

- ۶۴۷ ----- بانوان در دولت مهدوی
- ۶۴۸ ----- مخالفان دولت مهدوی
- ۶۵۱ ----- امدادهای غیبی در عصر ظهور
- ۶۵۱ ----- مقدمه
- ۶۵۳ ----- نصرت الهی
- ۶۵۴ ----- فرشتگان
- ۶۵۹ ----- القای ترس در دل دشمنان
- ۶۶۱ ----- نیروهای طبیعت
- ۶۶۳ ----- روزنه امید
- ۶۶۳ ----- اشاره
- ۶۶۶ ----- برهان فطری
- ۶۶۷ ----- اصل تکامل
- ۶۶۹ ----- هدایت عمومی
- ۶۷۴ ----- وقت ظهور
- ۶۷۴ ----- مقدمه
- ۶۷۸ ----- فقط خدا می داند
- ۶۸۶ ----- زمان ظهور در روایات
- ۶۸۸ ----- راه آگاهی امام زمان(ع)
- ۶۹۱ ----- حکمت‌های مخفی بودن زمان ظهور
- ۶۹۲ ----- مسجد در عصر ظهور
- ۶۹۲ ----- مقدمه
- ۶۹۵ ----- منع از تخریب مساجد
- ۶۹۶ ----- تخریب مساجد ملعونه
- ۷۰۰ ----- توسعه فیزیکی مساجد
- ۷۰۶ ----- یاران مهدی(ع)
- ۷۰۶ ----- مقدمه

۷۰۷	تنوع یاران
۷۱۶	گزینش یاران
۷۱۹	جنسیت یاران
۷۲۱	مقاطع سنی یاران
۷۲۴	آخرالزمان در فرهنگ مهدویت
۷۲۴	اشاره
۷۲۷	پیوند مهدویت با آخرالزمان
۷۳۰	علائم و نشانه های آخرالزمان
۷۳۶	سیمای زندگی در آخرالزمان
۷۳۹	نجات یافتگان آخرالزمان
۷۴۰	فصل هشتم: علائم ظهور
۷۴۰	نشانه های ظهور و قیام امام زمان(ع)
۷۴۰	مقدمه
۷۴۱	ضرورت بیان نشانه های ظهور
۷۴۳	الف) نشانه های عام و خاص
۷۴۶	ب) نشانه های حتمی و غیر حتمی
۷۴۹	ج) علائم با فاصله و بی فاصله
۷۵۱	د) علائم زمینی و آسمانی
۷۵۴	زمینه سازان ظهور
۷۵۴	مقدمه
۷۵۶	شناخت پروردگار
۷۵۸	شناخت امام زمان(ع)
۷۶۱	اطاعت محض از خداوند و اولیای او
۷۶۳	احترام خالصانه
۷۶۶	انتظار راستین
۷۷۰	آمادگی برای خدمت به حضرت مهدی(ع)

۷۷۲	خودسازی و دیگرسازی
۷۷۵	فصل نهم: پس از ظهور
۷۷۵	حکومت امام زمان (ع) تنها حکومت واحد جهانی
۷۷۵	مقدمه
۷۸۱	جهانی بودن رسالت اسلام
۷۸۳	اعتقاد به مهدویت
۷۸۶	نهضت اخلاقی در انقلاب جهانی مهدی موعود(ع)
۷۸۶	مقدمه
۷۸۷	گسست روابط انسانی
۷۹۰	پول پرستی
۷۹۳	گسست روابط خانوادگی
۷۹۵	رواج فرهنگ استثمارگری و درنده خویی
۷۹۷	انقلاب ارزشها
۸۰۱	روش حکومت امام زمان(ع)
۸۰۱	اشاره
۸۰۲	اصالت دادن به کتاب و سنت
۸۰۴	رفتار بر اساس سیره پیامبر و امامان(ع)
۸۰۵	روش سیاسی و اجتماعی
۸۰۷	روش مدیریتی و قضایی
۸۱۰	روشهای اقتصادی
۸۱۲	عدالت در دوران ظهور
۸۱۲	مقدمه
۸۱۵	ارزش عدالت
۸۱۹	تحقق عدالت به دست مهدی(ع)
۸۲۳	شمه ای از جلوه های رأفت حضرت مهدی(ع)
۸۲۳	مقدمه

۸۲۷	سیمای مهربان
۸۲۹	لطف بی انتها
۸۳۱	جلوه رحمت الهی
۸۳۳	امام مهدی(ع) بهار جانها
۸۳۳	مهدی بهار جانها
۸۳۷	بهار دلها
۸۳۹	بهار همه جانبه در طبیعت
۸۴۲	رجعت
۸۴۲	پیش گفتار
۸۴۳	مفهوم رجعت
۸۴۴	آثار رجعت
۸۴۵	انتقام گرفتن از ستمگران
۸۴۶	نصرت دین
۸۴۷	لذت بردن مؤمنان از حاکمیت اسلام
۸۴۸	براهین رجعت
۸۵۰	استدلال به آیات قرآنی
۸۵۷	استدلال به روایات معصومان(ع)
۸۵۹	الف) رجعت در احادیث
۸۶۲	ب) رجعت در زیارات معصومان(ع)
۸۶۶	ج) رجعت در ادعیه معصومان(ع)
۸۶۸	وقوع رجعت در امتهای گذشته
۸۷۴	رجعت کنندگان
۸۷۸	فصل دهم: امام مهدی(ع) در آینه شعر
۸۷۸	مهدویت در شعر حافظ
۸۷۸	گذری بر زندگی حافظ شیرازی
۸۸۰	عشق در بیان حافظ

- ۸۸۲ محبوب حافظ کیست؟
- ۸۸۳ نام حضرت مهدی (ع) در شعر حافظ
- ۸۸۴ غیبت امام زمان (ع)
- ۸۸۸ حافظ و انتظار
- ۸۹۱ تشریف خدمت ولی عصر (ع)
- ۸۹۵ شباهت حضرت مهدی (ع) به پیامبران (ع)
- ۸۹۹ سیمای ظاہری حضرت مهدی (ع)
- ۹۰۴ بشارت آمدن
- ۹۰۸ فهرست منابع و مآخذ
- ۹۴۳ درباره مرکز

امام مهدی (عج)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: امام مهدی علیه السلام/جمعی از نویسندگان مجله مبلغان؛ تنظیم اکبر اسد علیزاده

مشخصات نشر: قم: مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۶۱۲ص.

فروست: کتابهای مبلغان؛ ۲

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۷۴۲۸۰

ص: ۱

معرفی

مقدمه

با گذشت ۱۰ سال از انتشار مجله مبلغان، مجموعه ارزشمندی از مقالات در موضوعات فرهنگ و سیره اهل بیت (ع)، آموزش تبلیغ، اخلاق مبلغان، شبهه شناسی، پاسخ به سؤالات، معرفی چهره های تبلیغی، خاطرات و تجارب تبلیغی و... گرد آمده است که به نظر بسیاری از مبلغان و مربیان محترم، گنجینه ارزشمندی جهت استفاده در عرصه تبلیغ می باشد.

برخی از مباحث در این نشریه به صورت سلسله مقالات چاپ شده و در بعضی از موضوعات، مقالات فراوانی از زوایای مختلف مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته است. انتشار مقالات مرتبط با یک موضوع به صورت کتاب مستقل می تواند دسترسی مبلغان و مربیان محترم به مقالات خاص را تسهیل نموده، آنان را در تبلیغ دین یاری رساند؛ از اینرو طرح انتشار کتابهای مبلغان در جلسات هیئت تحریریه مجله مبلغان مطرح و تصویب گردید. درخواستهای مکرر خوانندگان مجله مبنی بر چاپ کتابهای مبلغان نیز بر انگیزه دست اندرکاران افزود.

اولین کتاب از این مجموعه با عنوان «تبلیغ در محرم» منتشر گردید و مورد استقبال مبلغان محترم قرار گرفت، و اینک دومین کتاب از مجموعه کتابهای مجله مبلغان با عنوان «امام مهدی (ع)» در اختیار شماست.

یاد آوری این نکته را لازم می دانیم که مقالات ارائه شده جهت استفاده در سخنرانی است؛ ولی شکل سخنرانی و هماهنگ سازی مطالب با مخاطبان و گره زدن بحث با نیازها، ظرفیتها و شرایط خاص آنان، به عهده سخنوران عزیز می باشد. شایسته است مبلغان و مربیان محترم با توجه به نیاز جلسه سخنرانی، با چینش مناسب و افزودن توضیحات و مواد لازم، محتوای مقالات را مطرح کنند.

امیدواریم نوشته حاضر که محصول زحمات نویسندگان و مجریان مجله مبلغان است، مورد لطف و توجه خاص حضرت بقیهالله الاعظم(ع) قرار گیرد و مبلغان و مربیان را در تبلیغ معارف اسلامی یاری رساند.

در پایان از برادر ارجمند جناب حجه الاسلام و المسلمین اکبر اسدعلیزاده که زحمت تنظیم این اثر را پذیرفتند و به خوبی از عهده آن برآمدند تقدیر و تشکر می کنیم و ضمن استقبال از نظرات ارزشمند مبلغان و پژوهشگران گرامی، امیدواریم خوانندگان محترم، ما را از دعای خیر خویش محروم نفرمایند.

هیئت تحریریه مجله مبلغان

(بَقِيَتْ لِلَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ) (۱)

سلام بر تو ای تمام زیباییها، ای وعده ازلی، ای پناه سرمدی؛

سلام بر تو ای مدار نیکیها، ای مدار پاکیها، ای مدار کمال و ایمان؛

سلام بر تو ای روشنی بخش دلها، ای امید مظلومان، ای امید دلهای عاشق، و ای نور امید؛

سلام بر تو ای پرچم دار عدل و داد، ای صراط مستقیم، ای کشتی نجات، ای غایه القصوی، و ای یعسوب دین؛

سلام بر تو ای خاتم الاوصیا و ای خاتم الائمه(ع)، ای قیم الزمان، و ای قائم الزمان؛

سلام بر تو ای بقیه الله، ای بقیه الانبیاء، ای بقیه الاوصیاء؛

سلام بر تو ای خلیفه الرحمان، ای خلیفه الله، ای خلیفه الاتقیاء؛

سلام بر تو ای نورالله، عین الله، حجه الله، ای نور الاصفیاء، ای نور الاتقیاء، و ای ولی الله الاعظم؛

همه عاشقانت بی صبرانه منتظر دیدار جمال نورانی تواند.

حمد و ثنای بی پایان، خداوند را سزد که در برابر نعمتهای بی شمارش، همه از شکر عاجز و از سپاسگذاری ناتوانند، بویژه در مقابل نعمتی چون امام عصر و الزمان حضرت حجه بن الحسن العسکری روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء که با اعطای این نور بی نهایت بر بشریت منت نهاده است.

نعمتی که مظهر اسمای حسنای خداوند و واسطه فیض بی کران الهی و قلب عالم امکان است و جهان هستی از وجود او پیاست و جنبندگان از وجود او متعمند و بشریت به امید او زنده اند و به انتظار او نشسته اند.

آمدن منتظر موعود آرزوی تمام دردمندان و ستمدیدگان تاریخ با هر آیین و مذهبی است. همگان دریافته اند که در آینده، روی زمین منجی جهانی و مشترک که ریشه در تمام مذاهب و ملل و نحل انسانی دارد ظهور خواهد کرد و آینده جهان روزی را خواهد داشت که در آن جامعه بشری پر از عدل و داد شود و افراد انسانی با صلح و صفا، هم زیستی نمایند و غرق در فضیلت و کمال شوند. البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود و رهبر چنین جامعه ای منجی جهان بشری و به لسان روایات «مهدی موعود» است.

در ادیان و مذاهب گوناگون مانند: ثنویت، کلیمیت، مسیحیت، مجوسیت و اسلام، از کسی که نجات دهنده بشریت است سخن به میان آمده و عموماً ظهور او را نوید داده اند، اگرچه در تطبیق با هم اختلاف نظر دارند. (۱) طبق فرموده پیامبر اکرم (ص) او (مهدی) از نسل پیامبر اعظم (ص) است. او می آید و بر تمام گیتی اسلام عزیز را گسترش می دهد و بر اساس اسلام ناب محمدی (ص) حکومت جهانی تشکیل می دهد و دین اسلام به خواست خدا بر همه ادیان غالب خواهد گشت. (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) (۲).

روش تدوین

ص: ۶

۱- ر.ک: شیعه در اسلام، علامه سید محمد حسین طباطبایی، ص ۲۲۱ و ۲۲۲.

۲- صف / ۸.

آنچه در این مجموعه گرد آمده است حدود ۶۰ مقاله چاپ شده در مجله مبلغان می باشد که با توجه به موضوعات مقالات در ده فصل تنظیم و در اختیار مبلغان و محققان عزیز قرار می گیرد. در تنظیم این اثر اقدامات زیر انجام شده است:

۱. ارائه طرح جامع بر اساس موضوعات و عناوین مقالات و تنظیم منطقی آنها طبق طرح ارائه شده.

۲. یکسان سازی و ویرایش علمی در موارد لزوم.

۳. حذف مطالب تکراری.

۴. ادغام برخی از مقالات دارای موضوعات مرتبط.

۵. یکسان سازی منابع و مستندات مطالب مقالات.

۶. تصحیح و اعرابگذاری آیات و روایات، و اضافه یا حذف متن آنها در موارد لزوم.

۷. مستند سازی برخی از آیات و روایات و مطالب علمی ارائه شده بدون سند.

ص: ۷

۸. تلخیص و تکمیل برخی از موضوعات و مقالات.

۹. ارائه فهرست تفصیلی مطالب.

۱۰. ارائه فهرست منابع و مأخذ.

در پایان بر خود لازم می دانم از تک تک محققین، اعضای هیئت تحریریه، سردبیر و مدیر مسئول محترم مجله مبلغان، امور فنی و از تمام برادرانی که در تنظیم و تدوین این اثر کمک کردند تقدیر و تشکر کنم. امیدوارم این تلاشها مورد قبول حضرت باری تعالی قرار گیرد و همه ما از عنایات و توجهات ویژه حضرت بقیهالله الاعظم ارواحنا فداه بهره مند گردیم.

والسلام علیکم ورحمہ اللہ

۶ رجب المرجب ۱۴۳۰ ق مطابق با ۸ تیرماه ۱۳۸۸ ش

قم المقدسه

اکبر اسدعلیزاده

ص: ۸

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان (ع)

تولد و کودکی امام زمان (ع)

مقدمه

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان (ع)

تولد و کودکی امام زمان (ع)

مقدمه

امام حسن عسکری (ع) پدر بزرگوار امام عصر (ع) با سه خلیفه عباسی (معتز، مهتدی و معتمد) معاصر بود و هر یک از این سه نفر، فشارهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی شدیدی علیه امام تحمیل کردند. معتز دستور قتل امام را به سعید حاجب داد (۱) که خلیفه با دعای امام، نابود شد.

مهتدی نیز با اینکه به زهد مشهور شده بود، (۲) برای نابودی جامعه علویان و امام آنان کوشید. وی امام را زندانی کرد و از پاسخ امام به احمد بن محمد می توان دریافت که مهتدی همواره در صدد نابودی امام بود. امام به او فرمود: «ذَاكَ أَقْصَىٰ لِعُمُرِهِ عُدٌّ مِنْ يَوْمِكَ هَذَا خَمْسَةَ أَيَّامٍ وَ يُقْتَلُ فِي الْيَوْمِ السَّادِسِ...» (۳) عمر او کوتاه تر از آن است که فکر می کند. از امروز تا پنج روز بشمار، در روز ششم کشته خواهد شد.»

پس از او نیز (۲۵۶ ق) نوبت به معتمد رسید. وی بدتر از دو خلیفه پیشین با امام رفتار کرد و حضرت را به دست یحیی بن قتیبه _ که امام را در مقابل شیرها انداخت _ سپرد. (۴)

ص: ۹

- ۱- مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۳۱ و البدایه و النهایه، ج ۱۱، ص ۱۶.
- ۲- الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۲۳۳.
- ۳- اصول کافی، ج ۱، ص ۵۱۰، ح ۱۶.
- ۴- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۳۰.

به هر حال، امام دورانی پر اضطراب (۶ سال) را پشت سر گذاشت. تاریخ نشان می دهد که آگاهی خلفا از ظهور دوازدهمین نور محمدی از صلب امام حسن عسکری (ع) عمده ترین دلیل آزارهایی بود که بر حضرت وارد می کردند. خود امام نیز به این واقعیت تصریح می کرد؛ از جمله فرمود: «ستمگران گمان بردند مرا می کشند تا این نسل را قطع کنند.» (۱)

آری آنان به سان «فرعون»، حتی همسر و کنیزهای حضرت را نیز تحت نظر می گرفتند تا مبادا آن شمع محمدی پای به عرصه وجود بگذارد؛ اما در مقابل اراده الهی چه می توانستند بکنند:

(يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ)؛ (۲) «کافران می خواهند که نور خدا را با [نفس] دهانهایشان خاموش کنند و خدا نمی گذارد؛ مگر اینکه نور خود را به انتها برساند.»

ص: ۱۰

۱- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۷۹ و اثبات الهداه، ج ۶، ص ۱۳۹ و ۳۴۲.

۲- . توبه/۳۲. (يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ) (صف/۸). این آیات را از جمله به تشکیل حکومت جهانی به دست حضرت ولی عصر (ع) تأویل کرده اند.

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان(ع)

تولد و کودکی امام زمان(ع)

بانویی از نسل شمعون

نرجس مادر امام عصر(ع)، بانویی از نسل حواریون حضرت عیسی(ع) بود. قدرت الهی و تقدیر حق، او را برای همسری امام یازدهم از روم به سامرا راهی کرد تا گوهر تابناک مهدویت در دامن او پرورش یابد.

اما اینکه نرجس چگونه به «سامرا» رسید، خود حکایتی شگفت انگیز است که در کتب بسیاری به شرح آن پرداخته اند؛ مانند: فاضل قندوزی از علمای اهل سنت، (۱) شیخ طوسی، شیخ صدوق و... اکنون به اختصار به این رویداد شگفت اشاره می کنیم.

بشر بن سلیمان از فرزندان ابو ایوب انصاری می گفت که روزی کافور _ یکی از خدمتگزاران امام هادی(ع) _ نزد آمد و گفت: «امام تو را می خواهد.» من خدمت امام رسیدم. حضرت فرمود: «ای بشر! تو از اولاد انصار هستی که در زمان ورود حضرت رسول اکرم(ص) به یاری آن جناب شتافتند و دوستی شما برای ما مسلم است. بنابراین من به شما اطمینان زیادی دارم و می خواهم افتخاری به تو بدهم. رازی را با تو می گویم که نزدت محفوظ بماند.»

ص: ۱۱

۱- ینابیع الموده، ص ۴۴۹ و ۴۵۱ و ر، ک: اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۷ و الغیبه، ص ۱۲۴. در جلاء العیون به طور مبسوط از ابن بابویه و شیخ طوسی نقل می کند، ص ۱۰۰۱ _ ۱۰۰۷.

حضرت، نامه ای به خط رومی نگاشت و مهر زد و کیسه زردی بیرون آورد و هر دو را به من داد. سپس فرمود: «به بغداد اعزام شو. صبح فلان روز، سر پل فرات برو و متوجه عمر بن زید باش که نزدش کنیزی است که دو لباس حریر پوشیده است و خود را از دسترس مشتریان حفظ می کند... نزد فروشنده برو و بگو: من نامه ای دارم که یکی از بزرگان به خط رومی نوشته است. نامه را به کنیزک نشان بده تا درباره نویسنده اش بیندیشد. اگر به او تمایل پیدا کرد و شما هم راضی شدی، من به وکالت، او را می خرم.»

بشر بن سلیمان می گوید که من به فرموده حضرت عمل کردم. چون او نگاهش به نامه افتاد، به شدت گریست و به عمر بن زید نگاه کرد و گفت: «مرا به صاحب این نامه بفروش...». به این ترتیب با هم راهی شدیم. او نامه را روی چشمانش می گذاشت و می بوسید. گفتم: «خیلی جای تعجب دارد که نامه ای را می بوسی که نویسنده اش را نمی شناسی.»

گفت: «آنچه می گویم، بشنو تا علت این علاقه مرا دریابی.» آن گاه به شرح زندگی خود پرداخت سپس گفت که من ملیکه، دختر یسوعا، پسر قیصر هستم. مادرم از فرزندان حواریین است و نسبم به حضرت عیسی (ع) می رسد. پدر بزرگم می خواست مرا به ازدواج برادرزاده اش در آورد؛ اما در مراسم عروسی، ناگهان صلیبها از بلندی بر زمین ریخت و پایه های تخت شکست. بار دیگر، همه چیز را مرتب کردند تا دوباره عقد بخوانند؛ ولی همان حادثه روی داد و همه حضار پراکنده شدند.

آن شب من در خواب دیدم که حضرت عیسی و شمعون، وصی او و گروهی از حواریون در قصر اجتماع کرده اند. طولی نکشید که محمد(ص) پیغمبر خاتم، داماد و جانشین او و عدّه ای از فرزندان او وارد شدند. حضرت عیسی(ع) به استقبال شتافت. پیامبر(ص) فرمود: «یا روح الله! من به خواستگاری دختر وصی شما شمعون برای فرزندم آمده ام.» در این حال به امام عسکری(ع) اشاره کرد... و آن گاه که حضرت عیسی(ع) و شمعون قبول کردند، پیامبر بالای منبر رفت و خطبه خواند. سپس حضرت عیسی(ع) و حواریون را گواه گرفت.

وقتی از خواب بیدار شدم از ترس جان خود، خواب را برای پدر و جدّم نقل نکردم و پیوسته آن را در صندوقچه قلبم نهفته می داشتم و روز به روز ضعیف تر می شدم... تا اینکه چهارده شب گذشت و در خواب، حضرت فاطمه(س) را همراه حضرت مریم دیدم.

بی درنگ، دامن مبارک حضرت فاطمه(س) را گرفتم و بسیار گریستم و شکوه کردم از اینکه امام حسن عسکری(ع) به دیدنم نمی آید. او فرمود: «چون تو در مذهب نصارا هستی، او به دیدن نمی آید.» سپس من به یگانگی خدا و رسالت پیامبر اکرم(ص) شهادت دادم و از آن شب به بعد، امام را در خواب ملاقات می کردم تا اینکه یک شب امام در خواب به من فرمود: «قیصر، لشکری به جنگ مسلمانان می فرستد.» به طور ناشناس در لباس خدمتگزاران به آنها محلق شو. من چنان کردم و به اسارت مسلمانان در آمدم تا اینکه چنین به اینجا رسیدم.

راوی می گوید: «من او را به سرّ من رأی بردم و خدمت حضرت امام هادی(ع) رساندم...». حضرت به او فرمود: «می خواهم تو را گرامی بدارم. کدام یک بهتر است: ده هزار اشرفی یا بشارت به شرافت ابدی؟!»

گفت: «بشارت به شرف ابدی می خواهم.» حضرت فرمود: «بشارت باد تو را به فرزندی که پادشاه مشرق و مغرب عالم خواهد شد و زمین را از عدل پر خواهد کرد، پس از آن که از ظلم پر شود.»

او پرسید: «این فرزند از چه کسی به عمل خواهد آمد.» امام فرمود: «از آن کسی که حضرت پیامبر، تو را برایش خواستگاری کرد...»

آن گاه امام، «کافور» را خواست و فرمود: «از خواهرم حکیمه بخواه بیاید.» وقتی حکیمه آمد، فرمود: «این همان دخترکی است که می گفتم.» حکیمه او را در آغوش کشید و نوازش کرد. امام فرمود: «ای دختر رسول خدا! او را به خانه ببر و واجبات و سنتها را به وی بیاموز. او همسر حسن و مادر صاحب الامر است.» (۱)

به این ترتیب بانویی پاکدامن، عفیف و منزّه، از نسل شمعون به خانه امام هادی(ع) پا گذاشت و به دلیل پالایش درونی و کسب مقامات علمی و دینی به مقامی والا- در آن خاندان دست یافت. آنچه از تاریخ بر می آید این است که حضرت هادی(ع) او را فوری به عقد فرزندش در نیاورد؛ بلکه مدت‌ها او را تحت آموزشهای لازم قرار داد. او به سرعت به چنان مقامی رسید که سیمای نورانی و اخلاق ربانی اش توجه حکیمه را به خود جلب و وی را به احترام به مقام او وادار می کرد.

ص: ۱۴

۱- . کتاب الغیبه، طوسی، ص ۲۰۸؛ اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۶ و اثبات الهداه، ج ۷، ص ۲۸۹.

یک روز امام حسن (ع) به خانه حکیمه رفت و چشمش به نرجس افتاد. حکیمه پرسید: «آیا او را می پسندی؟» امام که متوجه منظور او شده بود، فرمود: «این نگاه از روی تعجب بود؛ زیرا به زودی حق تعالی از او فرزند بزرگواری متولد می کند که عالم را پر از عدل و داد می کند؛ آن گاه که از ظلم و جور پر شود.» حکیمه پرسید: «پس او را نزدتان بفرستم؟» امام فرمود: «در این باره با پدرم سخن بگو.» در پی این گفتگو، حکیمه خود را بی درنگ به امام هادی رساند؛ اما پیش از آنکه سخن بگوید، آن حضرت فرمود: «ای حکیمه! نرجس را برای فرزندم بفرست.» حکیمه با شگفتی گفت: «من هم برای همین آمده ام.» به هر صورت حکیمه (س) عهده دار امور آنان شد و شب زفاف نیز در خانه او برگزار شد.

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان(ع)

تولد و کودکی امام زمان(ع)

گل نرگس

پس از شهادت امام هادی(ع) امر امامت بر عهده امام عسکری(ع) قرار می گیرد و در این دوره است که گل نرگس می شکفتد. حکیمه خاتون(س) می گوید که آن روز نیز مثل هر روز به خانه امام حسن(ع) رفتم. همسرش نرگس پیش آمد و گفت: «ای خاتون! اجازه دهید کفشتان را در بیاورم. گفتم: «خاتون و صاحب من تو هستی. هرگز نمی گذارم تو کفش از پای من درآوری و به من خدمت کنی؛ بلکه من به شما خدمت می کنم.» حضرت عسکری(ع) که این سخنان را می شنید، فرمود: «عمه جان! خدا به تو جزای خیر دهد.»

تا غروب آنجا بودم، وقتی خواستم به خانه خود برگردم، از خدمتکار خانه خواستم لباسهای مرا بیاورد. امام تا صدای مرا شنید، فرمود: «ای عمه! امشب مرو و بمان! چون امشب، فرزند ارجمندی متولد می شود که حق تعالی به او زمین را به علم و ایمان و هدایت زنده می گرداند، پس از آنکه به شیوع کفر و ضلالت مرده باشد...» با شگفتی پرسیدم: «من که در نرجس، اثر حملی نمی بینم...» برخاستم و نزد او رفتم، ولی اثری نیافتم؛ از این رو برگشتم و گفتم: «اثری از حمل نیست.»

حضرت لبخندی زد و فرمود: «وقتی صبح بدمد، اثر حمل ظاهر می شود و مثل او مثل مادر موسی(ع) است که هنگام ولادت، هیچ اثری بر او ظاهر نشد و احدی بر حالش مطلع نشد؛ زیرا فرعون شکم زنان حامله را می شکافت تا موسی(ع) را بیابد و این فرزند نیز در این امر شبیه به حضرت موسی(ع) است.»

حکیمه می گوید: «نزد نرجس برگشتم و او را نیز مطلع کردم.» گفت: «ای خاتون! من که هیچ اثری نمی بینم.» در هر صورت، شب را در آنجا ماندم و افطار کردم و نزدیک نرجس خوابیدم. من هر لحظه، حواسم به وی بود و او خوابیده بود. آن شب بیشتر از شبهای پیش به نماز و تهجد برخاستم و نماز شب خواندم. چون به نماز وتر رسیدم، نرجس از خواب برخاست، وضو گرفت و نماز شب خواند.

صبح کاذب دمیده بود و در دل، گویی لحظه ای به شک افتادم؛ اما همان لحظه امام ندا داد: «شک نکن که وقتش نزدیک شده است.» در این زمان، اضطرابی در سیمای نرجس مشاهده کردم، او را در بر گرفتم و نام الهی را بر او خواندم. امام ندا داد که سوره «قدر» را بخوان؛ آن گاه من از حال نرجس پرسیدم، گفت: «اثر آنچه مولایم فرموده بود، ظاهر شده است.»

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان(ع)

تولد و کودکی امام زمان(ع)

وقایع خیره کننده

شیوه تولد امام، همانند شیوه حمل او شگفت آور بود. وقایع شگفت انگیز دیگری نیز در زمان به دنیا آمدن آن حضرت رخ داد که به بعضی از آنها اشاره می شود.

۱. سخن گفتن، پیش از تولد

حکیمه خاتون می گوید که سوره قدر را می خواندم که شنیدم کودک در دل مادر با من همراهی کرد و او نیز همین سوره را تلاوت کرد و سپس به من سلام کرد. من ترسیدم، حضرت صدا زد و فرمود: «از قدرت الهی تعجب نکن که خداوند، کودکان ما را به حکمت گویا می کند و ما را در بزرگی، حجت خود در زمین می گرداند.» (۱)

۲. ادای شهادت، پس از تولد

ص: ۱۸

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳ و جلاء العیون، ص ۱۰۰۹.

[پس از تولد] وقتی وارد شدم، نوزادی را دیدم که دو زانو رو به قبله نشسته و دستهای مبارکش را به آسمان بلند کرده بود و می گفت:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ أَنَّ أَبِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ عَدَّ إِمَامًا إِمَامًا إِلَى أَنْ بَلَغَ إِلَيَّ نَفْسِهِ فَقَالَ (ع) اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَ أْتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَ تَبِّثْ وَ طَأْتِي وَ اْمَلَأِ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَ قِسْطًا؛ (۱)» «شهادت می دهم که معبودی جز الله نیست، شریکی ندارد و اینکه جدم رسول خدا است و اینکه پدرم امیرمؤمنان است. سپس هر یک از امامان را شمرد تا به خودش رسید، پس گفت: خدایا! به وعده ای که به من دادی وفا کن و امر [قیام] مرا تمام فرما، قدمهایم را ثابت بدار و با من، جهان را پر از عدل و داد کن.»

۳. ساطع شدن نور

ص: ۱۹

۱- . بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۳.

از غیاث بن اسد روایت شده است که محمد بن عثمان عمری گفت: «لَمَّا وُلِدَ الْخَلْفُ الْمَهْدِيُّ صَيَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَيِّطَعَ نُورٌ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ إِلَى عَنَانِ السَّمَاءِ ثُمَّ سَقَطَ لِوَجْهِهِ سَاجِدًا لِرَبِّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَهُوَ يَقُولُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ...» (۱) (وقتی مهدی (ع) متولد شد، نوری از بالای سر او به سوی آسمان بلند شد، سپس به رو برای خدایش به سجده افتاد و آنگاه سرش را بلند کرد در حالی که می گفت: شهادت می دهم که خدایی جز خداوند نیست و ملائکه و صاحبان علم [نیز شهادت می دهند. خدایی که] به عدل و داد قیام می کند....»

۴. قرائت قرآن

ص: ۲۰

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶.

امام در همان لحظات اولیه تولد به یگانگی خدا شهادت داد و... این آیه را تلاوت کرد: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُبْرِئَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ.) (۱)

ص: ۲۱

۱- . بحار الأنوار ، ص ۴، قصص ۵ و ۶ . در روایت دیگر است که امام حسن (ع) از او خواست سخن بگوید. وقایع دیگری نیز ذکر شده است: جلاء العیون، ص ۱۰۱۰ به بعد.

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان (ع)

تولد و کودکی امام زمان (ع)

رشد امام

چنین بود که در نیمه شعبان سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ ق امام زمان (عج) چشم به جهان گشود.

آن حضرت پس از تولد، به سرعت رشد کرد و این امر نه تنها در امور باطنی بلکه از حیث ظاهری نیز به وضوح مشاهده می شد. حضرت امام عسکری (ع) او را به روح القدس سپرد و فرمود: «تو را به کسی سپردم که مادر موسی، فرزندش را به او سپرد.» حکیمه می گوید که پرسیدم: «وی که بود که فرزند را به وی سپردید؟» فرمود: «روح القدس بود که موکل بر ائمه است. ایشان را از جانب خدا موفق می کند و از خطا نگاه می دارد و به علم زینت می دهد.»

چهل روز بعد، وقتی نزد امام رفتم، کودکی را دیدم که در خانه راه می رفت. گفتم: «ای آقای من! این طفل دو ساله کیست؟» حضرت لبخندی زد و فرمود: «اولاد پیغمبران و اوصیای ایشان، هر گاه امام باشند، برخلاف دیگر کودکان رشد می کنند و یک ماهه ایشان، برابر با یک ساله دیگران است. آنها در شکم مادر سخن می گویند و قرآن می خوانند و عبادت می کنند و هنگام شیرخوردن، ملائکه از آنها فرمان می برند و هر صبح و شام نزدشان حاضر می شوند.»

ص: ۲۲

حکیمه می گوید که هر چهل روز یک مرتبه، خدمت او می رسیدم، تا آنکه چند روز پیش از شهادت امام عسکری (ع) نیز خدمتش رسیدم. او را به صورت یک مرد کامل شناختم. به فرزند برادر گفتم: «این مرد که به من می فرماید نزدش بنشینم کیست؟» فرمود: «این فرزند نرجس و خلیفه من پس از من است و زود باشد که من از میان شما بروم. باید سخن او را قبول کنی و امرش را بپذیری.» (۱)

ص: ۲۳

۱- . جلاء العیون، ص ۱۰۱۱ و اکمال الدین، ص ۴۲۶.

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان (ع)

تولد و کودکی امام زمان (ع)

امام عسکری (ع) و تولد فرزند

۱. اعلام به دوستان خاص

به طور طبیعی امام سعی داشت، موضوع تولد فرزند مخفی بماند. اساساً نوع تولد (که اثر حمل در یک شب ظاهر می شود) نیز گویای همین موضوع است. طبق سخن امام، تولد او به موسی (ع) شباهت دارد؛ زیرا فرعون تولد موسی را انتظار می کشید و فرمان دریدن شکمها را صادر کرده بود. این امر اثبات می کند که حکومت در این باره نیز همین حساسیت را داشت؛ با این تفاوت که آنها براساس محاسبات غلط، در زمان شهادت امام عسکری (ع) به این کار روی آوردند و حتی کنیزان و ... را تحت کنترل گرفتند تا اگر فرزندی باشد، او را به قتل برسانند و چون از آن هم نتیجه ای نگرفتند، گمان بردند فرزندی در کار نیست.

با توجه به این حساسیت بود که امام در کنار رعایت سنتها و حتی اطعامها _ که احیاناً به طور مخفی و با عناوین دیگر بوده است _ یاران با وفا و مطمئن را از این امر آگاه می کرد. کمترین فایده این کار، زدودن شبهه امام نبودن خود حضرت عسکری (ع) به دلیل نداشتن فرزند بود؛ از این رو شاهد هستیم که پس از اعلام، آنان که از حق برگشته بودند، بار دیگر به محق بودن امام حسن (ع) اعتراف می کنند.

صدوق از احمد بن حسین قمی روایت می کند که وقتی فرزند امام متولد شد، از ناحیه امام نامه ای به جدم، احمد بن اسحاق رسید. در آن نامه نوشته شده بود:

«برای ما مولودی ولادت یافت. باید نزد تو مستور و از مردم پنهان بماند؛ زیرا آن را بر کسی ظاهر نمی کنیم؛ مگر نزدیک تر را به سبب نزدیکی اش و دوستدار را به سبب ولایتش. اعلام آن را به تو می پسندیم تا خداوند، تو را به آن شاد کند؛ همان گونه که ما را شاد کرد.» (۱)

مسعودی نیز از اثر انتشار این خبر، میان دوستداران خبر می دهد و می گوید که احمد بن اسحاق به امام عسکری (ع) عرض کرد: «وقتی نامه بشارت شما به ولادت آقای ما رسید، از مرد و زن و پسری که به مرتبه فهم رسیده باشد، کسی نماند؛ مگر آن که قائل به حق شد. حضرت فرمود: «آیا نمی دانید که زمین از حجت خدا خالی نمی ماند.» (۲)

در روایتی می خوانیم که پدر در روز سوم تولد، او را به اصحاب نمایاند و فرمود: «این است جانشین من و امام شما پس از من و او همان قائمی است که گردنها به انتظار او کشیده می شود. پس وقتی زمین پر از جور و ستم شد، ظاهر می شود و آن را از عدل و داد پر می کند.» (۳)

ص: ۲۵

۱- . منتخب الأثر، ص ۲۴۳ و ۲۴۴.

۲- . منتخب الأثر، ص ۲۴۵ و ۲۴۶.

۳- . ینابیع الموده، ص ۴۶۰.

آری امام از تولد این مولود مبارک بسیار خوشنود بود؛ از این رو فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ خَلْقًا وَ خُلُقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يَظْهَرُ فِيمَا الْأَرْضِ قَسِيطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِثْتُ جُورًا وَ ظُلْمًا.» (۱)

۲. مطرح ساختن فرزند

شیوه دیگر امام عسکری (ع) این بود که به اصحاب و یاران ویژه خویش، قدر و منزلت فرزندش را بنمایاند و قلب آنان را به این واقعیت مطمئن سازد که کودکی می تواند امام آنان پس از وی باشد؛ از این روی امام زمان (عج) نیز با پاسخگویی به خواسته های پدر و بروز علم و دانش خود، دوستداران اهل بیت را در رسیدن به این یقین یاری می داد. سعد بن عبدالله اشعری، یکی از این اشخاص است که با انبوهی از سؤالات همراه احمد بن اسحاق (نماینده امام عسکری (ع) در قم) به محضر امام یازدهم رسید.

او می گوید که وقتی داخل شدیم، چشمانمان بر ابی محمد (ع) افتاد. صورتش مانند ماه شب بدر بود و بر روی پایش کودکی دیدیم که در زیبایی به ستاره مشتری می ماند. احمد بن اسحاق، سرپوش را برداشت و کیسه های [پول و... که مردم داده بودند] را نزد حضرت گذاشت؛ اما امام به فرزندش رو کرد و فرمود: «فُضَّ الْخَاتَمُ عَنْ هِدَايَا شِيعَتِكَ وَ مَوَالِيكَ؛ مَهْرٌ مِنْ هِدَايَا شِيعِيَانِ وَ دُوسْتَدَارَانِ خُودِ بَرْدَارِ.» کودک فرمود: «ای مولای من! آیا جایز است که دست پاکیزه به هدایای نجس و اموال پلید دراز کنم.» امام عسکری (ع) رو به احمد کرد و فرمود: «آنچه در سرپوش است، خارج کن تا حلال و حرام را جدا کند.»

ص: ۲۶

وقتی چنین کرد، کودک فرمود: «این کیسه مربوط به فلان شخص از فلان محله قم و هفتاد و دو دینار است. چهل و پنج دینار مربوط به فروش خانه است که از پدر به ارث برد و چهارده دینار آن بابت فروش هفت دست لباس و سه دینار آن بابت کرایه مغازه هاست.» امام عسکری (ع) فرمود: «راست می گویی فرزندم! این مرد را در آنچه از این مال حرام است، راهنمایی کن.» در پی امر امام، او نیز چنین کرد و وضع تمام کیسه ها را به همین روش شرح داد. سعد بن عبدالله می گوید که آن گاه امام به من فرمود: «مسائل خود را از نور چشمم بیس. من نیز آن مسائل را پرسیدم و یک به یک جواب گرفتم.» (۱)

ص: ۲۷

۱- احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۸.

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان(ع)

تولد و کودکی امام زمان(ع)

پس از پدر

حضرت عسکری(ع) همچون اجداد خود پیش از شهادت، ودایع امامت را به ولی عصر(عج) سپرد و به نقل از احمد بن اسحاق در سال ۲۵۹ق مادرش را به حج فرستاد و [پیش از رفتن مادر] او را از شهادت خود در سال دیگر و فتنه های پس از شهادتش مطلع ساخت. سپس اسمای اعظم الهی و مواریث پیامبران و اسلحه و کتب حضرت رسالت را به حضرت صاحب الامر تسلیم کرد و مادر آن جناب، متوجه مکه شد. (۱)

ابوالادیان نیز می گوید که من خدمت ابی محمد(ع) بودم و نامه هایش را به شهرها می بردم. روزی در آن بیماری که بر اثرش به شهادت رسید، مرا خواست و چند نامه به من داد و فرمود: «پس از پانزده روز به سامرا خواهی رسید و صدای شیون از خانه من خواهی شنید و مرا در آن وقت غسل می دهند.» گفتم: «ای سید من! اگر چنین شد، امام من کیست؟» فرمود: «هر که جواب نامه های مرا از تو بخواهد.» گفتم: «نشانه دیگر بدهید.» فرمود: «هر که بر من نماز بخواند.» باز نشان خواستم، فرمود: «هر که بگوید در همین چیست؟»

ص: ۲۸

ابوالادیان طبق برنامه رفت و برگشت و اوضاع را همان گونه دید. خود می گوید که دیدم جعفر کذاب بر در خانه نشسته است و شیعیان گرد او جمع شده اند و وی را به وفات برادر تعزیت و به مقام امامت تبریک می گویند. با خود گفتم: «اگر این امام است، پس امامت نوع دیگر شده است؛ زیرا این فاسق، اهلیت امامت ندارد. خود دیده ام که شراب می خورد، قمار می باخت و...»

به هر حال من هم تعزیت و تهنیت گفتم؛ ولی او هیچ سؤالی از من نکرد. در این حال، عقبه خادم بیرون آمد و به جعفر کذاب گفت: «برادرت را کفن کرده اند. بیا بر او نماز بخوان.» جعفر برخاست و شیعیان با او همراه شدند. وقتی به صحن خانه رسیدیم، دیدیم که امام را کفن کرده و بر روی تابوت گذاشته اند. جعفر، پیش ایستاد که بر برادر اطهر نماز گذارد، ولی پیش از آنکه تکبیر بگوید طفلی گندمگون، پیچیده موی، گشاده دندان، مانند پاره ماه بیرون آمد و ردای جعفر را کشید و گفت: «ای عمو! عقب بایست که من به نماز بر پدر خود از تو سزاوارترم.»

جعفر بی درنگ عقب آمد و رنگش عوض شد. آن نوجوان ایستاد و بر پدر نماز خواند و او را کنار امام علی النقی (ع) به خاک سپرد. سپس متوجه من شد و فرمود: «ای بصری! جواب نامه را که با توست بده!» من هم دادم و در خاطر خود گفتم: «این دو نشان!»... سپس از خانه بیرون آمدیم.

در آن حال، جماعتی از اهل قم آمدند و از امام عسکری (ع) سؤال کردند. وقتی فهمیدند امام به شهادت رسیده است، از امام بعدی سؤال کردند. مردم، جعفر را نشان دادند. آنها نیز جلو رفتند و به «جعفر»، تعزیت و تهنیت گفتند و افزودند: «با ما نامه و مقداری اموال است. بگو نامه ها از چه کسانی است و مالها چقدر است تا آنها را تسلیم کنیم.» جعفر برخاست و گفت: مردم از ما علم غیب می خواهند.» در همان حال خادم بیرون آمد و از طرف حضرت صاحب الامر گفت: «با شما نامه فلان و... و هزار اشرفی است که ده عدد آن را با طلا روکش کرده اند.» وقتی بررسی کردند دیدند همان گونه است.

جعفر کذاب به جای آنکه از این همه آبرو ریزی شرمنده شود، این بار نزد خلیفه رفت و او را از آنچه دیده بود آگاه کرد. وی نیز خدمتکاران خود را فرستاد. آنان کنیز امام (صیقل) را گرفتند تا کودک را نشان دهد. او انکار کرد و برای رفع ظن آنها گفت که خود حملی در شکم دارد. به این ترتیب او را به ابن ابی الشوارب قاضی سپردند که پس از تولد فرزند، وی را بکشد. بعدها کنیز آزاد شد. (۱)

ص: ۳۰

به این ترتیب، امام در آن لحظات حساس، پس از شهادت پدر حاضر شد و فرصت هر نوع سوء استفاده را از خلیفه، عمومی فرصت طلب و هر شخص دیگر گرفت. و امامت وی برای خیل جمعیت حاضر آشکار شد؛ زیرا تمام افرادی که برای نماز میت حاضر بودند در آن صحنه با شکوه حضور یافتند و آن را برای همه نقل کردند. (۱)

و البته این امر، دشمن خون آشام عباسی را به تلاش مضاعف وامی داشت که بی درنگ به دستگیری و نابودی نور الهی اقدام کند. بر اساس همین امر بود که مسئله غیبت امام به طور طبیعی ضرورت یافت تا نور خداوندی برای همیشه روشن بماند و حجت الهی از زمین محو نشود.

ص: ۳۱

۱- . برخورد امام عصر با مأمور خلیفه که برای تفتیش خانه امام عسکری(ع) در خانه را شکسته و وارد شده بود نیز از دلایل حضور ظاهری حضرت (البته به طور ناشناس) در این دوره است: اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۱. برای توضیح بیشتر به خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۴ مراجعه کنید.

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان(ع)

تولد و کودکی امام زمان(ع)

نامها و القاب حضرت

نام اصلی او (م.ح.م.د) است. پیامبر اکرم(ص) در ضمن حدیثی فرمود: «اسم او اسم من و کنیه اش (ابا القاسم) کنیه من است.»
کنیه های امام: ابا القاسم، ابوصالح، ابو عبدالله، ابوابراهیم، ابوجعفر و ابوالحسین است. (۱)

القاب حضرت عبارت اند از:

۱. مهدی: مشهورترین لقب و به معنای هدایت شده است؛ یعنی کسی که خداوند او را هدایت کرده است. امام صادق(ع) می فرمود: «آن حضرت را مهدی نامیدند؛ چون مردم را به امری راهنمایی می کند که پنهان است.» (۲)

۲. قائم: یعنی قیام کننده به حق. این لقب، برگرفته از روایت رسول خداست که فرمود: «از این جهت قائم را قائم می نامند که پس از فراموش شدن نامش قیام می کند.» (۳)

ص: ۳۲

۱- الزام الناصب، شیخ حائری یزدی، ج ۱، ص ۴۸۳.

۲- اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۱۰ و ۱۶۹.

۳- معانی الأخبار، ص ۶۵.

امام جواد(ع) نیز فرمود: «زیرا قیام می کند پس از آنکه نامش از یادها فراموش شد و اکثر معتقدان به امامتش از دین برگشتند.» (۱)

۳. منصور: امام باقر(ع) در تفسیر آیه «مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا» فرمود: «او حسین بن علی است» و درباره بقیه آیه: (فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ أَنَّهُ كَانَ مَنصُورًا)؛ فرمود: «منظور امام زمان است.» (۲)

۴. منتظر: حضرت جواد(ع) فرمود: «وی برای مدتی طولانی غیبت می کند و علاقه مند منتظرش خواهند بود و آنها که تردید دارند انکار خواهند کرد.» (۳)

۵. بقیه الله: وقتی حضرت ظهور کند، به کعبه تکیه می کند و سیصد و سیزده نفر جمع می شوند، اولین چیزی که می فرماید، این آیه است: (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ.) (۴) در بسیاری از دعاها نیز به همین لقب از حضرت یاد شده است.

ص: ۳۳

۱- . اکمال الدین، ص ۳۷۸.

۲- . تفسیر فرات کوفی، ص ۲۴۰.

۳- . اکمال الدین، ص ۳۷۸.

۴- . هود/۸۶ و غیبت، نعمانی، باب ۱۴، حدیث ۶۷.

۶. حجه الله، خلف صالح، خاتم، موعود، روح القدس، تسلی دهنده، غریم (طلب کار)، مؤمل (منتظر و آرزو برآورده شده)، منتقم، ماء العین (آب طاهر و جاری بر زمین)، ولی الله، صاحب الامر، صاحب الزمان و... نیز از دیگر القاب حضرت است.
(۱)

ص: ۳۴

۱- . به بحار الأنوار و منتهی الآمال مراجعه کنید.

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان (ع)

امام زمان (ع) خردسال ترین پیشوای معصوم

مقدمه

یکی از سؤالهایی که همواره پرسیده می شود، درباره آغاز امامت حضرت ولی عصر (عج) در سن و سال خردسالی است؛ به این بیان که چگونه ممکن است امر خطیر امامت به عهده انسانی خردسال گذاشته شود؟

همواره در مقابل این پرسشگری، ائمه اطهار (ع) به عنوان سنگربانان مرزهای اعتقادی در نهایت روشنگری به ارائه پاسخ پرداخته اند. در این نوشتار کوتاه پیش از بهره مندی از کلام نورانی آن پیشوایان، ناگزیر برای مقدمه، جایگاه اعتقاد به امامت را توضیح می دهیم تا هر چه بهتر، سخنان آن بزرگواران روشن شود.

ص: ۳۵

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان(ع)

امام زمان(ع) خردسال ترین پیشوای معصوم

جایگاه اعتقاد به امامت

جایگاه اعتقاد به امامت و امامان معصوم(ع) نزد شیعه بسیار والا- و ارزشمند است؛ به گونه ای که اعتقاد به امامت در نگاه ایشان در ردیف اعتقاد به خداوند و پیامبر(ص) قلمداد شده است.

از نگاه شیعه، خداوند متعال، مقام امامت و ولایت را به سبب قابلیت‌های ذاتی به افرادی خاص عطا فرموده و تنها از طرف ذات اوست که امام بر جامعه نصب می شود.

شیعه این اعتقاد را از آیات و روایات به دست آورده است که برخی از موارد آنها بدین قرارند:

ص: ۳۶

۱. امامت امری قراردادی و از طرف پروردگار متعال است. عمرو بن اشعث گوید: شنیدم امام صادق (ع) فرمود: «أَتَرُونَ الْمُؤَصَّيَّ مِنَّا يُوصِي إِلَى مَنْ يُرِيدُ؟ لَا وَاللَّهِ وَ لَكِنَّ عَهْدَ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ (ص) لِرَجُلٍ فَرَجُلٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ الْأَمْرُ إِلَى صَاحِبِهِ؛ (۱)» شما گمان می کنید هر کس از ما امامان که وصیت می کند، به هر کس بخواهد وصیت می کند؟ ! نه به خدا، چنین نیست؛ بلکه امر امامت، عهد و فرمانی است از جانب خدا و رسول (ص) برای فردی پس از شخص دیگر (از خانواده ما) تا به صاحبش برسد.»

۲. فرمان پذیری از امام، همسان اطاعت از پروردگار و پیامبر (ص) است. شیعه معتقد است که ائمه اطهار (ع) تنها مصداق اولی الامر هستند و خداوند در قرآن به پیروی از ایشان، فرمان داده است؛ آنجا که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ (۲)» «ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا اطاعت کنید و از پیامبر و اولیای امر خود [نیز] اطاعت کنید.»

ص: ۳۷

۱- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۱، ص ۲۵، ح ۲ و بصائر الدرجات، ص ۴۷۰.

۲- نساء/ ۵۹.

یکی از مواردی که اطاعت و پیروی از امام در آن واجب است، مسئله جانشینی است؛ به این معنا که وقتی امامی به عنوان پیشوای معصوم، جانشین خود را معرفی کرد، جای هیچ گونه تردید باقی نخواهد ماند و بر دیگران واجب است امامت او را بپذیرند؛ اگر چه در سن و سال کودکی باشد.

۳. امامت، عهدی است که هرگز به ستمگران نمی رسد. خداوند متعال پس از آنکه ابراهیم(ع) را به مقام امامت بشارت داد، در جواب او که پرسید: «آیا این شرافت نصیب ذریه ام نیز می شود؟» فرمود: (لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ)؛ (۱) «پیمان من به ظالمان نمی رسد.»

۴. امامت، روح تمامی دستورهای الهی، مکمل دین و متمم نعمتهای پروردگار است. خداوند متعال، انجام امر خطیر رسالت را منوط به نصب جانشین می داند و می فرماید: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ)؛ (۲) «ای پیامبر! آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده است را ابلاغ کن و اگر چنین نکنی پیامش را نرسانده ای.» این امر بسیار با عظمت، همانا اعلام امامت و خلافت علی(ع) بود.

ص: ۳۸

۱- . بقره/ ۱۲۴.

۲- . مائده/ ۶۷.

اکنون که چنین است، چگونه پرنده خیال ما بر بام بلند معرفت ایشان جای خواهد گرفت؟ جز اینکه انفاسِ قدسیِ خودِ آن انوارِ پاک، دست ناز خویش دراز کرده، دست نیاز ما باز گیرند و چه جای این سؤال و خرده گیری که خداوند، چگونه این مقام به کودکی ارزانی می دارد؟ نه تنها در بین ائمه چنین امری بی سابقه نبوده است که در بین پیامبران نیز دست قدرت الهی چنین امری را رقم زده است.

ص: ۳۹

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان (ع)

امام زمان (ع) خردسال ترین پیشوای معصوم

نبوت در کودکی

خداوند متعال، پیامبرانی را در کودکی به مقام نبوت مفتخر ساخت که به دو نمونه آن اشاره می کنیم:

۱. نبوت حضرت عیسی (ص) از ابتدای ولادت

پروردگار در قرآن کریم در بخشی از داستان حضرت مسیح (ع) از زبان آن پیامبر الهی در جواب منکران چنین می فرماید: (قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا)؛ (۱) «[کودک] گفت: من بنده خدا هستم. [او] به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است.»

۲. اعطای کتاب و مقام نبوت به حضرت یحیی در کودکی

ص: ۴۰

خداوند در این باره می فرماید: (يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا)؛ (۱) «ای یحیی! کتاب [خدا] را به جد و جهد بگیر و [ما] از کودکی به وی حکم (نبوت) دادیم.»

بنابراین همان گونه که خداوند قادر متعال، مقام نبوت را به خردسالی عطا فرمود، مقام امامت را نیز می تواند به انسانی با تمام صفات لازم در سن کودکی عطا فرماید.

ص: ۴۱

۱- .مریم/ ۱۲.

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان(ع)

امام زمان(ع) خردسال ترین پیشوای معصوم

امامت در کودکی

پیش از حضرت مهدی(ع) به دو امام (امام جواد و امام هادی (ع)) پیش از سن بلوغ، مقام امامت عطا شده است. این شاید، خود به نوعی ایجاد آمادگی برای پذیرش امامت حضرت مهدی(ع) در سن کودکی بود.

در سلسله امامت، اولین شخصی که در سن کودکی به امامت رسید، نهمین پیشوای شیعیان بود. از آنجا که این مسئله، بی سابقه بود، عده ای در آن شک کردند و در این رهگذر با تصریح امام رضا(ع) و بیاناتی از خود آن امام، قلب شیعیان آرام گرفت.

معمر بن خلاد گوید: از امام رضا(ع) شنیدم که مطلبی [درباره امر امامت] بیان کرد و سپس فرمود:

ص: ۴۲

«مَا حَاجْتُكُمْ إِلَيَّ ذَلِكَ هَذَا أَبُو جَعْفَرٍ قَدْ أَجْلَسْتُهُ مَجْلِسِي وَصَيَّرْتُهُ مَكَانِي وَقَالَ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ يَتَوَارَثُ أَصَاغِرُنَا عَنْ أَكَابِرِنَا الْقُدَّةَ بِالْقَمَدَةِ؛ شَمَا چَه احتیاجی به این موضوع دارید؟ این ابوجعفر است که او را به جای خود نشانیده و قائم مقام خود ساخته ام، و فرمود: ما خاندانی هستیم که خردسالانمان مو به مو از بزرگسالانمان ارث می برند.» (۱) این روایت، بیانگر این حقیقت است که مقام امامت ربطی به کمی و زیادی سن ندارد.

صفوان بن یحیی می گوید که به امام رضا(ع) عرض کردم: «پیش از آنکه خدا ابی جعفر(ع) را به شما ببخشد، درباره جانشینتان از شما می پرسیدیم و شما می فرمودید: خدا به من پسری عنایت می کند. اکنون او را به شما عنایت کرد و چشم ما را روشن کرد. اگر خدای ناخواسته برای شما حادثه ای رخ دهد، به که بگوییم؟» حضرت با دست به ابی جعفر(ع) اشاره فرمود؛ در حالی که او که در برابرش ایستاده بود. عرض کردم: «قربانت شوم! این پسر سه ساله است!!» فرمود: «وَمَا يَضُرُّهُ مِنْ ذَلِكَ فَقَدْ قَامَ عَيْسَى (ع) بِالْحُجَّهِ وَهُوَ ابْنُ ثَلَاثِ سِنِينَ؛» (۲) چه مانعی دارد؟ عیسی(ع) سه ساله بود که به حجت قیام کرد.»

همان گونه که خداوند قادر متعال، مقام نبوت را به خردسالی عطا فرمود، مقام امامت را نیز می تواند به انسانی با تمام صفات لازم در سن کودکی عطا فرماید.

ص: ۴۳

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۴، ح ۲؛ الاختصاص، شیخ مفید، ص ۲۷۹؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۶ و کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲- کلینی، الکافی، ج ۱، باب الاشارة والنص علی ابی جعفر الثانی.

علی بن اسباط می گوید که امام محمد تقی (ع) را دیدم. آن حضرت به طرف من آمد. من نگاهم را به او تیز کردم و به سر و پایش نگاه کردم تا اندازه و قامتش را برای اهل شهر خود (شیعیان) وصف کنم. در آن میان که من او را به دقت می نگریستم، حضرت نشست و فرمود:

«يَا عَلِيُّ! إِنَّ اللَّهَ اخْتَجَّ فِي الْإِمَامَةِ بِمِثْلِ مَا اخْتَجَّ فِي النَّبُوَّةِ فَقَالَ «وَأَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»، «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ»، «وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سِنَهُ» فَقَدْ يَجُوزُ أَنْ يُؤْتَى الْحُكْمَ صَبِيًّا وَ يَجُوزُ أَنْ يُعْطَاهَا وَ هُوَ ابْنُ أَرْبَعِينَ سِنَهُ؛ (۱) ای علی! خدا حجت درباره امامت را به مانند حجت درباره نبوت آورده و فرموده است: "حکم نبوت را در کودکی به او دادیم"، "و چون به رشد، رسید"، "و به چهل سالگی رسید". پس رواست که [به شخصی] در کودکی حکم داده شود (چنانچه به یحیی (ع) داده شد) و رواست که در چهل سالگی داده شود (چنانچه به یوسف (ع) داده شد).

البته کم نبودند انسانهای وارسته ای که در برابر فرمایش امام (ع) سر تعظیم و قبول فرود آورند و مشیت الهی را با کمال رضایت پذیرفتند.

ص: ۴۴

۱- همان، ج ۲، ص ۲۲۳، ح ۷؛ با اندک تفاوتی: الارشاد، ج ۲، ص ۲۹۲؛ اعلام الوری، ص ۳۴۹؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۶۰ و المناقب، ج ۴، ص ۳۸۹.

محمد بن حسن بن عمار گوید: که دو سال نزد علی بن جعفر بن محمد (عموی امام رضا(ع)) بودم و هر خبری که او از برادرش موسی بن جعفر(ع) شنیده بود، می نوشتم. روزی در مدینه خدمتش نشسته بودم. ابوجعفر محمد بن علی الرضا(ع) در مسجد رسول خدا(ص) بر او وارد شد. علی بن جعفر بر جست و بدون کفش و عبا نزد او رفت و دستش را بوسید و احترامش کرد. ابوجعفر به او فرمود: «ای عمو! بنشین. خدایت رحمت کند!» او گفت: «آقای من! چگونه من بنشینم و شما ایستاده باشید؟»

چون علی بن جعفر به مسند خود برگشت. اصحابش او را سرزنش کردند و گفتند: «شما عموی پدر او هستید و با او این گونه رفتار می کنید؟!» او به ریش خود دست گرفت و گفت: «خاموش باشید. اگر خدای عزوجل این ریش سفید را سزاوار [امامت] ندانست و این کودک را سزاوار دانست و به او چنان مقامی داد، من فضیلت او را انکار کنم؟ پناه به خدا از سخن شما! من بنده او هستم.» (۱)

ص: ۴۵

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان(ع)

امام زمان(ع) خردسال ترین پیشوای معصوم

آخرین پیشوا

شیعه با این ذهنیت که مقام امامت به سن و سال خاصی مربوط نیست درباره امام جواد و امام هادی(ع) چندان تردیدی به خود راه نداد؛ به ویژه آنکه حکام جور زمان تلاش کردند تا مسئله امامت را با مناظرات ساختگی دانشمندان بزرگ با این امامان خردسال خدشه دار کنند؛ اما به سختی شکست خوردند.

این وضع درباره آخرین پیشوای شیعیان به کلی متفاوت شد؛ چرا که او هم در سن و سالی کمتر از دیگر ائمه به امامت رسید و هم به سبب مصالحتی، ولادت آن حضرت نیز مخفیانه صورت پذیرفت. این امور، برخی شیعیان را دچار تردید کرد و کار پدر آن حضرت را مشکل ساخت؛ اگر چه امامان پیشین تا حدودی زمینه را مساعد کرده و شیعه را برای درک چنان روزی آماده ساخته بودند.

در غیبت نعمانی از امام باقر(ع) نقل شده است که آن حضرت فرمود: «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ أَضْيَعُ غُرْنَا سَيْنًا وَ اِخْمَلُنَا شَخْصًا» (۱) صاحب این امر، کم سن و سال ترین و گمنام ترین ماست.»

ص: ۴۶

۱- . الغیبه، نعمانی، مکتبه الصدوق، تهران، ص ۱۸۴ و دلائل الأمامه، ص ۲۵۸.

اسماعیل بن بزیر گوید که از حضرت ابی جعفر(ع) درباره امامت پرسیدم و گفتم: «آیا ممکن است امام از هفت سال کمتر داشته باشد؟» فرمود: «نَعَمْ وَ أَقَلُّ مِنْ خَمْسِ سِنِينَ؛ (۱) آری، کمتر از پنج سال هم می شود.»

البته معرفی حضرت مهدی(ع) با دیگر امامان، این تفاوت را داشت که خواست الهی بر پنهان زیستن ایشان تعلق گرفته بود؛ بنابراین تنها افرادی خاص از ولادت آن حضرت باخبر شدند.

ضوء بن علی از مردی از اهل فارس نقل می کند که به سامرا آمدم و ملازم درب خانه حضرت عسکری(ع) شدم. حضرت مرا طلبید. وارد شدم و سلام کردم. فرمود: «برای چه آمده ای؟» عرض کردم: «برای اشتیاقی که به خدمت شما داشتم.» فرمود: «پس دربان ما باش.» من همراه خادمان در خانه حضرت بودم. گاهی می رفتم هر چه احتیاج داشتند از بازار می خریدم و زمانی که مردها در خانه بودند، بدون اجازه وارد می شدم.

روزی بر حضرت وارد شدم و او در اتاق مردها بود. ناگاه حرکت و صدایی در اتاق شنیدم، با فریاد به من فرمود: «بایست! حرکت مکن!» من جرئت در آمدن و بیرون رفتن نداشتم. سپس کنیزکی که چیز سرپوشیده ای همراه داشت از نزد من گذشت. آن گاه مرا صدا زد که در آی. من وارد شدم و کنیز را هم صدا زد. کنیز نزد حضرت بازگشت. آن جناب به کنیز فرمود: «روپوش از آنچه همراه داری بردار.» کنیز از روی کودکی سفید و نیکو روی پرده برداشت و خود حضرت روی شکم کودک را باز کرد. دیدم موی سبزی که به سیاهی آمیخته نبود از زیر گلویش تا نافش رویده است. سپس فرمود: «این است صاحب شما.» بعد به کنیز امر فرمود که او را ببرد. سپس من آن کودک را ندیدم تا امام حسن(ع) وفات کرد. (۲)

ص: ۴۷

-
- ۱- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۲۲، ح ۵ و بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۰۳.
 - ۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۹ و ۱۲۰، ح ۶؛ با اندک تفاوتی کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۳۳، ح ۲ و اکمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۳۵، ح ۴۳.

عمرو اهوازی نیز گوید: «امامت در کودکی، این حقیقت را روشن می سازد که اعطای مقام امامت بر اساس فضایل ذاتی و مربوط به روح متعالی انسانهای خاص است.» سپس می گوید که امام عسکری (ع) آن حضرت را به من نشان داد و فرمود: «هذا صاحبکم؛» (۱) این صاحب شماست.»

در پایان، این سؤال را پاسخ می دهیم که علت نصب امامت در کودکی چیست و چرا مقام امامت به برخی امامان در سن و سال بلوغ و رشد اعطا نشده است. پاسخ این است که مصالح تام همه مقدرات و فرامین الهی بر ما روشن نیست؛ اما موارد ذیل را می توان به عنوان برخی از دلایلی احتمالی این امر یادآور شد:

۱. امتحان و آزمایش مردم: شکی نیست که امتحان و آزمایش در شرایط غیرعادی بهتر تحقق می یابد. در شرایط عادی، تسلیم مردم در برابر دستورهای الهی حائز اهمیت است؛ اما اهمیت آن به اندازه شرایط غیرعادی نیست.

ص: ۴۸

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱۲؛ الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۴۸ و کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۳۴، ح ۲.

پذیرفتن امام در سن و سال متعارف دارای اهمیت است؛ ولی پذیرش ایشان در شرایط غیرعادی مانند خردسالی، می تواند نشانه تسلیم کامل در برابر اراده آفریدگار متعال باشد.

۲. امامت در کودکی، خود به نوعی بیانگر این مدعاست که این مقام، تنها از طرف خداوند تعیین می شود و شئون وجودی امام به سن و سال و مانند آن نیست. اگر تمامی ائمه در بزرگسالی به مقام امامت می رسیدند، این گمان پیش می آمد که امامت، مقامی است که مربوط به کسب فضایل از طرف شخص امام است.

۳. امامت در کودکی، این حقیقت را روشن می سازد که اعطای مقام امامت بر اساس فضایل ذاتی است و این، مربوط به روح متعالی انسانهای خاص است و آن نیز به سن و سال ارتباطی ندارد.

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان (ع)

نشانه های ظاهری امام زمان (ع)

مقدمه

امروزه بحثی مطرح است و آن، این است که راز محبوب شدن فرد در یک جامعه چیست؟ ممکن است در این باره نظریات گوناگونی ارائه شود که برخی زیبایی و جمال را راز محبوبیت فرد بدانند، گروهی قدرت و توان جسمی را نشانه محبوبیت شخص در جامعه بدانند، دسته ای دیگر احسان و مهربانی و گذشت و عطوفت را ریشه محبوبیت فرد قلمداد کنند و قومی نیز کمال علمی انسان را باعث جلب محبت دیگران به او بدانند؛ چنان که این گونه ابراز محبتها به عالمان و نخبگان علمی دیده می شود و یا ممکن است قدرت ایمان و معنویت و وصل به معدن عظمت الهی را علت اصلی محبتها و محبوبیتها بشمارند که البته در فرهنگ دین به ویژه قرآن بر این نظریه تأکید شده است؛ اما ما شیعیان:

دلبری داریم که از صاحب‌دلان دل می برد

ص: ۵۰

غمزه ای مشکل گشا دارد که مشکل می برد

گر نقاب از چهره گیرد آن نگه__ار نازنین

پرتو رخساره اش دله__ای مایل می ب__رد

ما امامی داریم که هم جمال دارد و هم کمال، هم صورت زیبا و نورانی دارد و هم سیرت پر بار و نورانی، هم دست خدمت و مهربانی بر خلق دارد و هم ایمان عمیق و سرشار از معنویت به سر منشأ معدن عظمت، خدای جلیل و جمیل.

ص: ۵۱

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان(ع)

نشانه های ظاهری امام زمان(ع)

زیباییهای ظاهری حضرت مهدی(ع)

آنچه پیش رو دارید، نگاهی است به گوشه هایی از زیباییهای ظاهری حضرت مهدی(ع).

۱. زیبایی و نورانیت

مهدی صاحب الزمان(ع) از معدود انسانهایی است که از نهایت زیبایی صورت و اندام برخوردار است، تا آنجا که پیامبر اکرم(ص) در باره او فرمود: «الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِ جَلَابِيبُ التُّورِ» (۱) مهدی طاووس اهل بهشت است که جامه هایی از نور او را در بر گرفته است.

ای به دله ___ا درد عشق ___ت، جاودان ___ه، جاودان ___ه

ص: ۵۲

۱- . منتخب الأثر، صافی گلپایگانی، ص ۱۴۷؛ ینایع الموده، ج ۳، ص ۱۶۴ و مکیال المکارم، محمد تقی موسوی اصفهانی، مؤسسه الامام المهدی، ج ۱، ص ۶۷.

می کشم بار غمت را عاشق ___ انه، عاشقانه

ای که طاووس بهشتی جلوه ای کن جلوه ای کن

تا به کی ای مرغ قدسی جای تو در آشیانه

پیامبر اکرم (ص) درباره چهره آن حضرت، فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ الدَّرِّيِّ اللَّوْنُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ؛ (۱) مهدی از نسل من است. سیمایش چون ماه تابان و رنگش عربی (گندمگون) است.»

امیرمؤمنان (ع) فرمود: «حَسَنُ الْوَجْهِ حَسَنُ الشَّعْرِ يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكِبَيْهِ وَ نُورٌ وَجْهِهِ يَغْلُو سَوَادَ لِحْيَتِهِ؛ (۲) زیبا چهره و زیبا موی است و موی او بر شانه هایش فرو ریخته و درخشندگی چهره اش بر سیاهی محاسنش غلبه می کند.»

۲. خال زیبای صورت

ص: ۵۳

۱- . منتخب الأثر، ص ۱۸۵؛ كشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۹ و مکیال المکارم، ص ۶۷.

۲- . بحار الأنوار، دار احیاء التراث، ج ۵۱، ص ۳۶.

رسول خدا(ص) فرمود: «أَكْحَلُ الْعَيْنَيْنِ كَثُّ اللَّحْيَةِ عَلَى نَحْدِهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ؛» (۱) دیدگان مبارکش سرمه کشیده، محاسن مبارکش پرمو و بر گونه راست او یک خال است.»

علی(ع) فرمود: «مهدی دیدگانی مشکى، موهاىى پر پشت، چهره اى چون ماه تابان، پيشانى باز و درخشان، خالى [بر گونه راست] و نشانى [چون مهر نبوت در میان دو کتف] دارد.» (۲)

خال زیبای جمـال دلربایـت را بنازم

بوی عطر جانفزای خاک پایت را بنـازم

ای صفای هر مصفا مهدی زیبای زهرا

از صفای قلب می گویم صفایت را بنازم

من گدایـم من گدایـم بر گدایان در تو

ص: ۵۴

۱- . منتخب الأثر، ص ۱۶۶.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۵۱ و منتخب الأثر، ص ۱۸۶.

۳. قامت موزون

علامت دیگر برای زیبایی یک فرد، اندام موزون و قد و قامت متناسب اوست که حضرت مهدی(ع) از این نعمت نیز برخوردار است.

امام صادق(ع) در این باره فرمود: «لَيْسَ بِالطَّوِيلِ الشَّامِخِ وَلَا بِالْقَصِيرِ اللَّازِقِ بَلْ مَرْبُوعُ الْقَامَةِ مُدَوَّرُ الْهَامَةِ وَاسِعُ الصَّدْرِ صِيْلَتْ الْجَبِينِ مَقْرُونُ الْحَاجِبِينَ عَلَى خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ كَأَنَّهُ فُتَاتُ الْمِسْكِ عَلَى رَضْرَاضِهِ الْعَبْرِي؛ (۱)» دراز قامت متکبر و کوتاه قامت چسبیده به زمین (کوتوله) نیست؛ بلکه میان قامت است، سیمایی گرد، سینه ای فراخ، پیشانی ای باز و ابروانی به هم رسیده دارد و خالی بر گونه راست اوست؛ چون دانه مشک که بر قطعه عنبر ساییده شده است.»

۴. چهره جوان و تغییر ناپذیر

ص: ۵۵

از نشانه های دیگری که باعث زیبایی چهره آن حضرت شده است، این است که بعد از قرن‌ها به سر بردن در غیبت کبری، هنگامی که ظهور می کند، به صورت جوانی است که سیمای جوانی از آن نمایان است و گذشت زمان، آن اندام زیبا را پیر و فرسوده نکرده است.

حضرت صادق(ع) فرمود: «إِنَّهُ مِنْ أَكْثَرِ الْبَلِيَّةِ أَنْ يُخْرَجَ إِلَيْهِمْ صِبَاؤُهُمْ شَاباً وَهُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخاً كَبِيراً؛» (۱) از امتحانات بزرگ [خداوندی] است که صاحبشان به صورت جوانی ظاهر می شود؛ در حالی که آنها او را پیری کهنسال تصور می کنند.» و در حدیث دیگر فرمود: «در صاحب الزمان نشانی از حضرت یونس هست و آن اینکه بعد از غیبتش، به صورت جوانی ظاهر می شود.» (۲)

یوسف کنعان عشق، بنده رخسار اوست

ص: ۵۶

۱- . منتخب الأثر، ص ۲۵۸.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷ و منتخب الأثر، ص ۲۸۵.

موسی عمران عشق طالب دیدار اوست

کیست سلیمان عشق بر در او یک فقیر (۱)

امام هشتم (ع) فرمود: «عَلَمَاتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السِّنِّ شَابَّ الْمُنْظَرِ حَتَّى إِنَّ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لِيَحْسِبُهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سِنَهُ أَوْ دُونَهَا وَإِنَّ مِنْ عَلَمَاتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي عَلَيْهِ حَتَّى يَأْتِيَ أَجْلُهُ» (۲). از نشانه های او سیمای جوانی او در سن کهولت است که هر کس او را ببیند، او را چهل ساله یا کمتر تصور می کند و از نشانه های او این است که با گذشت روزها و شبها پیر نشود تا اجلس فرا رسد.»

۵. قدرت بدنی وصف ناپذیر

ص: ۵۷

۱- . محقق اصفهانی (کمپانی).

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵ و ۳۲۲.

یک رهبر جهانی، افزون بر اندام متناسب و زیبا باید از قدرت بدنی متناسب نیز برخوردار باشد. حضرت مهدی (ع) را هم وراثت یاری می‌کند؛ یعنی بدن و قدرت حیدرگونه دارد و هم دست قدرت و عنایت الهی پشت سر او است و به او توان تصرف تکوینی در موجودات را داده است.

امام صادق (ع) در این باره فرمود:

«إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنْظَرِ الشَّبَابِ قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَكْثَرِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَلَوْ صَاحَ بِالْجِبَالِ تَدْكُودًا لَأَيَّضَعُ يَدَهُ عَلَى عُنُقِ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ؛ (۱) قائم (ع) هنگامی که ظهور می‌کند، در سن کهولت خواهد بود، ولی با سیمای جوانی و نیروی بدنی قوی که اگر دستش را به سوی قوی ترین درخت روی زمین بکشد، از ریشه بر می‌کند و اگر بر کوهها بانگ بزند، سنگهایش فرو ریزد. دستش را بر هیچ بنده ای نمی‌گذارد؛ جز آنکه قلبش چون قطعه آهن محکم و استوار می‌شود.»

ولایت تکوینی حضرت بر جهان هستی از این روایت به خوبی نمودار می‌شود. در روایتی دیگر، افزون بر قدرت تکوینی دست آن حضرت، به قدرت تکوینی نگاه و چشمانش نیز اشاره شده است.

ص: ۵۸

امیر مؤمنان(ع) در این باره می فرماید: «يَوْمِي لِلطَّيْرِ فَيَسِدُ قُطْ عَلَى يَدِهِ وَ يَغْرَسُ قَضَباً فِي الْأَرْضِ فَيَخْضَرُ وَيُورِقُ؛» (۱) به مرغ نگاه [یا اشاره] می کند، به دست مبارکش می افتد. چوبی را در زمین می کارد، سبز می شود و برگ می آورد.»

۶. دو علامت دیگر

حضرت علی(ع) فرمود: «بِظَهْرِهِ شَامَتَانِ شَامَةٌ عَلَى لَوْنِ جِلْدِهِ وَ شَامَةٌ عَلَى شَبَّهِ شَامَةِ النَّبِيِّ (ص)؛» (۲) در پشت او دو خال [و دو علامت] است که یکی به رنگ پوستش و دیگری شبیه خال [و مهر] پیامبر(ص) است.»

امام باقر(ع) فرمود: «بِالْقَائِمِ عَلَمَاتٌ... شَامَةٌ تَحْتَ كِتْفِهِ الْأَيْسَرِ، تَحْتَ كِتْفَيْهِ وَرَقَةٌ مِثْلُ الْأَسِّ؛» (۳) در وجود قائم، علامتهایی هست... خالی [شبه مهر نبوت] زیر شانه چپش است و زیر هر دو شانه اش برگی مثل برگ آس است.»

ص: ۵۹

۱- روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲ و منتخب الأثر، ص ۲۲۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵ و مکیال المکارم، ص ۶۷.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۱.

از نشانه های دیگر آن حضرت، بوی عطر جانفزایی است که از آن وجود نازنین به مشام می رسد؛ همان گونه که از رسول اکرم (ص) استشمام می شد و در حدیث معروف نقل شده است: وقتی امام حسن و امام حسین و امیرمؤمنان (ع) به ترتیب وارد شدند، بوی پیغمبر اکرم (ص) را متوجه شدند. مهدی (ع) نیز وارث چنین کسی است.

امام رضا (ع) فرمود: «وَتَكُونُ رَائِحَتُهُ أَطْيَبَ مِنْ رَائِحَةِ الْمِسْكِ؛ (۱) بوی خوش او از بوی خوش مشک معطرتر است.»

گر رخ گشاید رونق افزایش چمن را

ارزان کند اسپر و هم مُشکِ ختن را

گل برگ رنگش ارغوان را سُخره دارد

پیچیده مویش نسترن و نسترن را

ص: ۶۰

ابی نعیم محمد بن احمد انصاری نقل می کند که کامل بن ابراهیم، از مفوضه، می گوید که نزد امام حسن عسکری (ع) رفتم و با خود گفتم: «وارد بهشت نمی شود؛ مگر کسی که عقیده من را داشته باشد و سخن من را بگوید.» بعد از سلام و برخی مسائل، نزد درّی نشستم که پرده بر آن آویخته بود: «فَجَاءَتِ الرِّيحُ فَكَشَفَتْ طَرَفَهُ فَإِذَا أَنَا بِفَتَى كَأَنَّهُ فَلَقَهُ قَمَرٍ مِنْ أَبْنَاءِ أَرْبَعِ سِنِينَ أَوْ مِثْلَهَا...» (۱) پس باد آمد و پرده را کنار زد، ناگهان کودکی چهارساله یا شبه آن همچون پاره ماه دیدم.»

سپس ادامه می دهد: او گفت: ای کامل بن ابراهیم! از این سخن او تنم لرزید و به من الهام شد که بگویم: «لیک یا سیدی؛ بلی ای آقای من!» پس فرمود: «آمده ای نزد حجت خدا که از او بپرسی: آیا جز کسی که هم مسلک توست، بهشت می رود؟» عرض کردم: «آری، قسم به خدا!» پس فرمود: «در این صورت، بهشتیان، خیلی اندک خواهند بود. قسم به خدا! حقی ها داخل بهشت نمی شوند.» عرض کردم: «ای آقای من! حقی ها کیستند؟» فرمود: «گروهی که [خیال می کنند] علی را دوست می دارند و به حق او قسم یاد می کنند؛ در حالی که حق و فضل و برتری او را نمی دانند....» سپس پرده دوباره به حال خود برگشت؛ به گونه ای که من قدرت کنار زدن آن را نداشتم.

امام حسن عسکری (ع) نگاهی متبسمانه به من کرد؛ آن گاه فرمود: «چرا نشسته ای، در حالی که حجت خدا از حاجت قلبی و درونی ات خیر داد و فهماند که حجت بعد از من کیست!» پس من بیرون آمدم و از آن روز به بعد، او (حضرت مهدی (ع)) را ندیدم.» (۲)

ص: ۶۱

۱- . بحار الأنوار ، ج ۵۲ ، ص ۵۰ ، باب ۱۸ .

۲- . مکیال المکارم، ج ۱ ، ص ۶۸ .

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان(ع)

محل زندگی امام زمان(ع)

اشاره

پنهان زیستی حضرت مهدی(ع) نه تنها چگونگی زندگی آن حضرت را در هاله ای از اسرار فرو برده که بسیاری از موضوعات مربوط به حیات آن حضرت را نیز جزو امور پنهان نظام هستی قرار داده است.

یکی از مهم ترین این امور پنهان، محل زندگی آن حضرت در طول غیبت ایشان است؛ از این رو بسیاری علاقه مندند بدانند آن خورشید پنهان در کدامین بخش از این کره خاکی به گذران عمر می پردازد و به بیان دیگر، کدامین قسمت از زمین، افتخار این منزلت را دارد.

میلیونها انسان عاشق و شیفته، صدها سال است که در هر پگاه، آدینه سخن به ندبه می گشایند و این گونه می سرایند:

ص: ۶۲

«لَيْتَ شِعْرِي أُيْنِ اسْتَفَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَىْ أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ تُرَى أَوْ بَرَضَوَى أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذَى طُوَى عَزِيْرٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخُلُقَ وَ لَا تُرَى؛ (۱) ای کاش می دانستم در چه جایی منزل گرفته ای و چه سرزمین و مکانی تو را در بر گرفته است! آیا در کوه رضوایی و یا جای دیگری و یا در ذی طوی هستی؟ دشوار است بر من که مردمان را ببینم و تو دیده نشوی.»

حال برای روشن شدن این موضوع، پای به گلستان کلام معصومان(ع) می گشاییم و با سیری در کلام نورانی ایشان از آن انفاس قدسی برای حل این معما استمداد می طلبیم.

با یک نگاه کلی در این بوستان پرطراوت به چهار دسته روایت در این موضوع برمی خوریم. هر یک، محل زندگی آن حضرت را در دوره ای از حیات پربرکت ایشان به تصویر کشیده است، اگرچه برای برخی دوره ها صراحت و روشنی بیشتری وجود دارد و برخی دوره ها بنا بر عللی به اجمال و ابهام پاسخ داده شده است.

ص: ۶۳

فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی امام زمان(ع)

محل زندگی امام زمان(ع)

دوره های زندگی

۱. دوران زندگی با پدر بزرگوار (از سال ۲۵۵ تا ۲۶۰ ق)

شکی نیست که آن امام همام در شهر سامرا و در خانه پدرش، امام عسکری(ع) دیده به جهان گشود و تا پایان عمر شریف پدر خود در کنار آن حضرت می زیست.

این دوران بنا بر قول مشهور از نیمه شعبان سال ۲۵۵ آغاز شد و در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ ق پایان یافت.

۲. دوران غیبت صغری (۲۶۰ - ۳۲۹ ق)

غیبت صغری عبارت است از: دوران پنهان زیستی کوتاه مدت حضرت مهدی(ع) که طبق نظر مشهور با شهادت امام حسن عسکری(ع) (سال ۲۶۰ ق) آغاز شده و با رحلت چهارمین نایب خاص آن بزرگوار (سال ۳۲۹ ق) به پایان رسیده است و در مجموع ۶۹ سال می شود.

محل زندگی آن حضرت در این دوران به روشنی مشخص نیست؛ ولی از روایات و قرائن به دست می آید که حضرت این مدت را به طور عمد در دو منطقه سپری کرده اند: یکی منطقه عراق و دیگری «مدینه منوره». البته روایات متعددی بر این مطلب دلالت دارد.

ص: ۶۴

از امام صادق(ع) در این زمینه نقل شده است که فرمود:

«لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْأُخْرَى طَوِيلَةٌ الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ» (۱) برای حضرت قائم(ع) دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت اول، جز شیعیان مخصوص از جای آن حضرت خبر ندارند و در غیبت دیگر جز دوستان مخصوصش از جای او خبر ندارند.»

در دوران غیبت صغری، کسی نزدیک تر از سفیران چهارگانه (نواب خاص) به آن حضرت ذکر نشده است و ایشان هم در عراق بودند و همواره با حضرت در ارتباط بوده اند و توقیعات فراوانی از طرف حضرت به دست آنها شرف صدور یافته است. بنابراین می توان گفت بخشی از عمر آن حضرت در این دوران در عراق سپری شده است.

دسته ای دیگر از روایات به صورت مطلق (بدون در نظر گرفتن غیبت صغری و کبری) زندگی حضرت را در دوران غیبت در مدینه منوره ذکر کرده اند که با توجه به روایات دسته نخست می توان گفت بخشی از عمر آن حضرت نیز در مدینه سپری شده است.

ص: ۶۵

امام باقر(ع) در این باره فرمود: «لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ عَزْلِهِ... وَ نِعَمَ الْمَنْزِلِ الطَّيِّبِ؛» (۱) به ناگزیر برای صاحب این امر، عزلت و گوشه گیری خواهد بود... و طیبه (مدینه) چه منزلگاه خوبی است.»

همین روایت در کتاب شریف کافی با اندک تفاوتی از امام صادق(ع) این گونه نقل شده است: «لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبِهِ وَ لَا بُدَّ لَهُ فِي غَيْبِهِ مِنْ عَزْلِهِ وَ نِعَمَ الْمَنْزِلِ الطَّيِّبِ؛» (۲) صاحب الامر به ناچار غیبت کند و به ناچار در زمان غیبتش گوشه گیری کند و مدینه چه خوب منزلی است.»

همچنین ابوهاشم جعفری می گوید: «به امام عسکری(ع) عرض کردم: اجازه بفرمایید سؤالی بپرسم. حضرت فرمود: بپرس. عرض کردم: ای آقای من! آیا فرزندی دارید؟ فرمود: بله. گفتم: اگر اتفاقی رخ داد کجا او را پیدا کنیم؟ پس فرمود: در مدینه.» (۳)

ص: ۶۶

۱- کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۶۲.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۰ و غیبت، نعمانی، ابن ابی زینب، ص ۱۸۸.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۸؛ الأرشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۴۸ و کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۳۲.

بنابراین جمع بین دو دسته روایات به این صورت است که آن حضرت در مدینه حضور داشته اند؛ ولی به سبب ارتباطی که آن حضرت با نواب خاص داشته اند، بخشی از عمر خود را در عراق سپری کرده اند.

۳. دوران غیبت کبری

غیبت کبری در اصطلاح به مدت زمان پنهان زیستی حضرت مهدی(ع) گفته می شود. این دوره با وفات آخرین نایب خاص در سال ۳۲۹ ق آغاز شد و همچنان ادامه دارد و تنها خداوند متعال است که پایان آن را می داند.

این دوران ویژگیهای خاصی دارد که آن را به طور کامل از دوران غیبت صغری متمایز می سازد؛ از جمله آن ویژگیها کامل شدن غیبت آن حضرت است.

به همان اندازه که پنهان زیستی حضرت مهدی(ع) در این دوران به کمال می رسد و نیابت و سفارت، همانند دوران غیبت صغری وجود ندارد، محل زندگی آن حضرت نیز نامشخص تر می شود. در این دوران است که هرگز به طور قطع نمی توان مشخص کرد آن حضرت در کجا زندگی می کند. البته روایات در این باره به محلهای مختلفی اشاره کرده اند که برخی از آنها از این قرارند:

ص: ۶۷

همان گونه که پیش تر نیز اشاره شد برخی از روایات به صورت عام و بدون قید غیبت صغری، مدینه را جایگاه آن حضرت در دوران غیبت ذکر کرده اند.

ب) ناحیه ذی طوی

ناحیه ذی طوی در یک فرسخی مکه و داخل حرم قرار دارد و از آنجا خانه های مکه دیده می شود. برخی روایات، آن محل را به عنوان جایگاه حضرت مهدی(ع) در دوران غیبت معین کرده اند.

امام باقر(ع) در این باره فرمود: «يَكُونُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةٌ فِي بَعْضِ هَذِهِ الشُّعَابِ ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى نَاحِيَةِ ذِي طَوًى؛ (۱)» صاحب این امر را در برخی از این دره ها غیبتی است و با دست خود به ناحیه ذی طوی - که نام کوهی است در اطراف مکه - اشاره کرد.»

در برخی دیگر از روایات نیز ذکر شده است که حضرت مهدی(ع) پیش از ظهور در ذی طوی به سر می برد و آن گاه که اراده الهی بر ظهور آن حضرت تعلق گیرد، از آنجا وارد مسجد الحرام می شود.

ص: ۶۸

حضرت باقر العلوم (ع) در این باره فرموده است: «أَنَّ الْقَائِمَ يَهْبِطُ مِنْ ثِيْبِهِ ذِي طُوًى فِي عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا حَتَّى يُسَيِّدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجْرِ وَيَهْرُ الرَّاْيَةَ الْعَالِيَةَ؛ (۱)» (قائم (ع) در میان گروهی به شمار اهل بدر - سیصد و سیزده تن - از گردنه ذی طوی پایین می آید تا آنکه پشت خود را به حجرالاسود تکیه می دهد و پرچم پیروز را به اهتزاز درمی آورد.»

ج) دشتها و بیابانها

از برخی روایات نیز استفاده می شود که آن حضرت در طول غیبت کبری محل خاصی ندارد و همواره در سفر به سر می برد.

امام باقر (ع) هنگام بیان شباهتهای حضرت مهدی (ع) به انبیا چنین فرمودند: «وَأَمَّا شَبَّهَ مِنْ عِيسَى فَالْسِّيَّاحَةُ؛ (۲)» و اما شباهت حضرت مهدی (ع) به حضرت عیسی (ع) جهانگردی [و نداشتن مکانی خاص] است.»

ص: ۶۹

۱- . الغيبة، نعمانی ، ص ۳۱۵.

۲- . دلائل الأمامه، طبری، ص ۲۹۱.

همچنین چنانچه بپذیریم آنچه به نام شیخ مفید صادر شده، توفیق حضرت مهدی(ع) است، در آنجا نیز به نامعلوم بودن مکان حضرت مهدی(ع) اشاره شده است.

در آن نوشته چنین بیان شده است: «وَإِنْ كُنَّا تَمَّوِينَ بِمَكَانِنَا النَّائِي عَنْ مَسَاكِنِ الظَّالِمِينَ حَسَبَ الَّذِي أَرَادَهُ اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَ لِشَيْعَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتْ دَوْلَةُ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ؛ (۱)» با اینکه ما بر اساس فرمان خداوند و صلاح واقعی ما و شیعیان مؤمنان تا زمانی که حکومت در دنیا در اختیار ستمگران است در نقطه ای دور و پنهان از دیده ها به سر می بریم.»

همچنین حضرت در پاره ای از ملاقاتهای معتبر در غیبت کبری، به این نکته اشاره فرموده اند.

ص: ۷۰

علی بن ابراهیم بن مهزیار پس از نقل ملاقات خود با حضرت مهدی (ع) به نقل از ایشان چنین می گوید: آن حضرت فرمود: «يَا ابْنَ الْمَازِيَارِ أَبِي أَبُو مُحَمَّدٍ عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُجَاوِرَ قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ... وَ أَمَرَنِي أَنْ لَا أُسْكُنَ مِنَ الْجِبَالِ إِلَّا وَعَرَهَا وَمِنَ الْبِلَادِ إِلَّا قَفَرَهَا؛ (۱)» همانا پدرم ابومحمد با من عهد فرمود که در مجاورت قومی که خداوند بر آنان غضب کرده است قرار نگیرم... و به من فرمود که در کوهها ساکن نشوم؛ مگر قسمتهای سخت و پنهان آن و در شهرها ساکن نشوم؛ مگر شهرهای متروکه و بی آب و علف.»

این نامعلوم بودن محل زندگی آن حضرت در دوران غیبت کبری سبب شده است تا عده ای به گمانه زنیهای بعضا سست و واهی پردازند و به طرح محلهایی روی آورند که اثبات آنها کاری بس مشکل است.

ص: ۷۱

افسانه جزیره خضرا یا مثلث برمودا و مانند آن، حکایت‌هایی است که در تاریخ پرفراز و فرود این اعتقاد رخ نموده است؛ ولی همواره روشنگران این مذهب حق، مردم را از لغزش در این بیراهه‌ها برحذر داشته‌اند.

۴. دوران ظهور و حکومت مهدی(ع)

دوران ظهور که درخشان‌ترین فراز تاریخ و بهترین دوران حیات انسانی است، ویژگی‌های فراوانی دارد که از جمله مهم‌ترین آنها حاکمیت آخرین معصوم و حجت الهی است. روایات فراوانی درباره محل زندگی حضرت ولی عصر(ع) و حکومت آن حضرت در عصر ظهور وجود دارد. این روایات به طور عمده، مسجد سهله را منزل آن حضرت و شهر کوفه را پایگاه حکومتی آن گرامی معرفی کرده‌اند.

مسجد سهله شرافتی بسیار دارد؛ از جمله در روایات ذکر شده است که در این مسجد، هزاران پیامبر به نماز ایستاده‌اند.

ص: ۷۲

صالح بن ابوالأسود گوید که امام صادق(ع) سخن از مسجد سهله راند؛ آن گاه فرمود: «أَمَا إِنَّهُ مَنَزَلُ صَاحِبِنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ؛ (۱)» به درستی که مسجد سهله، منزل صاحب ماست؛ آن گاه که [پس از قیام] با اهل خود در آنجا فرود آید.»

همچنین آن حضرت به ابا بصیر فرمود:

«يَا أبا مُحَمَّدٍ كَأَنِّي أَرَى نُزُولَ الْقَائِمِ فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَعِيَالِهِ؛ أَي ابا محمد! گویا حضرت قائم را در مسجد سهله می بینم که با زن و فرزندان در آن نازل می شوند.» ابوبصیر پرسید: «آیا مسجد سهله، خانه اش خواهد بود؟» حضرت فرمود: «نَعَمْ، هُوَ مَنَزَلُ إِدْرِيسَ (ع) وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَقَدْ صِلَى فِيهِ وَ الْمُقِيمِ فِيهِ كَالْمُقِيمِ فِي فُسَيْطَاطِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِلَّا وَقَلْبُهُ يَحْنُ إِلَيْهِ وَمَا مِنْ يَوْمٍ وَلَا لَيْلَةٍ إِلَّا وَالْمَلَائِكَةُ يَأْوُونَ إِلَيَّ هَذَا الْمَسْجِدِ يَعْبُدُونَ اللَّهَ؛ (۲)» آری، این مسجد، منزل ادریس است. خداوند هیچ پیامبری را بر نینگیخت؛ مگر آنکه در این مسجد نماز گزارد. هر کس در این مسجد بماند مانند آن است که در خیمه رسول خدا(ص) اقامت کرده است. هیچ مرد و زن مؤمنی نیست؛ مگر آنکه دلش به سوی آن مسجد پرمی کشد. روز و شبی نیست؛ مگر آنکه فرشتگان به این مسجد پناه می برند و در آن به عبادت خدا می پردازند.»

همان گونه که اشاره شد، کوفه نیز مرکز حکومت مهدی(ع) قلمداد شده است. چگونگی زندگی در عصر ظهور به روشنی مشخص نشده است؛ ولی به نظر می رسد تفاوت بسیاری با نحوه زندگی امروزی داشته باشد. تکامل علوم بشری، کمال عقلانی بشر، توسعه خارق العاده امکانات و رفاه عمومی، امنیت فراگیر بر کل کره زمین و... به طور قطع، ویژگیهایی را برای زندگی در آن زمان ایجاد خواهد کرد که امروز درک دقیق آن برای ما کاری بس مشکل است.

ص: ۷۳

۱- . التهذيب، شيخ طوسي، ج ۳، ص ۲۵۲.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

از امام باقر(ع) نقل شده است که در بخشی از یک روایت طولانی فرمود: «ثُمَّ يَتَوَجَّهْ إِلَى الْكَوْفَةِ فَيُنزِلُهَا وَ يَكُونُ دَارَهُ؛» (۱۱)

آن گاه [حضرت مهدی(ع)] به سوی کوفه می رود. پس آنجا را برای منزل برمی گزیند و کوفه، خانه او خواهد بود.»

و در پایان، سخن دل را این گونه می سراییم:

آن سفر کرده که صد قافله دل همره اوست

هر کجا هست، خدایا به سلامت دارش

ص: ۷۴

۱- . کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۷۵.

فصل دوم: امام مهدی (ع) از نگاه قرآن و معصومان (ع)

امام مهدی (ع) در قرآن

مقدمه

بدون شک، تمامی انبیای عظام و رسولان گرامی، امتهای خویش را به عاقبتی نیکو و سرانجام پاکیزه و خرم خبر داده اند. آنان از سوی خداوند وعده فرموده اند که روزگار آدمیان به سعادت، رفاه، خوشی و راحتی ختم خواهد شد و دوران ظلم و ستم به آخر خواهد رسید.

در آن هنگام، انسانهای محروم، حقوق خویش را باز می ستانند، از چنگال فقر و محرومیت و رنج، رهایی می یابند و پس از آنکه محکوم و رهرو بوده اند به رهبری و زمامداری می رسند، و به فضل و عنایت الهی در زمین سروری می یابند. کتابهای آسمانی، آکنده از این بشارت است. البته در تعیین مصداق آن مصلح، عبارتها مختلف و الفاظ متفاوت است.

قرآن مجید نیز درباره این موضوع، اهتمام ویژه ای دارد. این کتاب آسمانی، اراده و خواست خداوند متعال را بر این می داند که دوران حکومت شیطان به پایان رسد، بساط پیروان او برچیده شود، بندگان صالح خداوند در همه جای زمین به حکومت رسند و سراسر گیتی به آنان سپرده شود تا قوانین اسلام به طور کامل و همه جانبه تطبیق و اجرا، سعادت افراد بشر تضمین و تأمین شود و هدف نهایی از زندگی تحقق پذیرد.

البته تطبیق این آیات نورانی بر وجود مقدس مهدی (ع) و حکومت جهانی آن حضرت، تنها از راه روایات رسول گرامی اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) امکان پذیر است و همچون بسیاری از موضوعات دیگر بدون استفاده از این بیانات نورانی، آیات قرآن خاموش اند.

ص: ۷۶

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در قرآن

آیات مهدویت

بیش از یکصد و بیست آیه از آیات قرآن به مسئله مهدویت تفسیر شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. (الم، ذَلِكِ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ...) (۱)

امام صادق(ع) ذیل این آیه فرمود: «متقیان، شیعیان علی(ع) هستند و غیب، همان حجت غائب است.» (۲)

۲. (وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ). (۳) از امام باقر(ع) روایت است که فرمود: «أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ(ع) وَ يَوْمُ الْكُرْهِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ» (۴) روزهای خدا سه تا است: روزی که قائم(ع) قیام خواهد کرد و روز رجعت و روز قیامت.»

۳. (قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ، قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ، إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ). (۵)

ص: ۷۷

۱- . بقره/ ۱ _ ۳.

۲- . اکمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۰.

۳- . ابراهیم / ۵.

۴- . الخصال، صدوق، ص ۱۰۸ و معانی الأخبار، ص ۳۶۵.

۵- . حجر / ۳۶ _ ۳۸.

از امام صادق(ع) درباره این آیه و وقت معلوم سؤال شد. آن حضرت در جواب فرمود: «وقت معلوم، روز قیام قائم آل محمد است. هرگاه خداوند او را برانگیزد، در مسجد کوفه ابلیس می آید؛ در حالی که بر زانوهایش راه می رود و می گوید: ای وای از این روزگار! آن گاه با پیشانی اش گرفته و گردنش زده می شود. آن هنگام روز وقت معلوم است که مدت او به پایان می رسد.» (۱)

۴. (وَمَنْ قَاتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُشِيرُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا)؛ (۲) «و هر آنکه مظلوم کشته شود پس البته که ما برای ولی او حکومت و تسلط دادیم. پس مبادا در کشتن اسراف کند که او منصور است.»

وقتی از امام صادق(ع) درباره این آیه سؤال شد، آن حضرت پاسخ داد:

ص: ۷۸

۱- . دلائل الإمامه، ص ۲۴۰ و تفسیر، عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۲.

۲- . اسراء/ ۳۳.

«آن قائم آل محمد(ص) است که خروج می کند و به انتقام خون حسین(ع) دشمنان را می کشد. پس چنانچه اهل زمین را به قتل رساند مسرف نخواهد بود.»(۱)

۵. (وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا)؛ (۲) «و بگو که حق آمد و باطل نابود شد که همانا باطل محو شدنی و سزاوار نابودی است.»

حضرت صادق(ع) در تفسیر این آیه شریفه می فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ(ع) ذَهَبَ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ؛ (۳) هرگاه قائم(ع) به پا خیزد، دولت باطل از بین می رود [و زایل می شود].»

۶. (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)؛ (۴) «و به راستی که ما پس از نوشتن در ذکر [تمام کتب آسمانی یا تورات] در زبور نیز نگاشتیم که البته بندگان صالح من، زمین را به ارث خواهند برد.»

ص: ۷۹

۱- . کامل الزیارات، ص ۶۳ و عیون اخبار الرضا، ص ۱۵۱.

۲- . اسراء / ۸۱.

۳- . روضه کافی، کلینی، ص ۲۸۷.

۴- . انبیاء / ۱۰۵.

علی بن ابراهیم در تفسیرش که منسوب به امام صادق(ع) است در معنای این آیه می گوید: «منظور از بندگان صالح که زمین را به ارث خواهند برد، حضرت قائم(ع) و اصحاب اویند.»(۱)

۷. (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...؛) (۲) «خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند وعده فرموده است که آنها را [در ظهور امام قائم(ع)] در زمین خلافت دهد...»

امام صادق(ع) در معنای این آیه شریفه می فرماید: «درباره حضرت قائم(ع) و اصحاب او نازل شد.»(۳)

۸. (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؛) (۴) «آیا آن کیست که دعای مضطر را هنگامی که او را می خواند به اجابت می رساند و رنج و غم را برطرف می سازد و شما را جانشینان زمین قرار می دهد؟»

ص: ۸۰

۱- . تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷؛ و مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶.

۲- . نور / ۵۵.

۳- . کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۱۲۶؛ کافی، ج ۱، ص ۱۹۳.

۴- . نمل / ۶۲.

از امام باقر(ع) یا امام صادق(ع) درباره این آیه نقل شده است که فرمودند: «این آیه درباره قائم از آل محمد(ص) نازل شده است. هرگاه خروج کند معمم می شود و در کنار مقام نماز گذارد و به درگاه پروردگارش تضرع کند. پس هیچ پرچمی از او رد نشود.»(۱)

۹. (وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)؛ (۲) «و ما اراده کردیم بر مستضعفان در زمین منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.»

روایات درباره نزول این آیه درباره امامان از آل محمد(ص) بسیار است که در کتاب «البرهان» یاد شده است. (۳)

۱۰. (اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا)؛ (۴) «بدانید که البته خداوند زمین را پس از مردن آن زنده خواهد کرد.»

ص: ۸۱

۱- . تاویل الآيات الظاهرة، ص ۴۰۳؛ کتاب الغیبه، چاپ مکتبه الصدوق، ص ۱۸۱ و ۱۸۲ و تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۵.

۲- . قصص / ۵.

۳- . همچنین ر. ک: الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۱۳.

۴- . حدید / ۱۷.

درباره این آیه از امام باقر(ع) نقل شده است که فرمود: « خداوند عز و جل زمین را پس از مردن آن به مدد حضرت قائم(ع) زنده می کند.»(۱)

برای رعایت اختصار بقیه آیات را تنها با ذکر شماره و منبع استناد به پایان می بریم:

۱۱. بقره / ۱۴۸: (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ....)(۲)

۱۲. بقره / ۱۵۵: (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ....)(۳)

۱۳. آل عمران / ۸۳: (وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ....)(۴)

۱۴. آل عمران / ۲۰۰: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا....)(۵)

۱۵. نساء / ۴۷: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ....)(۶)

ص: ۸۲

۱- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۶۶۸ و کتاب الغیبه، ص ۱۱۰.

۲- . ر. ک: روضه کافی، کلینی، ص ۳۱۳.

۳- . ر. ک: الغیبه، نعمانی، ص ۱۳۲ و تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۸.

۴- . ر. ک: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۵- . ر. ک: الغیبه، نعمانی، ص ۱۰۵.

۶- . ر. ک: الغیبه، نعمانی، ص ۱۴۹.

١٦. نساء / ٥٩: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ...) (١)

١٧. نساء / ٦٩: (وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ...) (٢)

١٨. نساء / ٧٧: (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ...) (٣)

١٩. نساء / ١٥٩: (وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ...) (٤)

٢٠. مائده / ١٤: (وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى...) (٥)

٢١. انعام / ٤٤: (فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا...) (٦)

٢٢. انعام / ١٥٨: (هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ...) (٧)

٢٣. اعراف / ٥٣: (هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ...) (٨)

ص: ٨٣

١- . ر. ك: اكمال الدين، ج ١، ص ٢٥٣.

٢- . ر. ك: تفسير قمى، ج ١، ص ١٤٢.

٣- . ر. ك: روضه كافي، ص ٣٣٠.

٤- . ر. ك: تفسير قمى، ج ١، ص ١٥٨.

٥- . ر. ك: كافي، ج ٥، ص ٣٥٢.

٦- . ر. ك: تفسير قمى، ج ١، ص ٢٠٠.

٧- . ر. ك: اكمال الدين، ج ٢، ص ٣٣٦.

٨- . ر. ك: تفسير عياشى، ج ١، ص ٢٣٥.

۲۴. اعراف / ۱۵۷: (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ) (۱)

۲۵. اعراف / ۱۵۹: (وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى) (۲)

۲۶. انفال / ۳۳: (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ) (۳)

۲۷. توبه / ۳۳: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ.....) (۴)

۲۸. یونس / ۲۰: (وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ) (۵)

۲۹. طه / ۱۳۵: (فَسْتَغْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصِّرَاطِ) (۶)

۳۰. انبیاء / ۱۱ _ ۱۵: (وَكَمِ قَصْمَنَا مِنْ قَرْيَةٍ) (۷)

البته آیات مربوط به امام زمان (ع) چندین برابر این مقدار است که خواننده محترم را برای مطالعه بیشتر به مطالعه کتابهای ذیل توصیه می کنیم:

ص: ۸۴

۱- ر. ک: کافی، ج ۱، ص ۴۲۹.

۲- ر. ک: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲.

۳- ر. ک: مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۴۳.

۴- ر. ک: اکمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۰ و تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۷.

۵- ر. ک: اکمال الدین، ص ۳۴۰.

۶- تأویل الآیات الظاهره، ص ۳۲۳.

۷- ر. ک: روضه کافی، ص ۵۱.

۱. سیمای حضرت مهدی (ع) در قرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی؛ (۱)

۲. امام مهدی از دیدگاه قرآن و عترت، علی دوانی؛

۳. مهدی در قرآن، رضا فیروز؛

۴. المهدی فی القرآن، سید صادق الحسینی الشیرازی.

ص: ۸۵

۱- . نوشتار پیش رو اقتباس از همین کتاب است.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) از نگاه پیامبر اعظم(ص)

پیوسته به یاد مهدی(ع)

آنچه پیش رو دارید نگاهی گذرا است به کلمات و سخنان خاتم پیامبران(ص) درباره خاتم اوصیا، حضرت مهدی موعود(ع).

پیامبر اکرم(ص) در همه حال و همه جا به یاد فرزند و خاتم اوصیای خود حضرت مهدی(ع) بود. ایشان از همان اوایل بعثت متذکر می شد و مردم را به یاد مهدی رهنمون می ساخت و به روزگاری سراسر نور نوید می داد و می فرمود: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَّ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ؛» (۱) دنیا به پایان نرسد؛ مگر اینکه امت مرا مردی از اهل بیت من سرپرستی (و رهبری) کند که به او مهدی گفته می شود.»

در جایی دیگر می فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقِ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَيْدًا كَمَا مُلِئَتْ جُورًا؛» (۲) اگر از عمر روزگار جز یک روز باقی نماند، خداوند [در آن روز] مردی از اهل بیت من را برانگیزد که عرصه زمین را از عدل لبریز کند، پس از آنکه از ستم پر شده باشد.»

ص: ۸۶

۱- . خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۴۶.

۲- . سنن، ابوداود، ج ۴، ص ۱۰۷.

آن گاه که حضرتش به معراج رفت، سفر آسمانی اش نیز با یاد و نام مهدی(ع) شیرین و زیننده شد و خدا به او فهماند که حتی در اوج معراج و مرحله (قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى) نیز باید سخن از خاتم اوصیا باشد. هنگامی که حق تعالی انوار اوصیای او را به وی نشان می دهد، مهدی را می بیند که «كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ فِي وَسْطِهِمْ؛ آنگار همچون ستاره ای درخشان در میان ائمه دیگر می درخشد.» و این گونه به حبیب خدا خطاب می شود که نه تنها همیشه به یاد او باش؛ بلکه به او عشق بورز: «يا مُحَمَّد! أَحِبُّهُ فَإِنِّي أُحِبُّهُ وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ؛ (۱) ای محمد! او را دوست بدار که من او را دوست می دارم و هر کس که او را دوست بدارد، من [نیز] او را دوست می دارم.»

رسول خدا(ص) در لحظات پایان عمر خویش نیز به یاد فرزندش مهدی(ع) بود. آن زمان که دخترش فاطمه(س) به شدت گریه می کرد، حضرت در حالی که رو به قبله و نزدیک به حالت احتضار بود به دخترش اشاره کرد که نزدیک بیا! زهرا(س) نزدیک رفت. پیامبر آهسته به او سخنی گفت که شادمانی در چهره اش آشکار شد.

ص: ۸۷

۱- . نجم الثاقب، حسین نوری طبرسی، ص ۱۴۲؛ ترجمه همان، ج ۱، ص ۳۸۳؛ ر.ک: بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۲۳ و الغیبه، مکتبه الصدوق، ص ۹۳، ح ۲۴.

در حدیث آمده است که از فاطمه زهرا(س) سؤال شد: «آن سخنی که پیامبر، آهسته به تو گفت چه بود که باعث خرسندی تو شد؟» حضرت فرمود: «آنچه پدرم به من فرمود: [دو مطلب بود]: ۱. از میان اهل بیت تو نخستین کسی هستی که به من ملحق می شوی؛ ۲. دوازده امام که جانشینان من هستند، از نسل توست و آخرین آنها [مهدی موعود] انتقام تو را می ستاند.» (۱)

ص: ۸۸

۱- . الإرشاد، ج ۱، ص ۱۷۶ و ۱۷۷؛ منتهی الآمال، ج ۱، ص ۷۸ و بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۴۷۰.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) از نگاه پیامبر اعظم(ص)

مشخصات فردی مهدی(ع)

۱. همانندی با پیامبر اسلام(ص)

پیامبر اکرم(ص) سالها پیش از تولد حضرت مهدی(ص) مشخصات فردی او را بیان کرد؛ آنجا که فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَخُلُقًا تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَحَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ، يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا» (۱) مهدی، از فرزندان من است. نامش، نام من و کنیه اش کنیه من [ابوالقاسم] است. او شبیه ترین مردم به من در خلق و خوی است. برای او غیبت و حیرتی است که امتها در آن به گمراهی افتند. پس از آن، بسان شهاب فروزان بیاید و زمین را از عدل و داد پر کند، پس از آنکه از جور و ظلم لبریز شده باشد.»

در جای دیگر فرمود: «بَابِي وَ أُمِّي سَيْمِي وَ شَبِيهِ وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ» (۲) پدر و مادرم فدایش باد که او همانم من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است.»

ص: ۸۹

۱- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶ و فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۵.

۲- . کفایه الأثر، ص ۱۵۶.

همچنین فرمود: «مَهْدِيٌّ أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَأَقْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ؛» (۱) مهدی امت من، شبیه ترین مردم به من در شمایل و سخن و رفتار است.»

شاید از جمله دلایل این همه پافشاری بر همگونی حضرت مهدی (ع) با حضرت ختمی مرتبت (ص) این باشد که جلوی مدعیان کاذب مهدویت گرفته شود و هر کسی چنین ادعایی را مطرح نکند.

۲. فرزند علی و زهرا (ع)

حضرت رسول (ص) برای شبیه زدایی بیشتر بیان فرمود که مهدی (ع) از نسل علی و زهرا (ع) است؛ آنجا که می فرماید: «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (ع) إِمَامٌ أُمَّتِي... وَمِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ...؛» (۲) به راستی علی فرزند ابوطالب، امام امت من است... و از فرزندان او قائم منتظر است...» و یا فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ؛» (۳) مهدی، از فرزند فاطمه است.»

همچنین حضرت سلمان از امام علی (ع) پرسید: «مهدی از نسل کدام فرزندان شماست؟ امام فرمود: «مِنْ وُلْدِي هَذَا وَصَرَبِ بَيْتِهِ عَلِيُّ الْحُسَيْنِ؛» (۴) از این فرزندم و با دست مبارکش بر حسین زد.»

ص: ۹۰

۱- اکمال الدین، ص ۲۵۷.

۲- اکمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۸ و فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۵ و ۳۳۶.

۳- سنن، ابن ماجه، ج ۳، ص ۲۴.

۴- ذخائر العقبی، ص ۱۳۶ و ۱۳۷؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۲۶.

مردی یهودی به نام نعتل از پیامبر اکرم(ص) پرسید: «وصی تو کیست؟...» فرمود: «وصی من و خلیفه من پس از من، علی(ع) و پس از او، دو نوه ام حسن و حسین و پس از حسین، نه تن از نسل حسین، امامانی نیک باشند.» نعتل عرض کرد: «نام آنان را برای من بازگو کن.» حضرت در پاسخ فرمود: «چون حسین درگذرد، فرزندش علی، و پس از او فرزندش محمد، و پس از محمد فرزندش جعفر و پس از او فرزندش موسی و پس از موسی فرزندش علی، و پس از علی فرزندش محمد و پس از محمد فرزندش علی و پس از او فرزندش حسن خواهد بود.»

پیامبر اکرم(ص) در ادامه افزود: «فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ فَبَعْدَهُ ابْنُهُ الْحَجَّهُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ فَهَذِهِ إِثْنَا عَشَرَ إِمَامًا عَلِيٌّ عَدَدِ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ (۱) (۲) و پس از حسن، فرزندش حجه بن الحسن بن علی(ع) باشد. پس اینان دوازده امام اند، به عدد بزرگان بنی اسرائیل.»

ص: ۹۱

۱- . فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۳ و کفایه الأثر، ص ۱۳ و ۱۴.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) از نگاه پیامبر اعظم(ص)

غیبت طولانی و ظهور حتمی

مسئله دیگری که در کلام حضرت ختمی مرتبت(ص) بیان شده است، غیبت طولانی و حیرت آور آن حضرت است؛ چنان که گذشت: «...تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَحَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقِيبِ؛» (۱) او را غیبت و حیرتی باشد که امتها در آن به گمراهی افتند. پس از آن بسان شهابی فروزان بیاید.»

همچنین غیبت طولانی امام زمان(ع) را سرّی از اسرار الهی می داند و می فرماید: «يا جَابِرُ! إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ مَطْوِيُّ عَنْ عِبَادِ اللَّهِ...؛» (۲) ای جابر! همانا این امر، امری است از امر خداوند و سری است از سر الهی که بر بندگان او پوشیده است.»

گاه نیز این موضوع را امتحانی برای مؤمنان دانسته، بیان می دارد که برای قائم غیبتی است: «لِيَمَحِّصَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمَحِّقُ الْكَافِرِينَ؛» (۳) هر آینه کسانی که ایمان آورده اند را پاکیزه می سازد و کافران را نابود می کند.»

ص: ۹۲

۱- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶.

۲- . اکمال الدین ، ص ۲۸۷؛ منتخب الأثر، ص ۱۸۸ و ینایع الموده، ص ۴۹۴.

۳- . منتخب الأثر، ص ۱۸۸؛ ینایع الموده، ص ۴۹ و اکمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷.

پس از این غیبت طولانی، ظهور حتمی است؛ غیبت و ظهوری که رمز و راز بقای تشیع و نشانه حیات آن است. خاتم انبیا(ص) این امر را نیز با قاطعیت تمام بیان کرده، می فرماید: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِّنِّي؛ (۱)» اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا مردی از خاندان من را برانگیزد.»

گفتنی است که این مضمون، در روایات اهل سنت نیز آمده است. (۲)

ص: ۹۳

۱- کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۶، ح ۳۰.

۲- ر.ک: سنن، ابی داوود، ج ۴، ص ۱۰۷ و فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۱۲.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) از نگاه پیامبر اعظم(ص)

پاداش انتظار

بدیهی است که غیبت طولانی و ظهور حتمی، نیازمند بردباری و انتظار و آمادگی است. پیامبر اکرم(ص) به همین سبب برای تسکین درد انتظار و آلام دوران دوری از قطب عالم امکان، پاداش بی حساب انتظار را گوشزد می کند و می فرماید: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛»^(۱) برترین کارهای امت من، انتظار فرج از خدای عزوجل است.» همچنین در روایات دیگر برای منتظران راستین پاداش شهادت در راه خدا همراه آن حضرت و یا ثواب درك دوران ظهور وعده داده شده است.^(۲)

ص: ۹۴

۱- . اکمال الدین، ص ۶۴۴، ح ۳.

۲- . غیبت، نعمانی، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) از نگاه پیامبر اعظم(ص)

اوصاف منتظران راستین

۱. ایمان به غیب

رسول خدا(ص) در این باره فرمود: «یا علی وَاَعْلَمُ أَنَّ اَعْجَبَ النَّاسِ اِيْمَانًا وَاَعْظَمَهُمْ يَقِيْنًا قَوْمٌ يَكُوْنُ فِي اٰخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوْا النَّبِيَّ وَحَجَبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَاَمَّنُوْا بِسِوَايِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ؛ (۱) ای علی! بدان که شگفت انگیزترین مردم از جهت ایمان و عظیم ترین آنها از روی یقین، مردمی اند که در آخرالزمان خواهند بود، پیامبر را ندیده اند و حجت (و امام) نیز از آنان محجوب است؛ اما به سیاهی که بر سفیدی رقم خورده است، ایمان آورده اند.»

۲. دوری از هر گونه تردید

ص: ۹۵

۱- . غیبت، نعمانی، ص ۲۸۸، ح ۸.

روشن است که زمانی ایمان راستین و واقعی در منتظران به وجود خواهد آمد که تردید و انکار را از خود دور کرده باشند. به همین سبب، پیامبر اکرم (ص) فرمود: «...فَيَأْتِيكَ وَالشَّكُّ؛» (۱) مبادا در آن (غیبت قائم) تردید به خود راه دهی.» و یا فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فَقَدْ أَنْكَرَنِي؛» (۲) هر آن کس قائم از فرزندان مرا انکار کند، مرا انکار کرده است.»

۳. ثابت قدم ماندن بر دین

داشتن ایمان و دین، امر مهمی است و مهم تر از آن، حفظ آن در طول دوران و فتنه آخرالزمان است. از مهم ترین نشانه های منتظر راستین در دیدگاه خاتم پیامبران (ص) ثابت ماندن و استواری بر دین و پایداری در صراط الهی است.

روزی خاتم الانبیا (ص) به جمعی از اصحاب خود دو بار فرمود: «اللَّهُمَّ لَقْنِي إِخْوَانِي؛» (۳) خداوندا! ملاقات با برادرانم را به من عطا فرما.» اصحاب عرض کردند: «ای رسول خدا! مگر ما برادران شما نیستیم؟» حضرت فرمود: «نه، شما اصحاب من هستید. برادران من، مردمانی هستند در آخر الزمان که به من ایمان می آورند با اینکه مرا ندیده اند. خداوند آنها را با نام و اسم پدرانیشان پیش از تولد به من معرفی کرده است.»

ص: ۹۶

۱- . منتخب الأثر، ص ۱۸۸؛ ینابیع الموده، ص ۴۹ و اکمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۲، ح ۳۹.

۳- . بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

در روایات اسلامی به این موضوع اشاره شده و ثابت ماندن شیعیان بر دینشان، از کشیدن دست بر درخت خاردار در شب تاریک دشوارتر معرفی شده و یا از در دست نگه داشتن آتش چوب درخت غضا [که سخت و مقاوم است] مشکل تر دانسته شده است. آری، آنها چراغهای شب تارند و خداوند آنان را از هر فتنه ای نجات می دهد. (۱)

۴. دوستی با دوستان قائم (ع)

رسول اکرم (ص) فرمود: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبِيلَ قِيَامِهِ، يَتَوَلَّى وَلِيَّهُ وَيَتَبَرَّأُ مِنْ عِدُوِّهِ، وَيَتَوَلَّى الْأَيْمَةَ الْهَادِيَةَ مِنْ قَبْلِهِ...» (۲) خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند، در حالی که پیش از قیامش به او اقتدا کرده و با دوستان او دوستی و از دشمنانش بیزاری جسته است و ائمه هدایتگر پیش از او را دوست می دارد.»

۵. فرمانبری و اطاعت

ص: ۹۷

۱- بصائر الدرجات، ب ۱۴، ص ۸۴.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰، ح ۲۵؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۵۶ و اکمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶.

یاران امام به مولای خود عشق می ورزند و چون بنده ای گوش به فرمان، از حضرت، پیروی می کنند و در انجام دستورهای وی، بر یکدیگر پیشی می گیرند؛ چنان که خاتم رسل (ص) فرمود: «كَرَّزُونَ مُجِدُّونَ فِي طَاعَتِهِ؛ [آنان] سلحشورانی کوشا در پیروی از اویند.»

آن جناب در فرازی دیگر، منتظران راستین و زمینه سازان ظهور را دقیق تر مشخص کرده، می فرماید: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْتُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ؛ (۱) (مردمی (احتمالاً ایرانیان) از شرق، قیام و زمینه را برای حکومت مهدی آماده می کنند.»

ص: ۹۸

۱- . منتخب الأثر، ص ۳۰۴؛ سنن، ابن ماجه، ج ۲، ص ۲۷؛ کنز العمال، ح ۳۸۶۵۷ و مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۸.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) از نگاه پیامبر اعظم(ص)

وقت ظهور و قیام

زمان دقیق ظهور و قیام حضرت مهدی(ع) را فقط خداوند متعال می داند، و خود حضرت هم وقتی زمان قیامش فرا رسد، از طریق الهام الهی آگاه می شود. (۱) در کلام ختمی مرتبت(ص) آمده است که هرگاه وقت قیام فرا رسد، پرچم حضرت خود به خود برافراشته می شود؛ چنان که می خوانیم:

«لَهُ عِلْمٌ إِذَا كَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ انْتَشَرَ ذَلِكَ الْعِلْمُ مِنْ نَفْسِهِ وَأَنْطَقَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَنَادَاهُ الْعَلَمُ: اخْرُجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَاقْتُلْ أَغْدَاءَ اللَّهِ... فَلَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تَقْعِدَ عَنْ أَغْدَاءِ اللَّهِ؛ (۲) برای او (امام زمان(ع)) پرچمی است که وقتی هنگام خروجش فرا رسد، خود به خود باز می شود و خداوند بزرگ، آن را به سخن می آورد. پس به آن حضرت خطاب می کند و می گوید: ای ولی خدا خارج شو! پس دشمنان خداوند را نابود ساز که دیگر برای تو نشستن در مقابل دشمنان خدا جایز نیست.»

و یا هنگام فرا رسیدن قیام آن حضرت، شمشیرش به امر الهی از غلاف خارج می شود؛ چنانکه پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «لَهُ سَيْفٌ مَعْمَدٌ فَإِذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ اِفْتَلَحَ ذَلِكَ السَّيْفُ مِنْ غِمْدِهِ وَأَنْطَقَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَنَادَاهُ السَّيْفُ اخْرُجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَلَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تَقْعِدَ عَنْ أَغْدَاءِ اللَّهِ فَيَخْرُجَ؛ (۳) برای او شمشیری است در غلاف. پس هنگامی که وقت قیامش فرا رسد، آن شمشیر از غلافش خارج می شود و خداوند آن شمشیر را به سخن درمی آورد و شمشیر به آن حضرت ندا می دهد: ای ولی خدا! قیام کن؛ چرا که برای تو جایز نیست در مقابل دشمنان خدا بنشینی. پس او قیام می کند.»

ص: ۹۹

- ۱- کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، کتاب الغیبه، ص ۱۶۴ و رجال کشی، ص ۱۹۲.
- ۲- کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۵ و الخرائج والجرائح، قطب راوندی، ج ۲، ص ۵۵۰.
- ۳- کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۵ و ر. ک: کفایه الأثر، ص ۲۶۶.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) از نگاه پیامبر اعظم(ص)

علائم ظهور

این علائم، بیش از آن است که در بخشی از یک مقاله بگنجد. ما فقط به برخی از آنها اشاره می کنیم که در کلام خاتم انبیا(ص) بر آنها دست یافته ایم. البته این موارد، در واقع، نشانه های آخرالزمان است که منتهی به دوران ظهور حضرت مهدی(ع) می شود.

«عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي حَدِيثٍ أَنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَيْهِ لَيْلَةَ أُسْرِي بِهِ أَنْ يُوصِيَ إِلَى عَلِيٍّ وَأَخْبَرَهُ بِالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ إِلَى أَنْ قَالَ وَآخِرُ رَجُلٍ مِنْهُمْ يُصَلِّي عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا... فَقُلْتُ إِلَهِي وَسَيِّدِي مَتَى يَكُونُ ذَاكَ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيَّ يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ وَظَهَرَ الْجَهْلُ وَكَثُرَ الْقِرَاءَةُ وَقَلَّ الْعَمَلُ وَكَثُرَ الْقَتْلُ وَقَلَّ الْفُقَهَاءُ وَالْهَادُونَ وَكَثُرَ الْفُقَهَاءُ الضَّلَالَةَ وَالْخَوْنَةَ... وَكَثُرَ الْجَوْرُ وَالْفَسَادُ وَظَهَرَ الْمُنْكَرُ وَأَمَرَ أُمَّتُكَ بِهِ وَنَهَى عَنِ الْمَعْرُوفِ؛ (۱)» ابن عباس می گوید از پیامبر خدا(ص) در حدیثی نقل شده است: خداوند به او در شب معراج وحی کرد که به حضرت علی(ع) سفارش کند و درباره امامان از فرزندانش آگاهی داد تا آنجا که فرمود: آخرین مرد از آنها، کسی است که عیسی بن مریم(ع) پشت سرش نماز می خواند. زمین را پر از عدل و داد می کند؛ چنان که ستم فراگیر شده است... عرض کردم: خدای من و آقای من! آن (قیام مهدی) کی خواهد بود؟ خداوند به من وحی کرد، هرگاه علم از میان برداشته شود و نادانی ظاهر شود، خواندن [قرآن] زیاد، ولی عمل [به قرآن] کم شود، و کشتار، فراوان، و فقها و هدایتگران کم شوند و عالمان گمراهی و خیانتکاری به وفور یافت شوند... جور و فساد زیاد و منکر آشکار شود، و امت تو به منکر امر و از معروف نهی کند.»

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «يَكُونُ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ وَظُهُورِ مِنَ الْفِتَنِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ عَطَائُهُ هَنِيئًا؛ (۲)» هنگام پایان زمان و آشکار شدن فتنه ها مردی است که به او مهدی گفته می شود و بخشش او فراوان است.»

ص: ۱۰۰

۱- اثبات الهداه، شیخ حرّ عاملی، ج ۷، ص ۳۹۰.

۲- کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۰، ح ۲۴.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) از نگاه پیامبر اعظم(ص)

پس از ظهور

از جمله مسائلی که درباره خاتم اوصیا(ع) در کلام خاتم انبیا(ص) آمده است تصویری کلی، روشن و امیدوار کننده از دوران پس از ظهور است؛ همان چیزی که مایه دلخوشی تمام مستضعفان عالم به حساب می آید.

در این باره به نمونه هایی اشاره می شود:

۱. تسخیر جهان و تشکیل حکومت واحد: پیامبر اکرم(ص) فرمود: «... وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ... وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ؛ (۱)» سوگند به آنکه مرا به حق، بشارت دهنده برانگیخت! اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می کند تا که فرزندم مهدی در آن قیام کند، و زمین به نور پروردگارش روشن شود و حکومت او شرق و غرب را فراگیرد.»

آن حضرت در روایت دیگری فرمود: «الْأَيُّمَةُ مِنْ بَعْدِي إِنَّا عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا؛ (۲)» پیشوایان پس از من دوازده نفرند. اولین آنها تو هستی یا علی! و آخرین آنها قائم است؛ همو که خداوند متعال به دست او مشرقها و مغربهای زمین (تمام کره زمین) را فتح خواهد کرد.»

ص: ۱۰۱

۱- . فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۲.

۲- . الأمالی، صدوق، ص ۷۹، ح ۹ و روضه الواعظین، فتال نیشابوری، ص ۱۰۲.

از همان حضرت نقل شده است که خداوند در شب معراج در بخشی از سخنان خود فرمود: «وَلَا طَهَّرَنَّ الْأَرْضَ بِأَخْرِهِمْ مِنْ أَعْيَادِي وَلَا مَكَّنَّتْهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا؛»^(۱) و به راستی زمین را به وسیله آخرین آنها (امامان معصوم(ع)) از دشمنانم پاک خواهم ساخت و تمام شرق و غرب زمین را در فرمانروایی او قرار خواهم داد.»

۲. اقامه شریعت نبوی: اداره جهان به قانون جامعی نیاز دارد که در سنت نبوی و کتاب الهی گرد آمده است؛ از این رو پیامبر اکرم(ص) فرمود: «الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي... وَسُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَشَرِيعَتِي وَيَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛»^(۲) قائم از فرزندان من است... شیوه و سنت او سنت من است؛ مردم را بر اساس دین و شریعت من بر پای می دارد، و آنها را به کتاب خداوند عزیز و جلیل دعوت می کند.»

۳. عدالت گسترده: با اقامه کتاب الهی، در جامعه و زنده شدن شریعت نبوی، تمام زمین را عدل و داد فراخواهد گرفت و مردم برای اولین بار شاهد عدالت گسترده و فراگیر در تمام کره خاکی خواهند بود. پیامبر اسلام(ص) سخنان فراوانی در این باره دارد که به حد تواتر می رسد، و در منابع فریقین جمع آوری شده است که به نمونه هایی اشاره می شود:

ص: ۱۰۲

۱- . عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، کتابفروشی طوس، ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۲۲ و کافی، ج ۱، ص ۴۳۲، ح ۹۱.

۲- . بحار الأنوار، دار الکتب الاسلامیه، ج ۵۱، ص ۷۳، ح ۱۹.

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ إِمَامٌ أُمَّتِي... وَمِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا؛» (۱) به راستی که علی بن ابی طالب امام امت من است... و قائم منتظر از نسل اوست؛ آن کس که زمین را از عدالت و داد پر می کند، آن گونه که از ستم و بیداد پر شده است.»

دادگری امام به گونه ای گسترده و فراگیر است که رسول خدا(ص) در سخنی فرمود: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا يَرْضَى بِخِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوْ؛» (۲) [مهدی موعود] زمین را پر از عدل کند؛ چنان که از ستم پر شده است؛ [به گونه ای که] ساکنان زمین و آسمان و پرندگان هوا از حکومتش خشنود شوند.» (۳)

چهره گل باغ و صحرا را گلستان می کند

ص: ۱۰۳

-
- ۱- . کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۸.
 - ۲- . بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۹۵.
 - ۳- . مضمون روایات فوق «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا...» را گروهی از اهل سنت، مانند: شیخ عبدالحق در «لمعات»، و صبان در «اسعاف الراغبین»، و شبلنجی در «نور الابصار»، و ابن حجر در «صواعق»، و سید احمد بن السید زینی دحلان مفتی الشافعیه، در «الفتوحات الاسلامیه»، و گنجی شافعی از طریق پیامبر اکرم(ص) متواتر و اجماعی می دانند، و گروهی دیگر، روایات فوق و امثال آن را صحیح السند و موثق می دانند، مانند: ابن حجر شافعی، ابوالسرور احمد بن ضیاء الحنفی، و محمد بن محمد المالکی و یحیی بن محمد الحنبلی و مسعود بن عمر التفتازانی و شیخ محمد الجزری الدمشقی الشافعی و عبدالرحمن ابن خلدون در مقدمه اش و....

دیدن مهدی هزاران درد درمان می‌کنَد

مدعی گوید که با یک گل نمی‌گردد به_ار

من گلی دارم که عالم را گلستان می‌کند

۴. بخشش گسترده: از دیگر اقدامهای حضرت مهدی(ع) که رسول اکرم(ص) بدان توجه فرموده است، بخشش و اعطای گسترده و وسیع آن حضرت است؛ چنان که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «إِنَّ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيِّ... فَيَجِيءُ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيُّ أَعْطِنِي أَعْطِنِي! قَالَ فَيَحْتِى لَهُ فِي تَوْبِهِ مَا اسْتِطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ» (۱). مهدی در امت من است... مردی نزد او می‌آید و می‌گوید: ای مهدی! به من عطایی بفرما! مرا چیزی ببخش! پس آن حضرت به اندازه ای که او بتواند بردارد و حمل کند، به دامن او می‌ریزد.»

شبه همین روایت را ابو سعید خدری نیز از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده است. (۲)

ص: ۱۰۴

۱- . سنن، ترمذی، ج ۴، ص ۴۳۹، ح ۲۲۳۲.

۲- . منتخب الأثر، ص ۳۱۱.

۵. بازپس گیری حقوق: از دیگر اقدامهای دوران ظهور آن حضرت، بازگرداندن حق به صاحبان حق است؛ چنان که رسول خدا(ص) فرمود: «يَبْلُغُ مِنْ رَدِّ الْمَهْدِيِّ الْمَظَالِمَ حَتَّى لَوْ كَانَ تَحْتَ ضَرْسِ إِنْسَانٍ شَيْءٌ اِنْتَزَعَهُ حَتَّى يَرُدَّهُ؛» (۱) کار امام مهدی در باز پس گرفتن حقوق، بدانجا می رسد که حتی اگر در بُن دندان انسانی چیزی باشد، آن را برمی گیرد تا به [صاحبش] برگرداند.»

۶. برخورد با کارگزاران: از دیگر اقدامهای آن حضرت پس از ظهور، برخورد با کارگزاران و سختگیری به آنهاست؛ چنان که خاتم انبیا(ص) فرمود: «عَلَامَةُ الْمَهْدِيِّ أَنْ يَكُونَ شَدِيداً عَلَى الْعُمَّالِ جَوَاداً بِالْمَالِ رَحِيماً بِالْمَسَاكِينِ؛» (۲) از نشانه های مهدی(ع)، سختگیری بر کارگزاران، بخشندگی مال، و مهربانی با تهیدستان است.»

ص: ۱۰۵

۱- . موسوعه احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۲۲۱.

۲- . موسوعه احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۱۵۲.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) از نگاه پیامبر اعظم(ص)

حسن ختام

اجرای عدالت از یک طرف، در اختیار قرار گرفتن گنجهای زمین از طرف دیگر، برکت وجود و ظهور آن حضرت و یاران پاکش از طرف سوم، باعث وفور نعمتها و بارندگی در کره زمین می شود. به چند نمونه از روایات در زمینه فوق اشاره می کنیم:

یک. استخراج گنجها: پیامبر اکرم(ص) فرمود: «يُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفْلاذَ كَبِدِهَا وَيَحْتُوا الْمَالَ حَتَّى وَلَا يَعُدُّهُ عِدًّا؛» (۱) زمین، جگر گوشه ها و [گنجهای] خود را برای آن حضرت ظاهر می سازد و ثروت، چنان فزونی می یابد که قابل شمارش نیست.»

در روایت دیگر، در وصف خاتم اوصیا(ع) فرمود: «إِنَّهُ يَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ وَيَقَسِّمُ الْمَالَ؛» (۲) به راستی او (مهدی(ع)) گنجها را استخراج می کند و ثروتها را تقسیم می کند.»

ص: ۱۰۶

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶۸.

۲- منتخب الأثر، لطف الله صافی، ص ۴۷۲.

دو. بارندگی فراوان و محصولات زیاد: حضرت ختمی مرتبت (ص) فرمود: «تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطَّ تُزْسَلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِثْرَارًا» (۱) امت من در دوران حضرت مهدی (ع) از چنان نعمتی برخوردار می شوند که تا آن روز، مانندش را ندیده اند؛ آسمان برایشان بسیار می بارد.»

آن جناب درباره وفور محصولات کشاورزی فرمود: «وَلَا تَدْعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنَ النَّبَاتِ إِلَّا أَخْرَجَتْهُ» (۲) و زمین، چیزی از گیاهان خود را فروگذار نمی کند؛ جز آنکه آن را می رویاند.»

ص: ۱۰۷

۱- .عصر الظهور، کورانی، ترجمه عباس جلالی، ص ۳۲۵.

۲- .موسوعه احادیث المهدی، کورانی، ج ۱، ص ۲۲۱.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در آئینه خطبه غدیر

مقدمه

جریان غدیر و خطبه با عظمت آن، فقط یک قصه تاریخی خاص نیست که زمان آن گذشته و هیچ نقشی در امروز و فردای جامعه اسلامی نداشته باشد. همچنین یک حادثه شخصی نیست که پیامبر اکرم(ص) فقط امیر مؤمنان علی(ع) را به عنوان وصی خود معرفی کرده باشد و در نتیجه تاریخ مصرف و مبحث آن گذشته باشد؛ بلکه در غدیر خم و خطبه غدیره پیامبر دورانیش و آینده نگر اسلام، تاریخ کل بشر رقم خورد؛ چرا که امامت تمامی امامان دوازده گانه در طول تاریخ مطرح و تبیین شد؛ حقیقتی که از امیر مؤمنان(ع) آغاز و به مهدی صاحب الزمان(ع) منتهی می شود. (۱)

در بخشهای پایانی خطبه غدیره، رئوس برنامه های مهدی موعود(ع) بیان شده است تا هم خط سیر تاریخ جامعه اسلامی ترسیم شود و هم آینده روشن و زیبای جامعه بشری نشان داده شود؛ از این رو دعوت مردم و بیعت گرفتن از آنان بر همین محور کلی بوده است.

ص: ۱۰۸

۱- ر.ک: مبلغان، ش ۶۲، مقاله «حدیث غدیر، امامت امام علی(ع) و معصومین(ع)».

در بخشی از این خطبه می خوانیم: «ای مردم! پس از خدا بترسید و با علی و حسن و حسین «وَالْأَيْمَةَ كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً؛ و امامان به عنوان کلمه پاکیزه باقیه» بیعت کنید. هر کس حيله کند، خداوند او را هلاک می کند و هر کس وفا کند، در رحمت الهی قرار می گیرد.» (۱)

نخستین نکته ای که پیامبر اکرم (ص) درباره حضرت مهدی (ع) در خطبه غدیر گوشزد می کند، این است که مهدی (ع) از ما خانواده نبوت و امامت است: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيُّ وَعَلِيٌّ وَصِيِّي أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ؛» (۲) ای مردم! به درستی من، نبی، و علی، وصی من است. بدانید که آخرین امام از ما، مهدی قائم است.»

البته این نخستین بار نبوده است که حضرت بر این مسئله تصریح کند؛ بلکه پیش از خطبه غدیر نیز بارها و بارها این مسئله را برای مردم بیان کرده است.

ص: ۱۰۹

۱- . بحار الأنوار، دار احیاء التراث العربی، ج ۳۷، ص ۲۱۲.

۲- . بحار الأنوار، دار احیاء التراث العربی، ص ۲۱۴.

آن جناب در روایات دیگر به طور کامل مشخص کرد که مهدی(ع) از نسل علی و فاطمه(ع) و از فرزندان امام حسین(ع) است؛ (۱) سرانجام به طور دقیق بیان فرمود: «فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ فَبِعِدَّةِ ابْنِهِ الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع)؛ (۲) و پس از حسن [عسکری(ع)] فرزندش حجّه بن الحسن بن علی(ع) است.»

آن حضرت در خطبه تاریخی غدیریه در حضور بیش از یکصد هزار نفر، این بشارت را داد که اسلام در زمان حضرت مهدی(ع) جهانی خواهد شد؛ آنجا که فرمود: «أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ؛ (۳) بیدار باشید او (مهدی) غالب براساس دین است.»

البته پیامبر اکرم(ص) پیش از آن، بارها این امر حیاتی را با صراحت به گوش مردم رسانده بود. یک جا فرمود: «سوگند به آنکه مرا به حق، بشارت دهنده برانگیخت! اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می کند: «حَتَّى يَخْرُجَ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ... وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ؛ (۴) تا اینکه فرزندم مهدی(ع) [در آن] قیام کند... و زمین به نور پروردگارش روشن شود و حکومت او شرق و غرب را فرا گیرد.»

ص: ۱۱۰

۱- . اکمال الدین، ص ۴۹۱ _ ۵۲۵.

۲- . اکمال الدین، ص ۴۸۳ _ ۴۸۶؛ کفایه الأثر، ص ۱۳ و ۱۴ و فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۳.

۳- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳.

۴- . فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۲ و اکمال الدین، ج ۱، ص ۵۲۴، ح ۲۷.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در آئینه خطبه غدیر

انتقام از ظالمان

جای تردید نیست که در طول تاریخ، ستمگران، ظلم بی شماری درباره بشر، به ویژه انبیا و اولیا(ع) روا داشته اند؛ به ویژه پیامبر خاتم(ص) و آل او، بیشترین ستمها را از ستمگران تحمل کرده اند و هنوز هم که هنوز است، انتقام این جنایات و ستمگریها گرفته نشده و این عقده در دل همه انسانها به ویژه آل پیامبر(ص) باقی است. آری، عقیده ما این است که ظالمان در روز قیامت، به جزای خویش خواهند رسید؛ ولی با این حال برای عبرت و درس گیری و همین طور برای تشریحی دل مظلومان عالم در همین دنیا نیز از آنان انتقام گرفته می شود. این امر در دوران منتقم آل محمد(ص)، منتقم همه مظلومان، مهدی صاحب الزمان(ع) تحقق خواهد پذیرفت.

حضرت ختمی مرتبت(ص) در خطبه غدیر، این تسلی را به مظلومان عالم داد که مهدی(ع) انتقام آنها را خواهد ستاند؛ آنجا که فرمود: «أَلَا - إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ؟» (۱) بیدار باشید او (مهدی) به حقیقت، انتقام گیرنده از ظالمان است.» در ادامه فرمود: «أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟» (۲) آگاه باشید او است که انتقام خون دوستان خدای عزیز و جلیل را می گیرد.»

ص: ۱۱۱

۱- بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳.

۲- بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳.

در دعای شریف ندبه در صبح جمعه می خوانیم: «أَيُّنَ الطَّالِبِ بِدُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ أَيُّنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ؟» (۱) کجاست آن [منتقمی] که از ستم [ظالمان] بر پیامبران و اولاد پیغمبران دادخواهی کند؟ کجاست خون خواه [جدّ غریبش] شهید کربلا؟»

رسول خدا(ص) در خطبه غدیر، سربسته و به گونه ای اجمالی از پیروزی حضرت مهدی(ع) بر تمام قدرتها و زورمداران خبر داده است؛ آنجا که می فرماید: «أَلَا- إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا؛» (۲) بیدار باشید او (مهدی) فاتح قلعه ها و منهدم کننده آنهاست.» فرق نمی کند این دژها همان قلعه های قدیمی باشد و یا سنگرهای محکم سیمانی و سپرهای موشکی و ضد موشکی و فرق نمی کند اسلحه ها شمشیر و تفنگ و توپ و تانک باشد و یا اسلحه های پیشرفته اتمی و انواع جدید آن. قدرت و توان حضرت بقیه الله (ع) همه آنها را درهم خواهد شکست و بر همه آنها پیروز خواهد شد.

پیامبر اکرم(ص) در ادامه می فرماید: «أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرُكِ؛» (۳) بیدار باشید او کشنده هر قبیله ای از اهل شرک است.» این شرک در هر لباس و در هر نقطه و با هر قدرت و امکاناتی که باشد، به دست آن حضرت از پا در خواهد آمد و یا قدرت هدایتی آن حضرت بر آنها غالب می شود و به هدایت آنان منجر می شود. در برخی نقلها آمده است: «أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ وَهَادِمُهَا؛» (۴) آگاه باشید که او (مهدی) غالب بر هر قبیله ای و هدایتگر آن خواهد بود.»

ص: ۱۱۲

- ۱- . مفاتیح الجنان، دعای ندبه، ص ۹۸۱ و ۹۸۲.
- ۲- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳.
- ۳- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳.
- ۴- . پیام نگار، متن خطبه غدیر، سید حسین حسینی، ص ۷۶ و ۷۷.

خاتم پیامبران(ص) در قسمت دیگر می فرماید: «أَلَا - إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ؛»(۱) هشدار که کسی بر او (مهدی) غالب [و پیروز] نخواهد شد و علیه او یاری نخواهد شد.»

ص: ۱۱۳

۱- . همان، ص ۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در آئینه خطبه غدیر

وارث تمام علوم

پیشرفت علوم دینی و بشری در عصر مهدوی، به اوج خود خواهد رسید؛ چرا که آن حضرت تمام علوم انبیا و امامان پیش از خود را داراست و از بحر بی پایان علوم الهی بهره می برد. پیامبر اکرم(ص) در خطبه غدیر به این امر اشاره فرموده است. آن حضرت در یک جا می فرماید: «أَلَا إِنَّهُ الْعَرَاْفُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ؛»(۱) هشدار که او از دریایی ژرف (علوم بی نهایت الهی) پیمانه هایی افزون گیرد.»

آن جناب در جای دیگر می فرماید: «أَلَا- إِنَّهُ وَارِثٌ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِهِ؛»(۲) بیدار باشید که او وارث تمام دانشها [ی گذشتگان] است و بر آنها احاطه کامل دارد.»

ص: ۱۱۴

۱- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳.

۲- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳.

راستی این تعبیر، با لفظ «کُلّ» در بخش علم، نشانگر فراگیری و عمومیت دانش وسیع آن حضرت است. در نتیجه باید گفت آن حضرت، جامع علوم تمام گذشتگان به ویژه انبیاست و به کتب آسمانی آنان نیز به طور کامل احاطه دارد.

حضرت صادق(ع) فرمود: «امام زمان(ع) ندا می دهد: هر کس که کتابها [ی آسمانی] و صحف [انبیا] را می خواند، پس باید از من بشنود! سپس ابتدا می کند به [خواندن] صحفی که خداوند بر آدم و شیث نازل فرمود و امت [و پیروان] آدم و شیث(ع) می گویند: به خدا سوگند! این، همان صحف واقعی است و به راستی ما را نشان داد آنچه نمی دانستیم و در آن وجود دارد، آنچه بر ما مخفی مانده و آنچه از آن افتاده و تبدیل و تحریف شده بود.

آن گاه تورات، انجیل و زبور را می خواند و اهل تورات، انجیل و زبور می گویند: به خدا سوگند! تورات جامع و زبور تمام و انجیل کامل است و به راستی، آن، چندین برابر آن چیزی است که ما پیش تر خوانده بودیم.»(۱)

ص: ۱۱۵

راز این همه دانش گسترده این است که آن حضرت، از جانب خدا سخن می گوید و از منبع علوم بی نهایت الهی بهره می برد. پیامبر اکرم(ص) در خطبه غدیر به این امر اشاره کرده، می فرماید: « أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمُشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ؛ (۱) بیدار باشید که او از سوی پروردگارش خبر می دهد و آیات و نشانه های او را محکم و برپا می کند.»

در بحار الأنوار ذیل جمله فوق چنین آمده است: «وَالْمُتَّبِعُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ؛ (۲) و آگاه کننده به امر ایمان او (خدا) است.»

ص: ۱۱۶

۱- . پیام نگار، ص ۷۸.

۲- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در آئینه خطبه غدیر

گوشه هایی از اوصاف و مقامات آن حضرت

۱. استوار و محکم

«أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّادِدُ؛» (۱) هشدار که او به رشد [واقعی] رسیده و استوار است.»

۲. اختیار دار هستی به امر الهی

«أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ؛» (۲) آگاه باشید هموست که [اختیار امور جهانیان و آیین آنان] به او واگذار شده [و از سوی خداوند و با اذن او برخوردار از ولایت تکوینی] است.»

۳. بقیه الله

ص: ۱۱۷

۱- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳

۲- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳

او تنها حجت باقی مانده بر زمین است: « أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ؛ » (۱) آگاه باشید که او حجت باقی مانده است و پس از او حجّتی [و امامی] نخواهد بود. » (۲)

۴. حق در نزد اوست

حق واقعی در مسیر امامتی است که با امیر مؤمنان (ع) آغاز و با مهدی موعود (ع) خاتمه می یابد.

پیامبر اکرم (ص) در خطبه غدیریّه فرمود: «وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ؛» (۳) هیچ حقی نیست، مگر اینکه با اوست و هیچ نوری نیست، مگر اینکه نزد اوست.» هر چه غیر او و در مسیری جز او باشد، باطل و دچار تاریکی است.

۵. ولی و امین الهی

ص: ۱۱۸

-
- ۱- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳
 - ۲- . این تعبیر با رجعت تنافی ندارد؛ چرا که امامان پیش از آن حضرت رجوع می کنند و جمله فوق می گوید که بعد از او امامی نیست.
 - ۳- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳.

طبق روایات فراوان، زمین هیچ گاه از حجت خالی نمی شود؛ خواه آشکار باشد و یا پنهان و پشت پرده. حجت الهی در این دوران، همان مهدی (ع) است که قرن‌ها پیش از غیبت آن حضرت، پیامبر اسلام (ص) این مسئله را در خطبه غدیر گوشزد فرموده است: «أَلَا - وَ إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ؛» (۱) آگاه باشید به راستی که او ولی خدا در زمین و داور او (پروردگار) در میان مردم و امانتدار امور آشکار و پنهان او (خداوند) است.»

ص: ۱۱۹

۱- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در آئینه خطبه غدیر

بشارت به مهدی(ع) در ادیان دیگر

همچنان که قرآن کریم می فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ (۱) «در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد.» تمام ادیان الهی به منجی و مصلح اعتقاد دارند و همه به آمدن آخرین منجی بشارت داده اند. در کتب اصلی و غیر تحریف شده به شخص حضرت مهدی(ع) بشارت داده شده و در کتابهای موجود فعلی در دست پیروان ادیان، به این مسئله اشاراتی شده است.

پیامبر اعظم(ص) با توجه به احاطه ای که به کتب آسمانی و مذاهب گذشتگان داشته اند، این جمله رسا را در غدیر خم اعلام فرمودند: «أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ»؛ (۲) آگاه باشید که تمامی گذشتگان به [ظهور] او بشارت داده اند.»

ص: ۱۲۰

۱- انبیاء/ ۱۰۵.

۲- بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳.

این جمله نشان می دهد که در کتب ادیان گذشته، صریح تر از آنچه موجود است، به آمدن حضرت مهدی (ع) اشاره شده؛ ولی گذشت زمان و دست تحریفگران آن را تغییر داده است.

ص: ۱۲۱

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در آئینه خطبه غدیر

لیاقت محوری

قیام حضرت ولی عصر(ع) برکات بی شماری برای بشر به ارمغان می آورد؛ از عدالت فراگیر و همه جانبه گرفته تا امنیت واقعی در ابعاد مختلف، و از پیشرفت شگرف علوم گرفته تا رشد عقلانی بشر و

یکی از مهم ترین دستاوردهایی که در خطبه غدیر بدان اشاره شده است، آن است که در آن زمان با هر کس به اندازه استعداد، لیاقت و توان علمی او برخورد می شود. لیاقت محوری همه جانبه، فقط در آن زمان تحقق خواهد یافت و در آن دوره است که نه کسی بیش از حق خود دریافت می کند و نه کمتر از آن.

حضرت ختمی مرتبت(ص) با توجه به اهمیت این دستاورد فرموده است: «أَلَا إِنَّهُ قَبِيْمٌ [يَسِيْمٌ] كُلُّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلُّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ؟» (۱) هشدار که او هر صاحب فضلی را به اندازه ارزش و فضل او و هر نادانی را به اندازه نادانی اش تقسیم [و نشان] می کند.»

ص: ۱۲۲

راستی از دیرینه ترین آرزوهای بشری، لیاقت محوری بوده است؛ حتی آنانی که زیاده خواه هستند، در مواردی، به لیاقت محوری تن می دهند و فطرت و وجدان آنان نیز همواره آنها را به این موضوع ترغیب و تشویق می کند.

جمع بندی سخنان پیامبر اکرم(ص) در خطبه غدیر نشان می دهد که حضرت، آینده بس روشنی را برای بشر ترسیم کرده و رئوس و کلیات اوصاف و برنامه های حضرت مهدی(ع) را به زیبایی ترسیم و تبیین فرموده است.

ص: ۱۲۳

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در کلام امیر مؤمنان(ع)

مقدمه

انسانها سالهاست به فراخور حال و مجال دین و فرهنگ و آگاهی خویش در انتظار اصلاحگر توانمند و بزرگ جهانی به سر می‌برند. در این میان، انبیا و امامان معصوم(ع) بیش از دیگران از مهدویت، انتظار، شرایط آن، ظهور و علائم آن، دوران سخت غیبت، دوران ظهور، رهاورد آن و... سخن گفته‌اند. از جمله امیر مؤمنان(ع) به صورتهای مختلفی از آن یار سفر کرده یاد کرده و در برخی جملات، از ویژگیهای حکومت جهانی آن حضرت و ره آورد آن سخنانی را بیان کرده‌اند.

آنچه پیش رو دارید، نگاهی است به مسئله مهدویت و سیمای حضرت مهدی(ع) در کلمات گهربار امیر مؤمنان علی(ع).

ص: ۱۲۴

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در کلام امیر مؤمنان(ع)

الف) اشتیاق به رؤیت مهدی(ع)

یوسف کنعان عشق، بنده رخسار اوست

خضر بیابان عشق تشنه گفتار اوست

موسی عمران عشق طالب دیدار اوست

کیست سلیمان عشق بر در او یک فقیر (۱)

علی(ع) آنجا که سخن از مهدی(ع) به میان می آید، به سینه خود اشاره می کند و آهی کشیده، می فرماید: «شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْتِهِ؛ (۲) چقدر به دیدار او مشتاقم.» و در نهج البلاغه می فرماید: «أَلَمَّا بِأَبِي وَ أُمِّي مِنْ عِدَّةِ أَسْمَائِهِمْ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ؛ (۳) آگاه باشید! آنان که پدر و مادرم فدایشان باد، از کسانی هستند که نام آنها در آسمان، معروف و در زمین ناشناخته است.»

امیر مؤمنان(ع) درباره صفات ظاهری آن حضرت نیز می فرماید: «هُوَ شَابٌّ مَرْبُوعٌ حَسَنُ الْوَجْهِ حَسَنُ الشَّعْرِ يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكِبَيْهِ وَ نُورٌ وَجْهِهِ يَغْلُو سَوَادَ لِحْيَتِهِ وَ رَأْسُهُ بِأَبِي ابْنِ خَيْرِهِ الْأَمِيَاءِ؛ (۴) او جوانی چهار شانه، نیکو صورت و نیکو موی است که موی او بر شانه هایش فرو ریخته و درخشندگی چهره اش، سیاهی موی محاسن و سر او را تحت الشعاع قرار می دهد. پدرم فدای او باد که فرزند بهترین بانوان است.»

ص: ۱۲۵

- ٢- . بحار الأنوار، ج ٥١، ص ١١٥، ذيل روايت ١٣.
- ٣- . نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتي، خ ١٨٧، ص ٣٦٨.
- ٤- . بحار الأنوار، ج ٥١، ص ٣٦، ح ٦ و كتاب الغيبه، شيخ طوسي، مؤسسه معارف اسلامي، ص ٤٧.

دیده در هجـر تو شرمنده هجرانـم کرد

بس که شبها گهـر اشک به دامانـم کـرد

شمـه ای از گـل روی تو به بلبل گفتـم

آن تنک حوصله رسوای گلستانم کـرد

گوشه ای از غم هجران تو گفتم با شمع

آن قدر سوخت که از گفته پشیمانم کرد

آن حضرت در سخن دیگری امام زمان(ع) را این گونه در نهج البلاغه می ستاید: «اللَّهُمَّ بَلَى لَّا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَ إِمَّا خَائِفًا مَعْمُورًا؛» (۱) آری خداوند! زمین هیچگاه از حجت الهی خالی نیست که برای خدا [با برهان روشن] قیام کند. [آن حجت و امام] یا ظاهر و مشهور و یا ترسان و مستور است.»

آن حضرت در همانجا می فرماید: «به خدا سوگند که تعدادشان اندک است؛ ولی نزد خداوند بزرگ مقدارند؛ [چرا] که خداوند بزرگ به یاری آنان حجتها و نشانه های خود را نگاه می دارد تا به کسانی بسپارند که همانندشان هستند...؛ آنان که دانش و نور حقیقت بینی بر قلبشان تابیده و روح یقین را دریافته اند که با آنچه خوشگذرانها دشوار می شمردند و با آنچه ناآگاهان از آن هراس داشتند، انس گرفتند؛ در دنیا با بدنهایی زندگی می کنند که ارواحشان به جهان بالا پیوند خورده است. آنان جانشینان خدا در زمین و دعوت کنندگان مردم به دین خدایند.» آن گاه فرمود: «آه آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ؛» (۲) آه آه! چقدر مشتاق دیدارشان هستم.»

ص: ۱۲۶

۱- . اکمال الدین، انتشارات مسجد جمکران، ج ۱، ص ۵۴۲ و ۵۴۳ و نهج البلاغه، ح ۱۴۷.

۲- . اکمال الدین، انتشارات مسجد جمکران، ج ۱، ص ۵۴۲ و ۵۴۳ و نهج البلاغه، ح ۱۴۷

به هر جا می رسم جای تو خالیست

به جز یاد تو همراز دلم نیست

به ویژه دوران ظهور آن حضرت و استقرار حکومت عادلانه او که جمال و کمال، دولت و صولت گرد هم می آیند، سخت مورد اشتیاق امیرمؤمنان بوده است؛ از این رو فرمود: «يَا شَوْقَاةَ إِلَىٰ رُؤْيَيْتِهِمْ فِي حَالِ ظُهُورِ دَوْلَتِهِمْ؛ (۱)» چقدر مشتاق دیدار آنها هستم، در آن زمان که در ظهور دولتشان به سر می برند.»

ص: ۱۲۷

۱- . الکافی، دار التعارف، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۳.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در کلام امیر مؤمنان(ع)

ب) تداوم امامت با دوازده نفر

از جمله مسائلی که امیر مؤمنان(ع) با بیانهای مختلف به آن توجه داده، این امر است که هیچ گاه زمین، از حجت خالی نیست و این حجتها در مجموع، دوازده نفرند. در نتیجه، امامت در تمام ادوار تا دوران ظهور مهدی موعود(ع) ادامه دارد.

آن حضرت در کلامی فرمود: «اللَّهُمَّ بَلِّ لَنْ تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّتِهِ لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجُّجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ؛»^(۱) آری خدایا! زمین، خالی از قیام کننده به حجت الهی نمی ماند تا اینکه حجتها و دلایل روشن الهی باطل نشود. این مضمون به صورتهای متعددی از مولا امیر مؤمنان(ع) نقل شده است. ^(۲)

در جای دیگر مشخص فرمود که این حجتهای الهی دوازده نفرند: «يَكُونُ لِهَيْدِهِ الْأَمَّةِ بَعِيدَ نَبِيَّهَا اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا عَدْلًا لَا يَضُرُّهُمْ خِلَافٌ مَنْ خَالَفَ عَلَيْهِمْ؛»^(۳) برای این امت، دوازده امام عادل پس از پیامبرش وجود دارد که مخالفت مخالفان به آنان ضرری نمی رساند.

ص: ۱۲۸

۱- نهج البلاغه، ح ۱۴۷ و اکمال الدین، ج ۱، ص ۵۴۲.

۲- ر. ک: اکمال الدین، ص ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۴۶ و ۵۴۷، ۵۶۲، که از طریق امام صادق(ع)، کمیل، نخعی، ابی اسحاق همدانی و... نقل شده است.

۳- ر. ک: اکمال الدین، ص ۵۵.

آن حضرت در بیان دیگری فرمود: «يَا هَارُونِي لِمَحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَهُ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا عَدْلًا لَا يَضُرُّهُمْ خِذْلَانٌ مِّنْ خِذْلِهِمْ؛ (۱) ای هارونی! پس از محمد(ص) دوازده امام عادل خواهد بود که تلاش خوارکنندگان به آنها ضرری نرساند.»

آن گاه روشن کرد که این دوازده نفر از قریش و از نسل هاشم هستند: «إِنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ قُرَيْشٍ غُرِسُوا فِي هَذَا الْبَطْنِ مِنْ هَاشِمٍ لَا تَصْلُحُ عَلَى سِوَاهُمْ وَلَا تَصْلُحُ الْوُلَاةُ مِنْ غَيْرِهِمْ؛ (۲) همانا امامان، همه از قریش اند که [درخت] آنها را در خاندان بنی هاشم کاشته اند. مقام ولایت و امامت، در خور دیگران نیست و دیگر مدعیان [زمانمندی] شایستگی آن را ندارند.»

این موضوع در منابع اهل سنت نیز آمده است (۳) که جانشینان پیامبر اکرم(ص) دوازده نفر و همه از بنی هاشم اند. سلیمان قندوزی می گوید: «مقصود از دوازده خلیفه، همان امامان دوازده گانه شیعه است؛ زیرا احادیث را بر خلفای راشدین نمی توان تطبیق کرد؛ چون تعداد آنان کمتر از دوازده است و بر حاکمان اموی نمی توان منطبق کرد؛ چون بیش از دوازده نفر بودند و غالب آنها عناصری ظالم و ستمگر بوده اند. گذشته از این، آنها از دودمان هاشم نبودند و از تیره امیه بودند و همین طور به خلفای عباسی نمی توان تفسیر کرد؛ چون تعداد آنها نیز بیش از دوازده نفر است و افزون بر آن پیوسته با نزدیکان پیامبر در جنگ و ستیز بوده اند؛ از این رو راهی جز این نیست که بگوییم: همان امامان دوازده گانه شیعه مقصود است.» (۴)

ص: ۱۲۹

۱- ر. ک: اکمال الدین، ص ۵۵۸، ح ۷.

۲- نهج البلاغه، خ ۱۴۴، ص ۲۶۴.

۳- ر. ک: صحیح، مسلم، ج ۱۶، ص ۳ و بحوث فی الملل و النحل، سبحانی، ج ۶، ص ۵۸ - ۶۱.

۴- ینابیع المودّه، سلیمان قندوزی، چاپ استانبول، ۱۳۰۱ق، ص ۴۴۶، با تلخیص.

اما علی(ع) مسئله را این چنین مشخص فرمود: «أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا خَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ؛ (۱) بیدار باشید! مثل آل محمد(ص) چونان ستارگان آسمان است که اگر ستاره ای غروب کند، ستاره دیگری طلوع خواهد کرد...»

همچنین در جای دیگر به ابن عباس فرمود: «إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ يَنْزِلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرٌ السَّنَةِ وَإِلَيْكَ الْأَمْرُ وَاللَّيْلَةُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَنْ هُمْ قَالَ أَنَا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلْبِي أَيْمَنَهُ مُحَدَّثُونَ؛ (۲) به راستی شب قدر در هر سالی هست و در آن شب، تقدیرات آن سال نازل می شود و برای آن امر، والیانی پس از رسول اکرم(ص) وجود دارد. ابن عباس عرض کرد: آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: من و یازده تن از صُلب من که امامان محدث هستند.»

در روایتی دیگر می خوانیم که «از علی(ع) درباره سخن رسول خدا(ص) که فرموده بود: من بین شما دو شیء گرانبها می گذارم: قرآن و عترتم، سؤال شد که عترت کیست؟ حضرت فرمود: من، حسن، حسین و امامهای نه گانه از فرزندان حسین(ع) که نهمی آنها مهدی و قائم آنان می باشد. اینان از قرآن، کتاب خدا، جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر رسول خدا(ص) وارد شوند.» (۳)

ص: ۱۳۰

۱- نهج البلاغه، خ ۱۰۰، ص ۱۸۶.

۲- اکمال الدین، ص ۵۶۶، ح ۱۹.

۳- معانی الاخبار، صدوق، مکتبه الصدوق، ص ۹۵.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در کلام امیر مؤمنان(ع)

ج. غیبت حیرت زا

سالها پیش از تولد حضرت مهدی(ع) امیر بیان، علی(ع) خبر از غیبت طولانی و حیرت زای آن محبوب دلها داده است. او این حادثه تلخ را برای همراهان و آیندگان بیان فرموده و شدت و نهایت نگرانی و ناراحتی خود را از آن بیان کرده است.

اصبغ بن نباته گوید که بر امیر مؤمنان وارد شدم و دیدم [ناراحت و] در اندیشه فرو رفته و با انگشت بر زمین خط می کشد. گفتم: «ای امیر مؤمنان! چرا شما را اندیشناک [و اندوهناک] می بینم و چرا بر زمین خط می کشید؟ آیا به زمین و خلافت در آن رغبتی دارید؟» فرمود: «لَا وَاللَّهِ مَا رَغِبْتُ فِيهَا وَلَا فِي الدُّنْيَا يَوْمًا قَطُّ وَلَكِنْ فَكَّرْتُ فِي مَوْلُودٍ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَ غَيْبَةٌ يَصِلُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي فِيهَا آخِرُونَ؛» (۱) نه به خدا! به زمین و دنیا هرگز رغبتی نداشته ام؛ ولی درباره مولودی می اندیشم که از نسل من و یازدهمین فرزند من است. او مهدی(ع) است که زمین را پر از عدل و داد می سازد؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. او را حیرت و غیبتی است [که مردم نسبت به او پیدا می کنند و] اقوامی در آن گمراه می شوند و اقوام دیگر در آن هدایت می یابند.»

اصبغ بن نباته می گوید: «گفتم: ای امیر مؤمنان! چنین چیزی واقع خواهد شد؟» فرمود: «آری، همان گونه که او آفریده شده [دارای غیبت نیز خواهد بود] و تو را نرسد که به این مسئله علم پیدا کنی. ای اصبغ! آنها بهترین این امت به همراه نیکان این عترت خواهند بود. گفتم: «پس از آن چه خواهد شد؟» فرمود: «سپس خداوند هر چه بخواهد انجام می دهد...» (۲)

ص: ۱۳۱

۱- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۵۳۸ و ۵۳۹.

۲- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۵۳۹.

در روایتی دیگر می خوانیم، اصبع بن نباته می گوید: «أَنَّهُ ذَكَرَ الْقَائِمَ (ع) فَقَالَ أَمَا لَيَغِيْبَنَّ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ؟» (۱) (امیر مؤمنان(ع) از قائم(ع) یاد کرد و فرمود: او حتماً غایب خواهد شد؛ غیبتی که جاهل [به راز غیبت] گوید: خداوند را در آل محمد(ص) حاجتی نیست.»

و در جای دیگر فرمود: «لِلْقَائِمِ مَنَا غَيْبَةٌ أَمِيدُهَا طَوِيلٌ كَأَنِّي بِالشُّعْبَةِ يَجُولُونَ جَوْلَانَ النَّعَمِ فِي غَيْبَتِهِ يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ...» (۲) (برای قائم ما غیبتی است که مدتش طولانی است. گویی شیعه را در دوران غیبت او می بینم که سرگردان اند، مانند جولان چهار پایان؛ چراگاه را می جویند؛ ولی آن را نمی یابند...»

دل_____ آگاه_____ی از جای_____ت _____ن_____ دارد

ص: ۱۳۲

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۱۹، ح ۱۹.

۲- . بحار الأنوار، جلد ۱، ص ۱۰۹، ح ۱.

در این دنیای ما، می دانم ای دوست

کسی تاب تماشایت ندارد

همین مضمون در روایات متعدد به طرق مختلف نقل شده است. (۱) در نهج البلاغه هم می خوانیم: «فِي سِتْرِهِ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرُهُ» (۲) [حضرت مهدی (ع) سالهای طولانی] در پنهانی از مردم به سر می برد؛ آن چنان که اثر شناس، اثر قدمش را نمی یابد؛ گرچه در یافتن اثر [و نشانه ها] بسیار تلاش کند.»

ص: ۱۳۳

۱- ر. ک: اکمال الدین، ج ۱، ص ۵۶۳، ح ۱۲؛ ص ۵۶۴، ح ۱۵ و ص ۵۶۵، ح ۱۷.

۲- نهج البلاغه، خ ۱۵۰، ص ۲۷۴.

د) پیروزمندان دوران سخت غیبت

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در کلام امیر مؤمنان(ع)

د) پیروزمندان دوران سخت غیبت

دوران غیبت کبری، دوران سخت و امتحان طاقت فرسایی است که مردودهای فراوانی خواهد داشت؛ هر چند قبول شدگان سخت کوشی نیز دارد؛ اما چه کسانی در این دوران سخت و دشوار پیروز از امتحان بیرون می آیند؟ علی(ع) اوصاف آنها را این گونه معرفی می کند:

۱. ثابت قدمان راه الهی

مولا می فرماید: «أَلَا فَمَنْ ثَبَّتَ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ [وَأَلَا لَمْ يَقْسُ قَلْبُهُ لَطُولِ أَمِيدِ غَيْبِهِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ]» (۱) هر که در آن دوران در دینش استوار باشد و قلبش به سبب طول غیبت امامش، سخت و قسی نشود، او در روز قیامت، هم درجه من است.»

۲. مخلصان

ص: ۱۳۴

۱- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۵۶۳ و ۵۶۴، ح ۱۴.

آن حضرت فرمود: «وَلَكِنْ بَعْدَ غَيْبِهِ وَحَيْرِهِ فَلَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِيثَاقَهُمْ بَوْلَايَتِنَا وَكَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ» (۱) [ظهور مهدی واقع می شود]؛ ولی پس از غیبت و حیرتی که جز مخلصان، کسی در آن استوار نمی ماند؛ کسانی که دارای روح یقین هستند و خداوند، پیمان ولایت ما را از آنها گرفته و ایمان را در قلوبشان نگاشته و آنان را به واسطه روحی از جانب خود مؤید داشته است.»

از زبان منتظرانش باید گفت:

تا فصل بهار منتظر خواهم ماند

تا دیدن یار منتظر خواهم ماند

در غیبت تو اگر مـ را دار زند

بر چوبه دار منتظر خواهم ماند

ص: ۱۳۵

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در کلام امیر مؤمنان(ع)

ه) فضیلت انتظار

از مسائلی که باعث پیروزی و ثبات قدم در دوران غیبت کبری می شود و در کلام امیر بیان، علی(ع) به آن توجه شده، فضیلت انتظار است؛ البته انتظار سازنده و فضیلت ساز، نه ویرانگر و ناامیدکننده.

انتظار سازنده، یعنی خود را برای دوران ظهور آماده کردن و با هر کجی و گناه در خود و دیگران مبارزه کردن. انتظار، یعنی ایجاد لیاقت برای دیدار و پیشواز امام خویش که به وسعت هستی، نورانیت و روشنایی دارد و انتظار، یعنی آماده شدن برای جامعه عدل مهدوی که به دور از هر گونه ظلم و ستمگری است. به این سبب، علی(ع) از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده است که فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظِرُ الْفَرَجَ؛»^(۱) برترین عبادت، انتظار کشیدن برای فرج [و ظهور مهدی(ع)] است.»

ص: ۱۳۶

۱- اکمال الدین، ج ۱، ص ۵۳۷، ح ۶.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در کلام امیر مؤمنان(ع)

(و) نقش امام غایب در هدایت مردم

حضرت حجت(ع) همچون خورشیدی پشت ابر، شعاعهای معنوی و هدایتی خویش را متوجه مردم و شیعیان خود می سازد و هرگز آنها را رها نمی کند و تنها نخواهد گذاشت.

امیر مؤمنان(ع) در این باره می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَأَرْضِكَ مِنْ حُجَّهِ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ يَهْدِيهِمْ إِلَى دِينِكَ وَيُعَلِّمُهُمْ عِلْمَكَ لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجَّتُكَ وَ لَمَّا يَضِلَّ اتِّبَاعُ أَوْلِيَائِكَ بَعِيدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ بِهِ إِمَّا ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمَطَاعِ أَوْ مُكْتَتِمٍ أَوْ مُتْرَقِّبٍ إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُ فِي حِيَالِ هِدَايَتِهِمْ فَإِنَّ عِلْمَهُ وَ آدَابَهُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مُثَبَّتَةٌ فَهُمْ بِهَا عَامِلُونَ؛ (۱)» بار خدایا! ناگزیر باید در زمین تو حجتی از تو برای خلائق باشد تا ایشان را به دین تو هدایت کند و علم تو را به آنها بیاموزد تا حجت تو باطل نشود و پیروان اولیای تو پس از هدایت، گمراه نشوند. این حجت، یا آشکار است؛ ولی مطاع نیست و یا آنکه پنهان است و یا منتظر [ظهور]. اگر چه شخص او در حالی که مردم را هدایت می کند، غایب باشد؛ اما علم و آداب او در قلوب مؤمنین ثبت است و بدان عمل می کنند.»

ص: ۱۳۷

ز) راز غیبت امام زمان (ع)

فصل دوم: امام مهدی (ع) از نگاه قرآن و معصومان (ع)

امام مهدی (ع) در کلام امیر مؤمنان (ع)

ز) راز غیبت امام زمان (ع)

درباره راز غیبت، اموری در روایات ذکر شده است؛ همچون: امتحان امت، آماده شدن مردم و جهان برای قیام جهانی، محفوظ ماندن حضرت از شر دشمنان و... . امیر مؤمنان (ع) راز غیبت را در این می داند که بیعتی از ظالمان بر دوش او نباشد؛ چنان که امامان دیگر در برخی موارد مجبور شدند به ظاهر، بیعت با ظالمان را پذیرا شوند.

حضرت علی (ع) فرمود: «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا إِذَا قَامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تَخْفَى وِلَادَتُهُ وَيَغِيبُ شَخْصُهُ؛» (۱) (هنگامی که قائم ما قیام کند، بیعت احدی بر گردن او نیست و به این دلیل است که ولادتش پنهان است و شخص او [از دیده ها] غایب است.»

ص: ۱۳۸

۱- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۵۶۴، ذیل حدیث ۱۴.

فصل دوم: امام مهدی (ع) از نگاه قرآن و معصومان (ع)

امام مهدی (ع) در کلام امیر مؤمنان (ع)

ح) غربت و تنهایی مهدی (ع)

جذبده های دنیوی و کشش نفسانی، همیشه انسانها را به این وا داشته است که به سمت دنیا طلبان سوق پیدا کنند و در نتیجه، مردان الهی و رهبران دینی کمتر طرفدار داشته باشند و نوعاً در غربت و تنهایی به سر برند. انبیا و امامان معصوم (ع) هر کدام در برهه ای از زمان، این تجربه تلخ را داشته اند؛ از جمله امام زمان (ع) که این تنهایی و غربت را در دوران غیبت کبری تحمل می کند. علی (ع) در این باره فرمود: «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الشَّرِيدُ الطَّرِيدُ الْفَرِيدُ الْوَحِيدُ» (۱) صاحب این امر، آواره، رانده، تک و تنهاست.»

ای شکوفایی هر گل ز شکوفای ی تو

ص: ۱۳۹

نبود هی—چ گل ناز به زیبای—ی تو

مهدی فاطمه ای م_ونس تنهای—ی من

اشک ریزم به خدا از غم تنهایی تو

چه شود گر به گدا اذن تماشا بدهی

تا بین—م رخ زیبا و تماشای—ی تو

ص: ۱۴۰

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در کلام امیر مؤمنان(ع)

ظهور، نزدیک است

از نکات بسیار مهم در باره حضرت مهدی(ع) این است که امیر مؤمنان علی(ع) ظهور و قیام آن حضرت را نزدیک دانسته است؛ بشارتی که روح تازه ای در کالبد خسته دلان دوران غیبت می دمد و باعث می شود رنج دوری از حضرت و فتنه ها و فسادهای آخرالزمان را با شهد شیرین یاد ظهور و نزدیک بودن آن تحمل کنند.

حضرت علی(ع) فرمود: «وَمَا أَقْرَبَ الْيَوْمَ مِنْ تَبَاشِيرِ غَدٍ يَا قَوْمَ! هَذَا إِبَانُ وُرُودِ كُلِّ مَوْعُودٍ وَ دُنُوٌّ مِنْ طَلْعِهِ مَا لَا تَعْرِفُونَ؛ (۱) و چه نزدیک است امروز ما به فردایی که سپیده آن آشکار شد! ای مردم! اکنون ما قرار داریم در آستانه تحقق وعده های داده شده [برای دوران ظهور] و نزدیکی طلوع آن چیزهایی که شما نمی شناسید.»

وعده دیدار نزدیک است یاران مژده باد

ص: ۱۴۱

روز وصلش می رسد ایام هجران می رود (۱)

ص: ۱۴۲

۱- دیوان امام، امام خمینی (رحمه الله)، ص ۱۱۱.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در کلام امیر مؤمنان(ع)

آینده روشن در حکومت

از امتیازات بزرگ تشییع، داشتن آینده ای روشن و امیدبخش است که عدل گستر جهان آن را ایجاد خواهد کرد. بشارت به چنین آینده ای را تک تک امامان معصوم(ع) داده اند. امیر بیان، علی(ع) در رأس آنها است و می فرماید:

«أَلَا وَ إِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسِيرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَ يَخِذُّو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيُحِلَّ فِيهَا رِبْقًا وَ يُعْتَقَ فِيهَا رِقًّا... ثُمَّ لِيُشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَهَدَ الْقَيْنِ النَّصْلَ تُجَلَى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ وَيُؤْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ وَ يُعْبَقُونَ كَأَسِّ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ؛ (۱)»

بیدار باشید! آن کس از ما (مهدی(ع)) که فتنه های آینده را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می نهد و بر همان سیره و روش پاکان [و پیامبر(ص) و امامان(ع)] رفتار می کند تا گره ها را بگشاید و بردگان [و ملت های اسیر] را آزاد سازد... سپس [پس از غیبت طولانی او] گروهی برای درهم کوبیدن فتنه ها آماده می شوند و چونان شمشیر صیقل می خورند، دیده هایشان با قرآن روشنایی می گیرد و در گوشه هایشان تفسیر قرآن طنین می اندازد و پس از خوردنی صبح، جامه های حکمت سر می کشند.»

در جای دیگر می فرماید: «لَتُعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الصَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ (وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْمَارِضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)؛ (۲) و (۳)» دنیا پس از سرکشی به ما [در زمان ظهور مهدی(ع)] آرومی می کند؛ چونان شتر ماده بد خو که به بیچه خود مهربان شود. پس این آیه را تلاوت کرد: «و اراده کردیم که بر مستضعفان زمین منت گذاریم و آنان را امامان و وارثان [حکومتها] سازیم.»

ص: ۱۴۳

۱- . نهج البلاغه، خ ۱۵۰.

۲- . قصص / ۵.

۳- . نهج البلاغه، ح ۲۰۹.

غم مخور ایام هجران رو به پایان می رود

این خماری از سر ما می گساران می رود

پرده را از روی ماه خویش بالا می زند

غمزه را سر می دهد غم از دل و جان می رود

بلبل اندر شاخسار گل هویدا می شود

زاغ با صد شرمساری از گلستان می رود

محفل از نور رخ او نور افشان می شود

هر چه غیر از ذکر یار از یاد رندان می رود (۱)

ص: ۱۴۴

۱- . دیوان امام، ص ۱۱۱.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در کلام امیر مؤمنان(ع)

ره آورد حکومت امام زمان(ع)

آنچه تمام بشر، به ویژه مستضعفان جهان به آن چشم دوخته اند و در آرزوی تحقق آن به سر می برند، ره آوردهای دوران ظهور و حکومت مصلح جهانی است. امتیاز مهم مکتب اسلام، به ویژه تشیع از دیگران این است که این رهاوردها را به صورت مشخص و دقیق بیان کرده است تا بشر برای تحقق و فرا رسیدن چنین دورانی بیشتر تلاش کند. این دستاوردها به صورت گسترده و دقیق در کلمات رسول خدا(ص) و امامان معصوم(ع) بیان شده است. آنچه در اینجا مطرح می شود بیان امیر مؤمنان(ع) و کلمات آن حضرت در این باره است:

۱. اصولگرایی یا تجدید حیات قرآن و سنت

ص: ۱۴۵

از مهم ترین رهاوردهای نظام مهدوی این است که به ساختن انسان بیشتر توجه می شود و آثار بعدی نیز بر همین پایه استوار است.

امام علی(ع) در این باره فرمود: «يُعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَيُعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛» (۱) او (حضرت مهدی(ع)) خواسته ها را تابع هدایت می کند؛ هنگامی که مردم، هدایت را تابع هوسهای خویش قرار می دهند و در حالی که [به نام تفسیر] نظریه [های گوناگون] خود را بر قرآن تحمیل می کنند، او نظریه و اندیشه را پیرو قرآن می سازد.»

به یقین اصولگرایی بدون زنده شدن تعالیم اصلی قرآن و سنت ممکن نیست. به این سبب، در دوران امام زمان(ع) قرآن و سنت احیا می شود. حضرت علی(ع) در این باره فرمود: «وَيُحْيِي مِثَّةَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ؛» (۲) [مهدی(ع)] کتاب [خدا] و سنت [پیامبر] را [که تا آن روز متروک مانده است] زنده می کند.»

ص: ۱۴۶

۱- نهج البلاغه، خ ۱۳۸.

۲- نهج البلاغه، خ ۱۳۸.

۲. عدالت فراگیر

از مهم ترین و اصلی ترین رهاوردهای حکومت جهانی مهدی(ع) که آرزوی تمامی انسانها بوده، استقرار عدالت جهانی و گسترده است که در روایات متواتر نیز به عنوان مهم ترین دستاورد قیام آن حضرت ذکر شده است: «الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا» (۱) [مهدی(ع)] کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند. و علی(ع) هم می فرماید: «فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرِ» (۲) [پس او (مهدی(ع)) روش عادلانه [در حکومت حق] را به شما می نمایاند.»

۳. مجازات فاسدان و عزل کارگزاران ناسالم

قطعاً برای برپایی حکومت عدل، جلوگیری از فساد مفسدان و تخلف متخلفان، لازم است که برخی کارگزاران فاسد مجازات و ناسالمان عزل شوند.

ص: ۱۴۷

۱- . الكافي، ج ۱، ص ۳۳۸ و بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۱۵۷.

۲- . نهج البلاغه، ۱۳۸.

امام علی (ع) درباره عزل کارگزاران ناسالم فرمود: «لَيُنزَعَنَّ عَنْكُمْ قُضَاةَ السَّوِّءِ... وَ لَيُعَزَلَنَّ عَنْكُمْ أَمْرَاءَ الْجَوْرِ وَ لَيُطَهَّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ وَ لَيَعْمَلَنَّ بِالْعَدْلِ؛» (۱) به راستی او (مهدی) قاضیان زشت کردار را برکنار می کند و حکمرانان ستمگر را برمی دارد و زمین را از هر ستمگری پاکیزه می سازد و خود به عدالت رفتار می کند.»

۴. آزادی و آزادی

از دیگر رهاوردهای دوران ظهور و حکومت عادلانه مهدی (ع) آزادی انسانها از بردگی و ستمگری است. بشری که ستمها و ظلمها، آزادی واقعی او را در طول تاریخ سلب کرده و وی را به بردگی و بندگی کشیده است، در آن دوران به آزادی مشروع خود خواهد رسید.

حضرت علی (ع) در این باره فرمود: «لَيُحْلَلَّ فِيهَا رِبْقًا وَ يُعْتَقَ فِيهَا رِقَا؛» (۲) [مهدی (ع) بر سیره صالحان رفتار می کند] تا گره ها را بگشاید و بردگان [و ملت‌های اسیر و ستم کشیده] را آزاد سازد.»

ص: ۱۴۸

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۲- نهج البلاغه، خ ۱۵۰.

با توسعه عدالت اجتماعی در زیر سایه قرآن و سنت محمدی و فراهم شدن زمینه آزادی واقعی و برچیده شدن تبعیضها، خود به خود جامعه به سوی وحدت و اتحاد قدم بر خواهد داشت.

امیرمؤمنان علی(ع) برای وحدت و اتحاد جامعه اسلامی فداکاریها و چشم پوشیها کرد، از خلافت و حق خود گذشت، اهانت‌های به همسرش را نادیده گرفت و سکوت تلخ چند ساله را تحمل کرد. آن جناب درباره حضرت مهدی(ع) می فرماید: «وَيُضَدِّعُ شَعْبًا وَيَشْعَبُ صَدْعًا» (۱) جمعیت گمراه و ستمگر را پراکنده و حق جویان پراکنده را جمع آوری [و وحدت واقعی را بین آنها ایجاد] می کند.»

در آن دوران، نه تنها وحدت در جامعه اسلامی به وجود می آید، بلکه وحدت جهانی و اتحاد بین ادیان ایجاد می شود. همه در آن دوره بر محور وجود با برکت مهدی(ع) گرد هم می آیند و حضرت عیسی(ع) به عنوان نماینده ادیان با او بیعت می کند. همچنین بیت المقدس به عنوان مرکز توجه و قبله ادیان الهی فتح، و نماز وحدت واقعی در آنجا بر پا می شود.

ص: ۱۴۹

امیر مومنان (ع) می فرماید: «وَيَدْخُلُ الْمَهْدِيُّ (ع) بَيْتَ الْمُقَدَّسِ وَيُصَيِّلِي بِالنَّاسِ إِمَامًا... فَيَتَقَدَّمُ الْمَهْدِيُّ فَيُصَيِّلِي بِالنَّاسِ وَيُصَيِّلِي عَيْسَى خَلْفَهُ وَ يُبَايِعُهُ» (۱) مهدی (ع) وارد بیت المقدس می شود و به عنوان امام با مردم نماز می گزارد. ... مهدی (ع) جلو می رود و با مردم نماز می گزارد و نیز عیسی (ع) پشت سر او نماز می گزارد و با وی بیعت می کند.»

۶. رشد روحی و قدرت جسمانی

مردم با عنایت حضرت مهدی (ع) و به برکت وجود او، به بالاترین نقطه رشد عقلی رسیده، از نظر روحی و قدرت جسمانی به اوج خود می رسند. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: «... وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا» (۲) [مهدی (ع)] دست بر سر بندگان [خداوند] می گذارد. پس هیچ مؤمنی باقی نمی ماند، جز آنکه قلبش محکم تر از پاره های آهن شود و خداوند به او نیروی چهل مرد را عنایت فرماید.»

۷. وفور نعمت

ص: ۱۵۰

۱- .الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ (ع)، ص ۵۵۷.

۲- . اکمال الدین، مؤسسه النشر الاسلامی، ص ۶۵۳.

قطعاً هر زمامداری به اسلام و قرآن عمل کند و عدالت را در جامعه فراگیر سازد و جلوی مفسدان را بگیرد و مردم را از نظر فکری و روحی رشد دهد، رحمت الهی نیز شامل حال او و جامعه می شود. به هر اندازه مسائل فوق مراعات شود، امدادهای غیبی و رحمت الهی نیز فراگیرتر خواهد شد. این امر در زمان عدالت گستر جهان به اوج خود می رسد و زمین، تمام نعمتهای خویش را در اختیار او قرار می دهد. امام علی(ع) در نهج البلاغه می فرماید: «و تَخْرُجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كَبِدِهَا وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سَلْمًا مَقَالِيدَهَا فَيُفِيرِكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّيْرِه؛ (۱)» زمین، جگر گوشه [و گنجها و میوه های] خود را برای او بیرون می ریزد و کلیدهای (معادن) خود را به او می سپارد. پس او (مهدی(ع)) شیوه عدالت را به شما نشان می دهد.»

و در جای دیگر فرمود: «فَكَأَنَّكُمْ قَدْ تَكَامَلْتُمْ مِنَ اللَّهِ فِيكُمْ الصَّنَائِعُ؛ (۲)» گویا می بینم [در پرتو خاندان پیامبر(ص) و مهدی موعود(ع)] نعمتهای خدا بر شما تمام شده است.»

ص: ۱۵۱

۱- . نهج البلاغه، خ ۱۳۸.

۲- . نهج البلاغه، خ ۱۰۰.

در چنین اوضاعی، دست با سخاوت مهدی(ع) انفاقی گسترده خواهد داشت. حضرت علی(ع) در این باره می فرماید: «أَوْسِيْعُكُمْ كَهْفًا وَ أَكْثَرُكُمْ عِلْمًا وَ أَوْصِيْلُكُمْ رَحْمًا... شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْتِهِ؛»(۱) پناه دهی او از همه شما گسترده تر و دانش و علمش از همه شما بیشتر و رسیدگی به خویشانش از همه شما فزون تر است... چقدر مشتاق دیدن اویم!»

همچنین مشکلات و معضلات اقتصادی مردم حل می شود. امیر بیان(ع) در توصیف زمان حکومت مهدی(ع) می فرماید: «فَلَا يَتْرُكُ عَبْدًا مُسْلِمًا إِلَّا اشْتَرَاهُ وَ أَعْتَقَهُ وَ لَا غَارِمًا إِلَّا قَضَى دَيْنَهُ وَ لَا مَظْلَمَةً لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا وَ لَا يُقْتَلُ قَتِيلٌ إِلَّا قَضَى عَنْهُ دَيْنَهُ وَ الْحَقَّ عِيَالَهُ فِي الْعَطَاءِ؛»(۲) هیچ برده مسلمانی باقی نمی گذارد، مگر آنکه او را می خرد و آزاد می سازد و هیچ بدهکاری نیست، مگر آنکه وام او را می پردازد و ستمی بر کسی نمی رود، مگر آنکه داد او را می ستاند و کسی کشته نمی شود، مگر اینکه قرض او را ادا می کند و خانواده اش را تحت پوشش کمکهای خویش قرار می دهد.»

آن چنان حضرت انفاق و اعطای وسیع دارد که فقیری برای دریافت زکات یافت نمی شود. (۳)

ص: ۱۵۲

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵، ح ۲۴.

۲- . الأمام المهدي(ع)، ص ۶۳۱.

۳- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰، ح ۲۱۲.

سالهاست که بشر در آرزوی تحقق عدالت جهانی، امتیّت فراگیر، آزادی واقعی و... به سر می برد و هنوز که هنوز است آرزوهای بشر به صورت کامل و تمام لباس عمل نپوشیده است. تنها دورانی که اصلی ترین و اصولی ترین آرزوهای بشر تحقق عینی خواهد یافت، دوران ظهور مهدی موعود(ع) است؛ چنان که مولای متقیان، علی(ع) فرمود: «وَ أَرَاكُمْ مَيَّا كُنْتُمْ تَأْمَلُونَ؟» (۱) و آنچه را آرزو داشتید به شما نشان می دهد [و در آن زمان به آرزوهای خود خواهید رسید].»

ای دل مخور اندوه و غم سرها به سامان می رسد

با یک جهان شور و شغف آن جان جانان می رسد

ویرانگر کاخ ستم با جیش ایمان می رسد

احیاگر دین خدا حامی قرآن می رسد

چشم انتظاران را بگو یوس_ف ز کنعان می رسد

ای دل شب هجران ما آخر به پایان می رسد

ص: ۱۵۳

فصل دوم: امام مهدی (ع) از نگاه قرآن و معصومان (ع)

امام زمان (ع) از منظر امام حسین (ع)

مقدمه

راستی او کیست که همه درباره او، از آینده او، از حکومت و عدالت او سخن می گویند؟ او کیست که همه چشم انتظار رویت جمال دلربای او، و بی قرار از عطر جانفزای خاک پای او هستند:

خال زیبای جمال دلربایت را بنازم

بوی عطر جانفزای خاک پایت را بنازم

ای صفای هر مصفا مهدی زیبای زهرا

از صفای قلب می گویم صفایت را بنازم

خداوند قرن‌ها است که از او سخن گفته، پیامبران درباره وی و آینده اش و از عدالت او سخن به بیان آورده اند و پیغمبر خاتم (ص) که پیامبران گذشته، بشارت آمدن او را داده اند، به آمدن او و عدالت او بشارت داده است، و امامان معصوم (ع) هر یک به فراخور شرایط خود، وی را ستوده اند و از دوران ظهورش گفته اند.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام زمان(ع) از منظر امام حسین(ع)

صاحب الامر کیست؟

آنچه پیش رو دارید، نگاهی گذرا به سخنان سرور شهیدان، حسین بن علی(ع) درباره عزیز دلها، مهدی فاطمه(س) است.

۱. شعیب بن حمزه نقل می کند: روزی بر امام حسین(ع) وارد شدم و پس از سلام و احترامات لازم، پرسیدم: «آیا شما صاحب الامر هستید؟» فرمود: «نه.» پرسیدم: «آیا فرزند شماست؟» پاسخ داد: «نه.» پرسیدم: «آیا فرزند فرزند شماست؟» فرمود: «نه.» گفتم: «صاحب الامر کیست؟»

فرمود: «الَّذِي يَمْلَأُهَا عِدْلًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا عَلَى فِتْرَةِ مِنَ الْأَيْمَةِ كَمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) بُعِثَ عَلَى فِتْرَةِ مِنَ الرُّسُلِ؛ کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند، چنان که پر از ستم شده باشد. او پس از دوران طولانی از حضور امامان می آید، چنان که رسول خدا(ص) پس از آن مبعوث شد که دوران طولانی از حضور پیامبران آسمانی گذشت.» (۱)

ص: ۱۵۵

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۱، باب فی الغیبة.

۲. عیسیٰ خشاب می گوید که از حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) سؤال کردم: «آیا شما صاحب الامر هستید؟» امام پاسخ داد: «لَا وَ لَكِنْ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمُتَوَرُّ بِأَيِّهِ الْمُكَنَّى بِعَمِّهِ؛ نه، صاحب الامر آن مخفی شده و در نهان است که به خونخواهی پدرش بر خواهد خاست و با کنیه عمویش خوانده شود.» (۱)

ص: ۱۵۶

۱- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸، ح ۵؛ اثبات الهداه، شیخ حر عاملی، ج ۶، ص ۳۹۸، ح ۱۲۳ و بحار الأنوار، دار الکتب الاسلامیه، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۶.

فصل دوم: امام مهدی (ع) از نگاه قرآن و معصومان (ع)

امام زمان (ع) از منظر امام حسین (ع)

ویژگیهای امام زمان (ع)

امام حسین (ع) برای معرفی و شناساندن صحیح و دقیق حضرت مهدی (ع)، ویژگیهای آن حضرت را به این صورت بیان می کند:

«فِي الْقَائِمِ مَنَّا سُنَنٌ مِنْ سُنَنِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) سُنَّةٌ مِنْ آدَمَ وَ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَ سُنَّةٌ مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى وَ سُنَّةٌ مِنْ عِيسَى وَ سُنَّةٌ مِنْ أَيُّوبَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ (ص) فَأَمَّا مِنْ آدَمَ وَ مِنْ نُوحٍ فَطُولُ الْعُمُرِ وَ أَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخَفَاءُ الْوِلَادَةِ وَ اعْتِرَالُ النَّاسِ وَ أَمَّا مِنْ مُوسَى فَالْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ؛ فَالْخَوْفُ وَ الْغَيْبَةُ وَ أَمَّا مِنْ عِيسَى فَاخْتِلَافُ النَّاسِ فِيهِ وَ أَمَّا مِنْ أَيُّوبَ فَالْفَرَجُ بَعْدَ الْبَلْوَى وَ أَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ (ص) فَالْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ؛ (۱) در [زندگی] قائم ما، سنتهایی از پیامبران وجود دارد: سنتی از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و ایوب و حضرت محمد (ص)، اما از نوح، طول عمر است، و اما از ابراهیم، ولادت پنهان و دوری از مردم است و اما از موسی، واهمه داشتن و غیبت کردن است و از عیسی، اختلاف مردم در وجود اوست، و از ایوب، گشایش پس از آزمایش و [گرفتاری] است و از محمد (ص)، قیام با شمشیر است.»

مرکز حلقه عشاق تویی

ص: ۱۵۷

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷، باب ۱۳؛ اکمال الدین، ج ۱، ص ۵۷۶؛ کشف الغمه، علی بن عیسی اربلی، ج ۲، ص ۵۲۲ و علم الیقین، ج ۲، ص ۷۹۳.

در همه خلق جهان طاق تویی

انبیا مست ولایت بوده اند

همه مشتاق لقایت بوده اند

شک ندارم که گدایت بوده اند

همه محتاج عطایت بوده اند

همه در ذات تو حیران مانده اند

بلکه انگشت به دندان مانده اند

ص: ۱۵۸

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام زمان(ع) از منظر امام حسین(ع)

من خادم او هستم

در حضور امام حسین(ع) پیرامون امام مهدی(ع) بحثی مطرح شد. شخصی پرسید «یا ابا عبدالله! آیا حضرت مهدی هم اکنون متولد شده است؟»

سالار شهیدان(ع) فرمود: «لَا، وَ لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَّمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛ خیر، ولی اگر او را درک کنم تا زنده ام او را خدمت می کنم.»

خادم درگ__ه تو جبرائیل

بنده کوچک تو میکائیل

عبد فرمانبر تو عزرائیل

خاک پابوس تو هم اسرافیل

همه محکوم به فرمان تو اند

یکسره ریز خور خوان تو اند

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام زمان(ع) از منظر امام حسین(ع)

غیبت حضرت

حضرت ابا عبدالله(ع) برای روشن ساختن دوران زندگی حضرت مهدی(ع) برای یاران خویش، از غیبت صغری و کبری آن حضرت سخن می گوید: «لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ - يَعْنِي الْمَهْدِيَّ(ع) - غَيْبَتَانِ: إِحْدَاهُمَا تَطُولُ حَتَّى يَقُولَ بَعْضُهُمْ: مَاتَ وَبَعْضُهُمْ: قُتِلَ وَبَعْضُهُمْ: ذَهَبَ، وَ لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِيِّ وَ لَا غَيْرِهِ، إِلَّا الْمُؤَلَّى الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ؛»(۱) برای صاحب امر، یعنی، مهدی(ع) دو غیبت است: یکی از آن دو چنان طولانی شود که گروهی از آنان بگویند: مرده است و جمعی بگویند: کشته شده است و جمعی بگویند: او رفته است و هیچ کس - از ولی و غیر ولی - از جایگاه او اطلاعی نخواهد داشت، جز مولایی که به او امر کرده است.»

عاشقان روی جانان جمله بی نام و نشانند

ص: ۱۶۰

۱- . عقد الدرر، ص ۱۳۴ و فرهنگ سخنان امام حسین(ع)، ص ۶۱، ح ۷۳.

نام داران را هوای او دمی بر سر نیامد

مردگان را روح بخشد، عاشقان را جان ستاند

جاهلان را این چنین عاشق کسی باور نیامد (۱)

ص: ۱۶۱

۱- امام خمینی (رحمه الله).

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام زمان(ع) از منظر امام حسین(ع)

صبر در دوران غیبت

یکی از مهم ترین وظایف شیعیان در دوران غیبت، صبر در سختیها و دوری آن حضرت، و استقامت بر دین و مسایل دینی است. امام حسین(ع) با توجه به اصل تداوم هدایت و رهبری جامعه اسلامی، با بیان سرانجام روشن جهان، اجر و پاداش عظیمی برای صابران در دوران غیبت بیان فرموده است؛ چنان که می فرماید: «دوازده هدایت کننده از ماست و نخستین آنها امیرمؤمنان علی(ع) و آخرین آنها نهمین فرزند من است، او امامی است که بر حق قیام می کند، خدا به واسطه او، زمین را پس از آنکه مرده باشد زنده می کند، دین با او آشکار می شود و وی آیین حق را جهانی می کند؛ گرچه خوشایند مشرکان نباشد:

(لَهُ غَيْبُهُ يَزِيدُ فِيهَا أَقْوَامًا وَ يَثْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخِرُونَ فَيُودُونَ [فَيُؤْذُونَ] وَ يُقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) (۱)

أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْمَأْذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؛ او غیبتی دارد که در آن گروههایی مرتد می شوند و دیگرانی بر دین ثابت قدم می مانند، پس اذیت می شوند و به آنها گفته می شود: اگر شما راستگو هستید، این وعده کی فرا می رسد؟ کسی که در زمان غیبت او بر آزار و تکذیب، صابر باشد، همانند مجاهدی است که در پیشگاه رسول خدا(ص) با شمشیر جهاد می کند.» (۲)

ص: ۱۶۲

۱- .یس / ۲۹.

۲- .اکمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۲۳ و عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۶۹، ح ۳۶.

غم مخور ایام هجران رو به پایان می رود

این خماری از سرما می گساران می رود

بلبل اندر شاخسار گل هویدا می شود

زاغ با صد شرمساری از گلستان می رود

وعده دیدار نزدیک است یاران مژده باد

روز وصلش می رسد ایام هجران می رود (۱)

ص: ۱۶۳

۱- امام خمینی (رحمه الله).

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام زمان(ع) از منظر امام حسین(ع)

حتمی بودن قیام

سرور شهیدان(ع) درباره ظهور حضرت مهدی(ع) با ایمان و یقین سخن گفته و آینده جهان و اسلام را نورانی دانسته است. آن حضرت بر همین اساس می فرماید:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ أُمَّةٍ يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا كَذَلِكَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ؛ (۱) اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، پروردگار عزیز و بزرگ آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا مردی از فرزندان من قیام کند و جهان را از عدل و داد پر کند، چنان که پر از فساد و ستمکاری شده باشد. من این چنین از رسول خدا(ص) شنیده ام.»

آری همین یقین است که شیعه را زنده و شاداب نگه داشته و به آینده خوشبین است.

ص: ۱۶۴

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۵ و اکمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۴.

صد بار گر از دست غمت خون رود از دل

از در چو در آیی همه بیرون رود از دل

گر قصه عشق تو و یاران بنگارند

صد لیلی و مجنون همه بیرون رود از دل

در قتل مـن ای شه بکش آهسته کمان را

حیف است که پیکان تو بیرون رود از دل (۱)

ص: ۱۶۵

۱- . ملا آغا جان زنجانی.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام زمان(ع) از منظر امام حسین(ع)

چهره شاداب

امام حسین(ع) با علوم و آگاهی که به وسیله جد و پدر بزرگوارش در اختیار داشت، تحولات گوناگون آینده و خصوصیات فردی حضرت مهدی(ع) مانند شکل و سن و سال آن حضرت و برخورد برخی مردم را به روشنی بیان فرموده است؛ آنجا که می فرماید:

«لَوْ قَامَ الْمَهْدِيُّ لَمَأْنَكَرَهُ النَّاسُ، لِأَنَّهُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابًا مُوَفَّقًا وَإِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلِيَّةِ أَنْ يَخْرُجَ إِلَيْهِمْ صَاحِبُهُمْ شَابًا، وَهُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا؛ (۱)» اگر مهدی قیام کند، مردم او را انکار می کنند؛ زیرا او به صورت جوانی شاداب به سوی آنها بر می گردد و از بزرگ ترین آزمایش [برای مردم آن زمان] همین است که صاحبشان به صورت جوان به سویشان خروج می کند، در حالی که آنها او را بسیار پیر می انگارند.»

ص: ۱۶۶

۱- . عقد الدرر، ص ۴۱؛ اثباه الهداه، ج ۷، ص ۲۱۵، ح ۱۱۹ و فرهنگ سخنان امام حسین(ع)، ص ۶۳، ح ۷۳.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام زمان(ع) از منظر امام حسین(ع)

روزگار پس از ظهور

الف) انتقام از ستمگران

حضرت اباعبدالله(ع) وقتی انبوه مشکلات جامعه اسلامی آن روزگاران را می دید و انواع ظلم دشمنان را شاهد بود، به آینده روشن و ظهور و انتقام آن حضرت چشم دوخته، اظهار می داشت: «يُظْهِرُ اللَّهُ قَائِمًا فَيَنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛» (۱) خداوند قائم ما را ظاهر می کند، پس از ستمگران انتقام می گیرد.»

ب) عدالت فراگیر

ص: ۱۶۷

۱- . عقد الدرر، ص ۱۸۱، ح ۷۰۴ و اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۳۸، ح ۶۸۱.

اسلام حقیقی، یعنی تشیع، چشم به راه امامی است که جهان را از عدل و داد، لبریز خواهد کرد. امام حسین (ع) در این باره سخنان فراوانی دارد؛ از جمله فرمود: «ثُمَّ يَقُومُ قَائِمُنَا يَمْلَأُ الدُّنْيَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا يَشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ مِنْ شَيْعَتِهِ؛ پس قائم ما قیام کند، جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، چنان که پر از ظلم و فساد شده باشد و دل‌های مؤمنان از شیعیان خود را شفا می بخشد.» (۱)

حارث بن عبدالله اعور می گوید که خدمت امام حسین (ع) رسیدم و از تفسیر سوره شمس پرسیدم. حضرت پاسخ داد تا رسید به این آیه (وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ)؛ (۲) «قسم به روز، وقتی که صفحه زمین را روشن سازد». سپس فرمود: «ذَلِكَ الْقَائِمُ (ع) مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا؛ این [روز روشن] قائم از خاندان محمد (ص) است که زمین را از عدل و داد پر کند.» (۳)

ج) فقر زدایی عمومی

ص: ۱۶۸

۱- . بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۴۵، ح ۲۱۲ و عوالم العلوم، بحرانی، ج ۱۵، ص ۲۲۷، ح ۲۱۲.

۲- . شمس / ۳.

۳- . بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۷۹، ح ۲۰ و تفسیر، فرات کوفی، ص ۵۶۳.

یکی از آرزوهای دیرین تمام انسانها، فقر زدایی عمومی و آبادانی فراگیر و جهانی است.

این آرزو در دوران آن حضرت برآورده می شود؛ زیرا پس از ظهور ایشان و استقرار عدل جهانی و عدالت اقتصادی، هر گونه فقر و نیاز در کره زمین ریشه کن خواهد شد. امام حسین(ع) با اشاره به این دوران چنین می فرماید:

«تَوَاصِلُوا وَ تَبَارُّوا وَ تَرَاحِمُوا فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسِيمَةَ لِيَأْتِيَنَّ عَلَيْكُمْ وَقْتُ لَّا يَجِدُ أَحَدُكُمْ لِدِينَارِهِ وَ دِرْهَمِهِ مَوْضِعًا يَعْنِي لَّا يَجِدُ لَهُ عِنْدَ ظُهُورِ الْقَائِمِ (ع) مَوْضِعًا» (۱) با یکدیگر ارتباط داشته باشید و به یکدیگر نیکی کنید. پس سوگند به خدایی که دانه را شکافت و پدیده ها را آفرید، زمانی بر شما فرا خواهد رسید که شما جایی برای [بخشش] درهم و دینار خود نخواهید یافت.»

ص: ۱۶۹

۱- . عقد الدرر، ص ۱۷۱ و ر. ک: فرهنگ سخنان امام حسین(ع)، ص ۵۹، ح ۶۸.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام زمان(ع) از منظر امام حسین(ع)

مدت حکومت حضرت

یکی از پرسشهای مهم این است که حضرت مهدی(ع) چه مدت پس از ظهور زندگی و حکومت می کند؟ آنچه مسلم است، باید به اندازه ای حکومت کند که پایه های ظلم و ستمگری ویران و به جای آن بنیاد عدل و داد استوار شود.

بدون تردید، این مسئله اساسی، زمان می طلبد و فرصت می خواهد و بنا نیست که آن حضرت، همه امور را براساس معجزه و روش غیرعادی به پیش برد؛ بنابراین عقل اقتضا می کند که آن حضرت، مدتی طولانی حیات داشته باشد تا بتواند در این دنیای گسترده، تحولی همه جانبه و فراگیر ایجاد کند و جهان را با اسلام و ارزشهای اسلامی آشنا سازد.

اما اینکه مدت آن چه اندازه است، خیلی روشن نیست و روایات وارده از طریق خاصه و عامه گوناگون است: پنج، بیست، سی و چهل سال، در منابع اهل سنت وارد شده است (۱) و نوزده و اندی، بیست، سیصد و نه سال در منابع شیعی به ثبت رسیده است؛ (۲) از جمله امام حسین(ع) فرمود: «يَمْلِكُ الْمَهْدِيُّ تِسْعَةَ عَشَرَ سَنَةً وَ أَشْهُرًا؛ مهدی(ع) نوزده سال و چند ماه حکومت خواهد کرد.» (۳)

ص: ۱۷۰

- ۱- ر. ک: سنن، ابی داود، دار احیاء السنه النبویه، ج ۴، ص ۱۱۶.
- ۲- أعلام الوری باعلام الهدی، ابو علی طبرسی، ص ۴۳۴ و بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰، ۲۹۹.
- ۳- فرهنگ سخنان امام حسین(ع)، ص ۶۴، ح ۷۹ و عقد الدرر، ص ۲۳۹.

البته این روایت با روایاتی که سیصد و نه سال را مدت حکومت دانسته اند، تنافی ندارد؛ چون هر دو مثبت هستند، و دو روایت مثبت با هم تنافی ندارند به ویژه آنکه علامت حصر در این روایت به کار نرفته است و ممکن است اشاره به دوران حساس حکومت آن حضرت باشد؛ چنان که مرحوم مجلسی روایات فوق را این گونه جمع کرده است:

«اخبار مختلفی درباره مدت حکومت آن حضرت وارد شده است. برخی از آنها بر تمام مدت حکومت آن حضرت دلالت دارد، و برخی بر زمان استقرار و تثبیت دولت آن، و بعضی بر سالها و ماههایی حمل می شود که نزد ما است و برخی بر سالها و ماههای طولانی.» (۱)

از این گذشته روایاتی داریم که حکومت ائمه (ع) را پس از ظهور حضرت حجت تا قیامت مستمر و ادامه دار می دانند؛ از جمله امام هشتم (ع) یک روایت طولانی از پیامبر اکرم (ص) درباره اهل بیت (ع) نقل کرده است که ذیل آن از زبان خداوند متعال می خوانیم:

ص: ۱۷۱

«لَمَّا ظَهَرَ بِهَمِّ دِينِي وَ لَأَعْلَيْنَ بِهِمْ كَلِمَتِي وَ لَأَطْهَرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَ لَأَمَكِّنَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ لَأَسَيِّخِرَنَّ لَهُ الرِّيحَ وَ لَأَذَلَّنَّ لَهُ السَّحَابَ الصَّعَابَ وَ لَأَرْقِيَنَّهُ فِي الْأَسْيَابِ فَلَأَنْصِرَنَّه بِجُنُودِي وَ لَأُمِدَّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى تَغْلُو دَعْوَتِي وَ تَجْمَعَ الْخَلْقُ عَلَيَّ تَوْحِيدِي ثُمَّ لَمَّا دِيمَنَّ مُلْكُهُ وَ لَأَدَاوَلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛» (۱) و زمین را به وسیله آخرین آنها از دشمنانم پاک می کنم، و شرق و غرب زمین را در سیطره سلطنت او در می آورم، و بادهای او را در تسخیر او قرار داده، ابرهای سخت و سرکش را رام او گردانم، و او را بر اسباب مسلط و با سربازانم او را یاری، و با ملائکه خود او را امداد می کنم، تا دعوت مرا برتری بخشد، و مردم را همه بر حکم توحید من گرد آورد، و سلطنت او را ادامه می دهم و روزگار را بین دوستان خود دست به دست می کنم (اشاره به مسئله رجعت) تا روز قیامت.»

روایت فوق سخن از ادامه سلطنت آن حضرت و همچنین ائمه اطهار(ع) تا روز قیامت و پایان دنیا دارد. بحث را با شعری از امام خمینی(رحمه الله) به پایان می بریم:

ص: ۱۷۲

بهار آمد که غم از جان برد غم در دل افزون شد

چه گویم کز غم آن سرو خندان جان و دل خون شد

گروه عاشقان بستند محملها و وارستند

تو دانی حال ما واماندگان در این میان چون شد

حجاب از چهره دلدار ما باد صبا بگرفت

چو من هر کس بر او یک دم نظر افکند مجنون شد

گل از هجران بلبل، بلبل از دوری گل هر دم

به طرف گلستان هر یک به عشق خویش مفتون شد

امام مهدی(ع) در کلمات و دعاهای امام سجاده(ع)

نگاهی اجمالی به سخنان امام سجاده(ع) درباره امام زمان(ع)

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام مهدی(ع) در کلمات و دعاهای امام سجاده(ع)

نگاهی اجمالی به سخنان امام سجاده(ع) درباره امام زمان(ع)

آنچه پیش رو دارید، نگاهی است گذرا به برخی کلمات امام سجاده(ع) درباره حضرت مهدی(ع) و اهم دعاهایی که آن حضرت درباره امام زمان(ع)، انتظار آن حضرت، فرج او، دعا برای سلامتی و نصرت او و... فرموده است.

امام سجاده(ع) افزون بر دعاهایی که درباره حضرت مهدی(ع) دارد، کلمات و سخنان نغز و زیبایی نیز درباره مسائل مربوط به آن حضرت بیان کرده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. زمان، خالی از حجت نیست

ص: ۱۷۴

امام سجاده(ع) فرمود: «لَا تَخْلُو الْأَرْضَ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّهِ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبَدِ اللَّهُ؛» (۱) زمین تا روز قیامت خالی از حجت نیست، و اگر حجت الهی نبود، خدا پرستیده نمی شد.»

این حدیث به خوبی نشان می دهد که در این زمان نیز حجت الهی وجود دارد. منتهی این امام باید معصوم و معرفی شده از طرف خدا و امامان پیشین باشد؛ چنان که آن حضرت فرمود: «الْإِمَامُ لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومًا وَ لَيْسَتْ الْعِصْمَةُ فِي ظَاهِرِ الْخَلْقِ فَيَعْرِفُ بِهَا وَ كَذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَنصُوبًا؛» (۲) جز معصوم، احدی شایسته امامت نیست و چون عصمت، یک نشان ظاهری در خلقت نیست (که همگان) بشناسند، باید امام از طرف خدا (تعیین) و اعلام شود.»

در خطبه معروف خود در مسجد جامع شام در حضور یزید بن معاویه فرمود: «رسول خدا، و وصی او علی(ع)، سید الشهداء (حمزه)، جعفر طیار، دو سبط این امت و مهدی [این امت] از ماست.» (۳)

ص: ۱۷۵

۱- . بحار الأنوار، دار احیاء التراث، ج ۵۲، ص ۹۲ و ر.ک: منتخب الأثر، لطف الله صافی، ص ۲۷۱.

۲- . معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص ۱۳۲.

۳- . منتخب الأثر، ص ۱۷۲.

۲. راز غیبت و پنهان بودن ولادت

حضرت سجاد(ع) فرمود: «القائمُ منا يخفي على الناس ولادته حتى يقولوا: لم يولد بعيد، ليخرج حين يخرج وليس لأحد في عنقه بيعة» (۱) قائم ما، ولادتش از مردم مخفی می شود تا جایی که می گویند: هنوز متولد نشده است؛ زیرا وقتی ظهور می کند بیعت کسی بر گردن او نباشد.»

همچنین درباره مخفی بودن مکان آن حضرت فرمود: «لا- يطلع على موضعه أحد من ولي ولا غيره إلا الذي يلي أمره» (۲) هیچ کس از دوست و غیر دوست از اقامتگاه او مطلع نمی شود، به جز کسی که متصدی خدمتگزاری اوست.»

۳. غیبت کبری و صغری

ص: ۱۷۶

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳ و ج ۵۳، ص ۳۲۴ و منتخب الأثر، ص ۲۵۱ و ۲۵۳.

امام زین العابدین (ع) فرمود: «إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ: إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى. أَمَّا الْأُولَى فَسِتَّةَ أَيَّامٍ وَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَ سِتَّ سَنَوَاتٍ وَ أَمَّا الْأُخْرَى فَيَطْوُلُ أَمْدُهَا حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ، فَلَا يَنْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صِيَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمْنَا لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ (۱)» برای قائم ما دو غیبت است که یکی از آنها طولانی تر از دیگری است؛ اما اولی شش سال و شش ماه و شش روز طول می کشد و اما دومی به قدری طول می کشد که بیشتر کسانی که به غیبت او ایمان داشتند از اعتقاد خود بر می گردند. فقط کسانی بر اعتقاد خود استوار می مانند که یقین محکم و شناخت صحیح داشته باشند و سخنان ما بر آنها گران نباشد و تسلیم ما اهل بیت باشند.»

۴. فتنه های دوران غیبت

ص: ۱۷۷

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴.

زینت عبادت کنندگان(ع) فرمود: «یا ابا خالد لتأتین فتن کقطع اللیل المظلم لا ینجو إلا من أخذ الله ميثاقه أولئك مصابيح الهدی وینابیح العلم ینجیهم الله من کل فتنه مظلمه؛»(۱) ای اباخالد! به راستی (در دوران غیبت) فتنه‌هایی همچون قطعه‌های شب تاریک هجوم می‌آورد که از آن جز کسانی که خدا از آنها پیمان گرفته رهایی نمی‌یابد. همانها چراغهای هدایت و سرچشمه علم اند، که خداوند آنها را از هر فتنه تاریک نجات می‌بخشد.»

همچنین فرمود: «من نبت علی ولایتنا فی غیبه قائمنا أعطاه الله أجر ألف شهید مثل شهداء بدر و أحد؛»(۲) کسی که در زمان غیبت قائم ما(ع) بر ولایت ما ثابت و استوار بماند، خداوند به او پاداش هزار شهید مثل شهدای بدر و احد عطا می‌فرماید.»

۵. انتظار راستین و پاداش آن

ص: ۱۷۸

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵، روایت ۳.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

برای انتظار حضرت مهدی(ع) آثار گرانبهایی وجود دارد؛ از جمله امام سجاد(ع) فرمود: «انْتَظِرُ الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْعَمَلِ؛» (۱) انتظار فرج از برترین اعمال است.» و فرمود: «اهل زمان غیبت او که قائل به امامت او و منتظر ظهور او باشند، برتر از مردمان هر زمان دیگر می‌باشند، زیرا خدای تبارک و تعالی به آنها آن قدر عقل، فهم و شناخت عطا فرموده است که غیبت امام در پیش آنها چون زمان حضور شده است. خداوند اهل آن زمان را همانند مجاهدانی قرار داده که در محضر رسول اکرم(ص) شمشیر بزنند، آنها مخلصان حقیقی و شیعیان واقعی و دعوت کنندگان به دین خدا در آشکار و نهان اند.» (۲)

۶. یاران مهدی(ع)

ص: ۱۷۹

۱- . منتخب الأثر، ص ۲۴۴.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲ و منتخب الأثر، ص ۲۴۴.

حضرت سجاد(ع) در تفسیر آیه (حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَّ أَقَلُّ عَدَدًا)؛ (۱) «هنگامی که ببینند آنچه را که وعده می‌شوند، پس می‌فهمند که چه کسی یاورش ضعیف‌تر و نفراتش کمتر است»، فرمود: «يَعْنِي الْقَائِمَ وَاَنْصَارَهُ بِالنِّسْبَةِ لِاَعْدَائِهِ؛ مقصود [از ما يُوعَدُونَ] قائم(ع) و یاران او در مقایسه با دشمنان او هستند.» (۲)

در جای دیگر فرمود: «...كَأَنِّي بِصَاحِبِكُمْ قَدْ عَلَا فَوْقَ نَجْفِكُمْ بِظَهْرِ كُوفَانِ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا، جَبْرَائِيلُ عَنِ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنِ شِمَالِهِ وَ اسْرَافِيلُ أَمَامَهُ، مَعَهُ رَأْيُهُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) قَدْ نَشَرَهَا لِأَيُّهِيَ بِهَا إِلَى قَوْمٍ إِلَّا أَهْلَكَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛ (۳) گویا صاحب شما (مهدی) را می‌بینم که پشت کوفه بالای نجف در بین سیصد و سیزده نفر قرار گرفته است. جبرئیل از راستش، و میکائیل از سمت چپش و اسرافیل جلو آن حضرت قرار دارند و با او پرچم رسول خدا است که آن را برافراشته است و بر قومی فرود نمی‌آید، جز آنکه آنها را [به امر] خدای عزیز و جلیل هلاک می‌کند.»

۷. دوران ظهور

ص: ۱۸۰

۱- جن / ۲۴.

۲- ينابيع المودة، ج ۳، ص ۸۴؛ بشاره المصطفی، ص ۶۲ و الزام الناصب، ص ۳۲ و ۲۴۲.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵، ح ۳.

با ظهور امام مهدی (ع) برکات فراوانی عاید بشر، به ویژه مؤمنان می شود؛ از جمله، آنچه حضرت سجاد (ع) فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنِ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا؛ (۱)» وقتی قائم قیام کند، خداوند رنج را از شیعیان ما دور می کند و دلهای آنها را چون پاره آهن قرار می دهد و خداوند، قدرت هر مرد از آنها را برابر چهل مرد قرار می دهد و آنها حاکمان زمین خواهند شد.»

ص: ۱۸۱

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴ و ۳۱۷ و الزام الناصب، ص ۱۳۹.

دعاهای امام سجاده درباره امام زمان (ع)

فصل دوم: امام مهدی (ع) از نگاه قرآن و معصومان (ع)

امام مهدی (ع) در کلمات و دعاهای امام سجاده (ع)

دعاهای امام سجاده درباره امام زمان (ع)

یکی از برکات وجود حضرت سجاده (ع)، تعلیم شیوه و روش دعا کردن است. درباره انتظار مهدی (ع)، دعا برای فرج و نصرت آن حضرت و... نیز دعاهای متعددی وجود دارد که به اهم آنها اشاره می شود:

الف) دعا برای ظهور در روز عرفه

این دعا از چهار بخش تشکیل شده است: لزوم وجود امام در هر زمان و اطاعت مطلق از امر و نهی او، دعا برای نصرت، یاری و محافظت آن حضرت، بیان نتایج و پیامدهای ظهور مهدی (ع) در قالب دعا، بیان اوصاف یاران آن حضرت و دعا در حق آنان.

در بخش اول چنین می خوانیم:

ص: ۱۸۲

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعِيدٍ أَنْ وَصَيْلَتَ حَبْلُهُ بِحَبْلِكَ وَ جَعَلْتَهُ
الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَ حَيَّرْتَ مَعْصِيَتَهُ وَ أَمَرْتَ بِإِمْتِثَالِ أَمْرِهِ وَ الْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ وَ أَنْ لَا يَتَقَدَّمَ مُتَقَدِّمٌ وَ
لَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَ عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ وَ بَهَاءُ الْعَالَمِينَ؛ «بار الها! تو در هر زمان، دین
خود را با امامی تأیید فرموده‌ای که او را برای بندگانت به عنوان عَلم و در کشورهایت به جای منار [هدایت] برپا داشته‌ای؛
پس از آنکه پیمان او را به پیمان خود پیوسته و او را وسیله خشنودی خود ساخته‌ای و طاعتش را واجب کرده و از نافرمانی اش
بیم داده‌ای و به اطاعت فرمانش و باز ایستادن در برابر نهی اش و سبقت نگرفتن بر او و عقب نماندن از او فرمان داده‌ای! پس
او نگه دارنده پناهندگان و ملجأ مؤمنان و دستاویز متمسکان و جمال و عظمت جهانیان است.»

در بخش دوم می‌خوانیم:

ص: ۱۸۳

«اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ وَ أَيْدٍ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَ اعْنَهُ بِرُكْنِكَ الْاَعَزَّ وَ اشْدُدْ أَرْزُهُ وَ قَوِّ عَضُدَهُ وَ رَاعِهِ بِعَيْنَيْكَ وَ اَحْمِهِ بِحِفْظِكَ وَ انصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ... ؛ بار الها! پس ولی خود را به شکر آنچه بر او نعمت داده‌ای مُلْهِم ساز، و ما را نیز به سپاسگزاری نعمت وجود او توفیق ده، و او را از جانب خود سلطنتی یاری دهنده عطا فرمای و درهای پیروزی را به آسانی بر وی بگشا، و او را به نیرومندترین تکیه گاه خود مدد ده و پشت گرم ساز، و بازویش را نیرو بخش و به چشم عنایت منظورش دار، و به نگه داری خود حمایتش کن و با فرشتگانت یاری اش ده...»

در بخش چهارم چنین آمده است:

ص: ۱۸۴

«وَأَحْيِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ وَاجْلٍ بِهِ صِدْقُ الجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ وَأَبْنِ بِهِ الضَّرَاءَ عَنْ سَبِيلِكَ وَادِلْ بِهِ التَّائِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ وَأُمَحِّقْ بِهِ بَغَاةَ قَصْدِكَ عَوْجاً...»؛ و به مدد او آنچه از نشانه‌های دینت را که به دست ستمگران از بین رفته، زنده ساز، و زنگ جور[ظالمان] را از طریق خویش بزدا، و سختی و ناهمواری را به دست او از راه خویش برطرف کن، و منحرفان از صراط [مستقیم] خود را به دست او از میان بردار، و آنانی را که قصد کج ساختن راه تو را دارند هلاک کن...»

این همه، دستاوردهای بزرگ حکومت جهانی مهدی(ع) است که در قالب دعا در سخت‌ترین دوران خفقان و ستم بیان شده است.

ص: ۱۸۵

درباره اوصاف یاران آن حضرت چنین آمده است: «اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ الْمُقْتَفِينَ
آثَارَهُمْ... الْمُتَنْتَظِرِينَ أَيَّامَهُمُ الْمَادِينَ إِلَيْهِمْ أُعِينَهُمْ...» (۱) بارالها! رحمت فرست بر دوستان ایشان که معترف به مقام آنها، و
تابع راه آنان و پیرو آثار آنهایند، منتظر روزگار [دولت] آنها و چشم دوخته به راهشان اند.»

ب) دعای دیگر برای ظهور و فرج

این دعا نیز در منابع متعددی آمده است و مربوط به روز عرفه است. این دعا با درخواست فرج آل محمد(ص) و درخواست
یاری آنان شروع شده و با بیان ره آوردهای ظهور حضرت مهدی(ع) در قالب دعا ادامه یافته، در پایان با بیان اوصاف یاران
حضرت خواسته می شود دعا کننده جزو بهترین یاران او قرار گیرد:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فَرِّجْ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْهُمْ أئِمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ... وَأَنْصُرْهُمْ وَ انْتَصِرْ بِهِمْ وَ أَنْجِزْ لَهُمْ مَا
وَعَدْتَهُمْ وَ بَلِّغْ فَتْحَ آلِ مُحَمَّدٍ...؛ خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و فرج آل محمد را [با ظهور مهدی(ع)] برسان، آنها را
امامانی قرار بده که به حق هدایت می کنند و آنان را یاری کن و به دست آنها [دیگران را] یاری بخش و برای ایشان به وعده
هایت وفا کن و پیروزی آل محمد را برسان...»

ص: ۱۸۶

۱- ر. ک: صحیفه کامله سجادیه، ترجمه صدرالدین بلاغی، دارالکتب الاسلامیه، در ضمن دعای ۴۷ روز عرفه، ص ۲۵۵ -
۲۵۸؛ الصحیفه السجادیه الجامعه، مؤسسه الامام المهدی، ص ۳۲۲؛ اقبال الاعمال سید رضی الدین علی بن طاووس، ص ۶۶۴؛
مصباح المتهجد، ابراهیم العاملی الکفعمی، منشورات مؤسسه الاعلمی، ص ۸۹۱.

در ادامه، خطاب مخصوص به حضرت حجت شده، می گوید: «... وَ أَصْلِحْ لَنَا إِمَامَنَا وَ اسْتَصْلِحْهُ وَ أَصْلِحْ عَلَيَّ يَدِيهِ وَ آمِنْ خَوْفَهُ وَ خَوْفَنَا عَلَيْهِ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ الَّذِي تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ ؛ و برای ما امامان را اصلاح کن و برای او طلب اصلاح کن و با دستان او [جامعه را] اصلاح کن، ترس او را و ترس ما را به [وجود مبارک] او ایمن گردان و او را کسی قرار بده که به دست او دینت را یاری کنی.»

همچنین در باره دستاوردهای دوران ظهور می گوید: «اللَّهُمَّ اَمْلَأِ الْأَرْضَ بِهٖ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ اٰمِنٌ بِهٖ عَلٰى فُقَرَاءِ الْمُسْلِمِيْنَ وَ اَرَامِلِهِمْ وَ مَسَاكِينِهِمْ وَ اجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ وَ شَيْعَتِهِ، أَشَدَّهُمْ لَهُ حُبًّا وَ أَطْوَعِهِمْ لَهُ طَوْعًا؛ (۱) (خدایا! به دست او زمین را پر از عدل و داد کن، چنان که از ستم و جور پر گشته است، و به دست او بر فقرای مسلمانان و یتیمان و بی سرپرستان و از کار افتادگان منت گذار و مرا از برگزیدگان دوستان و شیعیانش، و شدیدترین آنها نسبت به او از نظر محبت، و رام ترین آنان در فرمانبری قرار ده.»

«وَ أَنْفَذِهِمْ لِأَمْرِهِ وَ أَسْرَعِهِمْ إِلَى مَرْضَاتِهِ وَ أَقْبَلِهِمْ لِقَوْلِهِ وَ أَقْوَمِهِمْ بِأَمْرِهِ وَ ارْزُقْنِي الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى الْفَاكِ وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ؛ و [مرا] نافذترین آنها در مقابل فرمان او، و شتاب کننده ترین آنان به سوی خرسندی و رضایت او، و روکننده ترین آنها به سوی سخن او، و پایدارترینشان در امر او قرار ده، و شهادت در پیشگاه او را روزی من گردان، تا تو را در حالی ملاقات کنم که از من راضی هستی.»

ص: ۱۸۷

۱- . اقبال الاعمال، همان، ص ۶۷۵؛ الصحيفه السجادية الجامعه، همان، ص ۳۴۷؛ بحار الأنوار، دارالکتب الاسلاميه، ج ۹۸، ص ۲۳۴؛ مصباح المتعجد، ص ۶۹۷.

ج) دعا برای فرج و شکوه از فتنه ها

در دعای روز عرفه، از غیبت، کمی عدد، و شدت فتنه ها شکوه شده و در پایان، ظهور و قیام امام زمان (ع) از خداوند خواسته شده است:

«اللَّهُمَّ يَا رَبَّ نَشْكُو غَيْبَهُ نَبِيِّنَا وَقَلَّةَ نَاصِرِنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهَرَ الْخَلْقِ عَلَيْنَا، اللَّهُمَّ صَيِّلٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرَجٌ ذَلِكُكَ بِفَرَجٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَنَصِيرٌ وَحَقٌّ تُظَهِّرُهُ؛ خدایا! پروردگارا! شکایت می کنم از نبود پیغمبرمان و کمی یارانمان، و فراوانی دشمنان و سختی زمانه و روزگار بر ما، و وقوع فتنه ها برای ما، و پشتیبانی مردم علیه ما. خدایا! بر محمد و آل محمد درود بفرست و با گشایشی از جانب خودت و با یاری و حقی که آن را آشکار می سازی، این مشکلات را بگشا.»

دانی که انتظار تو با ما چه می کند؟

ص: ۱۸۸

توفان بین به پهنه دریا چه می کند؟

آشفته ام چو موج به دریای زندگی

آشفته گی بین به دل ما چه می کند

یکدم بپرس این همه غم، این همه بلا

در خاطر شکسته زغمها چه می کند

دور از بهار روی تو بی برگ مانده ام

بی برگ و بار مانده به دنیا چه می کند

بنشین ز راه لطف دمی در کنار دل

آخر بپرس این دل تنها چه می کند

آن گاه صریحاً حضرت سجاد(ع) ظهور حضرت مهدی(ع) را از خداوند خواسته، عرضه می دارد:

«اللَّهُمَّ وَابْعَثْ بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صِلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلنَّصْرِ لِتَدِينِكَ، وَإِظْهَارِ حُجَّتِكَ وَالْقِيَامِ بِأَمْرِكَ، وَتَطْهِيرِ أَرْضِكَ مِنْ

أزجاسها؛ (۱) خدایا! قائم آل محمد(ص) را برای یاری دینت و اظهار برهانت و برپایی فرمانت و پاکیزه ساختن زمینت از آلودگیهای آن، بر انگیز [و ظهورش را برسان].»

ظهورت را زحق خواهانم ای دوست ؟

ص: ۱۸۹

۱- . اقبال الاعمال، ص ۶۹۵ و بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۵۵.

شب و روز از غمت گریانم ای دوست؟

ظهـورت گـر نصیـب ما نگـردد

از این غـم تا ابـد نالانـم ای دوست

(د) دعا برای ظهور در ضمن دعا علیه شامیان

حضرت سجاد(ع) دعایی در افشای جنایات اهل شام یعنی یزید و تبار او دارد. در ضمن آن، برای ظهور حضرت مهدی(ع) دعا می کند و می گوید: «اللَّهُمَّ وَ أَسْفِرْ لَنَا عَنْ نَهَارِ الْحَقِّ وَالْعَدْلِ، وَ آرِنَاهُ سَرْمَدًا، وَ أَهْطِلْ عَلَيْنَا بِرَكَتِهِ وَ أَدِلَّهُ مِمَّنْ نَادَاهُ وَ عَادَاهُ وَ أَوْضِحْ بِهِ فِي غَسَقِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَ بَهِيمِ الْحَيَرَةِ الْمُدْلِهِمْ؛ خدایا! کشف کن و پرده بردار از روز [و روزگار] حق و عدل، و آن را تا ابد به ما نشان بده و برکتش را بر ما فرود آور و وی را از کسی که قصد او کرده و با او دشمنی دارد، راهنمایی [و حفاظت] کن و به مدد او در شب تار و حیرت‌زای بسیار سیاه، روشنایی ایجاد کن.»

«اللَّهُمَّ وَ أَحْيِي بِهِ الْأَرْضَ الْمَيِّتَةَ، وَ اجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ وَ أَقِمِّ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ، وَ أَسْرِبْ بِهِ الْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، اللَّهُمَّ وَ أَشْبِعْ بِهِ الْخِمَاصَ السَّغْبَةَ وَ ارْحَمْ بِهِ الْأَبْدَانَ اللَّغْبَةَ؛ (۱) خدایا! به دست او (مهدی(ع)) زمین مرده را زنده کن، و هواها و خواسته های متفرقه را متحد فرما، و حدود معطل مانده را به دست او به پادار، و احکام رها شده را به مدد او جاری ساز. خدایا! شکمهای گرسنه را به دست او سیرگردان، و بدنهای خسته [و رنجور] را به دست او، مورد رحمت خود قرار بده.»

ص: ۱۹۰

۱- . الصحیفه السجادیه الجامعه، همان، ص ۱۳۹ و ر.ک: الصحیفه المبارکه المهدیه، مرتضی مجتهدی، ص ۵۳۴ و ۵۳۵.

امام زین العابدین(ع) در این حرز دعا در حق دوستان حضرت مهدی(ع) و نفرین درباره دشمنان آن حضرت، و تعجیل فرج او، و دیدار جمال دلربای او را طرح فرموده است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ... الْحُجَّه الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْمُنْتَظَرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُمْ، وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ وَ اخذلْ مَن خذَلَهُمْ وَالْعَيْنِ مَنْ ظَلَمَهُمْ، وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انصُرْ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِكَ أَغِيَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارزُقْنِي رُؤْيَاهُ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ الرَّاغِبِينَ بِفِعْلِهِ؛ (۱)» خدایا درود فرست بر...حجت قیام کننده، مهدی منتظر، که درود خدا بر همه ایشان (آل محمد(ص)) باد. خدایا! دوست بدار کسی را که آنان را دوست بدارد و دشمن بدار آن را که آل محمد را دشمن بدارد و یاری کن آنکه آنها را یاری کند و خوار فرما کسی را که در پی خواری ایشان است و نفرین فرست بر کسانی که بر ایشان ظلم کردند، و در فرج آل محمد تعجیل فرما و آل محمد را یاری فرما، و دشمنان آل محمد را هلاک کن، و دیدار [روی] قائم آل محمد را روزی من فرما و مرا از پیروان و یاری کنندگان و خرسند شوندهگان به کار او قرار ده.»

آن دوست که دیدنش بیاراید چشم

بی دیدنش از گریه نیاساید چشم

ما را ز برای دیدنش باید چشم

گر دوست نبیند به چه کار آید چشم

(و) دعای روز جمعه برای فرج

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ كَصَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَتَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، وَ عَجَّلْ الْفَرَجَ وَالرَّوْحَ وَالنُّصَيْرَةَ وَالتَّمْكِينَ وَالتَّأْيِيدَ لَهُمْ؛ (۱)» خدایا بر محمد و آل محمد (ص) درود فرست؛ به راستی تو ستایش شده با عظمتی هستی، همچون درودهای تو و برکات و سلامهای تو بر برگزیدگان ابراهیم و آل ابراهیم، و فرج و رحمت و یاری، و زمینه سازی [و جای دهی] و تأیید را برای آنان (آل محمد) نزدیک فرما.»

(ز) دعای هر روز ماه مبارک رمضان

ص: ۱۹۲

در این دعا که منابع متعددی آن را نقل کرده اند، در آغاز، اوصاف حمیده خداوند ذکر شده و آن گاه در حق دشمنان آل محمد، نفرین شده و عذاب درخواست شده است. و حضرت سجاد(ع) در بخش پایانی آن، عرضه می دارد: «أَسْأَلُكَ أَنْ تَنْصُرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَ خَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ وَ الْقَائِمَ بِالْقِسْطِ مِنْ أَوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ، إِعْطِفْ عَلَيْهِمْ نَصْرَكَ؛ (۱)» [خدایا!] از تو درخواست می کنم که وصی محمد و خلیفه محمد و قیام کننده به عدل و داد از میان جانشینان محمد _ که درود تو بر او و آل او باد _ را یاری کنی و نصرت را بر آنها معطوف داری.»

ح) روز عید فطر و دعا برای فرج

ص: ۱۹۳

۱- . الصحیفه السجادیة الجامعه، ص ۲۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۰۴؛ مصباح المتعجد، ص ۶۱۴؛ اقبال الاعمال، ص ۳۶۷ و صحیفه المبارکه المهدیه، ص ۵۵۹، دعای ۲۷۶.

در بخشی از دعای روز عید فطر امام سجاده (ع) می خوانیم: «وَأَعِنِّي عَلَى جِهَادِ عِدُوِّكَ فِي سَبِيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ كَمَا قُلْتَ جَلَّ قَوْلُكَ (إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ) (۱) ... اللَّهُمَّ فَأَرِنِي ذَلِكَ السَّبِيلَ حَتَّى أَقَاتِلَ فِيهِ بِنَفْسِي وَ مَالِي طَلَبَ رِضَاكَ فَأَكُونَ مِنَ الْفَائِزِينَ؛ (۲) خدایا! مرا بر جهاد با دشمنت در راه خودت همراه با ولایت [امام زمان] یاری کن، چنان که خود فرمودی و بزرگ است سخن تو که «خداوند از مؤمنان، جانها و اموالشان را خریداری کرده است که [در برابرش] بهشت برای آنان باشد، [به این صورت که] در راه خدا پیکار کنند...» خدایا! پس این راه جهاد را به من نشان بده تا با جان و مال برای رضای تو در آن بجنگم، پس [به شهادت برسم و] از رستگاران باشم.»

دعاهای دیگری نیز از آن حضرت نقل شده است؛ مانند: «الدُّعَاءُ لِظُهُورِ الْحُجَّهِ فِي دُعَاءِ الْإِحْتِرَازِ» (۳) و دعا برای فرج در ضمن دعای روز بیستم ماه رمضان (۴) و همین طور دعاهایی که از طریق امام زمان (ع) از زبان امام زین العابدین (ع) نقل شده است؛ مانند دعای تعقیب نماز امام سجاده (ع)، (۵) دعا در حال سجده زیر ناودان طلا در مسجد الحرام (۶) و... که به سبب پرهیز از طولانی شدن مقاله، از نقل آنها خودداری می شود.

ص: ۱۹۴

۱- . توبه / ۱۱۱.

۲- . صحیفه السجاده الجامعه، ص ۳۱۲ و صحیفه مبارکه مهدیه، ۵۷ - ۵۷۱.

۳- . الصحیفه السجاده الجامعه، ص ۴۰۰ و صحیفه مهدیه، ص ۵۴۸.

۴- . صحیفه مهدیه، ص ۵۶۴.

۵- . صحیفه مهدیه، ص ۳۵۰.

۶- . همان، ص ۳۵۲؛ اکمال الدین، ص ۴۷۰.

آنچه از مجموع دعاهای امام سجاد(ع) درباره مهدویت - که در سخت ترین دوران، و حکومت پلیدترین افراد همچون: یزید، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان و... خوانده شده است - استفاده می شود، اموری است که در ذیل به آنها اشاره می کنیم:

۱. زنده نگه داشتن یاد اهل بیت(ع) و در صدر همه، آخرین آنها یعنی مهدی صاحب الزمان(ع)؛

۲. تبیین و تاکید بر این مسئله که زمین در هیچ زمانی از حجت و امامی معصوم از اهل بیت(ع) خالی نیست؛

۳. تلقین این مسئله که معنای امامت و پذیرفتن آن این است که مردم همه، صد درصد تابع و پیرو امام خویش باشند، امر او را امر، و نهی او را نهی بدانند، و در عمل به طور کامل به آن مقتید باشند؛

۴. حساس کردن مردم درباره حیات و سلامتی امام زمان؛ از این رو تلقین می شود که مرتب حفظ و حراست او از خداوند، خواسته شود؛

ص: ۱۹۵

۵. زنده نگه داشتن روحیه جهاد و شهادت طلبی، به ویژه در رکاب آن حضرت که پس از یاری او شهادت در راه خدا به عنوان رستگاری ابدی و برترین کمال نصیب انسان شود؛

۶. امیدواری و نوید و نشاط دهی به آینده روشن و اینکه «کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور» و یا «درد و غم طی می شود آخر بهاری می رسد»؛

۷. زنده نگه داشتن روحیه انتظار در جامعه اسلامی که با وجود جانسوز بودن، سازنده و اصلاحگراست؛

۸. شکایت از تنهاییها، ستمها و فتنه ها در قالب دعا که خود یک نوع اعلام انزجار از وضعیّت موجود است و شکایت از نبود پیغمبر و غیبت امام زمان(ع) و انتظار و درخواست وضعیّت مطلوب و بهتری، و برپایی دولت کریمه مهدی صاحب الزمان(ع)؛

۹. ارائه تصویری روشن و امید بخش از دوران ظهور مهدی(ع) و اینکه عدل، فراگیر، و بساط ستمگران جمع می شود، کتاب و سنّت و شریعت زنده می شود و فقر، فلاکت و بیچارگی بساط خویش را جمع خواهد کرد، و ایتام و مساکین از این وضعیّت درد آور نجات می یابند.

ص: ۱۹۶

فصل دوم: امام مهدی (ع) از نگاه قرآن و معصومان (ع)

حضرت مهدی (ع) محبوب پاکان

محبوب پروردگار

بدون تردید، اساس تمام دوستیها خداوند است و هر که دوست خداست، محبوب قلبهای پاک نیز هست؛ از این رو در ابتدا روایتی را که در آن خداوند محبت خویش را نثار آخرین امام معصوم (ع) کرده است به گوش جان می شنویم:

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ لَيْلَةَ أُشْرِي بِي يَا مُحَمَّدُ مَنْ خَلَفْتُ فِي الْأَرْضِ عَلَى أُمَّتِكَ وَهُوَ أَعْلَمُ بِذَلِكَ قُلْتُ يَا رَبِّ أَيْحَى قَالَ يَا مُحَمَّدُ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قُلْتُ نَعَمْ يَا رَبِّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ أَطَّلَاعَهُ فَاخْتَرْتُكَ مِنْهَا فَلَمَّا أَذْكَرُ حَتَّى تُذَكَّرَ مَعِيَ أَنَا الْمَحْمُودُ وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ ثُمَّ أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ أَطَّلَاعَهُ أُخْرَى فَاخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَجَعَلْتُهُ وَصِيَّكَ فَأَنْتَ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَعَلِيٌّ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ؛» (۱) همانا خدای عزوجل در آن شب که به گردش شبانه برده شدم (معراج) به من وحی فرمود: ای محمد! چه کسی را در زمین میان امتت به جای خود گذاشتی؟! - در حالی که خود بدان آگاه تر بود. - عرض کردم: پروردگارا! برادرم را. فرمود: ای محمد! علی بن ابی طالب را؟ عرض کردم: آری، ای خدای من! فرمود: ای محمد! من از ابتدا از فراز عرش نظری بر زمین افکندم و تو را از آن اختیار کردم، هیچ گاه یادی از من نشود، مگر اینکه تو نیز با من یاد کرده شوی. من خود محمودم و تو محمد، سپس نظری دیگر بر زمین افکندم و از آن، علی بن ابی طالب را برگزیدم و او را وصی تو قرار دادم. پس تو آقای پیامبران و علی آقای اوصیا است.»

در ادامه این گفتگو، رسول گرامی اسلام (ص) پس از توصیفاتی درباره فرمایش خداوند درباره امامان معصوم (ع)، و پس از آنکه انوار پاک ائمه اطهار (ع) را می بیند، در بخشی دیگر از کلام خود می فرماید: «عرض کردم: پروردگار من! اینان چه کسانی اند؟ فرمود: اینان امامان هستند و این یک نیز قائم است که حلال کننده حلال من و حرام دارنده حرام من است و از دشمنان من انتقام خواهد گرفت.»

ص: ۱۹۷

پس خداوند فرمود: «يَا مُحَمَّدُ! أَحَبُّهُ فَإِنِّي أَحِبُّهُ وَأَحَبُّ مَنْ يُحِبُّهُ؛» (۱) ای محمد! او را دوست بدار که من او را دوست می دارم و هر کس که او را دوست بدارد نیز دوست می دارم.»

ص: ۱۹۸

۱- . الغیبه، ابن ابی زینب، ص ۹۳، ح ۲۴.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

حضرت مهدی(ع) محبوب پاکان

محبوب پیامبر خدا(ص)

پیامبر اعظم(ص) به عنوان اشرف انبیا و آخرین فرستاده الهی، دارای مقام و منزلتی بس رفیع و بلند در نظام آفرینش است. همان گونه که در روایت پیشین اشاره شد، خداوند، محبت حضرت مهدی(ع) را به آن حضرت توصیه فرموده بود.

بنابراین جای شگفتی نیست که حضرتش درباره آخرین جانشین خود از بزرگ ترین واژگان محبت آمیز، یعنی «بَابِي وَ أُمِّي، پدر و مادرم فدای او» بهره برده باشد؛ آنجا که می فرماید: «بَابِي وَ أُمِّي سَيَمِي وَ شَبِيهِ وَ شَبِيَهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ أَوْ قَالَ جَلَابِيبُ النُّورِ...» (۱) پدر و مادرم فدایش باد که او همانم من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است که بر او نورهایی احاطه دارد.»

دامنه علاقه به حضرت مهدی(ع) به جایی رسیده است که پیامبر اکرم(ص)؛ انکار مهدی(ع) را همچون انکار خود دانسته، فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وَلَدِي فَقَدْ أَنْكَرَنِي» (۲) هر که قائم از فرزندان مرا انکار کند، مرا انکار کرده است.» همچنین هشتمین پیشوای شیعیان به نقل از پدران خود از پیامبر گرامی اسلام(ص) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «بَابِي ابْنُ خَيْرِهِ الْإِمَاء» (۳) پدرم فدای فرزند بهترین کنیزان عالم باد.»

ص: ۱۹۹

۱- . کفایه الأثر، علی بن محمد خزاز قمی، ص ۱۵۶.

۲- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۲، ح ۳۹.

۳- . الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۳۲۳.

فصل دوم: امام مهدی (ع) از نگاه قرآن و معصومان (ع)

حضرت مهدی (ع) محبوب پاکان

محبوب امیر مؤمنان (ع)

آن گاه که نگاه تیزبین علی بن ابی طالب (ع) اعصار و قرون را درنوردید، زمان آخرین امام را نظاره می کند و چنین می فرماید: «فَانظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا، وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فَانصُرُوهُمْ، فَلْيَمْرَجَنَّ اللَّهُ [الْفِتْنَةَ] بِرَجُلٍ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ. بِأَبِي ابْنِ خَيْرِهِ الْإِمَاءِ؛» (۱) شما همواره به اهل بیت پیامبرتان نگاه کنید، اگر آنها ساکت شدند و در خانه نشستند شما نیز سکوت کرده به زمین بچسبید و اگر از شما یاری طلبیدند به یاری آنها بشتابید که البته خدای متعال به دست مردی از ما اهل بیت، ناگهان فرج عنایت خواهد کرد. پدرم فدای او باد که فرزند بهترین کنیزان است.»

در روایتی دیگر - که امام باقر (ع) نقل فرموده است - چنین آمده است که بین حضرت علی (ع) و عمر بن خطاب، سخنانی رد و بدل شد. عمر گفت: «أَخْبَرَنِي عَنِ الْمَهْدِيِّ مَا اسْمُهُ فَقَالَ (ع): أَمَّا اسْمُهُ فَإِنَّ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ (ص) عَهَدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُحَدِّثَ بِهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ قَالَ فَأَخْبَرَنِي عَنْ صَفْتِهِ قَالَ هُوَ شَابٌّ مَرْبُوعٌ حَسَنُ الْوَجْهِ حَسَنُ الشَّعْرِ يَسْتَلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكِبَيْهِ وَ نُورٌ وَجْهِهِ يَعْلُو سَوَادَ لِحْيَتِهِ وَ رَأْسُهُ بِأَبِي ابْنِ خَيْرِهِ الْإِمَاءِ؛» (۲) از مهدی به من خبر ده که نامش چیست؟ فرمود: اما درباره اسم او، حبیب با من عهد کرده که درباره آن با کسی صحبت نکنم تا اینکه خداوند او را برانگیزد. عمر گفت: پس درباره صفت او به من خبر ده؟ حضرت فرمود: او جوانی چهارشانه، نیکو صورت و نیکو مو است که موهایش بر شانه هایش فرو ریخته و نور صورتش، سیاهی موی سر و ریش را تحت الشعاع قرار می دهد. پدرم فدای او باد که فرزند بهترین کنیزان است.»

ص: ۲۰۰

- ۱- بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۱۱۸؛ ج ۴۱، ص ۳۵۳ و ج ۵۱، ص ۱۲۱ و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۷، ص ۵۸.
- ۲- کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۷۰ و کشف الغمه، علی بن عیسی اربلی، ج ۲، ص ۴۶۲.

در کتاب شریف «غیبت نعمانی» ضمن نقل روایتی آمده است که وقتی امام علی(ع) صفات حضرت مهدی(ع) را ذکر کرد، با حالتی سرشار از عشق و شیدایی به سینه خود اشاره کرد، آهی کشید و فرمود: «شوقاً إلى رؤيته؛»(۱) چقدر به دیدار او مشتاقم.»

مرحوم کلینی در روایتی از آن حضرت نقل کرده است که شدت محبت به حضرت مهدی(ع) باعث شده است تا اشتیاق به دیدن یاران و دوستان او نیز در کانون توجهات حضرتش قرار گیرد؛ در آنجا که می فرماید: «یا شوقاً إلى رؤيته في حال ظُهورِ دَوْلَتِهِمْ؛»(۲) چقدر مشتاق دیدار آنها هستم، در آن زمان که در ظهور دولتشان به سر می برند.»

آن جناب شبیه همین مضمون را در نهج البلاغه، این گونه آورده است: «أَلَا بِأَبِي وَ أُمِّي هُم مِّنْ عَدَدِهِ أَشِمَاءُهُمْ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ؛»(۳) آگاه باشید! آنان که پدر و مادرم فدایشان باد، از کسانی هستند که اسامی آنها در آسمان معروف و در زمین ناشناخته است.»

ص: ۲۰۱

۱- الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، مکتبه الصدوق، ص ۲۱۲، ح ۱ و بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵، باب ۲.

۲- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۳.

۳- نهج البلاغه، خ ۱۸۷.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

حضرت مهدی(ع) محبوب پاکان

بیانات محبت آمیز امام باقر(ع)

ابوحمزه ثمالی می گوید که روزی نزد امام باقر(ع) بودم. وقتی کسانی که نزد آن حضرت بودند، متفرق شدند، آن حضرت فرمود: «يَا أَبَا حَمْزَةَ مِنَ الْمُحْتَمُونَ الَّذِي حَتَمَهُ اللَّهُ قِيَامٌ قَائِمًا فَمَنْ شَكَّ فِيمَا أَقُولُ لِقَى اللَّهَ وَهُوَ كَافِرٌ بِهِ وَجَاحِدٌ لَهُ ثُمَّ قَالَ بِأَبِي وَ أُمِّي الْمُسَمَّى بِاسْمِي الْمَكْنَى بِكُنْيَتِي؛ (۱) ای ابا حمزه! یکی از امور حتمی که خداوند آن را حتمی ساخته است، قیام قائم ما اهل بیت است و اگر کسی در آنچه می گویم تردید کند، در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که به او کافر شده و انکار کننده اوست. سپس فرمود: پدر و مادرم فدای آنکه همان من و هم کنیه من و هفتمین فرد پس از من است.»

ص: ۲۰۲

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

حضرت مهدی(ع) محبوب پاکان

ارادت امام صادق(ع)

حقیقتاً حضرت صاحب الامر(ع) چه شأن رفیعی دارد که این گونه معصومان بزرگوار درباره ایشان اظهار محبت و علاقه می کنند؟! این شیدایی، گاهی برخی ائمه(ع) را به گونه ای واله کرده است که نه تنها سخن از عشق و محبت می گویند؛ بلکه اظهار ارادت خالصانه دارند.

خلاد بن صفار می گوید: «سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)، هَيْلُ وُلَمَدِ الْقَائِمِ (ع)؟ قَالَ لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛ (۱) از امام صادق(ع) سؤال شد که آیا قائم به دنیا آمده است؟! حضرت فرمود: خیر! اگر او را درک کردم در ایام زندگانیم خدمتگزار او خواهم بود.»

این اظهار ارادت در روایتی دیگر نیز چنین انعکاس یافته است: سدید صیرفی می گوید: من، مفضل بن عمر، داوود بن کثیر رقی، ابوبصیر و ابان بن تغلب بر مولایمان امام صادق(ع) وارد شدیم. آن حضرت را در حالی بس عجیب دیدیم که بر روی خاک نشسته بود و لباسی پشمین بر دوش انداخته و بسان مادری جوان مرده با سوز تمام می گریست؛ به گونه ای که آثار حزن و اندوه، سراسر وجود مبارکش را فرا گرفته بود و اشک بر پهنای صورتش جاری بود و چنین می فرمود:

ص: ۲۰۳

«سَيِّدِي غَيْبُكَ نَفْسٌ رُقَادِي وَ ضَيِّقَتْ عَلَيَّ مِهَادِي وَ أَسِيرَتْ مِنِّي رَاحَةُ فُؤَادِي سَيِّدِي غَيْبُكَ أَوْصَلَتْ مُصَابِي بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ وَ فَقَدُ الْوَاحِدِ بَعْدَ الْوَاحِدِ يُفْنِي الْجَمْعَ وَ الْعِدَّةَ فَمَا أَحْسُ بِدَمْعِهِ تَرْقَى مِنْ عَيْنِي وَ أَيْنَ يَفْتُرُ مِنْ صَدْرِي؟» (۱) (سرور من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده، خاطر من را پریشان ساخته، آرامش دلم را از من سلب کرده است. سرور من! غیبت تو مصیبت‌های مرا به مصیبت‌های دردناک همیشگی متصل ساخته و از دست دادن [یاران]؛ یکی پس از دیگری را به نابودی اجتماعات و افراد کشانده است. [بلاها و سختیها، رنجها و اندوهها آن چنان بر دلم سنگینی می کند که] دیگر اشک دیده و فریادهای سینه ام را احساس نمی کنم.»

ص: ۲۰۴

۱- الغیبه، شیخ طوسی، کتاب، ص ۱۶۷.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

حضرت مهدی(ع) محبوب پاکان

ارادت امام هشتم(ع)

در روایتی آمده است که در مجلسی، دعبل خزاعی، قصیده ای برای امام رضا(ع) خواند. وی در فرازهایی از آن به حضرت مهدی(ع) اشاره کرد. آن جناب، بی درنگ به احترام ذکر مقدس نام آن حضرت، متواضعانه برخاست، دست بر سر نهاد و برای فرج قائم آل محمد(ص) دعا کرد. (۱)

ص: ۲۰۵

۱- وَضَعَ الرَّضَا(ع) يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ وَتَوَاضَعَ قَائِمًا وَدَعَى لَهُ بِالْفَرَجِ. منتخب الأثر، ص ۶۴۰، ح ۳.

فصل دوم: امام مهدی (ع) از نگاه قرآن و معصومان (ع)

امام زمان (ع) در آئینه زیارت جامعه

اشاره

مسئله مهدویت از جمله مسائل حیاتی و مهم است. این مسئله از زمان پیامبر اکرم (ص) به صورت واضح و روشن طرح شده و بر زنده نگه داشتن آن تأکید و تشویق فراوان شده است. امامان معصوم (ع) نیز به فراخور فرصتهایی که برای آنها پیش آمده است، این مسئله را مطرح و بیان کرده اند.

دوران امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) از دورانهایی است که حکومت وقت به شدت، مسائل مهدویت و حتی تولد حضرت مهدی (ع) را پیگیر بوده و تحت نظر داشته است. اختناق و سختگیری در این باره نیز به اوج خود رسیده بود. با این حال، حضرت هادی (ع) از فرصتها بهره برداری کرد و گاه به صورت صریح و زمانی در پوشش دعا، مسئله مهدویت را زنده نگه داشت.

از جمله در زیارت جامعه کبیره که از متقن ترین، صحیح ترین و جامع ترین متون زیارتی شیعه است، افزون بر بیان اصل امامت، به مسئله مهدویت، به ویژه دوران ظهور حضرت مهدی (ع) و رهاورد حکومت او اشاره و توجه شده است. آنچه پیش رو دارید، نگاهی گذرا به مسئله مهدویت در زیارت جامعه کبیره است.

فرازهایی از این زیارت شریف را که درباره امام زمان(ع) است در ذیل از نظر خوانندگان عزیز می گذرانیم:

ص: ۲۰۷

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام زمان(ع) در آئینه زیارت جامعه

نخستین آیه ای که امام پس از ظهور می خواند

در زیارت جامعه می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الدُّعَاةِ... وَ بَقِيَّةِ اللَّهِ؛ (۱)» سلام بر امامان دعوت کننده [به سوی خداوند]... و باقی مانده خدا!

مرحوم صدوق نقل کرده است: «نخستین آیه ای که حضرت قائم(ع) هنگام قیام می خواند، این آیه است: (بَقِيَّةِ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)؛ (۲)» «بقیه الله برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید.»

آن گاه می فرماید: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسْلِمٌ إِلَّا قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؛ (۳)» من بقیه الله در زمین خدا و خلیفه و حجت او بر شما هستم. پس هر مسلمانی که به او سلام می کند، می گوید: درود بر تو ای بقیه الله در زمین او!

ص: ۲۰۸

۱- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۴۸ و مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۲- هود/ ۸۶.

۳- اکمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۳۰.

فصل دوم: امام مهدی (ع) از نگاه قرآن و معصومان (ع)

امام زمان (ع) در آئینه زیارت جامعه

خبر از غیبت امام زمان (ع)

در سخت ترین دورانی که اختناق، همه جا را فرا گرفته بود و امامان معصوم (ع) تحت نظر بودند و به شدت حرکات، رفتار و گفتار آنها کنترل می شد، حضرت هادی (ع) بیشترین استفاده را از دعا و زیارت برد. آن جناب، مسائل مهم امامت را در قالب دعا بیان کرد و مسئله غیبت امام زمان (ع) را نیز گوشزد کرد تا شیعیان را برای چنین دوران سخت و غمباری آماده سازد؛ از این رو فرمود: «مُوَمِّنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ أَوْلِيَكُمْ وَ آخِرِكُمْ؛ (۱) ایمان آورنده به نهان و آشکار شما و حاضر و غایب شما و اول و آخر شما.»

مراد از شاهد، امامی است که مردم او را مشاهده کنند و او مردم را مشاهده کند و مراد از غایب، حضرت قائم (ع) است که در هستی و جامعه حضور دارد؛ ولی ظهور ندارد؛ یعنی او مردم را می بیند و می شناسد؛ اما مردم یا او را نمی بینند و یا می بینند، ولی نمی شناسند.

ص: ۲۰۹

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام زمان(ع) در آئینه زیارت جامعه

انتظار ظهور دولت حق

از بهترین و برترین آرزوهایی که امامان ما به جامعه تلقین کرده و نوید تحقق آن را داده اند، ظهور حکومت عادلانه مهدوی است. تزریق و تلقین این آرزو، جامعه را با نشاط، فعال و سرزنده نگه می دارد و روح امید را در دل انسانها می دمد.

هر شبی گویم که فردا یارم آید از سفر

چون که فردا می شود گویم که فردای دگر

آن قدر امروز و فردا انتظارش می کشم

کاقبت روز فراق یار من آید به سر

حضرت هادی(ع) نیز این آرزوی بلند را این گونه تلقین می کند: «مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ» (۱) منتظر امر [و خروج] شما و چشم به راه دولت شمایم.»

امام صادق(ع) می فرماید: «مِنْ دِينِ الْأَئِمَّةِ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ... وَإِنْتَظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ» (۲) از دین امامان، ورع و عفت... و انتظار فرج با صبر کردن است.»

عَمَّار ساباطی می گوید: که از امام صادق(ع) پرسیدم: «آیا عبادت پنهانی با امام غایب و پنهان در دوران دولت باطل بهتر است و یا عبادت با ظهور دولت حق [و در زمان ظهور مهدی(ع)؟]»

حضرت فرمود: «شما در ورود به دین خدا و نماز و روزه و حج و دیگر خیراتی که خداوند توفیق داده است و به عبادت خدا در پنهان سبقت دارید و از دیگران پیشی گرفتید و پیوسته به حق امام و حقوق خویش می نگرید که در دست ستمگران است و ایشان که شما را ناچار به زندگی دنیوی و طلب معاش با شکیبایی بر دین و عبادت و طاعت امام و خوف از دشمنان نموده اند. بنابراین، خداوند اعمال شما را در دنیا مضاعف کرده است. پس گوارای وجود شما باد!» (۳)

ص: ۲۱۱

۱- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۴۵، ح ۳۳.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۱.

۳- الكافی، ج ۲، ص ۱۲۹.

امام هادی(ع) تنها به آرزوی تشکیل دولت حضرت مهدی(ع) اکتفا نمی کند؛ بلکه گام را فراتر می نهد و آرزو می کند که جزو حکمرانان، کارگزاران و یاران اصلی حضرت مهدی(ع) قرار گیرد و از این رو می فرماید: «وَجَعَلَنِي مِمَّنْ... وَ يُمَلِّكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَ يُشَرِّفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَ يُمَكِّنُ فِي أَيَّامِكُمْ؛» (۱) و مرا از کسانی قرار بده... که در دولت شما به فرمانروایی رسد و در عافیت شما گرامی شود و در روزگار شما تمکن یابد.»

یعنی در دولت شما از حکمرانان و فرمانداران بر مردم باشم و در زمان سلامت و عافیت شما به جایگاه بلند برسم؛ به گونه ای که ستم ستمکاران و طاغیان به من نرسد و در زمان دولت و چیرگی شما دارای ارزش و اعتبار و منزلت شوم. (۲)

با این آرزوها، آرزوی دیدار آن حضرت نیز برآورده می شود که: «وَ تَقَرَّرُ غَدَا بِرُؤْيَيْتِكُمْ؛» (۳) و چشمش فردا به دیدار شما روشن شود.»

ص: ۲۱۲

۱- . بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۳۱ و مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۲- . شرح زیارت جامعه کبیره، ص ۵۳۹ و جلوه های لاهوتی، ج ۳، ص ۱۷۶.

۳- . بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۵۴.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام زمان(ع) در آئینه زیارت جامعه

رجعت در زمان حضرت مهدی(ع)

یکی از اعتقادات قطعی شیعه، اعتقاد به رجعت است. براساس این اعتقاد و بر مبنای روایات اهل بیت(ع) در زمان حضرت مهدی(ع) عده ای از انسانهای خوب و بد به این دنیا باز خواهند گشت.

از جمله مسائل تصریح شده در جای جای زیارت جامعه، بحث رجعت است؛ آن هم با عبارات قطعی و یقینی. در یک جا می فرماید: «مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ؛ (۱) مؤمن به آمدن شما و تصدیق کننده رجعت شما هستم.» دو جمله فوق صرفاً برای تأکید نیست؛ بلکه برای بیان اعتقاد به این است که رجعت اتفاق می افتد، چه اینکه هر چه را معصومان(ع) که از اشتباه و خطا مصون اند _ خبر دهند، واقع خواهد شد و باید به آن ایمان داشت.

در جای دیگر می فرماید: «وَيَكْفُرُ فِي رَجْعَتِكُمْ؛ (۲) [و قرار ده مرا از کسانی که] باز گردد در رجعت و برگشت شما!» و در زیارت وداع در ذیل زیارت جامعه می خوانیم: «وَ أٰخِيَانِي فِي رَجْعَتِكُمْ؛ (۳) [خدا] مرا در رجعت و برگشت شما زنده کند!»

ص: ۲۱۳

۱- . بحار الأنوار ، ص ۱۳۱.

۲- . بحار الأنوار ، ص ۱۵۴.

۳- . بحار الأنوار ، ص ۱۳۳.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

امام زمان(ع) در آئینه زیارت جامعه

رهاورد ظهور

رهاورد حکومت مهدوی آرزوی تمام انبیا، و اولیا و صالحان و بلکه تمامی بشر است و در روایات به صورت گسترده به آن پرداخته شده است. آنچه در اینجا اشاره می شود، مواردی است که در زیارت جامعه به آن پرداخته شده است.

۱. احیای دین و سنت پیامبر اکرم(ص)

گذشت زمان، غیبت امام زمان(ع) و وجود تحریفگران و بدعتگزاران در طول تاریخ، باعث تغییر چهره دین و دستورهای دینی می شود، تا آنجا که دین به ظاهر، مرده و کهنه به حساب می آید و دستورهای آن به تعطیلی کشیده می شود؛ از این رو با ظهور حضرت، دستورهای دین، آن چنان که هست، بیان و اجرا می شود. به این سبب، آن حضرت احیا کننده دین شمرده شده است. در زیارت جامعه می خوانیم: «حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ؛» (۱) تا اینکه خداوند دینش را به دست شما زنده کند.»

به تعبیر عرفانی، خداوند با ظهور حضرت قائم(ع) مظاهرش را که محمد و آل او هستند، حیات می بخشد و قدرت اهل بیت(ع) با پاکی زمین از طاغوتها و شاخه های آن، یعنی فحشا و منکرات و ستم و دیگر زشتیها بر جهان، حاکم می شود (۲). و در همه جا دستورهای اسلام اجرا می شود. حضرت علی(ع) فرمود: «وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ؛» (۳) و [مهدی بخشهای] مرده کتاب [خدا] و سنت [پیامبر(ص)] را زنده می کند. اهل بیت(ع) با زنده شدن دین است که به منزلت بزرگی دست می یابند و به تعبیری که در زیارت جامعه آمده است: «يُمَكِّنُكُمْ فِي أَرْضِهِ؛» (۴) و شما را در زمین خویش تمکن و قدرت دهد.»

ص: ۲۱۴

۱- بحار الأنوار، ص ۱۳۱.

۲- شرح زیارت جامعه، ص ۵۲۲.

۳- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خ ۱۳۸.

۴- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۳۱.

این دو فقره، به همان مطلبی اشاره دارد که قرآن، دو‌یست سال، پیش از بیان امام هادی(ع) به آن اشاره کرده است؛

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)؛ (۱)

«خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که قطعا آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید، و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده است، برایشان پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امتیت و آرامش مبدل می کند؛ [آن چنان] که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان اند.»

و در آیه دیگر فرمود: (اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ)؛ (۲) «بدانید، خداوند، زمین را پس از مردنش زنده می گرداند. به تحقیق آیات را برای شما بیان کردیم، شاید تعقل کنید.»

ص: ۲۱۵

۱- . نور / ۵۵.

۲- . حدید / ۱۷.

(وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ)؛ (۱) «و زمین با نور شما روشن می شود.»

این جمله از زیارت جامعه، اشاره ای لطیف به ظهور حضرت مهدی (ع) دارد که با وجود نور آن حضرت، زمین نورانی خواهد شد. در واقع، اشاره دارد به آیه ای که می فرماید: (وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا)؛ (۲) «و زمین [در آن روز] به نور پروردگارش روشن می شود.» امام صادق (ع) در این باره فرمود: «رَبِّ و پروردگار زمین، امام آن است.» عرض کردند: «هنگامی که (مهدی) قیام کند، چه خواهد شد؟» فرمود: «مردم از نور خورشید و ماه بی نیاز می شوند و از نور امام استفاده می کنند.» (۳)

و در جای دیگر فرمود: «هنگامی که قائم ما ظهور کند، زمین به نور پروردگارش روشن شود و مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند و تاریکی از بین می رود.» (۴)

ص: ۲۱۶

۱- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۳۱.

۲- زمهر / ۶۹.

۳- تفسیر الصافی، فیض کاشانی، ج ۴، ص ۳۳۱.

۴- همان. ر.ک: تفسیر قمی، ذیل آیه.

رهاورد دیگری که از ظهور صاحب الزمان(ع) در زیارت جامعه مطرح شده است، عدالت فراگیر و جهانی است؛ عدالتی که تمام هستی و تمام جوانب و زوایای زندگی بشر را زیر بال می گیرد و به قول امیرمؤمنان(ع): «فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرَةِ؛»^(۱) روش عادلانه [در حکومت حق] را به شما می نمایاند.»

همچنین عدالت واقعی را برای همه جهانیان به نمایش می گذارد و طعم شیرین آن را به همه خواهد چشاند. در زیارت جامعه می خوانیم: «وَ يُظْهِرُكُمْ لِعَدْلِهِ؛»^(۲) و شما را برای [اجرای] عدالتش آشکار کند.» تعبیر فوق به این اشاره دارد که خداوند با ظهور حضرت مهدی(ع) آخرین و کامل ترین صحنه از عدالت خویش را آشکار می سازد و به مردم نشان خواهد داد.

ص: ۲۱۷

۱- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خ ۱۳۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۳۱.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

نگاهی کوتاه به ادعیه و زیارات مربوط به امام مهدی(ع)

مقدمه

بی گمان شیعیان راستین، ائمه اطهار(ع) را به عنوان الگوی زندگی در تمامی ابعاد و شئون زندگی برگزیده اند. یکی از اموری که شیعه با توجه به سلوک پیشوایان معصوم(ع) در زندگی خود بدان توجه دارد، دعاها و زیارت نامه هایی است که از ایشان به یادگار مانده است. در این نوشتار کوتاه بر آن هستیم تا به معرفی هر چند کوتاه و اجمالی برخی آثار آخرین حجت الهی در این باره بپردازیم.

ص: ۲۱۸

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

نگاهی کوتاه به ادعیه و زیارات مربوط به امام مهدی(ع)

دعای افتتاح

یکی از دعاهای مشهور شبهای ماه مبارک رمضان «دعای افتتاح» است. این دعای شریف را شیخ ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، نایب خاص حضرت مهدی(ع) نقل کرده است؛ چنان که علامه مجلسی گفته است: «و به سند معتبر از حضرت صاحب الامر - عجل الله فرجه - منقول است که به شیعیان نوشتند: در هر شب ماه رمضان این دعا را بخوانید که دعای این ماه را ملائکه می شنوند و برای صاحبش استغفار می کنند...» (۱)

نام این دعای شریف از جمله اول آن: «اللَّهُمَّ إِنِّي افْتَتِحُ النَّوَاءَ بِحَمْدِكَ...» (۲) گرفته شده است. مضامین عالی خداشناسی، حمد و ثنای الهی، بر شمردن صفات خداوند - به ویژه مهربانی کامل و بی نظیر هنگام عفو و گذشت و شدت کیفر و عقوبت هنگام حسابرسی و نقت -، بعضی علل تاخیر استجاب دعا و بیان مهم ترین نعمتهای الهی، سرآغاز این دعای شریف است.

ص: ۲۱۹

۱- ر. ک: بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۶.

۲- التهذیب، ج ۳، ص ۱۰۸ و الأقبال، ص ۵۸.

سپس درود و صلوات مخصوص بر پیامبر و آل او(ع) با ذکر نام و القاب ایشان بیان می شود؛ آن گاه ادامه می یابد با دعا برای قیام حضرت مهدی(ع) و اظهار اشتیاق برای برقراری دولت کریمه ای که اسلام و اهل اسلام در آن عزت یابند و نفاق و منافقان خوار و زبون شوند و اینکه ما از داعیان آن دولت باشیم که دیگران را به طاعت الهی فرا خوانیم و به راه خداوند رهبری کنیم.

پایان دعا شکوه ای به درگاه خداوند است؛ یعنی در پایان با اشاره به فقدان پیامبر(ص)، غیبت امام، بسیاری دشمن، کمی تعداد و فتنه های شدید، فتح و گشایش از خداوند درخواست می شود.

ص: ۲۲۰

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

نگاهی کوتاه به ادعیه و زیارات مربوط به امام مهدی(ع)

دعای عهد

از جمله دعاهای مشهور که خواندن آن در دوران غیبت ولی عصر(ع) فراوان سفارش می شود «دعای عهد» است. این دعای شریف، مشتمل بر درود خاص از طرف خواننده دعا و نیز از سوی تمامی مردان و زنان مؤمن - در شرق و غرب جهان و خشکی و دریا، و از پدر و مادر و فرزند - به پیشگاه حضرت مهدی(ع) است.

خواننده در این دعا پیمان و بیعت خود را با آن حضرت تجدید می کند و پایداری بر این پیمان را تا روز قیامت اظهار می دارد؛ آن گاه از خداوند درخواست می کند که اگر مرگ من فرا برسد، در حالی که امام زمان(ع) ظهور نکرده باشد، پس از ظهور او مرا از قبرم برآور و به یاری آن حضرت سعادت مند کن. پس از این درخواست، دیدار امام با عبارت ظریفی بیان می شود و دعا برای تعجیل ظهور و فرج و برپایی حکومت حقه و سامان یافتن جهان و زنده شدن حقایق دین و اهل ایمان، پایان بخش این دعای شریف است.

یاد کرد این نکته شایسته است که امام صادق(ع) درباره این دعا فرموده است: «مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا وَإِنْ مَاتَ أَخْرَجَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ مِنْ قَبْرِهِ وَأَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ...» (۱) هر کس با این [دعای] عهد، چهل صبح به سوی خدا دعا کند، از یاوران قائم ما خواهد بود و اگر بمیرد، خداوند او را از قبرش به سوی حضرت قائم(ع) خارج خواهد ساخت و در مقابل هر کلمه ای، هزار حسنه به او می دهد و هزار گناه از او محو می کند.»

ص: ۲۲۱

۱- بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۸۴، ح ۴۷ و مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۹۳، باب ۴۱.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

نگاهی کوتاه به ادعیه و زیارات مربوط به امام مهدی(ع)

دعای فرج

معنای کلمه «فرج» عبارت است از: آسودگی از اندوه، غم و بیماری و آنچه نفوس از آن کراهت دارند و نیز گشایش را گویند. دعای فرج، دعایی است که حضرت ولی عصر(ع) آن را به یکی از شیعیان «محمد بن احمد بن ابی اللیث» آموختند. میرزا حسین نوری در کتاب نجم الثاقب به نقل از: کنوز النجاح، نوشته است که طبرسی آورده است: «این دعا را حضرت صاحب الزمان(ع) در خواب به ابی الحسن محمد بن ابی اللیث در شهر بغداد در مقابر قریش تعلیم فرموده است.

ابی الحسن از ترس کشته شدن به مقابر قریش گریخت و به آنجا پناه برد. پس به برکت خواندن این دعا از کشته شدن نجات یافت.» (۱) دعای فرج این گونه آغاز می شود: «اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَ بَرَحَ الْخَفَاءِ...» (۲)

ص: ۲۲۲

۱- . نجم الثاقب، ص ۲۶۲ و ۲۶۳.

۲- . مصباح، کفعمی، ص ۱۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۸، ح ۱۱.

گفتنی است دعاهای دیگری نیز به عنوان دعای فرج موسوم است؛ چنان که مرحوم مجلسی در بحارالأنوار، دعاهایی را تحت عنوان «باب ادعیه الفرّج» آورده است. (۱)

ص: ۲۲۳

۱- ر. ک: بحارالأنوار، ج ۹۵، ص ۱۰۸.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

نگاهی کوتاه به ادعیه و زیارات مربوط به امام مهدی(ع)

دعای ندبه

یکی از دعاهای مربوط به حضرت مهدی(ع) دعای ندبه است. این دعا از جمله دعاهای بسیار مشهور است که مستحب است در چهار عید - روز جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر - خوانده شود. همواره بسیاری از مؤمنان، مشتاقان و منتظران ظهور دولت حق و حکومت جهانی اسلام و ارادتمندان درگاه امام زمان(ع) خواندن آن را شعار خود قرار می دهند و با آن در مناسبتها و فرصتهای معین، با آن یار غایب از نظر به نجوا می پردازند.

ندبه به معنای فراخوانی و نیز گریه و ناله است و این دعای شریف، مشتمل بر استغاثه و استمداد از حضرت مهدی(ع) و تأسف بر غیبت و گریه از فراق آن بزرگوار است؛ از این رو به این نام شهرت یافته است.

ص: ۲۲۴

خواندن این دعا خواص زیادی دارد؛ مانند اینکه اگر با حضور قلب و اخلاص کامل بخوانند و به مضامین عالی آن توجه کنند، عنایت حضرت مهدی(ع) شامل حالشان می شود. این دعای ارزشمند با حمد و ثنای پروردگار و درود بر پیامبر و اهل بیت(ع) آغاز می شود. سپس حکمت برگزیده شدن انبیا و اولیا و مورد قبول خداوند بودنشان، بیان و به مهم ترین بخش زندگی هر یک از پیامبران اولوالعزم اشاره می شود.

همچنین تاکید می شود که خداوند برای هر یک از آنان وصی و جانشینی تعیین کرده است تا حق پایدار بماند و باطل بر اهل حق چیره نشود و کسی بر خداوند عذری نیاورد که چرا فرستاده ای از سوی تو نیامد و راهنمای هشدار دهنده ای نرسید تا از آیات تو پیروی کنیم؟! آن گاه به جانشینی مولای متقیان حضرت علی(ع) می پردازد و با بیان قسمتی از فضایل آن حضرت، سخن را به بی وفایی و شقاوتمندی دشمنان دین می کشاند؛ آنان که برخلاف دستور صریح پیامبر اکرم(ص) آن امام مبین را به شهادت رساندند و پس از آن حضرت، هدایتگران از فرزندان او را یکی پس از دیگری شهید کردند.

سپس با سوز و گداز به استغاثه و اظهار شوق به آخرین بازمانده معصوم خاندان رسالت روی می آورد؛ آن گاه با درود مخصوص بر پیامبر و آل او، با چند درخواست مهم برای تعجیل فرج، روی کار آمدن دولت حق و از بین رفتن دولت باطل و محکم شدن پیوند با امام زمان(ع) دعا خاتمه می یابد.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

نگاهی کوتاه به ادعیه و زیارات مربوط به امام مهدی(ع)

زیارت آل یس

زیارت آل یس، یکی از زیارتهای مشهور حضرت صاحب الامر(ع) است. راوی این زیارت، ابوجعفر محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری است که همه علمای رجال و حدیث از او به بزرگی و قداست یاد کرده اند. (۱) او صاحب کتابهای متعددی بوده است که ظاهراً چیزی از آنها در دست نیست و چون در اواخر دوران غیبت صغری می زیسته، مکاتباتی با حضرت مهدی(ع) داشته و به افتخار این توفیق نائل آمده است.

این زیارت با ۲۳ سلام آغاز شده است: سلام اول به آل یس (عترت پاک پیامبر(ص)) و سلامهای بعدی، هر یک با القاب و عناوین خاص حضرت مهدی(ع) است. سپس با اظهار و اقرار به اصول اعتقادی صحیح و گواه گرفتن امام بر آنها و تجدید عهد وفاداری با اولیای دین، زیارت به پایان می رسد.

ص: ۲۲۶

این زیارت به تصریح برخی علما، جامع و کامل و بهترین زیارت آن حضرت است و در همه اوقات می شود آن را خواند. سندهای این زیارت صحیح و معتبر است و در مجموعه های مهم حدیثی و دعا نقل شده است. (۱)

جمع کثیری از شیعیان به خواندن این زیارت و دعای پس از آن مداومت دارند و جلسات خاصی برای خواندن آن به طور دسته جمعی در شهرهای مختلف شیعه نشین برگزار می شود.

ص: ۲۲۷

۱- ر. ک: مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۶۴ و بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱.

فصل دوم: امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و معصومان(ع)

نگاهی کوتاه به ادعیه و زیارات مربوط به امام مهدی(ع)

زیارت ناحیه مقدسه

این زیارت نامه به امام زمان(ع) نسبت داده شده است. مضامین بلند و نیز تایید برخی علمای شیعه، این نسبت را تقویت می کند. (۱) اگر چه برخی نیز در انتساب آن به حضرت ولی عصر(ع) تردید کرده و آن را از تالیفات سید مرتضی دانسته اند. (۲)

ممکن است گفته شود که اصل زیارت از حضرت مهدی(ع) نقل شده است؛ اما سید مرتضی بخشهایی را به تناسب به آن افزوده است. (۳) بنابراین، انتساب قطعی آن به حضرت صاحب الامر(ع) محل تأمل است.

متن زیارت، خطاب به سیدالشهداء(ع) و شهدای کربلاست و در آن نام یکایک آنان، اغلب با ذکر اوصاف و خصوصیاتشان و نیز اسامی قاتلان آن شهدا آمده است. آغاز زیارت این گونه است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ فَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ...» (۴) این زیارت در مفاتیح الجنان ذکر نشده است؛ ولی این امر، از ارزش آن کم نکرده و همچنان بزرگان شیعه به آن توجه دارند.

ص: ۲۲۸

۱- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۲۸.

۲- بحار الأنوار، ص ۲۳۱، ح ۳۸.

۳- ر. ک: بحار الأنوار ص ۲۳۱، ح ۳۸.

۴- بحار الأنوار، ص ۲۶۹، ب ۱۹، ح ۱.

زیارت ناحیه، عملکرد ظالمانه بنی امیه را به نحوی بازگو می کند که تمام مردم دنیا متوجه می شوند، چه جرم و جنایت بزرگی در کربلا- واقع شده است. هیچ زیارتی، عمق فاجعه کربلا- را همانند زیارت ناحیه بیان نکرده است؛ مثلاً در زیارت عاشورا، فقط اشاره ای به عظمت مصائب امام حسین(ع) و فاجعه عاشورا شده است و همانند زیارت ناحیه نیست و در هیچ موردی، مصیبت عاشورا آن گونه که بوده، جلوه داده نشده است.

زیارت ناحیه مقدسه، همانند زیارت عاشورا برای روز عاشورا وارد شده و در غیر عاشورا نیز خوانده می شود.

ص: ۲۲۹

مهدی موعود (ع) هم شباهت تام به انبیای گذشته دارد و هم میراثدار تمام انبیا است.

باقر آل محمد (ع) درباره شباهت آن حضرت به انبیا و رسولان سلف فرمود: «إِنَّ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) شَبَهًا مِنْ خَمْسَةِ مِنَ الرُّسُلِ يُونُسُ بْنُ مَتَى وَ يُوسُفُ بْنُ يَعْقُوبَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ...» (۱) به راستی قائم آل محمد (ص) شباهتی به پنج تن از رسولان: یونس و یوسف و موسی و عیسی و محمد (ص) دارد.»

«شباهتش به یونس بن متی، بازگشت او از غیبت است؛ در حالی که با وجود سن زیاد، جوان باشد و اما شباهتش به یوسف بن یعقوب، پنهان زیستن آن حضرت از خاص و عام و مخفی شدن از برادران و پوشیده شدن امر او بر پدرش، یعقوب (ع) باشد و این در حالی بود که بین او و پدر، بستگان و پیروانش، فاصله کمی بود.

ص: ۲۳۰

شبهات آن حضرت به موسی(ع)، ترس دائمی داشتن از دشمنان و طولانی بودن غیبت و پنهانی بودن تولد اوست و این که پیروانش پس از او از اذیت و خواری در رنج بودند تا اینکه سرانجام خدای عز و جل، ظهورش را اجازه فرمود و او را بر دشمنانش یاری و نصرت بخشید.

شبهاتش به عیسی(ع)، اختلاف کسانی است که درباره او اختلاف کردند. گروهی گفتند: به دنیا نیامد، و برخی گفتند: مرد و از دنیا رفت و عده ای گفتند: کشته و به دار آویخته شد.

شبهاتش به جدش محمد مصطفی(ص)، خروج او با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و دشمنان رسول(ص) و جباران و سرکشان است.»(۱)

در بخشی از روایتی طولانی که مفضل بن عمر از حضرت صادق(ع) نقل کرده است، چنین می خوانیم:

ص: ۲۳۱

«وَسَيُّدُنَا الْقَائِمُ (ع) مُسْنِدُ ظَهْرِهِ إِلَى الْكَعْبَةِ وَيَقُولُ: يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ وَ شَيْثَ، فَهَا أَنَا ذَا آدَمَ وَ شَيْثَ، أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحٍ وَ وَلَدِهِ سَامَ فَهَا أَنَا ذَا نُوحٍ وَ سَامَ، أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ فَهَا أَنَا ذَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُوسَى وَ يُوْشَعَ فَهَا أَنَا ذَا مُوسَى وَ يُوْشَعَ أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عِيسَى وَ شَمْعُونَ فَهَا أَنَا ذَا عِيسَى وَ شَمْعُونَ. أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَهَا أَنَا ذَا مُحَمَّدٍ (ص) وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ (ع) فَهَا أَنَا ذَا الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ (ع) فَهَا أَنَا ذَا الْأَئِمَّةِ (ع)؛ (۱) (آقای ما قائم (ع) پشت خود را به کعبه تکیه زده، می فرماید: ای گروه مردم! بیدار باشید! هر کس می خواهد آدم و شیث را ببیند، اکنون منم آدم و شیث. بیدار باشید! هر کس می خواهد نوح و فرزندش سام را به تماشا نشیند، اکنون منم نوح و سام. آگاه باشید! هر کس می خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، اکنون منم ابراهیم و اسماعیل. بیدار باشید! کسی که می خواهد موسی و یوشع را بنگرد، اکنون منم موسی و یوشع. آگاه باشید! هر کس می خواهد عیسی و شمعون را بنگرد، اکنون منم عیسی و شمعون. بیدار باشید! هر کس می خواهد محمد و امیر مؤمنان را بنگرد، اکنون منم محمد و علی. بیدار باشید! هر کس می خواهد حسن و حسین را بنگرد، اکنون منم حسن و حسین. بیدار باشید! هر کس می خواهد امامان از فرزندان حسین را تماشا کند، اکنون من، همان عصاره ائمه از فرزندان حسینم.»

چهارده معصوم را یکجا منم عترت و قرآن به یک معنا منم!

ص: ۲۳۲

در حقیقت با آواز جلی باید گفت:

هر چه خوبان همه دارند تو یکجا داری

زین سبب هست که اندر دل ما جا داری

قابل دقت است که مراد از نزدیکی آن حضرت به انبیا و یا شباهت او، همان هم‌رنگی و هم‌گونی کمالی و جمالی است؛ یعنی صفات کمال و اخلاق ستوده در انبیا، در او نیز جمع است؛ چنان که در بخشی از لوح فاطمه زهرا(س) که جابر نقل کرده است، می‌خوانیم:

«وَ الْخَازِنَ لِعِلْمِي الْحَسَنَ (ثُمَّ) وَ أَكْمَلَ ذَلِكْ بِبَائِيهِ (م - ح - م - د) رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ بَهَاءُ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوبَ؛ (۱)» گنجینه دار علم من حسن (عسکری) است و کامل می‌شود آن (سلسله امامت) با فرزندش مهدی که رحمت بر جهانیان است و دارای کمال موسی و عظمت عیسی و بردباری ایوب است.»

این همه تأکید برای آن است که مردم در دوران ظهور، جامعیت امام زمان(ع) را درک کنند و بفهمند که همه انبیا و اولیا در او خلاصه شده‌اند و تمام علوم انبیا و کتب آسمانی آنها نزد او جمع است؛ از این رو امام صادق(ع) فرمود: «كُلُّ نَبِيٍّ وَرِثَ عِلْمًا أَوْ غَيْرَهُ فَقَدِ انْتَهَى إِلَى مُحَمَّدٍ (ص)؛ (۲)» هر پیغمبری علم یا غیر آن را به ارث برده، به محمد منتهی می‌شود. علوم حضرت محمد به وارثان او و آخرین وارث و وصی اش می‌رسد؛ چنان که امام باقر(ع) فرمود: «إِنَّ الْعِلْمَ بِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ (ص) لَيُنْتَبِثُ فِي قَلْبِ مَهْدِيْنَا كَمَا يُنْتَبِثُ الزَّرْعُ عَلَى أَحْسَنِ نَبَاتِهِ فَمَنْ بَقِيَ مِنْكُمْ حَتَّى يَرَاهُ فَلْيَقُلْ حِينَ يَرَاهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؛ (۳)» به راستی آگاهی به کتاب خدای عزیز و جلیل و سنت پیامبرش(ص)، در قلب مهدی ما می‌روید! مانند، رویدن زراعت بر نیکوترین حالت؛ پس کسی که از شما باقی بماند تا او را ببیند، باید در آن هنگام بگوید: سلام بر شما ای اهل بیت رحمت و معدن دانش و محل رسالت! سلام بر تو ای باقی مانده خدا در زمین او!»

ص: ۲۳۳

۱- . کافی، ج ۱، ص ۵۲۷؛ الغیبه، نعمانی، ص ۲۹؛ عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۴۱ و الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۷.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸، ذیل حدیث ۴۵.

۳- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷ و ۳۱۸، روایت ۱۶.

در نتیجه حضرت مهدی(ع)، نه تنها جامع صفات کمال و جمال انبیای گذشته است؛ بلکه جامع علوم آنها و آگاه به کتب آسمانی آنان نیز است؛ چنان که امام صادق(ع) می فرماید که امام زمان(ع) می گوید: «هر کس که کتابها(ی آسمانی) و صحف (انبیا) را می خواند، پس باید از من بشنود.»

سپس ابتدا می کند به (خواندن) صحفی که خداوند بر آدم و شیث نازل فرمود و امت (و پیروان) آدم و شیث می گویند: «به خدا سوگند! این، همان صحف واقعی است و به راستی ما را نشان داد آنچه نمی دانستیم و در آن وجود دارد و آنچه بر ما مخفی مانده بود و آنچه از آن افتاده بود و تبدیل و تحریف شده بود.»

آن گاه تورات و انجیل و زبور را می خواند و اهل تورات و زبور می گویند: «هَذِهِ وَاللَّهِ التُّورَةُ الْجَامِعَةُ وَالزَّبُورُ التَّمَامُ وَالْإِنْجِيلُ الْكَامِلُ وَإِنَّهَا ضَعْفٌ مَا قَرَأْنَا مِنْهَا؛»^(۱) به خدا سوگند! تورات جامع و زبور تمام و انجیل کامل، این است و به راستی آن، چندین برابر آن چیزی است که ما پیش خوانده بودیم.»

ص: ۲۳۴

فصل سوم: شباهتها

امام زمان (ع) میراثدار انبیا (ع)

(ب) میراثدار انبیا

حضرت حجت (ع) بر اساس اخبار و روایات رسیده، هنگام ظهور، تمام مواردی منحصر به فرد انبیا را همراه دارد؛ مانند پیراهن ابراهیم و یوسف (ع)، عصای موسی (ع)، انگشتر سلیمان (ع)، تابوت سکینه، پرچم و شمشیر پیامبر خاتم (ص).

ابی الجارود از امام باقر (ع) نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

«إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ (ع) ظَهَرَ بَرَايَهُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَ خَاتَمَ سُلَيْمَانَ وَ حَجَرَ مُوسَى وَ عَصَاهُ ثُمَّ يَأْمُرُ مُنَادِيَهُ فَيُنَادِي أَلَا لَا يَحْمِلُ رَجُلٌ مِنْكُمْ طَعَامًا وَ لَا شَرَابًا وَ لَا عَلْفًا فَيَقُولُ أَصْحَابُهُ: إِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَقْتُلَنَا وَ يَقْتُلَ دَوَابَّنَا مِنَ الْجُوعِ وَ الْعَطَشِ فَيَسِيرُونَ مَعَهُ فَأَوَّلُ مَنْزِلٍ يَنْزِلُهُ يَضْرِبُ الْحَجَرَ فَيَتَّبِعُ مِنْهُ طَعَامًا وَ شَرَابًا وَ عَلْفًا فَيَأْكُلُونَ وَ يَشْرَبُونَ وَ دَوَابُّهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجْفَ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ؛ (۱)»
هنگامی که قائم ظهور کند، با پرچم رسول خدا و انگشتر سلیمان و سنگ و عصای موسی ظهور خواهد کرد. سپس منادی او به فرمان آن حضرت ندا می دهد: فردی از شما غذا و آب و علف با خود حمل نکند. پس یارانش می گویند: او قصد دارد ما و چهارپایان ما را بر اثر گرسنگی و تشنگی هلاک کند. پس او حرکت می کند و آنها نیز با او حرکت می کنند. پس در اولین منزلی که آن حضرت فرود می آید، آن سنگ را (به زمین) می زند، پس غذا و آب و علف از آن بیرون می آید و یاران و حیوانات آنان از آن می خورند و می نوشند (وضع به همین منوال است) تا به نجف، پشت کوفه می رسند.»

امام صادق (ع) فرمود: «وَإِنَّهُ كَانَ كَلُّهُ فِي السَّفَطِ وَ تَرَكَاتُ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ حَيْثِي عَصَا آدَمَ وَ نُوْحَ (ع) وَ تَرَكَهُ هُوْدَ وَ صَالِحَ (ع) وَ مَجْمُوعَ إِبْرَاهِيمَ (ع) وَ صَاعُ يُوسُفَ (ع) وَ مِكْيَالُ شُعَيْبَ (ع) وَ مِيزَانُهُ وَ عَصَى مُوسَى (ع) وَ تَابُوتُهُ الَّذِي فِيهِ بَقِيَةُ مَا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَ آلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ دِرْعُ دَاوُدَ (ع) وَ خَاتَمُهُ وَ خَاتَمَ سُلَيْمَانَ (ع) وَ تَاجَهُ وَ رَحْلُ عِيسَى (ع) وَ مِيرَاثُ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ فِي ذَلِكَ السَّفَطِ؛ (۲)» همه آن اشیا (نزد حضرت مهدی) داخل آن جامه دان قرار دارد و همین طور تمامی میراث انبیا حتی عصای آدم و نوح و میراث هود و صالح و مجموع ابراهیم و جام یوسف و پیمان و ترازوی شعیب و عصای موسی و تابوت [سکینه] او که میراث (یادگارهای) آل موسی و هارون در آن قرار دارد و ملائکه آن را حمل می کنند و زره داوود (ع) و انگشترش و انگشتر حضرت سلیمان و تاجش و رحل (۳) عیسی و میراث انبیا و رسولان (همه) در آن جامه دان قرار دارد.»

ص: ۲۳۵

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱، حدیث ۱۰۵.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۶.

۳- به رخت و اسباب همراه مسافر می گویند.

مواریث انبیا، فقط یک مجموعه اشیای قیمتی و عتیقه نیست که فقط جنبه مالی و آثار باستانی داشته باشد؛ بلکه اشیایی منحصر به فرد است و خواص فوق العاده عجیب و پیشرفته دارد که حضرت را در تحقق حکومت جهانی و برپایی عدالت فراگیر، کمک و یاری می‌رساند.

آنچه به خوب__ان جهان داده اند

قسم تو را بهتر از آن داده اند

آنچه بنازند بر آن دلبران

جمله تو را هس__ت زی__ادت بر آن

برای روشن شدن، برخی از آنها را بررسی می‌کنیم.

ص: ۲۳۶

فصل سوم: شباهتها

امام زمان (ع) میراثدار انبیا (ع)

پیراهن ابراهیم خلیل و حضرت یوسف (ع)

این پیراهن، پیراهن بهشتی و بی نهایت خوشبو، حفظ کننده و شفا بخش است. همین پیراهن بود که ابراهیم را از آتش نجات داد و پس از او به اسحاق و آن گاه به یعقوب و یوسف رسید. این همان پیراهن بود که بوی آن را یعقوب از مصر که تا کنعان فاصله زیادی داشت _ استشمام کرد؛ (۱) چنان که قرآن از زبان او چنین نقل می کند: (إِنِّي لِأَجِدُّ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُون)؛ (۲) «به راستی من بوی یوسف را استشمام می کنم اگر مرا کم خرد ندانید.»

این همان پیراهن است که وسیله ای برای شفای چشمان نابینای یعقوب شد، که بنابر نقل مرحوم طبرسی، بیش از شش سال نابینا بود (۳) و قرآن نیز می فرماید: (وَ أَيْضًا عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ)؛ «و دیدگانش از غم و اندوه سفید شد.»

ص: ۲۳۷

۱- .ر.ک: تفسیر مجمع البیان، ابو علی طبرسی، ج ۵، ص ۲۶۲.

۲- . یوسف / ۹۴.

۳- . یوسف / ۹۴.

وقتی حضرت یوسف از حال پدر جويا شد، برادران گفتند: «پدر از فراق تو چشمانش را از دست داده است.» حضرت یوسف فرمود: (إِذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا)؛ (۱) «این پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم بیندازید که بینا می شود.»

وقتی فرد بشارت دهنده به کنعان رسید، پیراهن را بر صورت یعقوب افکند و او همان موقع، بینا شد و آن گاه بود که حضرت یعقوب فرمود: (أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ)؛ (۲) «آیا به شما نگفتم که من از خداوند چیزی می دانم که شما نمی دانید.»

حضرت صادق (ع) درباره سابقه و خاصیت و نهایت این پیراهن، به مفضل فرمود: «آندری ماکان قمیصُ یوسفَ (ع)؛ قال: قُلْتُ: لا. قال: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) لَمَّا أُوقِدَتْ لَهُ النَّارُ نَزَلَ إِلَيْهِ جِبْرَائِيلُ (ع) بِالْقَمِيصِ وَالنَّبَسَةُ إِيَّاهُ فَلَمْ يَضُرَّهُ مَعَهُ حَرٌّ وَلَا بَرْدٌ فَلَمَّا حَضَرَ تَهُ الْوَفَاءَ جَعَلَهُ فِي تَمِيمِهِ وَعَلَّقَهُ عَلَى إِسْحَاقَ (ع) وَعَلَّقَهُ إِسْحَاقُ عَلَى يَعْقُوبَ (ع) فَلَمَّا وُلِدَ يُوْسُفُ عُلِّقَهُ عَلَيْهِ وَكَانَ فِي عَضْدِهِ حَتَّى كَانَ مِنْ أَمْرِهِ مَا كَانَ فَلَمَّا أَخْرَجَهُ يُوْسُفُ مِنَ التَّمِيمَةِ وَحَدَّ يَعْقُوبُ رِيحَهُ وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ «إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوْسُفَ لَوْ لَا أَنْ تُفَنِّدُونَ فَهُوَ ذَلِكَ الْقَمِيصُ الَّذِي مِنَ الْجَنَّةِ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فَالِي مَنْ صَارَ هَذَا الْقَمِيصُ قَالَ إِلَى أَهْلِهِ وَهُوَ مَعَ قَائِمِنَا إِذَا خَرَجَ؛ (۳) می دانی پیراهن یوسف چه بود؟ گفت: نه. حضرت فرمود: وقتی آتش برای ابراهیم افروخته شد، جبرئیل با این پیراهن به سوی او فرود آمد و آن را بر او پوشانید. پس با آن پیراهن، گرما و سرما به او زیان نمی رساند. چون وفات او نزدیک شد، آن را در جلدی قرار داد و به (گردن) اسحاق آویخت و اسحاق (نیز) بر یعقوب آویخت و چون یوسف متولد شد، یعقوب آن را به یوسف آویخت. هنگامی که آن بلاها به یوسف رسید، آن جلد در بازوی او بود. وقتی یوسف آن پیراهن را از جلد خارج کرد، یعقوب بوی آن را استشمام کرد و این سخن خدا است که می گوید: «همانا من بوی یوسف را استشمام می کنم اگر مرا کم خرد ندانید.» پس آن همان پیراهن بهشتی است.»

ص: ۲۳۸

۱- . یوسف / ۹۳.

۲- . یوسف / ۹۶.

۳- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، روایت ۴۵.

«مفضل» می گوید که عرض کردم: «فدایت شوم! این پیراهن به چه کسی رسید؟» فرمود: «به اهلش رسید و هنگامی که قائم ما قیام کند، آن پیراهن با او خواهد بود.»

از روایات فوق به خوبی به دست می آید که آن پیراهن، پیراهنی معجزه آسا و ودیعه الهی است.

قابل ذکر است که این پیراهن در همان حالی که امام صادق(ع) سابقه و خصوصیات آن را بیان می کرد نزد خود حضرت موجود بود، شاهد این مطلب و مطلب اصلی _ که آن پیراهن همراه حضرت مهدی(ع) خواهد بود _ روایت یعقوب بن شعیب است که می گوید: نزد حضرت صادق(ع) بودم، حضرت فرمود: «الَا- أَرِيكَ قَمِيصَ الْقَائِمِ الَّذِي يَقُومُ عَلَيْهِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى. فَدَعَا بِقَمِيصٍ فَفَتَحَهُ وَ أَخْرَجَ مِنْهُ قَمِيصَ كَرَابِيسَ فَنَشَرَهُ فَإِذَا فِي كُمَّهِ الْأَيْسَرِ دَمٌ فَقَالَ: هَذَا قَمِيصُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) الَّذِي عَلَيْهِ يَوْمَ ضُرِبَتْ رِبَاعِيَّتُهُ وَ فِيهِ يَقُومُ الْقَائِمُ فَقَبَلْتُ الدَّمَ وَ وَضَعْتُهُ عَلَى وَجْهِ ثُمَّ طَوَاهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَ رَفَعَهُ؛ (۱) آیا نمی خواهی پیراهن قائم را که در آن قیام می کند به تو نشان دهم؟ عرضه داشتم: چرا. پس حضرت، جعبه ای را خواست و آن را گشود و یک پیراهن کرباس از داخل آن بیرون آورد و آن را باز کرد. پس دیدم که آستین چپ آن خون آلود است. حضرت فرمود: این پیراهن پیامبر است، روزی که دندانهای رباعی آن حضرت در جنگ شکست، آن را بر تن داشت و در آن قائم قیام می کند. یعقوب می گوید: من خون را بوسیدم و آن را به صورت خود گذاشتم و آن گاه حضرت پیراهن را پیچید و بر داشت.»

ص: ۲۳۹

دومین میراثی که حضرت مهدی (ع) همراه دارد، عصای موسی (ع) است. این عصا نیز طبق نقل قرآن و روایات، یکی از معجزات حضرت موسی بوده است که بعد از ظهور مهدی (ع) در اختیار او قرار می گیرد تا در تحقق اهدافش او را یاری رساند. محمد بن فیض از حضرت باقرالعلوم (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود:

«كَانَ عَصَى مُوسَى (ع) لِأَدَمَ فَصَارَتْ إِلَى شُعَيْبٍ ثُمَّ صَارَتْ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ (ع) وَإِنَّهَا لَعِنْدَنَا وَإِنَّ عَهْدِي بِهَا أَنْفَا وَهِيَ خَضِرَاءُ كَهَيْئَتِهَا حِينَ انْتَزَعَتْ مِنْ شَجَرِهَا وَ إِنَّهَا لَتَنْطِقُ إِذَا اسْتَنْطَقَتْ. أُعِدَّتْ لِقَائِنَا لِيَضَعَ كَمَا كَانَ مُوسَى يَضَعُ بِهَا وَ إِنَّهَا لَتَرُوعُ وَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ وَ تَضَعُ كَمَا تُؤَمَّرُ وَ إِنَّهَا حَيْثُ أَقْبَلَتْ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ تَفْتِيحُ لَهَا شَفَتَانِ أَحَدِيهِمَا فِي الْأَرْضِ وَ الْأُخْرَى فِي السَّقْفِ وَ بَيْنَهُمَا أَرْبَعُونَ ذِرَاعًا وَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ بِلِسَانِهَا؛ (۱) عصای موسی از آدم بود و سپس به دست شعیب رسید و سرانجام به دست موسی بن عمران (ع) و اکنون در دست ماست و الآن در دست من است و آن عصا سبز است؛ همانند روزی است که از درخت بریده شده است و به راستی آن عصا هر گاه استنطاق شود، سخن می گوید. این عصا برای قائم ما آماده شده است تا همچون موسی بن عمران آن را به کار برد و این عصا [اهل باطل را] می ترساند و هر چه بیندازند می بلعد و همان کاری را انجام می دهد که فرمان داده شده است و هر جا رو کند، می بلعد آنچه را که به طرفش بیاندازند، دو لب باز می کند (در بعضی از نسخه ها وارد شده به دو شعبه می شود) که یکی روی زمین و دیگری تا سقف است که بین آن دو لب (یا دو شعبه) چهل ذراع است و هر چه به طرفش بیندازند با زبانش می بلعد.»

قرآن نیز به بزرگی و خصوصیات این عصا اشاره دارد. (۲) این عصا، همان است که به اذن خداوند، به ازدها تبدیل شد و آنچه که جادوگران از ریسمانها و چوبها به شکل مار درآورده بودند را بلعید و با چشمان دهشتناک خود متوجه فرعون شد. فرعون از ترس بی هوش شد (۳) و بر اثر این حمله و فرار جمعیت، هزاران نفر زیر دست و پا از بین رفتند. (۴)

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸، ح ۱۹؛ کافی، ج ۱، ص ۲۳۱ و اکمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۱.

۲- طه / ۱۹ و شعراء / ۴۳.

۳- بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۵۰ و خصائص المهدی، ص ۳۰۵.

۴- ناسخ التواریخ، ج ۱، هبوط، ص ۳۷۵، تعداد هشتصد هزار و بنابر نقل روضه الصفا، ج ۱، ص ۲۲۶ تعداد کشتگان ششصد هزار نفر بوده است. قابل تذکر است که از بین هشتاد هزار نفر جادوگر، هفت هزار و از میان هفت هزار نفر، هفتاد نفر و از بین هفتاد نفر دو نفر کهنه کار برای مصاف و مقابله با حضرت موسی انتخاب شد. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۶۸ و کودک نیل،

ص ۱۳۴. گفتنی است بسیاری از جزئیات قصص انبیای گذشته، مطالبی ضعیف و اصطلاحاً از اسرائیلیات است.

یکی دیگر از موارد انبیا، انگشتر حضرت سلیمان است که در اختیار حضرت مهدی (ع) قرار می گیرد. آن حضرت از سمت صفا ظاهر می شود، در حالی که انگشتر سلیمان و عصای موسی با او است. (۱)

این انگشتر دارای ویژگیهایی معجزه آساست؛ چرا که به کمک آن به سادگی می توان مؤمن را از کافر تشخیص داد و قدرت تسلطی که حضرت سلیمان بر موجودات جهان یافته بود، از طریق این انگشتر بود؛ چنان که امام صادق (ع) فرمود:

«جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُلْكَ سُلَيْمَانَ فِي خَاتَمِهِ فَكَانَ إِذَا لَبَسَهُ حَضْرَتُهُ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ وَالشَّيَاطِينُ وَجَمِيعُ الطَّيْرِ وَالْوَحْشِ وَأَطَاعُوهُ؛ (۲) خداوند، پادشاهی سلیمان را در انگشترش قرار داده بود. پس هرگاه آن انگشتر را در دست می کرد، جن و انس و شیاطین و همه پرندگان و وحشیان نزد او حاضر می شدند، و از او اطاعت می کردند.»

ص: ۲۴۱

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱، حدیث ۱۰۵.

۲- بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۹۹.

این انگشتر در دوران ظهور کاربردهایی دارد؛ از جمله تشخیص کافر از مؤمن؛ چنان که علی (ع) فرمود: «تَضَعُ الْخَاتَمَ عَلَيَّ وَجْهَ كُلِّ مُؤْمِنٍ فَيُطْبِعُ فِيهِ هَذَا مُؤْمِنٌ حَقًّا وَ تَضَعُهُ عَلَيَّ وَجْهَ كُلِّ كَافِرٍ فَيُكْتَبُ فِيهِ هَذَا كَافِرٌ حَقًّا. إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُنَادِي الْوَيْلُ لَكَ يَا كَافِرٌ وَإِنَّ الْكَافِرَ لَيُنَادِي طُوبَى لَكَ يَا مُؤْمِنٌ وَ دَدْتُ أَنِّي الْيَوْمَ مِثْلَكَ فَافُوزَ فَوْزًا» (۱) [و امام زمان هر گاه] انگشتر را بر روی هر مؤمنی قرار می دهد، نوشته می شود: این واقعا مؤمن است و آن را بر صورت هر کافری قرار می دهد، پس بر صورتش نوشته می شود: این واقعا کافر است تا آنجا که مؤمن صدا می زند: ای کافر! وای بر تو باد؛ (ولی) کافر داد می زند ای مؤمن! خوشا به حالت! دوست داشتم امروز مثل تو بودم تا رستگار می شدم.»

ص: ۲۴۲

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴.

فصل سوم: شباهتها

امام زمان(ع) میراثدار انبیا(ع)

تابوت سکینه

چهارمین میراثی که از انبیای گذشته به حضرت مهدی(ع) می رسد تابوت سکینه و یا صندوق عهد است که هنگام ظهور، همراه آن حضرت است.

این تابوت، همان صندوقی است که مادر موسی او را در آن گذاشت و به دریا افکند. هنگامی که عمال فرعون او را از دریا گرفتند و موسی را از آن بیرون آوردند، همچنان در دستگاه فرعون نگه داری می شد و سپس به دست بنی اسرائیل افتاد. بنی اسرائیل این صندوق خاطره انگیز را محترم می شمردند و به آن تبرک می جستند.

موسی در واپسین روزهای عمر خود، الواح مقدس که احکام خدا بر آن نوشته بود به ضمیمه زره خود و یادگارهای دیگر را در آن نهاد و به وصی خویش یوشع بن نون سپرد. به این ترتیب، اهمیت این صندوق نزد بنی اسرائیل بیشتر شد. آنها در جنگهایی که میان آنان و دشمنان واقع می شد، آن را با خود می بردند و اثر روانی و معنوی خاصی داشت، از این رو گفته اند آنان تا زمانی که این صندوق خاطره انگیز با آن محتویات مقدس در میانشان بود، با سر بلندی زندگی می کردند. (۱)

ص: ۲۴۳

در منابع روایی آمده است که این تابوت، پس از ظهور، در اختیار امام زمان(ع) قرار می گیرد؛ از جمله حضرت ختمی مرتبت(ص) فرمود: «إِنَّ الْمَهْدِيَّ مُسْتَخْرِجَ تَابُوتِ السَّكِينَةِ مِنْ غَارِ أَنْطَاكِيَّةٍ وَ أَسْفَارِ التَّوْرَةِ مِنْ جَبَلِ بِالشَّامِ يُحَاجُّ بِهَا الْيَهُودَ فَيَسْلِمُ كَثِيرٌ مِنْهُمْ؛ (۱)» (به راستی مهدی(ع) تابوت سکینه را از غار انطاکیه و سفرهای تورات را از کوهی در شام بیرون می آورد و به کمک آن با یهود محاجه می کند، سپس عده زیادی از یهودیان مسلمان می شوند.»

کاربرد تابوت سکینه در زمان ظهور

از خواص منحصر به فرد تابوت سکینه در دوران ظهور حضرت(ع) آن است که آن را به هر شهری (که از فرمان آن حضرت تخلف کرده است) و یا کشوری ارسال کند، طعمه حریق شده و از جغرافیای جهان محو خواهد شد. بدین سان، خدای قهار، حضرت را با عصای موسی، انگشتر سلیمان و تابوت سکینه، مجهز ساخته که پیشرفته ترین اسلحه بشری نیز در مقابل آن، توان مقابله و استقامت نخواهد داشت. (۲)

ص: ۲۴۴

۱- . منتخب الأثر، صافی گلپایگانی، ص ۳۰۹.

۲- . خصائص المهدي، محمد راجی، ص ۳۱۰ و روزگار رهایی، کامل سلیمان، ج ۱، ص ۵۲۰.

فصل سوم: شباهتها

امام زمان(ع) میراثدار انبیا(ع)

زره، پرچم، شمشیر و... پیامبر خاتم(ص)

از دیگر میراثهای پیامبران که به حضرت مهدی(ع) می رسد، مجموعه ای از میراث گرانبهای پیامبر خاتم(ص) است؛ مانند: زره، پرچم و براق آن حضرت. امام صادق(ع) درباره زره آن حضرت که به مهدی موعود(ع) می رسد به ابا بصیر فرمود: ای ابا محمد! پدرم زره رسول خدا را پوشید و آن را به زمین می کشید و من نیز آن را پوشیدم که نزدیک بود به اندازه باشد، آن گاه فرمود: «وَأَنْهَاتَكُونُ مِنَ الْقَائِمِ كَمَا كَانَتْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) مُشَمَّرَةً كَأَنَّهُ تُرْفَعُ نِطَاقُهَا بِحَلْقَتَيْنِ؛ (۱)» و آن زره بر بدن و قامت قائم(ع)، همان گونه است که بر بدن رسول خدا(ص) بود و دامن آن زره از زمین بالاتر است؛ به نحوی که گویا جلوی آن با دو حلقه بالا رفته است.»

همچنین درباره پرچم و شمشیر پیامبر اکرم(ص) فرمود: «ثُمَّ يَهْزُ الرَّاْيَةَ الْجَلِيَّةَ وَ يَنْشُرُهَا وَ هِيَ رَاْيَةُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) السَّحَابَةُ وَ دِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) السَّابِغَةُ، وَ يَتَقَلَّدُ بِسَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ ذِي الْفَقَارِ؛ (۲)» سپس پرچم روشن را به اهتزاز در می آورد و آن را می گشاید و آن همان پرچم رسول خدا(ص) به نام سحابه است و (همچنین) زره پیامبر(ص) به نام سابغه را همراه دارد و شمشیر پیامبر اکرم(ص) به نام ذوالفقار را به گردن می آویزد.»

ص: ۲۴۵

۱- . نجم الثاقب، حسین نوری طبرسی، چاپ جمکران، ص ۱۷۱ و بصائر الدرجات، محمد بن حسن، ص ۱۸۸.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ذیل روایت ۸۱.

همچنین جابر بن عبدالله انصاری از امام باقر(ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «يُظْهَرُ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ عِنْدَ الْعِشَاءِ وَ مَعَهُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ قَمِيصُهُ وَ سَيْفُهُ؛» (۱) مهدی(ع) در مکه، هنگام نماز عشا ظهور می کند؛ در حالی که پرچم و لباس و شمشیر رسول خدا همراه اوست.»

قابل ذکر است که یادگارهای خاتم انبیاء و میراث او نیز کاربرد فوق العاده ای برای حضرت مهدی(ع) دارد که در روایات بدان اشاره شده است؛ از جمله ابان بن تغلب از امام صادق(ع) نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

«كَأَنِّي بِالْقَائِمِ (ع) عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ وَقَدْ لَبَسَ دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَيَنْتَفِضُ هُوَ بِهَا فَتَشْتَدُّ عَلَيْهِ فَيَغْشِيهَا بِخَدَاجِهِ مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ يَزُكُّ فَرَسًا أَذْهَمَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ شِمْرًاخٌ فَيَنْتَفِضُ بِهِ انْتِصَاصًا لَا يَبْقَى أَهْلٌ بِلَادٍ إِلَّا وَهُمْ يَرَوْنَ أَنَّهُ مَعَهُمْ فِي بِلَادِهِمْ فَيَنْشُرُ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) عَمُودَهَا مِنْ عَمُودِ الْعَرْشِ وَ سَائِرُهَا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ لَا يَهْوَى بِهَا إِلَى شَيْءٍ أَبَدًا إِلَّا أَهْلَكَهُ اللَّهُ فَإِذَا هَزَّهَا لَمْ يَبْقَ مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ كَرُزْبُرِ الْحَدِيدِ وَ يُعْطَى الْمُؤْمِنَ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا؛» (۲) گویا من قائم را می بینم در نجف کوفه، در حالی که زره پیامبر(ص) را پوشیده، پس آن حضرت با آن زره که بر او احاطه دارد حرکت می کند و لباس ضخیمی (و یا حریری همراه با پنبه که زره را منور ساخته) بر آن می پوشد و بر اسب تیره رنگ و ابلق سوار شده است که میان پیشانی تا گلویش سفید است. پس اسبش او را به حرکت در می آورد؛ به گونه ای که مردم هر شهری می بینند، قائم در میان شهرهای آنهاست؛ پس پرچم رسول خدا را باز می کند [که] دستگیره آن از عمود عرش [الهی] است و حرکت دهنده آن از یاری خدا است. با آن پرچم به سوی هر چیزی رو کند، خداوند آن را به هلاکت می رساند، پس هنگامی که آن پرچم را به اهتزاز در آورد مؤمنی باقی نمی ماند، مگر اینکه قلبش همچون پاره آهنی [سخت و محکم] شود و به مؤمن، توان چهل نفر را اعطا می کند.»

ص: ۲۴۶

۱- . نجم الثاقب، ص ۱۲۶؛ غیبت، نعمانی، ص ۱۶۱ و الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۲۵.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸، روایت ۴۸.

فصل سوم: شبهات

شباهتهای پیامبر اعظم (ص) و امام زمان (ع)

اشاره

خداوند تبارک و تعالی، نور هدایت را در خاندان آخرین ستاره درخشان آسمان نبوت قرار داد و محمد (ص) آخرین پیامبر، برترین برگزیده در میان انبیا و رحمتی برای عالمیان است.

امام مهدی (ع) می آید تا احیا کننده احکام کتاب الهی و سنت پیامبر (ص) باشد: «و مُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ... وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ» (۱) و تازه کننده احکام تعطیل شده از قرآن تو... و سنت پیغمبرت باشد.»

امام مهدی (ع) آرزوی پیامبر و سرور قلب نبی است: «اللَّهُمَّ وَ سُرَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا (ص) بِرُؤْيَيْتِهِ» (۲) خدایا! پیامبر اکرم (ص) را به دیدار او شاد کن.»

ص: ۲۴۷

۱- . مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲- . مفاتیح الجنان، دعای عهد.

امام مهدی(ع) بشارت پیامبر(ص) است: «...أَبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.» (۱)

حضرت مهدی(ع) قائم مقام رسول خدا(ص) است: «وَ الْقَيِّمِ مَقَامَهُ.» (۲)

امام زمان(ع) آرزوی همه تاریخ و آرزوی پیامبر(ص) برای رساندن امتش به آزادی است: «...بِهِ يُخْرِجُ ذُلَّ الرِّقِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ؛» (۳) خداوند به سبب مهدی(ع) زنجیرهای بردگی و اسارت را از گردنهای شما بر می دارد.

اکنون بشر، چشم به راه قافله سالاری است تا در پرتو رهبری پیامبر گونه او، لیبک گویان قدم به صراط مستقیم بگذارد. حال که جهانیان در جاهلیت مدرن و در حجابی از جهل و نادانی خفته اند، تنها وجود حیات بخشی چون رسول خدا(ص) می تواند بشر را از این خواب گران بیدار کند.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صِلْمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ غَيْبَهُ وَلَيْنَا؛» (۴) خدایا! ما شکایت به درگاہت می کنیم از نبودن پیامبرمان که درود تو بر او و آلش باد! و از غیبت ولی مان.

ص: ۲۴۸

۱- کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۷۸، ح ۱۳۶.

۲- صحیفه مهدیه، زیارت اول حضرت بقیه الله(ع) در سرداب مقدس، ص ۶۱۴.

۳- کتاب الغیبه، طوسی، ص ۱۸۵، ح ۱۴۴.

۴- مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

حضرت مهدی(ع) مشترکات فراوانی با جدّ بزرگوارشان رسول خدا(ص) دارند که در این مقاله سعی شده است به بیان گوشه‌هایی از پیوندها و اوصاف مشترک این دو بزرگوار پرداخته شود.

ص: ۲۴۹

در بیان ولادت حضرت حجّت (ع)، حکیمه خاتون عمه امام حسن عسکری (ع) نقل می کند: ناگهان آن فرزند عزیز را مشاهده کردم که در حال سجده بود و دو انگشت سبابه خود را بلند کرد و فرمود:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ [وَوَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ] وَأَنَّ جَدِّي مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (ص)...» (۱)

همچنین از جانب امام حسن عسکری (ع) نقل می کنند که فرمود: «ای فرزندم! سخن بگو!» و او اظهار داشت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَوَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (ص)...» (۲)

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي؛» (۳) قائم از فرزندان من است.»

- ۱- . اکمال الدین، مترجم: پهلوان، دار الحدیث، ج ۲، ب ۴۲، ص ۱۵۱، ح ۲.
- ۲- . اکمال الدین، مترجم: پهلوان، دار الحدیث، ج ۲، ب ۴۲، ص ۱۴۵، ح ۱.
- ۳- . اکمال الدین، مترجم: پهلوان، دار الحدیث، ج ۲، ب ۱، ج ۱، ب ۲۴، ص ۴۹۰، ح ۶.

و در جایی دیگر فرموده اند: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي؛» (۱) مهدی از فرزندان من است.»

امام یازدهم (ع) در بستر شهادت، خطاب به امام زمان (ع) فرمود: «أَبَشِّرُ يَا بَنِي... وَلَدَكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنْتَ خَاتَمُ الْأَيِّمَةِ الطَّاهِرِينَ وَ بَشِّرْ بِكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ سَيِّمَاكَ وَ كَنَّاكَ بِذَلِكَ؛» (۲) بشارت بر تو باد ای پسر من!... جد تو رسول خدا (ص) است و تو خاتم ائمه طاهرين هستی و رسول خدا (ص) به [ولادت] تو بشارت داده است و این اسم و کنیه را برای تو قرار داد.»

شبيه ترين مردم به رسول خدا (ص)

امام علی (ع) می فرماید: «أَلَا إِنَّهُ أَشْبَهُ النَّاسِ خُلُقًا وَ خُلُقًا وَ حُسْنًا بِرَسُولِ اللَّهِ (ص)؛» (۳) همانا او (مهدی (ع)) شبیه ترین مردم از نظر خلق و خُلق و نیکویی به رسول خدا (ص) است.»

ص: ۲۵۱

-
- ۱- . اکمال الدین، مترجم: پهلوان، دار الحدیث، ج ۲، ب ۲۵، ص ۵۳۵، ح ۲.
 - ۲- . بحار الأنوار، دار الکتب الاسلامیه، ج ۵۲، ص ۱۷، ح ۱۳.
 - ۳- . معجم الاحادیث المهدی، ج ۳، ص ۱۰۴، ح ۶۴۷.

امام جعفر صادق(ع) از پیامبر(ص) نقل می کند:

«الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي... مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي وَ مَنْ أَنْكَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَ مَنْ كَذَّبَهُ فَقَدْ كَذَّبَنِي وَ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ صَدَّقَنِي إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُكْذِبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ وَ الْجَاهِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ وَ الْمُضْطَلِّينَ لِأُمَّتِي عَنْ طَرِيقَتِهِ (وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ) (١)؛ (٢) قائم از فرزندان من است... کسی که از او اطاعت کند، از من اطاعت کرده است و کسی که او را نافرمانی کند، من را نافرمانی کرده است و کسی که او را در دوران غیبتش انکار کند، مرا انکار کرده است و کسی که او را تکذیب کند، مرا تکذیب کرده است و کسی که او را تصدیق کند، مرا تصدیق کرده است. از کسانی که گفتار مرا درباره او انکار و تکذیب می کنند و از کسانی از امتم که مردم را از طریقه او گمراه می سازند، به خداوند شکایت می برم؛ و به زودی کسانی که ظلم کرده اند، خواهند دانست به چه کیفر گاهی بازگشت می کنند.»

وحدت در انکار

ص: ۲۵۲

۱- . شعراء / ۲۲۷.

۲- . اکمال الدین ج ۲، ب ۳۹، ص ۱۲۳، ح ۶.

امام صادق(ع) فرمود: «مَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَيْمَةِ (ع) وَجَحَدَ الْمَهْدِيَّ كَانَ كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ مُحَمَّدًا (ص) تُبَوِّتُهُ؛ (۱)» کسی که به همه امامان(ع) اقرار کند و امام مهدی(ع) را انکار کند، مانند کسی است که به همه پیامبران اقرار کند، اما نبوت محمد(ص) را انکار کند.»

حضرت صادق(ع) از پدرانشان از رسول اکرم(ص) نقل می کند که فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فَقَدْ أَنْكَرَنِي؛ (۲)» هر کس قائم از فرزندان مرا انکار کند، مرا انکار کرده است.»

ثواب انتظار فرج

ص: ۲۵۳

-
- ۱- . اکمال الدین ج ۲، ب ۳۳، ص ۳، ح ۱.
 - ۲- . اکمال الدین ج ۲، ب ۳۹، ص ۱۲۲، ح ۶.

امام سجاد(ع) فرمود: «إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ وَالْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) بِالسَّيْفِ؛ (۱)» همانا مردم زمان غیبت حضرت مهدی(ع) که امامت او را باور دارند و منتظرین ظهور او، از مردم دیگر زمانها برترند؛ چرا که خدای متعال به آنان عقل و درک و قدرت شناختی داده است که غیبت بر ایشان چون ظهور است و خداوند، آنان را در آن زمان، هم پایه مجاهدانی قرار داده است که در رکاب رسول خدا(ص) شمشیر زده اند.»

بعثت و ظهور با فاصله طولانی

ص: ۲۵۴

۱- . اکمال الدین، ج ۱، ب ۳۱، ص ۵۸۶، ح ۲.

امام زمان(ع) همچون پیامبر گرامی(ص) پس از غیبت طولانی و فاصله ای بسیار از اوصیای پیش از خویش ظهور می کند.

امام علی(ع) درباره پیامبر(ص) می فرماید: «أَرْسَلَهُ عَلَيَّ حِينَ فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ وَ هَفُوهُ عَنِ الْعَمَلِ وَ غَبَاوَهُ مِنَ الْأُمَّمِ؛»(۱) خداوند او را زمانی فرستاد که با زمان پیامبران گذشته، فاصله طولانی داشت و مردم از نیکوکاری فاصله گرفته و امتها به نادانی گرفتار شده بودند.»

امام صادق(ع) نیز در وصف امام مهدی(ع) می فرماید: «الَّذِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا عَلَيَّ فَتْرَةٍ مِنَ الْأُمَّمِ يَأْتِي كَمَا أَنَّ النَّبِيَّ (ص) بُعِثَ عَلَيَّ فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ؛»(۲) او کسی است که آن (زمین) را از عدالت پر می کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است. پس از یک دوره فترت(۳) از ائمه(ع) می آید؛ چنان که پیامبر اکرم(ص) نیز پس از یک فاصله طولانی از پیامبران مبعوث شدند.»

مشابهت در خصوصیات زمانه

ص: ۲۵۵

۱- نهج البلاغه، خ ۹۴.

۲- غیبت، نعمانی، ترجمه محمد جواد غفاری، انتشارات صدوق، ص ۱۸۶، ح ۳۸.

۳- فترت به فاصله زمانی میان دو پیامبر گفته می شود. ر. ک: لغت نامه دهخدا، ذیل همین عنوان.

امام علی(ع) زمانه پیش از رسالت پیامبر اکرم(ص) را این گونه توصیف می کنند:

«أَرْسَلَهُ عَلَى حِينِ فِتْرِهِ مِنَ الرُّسُلِ وَ طُولِ هَجْعِهِ مِنَ الْأُمَمِ وَ اغْتِرَامِ مِنَ الْفِتَنِ وَ انْتِشَارِ مِنَ الْأُمُورِ وَ تَلَطُّ مِنَ الْحُرُوبِ وَ الدُّنْيَا كَأَسْفَهُ النَّوْرِ ظَاهِرُهُ الْغُرُورِ عَلَى حِينِ اضْتِفْزَارٍ مِنْ وَرَقِهَا وَ إِيَّاسٍ مِنْ ثَمَرِهَا وَ اغْوِرَارٍ مِنْ مَائِهَا قَدْ دَرَسَتْ مَنَارُ الْهُدَى وَ ظَهَرَتْ أَعْلَامُ الرَّدَى فَهِيَ مُتَجَهِّمَةٌ لِأَهْلِهَا عَابِسَةٌ فِي وَجْهِ طَالِبِهَا ثَمَرُهَا الْفِتْنَةُ وَ طَعَامُهَا الْجِيفَةُ وَ شِعَارُهَا الْخَوْفُ وَ دِتَارُهَا السَّيْفُ؛ (۱)» خداوند پیامبر اسلام(ص) را هنگامی معبوث فرمود که از زمان بعثت پیامبران پیشین مدت‌ها گذشته و ملتها در خواب عمیقی فرو رفته بودند. فتنه و فساد، جهان را فرا گرفته و اعمال زشت رواج یافته بود. آتش جنگ، همه جا زبانه می کشید و دنیا بی نور و پر از مکر و فریب شده بود. برگهای درخت زندگی به زردی گراییده و امید از باروری درختانش قطع شده بود. آبهایش فرو خشکیده و نشانه های هدایت، کهنه و ویران شده بود. پرچمهای هلاکت و گمراهی آشکار و دنیا با قیافه زشتی به مردم می نگریست، و با چهره ای عبوس و غم آلود با اهل دنیا رو به رو می شد. میوه های درخت دنیا فتنه، و خوراکش مردار بود، در درونش وحشت و اضطراب، و بر بیرون، شمشیرهای ستم حکومت داشت.»

امام باقر(ع) در وصف زمانه پیش از ظهور حضرت مهدی(ع) می فرماید: «لَا يَقُومُ الْقَائِمُ(ع) إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَ زَلَّازِلٍ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ يُصَيِّبُ النَّاسَ... وَ اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ بَيْنَ النَّاسِ وَ تَشَدُّتٍ فِي دِينِهِمْ؛ (۲)» قائم(ع) قیام نمی کند، مگر [در زمانی که] ترسهای بزرگ پدید آمده، و زلزله ها و فتنه ها و گرفتاریها به مردم رسیده... و اختلافهای شدید، میان مردمان رخ داده و در دینشان تفرقه ایجاد شده است.»

ص: ۲۵۶

۱- نهج البلاغه، خ ۸۹.

۲- غیبت، نعمانی، ص ۲۳۵.

رسول خدا(ص) نیز، ضمن حدیثی طولانی در معراج، دوره پیش از ظهور حضرت مهدی(ع) را این گونه توصیف کرده اند: «يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ وَظَهَرَ الْجَهْلُ وَكَثُرَ الْقُرَاءُ وَقَلَّ الْعَمَلُ وَكَثُرَ الْقَتْلُ... وَكَثُرَ الْجَوْرُ وَالْفَسَادُ وَظَهَرَ الْمُنْكَرُ... وَصَارَتِ الْأُمَمَاءُ كَفْرَةً وَأَوْلِيَاءُ هُمْ فَجْرَةٌ وَأَعْوَانُهُمْ ظَلَمَةٌ وَذُوو الرِّأْيِ مِنْهُمْ فَسَيْقَةٌ» (۱) ظهور مهدی(ع) وقتی است که علم و دانش واقعی از بین برود و نادانی آشکار شود و قاریان فراوان شوند و عمل [به قرآن] کم شود و قتل و خونریزی زیاد شود... و ظلم و فساد زیاد شود و منکر [و عمل زشت] آشکار شود... و فرمانروایان کافر و والیان آنها فاجر شوند و کارپردازان آنها ستمگر و صاحبان رأی و نظر از آنها فاسق باشند.»

۲. پس از ظهور

ص: ۲۵۷

۱- . اکمال الدین ج ۱، ب ۲۳، ص ۴۶۹، ح ۱.

امیر مؤمنان(ع) به درگاه خداوند عرضه می دارد: «... اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِكَ وَ نَوَامِي بَرَكَاتِكَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا انْغَلَقَ وَ الْمُعْلِنِ الْحَقِّ بِالْحَقِّ وَ الدَّافِعِ جِيْشَاتِ الْاَبَاطِيلِ وَ الدَّامِعِ صَوْلَاتِ الْاَضَالِيلِ كَمَا حُمِّلَ فَاضِلَّ طَلَعَ قَائِمًا بِأَمْرِكَ مُسْتَوْفِرًا فِي مَرْضَاتِكَ غَيْرَ نَاكِلٍ عَنْ قُدْمٍ وَ لَا وَاهٍ فِي عَزْمٍ وَ اَعْيَا لَوْحِيكَ حَافِظًا لِعَهْدِكَ مَا ضِيًّا عَلَيَّ نَفَاذِ أَمْرِكَ حَتَّى أُوْرِيَ قَبَسَ الْقَبَائِسِ وَ أَضَاءَ الطَّرِيقِ لِلْخَابِطِ وَ هُدَيْتُ بِهِ الْقُلُوبَ بَعْدَ خَوْضَاتِ الْفِتَنِ وَ الْآثَامِ وَ أَقَامَ بِمَوْضِعَاتِ الْأَعْلَامِ وَ تَبَيَّرَاتِ الْأَحْكَامِ؛ (۱)» [خداوندا!...] گرامی ترین درووها و افزون ترین برکات خود را بر محمد(ص)، بنده و فرستاده ات، اختصاص ده! که خاتم پیامبران گذشته و گشاینده درهای بسته و آشکارکننده حق با برهان است. دفع کننده لشکرهای باطل و درهم کوبنده شوکت گمراهان است؛ آن گونه که بار سنگین رسالت را بر دوش کشید و به فرمانت قیام کرد و به سرعت در راه خشنودی تو گام برداشت و حتی یک قدم به عقب برنگشت و اراده او سست نشد و در پذیرش و گرفتن وحی نیرومند بود. حافظ و نگهبان عهد و پیمان تو بود و در اجرای فرمانت تلاش کرد تا آنجا که نور حق را آشکار و راه را برای جاهلان روشن ساخت و دلهایی که در فتنه و گناه فرو رفته بودند به دست او هدایت شدند. پرچمهای حق را برافراشت و احکام نورانی را بر پا کرد.»

از امام صادق(ع) درباره سیره حضرت مهدی(ع) پرسیدند. آن حضرت در جواب فرمود: «يُضِيْعُ كَمَا صَيَّرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَهْدِي مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا؛ (۲)» [امام مهدی(ع)] مانند پیامبر(ص) عمل خواهد کرد؛ همان گونه که پیامبر(ص) آنچه از روش جاهلیت در میان مردم مرسوم بود، از میان برد، [امام مهدی(ع) نیز] روشهای جاهلی پیش از ظهور خود را از بین خواهد برد و اسلام را از نو پی ریزی خواهد کرد.»

ص: ۲۵۸

۱- . نهج البلاغه، خ ۷۲.

۲- . غیبت، نعمانی، ص ۲۳۱، ح ۱۳.

زمانه پس از ظهور حضرت مهدی(ع) در دعای ندبه این گونه ترسیم شده است:

«أَيْنَ قَاصِمٍ شَوْكِهِ الْمُعْتَدِينَ أَيْنَ هَادِمِ أَيْتِيهِ الشُّرُكِ وَالنَّفَاقِ أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشَّقَاقِ أَيْنَ طَامِسِ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ؛ (۱)» کجاست شکننده شوکت تجاوزگران؟ کجاست ویران کننده بناهای شرک و نفاق؟ کجاست نابود کننده اهل فسق [و تبه کاران] و معصیت کاران و سرکشان؟ کجاست درو کننده شاخه های گمراهی و اختلاف؟ کجاست محو کننده آثار انحراف و هوا و هوسها؟»

همچنین پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «تَاسَىٰ مَعَهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ نُورًا بَعِيدًا ظَلَمَتِهَا وَعِيدًا بَعِيدًا جَوْرَهَا وَعِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا؛ (۲)» نهمین آنها (امام از فرزند حسین(ع)) قائم است که خداوند به دست او همه زمین را از روشنایی پر می کند، پس از آنکه گرفتار تاریکی شده است و از عدالت و دادگری سرشار می کند، پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد و سراسر عالم را از دانایی بهره مند می کند، پس از آنکه به نادانی گرفتار شده باشد.»

ص: ۲۵۹

۱- . مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۲- . اکمال الدین ج ۱، ب ۲۴، ص ۴۸۷، ح ۵.

ب) اوصاف مشترک

فصل سوم: شباهتها

شباهتهای پیامبر اعظم (ص) و امام زمان (ع)

ب) اوصاف مشترک

رحمت

پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت گرامی ایشان (ع)، مظهر و تجلی رحمت واسعه الهی اند. خداوند در قرآن کریم، وجود نازنین پیامبر اکرم (ص) را رحمتی برای عالمیان معرفی می کند: (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)؛ (۱) «و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.»

امام زمان (ع) نیز به این وصف توصیف شده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ... وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ»؛ (۲) سلام بر تو... ای رحمت گسترده [الهی]!»

حجت الله

ص: ۲۶۰

۱- انبیاء / ۱۰۷.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

ائمه اطهار(ع) و پیامبر اکرم(ص) حجت‌های الهی بر روی زمین هستند. در زیارت حضرت رسول(ص) آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ؛ (۱) سلام بر تو ای حجت خدا بر اولین و آخرین [بشر]!»

امام زمان(ع) نیز با لقب حجت الله، خطاب شده اند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ؛ (۲) سلام بر تو ای حجت خدا و راهنمای اراده او!» همچنین در جایی دیگر آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ؛ (۳) سلام بر تو ای حجت خدا بر [تمام] اهل زمین و آسمان!»

نور الله

ص: ۲۶۱

۱- . مفاتیح الجنان ، زیارت حضرت رسول(ص).

۲- . مفاتیح الجنان ، زیارت آل یاسین.

۳- . مفاتیح الجنان ، زیارت حضرت صاحب الامر.

وجود مطهر پیامبر اکرم (ص) نور است. خاصیت نور، این است که هم روشن و درخشانده است و هم اطراف خویش را روشن می‌سازد. پیامبر اعظم (ص) نور خدا و روشن کننده دل‌های تیره جاهلیت و عقل‌های خفته در کفر و ظلمت است. در زیارت حضرت رسول (ص) آمده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يُسْتَضَاءُ بِهِ؛ (۱) سلام بر تو ای نور خداوند که به سبب آن طلب نور می‌شود!»

نور مقدس پیامبر اکرم (ص) در عترت و خاندان پاک ایشان ساری و جاری است. امام باقر (ع) در تفسیر آیه (فَأْمُنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا) (۲) فرمود: «النُّورُ وَ اللَّهِ الْأَيْمَةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ هُمْ وَ اللَّهُ نُورُ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ وَ هُمْ وَ اللَّهُ نُورُ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَ فِي الْأَرْضِ؛ (۳) به خدا قسم! نور، همان امامان از آل محمد (ص) تا روز قیامت هستند و به خدا سوگند! نور الهی که نازل کرده همانها هستند و به خدا قسم! نور خدا در آسمانها و زمین، آنها هستند.»

در زیارت روز جمعه، خطاب به امام مهدی (ع) این گونه سلام می‌دهیم:

ص: ۲۶۲

۱- . مفاتیح الجنان ، زیارت حضرت رسول (ص) از بعید.

۲- . تغابن / ۸. «به خدا و رسول او و نوری که نازل کردیم ایمان آورید.»

۳- . اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۴.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ؛» (۱) سلام بر تو ای نور خدا! که هدایت جویان، به سبب آن هدایت می شوند!»

دعوت کننده به سوی خدا

خداوند در قرآن کریم پیامبر اکرم (ص) را دعوت کننده به سوی خویش معرفی می کند: (يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا)؛ (۲) «ای پیامبر! ما تو را گواه و بشارت دهنده و بیم دهنده و دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی روشنی بخش فرستادیم.»

در زیارت آل یاسین نیز امام زمان (ع) را با ذکر «دَاعِيَ اللَّهِ» یاد می کنیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّنَايَ آيَاتِهِ؛» (۳) سلام بر تو ای دعوت کننده خلق [به سوی خدا] و مظهر آیات الهی!»

ص: ۲۶۳

۱- . مفاتيح الجنان، دعای امام زمان در روز جمعه.

۲- . احزاب / ۴۵ و ۴۶.

۳- . داعی: اسم فاعل به معنی «دعوت کننده به سوی خدا» است.

خداوند در قرآن کریم درباره پیامبر اسلام (ص) می فرماید: (مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا)؛ (۲) «محمد (ص) پدر هیچ یک از مردان شما نیست؛ ولی او رسول خدا و خاتم انبیا است و خداوند همیشه به همه امور آگاهی دارد.»

خداوند در این آیه، رسول مکرم اسلام، حضرت محمد (ص) را به عنوان «خاتم النبیین» ملقب ساخته است؛ یعنی پس از ایشان، پیامبر دیگری نخواهد بود.

امام مهدی (ع) در معرفی خود می فرماید: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْبَلَاءَ عَن أَهْلِي وَ شِيعَتِي؛» (۳) منم خاتم جانشینهای پیامبر که خداوند به سبب من، بلا را از اهل من و شیعیانم بر می دارد.»

حضرت مهدی (ع) را «خاتم الأوصیاء» و «خاتم الائمه» گویند؛ به این سبب که ایشان، آخرین نفر از سلسله امامت هستند و پس از ایشان، امامی نخواهد بود.

ص: ۲۶۴

-
- ۱- . خاتم به معنای چیزی است که به وسیله آن، پایان داده می شود و نیز به معنای چیزی آمده است که با آن، اوراق و مانند آن را مهر می کنند: قاموس قرآن کریم.
 - ۲- . احزاب / ۴۰.
 - ۳- . اکمال الدین، ج ۲، ب ۴۳، ص ۱۸۱، ح ۱۲.

در قرآن کریم آمده است: (لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ...؛) (۱) «خداوند بر مؤمنان منت نهاد، هنگامی که رسولی را در میانشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها تلاوت کند...» همچنین در جایی دیگر می فرماید: (وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ)؛ (۲) «و همانا قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم تبیین [و تفسیر] کنی.»

خداوند در این دو آیه مبارکه، یکی از اهداف بعثت پیامبر اعظم (ص) را تلاوت و توضیح آیات قرآن و روشن کردن اسرار درونی آنها معرفی می کند.

امام مهدی (ع) نیز به این لقب مشهورند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ»؛ (۳) سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و مفسر و مترجم آن!

ص: ۲۶۵

۱- آل عمران / ۱۶۴.

۲- نحل / ۴۲.

۳- مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

جابر از امام باقر(ع) نقل می کند که می فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ؛»^(۱) هنگامی که قائم آل محمد(ص) قیام کند، برای کسانی که قرآن را تعلیم می دهند، چادرهایی نصب می کند که قرآن را همچنان که خداوند نازل کرده، به مردم بیاموزند.»

مظهر حیات

بهار، مظهر حیات و زندگی و طراوت است. امام علی(ع) وجود مقدس پیامبر(ص) را بهاری برای مردم زمانشان دانسته است: «رَبِيعًا لِأَهْلِ زَمَانِهِ.»^(۲) امام زمان(ع) نیز به تأویل آیه مبارکه (يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...)،^(۳) انسان مرده از انسانیت را حیاتی دوباره می بخشد: «السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ وَ نَضْرِهِ الْأَيَّامِ؛»^(۴) سلام بر بهار مردم و خرمی زمان!

امان برای همه

ص: ۲۶۶

۱- . الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۶.

۲- . نهج البلاغه، خ ۱۹۸.

۳- . حدید / ۱۷. «زمین را بعد از مردنش زنده می سازد.»

۴- . مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر(ع).

قرآن کریم درباره برکات وجودی حضرت ختمی مرتبت (ص) می فرماید: (وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ) (۱) «و تا تو در میان آنان هستی، خداوند آنها را عذاب نمی کند.» یعنی پیامبر، سبب امان از عذاب الهی است. امام مهدی (ع) نیز در معرفی خود این چنین می فرماید: «إِنِّي أَمِيَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ» (۲) «من مایه امنیت اهل زمین هستم؛ همچنان که ستارگان، امنیت بخش اهل آسمان اند.» براساس این حدیث، حضرت مهدی (ع) سبب امنیت همه موجودات روی زمین است.

شفقت و دلسوزی

ص: ۲۶۷

۱- . انفال / ۳۳.

۲- . اکمال الدین، ج ۲، ب ۴۵، ص ۲۳۹، ح ۴.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ)؛ (۱) «قطعا برای شما پیامبری از خودتان آمد که رنجهای شما بر او دشوار است و به [هدایت] شما حریص و برای مؤمنان، دلسوز و مهربان است.»

مهربانی و شفقت پیامبر اکرم(ص) به قدری بود که برای هدایت افراد، بسیار پافشاری می کرد؛ به گونه ای که خداوند به ایشان فرمود: (لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يُكُونُوا مُؤْمِنِينَ)؛ (۲) «شاید تو از اینکه [مشرکان] ایمان نمی آورند، جان خود را تباه سازی.»

امام رضا(ع) نیز امام مهدی(ع) را این گونه معرفی می کند: (وَ أَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ)؛ (۳) از پدران و مادران، بر امت خود مهربان تر است.»

ص: ۲۶۸

۱- . توبه / ۱۲۸.

۲- . شعراء / ۳.

۳- . من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۸، ح ۵۹۱۴.

همچنین در توقیعی از امام مهدی (ع) آمده است: «إِلَيَّ اِزْتِيَابُ جَمَاعَةٍ مِنْكُم فِي الدِّينِ وَ مَا دَخَلَهُمْ مِنَ الشَّكِّ وَ الْحَيْرَةِ فِي وُلَاةِ اُمُورِهِمْ فَغَمُّنَا ذَلِكُ لَكُمْ؛» (۱) به من رسیده است که گروهی از شما در دین به تردید افتاده و در دل درباره اولیای امر خود به شک و حیرت دچار شده اند و این امر، مایه غم ما درباره شما شد.»

اگر پدر و مادر همواره نگران سلامتی فرزندان و دلسوز و مراقب آنها هستند، این پدر بی نظیر امت، در توقیع خود به شیخ مفید می فرماید: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَأَنَّا سِينُ لِدِكْرِكُمْ؛» (۲) ما هرگز در رعایت و مراقبت شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم.»

ص: ۲۶۹

۱- کتاب غیبه، طوسی، ص ۲۸۵، ح ۲۴۵.

۲- تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۷، التوقیعان المبارکان.

فصل سوم: شبهاتها

شبهاتهای رستاخیز مهدی(ع) با رستاخیز آخرت

اشاره

ایام الله، ایام مخصوصی است که نعمت و رحمت و یا عذاب و کیفر الهی در آن ظاهر می شود. نسبت دادن این روزها به خدا با اینکه همه ایام و همه موجودات از آن خداست، به سبب حوادث مهمی است که در آن رخ داده و یا خواهد داد؛ مانند روز قیامت که در آن سلطنت آخرتی خدا هویدا می شود و روز قیام مهدی که در آن، حکومت عدل بر گستره جهان سیطره پیدا می کند. بعضی از ایام الله در روایت ذیل معرفی شده است:

امام باقر(ع) فرمود: «أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ؛ (۱) ایام الله سه روز است: روز قیام مهدی(ع)، روز رجعت و روز قیامت.»

ص: ۲۷۰

نوشتار کوتاهی که پیش رو دارید به بررسی اجمالی شباهت‌های دو مورد از ایام الله - یعنی روزگار قیام امام عصر(ع) و روز رستاخیز - پرداخته است.

ص: ۲۷۱

فصل سوم: شباهتها

شباهتهای رستاخیز مهدی (ع) با رستاخیز آخرت

حوادث عجیب

یکی از وجوه مشترک بین رستاخیز آخرت و قیام حضرت حجت (ع)، وقوع حوادث و رخدادهای بزرگ است که پیش از شروع آن دو، تحقق پیدا می کند.

حوادث پیش از قیامت کبری

الف) متلاشی شدن کوه ها

(يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ)؛ (۱) «روزی که زمین و کوه ها به لرزه درآیند.»

(وَحَمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً)؛ (۲) «و زمین و کوه ها از جای خود برداشته شوند و یکباره درهم کوبیده شوند.»

ب) زلزله های عظیم

ص: ۲۷۲

۱- . مزمل / ۱۴.

۲- . حاقه / ۱۴.

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ)؛ (۱) «ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید؛ چرا که زلزله رستاخیز امری بزرگ است.»

(إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا)؛ (۲) «چون زمین با تکان [سختی] لرزانده شود.»

ج) بی فروغ شدن خورشید و ستارگان

(إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ)؛ (۳) «آن گاه که خورشید به هم درپیچد، و آن گاه که ستارگان تیره شوند.»

(وَحَسَفَ الْقَمَرُ، وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ)؛ (۴) «و ماه بی نور شود و خورشید و ماه یک جا جمع شوند.»

ص: ۲۷۳

۱- حج / ۱.

۲- واقعه / ۴.

۳- تکویر / ۱.

۴- قیامت / ۸ و ۹.

فصل سوم: شباهتها

شباهتهای رستاخیز مهدی(ع) با رستاخیز آخرت

حوادث پیش از رستاخیز مهدی(ع)

الف) صبحه آسمانی؛

امام صادق(ع) می فرماید: «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ، يَسْمَعُهُ كُلُّ قَوْمٍ بِاللَّيْلِ بِتِهِمْ؛ (۱)» در ابتدای روز، گوینده ای در آسمان ندا می دهد، به گونه ای که هر قومی با زبان خود، آن ندا را می شنود.»

ب) خسوف و کسوف

از نشانه های ظهور، کسوف در نیمه ماه رمضان و خسوف در آخر و یا اول همان ماه است.

کسوف در روزهای نخست و روزهای آخر ماه و خسوف در روزهای میانی ماه، طبیعی و عادی است و در طول تاریخ، بارها و بارها، رخ داده و از نظر علمی، خسوف و کسوف در روزهای یاد شده، پدیده ای عادی به حساب می آید. منجمان از دیرباز، بر اساس محاسبه های دقیق ریاضی و نجومی، زمان گرفتن خورشید، یا ماه را در طول سال، پیش بینی می کرده اند؛ ولی خورشید گرفتگی در وسط ماه یا ماه گرفتگی در اول و یا آخر آن، امری غیرعادی است. البته در خود روایات هم، به غیرعادی بودن تحقق این نشانه، تصریح شده است. (۲)

ص: ۲۷۴

۱- کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۵۳ و بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۸.

۲- چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان، ص ۲۹۹.

از امام باقر(ع) چنین نقل شده است: «آيَتَانِ تَكُونَانِ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ (ع) لَمْ تَكُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ إِلَى الْأَرْضِ تَنَكَّسِفُ الشَّمْسُ فِي النُّصْفِ مِنَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَالْقَمَرُ فِي آخِرِهِ فَقَالَ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ تَنَكَّسِفُ الشَّمْسُ فِي آخِرِ الشَّهْرِ وَالْقَمَرُ فِي النُّصْفِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) إِنِّي أَعْلَمُ مَا تَقُولُ وَ لَكِنَّهُمَا آيَتَانِ لَمْ تَكُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ (ع)» (۱)؛ پیش از قیام مهدی(ع) دو نشانه پدید خواهد آمد که از زمان هبوط آدم(ع) در زمین بی سابقه است: گرفتن خورشید در نیمه ماه رمضان و گرفتن ماه در آخر آن. مردی به امام عرض کرد: ای پسر رسول خدا! کسوف در وسط و خسوف در آخر ماه؟! حضرت فرمود: همانا من به آنچه می گویی دانایم. این دو از آیت‌های الهی هستند که واقع شدن آنها از زمان هبوط آدم(ع) تاکنون سابقه ندارد.»

به نظر می رسد وقوع این دو پدیده به صورت غیرعادی، به سبب آن است که اهمیت مسئله ظهور، نمایان شود و مردم از خواب غفلت بیدار شوند و خود را مهیای مشارکت در آن نهضت عظیم سازند.

ص: ۲۷۵

ج) بارانهای پیاپی؛

امام صادق(ع) می فرماید: «إِنَّ قُدَّامَ الْقَائِمِ لَسِنَّةٌ غَيْدَاةٌ يَفْسِدُ الثَّمَرُ فِي النَّخْلِ فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ؛» (۱) در آستانه قیام مهدی(ع) سالی پر باران خواهد بود که بر اثر آن، خرما بر روی نخل می پوسد. پس در این امر، تردیدی به خود راه ندهید.»

البته برای قیام امام زمان(ع) علائم و نشانه های بسیاری بیان شده است که به ذکر عناوین برخی از آنها اکتفا می کنیم:

د) طلوع خورشید از مغرب؛

ذ) خروج یاجوج و ماجوج؛

ر) خروج دجال؛

ز) خروج یمانی؛

هـ) خروج سفیانی. (۲)

ص: ۲۷۶

۱- کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ۴۴۹ و کشف الغمه ج ۲، ص ۴۶۱.

۲- چشم به راه مهدی، ص ۲۷۳.

فصل سوم: شباهتها

شباهتهای رستاخیز مهدی (ع) با رستاخیز آخرت

برقراری عدالت

اجرای عدالت و تحقق آن، یکی از وجوه مشترک بین قیامت کبری و قیامت صغری (ظهور مهدی (ع)) است.

عدالت در قیامت کبری

(وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ)؛ (۱)

«ترازوهای عدل را در روز رستاخیز قرار می دهیم، پس هیچ کس [در] چیزی ستم نمی بیند و اگر [عمل] به وزن دانه خردلی باشد آن را می آوریم و کافی است که ما حساب کننده باشیم.»

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ)؛ (۲) «پس هر کس به اندازه ذره ای نیکی کند آن را خواهد دید و هر کس به اندازه ذره ای بدی کند آن را خواهد دید.»

ص: ۲۷۷

۱- انبیاء/ ۴۷.

۲- زلزله/ ۷ و ۸.

رسول خدا(ص) می فرماید: «...التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلُ بَيْتِي وَ مَهْدِيُّ أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي سَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَفْعَالِهِ لِيُظْهَرَ بَعْدَهُ غَيْبُهُ طَوِيلَهُ وَ حَيْرَةُ مُضِلِّهِ فَيُعْلَى أَمْرُ اللَّهِ وَ يُظْهَرَ دِينَ اللَّهِ وَ يُؤَيَّدُ بِنَصْرِ اللَّهِ وَ يُنْصَرُ بِمَلَائِكَةِ اللَّهِ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛ (۱)» نهم آنان (امامان) قائم خاندان من، مهدی امتم است. او در سیما و گفتار و کردار شبیه ترین مردم به من است. پس از غیبت طولانی و سردرگمی گمراه کننده ای ظاهر می شود؛ آن گاه امر خدا را اعلان و آیین خدا را آشکار می سازد... پس زمین را از عدل و داد لبریز می کند.»

امام باقر(ع) می فرماید: «...كَذَلِكَ الْقَائِمُ (ع) إِذَا قَامَ يُبْطِلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْنَةِ مِمَّا كَانَ فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ يَسْتَقْبِلُ بِهِمُ الْعَيْدَلُ؛ (۲)» همچون پیامبر(ص) آنگاه که قائم(ع) قیام کند، آنچه را از راه و روشهای غلط میان مردم در زمان پیش از ظهور رایج است زیر پا می نهد، و آیین دادگری را برپا می دارد.»

ص: ۲۷۸

۱- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۱، باب ۲۷، ح ۱۸۷.

جناب حکیمه خاتون چنین روایت می کند: آن امام بزرگ در لحظات نخستین پس از تولد، لب به سخن گشود و [همچون پیامبران که در آغاز کودکی توان سخن گفتن دارند] به یکتایی خداوند و رسالت حضرت محمد(ص) و امامت امام علی(ع) و دیگر امامان گواهی داد. سپس چنین فرمود: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَ اْتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَ تَبِّتْ وَ طَأْتِي وَ اَمَلِ الْأَرْضَ بِي عِدْلًا وَ قِسْطًا؛ (۱)» خداوندا! به آنچه به من وعده دادی وفا کن، و امر مرا (حکومت عدالت گستر جهانی) به کمال برسان، و گامهای مرا استوار بدار، و زمین را به دست من از عدل و داد آکنده ساز.»

ص: ۲۷۹

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳، باب ۱.

شباهتهای رستاخیز مهدی (ع) با رستاخیز آخرت

اقتدار در حاکمیت

از شباهتهای دیگری که بین این دو قیام می توان ذکر کرد، اقتدار در حاکمیت است.

اقتدار حاکمیت در قیامت کبری

یکی از مهم ترین منزلگاههای قیامت که اقتدار خداوند را به منصفه ظهور می رساند، مرحله رسیدگی به حساب خلایق در دادگاه عدل الهی با حضور شاهدان مختلف، و سنجش اعمال در ترازوی مخصوص است. دادگاهی که همه را در وحشت و اضطراب غرق می کند، دادگاهی که قاضی و داورش خدای مقتدر و قوی است.

(فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ، أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ؟) (۱) «پس چه چیز تو را پس از این به تکذیب جزا و می دارد؟ آیا خداوند، بهترین حکم کنندگان نیست؟!»

ص: ۲۸۰

(أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ)؛ (۱) «آگاه باشید که حکم و داوری مخصوص اوست و او سریع‌ترین حساب‌رسان است.»

(اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ)؛ (۲) «خدا در روز قیامت درباره آنچه با یکدیگر در آن اختلاف می‌کردید، داوری خواهد کرد.»

اقتدار حاکمیت در قیام مهدی(ع)

امام زمان(ع) در اجرای حدود و احکام الهی و مبارزه با ستمگران، قاطعیتی خدایی دارد، چشم پوشی و مسامحه در راه و روش او نیست. از ملامت ملامت‌گران ابایی ندارد و از هیچ مقام و قدرتی نمی‌هراسد. قاطعیت و سازش‌ناپذیری، خصلت همه رهبران راستین الهی و در امام مهدی(ع) این خصلت در حد اوج و کمال است.

امام علی(ع) می‌فرماید: «وَلْيَطْهَرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍّ»؛ (۳) [امام مهدی(ع)] زمین را از هر چه باعث فریب و گمراهی مردم شود، پاک می‌سازد.»

ص: ۲۸۱

۱- انعام / ۶۲.

۲- حج / ۶۹.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

از حضرت باقرالعلوم(ع) نقل شده است که فرمود: «لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا بِالسَّيْفِ لَا يَسْتَيْبُ أَحَدًا وَلَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ؛ (۱)»
شیوه [حضرت مهدی(ع)] تنها با شمشیر است و توبه کسی را نمی پذیرد و در راه اجرای احکام الهی از ملامت هیچ ملامتگری
نمی هراسد.»

ص: ۲۸۲

۱- . بحار الأنوار ، ج ۵۲ ، ص ۳۵۴.

فصل سوم: شباهتها

شباهتهای رستاخیز مهدی(ع) با رستاخیز آخرت

بشارت انبیا و اولیا به ظهور قیامت کبری و صغری

قیامت کبری و رستاخیز مهدی(ع)، به سبب اهمیتشان، از جمله بشارتها و نویدهای همه انبیا و اولیای الهی است؛ بلکه وجه مشترک همه ادیان الهی است. به ویژه قیام مصلح جهان که در برخی مکاتب غیر الهی نیز بدان توجه شده است.

بشارت به قیامت کبری

(وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ؛) (۱) «و به سوی [مردم] مدین، برادرشان شعیب را [فرستادیم]. گفت: ای قوم من! خدا را پرستید و به روز بازپسین امید داشته باشید.»

(إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ، لَيْسَ لَوْقَعَتِهَا كَاذِبَةٌ؛) (۲) «زمانی که آن واقعه وقوع یابد، [که] در وقوع آن هیچ دروغی نیست.»

ص: ۲۸۳

۱- . عنكبوت / ۳۶.

۲- . واقعه / ۱ و ۲.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ)؛ (۱) «ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا پروا دارید، و هر کسی باید بنگرد که برای فردا [ی خود] از پیش چه فرستاده است.»

بشارت به رستاخیز مهدی(ع)

در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان به مصلحی نوید داده شده است که در آخر زمان ظهور خواهد کرد. او به جنایتها و خیانتهای انسانها خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی، استوار خواهد کرد. نوید آن مصلح بزرگ جهان، افزون بر قرآن مجید، در کتابهای آسمانی چون انجیل، تورات و زیور آمده است. (۲)

۱. قرآن کریم

ص: ۲۸۴

۱- حشر / ۱۸.

۲- او خواهد آمد، مهدی پور علی اکبر، ص ۹۳.

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)؛ (۱) «و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.»

۲. تورات

«خداوند بر ابراهیم ظاهر شد و گفت: تمام این زمین را که می بینی به تو و ذریه تو تا به ابد خواهم بخشید.... به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار. هرگاه توانی آنها را شمرد.... ذریت تو نیز چنین خواهد بود.... من هستم یهوه که تو را از کلدانیان بیرون آوردم تا این زمین به ارثیت تو بخشم.» (۲)

«اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش؛ زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد...؛ بلکه جمیع امتها را نزد خود جمع می کند و تمامی قومها را برای خویش فراهم می آورد.» (۳)

ص: ۲۸۵

۱- انبیاء / ۱۰۵.

۲- سفر پیدایش، فصل ۱۲، بند ۷؛ فصل ۱۳، بند ۱۵ و فصل ۱۵، بندهای ۵-۸.

۳- کتاب حیقوق نبی، فصل ۲، بندهای ۳-۵.

«همچنان که برق از مشرق، ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد...؛ آن گاه علامات پسر انسان در آسمان پدید گردد. و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می آید.» (۱)

– «کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید.» (۲)

۴. زرتشتیان

ص: ۲۸۶

۱- . انجیل متی، فصل ۲۴، بندهای ۲۷، ۳۰، ۳۵، ۳۷ و ۴۵.

۲- . انجیل لوقا، فصل ۱۲، بندهای ۳۵ و ۳۶.

«مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق، و بر دین جد خویش باشد، با سپاه بسیار، روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر از داد کند.»

«پیامبر عرب، آخرین فرستاده است که از میان کوه های مکه ظاهر شود... از فرزندان پیامبر شخصی در مکه پدیدار خواهد شد که جانشین آن پیامبر است و پیرو دین جد خود می باشد.... از عدل او گرگ با میش آب می خورند و همه جهانیان به آیین مهر آزمای [محمد] خواهند گروید.» (۱)

ص: ۲۸۷

۱- .ر.ك: او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور و جاماسب نامه.

فصل سوم: شباهتها

شباهتهای رستاخیز مهدی (ع) با رستاخیز آخرت

زندگی خوب و فراوانی نعمت

در قیامت کبری و صغری، مردان مؤمن و زنان مؤمنه در ناز و نعمت زندگی می کنند و هیچ گونه نگرانی و ترسی آنها را تهدید نمی کند.

زندگی در قیامت کبری

(تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...؛) (۱) «و هر کس از خدا و پیامبر او اطاعت کند، وی را به باغهایی درآورد که از زیر [درختان] آن نهرها روان است.»

(إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا؛) (۲) «همانا نیکان از جامی نوشند که آمیزه ای از کافور دارد.»

ص: ۲۸۸

۱- . نساء / ۱۳.

۲- . دهر / ۵.

(أَوْلَيْكَ لَهُمْ جَنَّاتٌ عِدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُيْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا)؛ (۱) « آنها کسانی هستند که بهشتهای جاودان برای آنان است، از زیر [قصرها] شان جویبارها روان است. در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می شوند و جامه هایی سبز از حریر نازک و ضخیم می پوشند. در آنجا بر سریرها تکیه می زنند. چه خوش پاداش و نیکو تکیه گاهی.»

زندگی در رستاخیز مهدی(ع)

ص: ۲۸۹

۱- . کشف / ۳۱.

در سلام به حضرت مهدی(ع) آمده است: «السَّلَامُ عَلَي رَيْبِيعِ الْأَنَامِ وَ نَضْرَةِ الْأَيَّامِ؛» (۱) سلام بر بهاران زندگی مردمان و طراوت روزگاران.»

رسول گرامی اسلام(ص) می فرماید: «يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ (ع) نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا قَبْلَهَا قَطُّ يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَلَا تَدْعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ؛» (۲) امت من در زمان مهدی(ع) به نعمتی دست یابند که پیش از آن و در هیچ دوره ای دست نیافته بودند. [در آن روزگار] آسمان باران فراوان دهد، و زمین، هیچ رویدنی را در دل خود نگاه ندارد.»

ص: ۲۹۰

۱- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱، باب ۷، ح ۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۳، باب ۱، ح ۳۷.

شباهتهای رستاخیز مهدی(ع) با رستاخیز آخرت

آشکار شدن باطنها

یکی از موضوعاتی که وجه شباهت بین دو قیام است، بر ملا شدن باطن و درون انسانها است. البته بر ملا شدن باطنها در قیامت کبری با قیامت صغری متفاوت است. در قیامت کبری، آشکار شدن درون، کلی و فراگیر است؛ ولی در رستاخیز مهدی(ع) ظاهر شدن درون مردم، برای حاکم و والی عادل - یعنی امام زمان(ع) - تحقق پیدا می کند. پس به طور کلی ظهور باطنها را یکی از وجوه مشترک بین دو قیام می توان دانست.

در قیامت کبری

ص: ۲۹۱

(يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ)؛ (۱) «آن روز که رازها [همه] فاش می شود.»

(يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ)؛ (۲) «آن روز که آنان ظاهر شوند، چیزی از آنها بر خدا پوشیده نمی ماند.»

(وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ)؛ (۳) «و آن گاه که نامه ها گشوده شوند.»

در رستاخیز مهدی(ع)

ابان می گوید از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنِّي يَحْكُمُ بِحُكْمِهِ آلِ دَاوُدَ وَ لَا يَسْأَلُ بَيْنَهُ يُعْطَى كُلَّ نَفْسٍ حَقَّهَا» (۴) دنیا به آخر نمی رسد تا مردی از من (حضرت حجت(ع)) قیام کند و آن مرد، شبیه حکم حضرت داوود حکم خواهد کرد و از شاهد سؤال نمی کند و حکم هر کس را به او می دهد.»

حسن بن ظریف می گوید که در ذهن خود دو سؤال داشتم. آنها را برای امام عسکری(ع) نوشتم و چنین سؤال کردم: «إِذَا قَامَ بِمَا يَقْضِي وَ أَيْنَ مَجْلِسُهُ الَّذِي يَقْضِي فِيهِ بَيْنَ النَّاسِ ... فَحَمَاءَ الْجَوَابِ سَأَلْتُ عَنِ الْقَائِمِ فَإِذَا قَامَ قَضَى بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُدَ(ع) لَا يَسْأَلُ الْبَيْنَةَ» (۵) وقتی حضرت صاحب الزمان(ع) قیام کرد، از چه مقام و جایگاهی بین مردم حکم خواهد کرد؟ ... جواب آمد [و امام در آن جواب فرمود]: سؤال از قائم کردی. پس هر گاه [مهدی(ع)] قیام کند، بین مردم به علم خود قضاوت می کند؛ شبیه قضاوت حضرت داوود و از شاهد و بینه سؤال نمی کند.»

ص: ۲۹۲

۱- . طارق / ۹.

۲- . غافر / ۱۶.

۳- . تکویر / ۱۰.

۴- . اصول کافی، ج ۱، ص ۳۹۷، باب فی الأئمه، ح ۲.

۵- . طوسی، محمد، الثاقب فی المناقب، محمد طوسی، ص ۵۶۵.

شباهتهای رستاخیز مهدی(ع) با رستاخیز آخرت

حیات مجدد

از دیگر وجوه مشترک بین قیامت کبری و رستاخیز امام زمان(ع)، زنده شدن انسانهاست که در قیامت کبری انسانها برای بهره مند شدن از جزا و پاداش الهی زنده می شوند و در قیام مهدی(ع)، مؤمنان به سبب لذت بردن و مشارکت در حکومت عدل و کافران به سبب زجر کشیدن از مشاهده حکومت الهی زنده می شوند.

حیات دوباره در قیامت کبری

(ثُمَّ نَفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ)؛ (۱) «سپس بار دیگر در آن [صور] دمیده می شود و به ناگاه آنان [برپای] ایستاده می نگرند.»

«وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا» (۲)؛ «و [همین که] در صور دمیده شود، همه آنها را گرد خواهیم آورد.»

ص: ۲۹۳

۱- زمر / ۶۸.

۲- کهف / ۹۹.

(وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ)؛ (۱) «و در صور دمیده خواهد شد، پس به ناگاه از گورهای خود شتابان به سوی پروردگار خویش می روند.»

ص: ۲۹۴

۱- .یس / ۵۱.

فصل سوم: شباهتها

شباهتهای رستاخیز مهدی(ع) با رستاخیز آخرت

حیات دوباره در رستاخیز مهدی(ع)

چنان که در ابتدای مقاله بیان شد، روز رجعت، یکی از ایام الله است. در روایات، اقرار و ایمان به رجعت از نشانه های مؤمن ذکر شده است.

برقی از امام صادق(ع) نقل می کند: «مَنْ أَقَرَّ بِسَبْعَةِ أَشْيَاءَ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَ ذَكَرَ مِنْهَا الْإِيمَانَ بِالرَّجْعَةِ؛ (۱) کسی که به هفت چیز معترف باشد، پس او مؤمن است و از جمله آن هفت چیز، ایمان به رجعت را ذکر فرمود.»

زنده شدن در رستاخیز مهدی(ع) که به رجعت معروف است، مثل قیامت کبری کلی و فراگیر نیست؛ بلکه جزئی و نسبی است.

ص: ۲۹۵

حضرت صادق(ع) می فرماید: «إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعِيَامَةٍ وَهِيَ خَاصَّةٌ لِمَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَ الشُّرْكَ مَحْضًا؛ (۱) رجعت، عمومی نیست، بلکه جنبه خصوصی دارد، تنها گروهی بازگشت می کنند که ایمان خالص یا شرک خالص دارند.»

رجعت در قرآن

آیاتی از قرآن کریم نشانگر این است که تاکنون در این دنیا رجعت صورت گرفته است. برخی از این آیات را در ذیل می آوریم.

(فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مَوْتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ)؛ (۲) «پس خداوند به آنان گفت: تن به مرگ بسپارید، آن گاه آنان را زنده ساخت.»

(ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ)؛ (۳) «سپس شما را پس از مرگتان حیات بخشیدیم، شاید شکر نعمت [او را] به جا آورید.»

ص: ۲۹۶

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

۲- . بقره/ ۲۴۳.

۳- . بقره/ ۵۶، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۷.

این آیه درباره بنی اسرائیل است که گروهی از آنها پس از تقاضای مشاهده خداوند گرفتار صاعقه مرگباری شدند و مردند، دوباره زنده شدند.

(فَأَمَّا تِلْكَ الْأُمَّةَ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثْنَا؛) (۱) «پس خداوند، او را (به مدت) صد سال میرانده، آن گاه او را برانگیخت.»

این آیه درباره پیامبری است که از کنار یک آبادی عبور می کرد؛ در حالی که دیوارهای آن فرو ریخته بود و اجساد و استخوانهای اهل آن در هر سو پراکنده شده بود. وی از خود پرسید: «چگونه خداوند اینها را پس از مرگ زنده می کند؟» خدا او را یکصد سال میراند و سپس زنده کرد و به او گفت: «چقدر درنگ کردی؟» عرض کرد: «یک روز یا قسمتی از آن.» فرمود: «بلکه یکصد سال بر تو گذشت.» (۲)

ص: ۲۹۷

۱- . بقره / ۲۵۹.

۲- . تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۶.

فصل سوم: شباهتها

شباهتهای رستاخیز مهدی(ع) با رستاخیز آخرت

انتقام از ظالمان و ستمگران

انتقام گرفتن از ستمگران و ظالمان به طور مشترک در قیامت کبری و رستاخیز مهدی(ع) مطرح است. در قیامت کبری و قیام ولی عصر(ع)، انسانهای مؤمن به پاداش و رحمت الهی می رسند، و انسانهای کافر و ظالم، به عذاب و کیفر الهی دچار می شوند.

انتقام خدا از ظالمان در قیامت

(فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدًا، وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدًا)؛ (۱)؛ «پس در آن روز هیچ کس چون عذاب کردن او، عذاب نمی کند و هیچ کس چون در بند کشیدن او، در بند نمی کشد.»

(إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَعِينُوا يُعَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ)؛ (۲) «ما برای ستمگران آتشی آماده کرده ایم که سرا پرده اش آنان را دربرمی گیرد، و اگر فریادرسی جویند، به آبی چون مس گداخته یاری می شوند.»

ص: ۲۹۸

۱- . فجر / ۲۵-۲۶.

۲- . کهف / ۲۹.

(إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا، لِلطَّاعِينَ مَأْبًا، لِابْتِئَانٍ فِيهَا أَحْقَابًا، لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا، إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَاقًا؛) (۱) «[آری]، جهنم [از دیرباز] کمین گاهی بود، [که] برای سرکشان بازگشتگاهی است. روزگاری دراز در آن درنگ کنند، در آنجا نه خنکی چشند و نه شربتی، جز آب جوشان و چرکابه ای.»

تجلی انتقام خداوند در انتقام مهدی(ع)

امام باقر(ع) در بیان شباهتهای حضرت مهدی(ع) با پیامبر اکرم(ص) فرمود: «فَخُزُّوْجُهُ بِالسَّيْفِ وَ قَتْلُهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ أَعْدَاءَ رَسُوْلِهِ(ص) وَ الْجَبَّارِيْنَ وَ الطَّوَاغِيْتِ؛» (۲) قیام با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و پیامبر، و جباران و سرکشان [از وجوه شباهت او] است.»

ص: ۲۹۹

۱- . نبأ / ۲۱- ۲۵.

۲- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷، باب ۳۲، ح ۷.

فصل چهارم: امام زمان (ع) از نگاه اهل سنت

امام مهدی (ع) از نگاه اهل سنت

مقدمه

اعتقاد به ظهور مهدی موعود (ع) بخشی از اعتقادات اسلامی را تشکیل می دهد و با وجود پاره ای از اختلاف نظرها در برخی جزئیات مربوط به شخص امام مهدی (ع) و نیز در باره چگونگی ظهور و تشکیل حکومت آن حضرت، تمامی مذاهب اسلامی به آمدن چنین شخصیتی در آخر الزمان باور دارند و بر خلاف نظر بعضی نویسندگان، این عقیده به مذهب شیعه اختصاص نداشته و ندارد.

این واقعیت با مراجعه به منابع روایی و دیدگاههای عالمان مذاهب اسلامی به خوبی روشن می شود. عالمان و دانشمندان چهار مذهب اصلی اهل سنت، یعنی: شافعیان، حنبلیان، مالکیان و حنفیان به این واقعیت تصریح دارند و آن را از جمله اعتقادات اسلامی بر شمرده و حتی برخی آن را ضروری دین نیز دانسته اند.

با این وصف، برخی نویسندگان اسلامی و به ویژه در دوره اخیر، از پذیرفتن اصل مهدویت سرباز زده اند و با دلایلی که به نظر می رسد برخی از آنها برگرفته از دیدگاههای مستشرقان باشد، به انکار مهدویت به عنوان عقیده ای اسلامی پرداخته و آن را بر آمده از تفکرات شیعه معرفی کرده اند. (۱)

ص: ۳۰۰

۱- برای روشن شدن بیشتر موضوع مراجعه شود به: ضحی الاسلام، احمد امین، ج ۳، ص ۲۴۳ و ذهنیت مستشرقین، عبدالحسین فخار، ص ۵۹.

بر خلاف این اظهار نظر غیر کارشناسانه، اعتقاد به حضرت حجت(ع) و تصریح بر اسلامی بودن این باور، از سده های نخستین تاریخ اسلام تاکنون وجود داشته و در آثار و نوشته های دانشمندان اسلامی منعکس شده است و نادیده گرفتن این واقعیت، همانند انکار امور بدیهی و واضح است.

در این نوشتار، برای اثبات این ادعا گفته ها و نوشته هایی از دانشمندان چهار مذهب اصلی اهل سنت ذکر می شود که به روشنی بیانگر این مهم است. البته باید اعتراف کرد که توجه به این موضوع در میان عالمان شافعی مذهب جایگاه ویژه و برتری داشته است و آثار و تألیفات آنان در این زمینه، بیش از آثار و تألیفات دیگر دانشمندان مذاهب اسلامی است.

ص: ۳۰۱

فصل چهارم: امام زمان(ع) از نگاه اهل سنت

امام مهدی(ع) از نگاه اهل سنت

الف) دانشمندان شافعی

آنان توجه خاص و ویژه ای به موضوع مهدویت داشته اند و در بسیاری از آثار و نوشته های خود، از زوایای مختلف به طرح این بحث و مباحث پیرامونی آن پرداخته اند. گاهی با ذکر روایات و احادیث مربوط، گاهی با بیان ویژگیها و اوصاف حضرت و دیگر گاه با رد اشکالات و شبهاتی که در این حوزه وارد شده است.

یادآوری این نکته مفید است که تعدادی از دانشمندان شافعی مذهب درباره خصوصیات و ویژگیهای امام(ع) با شیعه هم عقیده هستند و این واقعیت از لا به لای برخی نوشته های آنان مشهود است. برخی نوشته ها و نظریات تعدادی از نویسندگان شافعی مذهب ذکر می شود:

۱. کمال الدین محمد بن طلحه الشافعی (م قرن هفتم هـ. ق)

ص: ۳۰۲

وی با نوشتن کتاب «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول» دیدگاههای خود را در باره امامان معصوم(ع) بیان داشته است و همان گونه که از نام کتاب پیداست، مؤلف، آن را در باره فضایل و زندگی نامه امامان(ع) نگاشته است و به همین سبب، باب آخر کتاب را به امام مهدی(ع) اختصاص داده و در آنجا نظریات خود را در باره آن حضرت بیان داشته است.

نکته مهم و قابل توجه در اندیشه این نویسنده، این است که درباره شخص آن حضرت، به مانند شیعه معتقد است که ایشان فرزند حضرت عسکری(ع) است و اکنون نیز در قید حیات است. (۱)

برای اثبات ظهور امام(ع)، احادیث متعددی را از منابع اهل سنت ذکر کرده و در پایان نیز به بررسی و ارزیابی برخی اشکالات در باره حضرت مهدی(ع) پرداخته و به تفصیل آنها را پاسخ داده است. از جمله آن اشکالات اینکه چگونه مهدی موعودی که پیامبر(ص) وعده آمدن وی را داده است، همان محمد بن الحسن العسکری است؟

نویسنده در توجیه حدیث «اسم ایبه اسم ابی» که برخی منابع اهل سنت آن را به نقل از پیامبر(ص) ذکر کرده اند، توضیح مفصل و ارزشمندی را بیان داشته است.

ص: ۳۰۳

۲. گنجی شافعی (م قرن هفتم هـ. ق)

یکی از کتابهای خوب و منظمی که احادیث و مباحث مربوط به امام مهدی(ع) را با ترتیبی خاص و با ابواب و موضوعاتی منسجم ذکر کرده، کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان، نوشته گنجی شافعی است.

وی در مقدمه کتاب می نویسد: «من این کتاب را به نام البیان فی اخبار صاحب الزمان نامیدم و از ذکر هر روایتی که از طریق شیعه وارد شده، اجتناب کردم که شیعه هر چند نقلش صحیح باشد، برای آنان کارساز است... و استدلال به احادیث غیر شیعه، مسئله را تأکید بیشتری خواهد بخشید.» (۱)

نکته حائز اهمیت در این نوشته آن است که نویسنده با عنوانی که به آخرین باب داده _ بر خلاف نظر بیشتر اهل سنت _ امام مهدی(ع) را متولد شده می داند و معتقد است که وی دارای حیات است.

وی در ابتدای باب ۲۵ می نویسد:

ص: ۳۰۴

۱- . البیان فی اخبار صاحب الزمان، گنجی شافعی، مقدمه.

«هیچ امتناعی در بقای مهدی وجود ندارد؛ به دلیل اینکه عیسی و الیاس و خضر(ع) که از اولیای خداوند هستند، زنده اند و دجال و ابلیس که از دشمنان خداوند هستند نیز زنده اند و زنده بودن اینها به سبب قرآن و سنت اثبات شده است. آن گاه که بر این موضوع اتفاق کرده اند، زنده بودن مهدی را انکار کرده اند. پس، بعد از این به سخن هیچ عاقلی توجه نمی شود، اگر بخواهد باقی بودن مهدی را انکار کند.»(۱)

نویسنده در ادامه با ذکر دلایل و مستندات، زنده بودن عیسی و خضر(ع) را اثبات می کند و از این دلایل نتیجه می گیرد که زنده ماندن امام مهدی(ع) در مدت طولانی هیچ استبعادی ندارد.

۳. اسماعیل بن کثیر(م ۷۷۴هـ. ق)

ص: ۳۰۵

۱- . البیان فی اخبار صاحب الزمان، گنجی شافعی، مقدمه ، ص ۹۷.

وی در کتاب النهایه فی الفتن و الملاحم، فصل ویژه ای برای امام مهدی(ع) گشوده و ضمن توضیحاتی در باره ایشان، احادیث و روایات زیادی را نقل کرده و در پاره ای از موارد به توضیح آنها نیز پرداخته است. وی عنوان این فصل را چنین ذکر کرده: «فصل فی ذکر المهدی الذی یکون فی آخر الزمان».

در ابتدای این فصل این چنین آغاز می کند:

«مهدی(ع) یکی از خلفای راشدین و از امامان هدایتگر است که روایات منقول از رسول خدا(ص) درباره او نقل شده و گویای این است که حضرت در آخر الزمان خواهد آمد و به گمانم ظهورش پیش از آمدن عیسی(ع) باشد.» (۱)

وی تصریح می کند که مهدی موعود(ع) از ذریه رسول خدا(ص) و از فرزندان فاطمه(س) است. (۲)

ص: ۳۰۶

-
- ۱- . النهایه فی الفتن و الملاحم، ابن کثیر، ج ۱، ص ۲۴.
 - ۲- . النهایه فی الفتن و الملاحم، ابن کثیر، ج ۱، ص ۲۸.

نویسنده پس از ذکر برخی از احادیث، در باره سند آنها به قضاوت نشسته و در چند مورد، اسناد این روایات را صحیح و یا حسن دانسته است. (۱)

۴. سعد الدین تفتازانی (م ۷۹۳ هـ. ق)

وی در مبحث امامت کتاب شرح المقاصد که آخرین بخش این کتاب است، به موضوع ظهور امام مهدی (ع) توجه کرده، می نویسد:

«روایات صحیحی ای در مورد ظهور پیشوایی از نسل فاطمه (س) آمده [است] و چنین دلالت دارد که آن حضرت، دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، پس از پر شدنش از ظلم و ستم...» (۲)

وی در ادامه، ظهور امام (ع) را از جمله نشانه های قیامت بر شمرده و مجدداً بر صحت اخبار مهدویت تأکید ورزیده است؛ هر چند آنها را احادیث آحاد دانسته است. (۳)

البته وی نگاهی نقادانه به نگرش شیعه به مهدویت دارد و زنده بودن امام مهدی (ع) را امری بعید می داند. (۴) ظاهراً مهم ترین دلیل وی در این مطلب، همین استبعاد حیات حضرت شمرده می شود. معلوم است استبعاد تنها، نمی تواند دلیل قانع کننده و درستی باشد؛ چون واضح است که اگر با استبعاد تنها بشود موضوعی را منکر شد، بسیاری از مباحث و مسائل به راحتی قابل انکار خواهد بود و البته این شیوه ای پسندیده نیست.

ص: ۳۰۷

-
- ۱- . النهایه فی الفتن و الملاحم، ابن کثیر، ج ۱، صص ۲۶ و ۲۸.
 - ۲- . شرح المقاصد، تفتازانی، ص ۳۱۲.
 - ۳- . شرح المقاصد، تفتازانی، ص ۳۱۲.
 - ۴- . شرح المقاصد، تفتازانی، ص ۳۱۳.

وی از نویسندگان برجسته اهل سنت در زمینه های گوناگون حدیثی، تفسیری و علوم قرآنی است، تألیف مستقلی در باره امام زمان(ع) دارد با نام العرف الوری فی اخبار المهدی و در آن صدها حدیث را از منابع متعدد و مختلف اهل سنت جمع آوری کرده است.

این کار، نشان از اهتمام و توجه جدی وی به این موضوع دارد. نویسنده، بیشتر به نقل احادیث اکتفا کرده و به ندرت توضیحاتی در باره آنها ذکر کرده است. وی در پایان، فصلی را گشوده و در آن چهار نکته مهم را یادآوری کرده است که عبارت است از:

۱. مهدی(ع) یکی از خلفای دوازده گانه ای است که در حدیث سمره ذکر شده است؛

۲. مهدی(ع) نمی تواند از فرزندان عباس بن عبدالمطلب باشد؛

۳. سند حدیث «لَا مَهْدِي إِلَّا عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ» ضعیف است؛ چون متعارض است با نقل متواتری که گویای ظهور مهدی(ع) است و اینکه وی از فرزندان رسول خدا(ص) است و عیسی پشت سر او نماز خواهد خواند؛

۴. آنچه نقل شده که مهدی(ع) از مغرب ظهور خواهد کرد، هیچ پایه و دلیلی ندارد. (۱)

افزون بر آنچه وی در این اثر نقل کرده است، در برخی دیگر از آثارش، همانند «الجامع الصغیر» احادیثی را در باره امام عصر(ع) ذکر کرده است. (۲)

۶. ابن حجر هیتمی (م ۹۷۴ هـ. ق)

وی در کتاب الصواعق المحرقة، ذیل آیه دوازدهم که در فضایل اهل بیت(ع) نقل کرده، روایات مربوط به امام مهدی(ع) را با تفصیل زیادی از منابع متعدد اهل سنت آورده است و در ادامه می نویسد:

«قول بهتری است که خروج امام مهدی(ع) پیش از ظهور عیسی(ع) است؛ ولی برخی نیز گفته اند: پس از آن است. ابو الحسن آبری (۳) می گوید: روایات ظهور مهدی(ع) که از رسول خدا(ص) نقل شده است و متواتر و مستفیض هستند، دلالت دارند بر اینکه وی از اهل بیت پیامبر(ص) است و زمین را پر از داد می کند و همراه عیسی(ع) خروج می کند و او را در کشتن دجال در درب «لد» (۴) در سرزمین فلسطین یاری می رساند و او امام این امت خواهد شد و عیسی(ع) پشت سر او به نماز می ایستد.» (۵)

ص: ۳۰۹

۱- الحاوی للفتاوی، سیوطی، ج ۲، ص ۱۶۵ و ۱۶۶.

۲- الجامع الصغیر، همو، ص ۵۵۲ و ۵۵۳.

۳- محمد بن حسین بن ابراهیم آبری است که پیشوا، حافظ و محدث بود و در مناقب شافعی کتاب دارد و در سال ۳۶۳ هـ. ق وفات کرده است. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۲۹۹.

۴- لد با ضمه و تشدید، جمع الد: روستایی است نزدیک بیت المقدس از نواحی فلسطین که عیسی(ع) در درب آن، دجال را خواهد کشت؛ مرصد الاطلاع، ج ۳، ص ۱۲۰۲.

۵- الصواعق المحرقة، هیشمی، ص ۱۶۷.

وی در شرح حال ابی القاسم محمد الحججه می گوید:

«سن وی هنگام وفات پدر، پنج سال است که خداوند در این سن به وی حکمت عطا کرد.» (۱)

با اینکه سخن وی صراحت در تولد پسر امام عسکری (ع) دارد؛ اما در ادامه و نیز در جایی دیگر، به شدت بر شیعیان تاخته است که چرا آنان مهدی موعود (ع) را همان فرزند امام عسکری (ع) دانسته اند.

هیثمی در جایی دیگر و در پاسخ به پرسشی درباره اعتقاد به یک مدعی مهدویت و نیز سؤال در باره حکم منکران حضرت حجت (ع) چنین نوشته است:

«اعتقاد این گروه (معتقدان به مهدی بودن آن شخص) باطل و زشت است و بدعتی فاحش و گمراهی حتمی است و اما انکار مهدی (ع) اگر برای انکار سنت باشد، حکم کفر و ارتداد آنان باید صادر شود و کشته شوند و اگر این انکار، نه به خاطر انکار سنت، بلکه صرف دشمنی با بزرگان اسلامی باشد، پس تعزیر آنان لازم است.» (۲)

وی ضمن یادآوری مطلب یاد شده و تأکید بر آن در کتاب «الفتاوی الحدیثیه» برای استوار کردن رد این افکار و عقاید، احادیث متعدد و مختلفی را در باره امام مهدی (ع) ذکر کرده و به استناد آنها، ادعای آنان را غیر قابل قبول معرفی کرده است.

(۳)

ص: ۳۱۰

۱- الصواعق المحرقة، هیثمی، ص ۲۰۸.

۲- به نقل از: البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، متقی هندی، ج ۲، ص ۸۷۲ و ۸۷۳.

۳- الفتاوی الحدیثیه، ابن حجر هیثمی، ص ۳۷ و الامام المهدی عند اهل السنه، فقیه ایمان، ص ۳۷۷ و ۳۷۸.

ضمنا وی کتابی مستقل در باره امام مهدی(ع) با نام القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر نوشته است. این کتاب در سه باب و یک خاتمه خلاصه شده و باب اول به بیان نشانه ها و خصوصیات که برای امام عصر(ع) در روایات آمده، اختصاص یافته است. در این قسمت با استناد به احادیث، ۶۳ عنوان را یادآور شده است.

در باب دوم، روایاتی را که از صحابه ذکر شده، نقل کرده و در آن ۳۹ حدیث را آورده است. در باب سوم آنچه که از تابعین در باره امام(ع) نقل شده، آورده است که جمع آنها ۵۶ حدیث است. در خاتمه کتاب، مباحث مختلفی از قبیل: خروج امام(ع) پیش از آمدن عیسی(ع)، علامات نزول عیسی(ع)، خروج یاجوج و ماجوج و نیز خروج دابه الارض را با تکیه بر احادیث و گفته های علما ذکر کرده است.

افزون بر این چند مورد که از میان علمای شافعی مذهب ذکر شد، شمار زیادی از دانشمندان شافعی، در باره امام زمان(ع) با صراحت اظهار نظر کرده اند و برخی حتی تألیف مستقل و ویژه ای در این باره به سامان رسانده اند که به سبب رعایت اختصار تنها نام چند نفر از آنها برده می شود: ۱. مناوی (م ۱۰۳ هـ. ق) در کتاب «فیض القدر»؛ ۲. محمد رسول برزنجی (م ۱۱۰۳ هـ. ق) در کتاب «الاساعه لاشراط الساعه»؛ ۳. محمد الصبان (م ۱۳۰۷ هـ. ق) در کتاب اسعاف الراغبین و ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون.

فصل چهارم: امام زمان(ع) از نگاه اهل سنت

امام مهدی(ع) از نگاه اهل سنت

ب) دانشمندان حنبلی

۱. امام احمد بن حنبل (م ۲۴۱ هـ. ق)

وی رئیس فرقه حنبلیه است و نویسنده یکی از گسترده ترین و کهن ترین جوامع حدیثی اهل سنت نیز به شمار می رود. وی در این مجموعه حدیثی، احادیث متعددی را در باره امام مهدی(ع) ذکر کرده است. یکی از فضیلتی محترم حوزه علمیه قم در اقدامی شایسته، احادیث مربوط به امام عصر(ع) را از این کتاب حدیثی، جمع آوری کرده و با نام احادیث المهدی علیه السلام من مسند احمد بن حنبل به چاپ رسانده است. (۱)

در این کتاب، ۱۳۶ حدیث از مسند احمد استخراج شده و طی چند بخش تنظیم شده است که در بردارنده موضوعات متعدد و مختلفی در باره حضرت مهدی(ع) است. از نشانه های ظهور آن حضرت تا ظهور و وضعیت عصر ظهور و دیگر موضوعات مرتبط با صاحب الزمان.

ص: ۳۱۲

۱- احادیث المهدی(ع) من مسند احمد بن حنبل، سید محمد جواد حسینی جلالی.

ممکن است گفته شود: چون احمد بن حنبل در باره این احادیث قضاوت خاص نداشته است، پس ذکر این احادیث نمی تواند دلیلی برای اثبات دیدگاه و نظر او در این باره باشد؛ ولی در جواب باید گفت: ثبت این تعداد زیاد از احادیث در این جامع حدیثی کهن، حتما نشان از پذیرش و اعتماد نویسنده بر این احادیث دارد و چنین اهمیتی از سوی وی، حکایت از مقبولیت محتوای آنها نزد وی دارد. بنابراین، مهم ترین شخصیت فرقه حنبلی که در موضوع مهدویت دیدگاهش روشن و مشخص است، امام آنها یعنی احمد بن حنبل است.

۲. ابن قیم جوزیه حنبلی (م ۷۵۱ هـ. ق)

وی که از نویسندگان سرشناس و معروف اهل تسنن است، فصل پنجاهم کتاب «المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف» را به مباحث مربوط به امام مهدی (ع) اختصاص داده است. (۱) وی در ردّ حدیث جعلی «لَا مَهْدِيَّ إِلَّا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ»؛ (۲) (هیچ مهدی، جز عیسی وجود ندارد). مطالب و مباحث مختلفی را ذکر کرده است. او از قول برخی دانشمندان اهل سنت، از جمله احمد بن الحسین آبری، تواتر روایات نبوی را در باره امام مهدی (ع) یاد آور می شود و می گوید: «تواتر در این باره وجود دارد که آن حضرت از اهل بیت رسول خدا (ص) است و عیسی (ع) هنگام ظهور وی، خواهد آمد و در نماز به او اقتدا خواهد کرد.» (۳)

ص: ۳۱۳

۱- المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف، شمس الدین بن قیم جوزیه، ص ۱۴۱.

۲- المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف، شمس الدین بن قیم جوزیه، ص ۱۴۱

۳- المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف، شمس الدین بن قیم جوزیه، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

وی در ادامه برای تأکید گفته آبری، روایات متعددی را از منابع اهل سنت ذکر کرده، هنگام تقسیم بندی این احادیث، تصریح دارد که اینها چهار دسته هستند: صحیح، حسن، غریب و موضوع.

به این ترتیب، تعدادی از احادیث امام مهدی(ع) را صحیح و حسن دانسته و آنها را دارای حجیت و قابل برای استدلال معرفی کرده است.

۳. یحیی بن محمد حنبلی (م قرن دهم هـ. ق.)

وی در پاسخ به پرسشی درباره معتقدان به یک مدعی مهدویت و نیز در باره منکران اصل مهدویت چنین نوشته است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ اللَّهُمَّ اهْدِنَا لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ! عقیده مذکور بدون شک، باطل است؛ چون مستلزم مخالفت و ردّ احادیث صحیحی است که از پیامبر(ص) رسیده و پیامبر(ص) در این احادیث از ظهور مهدی(ع) در آخر الزمان خبر داده و ویژگیهای شخصی مهدی(ع) و حوادث زمان ظهور را یاد کرده است. یکی از علائم مهم ظهور مهدی(ع) که کسی نمی تواند مدعی وقوع آن شود، فرود آمدن حضرت عیسی(ع) از آسمان و قرار گرفتن او در کنار مهدی(ع) و نماز گزاردن او پشت سر آن حضرت و همین طور خروج دجال و کشته شدن او است... و کسی که مهدی موعود(ع) را تکذیب کند، رسول خدا(ص) به کفر او خبر داده است...» (۱)

ص: ۳۱۴

۱- البرهان فی علامات صاحب الزمان، متقی هندی، ج ۲، ص ۸۷۵ و ۸۷۶.

فصل چهارم: امام زمان (ع) از نگاه اهل سنت

امام مهدی (ع) از نگاه اهل سنت

ج) عالمان حنفی و مهدویت

تعدادی از عالمان و نویسندگان حنفی مذهب، در باره مهدویت و اعتقاد به مهدی آخرالزمان، نوشته‌ها و آثار خوب و ارزشمندی را از خود بر جای گذاشته‌اند. در پاره‌ای از موارد، افزون بر اصل اعتقاد به ظهور امام مهدی (ع) مانند شیعه به زنده بودن وی نیز معتقدند. اکنون دیدگاه چند نفر از دانشمندان حنفی مذهب در پی می‌آید:

۱. ابن جوزی (م ۶۵۰هـ. ق)

وی در کتاب معروفش، تذکره خواص الامه فی خصائص الائمه علیهم السلام، فصلی جداگانه به حضرت مهدی (ع) اختصاص داده و مباحث و موضوعات مختلفی در این باره نگاشته است و در آغاز این فصل می‌گوید:

ص: ۳۱۵

«فصل فی ذکر الحججه المهدی هو محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا و کنیته ابو عبد الله و ابو القاسم و هو الخلف الحججه صاحب الزمان.»

آن گاه روایاتی از منابع اهل سنت ذکر می کند که در آنها موضوعات مربوط به امام مهدی(ع) مطرح شده است. سپس ابن جوزی به دیدگاه امامیه در باره زنده بودن آن امام پرداخته، برخی دلایل شیعیان در این باره را یاد آور شده است. (۱) از نوشته ابن جوزی چنین بر می آید که وی اعتقاد شیعه را در باره امام مهدی(ع) پذیرفته و آن را منطقی و قابل قبول دانسته است.

۲. ابن طولون دمشقی (م ۹۳۵ هـ. ق)

وی در حدیث، فقه و تاریخ صاحب نظر و در بسیاری از موضوعات دارای آثار و نوشته هایی بوده است. او کتابی با نام الاثمه الاشاعه دارد که بخشی را به الحججه المهدی اختصاص داده و در آن به بحث در باره امام عصر(ع) پرداخته است. در این اثر، بیشتر عقاید و اندیشه های شیعه درباره ولادت امام زمان(ع) و زنده بودن آن حضرت را نوشته است و هر چند با صراحت این عقاید را نپذیرفته است؛ ولی از لا به لای نوشته وی چنین بر می آید که به قبول آنها تمایل دارد. البته اظهار نظر صریح را به کتاب دیگرش با نام الهدی الی ماورد فی المهدی موکول کرده و ظاهرا از این نوشته هم اثری باقی نمانده است.

ص: ۳۱۶

۱- تذکره الخواص، ابن جوزی، ص ۳۲۵.

ابن طولون در کتاب الاثمه اثنا عشر با احترام و تجلیل فراوان، اسامی امامان دوازده گانه شیعه را در اشعاری گنجانده است.
(۱)

۳. عبدالوهاب شعرانی (م ۹۷۳ هـ. ق)

وی در باب ۵۶ کتاب الیواقیت و الجواهر، نشانه های قیامت را در احادیث، ذکر می کند که از جمله آنها، خروج ولی عصر(ع) است. نکته قابل توجهی که وجود دارد، این است که وی با وجود حنفی بودن، به مانند شیعه معتقد است امام مهدی(ع) فرزند امام یازدهم(ع) و اکنون زنده و در قید حیات است و تا زمان ظهور عیسی(ع) نیز زنده خواهد ماند. به متن عبارت وی بنگرید:

«وی (امام مهدی(ع)) از فرزندان امام عسکری(ع) است و ولادتش در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ. ق اتفاق افتاده و تا زمان آمدن عیسی(ع) زنده خواهد ماند.» (۲)

ص: ۳۱۷

۱- الامام المهدی عند أهل السنه، فقیه ایمانی، ج ۱، ص ۴۰۳ و ۴۰۵.

۲- الیواقیت و الجواهر، شعرانی، ج ۲، باب ۶۲، ص ۵۶۲.

بدین شکل، وی نه تنها آمدن و ظهور امام مهدی(ع) را در آخر الزمان از جمله موارد حتمی بر شمرده است؛ بلکه تولد آن حضرت و حیات ایشان را تا زمان ظهور قبول دارد و از این جهت، اندیشه و عقیده وی به عقیده شیعه بسیار نزدیک است.

۴. ابو السرور حنفی (م قرن دهم هـ. ق)

وی مفتی حنفیها در شهر مکه بوده است. جماعتی از مسلمانان هند از علمای آن زمان مکه استفتائاتی کرده و از آنان خواسته اند که نظرشان را درباره اعتقاد به یک مدعی مهدویت و نیز منکران مهدویت بنویسند. ابوالسرور در پاسخ، چنین گفته است:

«اعتقاد این طایفه زشت کردار باطل است و بوج. باید با عقیده باطل و پیروان آن به سختی مبارزه کرد و این فکر یاوه را از مغز آنان در آورد؛ چون این عقیده مخالف است با احادیث صحیح و سنن صریح و متواتری که به وسیله راویان بسیار و اخبار فراوان رسیده است و آن احادیث و سنن همه می گوید که مهدی موعود(ع) که در آخر الزمان خروج می کند، همراه عیسی(ع) خواهد آمد و با کمک او، دجال را خواهد کشت. برای ظهور او، علامتهایی است؛ از جمله: خروج سفیانی و گرفته شدن ماه و خورشید در ماه رمضان بر خلاف معمول.»^(۱)

از این گفته به خوبی نگاه مذهب حنفی به موضوع امام مهدی(ع) آشکار و معلوم می شود که نه تنها آنان این فکر را قبول دارند؛ بلکه آن را مضمون احادیث صحیح و متواتر می دانند و این نکته بسیار مهمی است.

ص: ۳۱۸

۱- البرهان فی علامات صاحب الزمان، متقی هندی، ج ۲، ص ۸۷۴.

وی که متولد شده در بلخ است، بیشتر تحصیلاتش را در همان دیار سپری کرد و ادامه تحصیلات را در بخارا گذراند. پس از آن به تصوف و عرفان روی آورد و از بزرگان صوفیه شد. بدین شکل، هم در مباحث نقلی و هم طریقی صاحب مقاماتی شد.

او کتاب ینابیع الموده را در مناقب و فضایل اهل بیت (ع) نگاشته و بخش عمده ای از آن را به مباحث مربوط به صاحب الزمان (ع) اختصاص داده است. وی آیات تفسیر و تأویل شده در باره آن حضرت را ذکر کرده و نیز روایات نقل شده درباره ایشان از نقل شده، از منابع مختلف ذکر کرده است. همین طور، احادیث خلفای دوازده گانه و تفسیرهایی که برای آنها شده را ذکر کرده و نقلهای موجود درباره ولادت ایشان را آورده است. همچنین وی آن دسته از علمای سنی مذهب را نام برده است که بر ولادت وی تصریح کرده اند. در بخش دیگر، کرامات و خارق عادهایی را نقل کرده است که آن حضرت انجام داده و ملاقات کنندگان با ایشان را در دوره غیبت یاد آور شده است. (۱)

از مجموع نوشته های وی چنین بر می آید که نویسنده درباره امام مهدی (ع) همانند شیعه می اندیشد و به ولادت و زنده بودن آن حضرت معتقد است.

ص: ۳۱۹

وی در کتاب غایه المواعظ در بخش شمارش نشانه های برپایی قیامت _ به مانند برخی دیگر از دانشمندان اهل سنت _ ظهور خاتم اوصیا(ع) را از جمله این نشانه ها دانسته و گفته است که قول صحیح تر نزد بیشتر عالمان و دانشمندان، ظهور و خروج امام مهدی(ع) است.

وی از قول ابن حجر هیثمی در الصواعق المحرقة نقل می کند که آیه (وَ إِنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلسَّاعَةِ) (۱) درباره امام مهدی(ع) نازل شده است. آن گاه در ادامه می گوید که در باره آمدن امام زمان(ع)، احادیث و اخبار متعددی وارد شده و به همین مناسبت، تعدادی از این احادیث را ذکر کرده است. در باره سیر حکومتی که امام خواهد داشت، بحثهایی را مطرح کرده و به نظریات عالمان معروف اشاره کرده است. وی در پایان، با اشاره به اعتقاد شیعه درباره زنده بودن امام(ع) این باور را مردود می داند و آن را انکار می کند؛ البته دلیل خاصی برای این کار ارائه نکرده است. (۲)

ص: ۳۲۰

۱- زخرف / ۶۱.

۲- الامام المهدی عند أهل السنه، فقیه ایمانی، ج ۲، ص ۱۵۷ - ۱۶۱.

د) امام مهدی(ع) در نگاه مالکیان

فصل چهارم: امام زمان(ع) از نگاه اهل سنت

امام مهدی(ع) از نگاه اهل سنت

د) امام مهدی(ع) در نگاه مالکیان

علمای فرقه مالکی همانند دیگر عالمان مذاهب اسلامی، باور به ظهور و فرج ولی عصر(ع) را یکی از اعتقادات خود دانسته و بر آن تأکید ورزیده اند. این واقعیت در نوشته ها و آثار آنان کاملاً مشهود و واضح است. در دوره های مختلف، تصریح بر این عقیده در لا به لای کتابها و نوشته های آنها دیده می شود. اکنون برای نمونه به گزارشی از نوشته ها و گفته های برخی از دانشمندان برجسته این فرقه پرداخته می شود:

۱. قرطبی مالکی (م ۶۷۱ هـ. ق)

ص: ۳۲۱

او از جمله عالمان و نویسندگان معروف اهل سنت است. وی آثار علمی و مشهوری از خود بر جای گذاشته که مهم ترین آنها تفسیر الجامع لأحكام القرآن است. قرطبی در کتاب دیگرش با نام التذکره فی احوال الموتی و امور الآخره ابواب و فصولی را به بحث در باره امام مهدی(ع) اختصاص داده و با بیان احادیث متعددی از منابع اهل سنت، این موضوع را دنبال کرده و در توضیح برخی از این احادیث، مطالبی را درباره امام مهدی(ع) بیان داشته است. (۱) البته نویسنده در تفسیر آیه ۳۳ سوره توبه، در کتاب تفسیرش، مضمون آن آیه را که وعده خداوند بر غلبه دین اسلام است، بنا بر قولی منطبق بر عصر و زمان حضرت حجت(ع) دانسته است. (۲)

۲. ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵ هـ. ق)

ص: ۳۲۲

۱- التذکره فی احوال الموتی و امور الآخره، قرطبی، ج ۲، ص ۸۷۵.

۲- الجامع لأحكام القرآن، قرطبی، ج ۴، ص ۴۵.

وی که از بزرگان فرقه مالکی در عصر و زمان خود بوده است، کتابی با نام الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه (ع) نگاشته و انگیزه تألیف آن را بیان شرح حال و مقامات ائمه دوازده گانه (ع) معرفی کرده است. او این نوشته را بنا بر درخواست برخی معاصران خود به سامان رسانده است. (۱) وی در فصل دوازدهم این کتاب، شرح حال و خصوصیات امام زمان (ع) را ذکر کرده و در آن، مباحث مختلف و احادیث گوناگونی در باره امام مهدی (ع) آورده است. همچنین وعده رسول خدا (ص) به ظهور آن حضرت را اثبات کرده و از نسب آن بزرگوار سخن گفته است.

نکته قابل توجه در نوشته های این نویسنده آن است که به مانند برخی دیگر از عالمان اهل سنت، به ولادت امام عصر (ع) معتقد و بر این باور است که آن حضرت، اکنون زنده و در قید حیات است. (۲)

ص: ۳۲۳

-
- ۱- الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی، ص ۱۹.
 - ۲- الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی، ص ۲۸۸.

۳. محمد بن محمد بن الخطاب المالکی (م قرن دهم هـ. ق)

وی در پاسخ به پرسشی در باره معتقدان به میتی که مدعی مهدویت بوده و نیز درباره منکران مهدویت گفته است:

«عقیده طایفه یاد شده، در باره آن میت در گذشته که او مهدی موعود است و باید در آخر الزمان ظهور کند، باطل و پوچ است؛ به سبب احادیث صحیحی که دلالت دارد بر وجود مهدی (ع) و خروج او و نیز حوادثی که در آستانه ظهور او اتفاق خواهد افتاد؛ همانند: ظهور سفیانی، فرو رفتن وی و لشکرش در زمین منطقه بیداء، کسوف خورشید در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در اول آن... و نیز به سبب احادیثی که دلالت بر این دارند که مهدی (ع) فرمانروای زمین خواهد شد و دجال، در روزگار وی ظهور خواهد کرد و دیگر علامات که هیچ کدام در دوره این شخص مرده ای که بدان اشاره شد، تحقق نیافته است.»

۴. شیخ محمد الصبان (م ۱۳۰۷ هـ. ق)

ص: ۳۲۴

وی در کتاب اسعاف الراغبین، فصلی را به بحث درباره امام عصر(ع)، نسب ایشان و محل ظهور و نیز نشانه های خروج حضرت بیان داشته است. افزون بر ذکر روایاتی در این باره مطالب مختلفی در تأیید این موضوع از بزرگانی چون محی الدین عربی و شعرانی نقل می کند:

عربی در جمع بین روایاتی که ولی عصر(ع) را از نسل امام حسین(ع) می شمارد و روایاتی که آن حضرت را از نسل حضرت مجتبی(ع) می داند، مطالب متنوعی را بیان داشته است. (۱)

۵. محمد بن جعفر بن ادريس الکتانی المالکی (م ۱۳۴۵ هـ . ق)

وی در کتاب نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، احادیث متواتری را جمع آوری کرده و روایات مربوط به امام مهدی(ع) را از جمله آنها دانسته است. او با استناد به سخنان و گفته های دانشمندان معروف اهل سنت بر تواتر این احادیث پای می فشارد و معتقد است که آمدن و ظهور امام زمان(ع) بر اساس این احادیث و نیز وعده هایی که در آنها داده شده است، از ضروریات و موارد حتمی است. (۲)

ص: ۳۲۵

۱- . الامام المهدی(ع) عند اهل السنه، ج ۲، ص ۲۸ - ۴۰.

۲- . نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، ص ۱۴۴ - ۱۴۶.

غیبت امام زمان (ع) در اندیشه امام صادق (ع)

مقدمه

فصل پنجم: عصر غیبت

غیبت امام زمان (ع) در اندیشه امام صادق (ع)

مقدمه

فرصت طلایی عصر حضرت صادق (ع) از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، فرصتی استثنایی برای ترویج فرهنگ اهل بیت (ع) بود. آن بزرگوار نیز به خوبی از این موقعیت استفاده کرد (۱) و علوم گوناگون را به شاگردانش تعلیم داد؛ از جمله مسائلی را که آن جناب به خوبی بیان و تثبیت نمود، مسئله غیبت امام مهدی (ع) و مسائل مربوط به مهدویت بود.

آنچه پیش رو دارید، نگاهی به غیبت ولی عصر (ع) در اندیشه بلند امام به حق ناطق، حضرت صادق (ع) است.

ص: ۳۲۶

غیبت امام زمان (ع) در اندیشه امام صادق (ع)

الف) تثبیت اصل مهدویت

اصل مهدویت و ظهور امامی که جهان را پر از عدل و داد کند، از مسلمات دین اسلام و اتفاق بین همه مسلمانان است. پیامبر اکرم (ص) و جانشینان پس از او، از جمله امام ششم (ع) تلاشهای بسیاری برای به وجود آمدن چنین اتفاقی انجام دادند که به دو نمونه اشاره می شود:

۱. ابان بن عثمان از امام صادق (ع) نقل کرده است که پیامبر اکرم (ص) در حدیثی به علی (ع) فرمود: «كَانَ جَبْرِئِيلُ (ع) عِنْدِي أَنفَا وَ أُخْبِرَنِي أَنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ؛ (۱) (ع) جبرئیل (ع) همین الآن نزد من بود و به من خبر داد قائمی که در آخر الزمان قیام می کند و زمین را پر از عدل می کند همچنان که از ظلم و ستم پر شده است، از نسل تو از فرزندان حسین (ع) است.»

۲. معاویه بن عمّار از حضرت صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «إِنَّ جَبْرِئِيلَ (ع) أَتَانِي فَأَقْرَأَنِي مِنْ رَبِّي السَّلَامَ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ... وَمِنْكُمْ الْقَائِمُ يُصَلِّي عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ إِذَا أَهْبَطَهُ اللَّهُ إِلَى الْأَرْضِ مِنْ ذُرِّيَّةِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ (ع)؛ (۲) (ع) همانا جبرئیل (ع) همانا جبرئیل (ع) نزد من آمد و سلام پروردگارم را به من رساند و فرمود: ای محمد!... قائم از شماست که عیسی بن مریم (ع) پشت سر او نماز می گذارد، آن زمانی که خداوند او را [از آسمان] به سوی زمین فرود آورد. [او] از نسل علی و فاطمه و از فرزندان حسین (ع) است.»

ص: ۳۲۷

۱- . الغيبة، نعمانی، تحقیق علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، ب ۱۴، ص ۲۴۷ و ۲۴۸، ح ۱.

۲- . روضه الکافی، کلینی، تصحیح علی اکبر غفاری، دار الاضواء، ج ۸، ص ۴۲، ح ۱۰.

غیبت امام زمان (ع) در اندیشه امام صادق (ع)

(ب) حکم منکران مهدی (ع)

با همه اتفاقی که بین مسلمین درباره حضرت مهدی (ع) وجود دارد، بوده اند و هستند کسانی که گاه مسئله مهدویت و اقرار به امامت آن حضرت را انکار می کنند. حضرت صادق (ع) پیش از ولادت امام زمان (ع) حکم منکران او را بیان کرده است:

صفوان بن مهران از امام ششم (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «مَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ الْمَهْدِيَّ كَأَنْ كَانَ كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ مُحَمَّدًا نُبُوَّتُهُ؟» (۱) کسی که به همه امامان اقرار کند و مهدی را انکار کند، مانند کسی است که به همه پیامبران اقرار کند و نبوت محمد (ص) را انکار کند.»

در روایت دیگری غیث از امام جعفر بن محمد (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛» (۲) کسی که قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند، به مرگ جاهلی می میرد.» یعنی نامسلمان از دنیا می رود؛ چنان که نشناختن امام هر زمان، طبق روایت معروف بین فریقین: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (۳) باعث مرگ جاهلی است.

ص: ۳۲۸

- ۱- . اکمال الدین، ترجمه منصور پهلوان، مسجد جمکران، ج ۲، ب ۳۳، ص ۳، ح ۱.
- ۲- . همان، ب ۳۹، ص ۱۲۵، ح ۱۲.
- ۳- . بحار الأنوار، تهران، ج ۲۵، ص ۱۵۷، ح ۳۰: کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است.

نکته اضافه در روایت فوق، انکار آن حضرت در دوران غیبت است که دامن جمع زیادی را می گیرد؛ همانهایی که اصل ظهور و آمدن آن حضرت را قبول دارند؛ اما تولد، حیات و غیبت او را انکار می کنند.

ص: ۳۲۹

غیبت امام زمان (ع) در اندیشه امام صادق (ع)

ج) تأکید بر وقوع غیبت

از مسائلی که سخت کوشیده اند تا پیش از ولادت حضرت، شیعه را برای آن آماده کنند، مسئله دوران غیبت امام زمان (ع) است. از شخص پیامبر اکرم (ص) گرفته تا امامان بعدی بر این مسئله تأکید کرده اند؛ اما حضرت صادق (ع) با توجه به فرصتی که برای او پیش آمد، بیش از امامان دیگر مسئله غیبت و طولانی بودن و سخت بودن آن را گوشزد فرمود:

۱. غیبت، حتمی است

زراره از امام صادق (ع) نقل کرده است که فرمود: «إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ قُلْتُ وَلِمَ قَالَ إِنَّهُ يَخَافُ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ يَعْزِي الْقُتْلَ؛ (۱)» به راستی برای قائم، غیبتی است پیش از اینکه قیام کند. عرض کردم: چرا [غائب می شود]؟ فرمود: به ترسی که دارد. و با دستش به شکم خویش اشاره کرد؛ یعنی [به سبب] کشته شدن.»

البته منظور این نیست که حضرت از مرگ ترس دارد که بر اولیای الهی چنین ترسی راه ندارد؛ بلکه ترس از این دارد که با کشته شدن او، داستان عدل جهانی و آرزوی همیشگی بشر تحقق نیابد.

ص: ۳۳۰

۱- اصول کافی، کلینی، ترجمه مصطفوی، علمیه اسلامیة، ج ۲، ص ۱۳۷، ح ۹ و ص ۴۰، ح ۱۸.

مفضل بن عمر» از حضرت صادق (ع) نقل می کند که آن بزرگوار فرمود: «أما واللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ إِمَامُكُمْ سِنِينَا مِنْ دَهْرِكُمْ وَلَتَمَّحْضَنَّ حَتَّى يُقَالَ مَاتَ قِتْلَ هَلْمَكِ بِبَأَىِّ وادٍ سَيْلِكَ وَلَتَيْدَمَعَنَّ عَلَيْهِ عُيُونُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَتُكْفَوْنَ كَمَا تُكْفَى السُّفْنُ فِي أَمْوَاجِ الْبُحْرِ؛ به خدا سوگند! امام شما سالیانی از روزگارتان غیبت کند و حتما آزمایش می شوید تا آنجا که گفته شود: او مرده [یا] کشته [و یا] هلاک شده [و] به کدام وادی رفته است؟ و چشمان مؤمنان بر او بگرید و واژگون شوید، چنان که کشتیها در امواج دریا واژگون شوند.»

«فَلَا يَنْجُوا إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ وَكَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ وَ لَتَرْفَعَنَّ إِثْنَا عَشْرَةَ رَايَةً مُشْتَبِهَةً لَا يُدْرِي أَيُّ مِنْ أَيُّ قَالَ فَبَكَيْتُ؛ و نجات نیابد [از این امتحان]، مگر کسی که خدا از او پیمان گرفته و در قلبش ایمان را نقش کرده و او را با روحی از جانب خود مؤید کرده باشد و دوازده پرچم مشتبه بر افراشته شود که هیچ یک از دیگری باز شناخته نشود. [راوی] گوید: من گریستم.»

آن گاه حضرت فرمود: «چرا گریه می کنی؟» گفتم: «چگونه نگریم در حالی که شما می گوئید: دوازده پرچم مشتبّه که هیچ یک از دیگری باز شناخته نشود، وجود دارد. پس ما چه کنیم؟» راوی گوید که امام به پرده آفتاب که به داخل صّفه تابیده بود، نگاه کرد و فرمود: «ای ابا عبد الله! آیا این آفتاب را می بینی؟» گفتم: «آری.» فرمود: «به خدا سوگند! امر ما از این آفتاب روشن تر است.» (۱)

هانی تمار می گوید که امام صادق (ع) فرمود: «انّ لصاحبِ هذا الأمرِ غيبه المتمسكُ فيها بدينه كالخارِطِ للقتاد... ثمّ قال إنّ لصاحبِ هذا الأمرِ غيبه فليتق الله عبداً وليتمسك بدينه؛» (۲) به راستی برای صاحب این امر، غیبتی است که پایبند به آن مانند کسی است که دستش را بر روی شاخه درخت خار کشد... آن گاه فرمود: برای صاحب این امر، غیبتی است و بنده باید تقوای الهی پیشه سازد و متمسک به دینش باشد.»

۳. غیبت، خواب را از متدینان می گیرد

ص: ۳۳۲

۱- . همان، ب ۳۳، ص ۲۴، ح ۳۶؛ الغیبه، نعمانی، صص ۱۵۱ - ۱۵۳، ح ۹ و ۱۰.

۲- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۲۳، ح ۳۵.

دوران غیبت به قدری دشوار است که خواب و آرامش را از متدینان می گیرد و شب و روز باید ناله بکنند. حضرت صادق(ع) در حالی که هنوز امام مهدی(ع) متولد نشده است، برای دوران غیبت او این چنین ناله می زند: «سَيِّدِي غَيْبُكَ نَفَتْ رُقَادِي وَضَيَّقَتْ عَلَيَّ مِهَادِي وَابْتَزَّتْ مِنِّي رَاحَةَ فُؤَادِي سَيِّدِي غَيْبُكَ أَوْصَلَتْ مُصَابِي بِفَجَائِعِ الْأَيِّدِ؛ آقای من! غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده و بسترم را بر من تنگ ساخته و آسایش قلبم را از من سلب کرده است. ای آقای من! غیبت تو اندوه مرا به فجایع ابد پیوند داده است.»

سدیر می گوید: در چنین حالی که امام صادق(ع) را آن گونه دیدیم، عقل از سرمان پرید و از شدت جزع قلوبمان چاک چاک شد... و گفتیم: «ای فرزند بهترین خلایق! چشمانت گریان مباد! از چه حادثه ای اشکتان روان و سرشک از دیدگان شما، ریزان است؟»

ص: ۳۳۳

حضرت صادق(ع) نفس عمیقی کشید که بر اثر آن [غم] درونش برآمد و هراسش افزون شد؛ آن گاه فرمود: «نَظَرْتُ فِي كِتَابِ الْجَفْرِ صَبِيحَةَ هَذَا الْيَوْمِ... وَتَأَمَّلْتُ فِيهِ مَوْلَانَا قَائِمَنَا وَغَيْبَتَهُ وَابْطَاءَهُ وَطُولَ عُمُرِهِ وَبَلْوَى الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ وَتَوَلَّدَ الشُّكُوكَ فِي قُلُوبِهِمْ مِنْ طُولِ غَيْبَتِهِ؛ صَبِحَ امْرُوزَ بَه كِتَابِ جَفْرِ نَكْرِيسْتَم... وَدَرِ آن دَرِبَارَه مِيلَادِ قَائِمِ مَا وَغَيْبَتِ او وَتَأْخِيرِ آن وَ طُولِ عَمَرِش وَ گِرْفَتَارِي مُؤْمِنَانِ دَرِ آن زَمَانِ وَ پیدایشِ شُكُوكِ دَرِ قُلُوبِ آنهآ بر اثر طولِ غیبتش تأملِ کردم.» (۱)

گفتنی است که جفر، علمی است که ابن خلدون، جرجانی و صاحب کشف الظنون به صحت آن و وجود کتاب جفر اعتراف کرده اند، سپس تصریح کرده اند که امام صادق(ع) و حضرت رضا(ع) حوادث آینده را طبق این کتاب خبر داده اند و آن چنان که خبر داده اند، واقع شده است. (۲)

ص: ۳۳۴

۱- همان، ص ۳۱_ ۳۴، ح ۵۰ و اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۸ و ۳۳۹.

۲- دراسات و بحوث مؤتمر الامام جعفر بن محمد الصادق، ص ۴۲۹.

(د) نهی از انکار غیبت

فصل پنجم: عصر غیبت

غیبت امام زمان (ع) در اندیشه امام صادق (ع)

(د) نهی از انکار غیبت

امام ششم (ع) بر اصل غیبت تأکید فرموده و دشواری آن را بیان کرده و از انکار آن نیز به شدت نهی کرده است.

محمد بن مسلم از آن امام (ع) نقل کرده است که فرمود: «إِنْ بَلَغَكُمْ عَنْ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَهُ فَلَا تُنْكِرُوهُ!» (۱) اگر خبر غیبت صاحب این امر (مهدی) به شما رسید، آن را انکار نکنید.»

ص: ۳۳۵

۱- الغیبه، نعمانی، ب ۱۰، ص ۱۸۸، ح ۴۲ و کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۶۰ و ۱۶۱، ح ۱۱۸.

غیبت امام زمان(ع) در اندیشه امام صادق(ع)

هـ. پایداری بر امامت و ولایت در دوران غیبت

طولانی بودن غیبت از یک سو، دشوار بودن دینداری در آن دوران از سوی دیگر و وجود دشمنان، منکران، شبهات و زمینه گناه از سوی سوم، پایداری بر امامت امامان(ع) را دشوار می سازد. به این دلایل است که حضرت صادق(ع) بر ثبات قدم در مسیر امامت و ولایت تأکید کرده است:

۱. عبد الله بن سنان می گوید که من و پدرم بر امام صادق(ع) وارد شدیم. حضرت فرمود: «فَكَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا صَرُّتُمْ فِي حَالٍ لَا تَرَوْنَ فِيهَا إِمَامَ هُدًى وَلَا عَلَمًا يُرَى وَلَا يَنْجُوا مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَقَالَ لَهُ أَبِي إِذَا وَقَعَ هَذَا لَيْلًا فَكَيْفَ نَصَبْتُمْ فَقَالَ أَمَا أَنْتَ فَلَا تُدْرِكُهُ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَتَمَسَّكُوا بِمَا فِي أَيْدِيكُمْ حَتَّى يَنْصَحَ لَكُمْ الْأَمْرُ؛ (۱)». حال شما چگونه باشد آن گاه که به حالی در آید که امام هدایتگر را نبینید و نشانه [هدایت] را مشاهده نکنید و هیچ کس نجات نیابد، مگر آنکه دعای غریق را بخواند. پدرم به امام عرض کرد: در آن شب ظلمانی که چنین امری واقع شود، چه کنیم؟ فرمود: اما تو آن [دوران] را درک نمی کنی و چون آن امر واقع شود، به آنچه که [از امامت] دارید، متمسک شوید تا امر برایتان روشن شود.»

۲. ابوبصیر از امام صادق(ع) نقل کرد که آن حضرت فرمود: «طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمًا فَلَمْ يَزِغْ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهِدَايَةِ؛ (۲)». خوشا به حال کسی که در غیبت قائم ما به امر ما [و امامت] تمسک جوید. بنابراین قلبش پس از هدایت [در مسیر امامت] منحرف نشود.»

ص: ۳۳۶

- ۱- . اکمال الدین، ج ۲، ب ۳۳، ص ۲۶، ح ۴۰ و الغیبه، نعمانی، ب ۱۰، ص ۱۵۹، ح ۴.
- ۲- . اکمال الدین، ج ۲، ب ۳۳، ص ۳۹، ح ۵۵ و معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۱۱۲، ح ۱.

۱. سدید صیرفی می گوید که امام ششم (ع) فرمود: «إِنَّ لِلْقَائِمِ مِّنَّا غَيْبَةً يَطُولُ أَمْدُهَا...» (۱) برای قائم ما غیبتی است که مدّت آن به طول می انجامد.» گفتم: «راز آن چیست؟» فرمود: «زیرا خدای متعال می خواهد امر سنتهای پیامبران را در غیبتهایشان جاری کند و ای سدید! گریزی از آن نیست که به اندازه مدّت غیبتهای آنها سپری شود.» خداوند می فرماید: (لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ)؛ (۲) «سنتهای پیشینیان در شما جاری است.»

۲. سلیمان بن خالد از امام صادق (ع) نقل می کند که آن حضرت از قول رسول خدا (ص) در جواب کسی که پرسید: مهدی چه زمانی قیام می کند؟» فرمود: «إِذَا غَابَ عَنْهُمْ الْمَهْدِيُّ وَآيَسُوا مِنْهُ» (۳) زمانی که مهدی از مردم غایب شود و [به قدری طول کشد که] مردم از او مأیوس شوند.»

ص: ۳۳۷

۱- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۲۳۳، ح ۵.

۲- . انشقاق / ۱۹.

۳- . دلائل الامامة، طبری، مؤسسه البعثه، ص ۴۶۸، ح ۵۹.

غیبت امام زمان (ع) در اندیشه امام صادق (ع)

(ز) تصریح به غیبت کبری و صغری

در این عصر، بیان غیبت صغری و کبری شاید خیلی مطلب مهمی نباشد؛ ولی در دوران امام صادق (ع) (۸۳ - ۱۴۸ ق) که آخرین روزهای عمر آن حضرت با تولد حضرت مهدی در ۲۵۵ ق، دست کم ۱۰۷ سال فاصله داشته است و با دوران آغاز غیبت صغری ۱۱۲ سال، می تواند از کرامات و معجزات به حساب آید.

۱. ابی بصیر می گوید که به حضرت صادق (ع) عرض کردم: امام باقر (ع) می فرمود که قائم آل محمد (ص) دو غیبت دارد: یکی طولانی است و دیگری کوتاه. حضرت صادق (ع) فرمود: «نَعَمْ يَا أَبَا بَصِيرٍ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى؛» (۱) بلی [همین طور است] ای ابا بصیر! یکی از آنها طولانی تر از دیگری است.

۲. در روایت صحیحی از زراره نقل شده است که امام جعفر صادق (ع) فرمود: «إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَتَيْنِ يَزْجَعُ فِي إِحْدَاهُمَا وَفِي الْأُخْرَى لَا يُدْرَى أَيْنَ هُوَ يَشْهَدُ الْمَوَاسِمَ يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرَوْنَهُ؛» (۲) به راستی برای قائم دو غیبت است که در یکی [زود] برمی گردد، ولی در دیگری معلوم نیست او کجاست؟ در موسمه [ی حج] حضور می یابد، مردم را می بیند و مردم او را نمی بینند.

ص: ۳۳۸

۱- . الغیبه، نعمانی، ب ۱۰، ص ۱۷۲، ح ۷ و دلائل الإمامه، ص ۵۳۵، ح ۵۲۰.

۲- . الغیبه، نعمانی، ب ۱۰، ص ۱۷۲، ح ۷ و دلائل الإمامه، ص ۱۷۵، ح ۱۵.

غیبت امام زمان (ع) در اندیشه امام صادق (ع)

ح) فلسفه و حکمت غیبت

بیان علت غیبت، بحث و مقاله مستقلی می طلبد. در این بخش به آنچه در کلمات حضرت صادق (ع) آمده، به اختصار اشاره می کنیم:

۱. به اجمال می دانیم خالی از حکمت نیست

حضرت صادق (ع) از بیان علت غیبت خودداری فرمود؛ اما حکمت آن را گاه به اجمال بیان کرده است؛ از جمله عبدالله بن فضل هاشمی می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: «صاحب این امر، ناچار غیبتی دارد که هر باطل جویی در آن به شک می افتد.» گفتم: «فدایت شوم راز غیبت چیست؟» فرمود: «لَا أَمْرَ لَمْ يُؤْذَنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ قُلْتُ فَمَا وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ قَالَ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَّجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ...»؛ به سبب امری که ما اجازه نداریم آن را برای شما هویدا کنیم. گفتم: در غیبت او چه حکمتی وجود دارد؟ فرمود: حکمت غیبت او همان حکمتی است که در غیبتهای حجتهای الهی پیش از او بوده است.»

و فرمود: «وجه حکمت غیبت او پس از ظهورش آشکار شود؛ همچنان که وجه حکمت کارهای خضر (ع) از شکستن کشتی و کشتن پسر و به پا داشتن دیوار بر موسی (ع) روشن نبود تا آنکه از هم جدا شدند.»

«يا ابنَ الفضلِ إنّ هذا الأمرِ أمرٌ من أمرِ اللهِ تعالى وسِرٌّ من سِرِّ اللهِ وغَيْبٌ من غَيْبِ اللهِ ومَتى أَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَّقْنَا بِأَنَّ أفعالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَإِنْ كَانَ وَجْهٌ غَيْرُ مُنْكَشَفٍ؛ (۱)» ای پسر فضل! این امر، امری از امور الهی است و سَرّی از اسرار خدای متعال و غیبی از غیوب پروردگار است و چون [دانستیم که] خدای عزّ و جلّ حکیم است، تصدیق می کنیم که همه افعال او حکیمانه است؛ اگر چه وجه آن آشکار نباشد» و گاه به صورت مشخص تر برخی حکمت‌های غیبت را آشکار کرده است:

۲. آزادی از بیعت طاغوتیان

ص: ۳۴۰

۱- . اکمال الدین، ج ۲، ب ۴۴، ص ۲۳۴، ح ۱۱.

ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل کرده که آن حضرت فرمود: «صاحبُ هذا الأمرِ تَغِيبُ ولادَتُهُ عَنْ هذا الخلقِ كَيْلًا يَكُونُ لأحدٍ فِي عُنُقِهِ يَبْعُهُ إِذَا خَرَجَ وَيُضِلُّهُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ أَمْرُهُ فِي لَيْلِهِ واحِدَهُ؛» (۱) صاحب این امر ولادتش بر این مردم پنهان است تا هنگام خروج و قیام، بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد و خدای تعالی امر وی را در یک شب اصلاح فرماید.»

همان گونه که امام حسن (ع) فرمود: «هر کدام از ما (امامان) در زمان خود بیعت حاکمان و طاغوت‌های زمان را از روی تقیّه به عهده گرفته ایم؛ مگر مهدی (ع) که عیسی بن مریم به امامت آن حضرت نماز می گذارد. خداوند ولادت او را مخفی نگه داشت و برای او غیبتی در نظر گرفت تا زمانی که قیام می کند، بر گردنش بیعت حاکمی نباشد.» (۲)

۳. سنّت انبیا

ص: ۳۴۱

۱- . اکمال الدین، ج ۲، ب ۴۴، ص ۲۳۲، ح ۵.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲.

ابوبصیر از امام صادق(ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «در صاحب این امر، سنتهایی از انبیا وجود دارد؛ سنتی از موسی بن عمران و سنتی از عیسی و سنتی از یوسف و سنتی از محمد(ع).

اما سنت او از موسی بن عمران(ع) آن است که او نیز خائف و منتظر است؛ اما سنت او از عیسی(ع) آن است که در حق او نیز همان می گویند که درباره عیسی(ع) گفتند؛ امّا " مِنْ يُوسُفَ فَالَسِّتُّرُ يَجْعَلُ اللّٰهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْخَلْقِ حِجَابًا يَرَوْنَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ...؛ سنت او از یوسف، مستور بودن است. خداوند بین او و خلق حجابی قرار می دهد. مردم او را می بینند، اما نمی شناسند"

و اما سنت او از محمد(ص) آن است که به هدایت او هدایت می شود و به سیره او حرکت می کند.»(۱)

ص: ۳۴۳

۱- . اکمال الدین، ج ۲، ب ۳۳، ص ۲۹، ح ۴۶.

غیبت امام زمان (ع) در اندیشه امام صادق (ع)

ط) انتظار در زمان غیبت

بحث انتظار نیز بحث مفصل و دلکشی است که در جای خود باید مطرح شود؛ ما فقط به برخی روایات از حضرت صادق (ع) درباره انتظار در دوران غیبت و فضیلت آن اکتفا می کنیم:

۱. امام جعفر صادق (ع) به ابا بصیر فرمود: «طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ (۱)» خوشا به حال شیعیان قائم ما! کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار اویند. آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند.»

۲. علاء بن سیابه از امام صادق (ع) نقل می کند که آن حضرت می فرماید: «مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِرًا كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي الْفُسْطَاطِ الَّذِي لِلْقَائِمِ؛ (۲)» کسی که از شما بر این امر در حال انتظار بمیرد، مانند کسی است که در خیمه به قائم متعلق باشد.»

ص: ۳۴۴

۱- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۳۹، ح ۵۴.

۲- . الغیبه، نعمانی، ب ۱۱، ص ۲۰۰، ح ۱۵.

غیبت امام زمان (ع) در اندیشه امام صادق (ع)

(ی) مردم در زمان غیبت

یقیناً مردم در زمان غیبت یکسان نخواهند بود؛ عده ای منتظرند و در پی اصلاح خویش و عده ای نیز به دنبال انکار، ضلالت، گمراهی خویش و... هستند. حضرت صادق (ع) در روایاتی حالات مردم را در دوران غیبت بیان کرده است که به نمونه هایی اشاره می شود:

۱. تحیر مردم

ابو بصیر از صادق آل محمد (ع) و او از پدرانش از رسول خدا (ص) نقل کرده اند که آن حضرت فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي... تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَحَيْرَةٌ حَتَّى تَضِلَّ الْخَلْقُ عَنْ أَدْيَانِهِمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛ (۱) مهدی از فرزندان من است... برای او غیبت و حیرتی است تا آنجا که مردم از ادیانشان گمراه شوند. آن گاه مانند شهاب ثاقب رو می آورد و زمین را از عدل و داد پر می کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.»

۲. تردید منحرفان

ص: ۳۴۵

۱- اکمال الدین، ج ۱، ب ۲۵، ص ۵۳۶، ح ۱ و ینابیع الموده، قندوزی حنفی، دار الأسوه، ب ۹۴، ص ۳۹۶ و ۳۹۷، ح ۴۹.

عبد الله بن فضل هاشمی می گوید که امام صادق (ع) می فرمود: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا يَزْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ؛ (۱)» برای صاحب این امر (مهدی) غیبت ناگزیری است که هر باطل جویی در آن به شک می افتد.»

زراره از امام صادق (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبَةٍ قُلْتُ وَلِمَ قَالَ يَخَافُ... وَهُوَ الْمُتَنَتِّظُ وَهُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ حَمَلٌ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ مَاتَ أَبُوهُ وَلَمْ يُخَلِّفْ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ وُلِدَ قَبْلَ مَوْتِ أَبِيهِ بِسِتِّينَ؛ برای جوان (مهدی) غیبت ناگزیری است. گفتم: چرا؟ فرمود: [بر جانش] می ترسد... و اوست که چشم به راهش باشند و اوست که مردم درباره ولادتش شک کنند. برخی گویند: در شکم مادر بود [که پدرش از دنیا رفت]. برخی گویند: پدرش مرد و فرزندی برجای نگذاشت و جمعی گویند: دو سال پیش از وفات پدرش متولد شد.»

زراره عرض کرد: «چه دستوری می فرمایید، اگر من آن زمان را درک کردم؟» فرمود که این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِيكَ لَمْ أَعْرِفْكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِيكَ لَمْ أَعْرِفْكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛ (۲)» خدایا! خودت را به من شناسان! اگر خودت را به من شناسانی، من تو را نخواهم شناخت. خدایا! پیغمبرت را به من معرفی کن! اگر او را به من شناسانی، هرگز او را نخواهم شناخت. خدایا! حجتت را به من شناسان! به راستی اگر حجتت را به من شناسانی، از راه دینم گمراه می شوم.»

ص: ۳۴۶

۱- اکمال الدین، ج ۲، ب ۴۴، ص ۲۳۴، ح ۱۱.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۲۹، (شماره کلی ۹۱۰).

در نتیجه باید گفت: «حضرت صادق(ع) اصل مهدویت، غیبت و اقسام آن، فلسفه و حکمت آن، دشواری و طولانی بودن آن و انتظار در زمان آن را که در فرصت پیش بیان شد، به خوبی تبیین کرده است.»

ص: ۳۴۷

فصل پنجم: عصر غیبت

فلسفه غیبت امام زمان (ع)

اشاره

پیشینه چرایی غیبت به پیش از تولد حضرت حجت (عج) باز می‌گردد؛ زمانی که فلسفه غیبت در میان مردم مطرح و پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) در مقام پاسخگویی به آن برآمده‌اند.

هزاران سرّ نهران در نظام دین و برنامه‌های مترقی آن وجود دارد که درک هر یک، دلی دریا و چشمی بینا می‌خواهد تا آنجا که همه پیامبران هم نمی‌توانند به تمام اسرار آگاه باشند.

غیبت ولی عصر (ع) از رازهای الهی است که با ظهور او همه حقیقت روشن می‌شود. با این حال امامان معصوم (ع) به موارد متعددی از فلسفه غیبت اشاره کردند که به آن می‌پردازیم:

ص: ۳۴۸

یکی از سنتهای الهی آزمایش مردم است. این سنت در تمام امتهای پیشین نیز اجرا شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: (أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ، وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ)؛ (۱) «آیا مردم خیال می کنند که همین که گفتند ایمان آوردیم رها می شوند و دیگر امتحان نمی شوند. کسانی را که قبل از آنها بودند، آزمایش کردیم تا خداوند راستگویان و دروغگویان را مشخص کند.»

خداوند متعال با توجه به این آیه در هر زمان و دوره ای، مردم آن دوره را امتحان می کند تا مؤمنان واقعی از متظاهران به دین و ایمان مشخص شوند. امتحان الهی در هر زمان، متفاوت و متناسب با رشد و کمال عقلی مردم آن زمان است. در دوران غیبت کبری، با غیبت حجت خدا، استقامت و پایداری مردم در دین الهی سنجیده شوند تا منتظران واقعی از غیر واقعی تمیز داده شده، هر کدام پاداشی در خور موفقیت در این آزمایش به دست آورند.

امام جعفر صادق(ع) در این باره فرمود: «قائم ما غیبت طولانی می کند و عمرش طولانی می شود. اهل ایمان در آن زمان، امتحان می شوند و به واسطه طول غیبتش شک و تردید در دل آنها پدید می آید و بیشتر، از دین خود برمی گردند.»(۱)

ص: ۳۵۰

۱- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۲، ح ۱۱.

زراره می گوید که امام صادق(ع) فرمود: «برای حضرت قائم پیش از ظهورش غیبتی است.» پرسیدم: «چرا؟» فرمود: «بخاف علی نفسه الذبحه؛» (۱) بر جانش از کشته شدن می ترسد.»

حضرت همواره در معرض خطر بوده و هست؛ زیرا در طول تاریخ اسلامی حاکمان ستمگری همچون: عباسیان، عثمانیان و غیر آنان، بیشترین تلاش خود را برای پایان بخشیدن به زندگانی حضرت مهدی(ع) صرف می کردند؛ به ویژه پس از آن که می دانستند طبق اخبار رسیده، حضرت حجت(ع) همان کسی است که تخته‌های حکمرانان ظلم و جور را متزلزل کرده، درهم خواهد شکست و همان کسی است که هستی ظالمان را نابود و از استیلاي آنان بر بندگان خدا و کشورها جلوگیری خواهد کرد؛ از این رو پیوسته در صدد از بین بردن آن حضرت بوده اند.

ص: ۳۵۱

فصل پنجم: عصر غیبت

فلسفه غیبت امام زمان (ع)

خالی نماندن زمین از حجت

امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: «لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ؛» (۱) هیچ گاه زمین از کسی که قائم به امر الهی باشد خالی نخواهد ماند.»

یکی از سنتهای دائمی الهی این است که از آغاز آفرینش، بشر را تحت سرپرستی یک راهنما و رهبر قرار داده است و برای هر قوم و ملتی، رسولی فرستاده است تا آن رسول، راهنمای مردم باشد. بدین ترتیب زمین در طول تاریخ، بدون حجت خدا نمانده است. حجت خداوند پس از پیامبر اکرم (ص) جانشینان آن حضرت اند که بر اساس سیره و شیوه پیامبر (ص) عمل می کنند و پرچم دار هدایت اند.

حضرت علی (ع) فرمود: «بدانید زمین از حجت خدا خالی نمی ماند؛ ولی خداوند به سبب ظلم و جور و اسراف مردم بر خودشان، آنها را از دیدار او کور خواهد ساخت.» (۲)

ص: ۳۵۲

۱- نهج البلاغه، خ ۱۴۷ و غرر الحکم و درر الکلم، ح ۱۹۹۴.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۶۴؛ ر.ک: مکیال المکارم، ص ۱۶۰.

با توجه به روایات فوق و بررسی دوران زندگی امامان معصوم (ع) که هیچ کدام با مرگ طبیعی از دنیا نرفتند، اگر آخرین حجت الهی نیز غایب نمی شد و در میان مردم حضور عادی می داشت، به یقین به سرنوشت امامان دیگر دچار می شد، و مردم برای همیشه از فیض الهی محروم می شدند. خداوند متعال با حکمت بالغه اش آخرین حجت خود را با استفاده از غیبت، حفظ و صیانت می کند تا زمین از حجت حق خالی نماند.

ص: ۳۵۳

فصل پنجم: عصر غیبت

فلسفه غیبت امام زمان (ع)

نداشتن یار و یاور

یکی از علت‌های غیبت امام زمان (ع) نبود انصار و اصحاب برای یاری آن حضرت است. این نکته از روایات مختلف برداشت می‌شود که نصاب یاران حضرت مهدی (ع) ۳۱۳ نفر است که با تولد و رشد آنها، یکی از موانع ظهور مرتفع می‌شود. یاران حضرت را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱. یاران خاص: آنان ۳۱۳ نفرند و صفات ذکر شده در روایات، به آنها مربوط است و در زمان ظهور و حکومت جهانی حضرت، تصدی مناصب مهم حکومتی را به عهده دارند.

حضرت علی (ع) فرمود: «یاران خاص قائم جوان هستند بین آنان پیری نیست؛ مگر به میزان سرمه در چشم و یا مانند نمک در غذا که کمترین ماده غذا نمک است.» (۱)

ص: ۳۵۴

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳، ح ۱۰ و غیبت، نعمانی، باب بیستم.

امام صادق(ع) فرموده است: «مردانی اند که گویی قلبهایشان مانند پاره های آهن است. هیچ چیز نتواند دلهای آنان را به ذات خدا گرفتار تردید سازد. آنان از سنگ سخت تر هستند و...» (۱)

۲. یاران عام: اینان، نصاب معینی ندارند. تعداد آنها در روایات مختلف و در بعضی از آنها تا ۱۰ هزار نفر در مرحله اول ذکر شده است که در مکه با حضرت پیمان می بندند.

امام زمان(ع) با این تعداد از یاران خاص و عام، قیام جهانی خود را شروع می کند.

ص: ۳۵۵

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

در برخی روایات آمده است: «آن حضرت با غیبت خود ناچار از بیعت با طاغوت‌های زمان نمی شود.»

امیرمؤمنان (ع) در سخنی ارزشمند و نگاهی پرحسرت و اندوه، از بی وفایی مردم پرده برداشته و تنها امامی را که زیر بیعت احدی نخواهد بود، این گونه معرفی فرموده است: «إِنَّ الْقَائِمَ مَنَّا إِذَا قَامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تَخْفَى وَلَمَّا دَتَهُ وَ يَغِيبُ شَخْصُهُ؛» (۱) همانا قائم از ما اهل بیت، هنگامی که قیام می کند بیعت احدی بر گردن او نیست و به همین علت است که ولادتش مخفی نگه داشته می شود و شخص او غایب است.»

همین معنا در کلامی از پیشوای دوم - البته با اندوهی افزون تر - آن هنگام که به خاطر مصالح اسلام و مسلمانان، به مصالحه با معاویه تن داد و وقتی مردم به ملامت حضرتش زبان گشودند، پس از آنکه صلح خود را بهتر از هر آنچه خورشید بر آن می تابد قلمداد کرد، این گونه انعکاس یافت: «أَمَّا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مِمَّا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ يَفْعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَانِهِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمَ الَّذِي يُصَلِّي خَلْفَهُ رُوحَ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ع) فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُخْفِي وَلَادَتَهُ وَ يُغِيبُ شَخْصَهُ لِنَّا يَكُونُ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ؛» (۲) آیا ندانستید که هیچ یک از ما ائمه نیست، مگر اینکه بیعت با ستمگری بر گردن او قرار می گیرد، مگر قائم که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می گذارد. پس به درستی که خداوند تبارک و تعالی، ولادتش را مخفی و شخصش را پنهان می سازد تا هنگامی که قیام می کند بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد.»

ص: ۳۵۶

۱- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۳، باب ۲۶، ح ۲.

۲- . الاحتجاج، طبرسی، نشر مرتضی، ج ۲، ص ۲۸۹ و کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۵، باب ۲۹، ح ۱۵.

این مفهوم در کلامی نورانی از خود امام عصر(ع) نیز آمده است؛ در آنجا که در توقیعی شریف - وقتی حضرت مهدی(ع) به پاسخ برخی پرسشها پرداخته است - می فرماید: «وَأَمَّا عَلَيْهِ مَيَّا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَشِئُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ» (۱) إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آيَاتِي إِلَّا وَقَعْتُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَهُ لَطَاعِيهِ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا يَبِيعَهُ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِيَةِ فِي عُنُقِي؛ (۲) خداوند [در قرآن کریم] درباره علت غیبت خداوند [در قرآن کریم] می فرماید: ای اهل ایمان! از چیزهایی سؤال نکنید که اگر برای شما روشن شود، ناراحت می شوید. بدانید که هر کدام از پدران من، بیعت یکی از طاغوتهای زمان خویش را بر گردن داشتند، ولی من وقتی قیام می کنم بیعت هیچ یک از [گردنکشان و] طاغوتهای زمان را بر گردن ندارم.»

شاید استشهاد حضرت به آیه شریفه به این معنا باشد که شما خودتان علت غیبت بوده اید و اگر بدانید با تنها گذاشتن ائمه(ع) آنها را به بیعت با گردنکشان ناگزیر ساختید، ناراحت خواهید شد.

ص: ۳۵۷

۱- . مائده / ۱۰۱.

۲- . کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۹۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳، باب ۴۵، ح ۴.

فصل پنجم: عصر غیبت

فلسفه غیبت امام زمان(ع)

آماده نبودن ملتها

در حقیقت، ریشه علل یاد شده به این موضوع منتهی می شود و این آمادگی به مرور زمان به دست خواهد آمد. آن وقت است که دیگر موانع، معنایی نخواهند داشت.

می دانیم که امام زمان(عج) به دنبال یک اصلاح همه جانبه و قاطع است و تمام انحرافات را تصحیح می کند. هر آنچه را که دشمنان دین سامان داده اند، باطل می کند، احکام متروک اسلام را زنده می سازد، به دین مهجور رسمیت می دهد، صاحب منصبان و کارگزاران را به شدت مواخذه می کند، با اهل گناه و ظلم، هیچ نوع سازشی نشان نمی دهد، حکومت جهانی اسلامی تشکیل می دهد.

در یک کلام، وی در هیچ جنبه از اصلاحات خود مسامحه نخواهد کرد و براساس حقایق، عمل کرده، از روی ظواهر حکم نخواهد داد. روشن است که تحمل چنین حکومت اصلاحگری، فکر و اندیشه ای والا می خواهد. اگر امام بدون ایجاد چنین آمادگی اجتماعی و روانی بخواهد انقلابی به راه اندازد، همان بلایی بر سرش می آید که بر سر امیرمؤمنان(ع) آمد؛ اما حکمت خدا چنین سرنوشتی را برای آخرین امام نمی خواهد. بنابراین امام(عج) تا ایجاد چنین شرایطی ظهور نخواهند کرد.

این آمادگی چگونه ایجاد خواهد شد؟ هرگاه ملل جهان بفهمند هیئتهای حاکم از عهده اداره امور بر نمی آیند و فساد در همه مظاهرش آنان را به ستوه آورده است، آن گاه مردم به ستوه آمده به دنبال جهانی خالی از ظلم و فساد و مملو از عدل و انصاف برخواهند آمد و حاضر خواهند شد برای چنین اصلاحی هزینه لازم را بپردازند؛ از این رو است که می بینیم در دوره غیبت چنین ناهنجاریهایی رخ می دهد.

اکنون تنها به یک روایت از امام صادق(ع) درباره هجوم این مظاهر می پردازیم. امام به یکی از یارانش درباره هجوم مظاهر فساد در این دوره فرمود:

«حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند، ظلم و ستم فراگیر شود، قرآن فرسوده و بدعتهایی از روی هوا و هوس در آن وارد شود، دین خدا تو خالی شود؛ همانند ظرفی که واژگون شود، طرفداران و اهل باطل بر اهل حق مقدم شوند، کارهای بد آشکار و از آنها نهی نشود و بدکاران بازخواست نشوند، مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا کنند، افراد با ایمان سکوت کنند و سخنان را نپذیرند، شخصی بدکار دروغ گوید و کسی دروغ و نسبت ناروای او را رد نمی کند، بچه ها به بزرگها احترام نمی گذارند، پیوند خویشاوندی قطع می شود، بدکار را ستایش کنند و او شاد شود و سخن بدش به او برنگردد، نوجوانان پسر همان کنند، که زنان کنند، زنان با زنان ازدواج کنند، انسانها اموال خود را در غیر اطاعت خدا مصرف کنند و کسی مانع نشود، کسی که امر به معروف کند، خوار و ذلیل می شود، بدعت و زنا آشکار می شود، حلال، حرام و حرام، حلال می شود، دین براساس میل اشخاص معنا شود، کتاب خدا و احکام آن تعطیل شود، جرئت بر گناه آشکار شود و دیگر کسی برای انجام آن منتظر تاریکی شب نشود، سردمداران به کافران نزدیک و از نیکوکاران دور شوند، والیان در قضاوت رشوه بگیرند، پستهای مهم والیان براساس مزایده باشد نه شایستگی، مرد به سبب همبستری با همسران خود سرزنش شود، زن بر شوهر خود تسلط یابد و کارهایی انجام دهد که شوهرش از آنها خشنود نیست و به شوهرش خرجی دهد، نزدیک ترین اشخاص به فرمانداران کسانی هستند که به خانواده عصمت ناسزا گویند، سلطان شخص مؤمن را برای رسیدن به کافران تحقیر کند، نماز را سبک بشمارند، آشکارا بر سر کسبهای حرام رقابت کنند، مردم جز از سرمایه دارها تبعیت نکنند، زنها بر مسند نشینند و هیچ کاری جز خواسته آنها پیش نرود و فرمانروایان، میراث مستضعفان را در اختیار بدکاران قرار دهند...» (۱)

ص: ۳۵۹

آری تنها پس از سرخوردگی ملتها از این پلیدیهاست که آمادگی در آنها ایجاد می شود و زمینه حضور فراهم می آید.

ص: ۳۶۰

غیبت به معنای پوشیده و مستور بودن است. هر گاه شخصی از بین جمع، پنهان شود، واژه غیبت درباره او به کار رود «الغیب: کل ما غاب عنک.» (۱) پنهان ماندن فرد به دو صورت رخ می دهد: غیبت واقعی و غیبت ظاهری. در صورت اول، جسم فرد از بین جمع پنهان است و در صورت دوم، شخص به طور ناشناس در جمع است؛ اما چون او را نمی شناسند، تصور می کنند که غایب است.

ص: ۳۶۱

غیبت به هر دو صورت امکان پذیر است و بارها در طول تاریخ رخ داده است؛ از جمله می توان به غیبت حضرت ادریس، صالح، موسی، ابراهیم، نوح و سلیمان (ع) اشاره کرد.

ملا- محسن فیض کاشانی در این باره می نویسد: «بسیاری از پیامبران غیبت‌های طولانی و عمرهای دراز داشته اند... شیخ صدوق، نام بعضی از آنان را در کتاب اکمال الدین و اتمام النعمه آورده است. (۱)»

درباره پیامبر اکرم (ص) به تفسیر آیه کریمه (وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّشْتُورًا)؛ (۲) می توان اشاره کرد که خداوند، پیامبر (ص) را هنگام قرائت قرآن از چشم ابوسفیان، نصر بن حارث، ابوجهل، حماله الحطب و... پوشیده می داشت. آنان با اینکه از کنار حضرت می گذشتند او را نمی دیدند. (۳)

ص: ۳۶۲

-
- ۱- علم الیقین فی اصول الدین، چاپ قم، ج ۲، ص ۷۹۷ و خورشید مغرب، ص ۱۷۰.
 - ۲- اسراء/ ۴۵: و هنگامی که قرآن می خوانی، میان تو و آنها که به آخرت ایمان نمی آورند، حجاب ناپیدایی قرار می دهیم.
 - ۳- تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۴۵. نمونه دیگر مربوط به شب هجرت به مدینه است. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۹۵.

خبر غیبت حضرت مهدی (عج) از زمان رسول اکرم (ص) به مسلمانان گوشزد می شد (۱) و ائمه (ع) به آن، اهمیت ویژه ای می دادند؛ چنان که مسلمانان بر موضوع غیبت آن حضرت و ظهور وی، اتفاق دارند. (۲)

امام حسن عسکری (ع) هم در همین باره اعلام فرمود: «إِنَّ ابْنِي هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي وَ هُوَ الَّذِي يَجْرِي فِيهِ سَيْئُنُ الْأَنْبِيَاءِ (ع) بِالتَّعْمِيرِ وَ الْعَيْبَةِ حَتَّى تَقْسُو قُلُوبَ لِطُولِ الْأَمَدِ وَ لَا يَثْبُتَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ إِلَّا مَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ؛ (۳) همانا فرزندم همان قائم پس از من است و اوست که سنتهای پیامبران (ع) (مثل) عمر طولانی و غیبت درباره اش جاری می شود تا اینکه دلهایی به سبب طولانی بودن مدت غیبت سخت می شود و در اعتقاد به او، پا برجا نمی ماند، مگر کسی که خداوند، ایمان را در قلبش قرار داده و او را به روحی از خودش مؤید کرده باشد.»

در این حدیث نیز به غیبت پیامبران اشاره شده است و گویای این است که غیبت از سنتهای الهی است.

ص: ۳۶۳

۱- . سوگند به خدایی که مرا برای بشارت برانگیخت، قائم فرزندان من، طبق عهدی که به او می رسد، غایب می شود؛ به طوری که بیشتر مردم می گویند خدا به آل محمد احتیاجی ندارد و دیگران در اصل تولدش شک می کنند... اثبات الهداه، ج ۶، ص ۳۸۶.

۲- . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۵۳۵ و منتخب الأثر، ص ۳-۵.

۳- . بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۲۴.

غیبت معرفتی، همان غیبت شخصیتی و حقوقی است. در این فرض، امام زمان(ع) از دید معرفتی ما مخفی است؛ یعنی آن حضرت به طور عادی زندگی می کند و مردم کوچه و بازار او را ملاقات و با او نشست و برخاست و معاشرت می کنند و حضرت با مردم هم صحبت و همدم می شود؛ ولی مردم شناخت و معرفت به این ندارند که این شخص، امام عصر(ع) است. حکمت الهی چنین اقتضا کرده است که حضرت ناشناس باشد و بدین طریق، از خطرات احتمالی ستمگران و ظالمان در امان بماند تا ذخیره ای برای روز مبادا باشد.

روایاتی بر این نظریه دلالت می کنند، مثل:

۱. امام صادق(ع) فرمود: «إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُينًا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ(ع) سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ(ع) وَ سُنَّةٌ مِنْ عِيسَى(ع) وَ سُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ(ص) فَأَمَّا سُنَّتُهُ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ(ع) فَخَائِفٌ يَتَرَقَّبُ وَ أَمَّا سُنَّتُهُ مِنْ عِيسَى(ع) فَيُقَالُ فِيهِ مَا قِيلَ فِي عِيسَى وَ أَمَّا سُنَّتُهُ مِنْ يُوسُفَ فَالَسُّرُ جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْخَلْقِ حِجَابًا يَرُونَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ وَ أَمَّا سُنَّتُهُ مِنْ مُحَمَّدٍ(ص) فَيَهْتَدِي بِهَدَاهِ وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ؛(۱)» در صاحب این امر (حضرت مهدی(ع)) سنتهایی از پیامبران(ع) است: سنتی از موسی بن عمران و سنتی از عیسی(ع) و سنتی از یوسف(ع) و سنتی از محمد(ص)؛ اما سنتی که از موسی(ع) دارد، آن است که خائف و منتظر فرصت نشسته است؛ اما سنتی که از عیسی(ع) دارد آن است که درباره اش بگویند آنچه را که درباره عیسی(ع) می گفتند؛ اما سنتی که از یوسف(ع) دارد، مستور بودن است. خداوند بین او و مردم حجابی قرار می دهد؛ به گونه ای که او را می بینند، ولی نمی شناسند و اما سنتی که از محمد(ص) دارد، آن است که هدایت شده به هدایت او و سیرکننده به سیرت اوست.»

۲. امام صادق(ع) فرمود: «فَمَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأَمَّةُ أَنْ يَفْعَلَ اللَّهُ حَيْلًا وَ عَزَّ بِحُجَّتِهِ كَمَا فَعَلَ بِيُوسُفَ أَنْ يَمْشِيَ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَأَ بُسْطَهُمْ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ لَهُ؛(۲)» چگونه این امت انکار می کند که خداوند عز و جل با حجت خویش همان کند که با یوسف کرد که امام آنان، در بازارهایشان راه برود و بر فرشهایشان قدم بگذارد؛ اما او را نشناسند تا آن زمان که خداوند به ظهور او اجازه فرماید.»

ص: ۳۶۵

۱- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۰، باب ۳۳، ح ۴۶.

۲- . کافی، ج ۱، کتاب الحججه، ح ۴، ص ۳۳۶.

غیبت جسمانی، همان غیبت شخصی و حقیقی است. طبق این نظریه، امام زمان(ع) از دید ظاهری مردم، ناپیدا است. غیبت جسمانی به دو صورت قابل تصور است:

۱. غیبت جسمانی به دلیل نامرئی بودن امام زمان(ع)؛ به این معنا که حضرت، روی همین زمین هستند و روی همین زمین زندگی می کنند و به جاهای مختلف سیر و سفر کرده، به احوالات و رفتار شیعیان نظارت می کنند و به آنها عنایت و لطف دارند؛ ولی هیچ کس وجود حضرت را با چشمان ظاهری نمی بیند؛ چنانچه حضرت خضر(ع) چنین است.

امام رضا(ع) می فرماید:

«إِنَّ الْخَضِرَ (ع) شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ حَتَّى يُنْفَخَ فِي الصُّورِ وَ إِنَّهُ لَيَأْتِينَا فَيَسْلُمُ عَلَيْنَا فَنَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ لَا نَرَى شَخْصَهُ وَ إِنَّهُ لَيَحْضُرُ حَيْثُ ذُكِرَ فَمَنْ ذَكَرَهُ مِنْكُمْ فَلَيْسَ لَمْ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَيَحْضُرُ الْمَوَاسِمَ فَيَقْضِي جَمِيعَ الْمَنَاسِكِ وَ يَقِفُ بِعَرَفَةَ فَيُؤَمِّنُ عَلَى دُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيُؤَنَسُ اللَّهُ بِهِ وَ حَشَهُ قَائِمًا فِي عَجِيَّتِهِ وَ يَصِلُ بِهِ وَحِدَتَهُ؛ (۱) خضر(ع) از آب حیات نوشید و به این سبب زنده ماند و تا نَفخ صور نخواهد مرد. او نزد ما می آید و سلام می دهد، ما صدای او را می شنویم، ولی بدنش را نمی بینیم، و حاضر است در هر جا که نامش ذکر شود. پس هر که از شما او را یاد کند، باید به او سلام کند و در هر سال به موسم حج حاضر شود، جمیع اعمال را به جا می آورد و در عرفه می ایستد و دعای مؤمنان را تصدیق می کند، و به زودی خدای تعالی وحشت قائم ما را به سبب انس گرفتن به او از بین می رود و تنهایی او را به رفاقت وی مبدل می کند.»

این نوع اختفا که همان ناپیدا بودن است، با اختفا به صورت ناشناس بودن، فرق دارد؛ زیرا اختفا به صورت ناشناسی به طور عادی صورت می گیرد و هیچ گونه مؤونه ای در بر ندارد و حضرت به صورت ناشناس رفت و آمد می کند و مردم، ایشان را می بینند؛ ولی نمی شناسند؛ اما استتار به شکل نامرئی بودن، به اعجاز نیاز دارد تا حضرت در حین حضور، ظهور نداشته باشد.

ص: ۳۶۶

۱- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۰، باب ۳۸، ما روی من حدیث الخضر(ع)، ح ۴ و منتخب الأنوار المضيئه، علی بن عبدالکریم نیلی نجفی، خیام، ۱۴۰۱ق، ص ۴۰، فصل سوم.

اینجاست که خداوند متعال برای آخرین وصی نبی اکرم(ص) و آخرین ذخیره الهی، اعجاز را عاملی برای حفظ و صیانت ایشان قرار داده است تا بشر از فیض وجود او بی بهره نباشد و هیچ وقت، زمین از حجت الهی خالی نماند. امام صادق(ع) در این باره فرمود: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ؛ (۱) اگر زمین بدون امام بماند، حتما فرو خواهد ریخت.»

شاید در اینجا این سؤال به ذهن بیاید که اگر وجود حضرت مهدی(ع) جسم نامرئی است، پس ملاقات و دیدار بزرگان با ایشان (که در کتابهای معتبر نقل شده است) (۲) چگونه توجیه می شود؟

مثلاً- نقل شده است که: مرحوم میرزای قمی صاحب قوانین نقل می کند که من با علامه بحرالعلوم به درس آقا باقر بهبهانی(رحمه الله) می رفتم و با او درسها را مباحثه می کردم و غالبا من درسها را برای سید بحرالعلوم(رحمه الله) بیان می کردم. من به ایران آمدم و پس از مدتی سید بحرالعلوم در بین علما و دانشمندان شیعه، به عظمت و علم معرفی شد. تعجب می کردم و با خود می گفتم او که این استعداد را نداشت، چگونه به این عظمت رسید؟ تا اینکه موفق به زیارت نجف اشرف شدم. در آنجا سید بحرالعلوم را دیدم. در محضر او بحثی مطرح شد. دیدم او به واقع دریای مواجی است که باید او را بحرالعلوم نامید. روزی در خلوت از او سؤال کردم: «آقا ما که با هم بودیم، آن وقتها شما این مرتبه از استعداد و علم را نداشتید، چگونه به این مقام رسیدید؟» سید بحرالعلوم فرمود: «جواب سؤال شما از اسرار است، به تو می گویم؛ اما تقاضا دارم که تا من زنده ام به کسی نگویم.» من قبول کردم و او ابتدا به اجمال فرمود: «چگونه این طور نباشد و حال آنکه حضرت ولی عصر(ع) مرا شبی در مسجد کوفه به سینه خود چسبانیده است؟»

ص: ۳۶۷

۱- . الغیبه، نعمانی، ترجمه: جواد غفاری، کتابخانه صدوق، چاپ اول، ص ۱۹۸.

۲- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۱۰۸.

گفتم: «چگونه خدمت آن حضرت رسیدید؟» فرمود که شبی به مسجد کوفه رفته بودم. دیدم آقایم حضرت ولی عصر(ع) مشغول عبادت است. ایستادم و سلام کردم، جوابم را مرحمت فرمود و دستور داد که پیش بروم، من مقداری جلو رفتم؛ ولی ادب کردم و زیاد جلو نرفتم. فرمود: «جلوتر بیا.» پس چند قدمی نزدیک تر رفتم. باز هم فرمود: «جلوتر بیا.» من نزدیک شدم تا آنکه آغوش مهر گشود و مرا در بغل گرفت و به سینه مبارکش چسباند. در اینجا آنچه خواست به این قلب و سینه سرازیر شود، سرازیر شد.»(۱)

در جواب باید گفت: نامرئی بودن حضرت به اراده و تصمیم خود ایشان بستگی دارد؛ یعنی در مواقعی که به ظهور نیاز است تا به شیعیان خاص و محبان خود لطف و عنایت داشته باشند، ظاهر می شود و مشکلات آنها را برطرف می کند.»

در موضوع پنهان بودن حضرت مهدی(ع) از دیدگان بشر با خواست و اراده خود او، روایات زیادی نقل شده است که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:

ص: ۳۶۸

۱- امام زمان(ع) و سید بحرالعلوم، سید جعفر رفیعی، نشر یاران قائم، ص ۱۵۷.

۱. امام رضا(ع) فرمود: «لَا يُرَى جِسْمُهُ، وَلَا يُسَمَّى اسْمُهُ؛» (۱) جسم [حضرت مهدی(ع)] دیده نمی شود و به اسم نام برده نمی شود.»

۲. امام صادق(ع) می فرماید: «تَفَقَّدَ النَّاسُ إِمَامَهُمْ فَيَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ؛» (۲) مردم امام خود را گم کنند و او در موسم حج حاضر باشد و آنها را ببیند و مردم او را نمی بینند.»

ابو هاشم داوود بن قاسم جعفری می گوید که از امام علی النقی(ع) شنیدم که می گفت: «الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي الْحَسَنُ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ فَقُلْتُ وَ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَ لَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ فَقُلْتُ فَكَيْفَ نَذْكُرُهُ فَقَالَ قُولُوا الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ(ع)؛» (۳) جانشین من پس از من، فرزندم حسن است. شما چگونه باشید در جانشین پس از آن جانشین؟ عرض کردم: قربانت چرا؟ فرمود: چون شخص او را نبینید و بردن نام او برای شما روا نباشد. عرض کردم: پس چگونه او را ذکر کنیم؟ فرمود: بگویید حجت از آل محمد(ص).»

ص: ۳۶۹

۱- . الکافی، ج ۱، ص ۳۳۳، باب فی النهی عن الاسم، ح ۳.

۲- . الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷، باب فی الغیبه، ح ۶.

۳- . الکافی، ج ۱، ص ۳۲۸، باب الإرشاد و النص...، ح ۱۳.

فصل پنجم: عصر غیبت

اختصاص نداشتن غیبت به امام زمان (ع)

اشاره

مسأله غیبت مختص به امام عصر (ارواحنا فداه) نبوده است، بلکه طبق بیان قرآن کریم و روایات، تعدادی از پیشوایان گذشته نیز، از آن جمله: صالح، عیسی، خضر (ع) و ... به عللی حتی برای زمانی محدود و مختصر غیبت اختیار کرده، و از انظار مردم پنهان می شدند!

ابوبصیر می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: (۱) «تمام غیبت‌های پیامبران در زندگی قائم ما اهل بیت نیز مو به مو جاری است.» ابوبصیر می گوید: عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا (ص)! آیا قائم از شما اهل بیت است؟» حضرت فرمود: «ای ابوبصیر، او پنجمین از فرزندان پسر موسی کاظم (ع) و فرزند بانوی کنیزان [عالم] است. غیبتش چندان طولانی گردد که اهل باطل در آن تردید کنند، سپس خداوند او را ظاهر کرده و شرق و غرب جهان را به دست او بگشاید، و عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و پشت سر او نماز گذارد، زمین با نور خداوند منور گردد، و جایی در روی زمین نمی ماند که در آن غیر از خداوند عزوجل پرستش شود، [همه ادیان باطل از میان برود] و فقط دین خدا می ماند، هر چند مشرکین نپسندند!»

ص: ۳۷۰

۱- «إِنَّ سَيِّئَ الْأَنْبِيَاءِ (ع) مَا وَقَعَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْغَيْبَاتِ جَارِيَةٍ فِي الْقَائِمِ مِمَّا أَهَلَ الْبَيْتِ حَدْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمِنَ الْقَائِمِ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟ فَقَالَ: يَا بَا بَصِيرٍ هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْأَمَاءِ يَغِيبُ غَيْبَةً يَزْتَابُ فِيهَا الْمُبْطُلُونَ ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيَفْتِيحُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا وَيَنْزِلُ رُوحَ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ع) فَيَصِلُ إِلَى خَلْفِهِ وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَلَا تَبْقَى فِي الْأَرْضِ بَقْعَةٌ عِبَادَ فِيهَا غَيْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ فِيهَا وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» علامه مجلسی، بحار الانوار، طهران، المكتبة الاسلاميه، ۱۳۸۴ هـ، ج ۵۱، ص ۱۴۶، باب ۶، ح ۱۴؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرقه، ۱۴۰۵ هـ، ۱۳۶۲ هـ، ج ۲، ص ۳۴۵، باب ۳۳، ح ۳۱.

فصل پنجم: عصر غیبت

اختصاص نداشتن غیبت به امام زمان(ع)

نمونه ای از غیبت‌های پیامبران و اوصیای الهی

۱. حضرت خضر(ع):

به تصریح قرآن کریم حضرت موسی(ع) قبل از دوره غیبتش با خضر(ع) آشنا شده، از علم او بهره مند گردید. حضرت خضر(ع) با اینکه از دیدگان پنهان بود ولی هرگز از حوادث و اوضاع زمان غفلت نداشت. و روی ولایت و اختیاراتی که از جانب خدا به او داده شده بود در اموال و نفوس تصرف می کرد و اوضاع را طبق مصالحی رهبری می نمود.

این داستان در قرآن (آیات ۵۹ تا ۸۲ کهف) ذکر شده است.

۲. حضرت عیسی(ع):

ص: ۳۷۱

یهود و نصاری بر کشته شدن حضرت عیسی(ع) اتفاق دارند، اما خداوند می فرماید:

(وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا) (۱)؛ «و گفتارشان که ما مسیح؛ عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم؛ در حالی که نه او را کشتند و نه به دار آویختند؛ لکن [امر بر آنها] مشتبّه شد و کسانی که درباره [قتل] او اختلاف کردند، هر آینه در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می کنند و قطعاً او را نکشتند، بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است.»

عیسی بن مریم(ع) هم اکنون زنده و غایب است و طبق روایات در زمان ظهور حضرت مهدی روحی فداه از آسمان به زمین فرود می آید. چنانکه رسول خدا(ص) فرمود:

ص: ۳۷۲

«يَلْتَفِتُ الْمَهْدِيُّ وَقَدْ نَزَلَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ كَأَنَّمَا يَقْطُرُ مِنْ شَعْرِهِ الْمَاءُ فَيَقُولُ الْمَهْدِيُّ: تَقَدَّمَ صَلِّ بِالنَّاسِ فَيَقُولُ عَيْسَى: أَمَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ لَكَ، فَيَصِي لِي خَلْفَ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِي» (۱)؛ مهدی متوجه می شود که عیسی فرزند مریم از آسمان فرود آمده و گویی از موهای [سر و صورتش] آب می ریزد، مهدی (ع) به او می گوید: جلو بایست و با مردم نماز بخوان، حضرت عیسی (ع) می گوید: نماز باید به وسیله شما اقامه شود، پس عیسی (ع) پشت سر مردی از فرزندان من ایستاده و نماز می خواند.»

۳. حضرت صالح (ع):

ص: ۳۷۳

۱- . عقدالدّرر فی أخبار المنظر، یوسف بن عبدالعزیز الشافعی، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، تعلیق علی نظری منفرد، قم، انتشارات نصایح، المطبعة اسوه، الاولی، ۱۴۱۶ هـ، ص ۳۸.

حضرت صالح(ع) از پیامبران عظیم الشان است و نام مبارکش ۹ بار در قرآن آمده و از حیث زمان بعد از نوح(ع) و قبل از ابراهیم(ع) بوده است.

حضرت صالح برای قوم ثمود که مردمی بت پرست بودند مبعوث شد. وی مدتی از نظر قومش غایب شد. صالح در روز غیبت مردی کامل و دارای شکمی هموار و اندامی زیبا، و محاسنی انبوه، و گونه های کم گوشت، میانه بالا و متوسط القامه بود؛ اما پس از غیبت چون به سوی قوم بازگشت تغییر کرده بود و او را نشناختند. در موقع بازگشت وی، قومش سه دسته شدند:

۱. دسته اول منکر وی شدند. ۲. دسته دوم مشکوک بودند. ۳. دسته سوم یقین داشتند که او صالح پیغمبر است. صالح(ع) نخست به دسته ای که درباره وی مشکوک بودند برخورد نمود، و فرمود: من صالح هستم، ولی مردم او را تکذیب کرده دشنامش داده و به او آزار رساندند و گفتند: ما از تو به خدا پناه می بریم، صالح پیغمبر شکل تو نبود.

سپس نزد دسته منکرین آمد، آنها نیز سخن او را نپذیرفتند و سخت از وی دوری کردند!

آنگاه از کنار گروه سوّم که اهل یقین بودند گذشت، و به آنها گفت: من صالح هستم، آنها گفتند: راست می گویی، خبری به ما ده که بدان وسیله درباره ات شک نکنیم! و بدانیم تو صالح هستی، زیرا ما تردید داریم که خالق متعال قادر است انسان را در هر صورتی که می خواهد تغییر دهد!

صالح(ع) گفت: من همان صالح هستم که ناقه را برای شما آوردم، گفتند درست می گویی، منظور ما نیز پرسش از همین مطلب بود، ولی بگو بدانیم ناقه چه علائمی داشت!؟

صالح گفت: علامت ناقه این بود که یک روز برای خوردن آب به آبخشور می رفت و روز دیگر آن را برای شتران دیگر می گذاشت. گفتند درست گفتی، ما به خدا و آنچه تو از نزد او آوردی ایمان داریم. (۱)

۴. حضرت ادریس(ع):

ص: ۳۷۵

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۵، باب ۱۳، ح ۱.

غیبت این پیامبر عظیم الشان سرآغاز همه غیبتها بود و ظهور او بعد از دشواریهای زیاد که برای پیروانش پیش آمد اتفاق افتاد.
(۱)

۵. لاوی بن برخیا:

داستان مشروحی درباره نعل یهودی در هنگام تشریف به خدمت رسول اکرم(ص) نقل شده که تفصیل آن چنین است:

نعل چون پاسخ همه سؤالاتش را از پیامبر عظیم الشان اسلام دریافت کرد، شهادتین بر زبان جاری کرد و گفت: من در کتب انبیاء قبل دیدم که در آخرالزمان پیغمبری می آید که نامش «احمد» و «محمد» است، و او خاتم الانبیاء بوده و اوصیاء او دوازده نفر به عدد اسباطند. رسول اکرم(ص) به نعل فرمود: آیا اسباط را می شناسی؟

نعل گفت آری، آنها دوازده نفرند که نخستین آنها لاوی بن برخیا است. او مدتی از بنی اسرائیل غایب شده، سپس به میان قوم خود برگشت، و دین خدا را پس از اندراس و از هم گسیختگی از نو زنده کرد، و با پادشاه ستمگری به نام «قرسطیا» جنگید و او را کشت.

ص: ۳۷۶

۱- . کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه: منصور پهلوان، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۵۴.

حضرت فرمود: آنچه در میان بنی اسرائیل واقع شده در میان امت من نیز مو به مو واقع خواهد شد، دوازدهمین فرزند من غایب می شود به طوری که دیده نمی شود!

وقتی به طرف امت بازگشت می کند که از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسوم و آداب ظاهری نمانده باشد! در چنین شرایطی خدا به او اجازه خروج می دهد! و خدا اسلام را به وسیله او ظاهر کرده و تجدید می نماید.

خوشا به حال کسانی که آنان را دوست داشته، از آنان پیروی کنند، و بدوا به حال کسانی که آنها را دشمن داشته با آنان مخالفت نمایند! و خوشا به حال کسانی که به برنامه های هدایت و راهنمایی آنان متمسک شوند. (۱)

۶. ذوالقرنین:

ص: ۳۷۷

۱- . ینابیع الموده، شیخ سلیمان قندوزی، ص ۹۷، فصل اول، باب ۸، ح ۱.

قرآن کریم در سوره کهف آیات ۹۶-۸۳ داستان مشروحو درباره ذوالقرنین دارد و صفات ممتازی را برای او بیان می کند. از بسیاری روایات اسلامی که از پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) نقل شده استفاده می شود که او پیامبر نبود بلکه بنده صالحی بود. (۱)

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: (۲) از رسول خدا(ص) شنیدم که می فرمود: همانا ذوالقرنین بنده صالح خدا بود، و خداوند او را برای بندگانش حجت قرار داده بود. ذوالقرنین مردم را به سوی خدا دعوت کرده و آنها را به تقوا و پرهیزکاری امر می کرد، اما آن مردم ضربتی به سمت راست سرش زدند، و او مدتها از نظر مردم غایب شد! غیبتی آنچنان طولانی که گفتند مرده، یا هلاک شده، و معلوم نیست در کدام وادی سرگردان است! اما ذوالقرنین پس از غیبت طولانی مجدداً به سوی قومش بازگشت، این بار نیز مورد حمله قرار گرفت و آنان دومین ضربه را به سمت چپ سرش زدند! سپس حضرت فرمود: آگاه باشید، که در میان شما کسی است که همان روش و سنت ذوالقرنین را دارد، خدای عزوجل سبب و امکانات همه چیز را برای ذوالقرنین فراهم کرد و قدرتی در زمین به او داد که او شرق و غرب را درنوردید. اما به زودی سنت و روش ذوالقرنین در قائم از اولاد من جاری خواهد شد، و قائم، شرق و غرب عالم را زیر فرمان حکومت خود در می آورد. در اطراف جهان کوه و دشت و بیابانی نیست که ذوالقرنین در آن قدم نهاده باشد، مگر اینکه مهدی در آن قدم خواهد گذاشت، [و آن را زیر چتر حکومتش خواهد کشید]. همه گنجها و معادن زمین را خداوند برای قائم ظاهر می کند، و او را بوسیله ترسی [که دردل دشمنان می افکند] یاری خواهد کرد. قائم جهان را پر از عدل و داد می کند، همان طوری که از ظلم و جور پر شده است.

اینها نمونه هایی چند از غیبت انبیاء و اولیای الهی بود که به عنوان شاهد آوردیم.

ص: ۳۷۸

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۴۲ الی ۵۴۵ با تلخیص.

۲- إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا جَعَلَهُ اللَّهُ حُجَّةً عَلَى عِبَادِهِ فَمَدَعَا قَوْمَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَمَرَهُمْ بِتَقْوَاهُ فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْنَيْهِ فَعَابَ عَنْهُمْ زَمَانًا حَتَّى قِيلَ مَاتَ أَوْ هَلَكَ بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ ثُمَّ ظَهَرَ وَرَجَعَ إِلَى قَوْمِهِ فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْنَيْهِ الْأَخْرَ الْأَوَّلَا وَفِيكُمْ مَنْ هُوَ عَلَى سُنَّتِهِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَكَّنَ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا وَبَلَغَ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيِّجِرِي سُنَّتَهُ فِي الْقَائِمِ مِنْ وُلْدِي وَيُبَلِّغُهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا حَتَّى لَا يَبْقَى سَهْلٌ وَلَا مَوْضِعٌ مِنْ سَهْلٍ وَلَا جَبَلٌ وَطَيْئُهُ ذُو الْقَرْنَيْنِ إِلَّا وَطَيْئُهُ وَيُظْهِرُ اللَّهُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَمَعَادِنَهَا وَيَنْصُرُهُ بِالرُّعْبِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسِيًا وَعِيدًا كَمَا مَلِئْتَ جُورًا وَظُلْمًا. (ترجمه احادیث، با استفاده از کتاب مهدی(ع) آخرین سفیر، نوشته ذبیح الله محسنی کبیر، انجام شده است). بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۲۲، باب ۲۷، ح ۳۱؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۴، باب ۳۷، ح ۴.

از مطالب فوق استفاده می شود که غیبت امام زمان(ع) یک امر بی سابقه ای نبوده است؛ بلکه غیبت حجتها و اولیای الهی در مقطعی از زمان در سنت الهی یک امر معمولی است. البته لازم است در اینجا به این مطلب نیز اشاره کنیم که هر چند این بزرگان از دیدگان پنهان بوده اند؛ ولی برخی از آنها حتی در زمان غیبت نیز به جهت ولایت و اختیاراتی که از جانب خداوند به آنها رسیده بود پیوسته در اموال و نفوس تصرف می کردند و اوضاع را طبق مصالحی با واسطه یا بدون واسطه رهبری کردند و هرگز از حوادث و اوضاع زمان خود غفلت نداشتند.

امام زمان(ع) نیز این چنین اند. ایشان هر چند از نظرها غایب اند؛ اما طبق روایات رسیده از معصومین(ع) دارای اطرافیانی می باشند که همراه حضرت بوده و به ایشان در امور مختلف کمک می کنند. اینان مؤمنین خالص و بزرگوارانی هستند که در هر دوره حضور دارند. افرادی که به حضرت متوسل می شوند در غالب اوقات همین افراد که در ناحیه مقدسه هستند از طرف امام زمان(ع) به کمک ایشان می شتابند و چون مردم آگاهی ندارند گمان می کنند که شخص حضرت را زیارت نمودند. بنابراین حضرت را به گونه های مختلفی تعریف می کنند و حال آنکه ایشان بر یک شکل و شمایل هستند.

برای حضرت حجت(ع) نظیر بقیه امامان معصوم قدرت فوق العاده ای است و می توانند از هر راهی که صلاح بدانند به افراد کمک کنند. ممکن است برای فرد در راه مانده ای کمک فرستاده و او را به مقصد برسانند و یا فردی را که دارای فرزند نیست بدن او را آماده کرده و از او رفع نقص کنند و بیماری را که صعب العلاج است و یا جواب رد شنیده، علاج نمایند. این نوع کمکها در اصطلاح امروز به امدادهای غیبی معروف است. اصولاً باید دانست این امور برای امامان معصوم اموری بسیار پیش پا افتاده است. کسانی که بر در خانه آن حضرات تربیت شده اند کارهای فوق العاده تری را انجام می دهند تا چه رسد به وجود مقدس امام معصوم(ع) که حاکم بر کل هستی است. (۱)

ص: ۳۷۹

فصل پنجم: عصر غیبت

فواید غیبت امام زمان(ع)

مقدمه

یکی از شبهه‌هایی که درباره امام زمان(ع)، مطرح می‌شود این است که امام غایب، رهبر و پیشوا است و وجود رهبر در صورتی می‌تواند مفید باشد که حضور عادی، میان پیروان خود داشته باشد. امامی که دیده نمی‌شود، چگونه می‌تواند نقش رهبری را در جامعه ایفا کند؟

به تعبیر دیگر، زندگی امام در دوران غیبت به منزله چشمه آب زلالی است که در ظلمات بوده است و کسی توان دسترسی به آن را ندارد.

وجود مخفیانه آن چشمه چه سودی برای عموم مردم دارد و مردم چگونه از وجود پنهان او بهره‌مند می‌شوند؟ این سؤال تنها امروز مطرح نیست؛ بلکه از روایات استفاده می‌شود که حتی پیش از تولد حضرت مهدی(ع) در عصر امامان نیز مطرح بوده است و ائمه اطهار(ع) به آن پاسخ می‌داده‌اند.

ص: ۳۸۰

۱. جابر بن عبدالله انصاری از رسول اکرم(ص) پرسید: «آیا شیعه در زمان غیبت از فیوضات قائم آل محمد(ص) برخوردار می شوند؟» پیامبر(ص) فرمود: «آری، قسم به پروردگاری که مرا به پیامبری برگزید! از وی نفع می برند و از نور ولایتش کسب نور می کنند؛ همچنان که از خورشید استفاده می کنند هنگامی که پشت ابرها قرار گیرد.»(۱)

۲. از امام سجاد(ع) پرسیدند: «شیعیان در زمان غیبت از وجود حضرت ولی عصر(ع) چگونه استفاده می کنند؟ فرمود: «آن چنان که از خورشید استفاده می شود، هنگامی که پشت ابرها پنهان شود.»

۳. امام باقر(ع) فرمود: «از روزی که خداوند متعال حضرت آدم را آفرید تا روز قیامت، زمین، خالی از حجت نبوده و نخواهد بود، یا حجت ظاهر و روشن و یا غایب و پنهان.» راوی پرسید «از امام غایب چگونه استفاده می شود؟» فرمود: «آن چنان که از خورشید پشت ابر استفاده می شود.»(۲)

۱- . بحار الأنوار، چاپ قدیم، ج ۱۳، ص ۱۲۹ و اکمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۳.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۲ و اکمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۷.

۴. در توفیق مبارکی که از ناحیه مقدسه امام زمان(ع) به دست دومین نایب خاص، محمد بن عثمان به اسحاق بن یعقوب صادر شده است، چنین نوشته شده است: «اما چگونگی استفاده مردم از من مثل استفاده آنها از خورشید است؛ هنگامی که پشت ابر پنهان شود.» (۱)

نکته اساسی اینجاست که چرا حضرت ولی عصر(ع) در زمان غیبت به خورشید پشت ابر تشبیه شده است؟

ص: ۳۸۲

۱- احادیث الامام المهدی(ع)، ج ۴، ص ۲۹۴ و اکمال الدین، ج ۲، ص ۳۲۲ و الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۱۷.

وجوه شباهت امام زمان (ع) به خورشید پشت ابر

۱. خورشید، مرکز منظومه شمسی است و کرات و سیارات به دور او در حرکت اند؛ چنان که وجود حضرت حجت (ع) مرکز نظام هستی است: «بِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَ يُمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَاءَ وَ بِوُجُودِهِ ثَبَتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ؛ (۱)» به بقای او دنیا باقی است و به یمن وجودش، بقیه موجودات روزی داده می شوند و به سبب وجود وی زمین و آسمان پایدارند.»

۲. خورشید در این مجموعه، منافع فراوانی دارد؛ مانند: جاذبه که مایه ثبات و بقای نظام است، گرما و حرارت که پشت انبوه ابر غلیظ نیز به زمین می رسد و نیز باد و باران، رویدن گیاهان و امثال آن از برکت تابش خورشید است که ابرگرفتگی در آن اثر مهمی ندارد. بله، نورافشانی از پشت ابر کمتر خواهد بود. بدین ترتیب، ابرگرفتگی، فقط یکی از منافع آفتاب را تقلیل می دهد؛ نه اینکه از بین ببرد. امام زمان (ع) نیز غیر از حضور عادی اش در میان مردم، منافع فراوانی برای مردم دارد که در پرتو وجود حضرتش از وجود او استفاده می برند.

ص: ۳۸۳

۳. ابر، هرگز آفتاب را نمی پوشاند؛ بلکه ما را می پوشاند. در نتیجه ما را از دیدن آن محروم می کند؛ نه آنکه در منفعت رسانی آن خلل ایجاد کند. چگونه می توان گفت: غایب است کسی که عالم وجود در قبضه قدرت اوست و می تواند هر لحظه ای در هر جا حضور داشته باشد؟

کی رفته ای ز دل که تمنا کنم تو را

کی بوده ای نهفته که پیدا کنم تو را

غیبت نکرده ای که شوم طالب حضور

پنهان نگشته ای که هویدا کنم تو را

با صد هزار جلوه برون آمدی که من

با صد هزار دیده تماشا کنم تو را (۱)

۴. پوشاندن ابر، به کسانی اختصاص دارد که در زمین هستند؛ نه کسی که بر فراز ابر حرکت می کند. غیبت آن حضرت نیز برای آنان است که به دنیا و طبیعت چسبیده اند؛ اما کسانی که بر ابر شهوات و غبار هواهای نفسانی پا می گذارند و در آسمان معنویت پرواز می کنند، هر لحظه که بخواهند در حضور هستند.

جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی

۱- . دیوان حافظ، ص ۱۹۵، غزل ۱۴۴.

۵. آفتاب، لحظه ای از نورافشانی غفلت نمی کند. هر کس به اندازه ارتباطی که با خورشید دارد از نور آن بهره می برد و اگر بتواند همه موانع را کنار بزند و در برابر آفتاب بنشیند، بهره کاملی می برد؛ چنان که حضرت ولی عصر (ع) مجرای فیض الهی است و در این جهت بین بندگان خدا فرقی نمی گذارد؛ ولی هر کس به اندازه ارتباط خود استفاده می برد. (۲)

ص: ۳۸۵

۱- . فروغ بسطامی.

۲- . عصاره خلقت، آیت الله جوادی آملی، ص ۸۵.

فواید وجود امام زمان(ع) را به دو قسم تکوینی و تشریحی می توان تقسیم کرد. در فایده تکوینی، شناخت و فقدان شناخت دخالت ندارد؛ بلکه مسلمان و کافر، همه به طور مساوی از آن بهره مندند؛ ولی در فایده تشریحی، شناخت و معرفت، در استفاده از وجود حجت الهی دخالت مستقیم دارد؛ یعنی هر چه انسان، وجود امام عصر(ع) را کامل تر بشناسد و به ایشان عشق و علاقه بیشتری نشان دهد، بهره مندی او از وجود ایشان بیشتر است.

فصل پنجم: عصر غیبت

فواید غیبت امام زمان (ع)

فواید تکوینی امام زمان (ع)

۱. واسطه فیض

خداوند متعال، نظام دنیا را به گونه ای قرار داده است که بدون وجود امام، زندگی روی زمین امکان ندارد؛ چرا که زمین به برکت امام (ع) قرار و آرام پیدا کرده است.

شواهد نقلی این مطلب بسیار است؛ برای نمونه امام باقر (ع) فرمود: «جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا؛» (۱) خداوند ایشان را ارکان زمین قرار داده است تا اهلش را به اضطراب و تزلزل در نیاورد.

پس اگر امام نباشد، زمین، قرار و آرامش نخواهد داشت. خداوند با اهل بیت (ع) زمین را مستقر ساخته است، تا در آن آرامش برقرار شود.

ص: ۳۸۷

۱- اصول کافی، کتاب الحجّه، باب ان الائمه هم ارکان الارض، ج ۱، ص ۱۹۶.

امام صادق(ع) وضعیت دنیا را بدون امام و حجت خدا چنین ترسیم می کند: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ؛» (۱) اگر زمین بدون امام بماند فرو می ریزد.»

البته باید بدانیم که نه تنها زمین، بلکه آسمان هم به برکت امام(ع) نگه داشته شده است. پیامبر اکرم(ص) در روایتی که یکایک امامان را به جابر معرفی فرمود، چنین تصریح کرده است: «وَبِهِمْ يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا؛» (۲) خداوند به سبب ایشان، آسمان را از افتادن بدون اجازه او بر زمین نگه می دارد و به سبب ایشان، زمین را حفظ می کند که اهل خود را به تزلزل در نیاورد.»

افتادن آسمان به زمین نشانه به هم خوردن نظام آفرینش است. نه تنها نظام آسمان و زمین به برکت امام باقی است؛ بلکه بقیه اموری که برای حیات انسان ضرورت دارد نیز بر وجود امام(ع) متوقف است.

ص: ۳۸۸

۱- اصول کافی، کتاب الحجج باب ان الارض لا تخلو من الحجج، ج ۱۰، ص ۱۹۷.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۲۰.

صادق آل محمد(ع) فرمود: «بِنَا أَثْمَرَتِ الْأَشْجَارُ وَ أُيْنَعَتِ الثَّمَارُ وَ جَرَتِ الْأَنْهَارُ وَ بِنَا يَنْزِلُ غَيْثُ السَّمَاءِ وَ يَنْبُتُ عُشْبُ الْأَرْضِ؛ (۱)» به سبب ما درختان میوه می دهند و میوه ها به ثمر می رسند و رودها جاری می شوند، و به سبب ما باران از آسمان می بارد و گیاهان و سبزیجات زمین می رویند.»

بنابراین بهره بردن از هر یک از نعمتهای الهی، به نعمت وجود امام(ع) موکول است و به سبب وجود مقدس ایشان، همه موجودات زنده (اعم از گیاهان و حیوانات و انسانها) می توانند زنده و باقی بمانند. این نوع انتفاع از امام(ع) بر شناخت آن حضرت متفرع نیست. افراد، چه امام را بشناسند و چه نشناسند، چه تسلیم ایشان بشوند و یا هیچ اعتقادی به ایشان نداشته باشند، به برکت وجود او بر روی زمین سکونت دارند و از نعمتهای مختلف آن بهره می برند. (۲)

۲. نفوذ روحانی

ص: ۳۸۹

-
- ۱- اصول کافی، کتاب الحجج، باب النوادر، ج ۱، ص ۱۴۴.
 - ۲- آفتاب در عزیمت، سید محمد بنی هاشمی، ص ۱۱۵.

یک رهبر بزرگ آسمانی، خواه پیامبر(ص) باشد یا امام، افزون بر تربیت تشریحی که از طریق گفتار و رفتار و تعلیم و تربیت عادی صورت می گیرد، یک نوع تربیت روحانی و از راه نفوذ معنوی در دلها و فکرها دارد که آن را تربیت تکوینی می توان نام گذاشت. اینجا الفاظ، کلمات، گفتار و کردار کار نمی کند؛ بلکه تنها جاذبه و کششی درونی مؤثر است.

در حالات بسیاری از پیشوایان بزرگ الهی می خوانیم که گاه بعضی افراد منحرف و آلوده با یک ارتباط مختصر با آنها به کلی تغییر کرده و مسیر خود را عوض می کردند.

این دگرگونی سریع و همه جانبه، آن هم با یک نگاه و تماس مختصر، نمی تواند نتیجه تعلیم و تربیت عادی باشد؛ بلکه معلول یک اثر روانی نامرئی و یک جاذبه ناخودآگاه و قهری است که گاهی از آن به نفوذ شخصیت نیز تعبیر می شود.

داستان برخورد اسعد بن زراره بت پرست با پیامبر(ص) در کنار خانه کعبه و تغییر سریع طرز تفکر او و یا داستان سرگذشت زن خواننده ای که هارون، او را به گمان خام خود برای انحراف ذهن امام کاظم(ع) به زندان اعزام کرده بود، و منقلب شدن روحیه وی در یک مدت کوتاه، تا آنجا که قیافه و طرز سخن و منطق او، هارون را به حیرت و وحشت افکند و داستانهای دیگری از این قبیل، نمونه هایی از همین تاثیر ناخودآگاه است که آن را شعبه ای از ولایت تکوینی پیامبر(ص) یا امام(ع) می توان دانست.

وجود امام غایب در پشت ابرهای غیبت نیز این اثر را دارد که از راه اشعه نیرومند و پردامنه ولایت، دل‌های آماده را تحت تأثیر جذبه معنوی و روحانی خود قرار دهد و به تربیت و تکامل آنها بپردازد.

ما قطب‌های مغناطیسی زمین را با چشم خود نمی‌بینیم؛ ولی اثرشان را بر روی عقربه‌های قطب‌نما مشاهده می‌کنیم. امواج مغناطیسی در دریا راهنمای کشتی و در صحراها و آسمان راهنمای هواپیما و وسایل دیگر است تا در سراسر کره زمین از برکت این امواج، میلیون‌ها مسافر، راه خود را به سوی مقصد پیدا کنند و از سردرگمی‌های یابند.

آیا تعجب دارد اگر وجود امام(ع) در زمان غیبت با امواج جاذبه معنوی خود، راهنمای افکار و جانهای زیادی باشد که در دور یا نزدیک قرار دارند و آنها را از تحیر‌هایی بخشد؟

نباید فراموش کرد همان‌گونه که امواج مغناطیسی زمین بر هر آهن‌پاره بی‌ارزشی اثر نمی‌گذارد؛ بلکه بر عقربه‌های ظریف و حساس قطب‌نما اثر می‌گذارد؛ زیرا آب مغناطیسی خورده و یک نوع سنخیت و شباهتی با قطب فرستنده امواج مغناطیسی پیدا کرده‌اند، جذبه روحانی قطب‌عالم نیز همین‌گونه بر دل‌های پاکی که با طهارت ظاهری و باطنی، آمادگی پیدا کرده‌اند، اثر گذاشته، آنها را رشد می‌دهد و تعالی می‌رساند. (۱)

ص: ۳۹۱

۱- حکومت جهانی مهدی(ع)، آیت الله مکارم شیرازی، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ص ۲۶۱.

فصل پنجم: عصر غیبت

فواید غیبت امام زمان(ع)

فایده های تشریحی امام غایب

این جهت از نعمت بودن امام به شناخت از ایشان بستگی دارد. هر کس بخواهد از این نعمت استفاده کند، باید در مرحله اول، امام را بشناسد و سپس تسلیم شده، در امور روزانه خود، رضایت و توجه آن حضرت را مد نظر داشته باشد. به عبارتی جنبه تشریحی نعمت بودن امام، بدون عمل اختیاری افراد، تحقق نمی یابد.

اکنون نمونه هایی از فواید تشریحی امام غایب را بررسی می کنیم:

۱. امید بخشی

ایمان به مهدی غایب و انتظار ظهور او، مایه امیدواری و آرامش مسلمانان است. این امیدواری، یکی از بزرگ ترین اسباب موفقیت و پیشرفت در راه رسیدن به هدف است. هر گروهی که روح یأس و ناامیدی، خانه دلشان را تاریک کرده باشد و چراغ امید و آرزو در آن نتابد، هرگز روی سعادت را نخواهند دید.

ص: ۳۹۲

اوضاع آشفته و اسفبار جهان، سیل بنیان کن مادیت، کسادى بازار علوم و معارف، محرومیت روزافزون طبقه ضعیف، توسعه فنون استعمار، جنگهای سرد و گرم و مسابقه تسلیحاتی جهانی، خیرخواهان بشر را مضطرب کرده است؛ به گونه ای که ممکن است گاهی آنان در اصل قابلیت اصلاح بشر تردید کنند. تنها روزنه امیدی که برای بشر مفتوح است و یگانه برق امیدی که در این جهان تاریک جستن می کند، همان انتظار فرج و فرا رسیدن عصر درخشان حکومت توحید و نفوذ قوانین الهی است.

انتظار فرج، قلبهای مأیوس و لرزان را آرامش بخشیده، مرهم دلهای زخم‌دار طبقه محروم می شود. همچنین نویدهای مسرت بخش حکومت توحید، عقاید مؤمنان را نگه داری و ایشان را در دین پایدار می کند. از سوی دیگر، ایمان به غلبه حق، خیرخواهان بشر را به فعالیت و کوشش وامی دارد.

استمداد از آن نیروی غیبی، انسانیت را از سقوط در وادی هولناک ناامیدی نجات می دهد.

ایمان به مهدی موعود، آینده روشن و فرح بخشی را برای مسلمانان به ویژه شیعیان مجسم کرده، روح یأس و شکست را از آنان سلب و ایشان را به تلاش در راه رسیدن به هدف ترغیب می کند.

۲. پاسداری از آیین خدا

با گذشت زمان، پدید آمدن سلیقه های مختلف و آمیختن آنها با مسائل مذهبی، گرایشهای متفاوت به سوی برنامه های ظاهر فریب مکتبهای انحرافی، و نیز با دراز شدن دست مفسده جوینان به سوی مفاهیم آسمانی، اصالت پاره ای از این قوانین از دست می رود و دستخوش تغییرات زیانباری می شود.

این آب زلال که در قالب دین الهی از آسمان نازل شده است، با عبور از مغزهای این و آن، به تدریج از مسیر واقعی خارج شده و صفای نخستین خود را از دست داده است. در این فرض آیا ضروری نیست که کسی میان جمع مسلمانان باشد که مفاهیم دائمی تعالیم اسلامی را در شکل اصلی اش حفظ و برای آیندگان نگه داری کند؟

مگر دوباره وحی آسمانی بر کسی نازل می شود؟ مسلماً خیر. موضوع وحی با مسئله خاتمیت برای همیشه بسته شد. پس چگونه باید آیین اصیل اسلامی حفظ شود، جلوی تحریفات و تغییرها و خرافات گرفته شود و برای نسلهای آینده محفوظ بماند؟ آیا جز این است که باید این کار را یک پیشوای معصوم ادامه دهد؟ خواه آشکار و مشهور باشد یا پنهان و ناشناس.

ص: ۳۹۴

به طور معمول در هر موسسه مهم، صندوقی آسیب ناپذیر وجود دارد که اسناد مهم را در آن نگه داری می کنند تا از دستبرد دزدان محفوظ بماند یا هرگاه آتش سوزی در آنجا روی دهد از خطر حریق مصون باشد که اعتبار و حیثیت آن موسسه ارتباط نزدیکی با حفظ آن اسناد و مدارک دارد. (۱)

قلب امام و روح بلندش، صندوقی آسیب ناپذیر برای حفظ اسناد آیین الهی است که همه اصالتها و واقعتهای نخستین و ویژگیهای آسمانی این تعلیمات را در خود نگه داری می کند تا حجتهای الهی باطل نشود.

۳. تصرف امام در کارها

تصرف امام زمان(ع) در کارها به مدد و کلای خاص یا عام است. بدیهی است که لازم نیست رئیس و سرپرست قوم به طور شخصی در امور مداخله کند؛ بلکه سیره رهبران، همیشه بر این منوال بوده است که با واسطه در امور دخالت می کردند. رسول اکرم(ص) و امیرمؤمنان(ع) از طرف خود در شهرهایی که حاضر نبودند، نمایندگان را منصوب می کردند. همچنین ائمه دیگر در زمان خودشان در شهرهای مختلف و کیلانی داشتند.

امام غایب، مهدی موعود نیز به این طریق، کارهای مردم را سرپرستی می کند؛ از این رو آن حضرت در زمان غیبت صغری، و کلای خاصی را برای رسیدگی به امور مردم معین فرمود و مقام نیابت خاصه را به آنان عنایت کرد. همچنین در زمان غیبت کبری فقها و علمای عادل و دانا به احکام الهی را به طور عام برای قضا، فصل خصومات و حفظ مصالح عامه مسلمانان نصب و تعیین فرمود که مراجع امور مسلمانان باشند. (۲)

ص: ۳۹۵

۱- حکومت جهانی مهدی(ع)، آیت الله مکارم شیرازی، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ص ۲۵۷.

۲- آخرین تحول با حکومت ولی عصر(ع)، ص ۷۹.

حضرت در توقیعی مبارک چنین فرمود: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاهِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّهُ اللَّهِ؛ (۱)» در رویدادهای تازه به راویان حدیث ما (عالمان و مجتهدان) رجوع کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا هستم.»

همچنین آن جناب در توقیع دیگری فرموده است: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلَّدُوهُ؛ (۲)» مردم از فقیهانی تقلید کنند که بر نفس خود مسلط اند و حافظ دین و مخالف هوای نفس و مطیع امر مولای خودند.»

ص: ۳۹۶

۱- . وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۰۱ و احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۲۸۳.

۲- . وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱، ح ۲۰، باب ۱۰.

رهیافتگان کوی دوست

طلیعه سخن

فصل پنجم: عصر غیبت

رهیافتگان کوی دوست

طلیعه سخن

دیر گاهی است پناهنده این در گاهم

بلکه عمریست که خاک ره این خر گاهم

گرچه در هر نفسی کالبدم می میرد

به امید تو بود زنده دل آگاهم

گاهی از ذوق لب لاله صفت می شکفم

گاهی از شوق قدت شمع صفت می کاهم

گر برانی ز درم از همه درویش ترم

ور بخوانی به برم بر همه شاهان شاهم

پرتوی گرز تو تابد به من ای چشمه نور

شجر سینه سینا و لسان اللهم

گرز چاه غم و نفرت تو نجاتم بخشی

یوسف مملکت مصرم و صاحب جاهم

ص: ۳۹۷

تیشه ریشه کن قهر تو را من کوهم

کهربای نظر لطف تو را من کاهم

بستان داد من از طالع بیداد گرم

ورنه در خرمن گردون زند آتش آهم

تیره و تار شد از دود دل آینه فکر

ترسم آن آینه حسن جهان آرایم

«مفتقر» خاک ره گوشه نشین در توست

بهر او گوشه چشمی ز شما می خواهم (۱)

در روز جمعه نیمه شعبان سال (۲) (۲۵۵) یا (۳) (۲۵۶) هجری، خورشید جهان گستر عالم وجود شروع به تاییدن کرد و شعاع نور خود را بر صفحه هستی منتشر ساخت. نام او نام جدش رسول الله (ص) (م. ح. م. د) و کنیه اش همچون او ابو القاسم بود. پدرش امام حسن عسکری (ع) پیشوای یازدهم شیعیان و مادرش نرجس بود که به وی ریحانه و سوسن هم می گفتند. آن حضرت دارای القاب بسیاری است؛ به گونه ای که محدث نوری با استفاده از آیات و روایات، ۱۸۲ لقب برای آن حضرت ذکر کرده است که برخی از آنها عبارت اند از: **أَبَا صَالِحٍ، بَقِيَّةُ اللَّهِ، بَقِيَّةُ الْأَنْبِيَاءِ، حَجَّةُ اللَّهِ، خَلِيفَةُ اللَّهِ، صَاحِبُ الزَّمَانِ، صَاحِبُ الْأَمْرِ، مَهْدِي، قَائِمٌ وَ مُنْتَظَرٌ.** (۴)

تولد آن حضرت با یکی از سخت ترین دوران تاریخ امامت مصادف بود؛ دورانی که حکام ستمگر عباسی می دانستند مهدی موعود از نسل حضرت عسکری(ع) خواهد بود؛ به همین سبب پیوسته مراقب وضع زندگی آن جناب بودند تا بتوانند فرزند ایشان را به قتل برسانند؛ ولی به خواست خداوند تلاش آنان همچون تلاش فرعونیان - که در صدد نابودی حضرت موسی بودند - بی ثمر ماند و امام مهدی(ع) به صورت کاملاً مخفیانه دیده به جهان گشود و بارقه های امید را در دل شیعیان به وجود آورد.

ص: ۳۹۸

۱- .مرحوم کمپانی.

۲- .الارشاد، شیخ مفید، اعلمی للمطبوعات، ص ۳۴۶ و اکمال الدین، کتابفروشی اسلامی، ج ۲، ص ۱۰۴.

۳- .بحار الأنوار، المطبعة الاسلامیه، ج ۵۱، ص ۱۵.

۴- .نجم الثاقب، میرزا حسین طبرسی نوری، علمیه اسلامیة، ص ۲۸.

این فشارها و جو اختناق که به ویژه از زمان امام جواد(ع) رو به گسترش بود نشان داد که زمینه مساعد برای بهره مندی از هدایتها و راهبریهای امامان(ع) در جامعه در حد نصاب لازم وجود ندارد؛ از این رو حکمت الهی اقتضا کرد که پیشوای دوازدهم از دیدگان غایب باشد تا موقعی که آمادگی لازم در جامعه به وجود آید و شرایط حضور امام(ع) فراهم شود.

ص: ۳۹۹

فصل پنجم: عصر غیبت

رهیافتگان کوی دوست

شبهه تکذیب رؤیت

در برخی متون روایی، حدیثی نقل شده است که باعث ایجاد ابهام و تردید در رؤیت امام زمان (ع) در دوران غیبت کبری شده است؛ از این رو در این نوشتار برآنیم تا پس از نقل حدیث به بررسی اجمالی موضوع بپردازیم.

طبرسی در احتجاج به صورت مرسل نقل می کند که توقیعی از ناحیه مقدسه برای ابی الحسن سمري، آخرین نایب خاص امام زمان (ع) به این صورت نوشته شد: «يَا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدِ السَّمَرِيِّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتِّهِ أَيَّامٍ فَأَجْمِعْ أَمْرَكَ وَ لَا تُوصِ إِلَيَّ أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ ؛ ای علی بن محمد سمري! خداوند اجر برادرانت را درباره تو بزرگ فرماید. همانا تو در فاصله شش روز دیگر خواهی مرد. پس کارهایت را جمع کن و به احدی وصیت نکن تا پس از وفاتت جانشین تو شود (به این معنا که نایب دیگری برای امام عصر (ع) معرفی نکن).»

«فَقَدْ وَقَعَتِ الْعُيْبَةُ النَّامَةُ فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَ ذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ امْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا؛ همانا غیبت کبری محقق شد. پس ظهوری نیست، مگر پس از اجازه خداوند عزوجل و این پس از مدت طولانی و سختی [و تیرگی] دلها و پر شدن زمین از ظلم است.»

«وَسَيَأْتِي شَيْعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ أَلْمَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٌ؛ و به زودی از شیعیان من کسانی مشاهده مرا ادعا خواهند کرد. آگاه باش که هر کسی پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی دعوی مشاهده کند، دروغگو و افترا زننده است.» (۱)

روشن است که این روایت در صدد بیان این نکته است که هر کسی رؤیت امام زمان (ع) را ادعا کرد باید تکذیب شود؛ ولی از طرفی در متون روایی، تاریخی و ... وقایعی مربوط به دیدار با امام عصر (ع) نقل شده است که عده ای از ناقلان، بزرگان هستند که احتمال کذب درباره آنها راه ندارد؛ از این رو عده ای از دانشمندان اسلامی به بررسی سند و دلالت این روایت پرداخته و مواردی را یادآور شده اند. در ادامه به قسمتهایی از آنها اشاره می کنیم:

الف) یک روایت، زمانی می تواند حجیت داشته باشد و کاشف از واقع باشد که از نظر سند کامل باشد؛ یعنی سلسله افرادی که این کلام را به معصوم (ع) نسبت می دهند، مشخص، ثقه و مورد اطمینان باشند تا کلام و نقلشان گواهی دهد که این مطالب از معصوم صادر شده است؛ چنان که گفته شد این روایت، مرسل است؛ یعنی عده ای از راویان آن مشخص نیستند و معلوم نیست که آیا افرادی قابل وثوق بوده اند یا خیر؟ پس نمی توان با اتکاء به این روایت مرسل، آن همه وقایع تاریخی معتبر را نادیده گرفت؛ وقایعی که افراد معتبری چون: شیخ طوسی، علامه مجلسی، شیخ صدوق و دیگران نقل کرده اند. (۲)

ص: ۴۰۱

۱- . الاحتجاج، مرحوم طبرسی، منشورات نعمان، ج ۲، ص ۲۹۷؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، چاپ تبریز، ص ۲۵۷؛ اکمال

الدین، همان، ص ۱۹۳ و بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۱۸.

ب) این روایت - در صورتی که صحیح و معتبر باشد - در صدد نفی مشاهده امام نیست؛ بلکه چون دوران غیبت صغری با مرگ علی بن محمد سمری به پایان می‌رسید، امام با این توقیع، پایان غیبت صغری و آغاز غیبت کبری را اعلام فرمود؛ از آنجا که ویژگی خاص غیبت کبری، نبودن نواب خاص برای ایشان است؛ از این رو امام(ع) ادعای رؤیت و نایب بودن آن حضرت را منتفی اعلام فرمود و مدعی چنین امری را کاذب خواند. (۱)

ج) این روایت، ناظر به مکان و محل زندگی امام است؛ یعنی محل زندگی امام مخفی است و هیچ کس نمی‌تواند از محل زندگی آن حضرت(ع) مطلع شود و ایشان را ملاقات کند؛ ولی ملاقات ایشان به طریقی که برای اولیا اتفاق می‌افتد، هیچ‌گاه انکار نشده است؛ همان‌گونه که برخی ایشان را در مکانهای گوناگون از قبیل مسجد سهله، عرفات و... ملاقات کرده‌اند. (۲)

ص: ۴۰۲

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۲۴.

فصل پنجم: عصر غیبت

رهیافتگان کوی دوست

ایمان به غیب

مشاهده جمال نورانی امام زمان(ع) کرامتی است که فقط اوحدی از انسانهای پاک و صالح را شایستگی رسیدن به آن مقام بلند است؛ چرا که مفتخر شدن به چنین کرامت و فیضی، سختیها و ریاضتهای نفسانی زیادی را می طلبد که انجام و تحمل آن بر همگان میسر نیست؛ اما ممکن است این سؤال در ذهن به وجود آید که آیا ممکن نبود همگان توفیق دیدار این گل خوشبوی بوستان امامت را پیدا می کردند؟ آیا بدین طریق، مردم با خیالی آسوده راه ایمان و تقوا را در پیش نمی گرفتند و در برخی اوقات از ورطه ابهام و تردید نجات نمی یافتند؟ آیا تحمل سختی و غم فراق امام و پیشوایشان، آثار و برکاتی برای آنها به دنبال دارد؟

در پاسخ باید بیان شود که ایمان به امور محسوس بسی آسان تر است؛ ولی ایمان به امام عصر(ع) در غیبت کبری دارای ارزش زیادی است. روشن است که ایمان به امام عصر(ع) و پیروی از ایشان، زمانی ارزش بیشتری پیدا می کند که انسان ایشان را مشاهده نکند؛ ولی با توجه به وعده های الهی در آیات و روایات، خویشان را در زمره یاران و منتظران واقعی آن امام همام قرار دهد.

ص: ۴۰۳

با توجه به مطالب بیان شده، در ادامه بر آنیم تا به مواردی چند از هزاران واقعه ای اشاره کنیم که انسانهای پاک و مخلص توانسته اند به محضر آن منجی جهانی شرفیاب شوند و خود را از چشمه امامت سیراب کنند و وجود خود را از اشعه های نورانی آن خورشید تابناک منور سازند و روح و روان خویش را از عطر خوشبوی بوستان ولایت معطر کنند.

۱. حل مشکلات علمی

علامه مجلسی (رحمه الله) نقل می کند که جماعتی از علما از سید میر علام برای من حکایت کرده اند که به نقل از خود ایشان در یکی از شبها در صحن مطهر امیرمؤمنان (ع) بودم. قسمت عمده ای از شب گذشته بود و من مشغول قدم زدن بودم، دیدم شخصی از مقابل من به سوی حرم منور امیرمؤمنان می رود. وقتی نزدیک رفتم دیدم استاد بزرگوارم احمد اردبیلی (۱) - قدس الله روحه - است. من خودم را از وی پنهان کردم تا اینکه به طرف درب حرم آمد. در بسته بود. به مجرد رسیدن او درب باز و او داخل حرم شد. شنیدم که سخن می گوید مثل اینکه با کسی در گوشی حرف می زند.

پس از آن از حرم بیرون آمد و درب بسته شد. من هم از پشت سر، دنبال او رفتم تا وی از نجف خارج شد و به سمت کوفه رفت. من دنبال او بودم؛ ولی او مرا نمی دید تا اینکه داخل مسجد کوفه شد. سپس به سمت محرابی رفت که حضرت امیرمؤمنان (ع) در آنجا شهید شد و مدتی در آنجا ایستاد. پس از آن برگشت و از مسجد بیرون آمد و آهنگ نجف کرد.

ص: ۴۰۴

۱- . ملا احمد اردبیلی نجفی متوفی ۹۹۳ ق - که در میان فقها و بزرگان به «محقق اردبیلی» و نزد عموم به «مقدس اردبیلی» مشهور است - از مشاهیر فقها و محققان ما است. در فقه، اصول، حکمت و کلام استاد مبرز، و در زهد و تقوا یگانه روزگار بوده است. دانشمندان بزرگی چون ملا عبدالله شوشتری، شیخ حسن صاحب معالم، سید محمد صاحب مدارک، امیر فیض الله تفرشی و میر علام از شاگردان وی هستند.

همچنان پشت سر او بودم تا اینکه نزدیک مسجد حنانه رسیدم. در آنجا سرفه ام گرفت، به گونه ای که نتوانستم خودداری کنم. وقتی صدای سرفه مرا شنید برگشت. نگاهی به من کرد و پرسید: «تو میر علام هستی؟» گفتم: «آری.» گفت: «اینجا چه می کنی؟» گفتم: «از موقعی که شما وارد صحن مطهر شدید تا کنون همه جا با شما بودم. شما را به صاحب این قبر مطهر قسم می دهم آنچه امشب بر شما گذشت از اول تا آخر به من اطلاع دهید.» گفت: «می گویم؛ ولی به این شرط که تا من زنده ام به کسی نگویی.»

وقتی به وی اطمینان دادم، فرمود: «در پاره ای از مسائل علمی فکر می کردم و حل آن برایم مشکل بود. به دلم افتاد که خدمت امیرمؤمنان(ع) بروم و حل مشکل را از آن حضرت بخواهم. موقعی که به درب حرم رسیدم، چنان که دیدی درب به رویم گشوده شد و داخل حرم رفتم و از خداوند خواستم که مولایم جواب سؤالم را بدهد. ناگهان صدایی از قبر منور شنیدم که فرمود: به مسجد کوفه برو و از قائم ما سؤال کن؛ زیرا او امام زمان تو است. من هم پهلوی محراب مسجد کوفه آمدم و آن حضرت را آنجا دیدم. مسئله خود را پرسیدم و حضرت جواب آن را مرحمت فرمود و اکنون به منزل بر می گردم.» (۱)

۲. طی الارض

ص: ۴۰۵

مرحوم مجلسی (رحمه الله) از پدرش (مجلسی اول) نقل می کند که مرد شریف و نیکوکاری در زمان ما بود که او را امیر اسحاق استرآبادی می گفتند. وی چهل مرتبه پیاده به حج بیت الله رفته بود و در میان مردم، مشهور بود که طی الارض دارد.

او در یکی از سالها به اصفهان آمد. نزد وی رفتم و آنچه درباره او شهرت داشت از خودش جويا شدم. او گفت که در یکی از سالها با کاروان حج به زیارت خانه خدا می رفتم. وقتی به محلی رسیدیم که تا مکه، هفت یا نه منزل راه بود. به عللی از کاروان بازماندم؛ چندان که کاروان از نظرم ناپدید شد و راه را گم کردم. در نتیجه سرگردان شدم و تشنگی بر من غلبه کرد؛ به گونه ای که از زندگی خود ناامید شدم. در آن هنگام صدا زدم: «یا صالح، یا ابا صالح! راه را به من نشان بده. رحمت خدا بر تو باد!»

ناگاه شخصی از دور به نظرم رسید. وقتی با دقت نگاه کردم طی اندک مدتی نزد من آمد. دیدم جوانی خوش سیما، پاکیزه لباس و گندمگون است که به هیئت مردمان شریف بر شتری سوار شده بود و مشک آبی هم با خود دارد. من به وی سلام کردم و او هم جواب سلام مرا داد و پرسید: «تشنه هستی؟» گفتم: «آری.» او مشک آب را به من داد و آب نوشیدم. آن گاه گفت: «می خواهی به کاروان برسی؟» گفتم: «آری.»

او مرا پشت سر خود سوار کرد و به طرف مکه رهسپار شد، من عادت داشتم هر روز حرز یمانی می خواندم. پس شروع به خواندن آن کردم. آن جوان در بعضی جاهای آن می گفت: «این طور بخوان!» چیزی نگذشت که به من گفت: «اینجا را می شناسی؟» وقتی نگاه کردم دیدم در ابطح (محل بیرون مکه) هستم. گفت: «پیاده شو!» وقتی پیاده شدم، او برگشت و از نظرم ناپدید شد. در آن موقع متوجه شدم که امام زمان (ع) بود. از گذشته پشیمان شدم و بر مفارقت و نشناختن وی تأسف خوردم. پس از هفت روز کاروان آمد، چون آنها از زنده بودن من مأیوس بودند، وقتی مرا در مکه دیدند مشهور شدم که طی الارض دارم.

پدرم فرمود: «من هم حرز یمانی را نزد وی خواندم و آن را تصحیح کردم و برای قرائت آن از وی اجازه گرفتم.» (1)

ص: ۴۰۷

از مرحوم شمس الدین فرزند اسماعیل هرقلی (۱) حکایت شده است که پدرش در جوانی دچار بیماری و زخم شدید و عفونی در پای چپ خود شد؛ به حدی که او را سخت در فشار قرار داده و زندگی اش را به خطر افکنده بود. این زخم چرکین به ویژه در فصل بهار شکافته می شد و خون و چرک از آن جریان می یافت.

او از شدت ناراحتی از روستای خود حرکت کرد و به سوی حله آمد و نزد سید گرانقدر، رضی الدین علی بن طاووس رفت. سید، پزشکان شهر را برای معاینه وی دعوت کرد؛ ولی پزشکان اظهار عجز کردند. او همراه سید به بغداد آمد و در آنجا به پزشکان ماهر مراجعه کرد. آنان پس از معاینه، همان نظر پزشکان حله را داشتند. پس از آن، بیمار با ناامیدی به شهر مقدس سامرا رفت تا به امام زمان (ع) توسل جوید.

پس از چند روز اقامت در سامرا به سوی نهر دجله رفت و پای خویش را - که به دلیل جریان خون و چرک آلوده بود - شستشو داد و لباس تمیز و جدیدی به تن کرد و بازگشت. در میانه راه به چهار سوار برخورد کرد که یکی از آنان لباس ویژه بزرگان و علمای دینی را بر تن کرده بود. همه پیاده شدند و سه نفر از آن گروه در دو سوی راه ایستادند و به بیمار سلام کردند و آن شخصیت پر شکوه که گویی سالار آنان بود به سوی بیمار آمد و گفت: «أَنْتَ غَدًا تَرْوَحُ إِلَى أَهْلِكَ؛ تو فردا به سوی خاندان و اهل خود باز می گردی.» پس فرمود: «جلو بیا تا زخم پایت را ببینم.» اسماعیل پیش رفت و آن شخص بزرگوار دست خود را بر پای او کشید و آن گاه بر مرکب خویش سوار شد. یکی از آنان گفت: «أَفَلَحْتَ يَا إِسْمَاعِيلَ؛ ای اسماعیل [شفا یافتی و] رستگار شدی.»

ص: ۴۰۸

۱- «هرقل» نام روستایی در منطقه «حله» بود و «حله» شهری است در عراق که در ۴۰ کیلومتری کربلا است.

اسماعیل از اینکه آنان او را به نام و نشان می شناختند، شگفت زده شد. یکی از سواران گفت: «ایشان را نشناختی؟ امام عصر(ع) است.» در این هنگام اسماعیل از خواب غفلت بیدار شد و به سرعت خود را به آن شهسوار شفا بخش رسانید و پای او را که در رکاب بود در آغوش کشید و بوسه باران ساخت و در نهایت اسماعیل به دستور امام(ع) و اصرار همراهان از امام(ع) جدا شد و امام(ع) و یارانش او را تنها گذاشتند.

پس از آن اسماعیل به مرقد منور امام هادی و عسکری(ع) رسید و مردم پس از اینکه متوجه سلامتی او شدند به سوی او هجوم بردند و پیراهنش را به عنوان تبرک پاره پاره کردند. پس از یک روز اسماعیل هرقلی به سمت بغداد حرکت کرد. وقتی به بغداد رسید انبوه مردم که از ماجرای شفای او آگاهی یافته بودند، گرد او را گرفتند و پیراهنش را به منظور تبرک ذره کردند و بردند.

سید بن طاووس و گروه دیگری که همراه او بودند به استقبال اسماعیل هرقلی آمدند و مردم را پراکنده ساختند. هنگامی که سید او را دید فرمود: اسماعیل آیا تو شفا یافته ای؟» پاسخ داد: «آری.» سید گرانقدر از مرکب پیاده شد و پای اسماعیل را مشاهده کرد؛ اما اثری از زخم نیافت و از شوق بیهوش شد. (۱)

ص: ۴۰۹

۱- . کشف الغمه، علی بن عیسی اربلی، مکتبه بنی هاشم، ج ۳، ص ۱۸۳ و بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۶۱.

آقا سیدعلی صاحب ریاض از خط علامه حلّی در حاشیه یکی از کتابهایش نقل می کند که علامه در شبی از شبهای جمعه تنها به زیارت قبر مولای خود جناب ابی عبدالله الحسین (ع) می رفت. وی بر حماری سوار بود و تازیانه ای برای راندن حیوان در دست داشت. از روی اتفاق در اثنای راه، شخصی پیاده بر او وارد شد و به همراهی او در آمد و در طول مسیر، فتح باب مسئله و مکالمه کرد.

علامه دانست که او مردی است عالم و خبیر و از این رو در مقام سؤال از برخی مشکلات علمی بر آمد و دید وی حلال مشکلات است. علامه فهمید که وحید و یگانه عصر است؛ زیرا کسی چون خود ندیده بود و خودش هم در این مسائل متحیر مانده بود تا آنکه در اثنای راه بحثی به میان آمد که آن شخص بر خلاف علامه فتوا داد. علامه انکار کرد و گفت: «این فتوا بر خلاف اصل و قاعده است و دلیل و خبری نداریم که وارد بر اصل و مخصص قاعده شود.» آن مرد گفت: «دلیل این حکم حدیثی است که شیخ طوسی (رحمه الله) در تهذیب خود نوشته است.» علامه گفت: «چنین حدیثی در تهذیب ندیده ام که شیخ طوسی یا دیگران نقل کرده باشند.» آن شخص گفت: «آن نسخه از کتاب تهذیب را که در اختیار داری، فلان مقدار ورق بزن. در فلان صفحه و فلان سطر آن را خواهی دید.»

وقتی علامه این گونه جواب شنید متحیر شد که این شخص کیست که چنین از غیب سخن می گوید. سپس علامه برای استظهار و استخبار از او سؤال کرد -؛ در حالی که از غایت تفکر و تحیر تازیانه از دستش به زمین افتاد -؛ «آیا مثل این زمان که غیبت کبری در آن واقع شده است در ک شرف ملاقات صاحب الزمان امکان دارد یا نه؟» آن شخص چون این سخن را شنید به سوی زمین خم شد و تازیانه را برداشت و در دست علامه گذاشت و سپس فرمود: «چگونه امکان ندارد و حال آنکه هم اکنون دست او در میان دست تو است.»

علامه به محض اینکه این سخن را شنید از بالای حیوان خود را بر پاهای مبارک آن حضرت انداخت و شروع به بوسیدن کرد و از غایت شوق از هوش رفت و هنگامی که به هوش آمد کسی را ندید؛ از این رو افسرده و ملول شد و پس از مراجعت به خانه، کتاب تهذیب خود را ملاحظه کرد و آن حدیث را در همان موضع مشاهده کرد؛ از این رو در حاشیه کتاب به خط خود نوشت: «این حدیثی است که مولای من صاحب الامر (ع) مرا به آن خبر داد.» (۱)

ص: ۴۱۱

۱- . قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، ص ۲۷۷ و دار السلام، عراقی میثمی، ص ۲۸۸.

فصل پنجم: عصر غیبت

برخی انتظارات امام زمان (ع) از شیعیان

اشاره

امام همچون ناظر امین و طیب دَواری است که همیشه بر اوضاع و احوال امت خویش نظاره دارد. او هرگز آنها را فراموش نخواهد کرد و آنان را در گرفتاریها تنها نخواهد گذاشت.

حضرت از اوضاع جهانی و امور شیعیان خویش آگاه است، و ریز و درشت اخبار را با چشم تیزبین الهی و امدادهای غیبی نظاره گر است؛ چنان که خود می فرماید: «فَأَنَا يُحِيطُ عَلْمَنَا بِأَبْنَائِكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ؛» (۱) علم ما به اخبار شما احاطه دارد و هیچ چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست.»

امام زمان (ع) با توجه به آن آگاهی گسترده، هرگز شیعیان خود را فراموش نمی کند؛ بلکه در تمام حالات ناظر و حامی آنها می باشد و بالهای عنایات و الطاف بی کران خویش را همیشه بر سر پیروان خود گسترده دارد؛ چنان که خود آن حضرت در توقیعی به شیخ مفید (رحمه الله) فرمود: «أَنَا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذِكْرُكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ...؛» (۲) از یاری رساندن به شما کوتاهی نکرده، فراموشتان نمی کنیم و اگر چنین نبود، حتما ناگواریها بر شما نازل می شد و دشمنان، شما را نابود می ساختند....»

ص: ۴۱۲

۱- . بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷.

۲- . بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷.

و قطعاً چنین امام و ناظر امینی، برای سلامت معنوی و هدایت واقعی رهروان خویش سفارشات و همین طور انتظاراتی دارد که انتظارات شخصی و فردی نیستند و به همین دلیل، خطابها و دستوهای او از سر دوستی و از راه شفقت و دلسوزی است؛ چنان که خود در سخنان پر مهر و محبتش می فرماید: «لَوْلَا مَا عِنْدَنَا مِنْ مَحَبَّةٍ صَيَّحِكُمْ وَ الْإِشْفَاقِ عَلَيْكُمْ لَكُنَّا عَنْ مُخَاطَبَتِكُمْ فِي شُغْلٍ...» (۱) اگر محبت صلاح و خوبی شما نزد ما نبود و برای شما دلسوز و مهربان نبودیم، شما را مخاطب [گفته های] خود قرار نمی دادیم.»

با توجه به نکات پیش گفته، آنچه در این مقال، بدان توجه شده است، برخی انتظارات هدایتگر و سعادت آفرینی است که امام عصر(ع) در زمان غیبت خویش از پیروان خود دارد. این انتظارات عبارت اند از:

ص: ۴۱۳

۱- بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۷۹، ح ۹.

برخی انتظارات امام زمان(ع) از شیعیان

پرواپیشگی و تسلیم

یکی از مهم ترین انتظارات آن حضرت از شیعیان و پیروان خویش، این است که تقوای الهی را پیشه ساخته، سرا پا تسلیم اوامر و نواهی امامان معصوم باشند. در این صورت است که سعادت دنیوی و اخروی انسان تأمین می شود. آن امام رئوف در کلام رسای خود فرمود:

«فَاتَّقُوا اللَّهَ - وَ سَلِّمُوا لَنَا وَ رُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا فَعَلَيْنَا الْإِصْدَارُ كَمَا كَانَ مِنَّا الْإِيرَادُ وَلَا تُحَاوِلُوا كَشْفَ مَا غُطِّيَ عَنْكُمْ؛ (۱)» از خدا بترسید و تسلیم [امر] ما شوید و کارها را به ما واگذار کنید. پس بر ماست که شما را از سرچشمه [معارف] سیراب کنیم، همان گونه که بردن شما به سوی سرچشمه به وسیله ما بوده است، و نروید در پی آنچه از شما پوشیده شده است.»

ص: ۴۱۴

برخی انتظارات امام زمان (ع) از شیعیان

جلب محبت اهل بیت (ع) و ترک گناهان

پاداش رسالت پیامبر اکرم (ص) این است که مردم به جانشینان او، یعنی امامان معصوم (ع)، محبت و ارادت داشته باشند، و همین محبت، عامل مهمی در بازدارندگی از گناهان و معصیتها است. یکی از انتظارات امام زمان (ع) نیز این است که پیروان در پی جلب و کسب محبت اهل بیت باشند و از انجام گناه و اموری که باعث ناراحتی و رنجش آنان می شود، به شدت بپرهیزند.

آن حضرت در سخنی خیرخواهانه چنین می فرماید: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يُقْرَبُ بِهِ مِنْ مُحَبِّتِنَا وَلِيَتَجَنَّبَ مِنْ كَرَاهِيَّتِنَا وَ سَخَطِنَا فَإِنَّ امْرَأًا يَبْغَتْهُ فَجَاءَهُ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبُهُ وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حَوْبِهِ؛» (۱) پس باید هر یک از شما [شیعیان] کارهایی را که باعث جلب محبت ما می شود، انجام دهد و باید از کارهای [ناپسندی] که خشم و غضب ما را در پی دارد، اجتناب کند. پس [آگاه باشید که] مرگ آدمی ناگهان می رسد که [در آن وقت، دیگر] توبه سودی نمی رساند و ندامت و پشیمانی [نیز] نمی تواند او را از عذاب ما برهاند.»

ص: ۴۱۵

در جای دیگر، حرکت در مسیر محبت اهل بیت (ع) را این گونه از شیعیان خواسته است: «وَلَا تَمِيلُوا عَنِ الْيَمِينِ وَتَعِيدُوا إِلَى الْيَسَارِ وَاجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ؛» (۱) از راست منحرف نشوید که به چپ عدول کنید، و مقصد خود را با دوستی ما طبق سنت [الهی و نبوی] روشن به سوی ما قرار دهید.»

کوچک ترین انحراف، میان شیعه، قلب یوسف زهرا (ع) را سخت ناراحت و رنجور خواهد کرد. به همین سبب، آن حضرت با قلب آکنده از رنجش و غصه، شکوه خویش را از دست شیعیان جاهل و منحرف به این صورت اظهار می دارد: «قَدْ آذَانَا جُهَلَاءَ الشَّيْعَةِ وَحُمَقَاؤُهُمْ وَمَنْ دِينَ جَنَاحِ الْبُعُوضِ أَرْجِحُ مِنْهُ؛» (۲) به حقیقت نادانان و کم خردان شیعه و کسانی که پر و بال پشه بر دین آنها برتری دارد، ما را آزار می دهند.»

ص: ۴۱۶

۱- بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، ص ۱۷۹، ح ۹.

۲- الاحتجاج، مرحوم طبرسی، ج ۲، ص ۴۷۴.

برخی انتظارات امام زمان(ع) از شیعیان

همدلی و اتحاد

از دیگر خواسته های امام زمان(ع) این است که بر محور فرامین الهی و تعهدهایی که در مقابل امامان خویش دارند، همدل و متحد باشند؛ چرا که همدلی هم موفقیت دنیوی آنها را در پی دارد، و هم زمینه تعجیل فرج و ظهور عدالت گستر جهان را فراهم می سازد.

آن حضرت دلسوزانه اظهار می دارد: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِرِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا؛ (۱) اگر شیعیان ما _ که خدای آنان را بر انجام طاعت خویش موفق بدارد _ در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می شدند، میمنت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد.»

گفتا حجاب وصلت باشد هوای نفست

گر نفس را شکستی دستت رسد به دستم

ص: ۴۱۷

برخی انتظارات امام زمان (ع) از شیعیان

دعا برای فرج

شیعه در فراق امام و مولای خویش نمی تواند آرام گیرد و شب و روز نسوزد و لحظه به لحظه چشم به انتظار ظهور مولا و امام خویش نباشد. نشانه انتظار سازنده و کارساز، آن است که بکوشد تا زمینه ظهور را در جامعه بیشتر آماده کند. یکی از راههای زمینه سازی برای ظهور، دعاهای دلسوزانه و مشتاقانه است؛ آن هم دعا برای فرج و ظهور مهدی (ع) که هم باعث تلقین و تقویت روح انتظار می شود و هم آمادگی انسان را بیشتر می سازد و از سوی دیگر، خود، عامل مستقلی است برای نزدیکی فرج؛ چرا که تقدیرات را نیز (با اذن الهی) تغییر می دهد.

به همین سبب است که مهدی منتظر (ع) از شیعیانش انتظار دارد و مجدّانه می خواهد که برای فرج دعا کنند؛ آنجا که فرمود: «أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ» (۱) برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید؛ زیرا همین باعث گشایش شماست.»

ص: ۴۱۸

خداوند، هستی را بیهوده و بی هدف نیافریده و انسان را نیز رها نکرده و به حال خود وا نگذاشته است؛ از این رو حضرت مهدی(ع) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثًا وَلَا أَهْمَلَهُمْ سُدًى؛» (۱) به راستی خدای متعال، مردم را بیهوده نیافریده و بیکار رها نکرده است.»

بنابراین در دوران غیبت کبری، هر چند دست الطاف امام زمان(ع) از پشت ابرهای غیبت بر سر امت و شیعیان سایه افکننده است؛ اما نیاز مبرم وجود دارد که برای سرپرستی امت و شیعیان و هدایت و گره گشایی از مشکلات آنان، فرد و یا افرادی باشند تا مردم با مراجعه به آنها تفسیر سخنان امامان خویش را به دست آورند و پاسخ پرسشهای خود را دریابند و صراط مستقیم را به پشتوانه فکری و علمی آنان طی کنند.

به همین سبب، آن امام دلسوز برای دوران غیبت، تدبیری اندیشیده و مردم را به فقها و مراجع تقلید ارجاع داده است؛ چنان که فرموده: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاهِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛» (۲) و اما در حوادث پیش آمده، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنها حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا بر آنان هستم.»

ص: ۴۱۹

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۳، ح ۲۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰.

برخی انتظارات امام زمان(ع) از شیعیان

پرداخت سهم امام(ع)

حضرت حجت(ع) سفارش اکید و انتظار و توقع جدی از مردم دارد که واجبات مالی خود را پردازند و در سهم امام تصرف نکنند؛ از این رو فرمود: «فَلَا يَجِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَيَّرَ مِنْ مَالٍ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ فَكَيْفَ يَجِلُّ ذَلِكَ فِي مَا لَنَا؛ (۱) [وقتی] برای کسی جایز نیست که در مال دیگران بدون اجازه آنان تصرف کند، پس چگونه این کار در مال ما حلال شمرده می شود؟»

و در جای دیگر، به شدت، کسانی را که سهم امام را نمی پردازند، تهدید کرده، می فرماید: «مَنْ أَكَلَ مِنْ أَمْوَالِنَا شَيْئًا فَإِنَّمَا يَأْكُلُ فِي بَطْنِهِ نَارًا وَ سَيَصْلِي سَعِيرًا؛ (۲) هر کس [به ناحق] چیزی از اموال ما را بخورد، همانا آتش می خورد و به زودی به صورت در آتش جهنم می افتد.»

ص: ۴۲۰

۱- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۱، ح ۴۹.

۲- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۱، ح ۴۹.

همچنین این امر را نیز گوشزد فرموده است که مالی را که به عنوان سهم امام می پردازید، باید از راه حلال به دست آمده باشد وگرنه پذیرفته نخواهد شد. فلسفه پرداخت واجبات مالی (خمس، زکات و...) هم این است که مردم پاکیزه شوند و روح آنها جلا پیدا کند.

مهدی موعود(ع) در این باره فرمود: «أَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَلَا نَقْبُلُهَا إِلَّا لِيُطَهَّرُوا فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ فَمَا آتَانِي اللَّهُ مَخِيْرًا مِمَّا آتَاكُمْ؛ (۱) اَمَّا اَمْوَالُ شَمَا [که به ما می رسانید،] پس ما آنها را نمی پذیریم، مگر برای اینکه پاکیزه شوید. هر کس می خواهد، آنها را به ما برساند و هر کس می خواهد، نرساند، پس آنچه خدا به من داده، بهتر است از آنچه به شما داده است.»

ص: ۴۲۱

۱- اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴، ح ۴.

فصل پنجم: عصر غیبت

توقیعات امام زمان (ع)

مقدمه

توقیع به معنای امضا کردن نامه و فرمان و نشان کردن برنامه و منشور می باشد، و نیز پاسخهایی است که بزرگان و دولتمردان، زیر سؤالها و درخواستهای کتبی از ایشان می نویسند.» (۱)

توقیع نویسی از زمانهای دور، بین حاکمان و فرمانروایان رواج داشته، و موارد فراوانی از توقیعات آنها در متون تاریخی ثبت و ضبط شده است که امروزه قابل دسترسی است. همچنین در کتابهای روایی، فقهی و تاریخی شیعه، توقیع به قسمتی از نوشته های ائمه اطهار (ع) اطلاق شده است و البته عمده آنها، چه از لحاظ مقدار و حجم و چه از نظر تعداد، توقیعاتی است که از سوی قلب عالم امکان، ولی عصر، صاحب الزمان (ع) صادر شده است.

امروزه نیز وقتی سخن از توقیع به میان می آید، ذهن به توقیعات حضرت مهدی (ع) منصرف می شود؛ گرچه دیگر ائمه (ع) نیز نوشته هایی تحت عنوان توقیع صادر کرده اند.

ص: ۴۲۲

توقیعات ائمه (ع)

فصل پنجم: عصر غیبت

توقیعات امام زمان (ع)

توقیعات ائمه (ع)

چنان که اشاره شد توقیعات فراوانی از سوی امامان صادر شده است که برای نمونه ابتدا به برخی توقیعات ائمه اطهار (ع) پیش از حضرت مهدی (ع) و سپس به بعضی از توقیعات آن حضرت اشاره می‌کنیم:

ص: ۴۲۳

فصل پنجم: عصر غیبت

توقیعات امام زمان(ع)

توقیعات امامان پیش از حضرت مهدی(ع)

الف) امام موسی بن جعفر(ع)

در کشف الغمّه آمده است که وشاء از حسن بن علی نقل می کند که من همراه دایی خودم، اسماعیل بن الیاس به قصد مناسک حج حرکت کردیم. پس او نامه ای به سوی موسی بن جعفر(ع) به این مضمون نوشت که من دارای دخترانی هستم؛ در حالی که هیچ فرزند پسر ندارم؛ از آن رو که مردان ما نیز کشته شده اند، پس دعا کنید همسرم که آبستن است پسر بیاورد و خودتان نیز نام او را معین فرمایید. پس توقیعی وارد شد که «قَدْ قَضَى اللَّهُ حَاجَتَكَ فَسِمُهُ مُحَمَّدًا؛ خداوند حاجتت را برآورده ساخت. او را محمد بنام.» چون ما به کوفه رسیدیم، فرزند پسری به دنیا آمده بود. (۱)

ب) حضرت هادی(ع)

ص: ۴۲۴

مرحوم کلینی با ذکر سند از ایوب بن نوح نقل می کند که به ابوالحسن (ع) نوشت: «آیا خدای عزوجل به هر چیزی پیش از آنکه آنها را بیافریند و پدید آورد آگاه بود یا آنکه نمی دانست تا آنها را اراده کرد و علم پیدا کرد به مخلوق، هنگامی که خلق کرد و به موجود هنگامی که موجود کرد؟» پس آن حضرت به خط خود مرقوم فرمود: «لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَالِمًا بِالْأَشْيَاءِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْأَشْيَاءَ كَعِلْمِهِ بِالْأَشْيَاءِ بَعْدَ مَا خَلَقَ الْأَشْيَاءَ» (۱) خدا همیشه پیش از خلقت اشیا به آنها علم دارد، مانند علم داشتنش به آنها پس از خلقشان.»

ج (امام عسکری (ع))

ص: ۴۲۵

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۴.

سهل گوید که در سال ۲۵۵ق به حضرت عسکری (ع) نوشتم: «صحاب ما شیعیان در توحید اختلاف دارند؛ بعضی گویند که او (خدا) جسم است و بعضی گویند صورت است. اگر صلاح بدانید به چاکر خود لطف کنید و به من بیاموزید آنچه را که بر آن بایستم و از آن تجاوز نکنم.»

حضرت به خط خود چنین مرقوم فرمود:

«سَأَلْتُ عَنِ التَّوْحِيدِ وَ هَذَا عَنْكُمْ مَعْرُوفٌ اللَّهُ وَاحِدٌ أَحَدٌ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ خَالِقٌ وَ لَيْسَ بِمَخْلُوقٍ يَخْلُقُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَا يَشَاءُ مِنَ الْأَجْسَامِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ وَ لَيْسَ بِجِسْمٍ وَ يُصَوِّرُ مَا يَشَاءُ وَ لَيْسَ بِصُورَةٍ جَلَّ ثَنَاهُ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ شِبْهُهُ هُوَ لَا غَيْرُهُ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (۱) از توحید پرسیدی، در صورتی که از شما بر کنار است [و وظیفه شما نیست]، خدا یگانه و یکتاست، نزاده و زاده نشده و چیزی همتای او نیست. او خالق است و مخلوق نیست. خدای تبارک و تعالی هر چه خواهد از جسم و غیر جسم می آفریند و خودش جسم نیست، آنچه خواهد صورتگری می کند و خودش صورت نیست، سپاسش بزرگ است و نامهایش مقدس تر از آنکه برایش مانندی جز خود او باشد، چیزی مانندش نیست و او شنوا و بیناست.»

ص: ۴۲۶

فصل پنجم: عصر غیبت

توقیعات امام زمان(ع)

توقیعات حضرت مهدی(ع)

همان گونه که اشاره شد، آنچه امروزه از توقیعات قصد می شود، نوشته هایی است که از ناحیه مقدسه آخرین ذخیره الهی، وجود مقدس صاحب الامر(ع) صادر شده است، اگرچه اطلاق توقیع بر نوشته هایی که تا کنون به آنها اشاره شد به معنای عام، بدون اشکال است.

آنچه می توان درباره توقیعات حضرت مهدی(ع) به بحث نشست عبارت اند از:

۱. اعجاز در توقیعات

اگرچه چگونگی ارتباط نواب خاص امام زمان(ع) با مقام شامخ امامت و صدور توقیعات روشن نیست؛ اما بدون شک، بسیاری از این توقیعات به گونه ای معجزه آسا صادر شده است؛ به نحوی که به طور قطع می توان گفت صدور آنها به نحو عادی و از شخص معمولی صورت نگرفته است.

مثلاً- نقل شده است که محمد بن فضل موصلی شیعه بود؛ ولی نیابت حسین بن روح را قبول نداشت. روزی هنگام بحث با یکی از دوستانش به نام حسن بن علی وجنا و بنا به پیشنهاد او، برای آزمودن نایب امام، مطالبی را کاملاً محرمانه با هم توافق کردند و حسن بن علی وجنا کاغذی از دفتر موصلی جدا کرد و قلمی تراشید و با آن بدون مرکب، مطالبی بر روی آن ورقه نوشت. سپس آن را مهر کرد و توسط خدمتکار نزد حسین بن روح فرستاد.

ص: ۴۲۷

ظهر همان روز در حالی که محمد بن فضل مشغول غذا خوردن بود، جواب نامه وارد شد که فصل به فصل در همان ورقه ارسالی آمده و با مرکب نوشته شده بود. «محمد بن فضل» در حالی که سخت تحت تأثیر قرار گرفته بود همراه حسن بن وجنا محضر حسین بن روح وارد شدند و از ایشان عذر خواهی کردند. (۱)

این معجزه در مرحله صدور توقیع بود. در متن توقیعات نیز موارد فراوانی از معجزات به چشم می خورد که بیشتر به صورت اخبار غیبی از حوادث آینده، اتفاقات پنهانی، شفای بیماران و مانند آن است.

یک نمونه از این توقیعات، زمانی صادر شد که درباره وکلا و نمایندگان حضرت، نزد خلیفه غاصب وقت، سعایت شده بود. خلیفه برای شناسایی و دستگیری آنان دستور داد افراد ناشناسی را همراه پول نزد آنها به جاسوسی بفرستید و اگر کسی از آنها چیزی پذیرفت، او را دستگیر کنید.

حضرت ولی عصر(ع) در این توقیع شریف خود خطاب به کلیه وکلا- فرمانی صادر فرمودند، مبنی بر اینکه از هیچ کس و تحت هیچ شرایطی چیزی نپذیرند و از گرفتن هر گونه چیزی خودداری کنند و خود را بی اطلاع نشان دهند. (۲)

ص: ۴۲۸

۱- کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۳۱۵، ح ۲۶۴.

۲- کافی، ج ۲، ص ۴۶۷، ح ۳۰.

در ماجرای دیگری از سوی حضرت ولی عصر(ع) دستوری صادر شد که در آن از زیارت کاظمین و کربلا نهی کرده بودند. پس از چند ماه معلوم شد خلیفه در آن موقع دستور داده بود که هر کس به زیارت رود در کمینش باشند و او را دستگیر کنند. (۱)

۲. کتابت برخی توقیعات به خط مبارک حضرت مهدی(ع)

به تصریح عده ای از راویان و ناقلان توقیعات، برخی از این نوشته ها به خط شریف آن حضرت به رشته تحریر در آمده است. در ذیل به نمونه هایی از این تصریح ها اشاره می شود:

الف) شیخ طوسی به نقل از راوی یک توقیع، این جمله را در کتاب خود نقل کرده است که:

«فَوَرَدَ جَوَابُ كِتَابِهِمْ بِخَطِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَافَانَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَ وَهَبَ لَنَا وَ لَكُمْ رُوحَ الْيَقِينِ وَ أَجَارَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنْ سُوءِ الْمُتَقَلَّبِ...» (۲) جواب نوشته آنان به خط امام زمان(ع) وارد شد که: به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند، ما و شما را از گمراهی و فتنه ها سلامت بخشد و به ما و شما روح یقین عطا کند و ما و شما را از عاقبت بد پناه دهد....»

ص: ۴۲۹

۱- . کافی، ج ۲، ص ۴۶۷، ح ۳۱.

۲- . الغیبه، طوسی، ص ۲۸۵، فصل ۴.

ب) در اکمال الدین شیخ صدوق آمده است: «مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْعَمْرِيُّ قَالَ خَرَجَ تَوْقِيْعٌ بِخَطِّ أَعْرَفُهُ مَنْ سَيَّمَانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛» (۱) «محمد بن عثمان عمری (قدس سره) می گوید: توقیعی به خطی که ما آن را می شناختیم خارج شد [و مشتمل بر این مسئله بود که] هر کس مرا در میان جمعی از مردم به اسم خودم نام ببرد، پس لعنت الهی بر او باد.» (۲)

ج) همچنین شیخ صدوق در کتاب اکمال الدین آورده است:

اسحاق بن یعقوب گوید: از محمد بن عثمان عمری خواهش کردم نامه ای را که در آن از مسائل مشکلی پرسش کرده بودم به من برساند. پس در توقیع و به خط مولا یمان صاحب الزمان (ع) وارد شده بود که: «أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ أَرْشَدَكَ اللَّهُ وَتَبَّتْكَ اللَّهُ مِنْ أَمْرِ الْمُنْكَرِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِنَا وَبَنِي عَمَّنَا فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ وَ مَنْ أَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي وَ سَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوحٍ وَ أَمَّا سَبِيلُ عَمِّي جَعْفَرٍ وَ وُلْدِهِ فَسَبِيلُ إِخْوَتِهِ يُوسُفَ (ع) ...» (۳) ؛ اما آنچه درباره آن پرسیدی - که خدایت هدایت کند و پایداریت بدارد - درباره امر منکران من از خاندان و عموزادگان خودم، بدان که میان خدا و کسی خویشاوندی نیست و هر کس مرا منکر باشد از من نیست و راه او راه فرزند نوح (ع) است و اما راه عمومیم جعفر و فرزندانش، راه برادران یوسف (ع) است....»

عبارات فوق، گویای این مطلب است که بزرگان محدثان اطمینان داشته اند که توقیعات به خط خود حضرت حجت (ع) است.

ص: ۴۳۰

- ۱- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳، باب ۴۵، ح ۳.
- ۲- . برخی علمای شیعه، حرمت تسمیه حضرت مهدی (ع) با نام را مخصوص مواردی می دانند که خوف خطر باشد.
- ۳- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳، باب ۴۵، ح ۴.

با توجه به اینکه در طول مدت نیابت سفیران چهارگانه، این توقیعات به طور یکنواخت صادر می شد، شیوه ای کاملاً مطمئن برای یقین به صدور آنها از شخص امام(ع) بود و راه را به کلی برای افراد فرصت طلب و مغرض می بست تا هرگز نتوانند نامه های جعلی به نام آن حضرت فراهم آورند و مردم را فریب دهند.

البته قابل ذکر است که تنها افراد خاص و مورد اعتمادی توقیعات را به خط امام مشاهده می کردند. سپس از روی آنها نسخه برداری و رونویسی می کردند یا مضمون آنها را به ذهن می سپردند؛ اگر چه برخی از این توقیعات نیز بنابر اقتضای مصلحت، میان عموم شیعیان منتشر می شد.

همه توقیعات حضرت مهدی(ع) به دست نواب خاص آن حضرت در طول غیبت صغری برای افراد ظاهر می شد و ارتباط کتبی با حضرتش فقط از طریق ایشان انجام پذیر بود؛ به صورتی که حتی وکلای آن حضرت نامه های خود و دیگران را نزد نایب امام می فرستادند و از او پاسخ دریافت می کردند. اساساً فلسفه نیابت خاصه نیز همین است و گرنه اگر هر کسی بتواند به شرف گرفتن توقیع نایل آید، دیگر چه نیازی به نایب خاص است؟

برخی علما، توقیعات را منحصر به زمان غیبت صغری و نواب خاص ندانسته و نامه هایی را به آن حضرت نسبت داده اند که قبول یا رد آن تاامل بیشتری می طلبد؛ از جمله مرحوم طبرسی، نامه هایی از حضرت مهدی (ع) را به شیخ مفید (رحمه الله) نقل کرده است. این نامه ها را شخص قابل اعتمادی به شیخ مفید (رحمه الله) رسانده است؛ ولی نام آن شخص ذکر نشده است.

یکی از این نامه ها این گونه آغاز می شود:

«لِلْأَخِ السَّيِّدِ وَالْوَلِيِّ الرَّشِيدِ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ أَدَامَ اللَّهُ إِعْرَازَهُ مِنْ مُسَدِّ تَوَدَّعِ الْعَهْدِ الْمَأْخُوذِ عَلَى الْعِبَادِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَعْدُ سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَوْلَى الْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ الْمَخْصُوصُ فِينَا بِالْيَقِينِ فَإِنَّا نَحْمَدُ إِلَيْكَ اللَّهُ...» (۱) نامه ای به برادر با ایمان و دوست رشید، ابو عبد الله محمد بن نعمان - شیخ مفید - که خداوند عزت وی را از محل ودیعه نهادن عهدی که بر بندگان گرفته شده است، مستدام بدارد. به نام خداوند بخشنده مهربان؛ اما بعد، سلام بر تو ای دوستی که در دین مخلص و درباره ما به یقین مخصوص گشته ای. ما درباره [نعمت وجود] تو، خداوند را سپاسگزاریم....»

۴. چگونگی صدور توقیعات

ص: ۴۳۲

در عصر غیبت صغری، سفیران حضرت مهدی(ع) سوالات و درخواستهای مراجعه کنندگان را به نوبت در یک ورقه می نوشتند؛ آنگاه جواب آنها - که حداکثر ظرف سه روز صادر می شد - یکجا می آمد. (۱) گاهی نیز جواب پرسشها به صورت شفاهی به نواب خاص گفته می شد و ایشان به قلم خود آن را می نگاشتند و یا به صورت حضوری به سؤال کننده پاسخ می دادند. در پاره ای از موارد نیز - به جهت مصلحتی که حضرت می دانستند - اصلاً پاسخی صادر نمی شد. برخی توقیعات نیز در پاسخ به پرسشی نبوده و به صورت ابتدائی صادر شده است.

۵. موضوعات توقیعات

موضوعات مندرج در توقیعات، گستره وسیعی را در بر می گرفت؛ از معارف و حقایق دینی گرفته تا امور تربیتی و برنامه های زندگی فردی و اجتماعی و موضوعات دیگر. فهرست اجمالی آنها بدین قرار است:

ص: ۴۳۳

۱- ر. ک: کتاب الغیبه، ص ۳۷۰ و الخرایج والجرایح، ج ۱، ص ۴۷۹.

الف) مباحث عقیدتی؛ در زمینه های مختلف، همچون: توحید، نبوت، امامت، معاد و امثال آن. (۱)

ب) مباحث اجتماعی؛ شامل: مسائل اخلاقی، تربیتی، شئون اقتصادی و مشکلات مالی. (۲)

ج) وظایف و تکالیف شیعیان در عصر غیبت؛ مانند: توجه به خداوند متعال، ایجاد زمینه های خودسازی، ارتباط با حضرت مهدی(ع)، پیروی از آن حضرت، آمادگی برای برپایی حکومت عدل و قسط به دست امام عصر(ع) و.... (۳)

د) احکام و مسائل فقهی؛ مانند نماز، روزه، حج، نذر، خمس، ازدواج و مانند آن. (۴)

هـ) امور شخصی کسانی که از آن حضرت درخواست پاسخ می کردند؛ از قبیل: نامگذاری فرزندان، انتخاب دوست، اجازه مسافرت و مانند آن. (۵)

و) نصب و تأیید نواب و وکلا و امور مربوط به آنها، افشا کردن تزویر مدعیان دروغین و طرد منحرفان و غلات.

ص: ۴۳۴

۱- ر. ک: الاحتجاج، ص ۴۶۷ به بعد.

۲- ر. ک: الاحتجاج، ص ۴۶۷ به بعد.

۳- ر. ک: الخرائج و الجرائح، قطب راوندی، ح ۲، ص ۹۰۲؛ کتاب الغیبه، ص ۲۸۵ و اکمال الدین، ج ۲، ص ۱۶۰.

۴- ر. ک: الاحتجاج، ص ۴۸۱، توقیع به محمد بن عبدالله حمیری.

۵- ر. ک: کتاب الغیبه، ص ۳۰۸، ح ۲۶۱ و ۲۶۶ و کافی، ج ۲، ص ۴۵۷، ح ۱۰، ۱۱ و ۱۲.

در عصر غیبت صغری افرادی به عناوین مختلف و با مقاصد گوناگون به دروغ ادعاهایی می کردند و سعی داشتند دوستان و پیروان ائمه را به سوی خود جلب کرده، فریب دهند و گمراه سازند. این قبیل افراد، کم و بیش در بین شیعیان آن زمان شهرت و احترامی داشتند و غالباً زیر پوشش ادعای نیابت و سفارت حضرت مهدی(ع) دامهای خود را می گسترانیدند؛ بدین رو خطرشان برای شیعیان و مسلمانان از خطر دیگر دشمنان اسلام کمتر نبود و افشای تزویر و برداشتن نقاب از چهره آنها و طردشان از جوامع شیعی، ضرورت داشت؛ از این رو توقیعات مهمی درباره این افراد و بیزاری حضرت ولی عصر(ع) از آنها صادر می شد که مایه رسوایی و انزوای مدعیان دروغگو را فراهم می کرد.

گاهی می شد که توقیعات صادر شده از حضرت مهدی(ع) بر هیچ یک از موارد ذکر شده مشتمل نمی شد؛ بلکه تنها برای دفع خطر از شیعیان صادر می شد؛ به ویژه در عصری که حاکمان ستمگر برای شناسایی، آزار و نابودی شیعیان و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت(ع) کمر می بستند و تمام همت خویش را به کار می گرفتند و چه بسا نقشه های زیرکانه ای طرح می کردند تا بلکه بتوانند تمامی آنها را از بین ببرند. تنها راه نجات از دام بدخواهان و کینه توزان، همین توقیعات بود که آن حضرت با آنها و با الهامهای الهی، شیعه را نجات می بخشید.

نمونه ای از این گونه توقعات را در بحث «اعجاز در توقعات» مطالعه کردید.

ص: ۴۳۶

فصل پنجم: عصر غیبت

امام زنده

مقدمه

صفای بـاغ رضوان داری ای دوست

نشان از روی جانان داری ای دوست

تویی یوسف که در هر کوی و برزن

هزاران پیـر کنعان داری ای دوسـت

یکی از بزرگ ترین امتیازات مکتب تشیع، اعتقاد به امام زنده است. پروفیسور «هانری کربن» فرانسوی می گوید: «به عقیده من مذهب تشیع، تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته است و به طور مستمر و پیوسته، ولایت را زنده و پا برجا می داند. مذهب یهود، نبوت را _ که رابطه ای است واقعی میان خدا و عالم انسانی _ در حضرت کلیم ختم کرده، پس از آن به نبوت مسیح(ع) و حضرت محمد(ص) اذعان نکرده، و رابطه مزبور را قطع می کند.

همچنین مسیحیان در حضرت مسیح متوقف شده اند. اهل سنت از مسلمانان نیز در خاتم انبیا(ص) توقف کرده اند و با ختم نبوت در ایشان، دیگر رابطه ای میان خالق و مخلوق موجود نمی دانند. تنها، مذهب تشیع است که نبوت را به حضرت محمد(ص) ختم شده می داند؛ ولی ولایت را که همان رابطه هدایت است، پس از آن حضرت و برای همیشه زنده می داند.»

(۱)

۱- . سالنامه مکتب تشیع، مصاحبات استاد علامه طباطبائی با پروفیسور ہانری کرین درباره شیعه، ۱۳۳۹، شماره ۲، ص ۲۰ و سیرہ پیشوایان، مہدی پیشوائی، ص ۷۲۲.

به همین سبب، شیعه زمان ظهور آن یار غائب را لحظه شماری می کند و ایران به عنوان مرکز شیعه، مرکز انتظار شمرده می شود.

هانری کربن می گوید: «سرزمین ایران از دید اخروی، سرزمین انتظار است؛ قلمروی که در آن، امام غایب، دست اندرکار فرا رساندن ساعت موعود در زمان غیبت است.» (۱)

آنچه پیش رو دارید، بیان برخی ادله عقلی و نقلی زنده بودن حضرت صاحب الزمان، مهدی موعود (ع) است که گرچه حیات آن حضرت بر شیعیان پوشیده نیست؛ اما به سبب پاسخگویی به مخالفان مطرح می شود.

ص: ۴۳۸

لزوم بعثت انبیا در تمام ادیان به اثبات رسیده است. در اسلام نیز دلایل عقلی فراوانی بر لزوم بعثت انبیا ارائه شده است؛ مانند: برهان کمال مطلق بودن خداوند، برهان لزوم هدایت بشر به سعادت ابدی، و دفع ظلم و... (۱)

همان براهین در اثبات امامت نیز جاری و ساری است؛ به ویژه با توجه به این نکته که در اسلام، نبوت خاتمه یافته است و حکمت الهی اقتضا می کند که این خاتمیت همراه نصب امامی زنده برای هر دوره و زمان باشد.

اگر در این دوران، امام زمان زنده و ناظر بر اعمال امت در کار نباشد، نظام احسن بودن هستی، و همین طور کمال مطلق بودن ذات احدیت، و برهان لزوم دستگیری انسانها و هدایت بشر خدشه دار می شود. براهین عقلی در کتب کلامی به تفصیل بیان شده است و در حوصله این نوشتار نیست و بدین سبب از تفصیل آنها می پرهیزیم.

ص: ۴۳۹

۱- ر.ک: بدایه المعارف الالهیه، شیخ محمد رضا مظفر، شرح از سید محسن خرازی، ج ۲، ص ۲۵ و ر.ک: آموزش عقاید، محمد تقی مصباح، ص ۱۷۷ - ۱۸۰ و ر.ک: کشف المراد، علامه حلی، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، ص ۳۵۳ - ۳۵۵.

ادله نقلی به دو دسته تقسیم می شوند: یک گروه به صورت کلی وجود امام زنده را در هر عصر و زمان، ضروری و لازم می دانند. دسته دوم به صورت خاص، وجود امام زنده و حاضر در هستی، و غایب از دیدگان را به اثبات می رسانند.

دلایل نقلی کلی و فراگیر که وجود امام زنده را در هر زمان ضروری می دانند، فراوان است که اهم آنها از این قرار است:

۱. واسطه فیض الهی

از دیدگاه مذهب ژرف اندیش تشیع، امام هر زمان واسطه فیض الهی و مجرای رحمت خداوندی، و قلب عالم هستی به شمار می رود. اگر هستی و زمین، لحظه ای از وجود حجت خدا و امام زنده خالی باشد، از هم می پاشد، و زمین، اهل خویش را فرو خواهد برد.

امام زین العابدین (ع) می فرماید: «نَحْنُ أُمَّةُ الْمُسْلِمِينَ، وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ وَسَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ، وَقَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَمَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ، نَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَنَحْنُ الْعَدِينَ بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِنَا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا، وَبِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَبِنَا يُنْشُرُ الرَّحْمَةَ، وَيُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ، وَلَوْلَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا» (۱) ما پیشوایان مسلمین، حجت‌های خدا بر جهانیان، آقای مؤمنان، پیشوای رو سفیدان، و دوستداران و سرپرست‌های مؤمنان هستیم. ما امان اهل زمین هستیم؛ چنان که ستارگان، پناه آسمانیان اند.

۱- . آمالی، صدوق، مؤسسه الاعلمی، ص ۱۵۶، ح ۱۵ و أهل البيت في الكتاب والسنه، محمدی ری شهری، دار الحدیث، ص ۱۶۰.

ما کسانی هستیم که خداوند به سبب ما آسمان را از اینکه بر زمین واقع شود نگه می دارد؛ مگر با اجازه خودش، و به سبب ما است که زمین را از فرو بردن اهلش باز می دارد، و به سبب ما باران نازل می کند و به سبب ما رحمت را منتشر می کند و برکات زمین را آشکار می سازد و اگر از ما کسی بر روی زمین نباشد، اهلش را فرو خواهد برد.»

امام صادق(ع) نیز فرمود: «اگر زمین بدون وجود امام بماند، ساکنان خود را در کام خویش فرو می برد.»(۱)

ابن ابی الحدید نیز از امام علی(ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «اللهم بلی لا تخلوا الأرض من قائم لله بحجبه إماماً ظاهراً أو خائفاً مغموراً لئلا تبطل حجج الله وبيئاته؛»(۲) زمین، خالی از حجت قیام کننده برای خدا نیست، خواه ظاهر و آشکار و یا پنهان و پنهان، تا دلایل و اسناد روشن الهی از بین نرود.»

همچنین ابن حجر عسقلانی، یکی دیگر از علمای اهل سنت، این نظر را تأیید می کند و می گوید: «وفي صيلاه عيسى خلف رجل من هذه الأمة مع كونه في آخر الزمان وقرب قيام الساعة دلالة للصحيح من الأقوال أن الأرض لا تخلوا عن قائم لله بحجبه؛»(۳) و در نماز خواندن عیسی(ع) پشت سر مردی از این امت در آخر الزمان و نزدیک برپایی قیامت، نشانه ای است بر این قول درست که زمین [هیچ گاه] خالی از حجت قیام کننده برای خدا نیست.»

ص: ۴۴۱

- ۱- اکمال الدین، صدوق، مؤسسه النشر الاسلامی، ص ۲۰۲، باب ۲۱.
- ۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، دار احیاء الکتب العربیه، ج ۱۸، حکمت ۱۴۳۰.
- ۳- فتح الباری، علی بن حجر عسقلانی، شرح صحیح البخاری، دار المعرفه، ج ۶، ص ۴۹۴.

از حدیث ثقلین که تواتر آن بین مسلمانان قطعی است، می توان استفاده برد که وجود امام زنده در کنار قرآن، لازم و همیشگی است. در این حدیث می خوانیم: «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِمَّتِي وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ؛ (۱)» دو چیز گرانبها در میان شما باقی می گذارم: کتاب خدا و عترم. این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند.»

از این حدیث مبارک، نکاتی استفاده می شود؛ از جمله اینکه: قرآن و اهل بیت همیشه همراه یکدیگر و جدایی ناپذیرند؛ از این رو باید همیشه امام زنده ای در هر زمان در کنار قرآن وجود داشته باشد تا مضمون حدیث تحقق پیدا کند.

همچنین پاسداری و صیانت از قرآن و آیین خدا می طلبد که همیشه امام زنده ای وجود داشته باشد. امام علی (ع) می فرمود: «هرگز روی زمین از قیام کننده ای یا حجت و دلیلی خالی نمی ماند... تا دلایل و اسناد روشن الهی از بین نرود و به فراموشی نگراید.» (۲)

ص: ۴۴۲

۱- . اثباه الهداه، حر عاملی، چاپخانه علمیه، ج ۱، ص ۷۲۳.

۲- . شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، خ ۱۴۷.

وجود شب قدر در ماه مبارک رمضان هر سال، از مسلمات بین مسلمانان است. در این شب، حوادث یک سال تقدیر می شود و نزول تقدیرات در هر سال می طلبد که نبی و یا امام زنده ای باشد تا تقدیرات یک سال را از عالم اعلی تلقی و دریافت کند.

پیامبر اکرم (ص) به ابابکر و عمر فرمود: «تقدیرات [هر سال در شب قدر] بر چه کسی نازل می شود؟» گفتند: «بر شما یا رسول الله!» فرمود: «آیا شب قدر، پس از من ادامه دارد؟» گفتند: «آری.» فرمود: «در آن وقت، تقدیرات بر چه کسی فرود می آید؟» گفتند: «نمی دانیم.» حضرت فرمود: «بدانید بر قلب این شخص (اشاره به امیر مؤمنان علی (ع)) نازل می شود.» (۱)

پس از امیر مؤمنان، علی (ع) نیز به ترتیب بر قلب سایر ائمه (ع) نازل می شده است.

ص: ۴۴۳

۱- اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، انتشارات علمیه، چاپ چهارم، ج ۱، ص ۳۶۳.

امام علی(ع) فرموده است: «إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ يُنَزَّلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَإِنَّ لِتَدْلِكَ الْأَمْرِ وُلاَهُ بَعِيدَ رَسُولِ اللَّهِ، فَقِيلَ مَنْ هُمْ؟ فَقَالَ أَنَا وَأَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُيُبِي أَيْمَةً مُحَدَّثُونَ؛» (۱) لیلهاالقدر در هر سال وجود دارد که تقدیرات یک سال بر والیان پس از پیامبر اکرم(ص) نازل می شود. گفته شد: ولات امر، چه کسانی هستند؟ فرمود: من و یازده نفر از نسل من که امامان محدث هستند [که صدای ملک را می شنوند؛ ولی او را نمی بینند].»

احادیث فوق و امثال آن به خوبی بر این دلالت دارند که امام زنده و حیّ در هر زمان، لازم است و آن امام در این زمان، مهدی موعود(ع) است. البته با توجه به این نکته که امام سابق، امام بعدی را تعیین کرده است، و آخرین امامی که به شهادت رسیده و شهادتش از مسلمات تاریخ است، امام حسن عسکری(ع) است. پس از ایشان باید امام زنده ای باشد تا تقدیرات بر قلب مبارکش نازل شود، و حوادث یک سال را دریافت کند.

دلایل نقلی خاص

ص: ۴۴۴

۱- . اثباه الهداه، حر عاملی، ج ۲، ص ۲۹۸ و بدایه المعارف، محمد رضا مظفر، شرح از سید محسن خرازی، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ج ۲، ص ۱۲۷.

دلایلی متعددی وجود دارد که به صورت خاص نشانگر تولد و زنده بودن حضرت بقیه الله (ع) است. که برخی از آنها از این قرار است:

۱. ثبت تاریخ ولادت

در تاریخ و روایات، مسئله ولادت امام زمان (ع) به صورت متواتر ثابت شده است. مستندترین گزارش در این باره از طرف حکیمه خاتون، عمه حضرت عسکری (ع) رسیده است که از نزدیک، شاهد تولد حضرت حجت (ع) بود. طبق این گزارش حضرت مهدی (ع) در آغاز سپیده دم روز جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق، در شهر سامراء و در خانه امام حسن عسکری (ع)، دیده به جهان گشود. (۱)

۲. دیدار با حضرت مهدی (ع) در زمان امام عسکری (ع)

ولادت حضرت مهدی (ع) بر اثر اختناق شدید، پنهان بود و ملاقاتها بسیار حساب شده و با احتیاط انجام شد؛ با این حال، عده زیادی در دوران حیات امام حسن عسکری (ع) به ملاقات مهدی موعود (ع) نائل شده اند که تاریخ نویسان، ماجرای این دیدارها را به صورت گسترده گزارش کرده اند. (۲)

ص: ۴۴۵

-
- ۱- بحار الأنوار، دار احیاء التراث العربی، ج ۵۱، ص ۱۵، ۱۶ و ۲۵؛ ر.ک: ارشاد، مفید، ص ۳۲۶؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۵۱۴؛ کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۹۷ و ۱۰۶ و غیبت، شیخ طوسی، ص ۱۲۴ - ۱۲۸.
 - ۲- کمال الدین، مؤسسه النشر الاسلامی، ص ۴۷۵؛ ر.ک: ینابیع المودّه، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۳، ص ۱۲۵ و ارشاد، مفید، مکتبه بصیرتی، ص ۳۵۰ و ۳۵۱.

از جمله آنها دیدار چهل تن از اصحاب امام حسن عسکری (ع) با آن حضرت است.

حسن بن ایوب نوح می گوید که برای پرسش درباره امام بعدی به محضر امام عسکری (ع) رفتیم. در مجلس آن حضرت، چهل نفر حضور داشتند. عثمان بن سعید عمری به پا خاست و عرض کرد: «می خواهم از موضوعی سؤال کنم که درباره آن از من داناتری....»

حضرت فرمود: «می خواهید به شما بگویم که برای چه اینجا آمده اید؟» همه گفتند: «بفرمایید.» فرمود: «برای اینکه از حجت و امام پس از من برسید.» گفتند: «آری.» در این هنگام، پسری نورانی همچون پاره ماه که شبیه ترین مردم به امام عسکری (ع) بود، وارد مجلس شد. حضرت با اشاره به او فرمود: «این امام شما پس از من و جانشین من، میان شما است. فرمان او را اطاعت کنید و پس از من اختلاف نکنید که در این صورت هلاک می شوید.» (۱)

۳. اعتراف عده ای از مورخان اهل سنت

ص: ۴۴۶

۱- الغیبه، شیخ طوسی، مکتبه نینوی الحدیثه، ص ۱۴۱؛ ر.ک: ینابیع الموده، شیخ سلیمان قندوزی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۳، ص ۱۳۱، و منتخب الأثر، لطف الله صافی، مرکز نشر کتاب، ص ۳۵۵.

تعداد قابل توجهی از مورخان اهل سنت نیز تولد حضرت مهدی(ع) را در کتب خود ذکر کرده و آن را یک واقعیت تحقق یافته دانسته اند. برخی پژوهشگران، بیش از صد نفر از آنان را معرفی کرده اند؛ (۱) مانند: ابن حجر هیثمی، شیراوی، محمد امین بغدادی، سویدی، مؤمن شبلنجی، ابن اثیر، حمد الله مستوفی، ابن طولون، ابن صباغ مالکی، قندوزی (۲) و... .

۴. وجود نایبان خاص در دوران غیبت صغری

آنان چهارتن از اصحاب باسابقه امامان پیشین و از علمای با تقوا و بزرگ شیعه بودند که «نواب اربعه» نامیده شده اند.

این چهار نفر عبارت اند از:

۱. ابو عمرو عثمان بن سعید عُمَری (۲۶۰ _ ۲۶۷)؛

ص: ۴۴۷

-
- ۱- مهدی منتظر در نهج البلاغه، مهدی فقیه ایمانی، کتابخانه عمومی امیر المؤمنین(ع)، ص ۲۳ _ ۳۹.
 - ۲- سیره پیشوایان، ص ۶۶۷، برخی منابعی را که به این حقیقت اعتراف دارند چنین نام می برد: ۱. الصواعق المحرقة، ابن حجر هیثمی، قاهره، چاپ دوم، ص ۲۰۸؛ ۲. الاتحاف بحب الاشراف، شیراوی، قم، منشورات الرضی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۷۹؛ ۳. سبائك الذهب فی معرفه قبائل العرب، بیروت، دار صعب، ص ۷۸؛ ۴. محمد امین بغدادی سویدی، مؤمن شبلنجی، نور الابصار، قاهره، مکتبه المشهد الحسینی، ص ۱۶۸؛ ۵. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، بیروت، دار صادر، ج ۷، ص ۲۷۴، حوادث سال ۲۶۰؛ ۶. تاریخ گزیده، حمد الله مستوفی چاپ دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۰۷؛ ۷. الائمہ الاثنی عشر، ابن طولون، قم، منشورات الرضی، ص ۱۱۷؛ ۸. الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی، بی تا، ص ۳۱۰؛ ۹. ینابیع الموده، شیخ سلیمان قندوزی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۳، ص ۳۶.

۲. محمد بن عثمان بن سعید عَمَری (۲۶۷ _ ۳۰۵)؛

۳. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (۳۰۵ _ ۳۲۶)؛

۴. ابو الحسن علی بن محمد سمّری (۳۲۶ _ ۳۲۹).

۵. تشرف عده ای از بزرگان در زمان غیبت

دلیل دیگر بر زنده بودن آن حضرت، تشرف عده بی شماری از بزرگان و انسانهای وارسته در طول تاریخ، خدمت آن حضرت است که تعداد آنها فوق حد تواتر است. (۱) به طور معمول برای اثبات قضایای تاریخی، به یک نقل و یا حداکثر چند نقل اکتفا می شود؛ ولی درباره تشرف افراد وارسته خدمت آن حضرت، نقل بی شماری وجود دارد. ناگفته پیداست که این دلیل برای کسانی مفید است که بزرگان مذهب را قبول داشته باشند و آنان را در سخن خود صادق بدانند.

حسن ختام کلام را شعر ذیل قرار می دهیم:

ص: ۴۴۸

۱- .ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱ _ ۱۸۰.

دانی که انتظار تو با ما چه می کند؟

طوفان بین به پهنه دریا چه می کند

آشفته ام چو موج به دریای زندگی

آشفتگی بین به دل ما چه می کند

یک دم بپرس این همه غم این همه بلا

در خاطر شکسته ز غمها چه می کند

دور از بهار روی تو بی برگ مانده ام

بی برگ و بار مانده به دنیا چه می کند

بنشین ز راه لطف دمی در کنار دل

آخر بپرس این دل تنها چه می کند (۱)

۱- . شعر از: ن. قدرتی.

فصل پنجم: عصر غیبت

طول عمر امام زمان (ع)

اشاره

پرسشی که از دیرباز درباره حضرت مهدی (ع) در ذهنها مطرح بوده است و در این زمان نیز گاهی رخ می نماید، مسئله طولانی بودن عمر حضرت حجت و راز آن است. آیا ممکن است او این همه عمر (۱۱۷۵ = ۲۵۵ - ۱۴۳۰) کند؛ در حالی که معمولاً سن انسانها از یکصد الی یکصد و بیست سال تجاوز نمی کنند؟! این عمر طولانی با توجه به حداکثر عمرهایی که در اطراف خود می بینیم چگونه سازگار است؟ آیا این امر، طبق قوانین طبیعی عالم است یا جنبه غیبی و اعجازی دارد؟ آیا امکان دارد از نظر ظاهری فردی در عالم این همه عمر طولانی داشته باشد، در عین حال هنگام ظهور در سن پیران، اما با چهره جوان شاداب و با طراوت باقی بماند؟ برای دریافت پاسخ به این پرسشها ابتدا لازم است به دو نکته اشاره کنم:

ص: ۴۵۰

فصل پنجم: عصر غیبت

طول عمر امام زمان(ع)

حد عمر طبیعی

باید دید آیا عمر موجودات زنده در طبیعت مانند عمر فرآورده های صنعتی است که عمر محدودی دارد؟ مثلاً یک انسان به طور متوسط ۸۰ سال، یک کیوتر ۵ سال، یک حشره چند ماه، یک درخت چنار ۱۵۰ سال، و یک بوته گل ۶ ماه عمر می کند؟

در گذشته گروهی از دانشمندان به وجود یک سیستم عمر طبیعی در موجودات زنده عقیده داشتند؛ مثلاً: پاولوف عقیده داشت: «عمر طبیعی انسان ۱۰۰ سال است.» میچینکوف می گفت: «عمر طبیعی یک انسان ۱۵۰ تا ۱۶۰ سال است.» کوفلاندر، پزشک آلمانی ۲۰۰ سال؛ فلوگر، فیزیولوژیست معروف ۶۰۰ سال؛ و بیکن، فیلسوف و دانشمند انگلیسی ۱۰۰۰ سال برای عمر طبیعی انسان، معین کرده اند؛ ولی این عقیده از طرف فیزیولوژیستهای امروز در هم شکسته شده و مسئله حد ثابت در عمر طبیعی ابطال شده است.

به گفته پروفیسور اسمیس، استاد دانشگاه کلمبیا همان گونه که سرانجام دیوار صوتی شکسته شده و وسایل نقلیه ای با سرعتی ما فوق صوت به وجود آمده، یک روز دیوار سن انسان نیز شکسته خواهد شد، و از آنچه تا کنون دیده ایم فراتر خواهد رفت؛ بنا بر این مدت زندگانی انسان، حدی معین نشده است.

از آزمایشهای دکتر کارل که در ماه ژانویه سال ۱۹۱۲ آغاز شدند نتایج ذیل به دست آمد:

۱. این اجزای سلولی تا هنگامی که سبب مرگ آنها از قبیل کمبود تغذیه، یا ورود برخی میکروبها تحقق نیابد، زنده باقی می ماند.

۲. نه تنها زنده باقی می ماند، بلکه سلولهای آنها در حال رشد و تکثیر هستند. گویی که در جسم حیوان قرار دارند.

۳. شدت و ضعف رشد و تکثیر سلولها ارتباط نزدیکی با تغذیه آنها دارد.

۴. گذشت زمان در ناتوانی و پیری آنها تأثیر ندارد؛ بلکه کمتر اثری درباره پیری آنها آشکار نیست و در هر زمان، مانند زمانهای قبل، رشد و تکثیر آنها ادامه دارد. ظواهر امور به روشنی از آن حاکی است که تا هر وقت پژوهشگران مراقب آنها بودند، و آنها را غذای کامل می دادند، همچنان به زنده بودن ادامه می دادند. (۱)

پس از نظر علمی ممکن است بر اثر مراقبتهای ویژه، انسانی دارای عمر طولانی و دراز باشد.

ص: ۴۵۲

۱- . مهدی انقلابی بزرگ، مکارم شیرازی، ص ۲۲۳ و یکصد پرسش، ص ۱۰۵ و ۱۰۶.

اگر پیری را یک نوع بیماری و عارض بر حیات بدانیم و یا آن را قانون طبیعی بشناسیم که بر بافت و اندام موجودات زنده، از درون، عامل نیستی را به مرور زمان فراهم می کند و موجود زنده را خواه ناخواه به مرحله فرسودگی و مرگ می رساند، باز معنایش آن نیست که این پدیده، قابل انعطاف پذیری و در نتیجه تأخیر نباشد.

گروهی از پزشکان عقیده دارند که پیری یک نوع بیماری است که بر اثر «تصلب شرایین» و یا «اختلال متابولیسم» بدن انسان پدید می آید، و اگر ما بتوانیم از طریق تغذیه صحیح و داروهای مؤثر بر این عوامل پیروز شویم، از پیری جلوگیری می کنیم و از عمر طولانی برخوردار می شویم. (۱)

روانشناسان نیز می گویند: طول عمر انسان بستگی زیادی به طرز تفکر و عقاید او دارد و با داشتن یک سلسله روحيات و عقاید سازنده و آرامش بخش، قابل افزایش است. (۲)

ص: ۴۵۳

۱- . مهدی انقلابی بزرگ، مکارم شیرازی، ص ۲۲۳ و یکصد پرسش، ، ص ۴۶ و ۴۷ و ۲۲۶.

۲- . مهدی انقلابی بزرگ، مکارم شیرازی، ص ۲۲۳ و یکصد پرسش، ، ص ۲۲۶.

به همین سبب در اواخر قرن نوزدهم بر اثر پیشرفتهای علمی، امید به زندگی طولانی تر، رونق بیشتری یافت و شاید در آینده نه چندان دور، این رؤیای شیرین بشر به واقعیت بپیوندد. (۱)

در مجموع می توان گفت: دانش بشری در زمینه عقب انداختن پیری و طولانی کردن عمر، موفقیت‌هایی به دست آورده و از رابطه تغذیه و پیری تجربه های جدیدی کشف کرده و ارتباط تنگاتنگی بین اسرار تغذیه در مقابله با پیری و فرسودگی ارائه داده است.

دانشمندان با مطالعه درباره طول عمر ملکه زنبوران عسل _ که چند برابر زنبوران معمولی عمر می کند _ به این نتیجه رسیده اند که این امر، معلول ژله مخصوصی است که زنبوران کارگر برای تغذیه ملکه فراهم می کنند که با عسل‌های معمولی، بسیار تفاوت دارد. جمعی به این فکر افتاده اند که با تهیه مقدار فراوانی از این ژله، ممکن است عمر انسان را تا چند برابر افزایش داد. (۲)

با توجه به آنچه گفته شد، درباره عمر طولانی حضرت مهدی(ع) از نظر علمی و نظری امکان دارد (فقط در حد امکان می گوئیم) که آن حضرت با دانش خدادادی که بر اسرار خوراکیها دارد، و با استفاده از روشهای علمی و طبیعی بتواند (باز تاکید می کنیم در حد امکان) مدتی طولانی در این دنیا زندگی کند و آثار فرسودگی و پیری در وی پدیدار نشود و همچنان شاداب و جوان بماند.

ص: ۴۵۴

۱- مجله حوزه، ص ۴۷ و ر. ک: امام مهدی حماسه ای از نور، شهید صدر، ترجمه کتابخانه بزرگ اسلامی، ص ۳۰.

۲- مهدی انقلابی بزرگ، ص ۲۲۵ و ۲۲۶.

فصل پنجم: عصر غیبت

طول عمر امام زمان(ع)

طول عمر از نظر عقل

فیلسوف بزرگ اسلامی، ابوعلی سینا می گوید: «آنچه از چیزهای شگفت و عجیب می شنوی تا زمانی که دلیل بر رد آن نیافتی، آن را ممکن دانسته و باور کن.»

امور عالم از سه حال خارج نیست:

۱. امور محال: یعنی اموری که انجام و ایجاد آنها ناممکن و هستی اش محال است؛ مانند آنکه بگوییم: الآن هم روز است و هم شب.

۲. امور طبیعی: یعنی اموری که به وجود آمدنش طبیعی، عادی و ممکن است، مانند به وجود آمدن فرزند از پدر و مادر و میوه دادن درخت.

۳. امور غیر طبیعی و غیر عادی: اموری است که تحقق و به وجود آمدن آن ممکن است؛ اما چون غیر عادی است، قبول کردن آن قدری بعید به نظر می رسد؛ مانند: شفا یافتن بیماران با دعا و نیایش، طول عمر افراد طویل العمر، معجزات انبیا از قبیل: شفا یافتن کور مادرزاد به دست حضرت عیسی(ع)، اژدها شدن عصا به دست حضرت موسی(ع) و انشقاق و شکافته شدن ماه در آسمان به دست حضرت محمد(ص) که همه به امر پروردگار توانا انجام یافت.

پس، از نظر عقل و منطق، هیچ دلیلی بر این امر، وجود ندارد که انسان باید عمر کوتاه داشته باشد.

ص: ۴۵۶

فلسفه می گوید: هر معلولی تا علتش نیاید موجود نمی شود و هر چیزی که موجود شد برای عدمش نیز علتی لازم است. بنابراین همان گونه که برای ایجاد چیزی علتی باید باشد، متقابلاً برای معدوم شدن آن هم باید دلیلی باشد و اگر دلیلی نبود، آن علت اولیه باقی و به تاثیرگذاری خود ادامه می دهد.

مثلاً- در یک روز، پنجاه کودک متولد می شوند. با دیدن آنها این سؤال برای ما مطرح می شود که این بچه ها چقدر عمر خواهند کرد؟ در جواب این سؤال باید گفت: اگر آنچه برای ادامه حیات لازم دارند به آنها برسد و آنچه مانع ادامه حیات می شود، از آنها دور شود، در این صورت دلیلی بر معدوم شدنشان نخواهیم داشت، چون موجود شده اند.

پس از ده روز، دو کودک می میرند و در اینجا این سؤال مطرح می شود که چرا مردند؟ بر مبنای همین حقیقت است که همیشه از مرگ اشخاص سؤال می کنیم، نه از ادامه حیات آنها. (۱) پس مردن، دلیل می خواهد، نه ادامه حیات و طول عمر.

از نگاه علم طب و زیست‌شناسی، عمر آدمی، حد و مرز معینی ندارد که تجاوز از آن حد، غیرممکن باشد. هیچ‌یک از دانشمندان تا به حال نگفته‌اند که فلان مقدار سال، نهایت درجه‌ای است که انسانها می‌توانند بدان نائل شوند و هنگامی که بدان پایه رسیدند، مرگ برایشان حتمی است؛ بلکه گروهی از دانشمندان شرق و غرب، و جدید و قدیم تصریح کرده‌اند که عمر انسان حد و مرزی ندارد و بشر در آینده می‌تواند بر مرگ غلبه کند، یا مدت درازی آن را به تأخیر بیندازد و از عمرهای بسیار طولانی برخوردار شود.

همین امکان علمی و امید موفقیت است که دانشمندان را به تلاش واداشته است تا شب و روز به آزمایش مشغول باشند. این آزمایشها اثبات می‌کنند که مرگ نیز مانند سایر بیماریها معلول علل طبیعی است که اگر شناخته شوند و از تأثیرشان جلوگیری شود، می‌توان آن را به تأخیر انداخت؛ چنان که دانش توانسته است عوامل بسیاری از بیماریها را کشف و از تأثیر آنها جلوگیری کند، در آینده نزدیک نیز موفق خواهد شد که علل مرگ را بشناسد و از تأثیر آنها جلوگیری کند. (۱)

همچنین در بین موجودات زنده مانند: نباتات، حیوانات و انسانها، افرادی دیده شده اند که عمرهای طولانی تری پیدا کرده اند؛ مثلاً در میان گیاهان، درختان طویل‌العمری وجود دارند که از قدیمی‌ترین موجودات روی زمین به شمار می‌روند؛ از جمله *Saguoa* است که در کالیفرنیا موجود است. بعضی از این درختان ۳۰۰ پا ارتفاع و ۱۱۰ پا محیط دور تنه دارند. عمر بعضی از آنها از پنج هزار سال تجاوز می‌کند؛ به گونه‌ای که می‌توان حدس زد در زمانی که فرعون بزرگ *Khorfu* شروع به ساختمان هرم بزرگ مصر کرده بود، این درختان شاداب و جوان بوده‌اند و هنگام تولد حضرت عیسی (ع) ضخامت پوستشان به یک پا می‌رسیده است. (۱)

همچنین مسن‌ترین موجود زنده‌ای که هنوز هم حیات دارد و در حدود چهارهزار و ششصد سال سن دارد، یک نوع کاج به نام *Pinus aristata* است که در کالیفرنیا مرکزی و شرقی موجود است.

ص: ۴۵۹

۱- . دائرة المعارف بریتانیایی، ج ۱۴، ص ۳۷۶ و ر. ک: دادگستر جهان، ص ۱۸۴.

در حیوانات، مسن ترین حیوانات زنده، نوعی لاک پشت است که در جزایر لم یزرع «گالاپاگوش» وجود دارد که ۱۷۷ سال عمر، حدود ۴۵۰ پوند وزن و پوسته ای به طول چهار پا دارد. (۱)

ویروس ها را می توان از قدیمی ترین موجودات زنده دانست. ویروس، نوعی موجود زنده است که مطالعه درباره زندگی آن ممکن است راز حیات را آشکار سازد. همینها هستند که بسیاری از بیماریهای نباتی، حیوانی و انسانی را تولید می کنند. در کاوشهای باستان شناسی توانسته اند این ویروسها را از اعصار ما قبل تاریخ کشف کنند و در محیطهای مخصوص کشت دهند؛ یعنی این موجودات پس از گذشتن صد هزار سال، هنوز آثار زندگی را از دست نداده اند.

وجود این گونه افراد استثنایی، بر این دلالت دارد که برای عمر افراد آن نوع، حد و مرزی وجود ندارد. درست است که اکثر انسانها پیش از صد سالگی می میرند؛ ولی مائوس بودن ما به این مقدار، دلیل بر این نیست که تجاوز از صد سال امکان ندارد؛ زیرا افراد زیادی دیده شده اند که از صد سال بیشتر زندگی کرده اند. وجود انسانهای صد و پنجاه ساله، صد و هشتاد ساله و دویست و پنجاه ساله دلیل روشنی بر این است که عمر انسان اصلا حد و مرزی ندارد. چه فرق می کند که انسان دویست سال زندگی کند یا دو هزار سال؟ هر دو غیر مائوس و غیر متعارف هستند.

ص: ۴۶۰

پیری از دیدگاه زیست‌شناسی، یک عارضه غیر قابل جلوگیری نیست؛ بلکه یک نوع بیماری قابل علاج است؛ چنان که علم طب تا حال توانسته علل و عوامل صدها بیماری را کشف کند و راه جلوگیری و معالجه آنها را به بشر یاد دهد. در آینده نیز موفق خواهد شد که عوامل پیری را کشف کند و راه پیشگیری و مداوای آن را در اختیار بشر قرار دهد. گروهی از دانشمندان در صدد یافتن اکسیر جوانی هستند و با کوششهای خستگی‌ناپذیر به تحقیق و آزمایش اشتغال دارند و زحمات و آزمایشهای آنان موفقیت‌آمیز بوده است؛ به گونه‌ای که می‌توان پیش‌بینی کرد، بشر در آینده‌ای نزدیک بر علل و عوامل پیری و فرسودگی غلبه می‌کند و راه پیشگیری این بیماری عمومی را کشف خواهد کرد. در آن صورت بشر می‌تواند تا مدت بسیار طولانی جوانی و شادابی خود را نگه‌داری کند.

با توجه به مطالب مذکور و اعتراف دانشمندان، تصدیق می‌شود که اگر کسی از حیث ترکیبات جسمانی در کمال اعتدال باشد، اعضای رئیسه بدنش مانند: قلب، اعصاب، کلیه، کبد، مغز و معده همه نیرومند و سالم باشند، تمام دستوره‌های بهداشتی را بدانند و مراعات کنند، خواص و آثار مأكولات و مشروبات را بدانند، از مفید آنها استفاده و از زیان بخش آنها خودداری کند، تمام میکروبها و عوامل تولید آنها را بشناسد، از طریق پیشگیری امراض به ویژه پیری و مرگ آگاه باشد، از سموم و مهلکات اطلاع داشته باشد و از آنها اجتناب کند، احتیاجات ضروری بدن را از حیث غذا، اقسام ویتامینها و مواد آلی تأمین کند، از پدر و مادر و اجداد، مرضی را به ارث نبرده باشد، از اخلاق زشت و اضطراب روح، که سبب فرسودگی اعصاب و مغز و مولد بسیاری از امراض هستند _ منزه باشد، تمام اخلاق نیک که آسایشبخش روح و جسم اند در او جمع باشد، چنین فرد ممتازی استعداد دارد که چندین برابر افراد متعارف نوع خود، بلکه هزاران سال زندگی کند. علم و دانش نه تنها چنین عمر درازی را محال نمی‌داند؛ بلکه امکان آن را به اثبات رسانده است.

بنابراین، عمر طولانی و غیر متعارف امام زمان(ع) را نباید محال شمرد؛ بلکه علم، عمر بسیار دراز را با حفظ نیروی جوانی و شادابی، کاملاً ممکن می‌داند. اگر وجود شخصی برای عالم ضروری بود و لازم شد که عمر بسیار طولانی داشته باشد، خدای قادر مطلق می‌تواند دستگاه آفرینش و سلسله علل و معلولات جهان را به گونه‌ای تنظیم کند تا چنین فرد کاملی را تحویل دهد که از علوم و اطلاعات لازم برخوردار باشد.

ص: ۴۶۲

فصل پنجم: عصر غیبت

طول عمر امام زمان(ع)

طول عمر از دیدگاه تاریخ

از دیدگاه تاریخی «معمربین» و (افراد دارای طول عمر)، فراوان یافت می شوند. هر یک از آنان چند برابر افراد معمولی زمان خویش عمر کرده اند و حتی نمونه هایی داریم که بیش از حضرت حجت زنده بوده و هنوز هم زنده اند. اکنون به نمونه هایی اشاره می شود:

الف) حضرت مسیح: یهودیان با همکاری برخی از مسیحیان خیانتکار، به قتل حضرت مسیح(ع) تصمیم گرفتند، خداوند، نقشه آنها را نقش بر آب کرد و پیامبر را از چنگال آنها رهایی بخشید و به آسمان برد. خود مسیحیان طبق اناجیل موجود می گویند که عیسی کشته و دفن شد. سپس از میان مردگان برخاست و مدت کوتاهی در زمین بود و پس به آسمان صعود کرد؛ (۱) ولی قرآن در دو آیه (۲) به صراحت می گوید، مسیح کشته نشد؛ بلکه زنده است و خداوند او را به سوی آسمان برد و هنوز هم زنده است.

او در آخر الزمان، پس از ظهور امام زمان(ع) از آسمان نازل می شود و پشت سر آن حضرت نماز می خواند؛ چنان که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «حضرت عیسی نازل می شود و امیر مسلمانان (حضرت مهدی(ع)) به او می گوید: بیا تا با تو نماز بگذاریم. حضرت عیسی(ع) می گوید: نه، بعضی از شما امام و امیر بعضی دیگرید، و این احترامی است که خدا برای این امت قائل شده است. سپس مسیح(ع) به حضرت مهدی(ع) اقتدا می کند.» (۳)

ص: ۴۶۳

۱- . تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، ج ۴، ص ۱۹۹ - ۲۰۳ و ج ۲، ص ۴۳۰.

۲- . آل عمران/ ۵۵ و نساء/ ۱۵۷ و ۱۵۸.

۳- . ترجمه مجمع البیان، ابوعلی طبرسی، بیروت، دار المعرفه، ج ۲۲، ص ۴۵۴، ذیل آیه ۶۱ زخرف/ ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۱۰۰.

ب) حضرت خضر(ع): قرآن به صراحت از حضرت خضر نام نبرده است؛ ولی از وی به عنوان بنده ای از بندگان خدا که خداوند به او علم فراوان (علم لدنی) داده است یاد می کند. (۱) آن بزرگوار در روایات با نام خضر معرفی شده است و نام اصلی اش بلیا بن ملکان و خضر، لقب اوست؛ زیرا هر کجا گام می نهاده، زمین در برابر قدمهایش سر سبز می شده است. (۲)

از منابع اسلامی استفاده می شود که او برای اجرای مأموریت در عالم تکوین و باطن هستی، عمری طولانی داشت؛ چنان که پیامبران مأمور اجرای نظام تشریح و قوانین الهی هستند، گروهی از فرشتگان و برخی انسانها (همچون خضر) مأمور اجرای نظام تکوین و رسیدگی به مشکلات مردم اند. (۳) و گاه مأموریهایی از طرف حضرت حجت نیز دارند. (۴)

ج) الیاس: الیاس، یکی از پیامبران بود که در دو آیه از قرآن به او اشاره شده است. (۵)

ص: ۴۶۴

۱- . کهف / ۶۵.

۲- . تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۰۹.

۳- . تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۰۸.

۴- . بدایه المعارف، محمدرضا مظفر، شرح از سیدمحسن خرازی، ج ۲، ص ۱۵۸.

۵- . صافات / ۱۲۳ و انعام / ۸۵.

آنچه از آیات و روایات استفاده می شود این است که الیاس غیر از خضر است و فرق او با خضر در این است که الیاس مأموریتش در خشکی است؛ ولی خضر در جزایر و دریاها. برخی، مأموریت الیاس را در بیابانها و مأموریت خضر را در کوه ها می دانند و برای هر دو عمر جاودان قائل اند. (۱)

(د) عده ای از معمرین: در تاریخ از عده ای از معمرین اسم برده شده است؛ از جمله: آدم (۹۳۰ سال)، شیث (۷۳۲ سال)، ادریس (۳۰۰ سال)، متوشالحو (۹۶۰ سال)، لَمَك (۷۹۰ سال)، نوح (۹۵۰ سال)، ابراهیم (۱۹۵ سال)، کیومرث (۱۰۰۰ سال)، جمشید (۶۰۰ یا ۹۰۰ سال)، عمر بن عامر (۸۰۰ سال) و عاد (۱۲۰۰ سال).

ممکن است برخی از این اعداد و ارقام، غیر معتبر باشد و خالی از مبالغه نباشد؛ ولی این مسئله در کتب بسیاری از تاریخ نگاران آمده است. ضمن اینکه مسئله عمر نوح (ع) یک مسئله قرآنی است و اگر ما عمر ۲۵۰۰ ساله وی را نپذیریم که برخی مورخان نقل کرده اند، عمر ۹۵۰ ساله آن پیامبر در قرآن کریم انکارناپذیر است؛ در آنجا که می فرماید: (وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ)؛ (۲) «ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و نهصد و پنجاه سال در بین آنان درنگ کرد. پس طوفان قومش را فرو گرفت در حالی که ستمکار بودند.»

ص: ۴۶۵

۱- . تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۴۳ و ۱۴۴.

۲- . عنکبوت/ ۱۴.

طول عمر از منظر متفکران بزرگ و دانشمندان علوم

پروفسور شبس فرانسوی در کتاب خود، امید به یک زندگی طولانی می نویسد: «بشر می تواند با استفاده از مواهب طبیعی و قدرت تمدن خویش، زندگی طولانی تر و فعال تری داشته باشد و پیری را چندین سال به عقب اندازد.» (۱)

دکتر گیلورد هاووزر می نویسد: «امروز علم پزشکی به کمک علم تغذیه، قیود و حدود عمر را از سر راه بشر برداشته [است] و امروز بر خلاف اجداد و پدران خود می توانیم امیدوار باشیم که از عمر طولانی برخوردار خواهیم بود.» (۲)

پروفسور اتینگر از پیشروان دانش کریونیک (۳) (انجماد بدن انسان) می نویسد: «بشر قرن بیست و یکم با پیشرفت تکنیکها و کاری که ما شروع کردیم (منجمد کردن بدن انسان) خواهد توانست هزاران سال عمر کند.» (۴)

ص: ۴۶۶

-
- ۱- ر. ک: راز طول عمر امام زمان(ع)، علی اکبر مهدی پور، ص ۲۲.
 - ۲- ر. ک: دیرزیستی حضرت مهدی(ع)، مهدی کامران، ص ۷۳.
 - ۳- برای طولانی کردن عمر انسان اختراع شده است که دانشمندان متخصص تحت برنامه و تکنیکهای علمی جدید می توانند عمر انسان را زیاد کنند و با منجمد کردن بدن و سرمازدگی مخصوص به بشر، عمر طولانی می بخشند.
 - ۴- ر. ک: راز طول عمر امام زمان(ع)، علی اکبر مهدی پور، ص ۲۲.

مجله الهلال که یک مجله معتبر و مشهور مصری است در جزء پنجم از قلم یک دکتر انگلیسی می نویسد: «برخی دانشمندان توانسته اند عمر حشره میوه ها را به نهصد برابر افزایش دهند. بدین وسیله که او را از سم و مواد موذی حفظ کرده، وضع مناسبی برای ادامه زندگی او فراهم آوردند. طبق این قیاس اگر عمر طبیعی انسان را مثلاً ۸۰ سال در نظر بگیریم، امکان افزایش عمر آدمی به ۷۲۰۰۰ سال می رسد.» (۱)

ص: ۴۶۷

۱- ر. ک: دولت مهدی (ع)، دکتر صادقی، ص ۵.

فصل پنجم: عصر غیبت

طول عمر امام زمان(ع)

طول عمر از دیدگاه ادیان آسمانی

اگر مشکل عمر از طرف افراد مادی و ماتریالیست مطرح شود، پاسخ آن همان است که از زبان زیست شناسان، پزشکان و دیگر دانشمندان نقل کردیم و سیر تاریخی آن را در محدوده یک گفتار فشرده بررسی کردیم؛ ولی اگر این مسئله را خداپرستان و پیروان ادیان آسمانی مطرح کنند، گذشته از مطالب یاد شده، دو استدلال دیگر نیز بر آن افزوده می شود:

الف) قدرت بی پایان خدا

همه خدا پرستان به قدرت بی پایان خداوند معتقدند و او را بر همه چیز توانا می دانند. خداوندی که این جهان را از کران تا کران با قدرت بی کرانش آفریده و بیش از ۲۰۰ میلیارد کهکشان را با دست توانایش از میلیونها سال پیش نگه داشته است، هرگز از نگه داری ولی و حجت خود ناتوان نخواهد بود.

ص: ۴۶۸

خدایی کین جهان پاینده دارد

تواند حجتی را زنده دارد

ب) معمرین در کتابهای آسمانی

خداپرستان و پیروان ادیان آسمانی در این اختلافی ندارند که طول عمر ممکن است و برای عمر هیچ موجود زنده ای محدودیت قطعی وجود ندارد. در تمام کتابهای آسمانی از معمرین بسیاری بحث شده است که از نظر پیروان آنها امکان عمر طولانی را قطعی می سازد که به نقل چند نمونه از دو کتاب آسمانی بسنده می کنیم:

ص: ۴۶۹

تورات و طول عمر

فصل پنجم: عصر غیبت

طول عمر امام زمان(ع)

تورات و طول عمر

تورات، کتاب مقدس یهودیان است که از نظر مسیحیان نیز قابل اعتماد است؛ از این رهگذر تمام محتویات تورات برای یهود و نصاری قابل پذیرش است. تورات، شرح زندگی تعداد زیادی از پیامبران و پیشینیان را نقل کرده است که تقریباً همه آنها از عمر طولانی برخوردار بوده اند که به ذکر چند نمونه اکتفا می کنیم:

حضرت آدم: ۹۲۰ سال؛

شیث پسر آدم: ۹۱۲ سال؛

انوش پسر شیث: ۹۰۵ سال؛

قیناس پسر انوش: ۹۱۰ سال؛

مهلائیل پسر قیناس: ۸۹۵ سال؛

یارد پسر مهلائیل: ۹۶۳ سال؛

متوشالح پسر خنوخ: ۹۶۹ سال؛

لمک پسر متوشالح: ۷۷۷ سال؛

حضرت نوح پسر لمک: ۹۵۰ سال. (۱)

ص: ۴۷۰

آیاتی از قرآن کریم از عمر طولانی در اتمهای پیشین خبر می دهد، مانند:

۱. (بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ؛) (۱) «بلکه آنها و پدرانشان را از متاع دنیوی برخوردار ساختیم تا از عمر طولانی بهره مند شدند.»

۲. (فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛) (۲) «اگر او (یونس) از زمره تسبیح کنندگان نبود، تا روز رستاخیز در شکم ماهی می ماند.»

این آیه تصریح می کند که عمر بسیار طولانی (از زمان حضرت یونس(ع) تا روز قیامت) که در اصطلاح زیست شناسان عمر جاویدان نامیده می شود برای انسان و ماهی از نظر قرآن کریم امکان پذیر است. خوشبختانه کشف ماهی ۴۰۰ میلیون ساله در سواحل ماداگاسکار، امکان چنین عمری را برای ماهی اثبات کرده است. (۳)

ص: ۴۷۱

۱- انبیاء/ ۴۴.

۲- الصافات/ ۱۴۳ و ۱۴۴.

۳- ر. ک: راز طول عمر امام زمان(ع)، ص ۹۰.

۳. قرآن کریم درباره حضرت نوح(ع) می فرماید: (لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سِنٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ)؛ «به راستی ما نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس ۹۵۰ سال در میان آنها درنگ کرد.» (۱)

در این آیه مدت دعوت حضرت نوح(ع) (پس از رسالت و پیش از طوفان) ۹۵۰ سال بیان شده است و اگر مدت زندگی آن حضرت را پیش از رسالت و پس از طوفان بر آن بیفزاییم، قطعاً از مرز هزار سال خواهد گذشت.

مطابق حدیثی که مرحوم صدوق(رحمه الله) از رسول اکرم(ص) نقل کرده است، عمر آن حضرت ۲۴۵۰ سال (۲) است.

ص: ۴۷۲

۱- . عنکیوت/۱.

۲- . اکمال الدین، ص ۵۲۳.

فصل پنجم: عصر غیبت

طول عمر امام زمان(ع)

نامعلوم بودن ماهیت حیات

طول عمر از شاخه های مسئله عمومی تری به نام حیات است. حقیقت و ماهیت حیات، هنوز بر بشر مجهول و نامعلوم است و شاید بشر هیچ گاه هم از این راز سر در نیاورد. بشری که این اندازه ناتوان است و موضوع حیات را درست نمی شناسد و از ویژگیهای آن، آگاهی کامل و همه جانبه ندارد، چگونه می خواهد مسئله طول عمر و استبعاد آن را مطرح سازد و به دیده تردید به آن بنگرد؟ (۱) و طول عمر حجت الهی را زیر سؤال ببرد؟

بنابراین طول عمر حضرت مهدی(ع) هیچ استبعادی ندارد؛ چون چنین عمری هم امکان علمی دارد و هم دلایل طبیعی و تاریخی، وقوع آن را تأیید می کند و هم می تواند از مصادیق بزرگ اعجاز الهی به شمار رود.

ص: ۴۷۳

۱- ر.ک: مجله حوزه، ۷۱ _ ۷۰، سال ۱۳۷۴، ص ۴۶ و یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(ع)، علیرضا رجالی تهرانی، ص ۱۰۲ و ۱۰۳.

ضرورت حکومت

فصل پنجم: عصر غیبت

کیفیت اداره جامعه در عصر غیبت

ضرورت حکومت

حکومت برای بشر، یک امر ضروری عقلی است؛ زیرا اجتماع بدون حکومت، به هرج و مرج مبتلا می شود. حکومت، تنظیم کننده امور فرد و اجتماع، اجرا کننده حدود، تامین کننده عزت و استقلال جامعه انسانی و سبب توسعه و تکامل علوم و فنون بشری است.

در تمام جوامع بشری تا آنجا که تاریخ نشان می دهد، نوعی حکومت وجود داشته است. این بدان معنا است که بشر در هر مرحله ای از دانش و فرهنگ باشد، ضرورت وجود حکومت را درک می کند و می داند که زندگی اجتماعی بدون وجود حکومت و نظم و قانون، حتی یک روز هم امکان پذیر نیست.

مسئله ضرورت حکومت و نظم و قانون در روایات اسلامی نیز بازتاب گسترده ای دارد.

امام علی(ع) در جواب خوارج که حکومت و داوری را فقط برای خدا می دانستند، ضمن بیان مطالبی فرمود: «مردم به هر حال به امیر و زمامدار نیازمند هستند؛ خواه نیکوکار باشد یا بدکار! تا مؤمنان در سایه حکومتش به کار خویش مشغول باشند و کافران نیز بهره مند شوند و مردم در دوران حکومت او، زندگی راحت داشته باشند، به دست او اموال بیت المال گردآوری شود، و به کمک او با دشمنان مبارزه کنند.»(۱)

همچنین امام رضا(ع) در روایت فضل بن شاذان، درباره ضرورت وجود حکومت، به ویژه حکومت اسلامی با حضور اولوالامر به سه نکته مهم اشاره کرده است:

۱. وقتی برای مردم حدودی تعیین شود و دستور یابند که از آن حدود تجاوز نکنند، چون باعث فساد آنها می شود؛ این کار سامان نمی گیرد، مگر با وجود حاکم امینی که ایشان را از تعدی و داخل شدن در امور ممنوع باز دارد. در غیر این صورت کسی لذت و منافع خود را به سبب فساد دیگران ترک نمی کند؛ از این رو سرپرستی برای آنها قرار داده شده است که آنان را از فساد منع و حدود و احکام الهی را میان آنها برپا دارد.

ص: ۴۷۵

۲. هیچ فرقه ای از فرقه های دنیا و هیچ ملتی از ملل را نمی یابیم که بدون رئیس و سرپرست باقی مانده باشد؛ همان سرپرستی که امر دین و دنیای آنها را سامان بخشد. پس در حکمت خداوند حکیم، جایز نیست که خلق را در امور ضروری رها سازد و برای آنان سرپرستی تعیین نکند که به کمک او با دشمنان بجنگند، اموال بیت المال را تقسیم کند، جمعه و جماعت آنها را برپا دارد و ظالم را از تعدی به مظلوم باز دارد.

۳. اگر مردم، پیشوا و سرپرست امین و درستکاری نداشته باشند، دین و آیین خدا بر باد می رود و سنت و احکام الهی تغییر می یابد؛ زیرا بدعتگذاران چیزهایی از پیش خود بر آن می افزایند و مخالفان از آن می کاهند و در نتیجه، امور را بر مسلمانان مشتبه می سازند. (۱)

ظاهراً فقط خوارج در صدر اسلام و نیز آنارشیستها در قرون اخیر، منکر ضرورت وجود حکومت شده اند. خوارج در باب حکومت و امامت عقیده داشتند که اقامه حکومت و تعیین خلیفه یا امام، واجب نیست؛ بنابراین به طور مطلق جایز است که جامعه اسلامی روزگاری بدون حکومت و امام به سر برد. آنان با نفی وجوب وجود حکومت، این حکم را تجویز می کردند که هر فرد مسلمان بنا به تشخیص خود، اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کند. (۲)

ص: ۴۷۶

۱- بحار الأنوار، ج ۶، ص ۵۹.

۲- تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ترجمه عبدالحمید آیتی، ص ۱۱۱.

آنارشیست‌ها نیز معتقدند که بشر می‌تواند با اصول اخلاقی، زندگی اجتماعی خویش را اداره کند و به حکومت نیازی نیست. بنابراین نظریه، انسان ذاتاً دارای گزینه اجتماعی است و اگر به حال خود وا گذاشته شود، راه زندگی جمعی را در پیش می‌گیرد. آنارشیسم به اصالت فرد و حفظ آزادیهای فردی اهمیت می‌دهد و هر نوع حکومت و قدرت سازمان یافته را رد می‌کند؛ زیرا آن را وسیله استثمار و خفقان مردم می‌داند و با مالکیت خصوصی نیز مخالف است.

به نظر آنارشیست‌ها، جامعه (به جای هر نوع حکومت) باید براساس یک سلسله پیمانها و قراردادهای اجتماعی اداره شود و امور مربوط به تولید و توزیع در دست خود تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان قرار داشته باشد. (۱)

براساس آیه شریفه (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ) (۲) مسئله حکومت، مسئله اساسی همه پیامبران الهی بوده است.

ص: ۴۷۷

۱- فرهنگ علوم سیاسی، علی بخشی، ص ۲۲.

۲- نساء / ۶۴.

با کمی دقت در اهداف اصلی پیامبران الهی روشن می شود که رسیدن به اهداف بزرگی چون: رهانیدن آدمی از سلطه و اسارت بیگانگان و اعطای آزادی به وی، تعلیم و تربیت فراگیر بشر، احیای ارزشهای انسانی، اقامه قسط و عدل، رساندن آدمیان به تعالی و رشد و... مستلزم تشکیل حکومت است.

اجرای این برنامه ها و وصول به این آرمانها بدون ابزار حکومت امکان پذیر نیست. از این جهت می بینیم که هر کدام از آن بزرگواران نظیر داوود، سلیمان و نبی اکرم(ص) که موفق به تشکیل حکومت شدند، تا چه اندازه در تعقیب و وصول به اهداف الهی خود موفق بوده اند، و هر کدام که چنین ابزاری را به دست نیاوردند، تا چه اندازه راه حرکت آنها ناهموار، و تا چه حد در رسیدن به اهداف خود در تنگنا بوده اند.

ص: ۴۷۸

فصل پنجم: عصر غیبت

کیفیت اداره جامعه در عصر غیبت

دلایل لزوم حکومت در عصر غیبت

۱. سنت رسول اکرم(ص)

سنت پیغمبر اسلام(ص) دلیل بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی، حتی در زمان غیبت امام معصوم(ع) است.

پیامبر اکرم اولاً: خود تشکیل حکومت داد، به اجرای قوانین و برقراری نظامهای اسلام پرداخت، به اداره جامعه برخاست. همچنین والی به اطراف می فرستاد، به قضاوت می نشست، قاضی نصب می کرد، سفیرانی به خارج نزد رؤسای قبایل و پادشاهان روانه می کرد، معاهده و پیمان می بست، جنگ را سرپرستی می کرد و خلاصه، احکام حکومتی را به جریان می انداخت.

ثانیاً: آن بزرگوار برای پس از خود به فرمان خدا حاکم تعیین کرد. وقتی خداوند متعال برای جامعه پس از پیامبر(ص) حاکم تعیین می کند، به این معناست که حکومت پس از رحلت رسول اکرم(ص) نیز لازم است. (۱)

ص: ۴۷۹

۲. ضرورت استمرار اجرای احکام

اجرای احکام الهی که تشکیل حکومت رسول اعظم (ص) را ضروری کرد، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست. طبق آیات قرآن، (۱) احکام اسلام، محدود به زمان و مکانی خاص نیست و تا ابد باقی و اجرایش لازم است.

آیا برای مدت طولانی از زمان غیبت صغرا تا کنون و تا زمان ظهور حضرت مهدی (ع) باید احکام اسلام بر زمین بماند و اجرا نشود و هر که هر کاری خواست انجام دهد؟ آیا قوانینی که پیامبر اکرم (ص) در راه بیان، تبلیغ، نشر و اجرای آن ۲۳ سال زحمت طاقت فرسا کشید، فقط برای مدت محدودی بود؟

آیا خداوند متعال، احکامش را به زمان معصوم (ع) محدود کرده و پس از آن، همه احکامش را رها کرده است؟ اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آنها بدتر از اعتقاد و اظهار به منسوخ شدن اسلام است. (۲)

ص: ۴۸۰

۱- ابراهیم / ۵۲؛ یونس / ۲ و ۴۹؛ احزاب / ۴۰ و یس / ۷۰.

۲- ولایت فقیه، امام خمینی (رحمه الله)، ص ۲۷.

۳. رویه مسلمانان صدر اسلام

پس از رحلت رسول خدا(ص) هیچ یک از مسلمانان در این معنا تردید نداشت که حکومت لازم است. هیچ کس نگفت: حکومت لازم نداریم؛ بلکه در ضرورت تشکیل حکومت همه اتفاق نظر داشتند. اختلاف، فقط در کسی بود که عهده دار این امر شود.

۴. رویه امیرمؤمنان، علی ابن ابی طالب(ع)

پس از رحلت پیامبر اعظم(ص) وقایعی برای جانشینی آن حضرت به وقوع پیوست و علی(ع) ۲۵ سال از مقام و منصب خود کنار رفت. سپس می بینیم با روی آوردن مردم به ولایت، علی(ع) حکومت تشکیل داد و خود در رأس آن قرار گرفت و جامعه اسلامی را سرپرستی کرد. (۱)

۵. ماهیت و کیفیت قوانین اسلام

ص: ۴۸۱

۱- . ولایت فقیه، امام خمینی(رحمه الله)، ص ۲۸.

دلیل دیگر بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت، ماهیت و کیفیت قوانین اسلام است. ماهیت و کیفیت این قوانین به گونه ای است که اجرای آنها جز با تشکیل حکومت اسلامی امکان پذیر نیست.

چون اسلام چنین قوانین و برنامه هایی را جعل و تشریح کرده است، به ناچار درباره مجری آن هم تصمیم گرفته است.

حاکم اسلامی یعنی شخصی که در رأس یک تشکیلات وسیع اداری قرار می گیرد و با اجرای کامل قوانین الهی، مردم را اداره می کند.

ص: ۴۸۲

فصل پنجم: عصر غیبت

کیفیت اداره جامعه در عصر غیبت

ولایت فقیه برترین گزینه ها، برای حکومت دینی

ولایت چیست؟

ولایت، واژه ای عربی است که از کلمه «ولی» گرفته شده است. ولی در لغت عرب به معنای آمدن چیزی است در پی چیز دیگر، بدون آنکه فاصله ای در میان آن دو باشد. که لازمه چنین توالی و ترتیبی، قرب و نزدیکی آن دو به یکدیگر است؛ از این رو این واژه با هیئتهای مختلف (به فتح و کسر) در معانی حب و دوستی، نصرت و یاری، متابعت و پیروی و سرپرستی استعمال شده است که وجه مشترک همه این معانی، همان قرب معنوی است. مقصود از واژه ولایت در بحث ولایت فقیه، آخرین معنای مذکور یعنی سرپرستی است.

فقیه کیست؟

ص: ۴۸۳

مقصود از فقیه در بحث ولایت فقیه، مجتهد جامع الشرایط است، نه هر کسی که فقه خوانده باشد. فقیه جامع الشرایط باید سه ویژگی داشته باشد تا شایستگی رهبری جامعه اسلامی را احراز کند:

اجتهاد مطلق، عدالت مطلق و قدرت مدیریت و استعداد رهبری؛ یعنی از سویی باید صدر و ساقه اسلام را به طور عمیق و با استدلال و استنباط بشناسد و از سوی دیگر، در تمام زمینه ها، حدود و ضوابط الهی را رعایت کند و از هیچ یک تخلف و تخلف نکند و از سوی سوم، استعداد و توانایی مدیریت و کشورداری و لوازم آن را واجد باشد. (۱)

در روایات اسلامی نیز اشاراتی به این صفات شده است. امام حسین (ع) در این باره در نامه به مردم کوفه فرمود:

«به جان خودم سوگند! پیشوا و امام نیست؛ مگر آن کسی که حکومتش بر پایه قرآن باشد، قسط را برپای دارد، به دین حق پای بند باشد و خود را وقف راه خدا کند.» (۲)

ص: ۴۸۴

۱- . ولایت فقیه، جوادی آملی، ص ۱۳۶.

۲- . بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۴.

امام علی(ع) می فرماید: «ای مردم! شایسته ترین فرد به حکومت و ولایت کسی است که بر آن تواناتر باشد و به فرمان خداوند متعال در امور حکومت داناتر باشد.»(۱)

امام حسن عسکری(ع) می فرمود: «هر یک از فقیهان که بر نفس و امیال نفسانی خود چیره باشد، دین خدا را پاس بدارد، با هوا و هوس خویش مخالفت کند و مطیع احکام و اوامر خدا و مولای خود باشد، پس بر مردم لازم است از او اطاعت و تقلید کنند.»(۲)

ص: ۴۸۵

۱- نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، خ ۱۷۳، ص ۱۷۹.

۲- احتجاج، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۳۳۷.

دلایل نقلی، عبارت است از روایاتی که بر ارجاع مردم به فقها برای رفع نیازهای حکومتی، دلالت دارد یا روایاتی که فقها را به عنوان امنا، خلفا و وارثان پیامبران و امامان معرفی کرده است.

یکی از روایاتی که برای اثبات ولایت، برای فقیه واجد شرایط به آن استناد می شود مقبوله عمر بن حنظله است. وی می گوید که از امام صادق(ع) سؤال کردم که: «اگر دو نفر از شیعیان شما در مسئله ای چون قرض یا ارث با یکدیگر نزاع کنند و برای رفع نزاع و داوری میان خود به پادشاه وقت و یا قضات رسمی مراجعه کنند، چطور است؟»

حضرت پس از رد داوری نزد پادشاه فرمود: «بنگرید که کدام یک از شما راوی حدیث ماست و در حلال و حرام، صاحب نظر است و احکام ما را به خوبی می شناسد. پس حکم خود را به او واگذار کنید و به نتیجه داوری او خوشنود باشید؛ زیرا من چنین شخصی را بر شما حاکم قرار داده ام. هرگاه چنان حاکمی میان شما حکم کرد و سخن او پذیرفته نشد، به یقین، حکم خدا کوچک شمرده شده و فرمان ما رد شده است و کسی که ما را رد کند، گویی خدا را رد کرده است و چنین کسی در حد شرک به خداست.» (۱)

محکم ترین دلیل بر ولایت فقیه این است که قانون الهی و شریعت اسلام، بدون گرداننده، مجری و ولی امر بی اثر و لغو است. در یک نظام دینی و اسلامی، هرگز نمی توان زمام حکومت را به دست کسی داد که در فقه و فقهات که دستورالعمل حیات فردی و جمعی جامعه اسلامی است، متخصص نباشد و یا به آن بی اعتنا باشد. در نظامهای سیاسی دنیا هم، همین گونه است. زمامدار حکومت مارکسیستی متخصص و معتقد به مارکسیسم است، رهبر حکومت لیبرال و سکولار و... باید آشناترین و معتقدترین فرد به آن نظام حکومتی باشد؛ از این رو نمی شود زمام یک حکومت دینی را به دست کسی داد که به تمام یا به عمده احکام مربوط به ساختار آن حکومت آگاه و یا معتقد نباشد. (۱)

امام خمینی (رحمه الله) می فرماید: « همان دلایلی که لزوم امامت پس از نبوت را اثبات می کند، عیناً لزوم حکومت در دوران غیبت حضرت ولی عصر (ع) را در بردارد. به ویژه، پس از این همه مدت که از غیبت آن بزرگوار می گذرد و شاید این دوران هزارها سال دیگر نیز ادامه یابد.» (۲)

ص: ۴۸۷

۱- ولایت فقیه در عصر غیبت، رجالی تهرانی، ص ۱۲۸.

۲- ولایت فقیه، امام خمینی (رحمه الله)، ص ۳۰.

فصل پنجم: عصر غیبت

کیفیت اداره جامعه در عصر غیبت

وظایف و شؤون ولی فقیه (حاکم اسلامی)

فقیه جامع الشرایط در عصر غیبت، حاکم اسلامی است و دارای چهار شأن دینی است که دو شأنش علمی و دو شأن دیگر آن، عملی است. این چهار وظیفه، عبارت اند از: ۱. حفاظت؛ ۲. افتاء؛ ۳. قضاء؛ ۴. ولاء.

۱. حفاظت

مهم ترین وظیفه امام معصوم(ع)، تنزیه قرآن کریم از تحریف یا سوء برداشت و نیز تقدیس سنت معصومان(ع) از گزند اخذ به متشابهات و اعمال سلیقه شخصی و حمل آن بر پیش فرضها و پیش ساخته های ذهنی دیگران است. همین رسالت بزرگ در عصر غیبت، بر عهده فقیه جامع الشرایط خواهد بود؛ زیرا سرپرست نظام اسلامی، جامعه مسلمانان را براساس معارف اعتقادی و احکام عملی کتاب و سنت معصومان(ع) اداره می کند؛ از این رو باید پیش از هر چیز به حفاظت و صیانت و دفاع از این دو وزنه وزین پردازد.

۲. افتاء

ص: ۴۸۸

وظیفه فقیه در ساحت قدس مسائل و احکام اسلامی، اجتهاد مستمر با استمداد از منابع معتبر و اعتماد بر مبانی استوار و پذیرفته شده در اسلام و پرهیز از التقاط آنها با مبانی حقوقی مکتبهای غیر الهی است. وظیفه فقیه جامع الشرایط در زمینه افتاء، فقط کشف و به دست آوردن احکام اسلامی است، بدون آنکه در آن، هیچ گونه دخل و تصرفی کند.

۳. قضاء

حاکم اسلامی، عهده دار شأن قضای رسول اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) نیز هست؛ به این معنا که نخست با کوشش متمادی و اجتهاد علمی، مبانی و احکام قضای اسلامی را از منابع اصیل آن به دست می آورد. سپس براساس همان علوم و احکام و بدون آنکه تصرفی از خود در آنها داشته باشد، به رفع تخاصمات و اجرای احکام قضایی و صادر کردن فرامین لازم می پردازد.

۴. ولاء

ص: ۴۸۹

حاکم اسلامی پس از اجتهاد عمیق در متون و منابع دین و به دست آوردن احکام اسلام در همه ابعاد زندگی مسلمانان، موظف به اجرای دقیق آنهاست. فقیه جامع الشرایط در زمینه های مختلف اجتماعی، چه در امور فرهنگی نظیر تعلیم و تربیت و تنظیم نظام آموزشی، چه در امور اقتصادی مانند: منابع طبیعی، جنگلها، معادن، دریاها و...، چه در امور سیاسی داخلی و خارجی مانند: روابط بین الملل و چه در زمینه های نظامی همانند: دفاع در برابر مهاجمان و تجهیز نیروهای رزمی، به تطبیق قوانین اسلامی و اجرای احکام ثابت الهی مبادرت می ورزد. (۱)

ص: ۴۹۰

۱- . ولایت فقیه، آیت الله جوادی آملی، ص ۲۴۲.

شکی نیست که انتظار در فرهنگ تشیع از جایگاه بسیار والایی برخوردار است و در مباحث مهدویت درخشندگی خاصی دارد.

روایات در این باره به دو دسته کلی تقسیم می شود:

دسته نخست، روایاتی است که به انتظار فرج و گشایش به صورت عام و کلی اشاره کرده است. مصداق کامل و تام این روایات، فرج عمومی در سطح جهان با ظهور حضرت مهدی(ع) است؛ ولی هر گشایشی را نیز شامل می شود.

دسته دوم، روایاتی است که درباره فرج قائم آل محمد(ع) و ظهور آخرین مصلح جهانی و موعود است.

در روایات دسته اول با تعبیرهای متفاوتی مواجه می شویم:

- گاهی آن را عبادت دانسته اند؛ برای مثال رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: «إِنْتَظَرُ الْفَرَجَ عِبَادَةً؛» (۱) انتظار فرج عبادت است.»

- گاهی از آن به عنوان برترین عبادت یاد کرده اند؛ حضرت رسول خدا (ص) فرموده است: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛» (۲) برترین بندگی، انتظار گشایش است.»

- گاهی از آن به عنوان برترین کارهای امت پیامبر خاتم (ص) یاد کرده اند؛ برای مثال پیامبر اکرم (ص) فرمود: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛» (۳) برترین کارهای امت من، انتظار گشایش از خداوند عزیز و جلیل است.»

- گاهی نیز به آثار وضعی انتظار اشاره کرده، خود انتظار فرج را نوعی فرج و گشایش معرفی می کنند. امام سجاد (ع) در این باره فرمود: «إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ؛» (۴) انتظار گشایش داشتن، خود از بزرگ ترین گشایشها است.»

ص: ۴۹۲

۱- . کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۰۱ و أمالی، طوسی، ص ۴۰۵.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

۳- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸.

۴- . الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۳۱۷.

- سرانجام رسول بزرگوار اسلام (ص) آن را برترین جهاد امت اسلام دانسته، می فرماید: «أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ (۱)» برترین جهاد امت من، انتظار گشایش است.»

در دسته دوم از روایات نیز با مضامین فراوانی مواجه می شویم که برخی از آنها از این قرارند:

- امام صادق (ع) فرمود: «عَلَيْكُمْ بِالتَّسْلِيمِ وَالرَّذِّ إِلَيْنَا وَانْتِظَارِ أَمْرِنَا وَ أَمْرِكُمْ وَ فَرَجِنَا وَ فَرَجِكُمْ؛ (۲)» بر شما باد به تسلیم و رد [امور] به ما و انتظار امر ما و امر خودتان و فرج ما و فرج شما.»

- امام باقر (ع) نیز آن گاه که دین مشمول رضایت خداوند را تعریف می کند، پس از شمردن اموری می فرماید: «وَ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِنَا وَ الْوَرَعِ وَ التَّوَاضُعِ وَ انْتِظَارِ قَائِمِنَا...؛ (۳)» و تسلیم امر ما بودن و ورع و تواضع و انتظار قائم ما... [از نشانه های دینداری مشمول رضایت خداست].»

ص: ۴۹۳

۱- . تحف العقول، حرانی، ص ۳۷.

۲- . رجال، کشی، ص ۱۳۸.

۳- . کافی، ج ۲، ص ۲۳، ح ۱۳.

همه این تعبيرات، از این حکايت دارد که انتظار فرج - چه به معنای عام و چه به معنای خاص آن - در فرهنگ مقدس اسلام چه جایگاهی دارد.

ص: ۴۹۴

انتظار چیست؟

فصل ششم: عصر انتظار

انتظار در فرهنگ شیعه

انتظار چیست؟

زندگی انسان با انتظار و امید به آینده عجین شده است؛ به گونه ای که زندگی بدون انتظار شور و نشاط لازم را برای تداوم ندارد.

حیات کنونی ظرف پویایی، تلاش و حرکت به سوی فردا و فرداها است، و چنین پویایی و حرکتی، بدون عنصر انتظار ممکن نیست.

پدیده انتظار، انسان را به حرکت در جهت مناسب با انتظار بر می انگیزد و از گرایش به جهت‌های نامتناسب یا ناسازگار و متضاد با آن باز می دارد.

انتظار آرمانها و هدفهای برتر، اندیشه و عمل آدمی را در راستای تحقق آن آرمانها و هدفها قرار می دهد و انسان را وامی دارد تا راهها و شیوه هایی را برگزیند که به خواسته هایش نزدیک شود و موانع راه را کنار زند. از اینجاست که انسان به آماده سازی خود و محیطش می پردازد و زمینه آرمانها و هدفهای خویش را فراهم می آورد.

ص: ۴۹۵

فصل ششم: عصر انتظار

انتظار در فرهنگ شیعه

صبر و انتظار

صبر یکی از اموری است که همواره همراه انتظار فرج از آن یاد شده است.

امام رضا(ع) فرمود: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرَجِ؛» (۱) چه نیکوست شکیبایی و انتظار فرج.»

آری انتظار بدون عنصر شکیبایی در برابر مشکلات، پوسته ای بدون مغز و قالبی بی محتوا است.

کسی که منتظر تحقق هدف آرمانی خویش است، باید تا شکل گرفتن آرمان، پایداری کند و تاب و توان از دست ندهد، و هر ناملامی را در آن راه با بردباری بپذیرد.

ص: ۴۹۶

فصل ششم: عصر انتظار

انتظار در فرهنگ شیعه

انتظار ظهور

نکته بسیار جالبی که از روایات مربوط به انتظار ظهور حضرت مهدی(ع) به دست می آید، اینکه انتظار فرج تنها طریقی برای رسیدن به هدف نیست؛ بلکه خود نیز موضوعیت دارد. بدان معنا که اگر کسی در انتظار راستین به سر برد، تفاوتی ندارد که به مورد انتظار خویش دست یابد یا دست نیابد.

بد نیست در اینجا به پاره ای از این روایات، اشاره ای داشته باشیم:

۱. شخصی از امام صادق(ع) پرسید: درباره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و ظهور حکومت حق را انتظار می کشد و در این حال از دنیا می رود، چه می فرماید؟

امام(ع) در پاسخ فرمود: «هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً ثُمَّ قَالَ: هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؛ (۱) او همانند کسی است که با حضرت قائم(ع) در خیمه او باشد - سپس کمی سکوت کرد - و فرمود: او مانند کسی است که با پیامبر اسلام(ص) بوده است.» این مضمون در روایات فراوانی با تعبیرات مختلف نقل شده است.

ص: ۴۹۷

۲. حضرت صادق(ع) می فرماید: «بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛»(۱) او همانند شمشیر زن در راه خداست.»

۳. همچنین آن حضرت فرمود: «كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَيْفِهِ؛»(۲) [منتظر] همانند کسی است که در خدمت او [قائم(ع)] با شمشیر [بر سر دشمنان] بکوبد.»

۴. همچنین درباره چنین انسانی فرمود: «بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَائِدًا فِي عَشِيرَةٍ لَا بَلَّ بِمَنْزِلِهِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لِوَاءِ الْقَائِمِ؛»(۳) [منتظر] همانند کسی است که در لشکرگاه او (امام زمان(ع)) باشد، بلکه به منزله کسی است که زیر پرچم قائم بوده باشد.»

۵. امام حسین(ع) می فرماید: «بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ(ص)؛»(۴) چنین فردی (منتظر) همانند کسی است که پیش روی پیامبر(ص) با شمشیر جهاد کند.»

ص: ۴۹۸

۱- . کافی، کلینی، ج ۸، ص ۱۴۶، ح ۱۲۲.

۲- . المحاسن، ج ۱، ص ۱۷۴.

۳- . کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲.

۴- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳.

۶. و در روایتی دیگر از حضرت صادق(ع) چنین آمده است: «بِمَنْزِلِهِ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ؛ (۱) و (۲) [منتظر] همانند کسی است که همراه پیامبر(ص) [جنگ کرده و] به شهادت رسیده است.»

ص: ۴۹۹

۱- . الغیبه، نعمانی، ص ۳۲۹ و کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۲- . قیام و انقلاب مهدی(ع)، مرتضی مطهری، ص ۵۶.

انتظار سازنده یا ویرانگر؟

فصل ششم: عصر انتظار

انتظار در فرهنگ شیعه

انتظار سازنده یا ویرانگر؟

براساس روایات، انتظار فرج و چشم داشتن به ظهور، باید با مواظبت بر وظایف شرعی و فضایل اخلاقی توأم باشد و آمادگی برای درک محضر حضرت مهدی (ع) در مفهوم انتظار نهفته است.

اینجاست که در بحث انتظار، اختلاف می شود و برداشتهای متفاوتی از مسئله انتظار صورت می گیرد که به طور عمده به دو نوع تلقی از انتظار باز می گردد:

۱. انتظار سازنده

انتظار سازنده، تحرک بخش و تعهدآور، همان انتظار راستینی است که در روایات از آن به عنوان با فضیلت ترین عبادت یاد شده است.

از آیات و روایات استفاده می شود که ظهور حضرت مهدی (ع) حلقه ای است از حلقه های مبارزه اهل حق و باطل که به پیروزی طرفداران حق منتهی می شود. سهمیم بودن یک فرد در این سعادت، بر این موقوف است که آن فرد، عملاً در گروه حق باشد.

ص: ۵۰۰

شهید مطهری (رحمه الله) می نویسد: «در روایات اسلامی، سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام (ع) به آن حضرت می پیوندند. بدیهی است که این گروه، ناگهان خلق نمی شوند و به قول معروف از پای بوته هیزم سبز نمی شوند؛ بلکه معلوم می شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می دهد. این خود می رساند که نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است؛ بلکه فرضا اهل حق از نظر کمیت قابل توجه نباشد، از نظر کیفیت ارزنده ترین اهل ایمان اند و در ردیف یاران سید الشهداء.» (۱)

۲. انتظار ویرانگر

ص: ۵۰۱

۱- قیام و انقلاب مهدی (ع)، مرتضی مطهری، ص ۵۶

انتظار ویرانگر، فلج کننده و باز دارنده که در واقع نوعی اباحیگری است همواره مذمت شده است.

این نوع انتظار، حاصل برداشت قشری مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود(ع) است که صرفاً ماهیت آن را انفجار می دانند و معتقدند که این انقلاب، فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم، تبعیض، اختناق، حق کشی و تباهی ناشی می شود.

به نظر آنان، این انقلاب، نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است. آن گاه که حق و حقیقت طرفداری نداشته باشد، باطل یکه تاز میدان شود، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می دهد و دست غیب برای نجات حقیقت - نه اهل حقیقت؛ زیرا حقیقت طرفداری ندارد - از آستین بیرون می آید. بنابراین هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر اصلاح، یک نقطه روشن است و تا در صحنه اجتماع، نقطه روشنی هست، دست غیب ظاهر نمی شود.

برعکس هر گناه، فساد، ظلم، تبعیض، حق کشی و هر پلیدی روا است به حکم اینکه مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کند؛ زیرا هدف، وسیله های نامشروع را مشروع می کند. پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است.

ص: ۵۰۲

این نوع برداشت از ظهور و قیام مهدی موعود(ع) و این نوع انتظار فرج - که به نوعی تعطیلی در حدود و مقررات اسلامی منجر می شود و باید نوعی اباحیگری شمرده شود - به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی سازگار نیست؛ چرا که افساد در هیچ شرایطی و با هیچ یک از آیات قرآن مطابقت ندارد و همواره مسلمانان به اجرای احکام الهی امر و توصیه شده اند.

بنابراین نکته مهم و اساسی این است که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی، هرگز نمی تواند نقش تماشاچی را داشته باشد؛ بلکه باید از هم اکنون در صف انقلابیون قرار گیرد؛ چرا که ایمان به نتایج و عاقبت این تحول بزرگ، هرگز به او اجازه نمی دهد که در صف مخالفان باشد. قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج به داشتن اعمال پاک و روحی پاک تر و برخورداری از شهامت و آگاهی کافی است.

سپاهی که در انتظار جهاد آزادی بخش به سر می برد، حتما به حالت آماده باش کامل در می آید، سلاح لازم برای این میدان نبرد را به دست می آورد، سنگرهای لازم را می سازد، آمادگی رزمی افراد خود را بالا می برد، روحیه افراد خود را تقویت می کند و شعله عشق و شوق برای چنین مبارزه ای را در دل فرد فرد سر بازنانش زنده نگه می دارد. ارتشی که چنین نیست، هرگز در انتظار به سر نمی برد و اگر مدعی انتظار باشد، دروغ می گوید.

انتظار یک مصلح جهانی به معنای آماده باش کامل فکری، اخلاقی، مادی و معنوی برای اصلاح همه جهان است.

اصلاح تمام روی زمین و پایان دادن به همه مظالم و نابسامانیها، شوخی نیست و نمی تواند کار ساده ای باشد. آماده باش برای چنین هدف بزرگی، باید متناسب با آن باشد؛ یعنی باید به وسعت و عمق آن باشد.

برای تحقق بخشیدن به چنین انقلابی، مردانی بسیار بزرگ، مصمم، نیرومند، شکست ناپذیر، فوق العاده پاک، بلند نظر، کاملاً آماده و دارای بینش عمیق لازم است.

افزون بر آن، منتظران راستین وظیفه دارند مراقب حال یکدیگر نیز باشند و علاوه بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می کشند، یک برنامه فردی نیست؛ برنامه ای است که تمام عناصر انقلاب، باید در آن شرکت جویند. باید کار به صورت دسته جمعی و همگانی باشد، کوششها و تلاشها هماهنگ شود و عمق و وسعت این هماهنگی، باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند. (۱)

سخن را با دل گویند؛ محبوبات قلبهایمان در عصر غیبت، و نایب آن یار سفر کرده به انجام می بریم که:

ص: ۵۰۴

دل را ز بی خودی سر از خود رمیدن است

جان را هـوای از قفـس تن، پـریدن است

از بیم مرگ نیست که سـر داده ام فغـان

بانگ جرس ز شوق به منزل رسیدن است

شامـسیـه تراست ز گیسوی سرکشت

خورشـید من بر آی که وقت دمیدن است (۱)

ص: ۵۰۵

۱- حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی).

فصل ششم: عصر انتظار

نقش فرهنگ انتظار در اصلاح جامعه

مقدمه

انتظار در مکتب تشیع، یک حالت انسانی است که انسان به سبب وجود آن، ضمن پیراستن وجود خویش از بدیها و آراستن آن به خوبیها، در ارتباط مستمر با امام و حجت زمان خویش، همه همت خود را صرف زمینه سازی ظهور مصلح آخرالزمان می کند و برای تحقق وعده الهی، یعنی برپایی دولت کریمه اهل بیت(ع) با تمام وجود می کوشد. (۱)

طبق این تعریف، انتظار فرج عاملی مهم برای خودسازی فردی، اصلاح جامعه و کاهش جرائم و مفسد خواهد بود. بی تردید، انتظار ظهور امام زمان(ع) در تمام ابعاد شخصیت انسان، اعم از فردی و اجتماعی مؤثر است و همه مناسبات وی را فرا می گیرد و بالاترین کوشش و جهاد همه جانبه او در راه خداست.

پیشوایان معصوم(ع) اجر بسیاری برای منتظران بیان کرده اند؛ چنان که امام صادق(ع) فرمود:

ص: ۵۰۶

«مَنْ سِيرَ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ (ع) فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيُعْمَلِ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ (ع) بَعِيدَهُ كَانَتْ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئاً لَكُمْ آيَتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ؛» (۱) کسی که دوست دارد از اصحاب و یاران حضرت قائم (ع) باشد، باید منتظر ظهور باشد و به پاکدامنی و نیک خلقی خود را بیاراید، در حالی که پیوسته به انتظار [قدم حضرت قائم (ع)] نشسته است. پس اگر [با این اوصاف] از دنیا برود و حضرت قائم (ع) پس از او قیام کند، پادشاه او همانند فردی است که امام قائم را درک کرده است. ای گروهی که مشمول رحمت خدا شده اید! کوشش کنید و انتظار بکشید [که این مقام والای انتظار] بر شما گوارا باد!

صادق آل محمد (ع) در روایت دیگری به یکی از پیروانش چنین دستور داد: «وَ انْتَظِرِ الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً؛» (۲) شب و روز منتظر فرج باش.

ص: ۵۰۷

۱- . غیبه النعمانی، ص ۲۰۰، ب ۱۱، ح ۱۶.

۲- . الغیبه، نعمانی، ص ۱۵۸، ح ۳.

در هر صورت، انتظار، آماده باش کامل، خودسازی و تصفیه روح و جان و اصلاح دیگران است. انتظار، روزنه امیدی است که در حساس ترین و بحرانی ترین لحظات زندگی انسان _ که از همه جا مأیوس می شود _ تنها عامل نجات و امید بخش اوست. در این فرصت، نقش انتظار را در اصلاح جامعه و تربیت افراد به نظاره می نشینیم و نکاتی را بررسی می کنیم.

ص: ۵۰۸

آرزوها و آمال انسانها، معیار خوبی برای سنجش میزان رشد، کمال و تعالی آنهاست؛ تا آنجا که گفته شده است: «بگو چه آرزویی داری، تا بگویم کیستی». آرزوهای بلند، متعالی و ارزشمند از کمال روح و رشد شخصیت انسانها و بلندای همت آنها حکایت می کند و به عکس، آرزوهای پست، حقیر و بی ارزش، نشان از بی همتی و رشد نیافتگی افراد دارد. امام علی (ع) در این باره فرمود: «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ؛» (۱) ارزش مرد به اندازه همت اوست.»

بنابراین، انسان منتظر فرج آل محمد (ع) که برترین و ارزشمندترین آمال و آرزوهای ممکن را داراست، به طور طبیعی از بهترین و والاترین ارزشها نیز برخوردار است. انسانی که آرزوی نهایی او حاکمیت دین خدا و معارف اهل بیت (ع) بر سرتاسر گیتی، استقرار حکومت صالحان و مستضعفان، کوتاه شدن دست ظالمان و مستکبران، برچیده شدن فساد و فحشا و بی بند و باری و برقراری قسط، عدل و مساوات بر پهنای کره زمین است، (۲) هیچ گاه به سوی مفسد و گناهان نخواهد رفت و انتظارات و آرزوهای وی مانع از تمایل او به سوی بدیها و زشتیها خواهد بود. انتظار، عامل مهمی در اصلاح و خودسازی انسان و در ارج نهادن به شخصیت اوست.

ص: ۵۰۹

۱- نهج البلاغه، ح ۴۷.

۲- برترینهای فرهنگ مهدویت، ص ۶۹.

شخص منتظر که به امام زنده اعتقاد دارد، همواره احساس می کند که حضرت، مراقب اوست و اعمال و رفتارش را چه خوب و چه بد می بیند؛ از اعمال خوب او خوشحال می شود و کارهای ناروایش، دل حضرت را به درد می آورد.

وقتی این اعتقاد در وی قوی باشد و خود را در محضر امام زمان(ع) احساس کند، دیگر به فساد و گناه دست نمی آید و از آن وجود گرامی، شرم و حیا می کند. آری، منتظر راستین امام زمان(ع) این آیه را نصب العین خود قرار می دهد که (اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ)؛ (۱) «هر عملی می خواهید انجام دهید، خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند.»

ص: ۵۱۰

فصل ششم: عصر انتظار

نقش فرهنگ انتظار در اصلاح جامعه

نظارت امام بر اعمال شیعیان

دو نفر از مؤمنان با هم قرار گذاشته بودند که طبق حدیث شریف نبوی که فرموده است: «الْمُؤْمِنُ مَرَأَةُ الْمُؤْمِنِ؛ (۱) مؤمن آینه مؤمن است»، عیبهای همدیگر را متذکر شوند و اصلاح کنند. آنان با استمداد از فضل الهی و عنایات حضرت حجت (ع) متعهد شدند که هر هفته، یک جلسه بگذارند و هر یک، عیب دیگری را بدون کمترین اهانتی بازگو کند و صاحب آن عیب تا هفته آینده مشکل اخلاقی خود را برطرف سازد.

این برنامه ادامه داشت تا اینکه پس از مدتی یکی از این دو در ضمن رؤیای صادقه ای رفیقش را در خواب دید که با هم می روند و درباره یک موضوع صحبت می کنند؛ اما رفیق او که در سمت چپش حرکت می کند، اصلاً به وی پاسخی نمی دهد و حواسش به سه زن بی حجابی است که از رو به رو می آیند.

ص: ۵۱۱

این شخص متدین خیلی ناراحت شد که چرا رفیق من در مقابل زنان نامحرم این گونه از خود بی خود شده است! در همان حال، در سمت راست خود فردی را در هاله ای از نور مشاهده کرد که به آنان نظاره می کرد. در چند قدمی او جوان خوش سیمایی ایستاده بود که گاهی به آن شخص نورانی و گاهی نیز به آن فرد معصیت کار می نگریست.

او از جوان پرسید: «این آقای نورانی کیست؟»

جوان پاسخ داد: «این شخص وجود مقدس امام زمان(ع) است که مراقب شما دو نفر است و کارهای شما را زیر نظر دارد.» تا شنید که این آقا امام زمان(ع) است، به سرعت به سوی آن حضرت گام برداشت و نزدیک آقا رفت. ناگاه از خواب بیدار شد.

فردای آن روز، سراغ رفیقش رفت و وقتی خواب خود را نقل کرد، آن شخص به شدت گریه کرد و با حالت تأثر گفت: «آری، این بیماری در من وجود دارد که در مقابل زنان نامحرم نمی توانم خودداری کنم و به آنان نگاه نکنم.» خواب شما از رؤیاهای صادقه است و مرا به شدت تحت تأثیر قرار داد. از امروز تصمیم می گیرم دیگر مرتکب گناه نشوم و رضایت آقایم حضرت حجت(ع) را با دوری از این گناه جلب کنم. البته تا به امروز اعتقاد به نظارت حضرت داشتم؛ اما حالا یقین پیدا کردم که آن بزرگوار رفتار و نگاهم را می بیند و کنترل می کند.

ص: ۵۱۲

او پس از توبه و تصمیم قطعی به اجتناب از این گناه، به مراحل عالی‌ه ای دست یافت و بر اثر توسل به وجود حضرت ولی عصر(ع) و عنایات آن گرامی، دیگر گناه برایش لذت بخش نبود. خود او می‌گوید که روز بعد از اینکه توبه راستین کردم، وارد خیابان شدم. پیش از اولین برخورد با زنان بی بند و بار، به خود گفتم: «فلاینی! امام زمانت تو را می‌بیند و مراقب تو هست.» مرتب، همین جمله را به زبان می‌گفتم و باور قطعی داشتم که آقا و مولایم مرا می‌بیند. چنان این تلقین در من اثر گذاشت که وقتی به زنان بی حجاب می‌رسیدم، مثل این بود که از کنار مرکز زباله ای متعفن رد می‌شوم و بوی تعفن آن به مشام می‌رسد که باید از کنارش به سرعت رد شوم؛ در حالی که روزهای قبل، لذتهای شیطانی احساس می‌کردم.

تجربه نشان داده که تقویت این روحیه در تصفیه روح و تزکیه نفس بسیار مؤثر است. طبق نقل آیت الله زنجانی در الکلام یجر الکلام، امام زمان(ع) این جمله را برای نجات از مفسد و گناهان و هر مشکل و گرفتاری دیگر به یک عالم رشتی در تخت فولاد اصفهان آموخته است: «یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ یا فاطِمَةُ یا صاحِبَ الزَّمانِ اُدْرِکْنی و لا تُهْلِکْنی.» (۱)

ص: ۵۱۳

فصل ششم: عصر انتظار

نقش فرهنگ انتظار در اصلاح جامعه

تأثیر دعاهای دوران غیبت

هنگامی که یک منتظر حقیقت جو به عنوان یک وظیفه الهی و انسانی، دعاهای دوران غیبت را می خواند و عبارات تعالی بخش آنها را از عمق جان زمزمه می کند، با دریایی از معارف، به ویژه در عرصه امامت و جایگاه والای آن در باورهای شیعی رو به رو می شود و هر اندازه در متن این میراث گرانبهای اهل بیت (ع) دقت و تدبر می کند، معرفت او به ارزشهای والای دینی بیشتر می شود و شناخت وسیع تر و عمیق تر، محبت و ایمان قلبی را در وجود او ثابت تر می گرداند.

به این ترتیب، علاوه بر اینکه آگاهی و معرفت منتظر امام عصر (ع) افزایش می یابد، درصد ایمان و اعتقاداتش نیز بیشتر می شود. اینجاست که دیگر هیچ نیروی شیطانی نمی تواند منتظر راستین را از جاده حقیقت جدا کند و او در برابر آسیبها، آفات و هجمه های اعتقادی و فرهنگی کاملاً بیمه و باورهایش به دژی تسخیرناپذیر تبدیل می شود.

ص: ۵۱۴

در اینجا به ذکر نمونه هایی از آموزه های دینی و باورهای عمیق شیعی در متن دعاهای مهدویت می پردازیم:

در دعایی که از وجود مقدس امام زمان(ع) به ما رسیده است و با جمله «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ» (۱) آغاز می شود، ناهنجاریهای اجتماعی، مفاسد، زشتیها و امور ناپسند دیگر، به شخص منتظر گوشزد می شود و وی ضمن مناجات و استمداد از خداوند متعال، امور پسندیده و ناپسند را نیز همراه دعا می آموزد و برای عمل با شناخت آمادگی پیدا می کند.

توفیق اطاعت، صداقت در نیت، شناخت حرامها، تکریم به وسیله هدایت و استقامت، سخن گفتن با معیارهای درست و حکمت آمیز، درخواست علم و معرفت حقیقی، دور بودن از لقمه های حرام و شبهه ناک، خویششننداری از ستم، دزدی و گناهان دیگر، چشم پوشی از حرام و نگاههای خیانت آلود، فاصله گرفتن از کارهای لغو و غیبت، از جمله آموزه هایی است که منتظران حقیقی آن حضرت، پیوسته آنها را زمزمه می کنند و آویزه گوش خود قرار می دهند.

آنان با عشق به وجود حضرت مهدی(ع) این دعای آن حضرت را زمزمه می کنند و به یاد آن گرامی، معارف آن را با تمام وجود می پذیرند. این گونه است که انتظار ظهور مهدی موعود(ع) انسان ساز و معرفت آفرین می شود.

ص: ۵۱۵

منتظران حضرت در ادامه این دعای مهدوی(ع) از خداوند متعال مشتاقانه می خواهند که بر عالمان و دانشمندان، زهد، ساده زیستی و نصیحت پذیری و بر دانش آموزان، دانشجویان و طلاب، تلاش، فعالیت و اشتیاق به تحصیل را عنایت فرماید. و همین طور، دعای امام زمان(ع) برای تعلیم منتظران دانش دوست و معرفت طلب، دهها آموزه جانبخش و راهگشای دیگر در بردارد. (۱)

در دعای افتتاح _ که حضرت صاحب الامر(ع) خود برای شیعیان نوشته اند تا در شبهای ماه رمضان بخوانند _ نکات مهمی برای آموزش منتظران و تقویت قلوب آنان بیان شده است.

در دعای افتتاح، پس از توحید و توصیف صفات جمال و جلال الهی، حمد و ستایش خدای منان، تعظیم و تمجید پروردگار عالمیان و تبیین مقام بندگان، به معرفی رهبران معصوم الهی می پردازد و موقعیت حضرت حجت(ع) را کاملاً در ذهن خواننده ترسیم می کند تا به برکات وجود آن گرامی می رسد و می گوید:

ص: ۵۱۶

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ؛» (۱) خداوند! ما مشتاق دولت کریمه [امام زمان(ع)] هستیم که در سایه آن، اسلام و مسلمانان را عزت دهی و جبهه نفاق و اهل آن را ذلیل و خوار گردانی و...» منتظر امیدوار در ادامه به آرزوها و آمال شرعی و عقلی خود در زمان ظهور، اشاره می کند و می گوید: «اللَّهُمَّ الْمُمْ بِه شَعْنًا وَ اشْعَبَ بِه صِدْعًا وَ ارْتُقَ بِه فَتْنًا وَ كَثُرَ بِه قِلْتَنَا وَ اعَزَّ بِه ذِلَّتْنَا؛» (۲) پروردگارا! پراکندگی و تفرق ما را به وسیله آن گرامی به جمعیت و وحدت بدل فرما و پریشانی امور ما را به وجودش اصلاح فرما و نقایص و شکافهای کار ما را به کمک وجود آن ذخیره الهی، اصلاح و جبران فرما! و تعداد ما را فراوان و خواری و کوچکی ما را با وجودش به عزت و شکوه بدل ساز.»

منتظر پس از نمازهای یومیه در ماه رمضان دعای «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلٰی اَهْلِ الْقُبُورِ السِّرور» (۳) را می خواند که در آن تمام آرزوهای بشری در سایه دولت حقه مهدوی خواسته می شود؛ دولتی که در پناه آن، تمام گرسنگان سیر، برهنگان پوشیده، بدهکارها ادا، گرفتاران رها، و در یک کلام، تمام امور مسلمانان، اصلاح و مشکلاتشان رفع می شود و جهان در پرتو حکومت عادلانه مهدی(ع) روی آسایش و امنیت و راحتی را به خود خواهد دید. آیا چنین کسی می تواند خودسازی نکند و خود را برای عرضه به محضر چنین رهبر والایی آماده نگرداند و در هر گامی که به پیش برمی دارد، سمت و سوی اهداف دولت مهدوی(ع) را قصد نکند؟

ص: ۵۱۷

۱- . مصباح المتعجد، ص ۵۸۰ و صحیفه مهدیه، ص ۲۵۹.

۲- . مصباح المتعجد، ص ۵۸۰ و صحیفه مهدیه، ص ۲۵۹.

۳- . البلد الامین، ص ۲۲۲.

به راستی کسی که در مقام انتظار آن گرامی است تا مرز شهادت پیش می رود و از اعماق وجودش چنین دعا می کند: «وَ
أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ وَفَاتِي قِتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ أَوْلِيَائِكَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَقْتُلَ بِي أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِكَ؛ (۱)»
خدایا! از تو می خواهم که وفات مرا شهادت در راه خودت و تحت پرچم پیامبرت در کنار اولیایت قرار دهی و از تو
تقاضا می کنم که به دست من، دشمنان خود و دشمنان رسولت را هلاک کنی.»

نکته دیگر اینکه دعاهای مهدویت همانند: ندبه، عهد، فرج، دعای غیبت، دعای نور، توسل و دهها دعا و زیارت دیگر با آن
مضامین عالی و آموزنده، شخص منتظر را پیوسته به آگاهی و عشق، ترغیب و به سوی اهداف امام زمان (ع) نزدیک می کند.

ص: ۵۱۸

۱- . الکافی، ج ۴، ص ۷۴، ح ۶.

فصل ششم: عصر انتظار

نقش فرهنگ انتظار در اصلاح جامعه

خوش بینی به آینده بشری

انسان منتظر به آینده ای درخشان، خوش بین است. هر قدر در دنیا مفاسد بیشتر شود و دنیای به اصطلاح متمدن، جهان را به سوی توخس و بربریت پیش ببرد، از کارهای عقلانی و منطقی فاصله بگیرد و خشم و شهوت را بر عقل چیره سازد، باز موضوع انتظار، نقطه امیدی است که پس از این همه ظلمت، فروغی روشنی بخش را نوید می دهد که در آینده نه چندان دور جهان به نور کمال و معنویت روشن خواهد شد.

انسان در پس پرده های خدعه به فطرت خود توجه دارد. او در حال عادی که به خود می آید، از ظلم و بی بند و باری متنفر است. هنگامی که سخن از انتظاری نویدبخش و امیدآفرین مطرح می شود، انسان خسته از این همه ستم و ریا، با خود زمزمه می کند که آیا می شود چنین روزی برسد که این همه مشکلات حل و با خود نجوا می کند:

ص: ۵۱۹

دل زتنهایی به جان آمد خدایا همدمی

آن گاه آیات وحی به او مژده می دهد که آری: (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)؛
(۱) «در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته ام [در آینده] وارث حکومت زمین خواهند شد.»

این خوش بینی بر گرفته از کلام وحی، انسانهای منتظر را به خودسازی و حرکت به سوی کمال معنوی و فرهنگی سوق می دهد.

ص: ۵۲۰

انسان منتظر با امید به ظهور امام عصر(ع) خود را از قید و بندهای جهل و غفلت رها می سازد و به برترین جایگاه فضیلت و زیبایی دست می یابد. امام سجاد(ع) در توضیح مقام منتظران به ابوخالد کابلی فرمود: «غیبت دوازدهمین وصی رسول خدا(ص) طولانی خواهد شد. ای اباخالد! به راستی که اهل زمان غیبت او_ که به امامت ایشان اعتقاد دارند و منتظر ظهور آن گرامی اند _ برترین انسانهای اهل هر زمان هستند؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی چنان به آنان عقل و اندیشه و معرفت عنایت کرده است که مسئله غیبت را همانند حضور مشاهده و درک می کنند. خداوند متعال، آنان را در آن زمان به منزله کسی قرار داده است که در حضور رسول خدا(ص) با شمشیر جنگیده اند.»

سپس امام چهارم(ع) منتظران را این گونه ستودند: «اولئک المخلصون حقاً و شیعتنا صدقاً و الدُّعاهُ الی دینِ اللهِ سِرّاً و جَهراً؛ (۱) آنان حقیقتاً انسانهایی خالص شده و شیعیان راستین ما هستند که مردم را آشکار و نهان به سوی دین خداوند دعوت می کنند.»

ص: ۵۲۱

فصل ششم: عصر انتظار

حضور فعال در عصر انتظار

مقدمه

کتابهای روایی مسلمانان با شفافیت کم نظیری از انتظار فعال و حضور در عرصه های سیاسی _ اجتماعی برای تشکیل حکومت جهانی مهدوی و رخداد «ظهور ولی عصر(ع)» سخن می گویند که بسیاری از متون ادیان به گونه ای بدان اشاره دارد. این حادثه که شیعه به طور خاص با شیدایی و شیفتگی، چشم به راه آن است، تحولات همه جانبه را در عرصه سیاست و مدیریت جامعه آرمانی، بر اساس تعالیم قرآن، به مستضعفان و تشنگان عدالت نوید می دهد.

بارزترین پیام ظهور حجت، جایگزینی عدالت فراگیر به جای ظلم فراگیر است که یک پیام سیاسی _ اجتماعی مستند به روایت نبوی متواتر و پذیرفته شده شیعه و سنی است: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا» (۱) زمین مملو از ظلم و بیداد را از عدل و داد پر می کند.

ص: ۵۲۲

۱- . سنن، ابی داوود، دار الجنان، چاپ اول، ج ۲، ص ۵۰۹.

این پیام در جوامع روایی شیعه، با صراحتی تردیدناپذیرتر به همراه جزئیات بیشتری قابل بررسی است.

امام باقر(ع) ضمن اشاره به پیشرفتهای اقتصادی و تکامل اجتماعی پدید آمده در سایه نهضت حضرت مهدی(ع)، تجربه حکومتی آن حضرت را به صورت تجربه ای بی بدیل و عامل موفقیت مطرح می کند و می فرماید: «... دَوْلَتْنَا آخِرُ الدَّوَلِ وَلَمْ يَبْقِ أَهْلٌ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لئَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سَيْرَتَنَا إِذَا مَلِكْنَا سِرْنَا مِثْلَ سَيْرِهِ هُوَ لَاءِ؛» (۱) حکومت ما آخرین حکومتهاست. هیچ خانواده مدعی حکومتی نیست، مگر اینکه پیش از ما حکومت کرده اند تا موقع مشاهده رفتار حکومتی ما، نگویند: ما نیز اگر به حکومت می رسیدیم، مشابه این گروه، رفتار می کردیم.»

در متون مربوط به مهدویت و عصر ظهور، به صورت روشن درباره دستیابی به توسعه فرهنگی، علمی، اقتصادی، قضایی، امنیتی، سیاسی و آموزش و پرورش سخن گفته شده است تا بر ماهیت سیاسی _ اجتماعی این رخداد تاریخی بیشتر تأکید شود.

ص: ۵۲۳

۱- الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، علی یزدی حائری، بیروت، مؤسسه اعلمی، چاپ پنجم، ج ۲، ص ۲۸۲.

شهرت و آوازه بُعد سیاسی مهدویت، حتی پیش از تولد حضرت مهدی(ع)، به گونه ای جا افتاده و مطرح بود که حکومت وقت با وحشت و نگرانی به هر ترفندی دست می زد تا جلوی وقوع آن را بگیرد. بازداشت و تحت مراقبت قرار دادن حضرت نرجس، اقدام مکرر حاکمیت برای دست گیری حضرت مهدی(ع) در سنین نوجوانی و جوانی، (۱) بازداشت محمد بن حسن معروف به شمیله به دست معتضد عباسی به اتهام تلاش برای واداشتن مردم به بیعت با امام و به سیخ آهن کشیدن و زنده زنده سوزاندن او، (۲) همگی دلایل گویایی بر این ادعا است که خلافت فرعون گونه عباسی، از پیش در جریان انقلاب مهدی قرار داشتند و آن را خطری برای سلطه خود می دانستند و به قصد پیش گیری و دفع خطر، به هر کاری دست می زدند.

آشنایی مسلمانان با ماهیت سیاسی تفکر مهدویت در مسیر تاریخ، به صورت بسیار گسترده ای مطرح بود؛ حتی در جهان اهل سنت باور به اینکه مهدی و مهدویت عامل رهایی از استبداد است، طرفداران بسیاری داشت و برخی فرصت طلبان با استفاده از چنین زمینه ای در مقاطع مختلف، خود را مهدی موعود معرفی کردند تا بدین وسیله، بساط حاکمیت‌های موجود را برچینند.

ص: ۵۲۴

۱- . الامام المهدی من المهد الی الظهور، محمد کاظم قراوینی، ج ۱، ص ۲۳۲_۲۳۹.

۲- . مروج الذهب، مسعودی، بیروت، دار المعرفه، ج ۴، ص ۲۴۴.

برای نمونه، مهدی سنگال در سال ۱۸۲۸ م به نام مهدی منتظر بر ضد قدرت حاکم، انقلاب کرد.

مهدی صومال (محمد بن عبد الله) در سال ۱۸۹۹ م با چنین ادعایی قیام کرد و مدت بیست سال با نیروهای انگلیس، ایتالیا و حبشی ها مبارزه کرد. مهدی تهامه (یمن) در سال ۱۱۵۹ م خود را مهدی مورد بشارت پیامبر اسلام (ص) قلمداد کرد و به حاکمیت حمدانیها در یمن پایان داد. مهدی سودان در سال ۱۸۸۱ م بر ضد استبداد عثمانی قیام کرد و خود را مهدی و نجات دهنده مردم سودان از فشار و ستم خلافت عثمانی خواند. وی در نبردی، حاکم سودان (رئوف باشای مصری) را شکست داد و حملات پی در پی لشکر مصر را نیز دفع کرد و سرانجام دولت مستقل سودان را تشکیل داد. (۱)

ولایت اهل بیت (ع) به طور کلی رنگ و بوی سیاسی دارد و به معنای سرپرستی آمیخته به محبت، دلسوزی و هدایت است و درباره حضرت مهدی (ع) این سرپرستی با هویت سیاسی شفاف تر و متکی بر اسلام ناب و تعالیم قرآن، در جوامع حدیثی به ثبت رسیده است.

ص: ۵۲۵

۱- . حیاة الامام محمد المهدی، باقر شریف القرشی، المطبعة امیر، چاپ اول، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۴۴.

پیامبر(ص) جمله «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ حَيُّورًا وَظُلْمًا» را نخستین بار، به عنوان دستاورد نهضت حضرت مهدی(ع) به مسلمانان گوشزد کرد. پس از آن حضرت نیز یازده امام معصوم هر کدام برای مخاطبان زمان خود یادآوری می کردند که حضرت مهدی(ع)، زمین را از عدل و داد پر می کند؛ پس از آنکه ستم سراسر آن را گرفته باشد. (۱) این کار از این رو بود که چشم انداز آینده به صورت نورانی و امیدوارکننده در افق دید مسلمانان قرار گیرد و همه به فراگیر شدن عدالت بیندیشند.

روایت نبوی «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ» (۲) که در کتب حدیثی شیعه و سنی ثبت شده است، یادآور این است که هر مسلمانی باید چشم به راه باشد و ظهور حضرت مهدی(ع) را یگانه راه رهایی همیشگی از اسارت تمام غصه ها و گرفتاریها بشناسد و این چشم به راه زیستن را عبادت و مایه کسب رضایت خدا بداند. مطالعه متن روایت، این آرزو را در ضمیر انسان پدید می آورد که از منتظران حضرت حجت(ع) باشد و از این طریق، ثواب با فضیلت ترین عبادت را به دست آورد.

تحقق این آرزو و آرمان، به شناخت دقیق معنا و مفهوم انتظار بستگی دارد و در گرو این است که انسان بداند با چه نوع گرایش و تصمیمی باید زندگی کند.

ص: ۵۲۶

۱- الامام المهدی من المهد الی الظهور، ج ۱، ص ۹۵ - ۱۰۷.

۲- فرائد السمطين، ینایع الموده، الجامع الصغیر و سنن ترمذی، از کتب روایی اهل سنت، براساس تحقیق آیت الله صافی گلپایگانی، این روایت را نقل کرده اند. ر.ک: منتخب الأثر، لطف الله صافی، ج ۳، ص ۲۱۴.

تردیدی در این نیست که آرزوی فرج و گشایش عمومی، یک آرزوی تقریباً عمومی و همگانی است. هر انسانی آگاهانه یا ناخودآگاه آرزو دارد که در جامعه بشری درد و رنج وجود نداشته باشد یا اینکه هر انسانی دست کم در هوای یک زندگی شخصی توأم با آرامش و امنیت به سر می برد.

در هر دو صورت، اگر آرزومند، مسلمان است، این خواسته را در قالب دعا در پیشگاه خداوند مطرح می کند تا خداوند آن را به صورت مستقیم با مشیت نافذ خود برآورده سازد یا با تعجیل در ظهور صاحب الامر(ع) که برای عینیت بخشیدن به این آرمان بشری ذخیره شده است، این خواست همگانی را تحقق بخشد. آیا معنای انتظار همین است یا اینکه نارضایتی از وضعیت سیاسی _ اجتماعی و تمایل به اینکه کاش ستمگران، پرتوان تر به صحنه قدم گذارند تا ستمگری را به حد نصاب لازم برسانند و ظهور حضرت مهدی(ع) تحقق یابد و یا اتخاذ این تصمیم که باید توانمندتر شد و رویارویی با بیدادگری را توسعه داد تا شرایط لازم برای ظهور فراهم آید نیز جزو معنا و مفهوم انتظار است؟ آیا متون دینی به طور عام و متون مربوط به ظهور مهدی(ع) به طور خاص، در این باره دلالت و راهنمایی دارند یا نه؟

به هر حال، این مقاله، پرسشهای فوق را جدی می داند و یافتن پاسخ واقع بینانه و دقیق برای آنها را وظیفه قطعی و اجتناب ناپذیر طرفداران تفکر مهدویت می شناسد و بر این باور است که خرد انسانی و متون دینی در این باره سخن دارد و باید این سخنان را استخراج کرد و در معرض مطالعه دلباختگان مهدویت قرار داد.

فصل ششم: عصر انتظار

حضور فعال در عصر انتظار

واحد‌های اجتماعی همسو در عصر حضور

جمله «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسِيًّا وَعَيْدَلًا» تصور کلی و ترسیم فراگیر از روابط اجتماعی عصر حضور است و می‌خواهد چشم انداز وضعیت اعتقادی، فکری، اخلاقی و رفتاری مخصوص آن زمان را بنمایاند.

می‌توانیم این بیان کلی را در سه حوزه: اصحاب، انصار و جامعه تحت مدیریت امام زمان(ع) در پرتو آیات و روایات بررسی کنیم تا منتظر، در گرفتن تصمیم مشکل نداشته باشد و آگاهانه عضویت جمع اصحاب، انصار یا جامعه تحت اداره امام عصر(ع) را بپذیرد.

در جامعه عصر حضور، ستم وجود ندارد و روابط متقابل در آن بر اساس عدالت استوار است. جمله «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسِيًّا وَعَيْدَلًا» به صورت بسیار روشن، عمق پرهیز از همدیگر آزاری را بیان می‌کند. در آن زمان، کسی درباره جان، مال، ناموس، حیثیت و آبروی خود احساس ناامنی نمی‌کند.

امام علی(ع) در روایتی می فرماید:

«وَلَعَذَابُ الشَّحْنَاءِ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَاصِيَّةٌ طَلَحَتِ السَّبَاعُ وَالْبَهَائِمُ حَتَّى تَمَشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَعَلَى رَأْسِهَا زَيْتُهَا وَلَا يَهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُهُ» (۱) عداوت و کینه از دلهای بندگان [خدا] برچیده می شود و بین چارپایان و درندگان صلح و آشتی برقرار می شود؛ تا جایی که یک زن بین عراق تا شام سفر می کند، در حالی که قدم جز بر گیاهان نمی گذارد و جواهراتش را همراه دارد و هیچ درنده ای او را هیجانی نمی سازد و نمی ترساند.»

روایت مذکور در پی بیان این مطلب است که در زمان ظهور حضرت حجّت، نه تنها ترس انسان از انسان و آزار انسان به انسان از بین می رود؛ بلکه درندگان نیز از درنده خوئی دست می کشند و به طور کلی، بساط ظلم از صحنه حیات اجتماعی برچیده می شود.

ص: ۵۲۹

۱- . بحار الأنوار، چاپ دوم، مؤسسه الوفاء، مجلسی، محمدباقر، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

رفاه و بی نیازی در جامعه تحت امر امام زمان(ع)، همگانی می شود و استثمار و شکاف طبقاتی از بین می رود و افزون طلبی، حرص و منفعت پرستی جای خود را به احسان و مدد رسانی می دهد.

امام باقر(ع) در روایتی می فرماید:

«فَإِذَا تَطَهَّرَ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَتُبِدِيَ بَرَكَاتُهَا وَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِمَا لَصَدَقَتِهِ وَلَا لِبِرِّهِ لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ؛ (۱) آن روز زمین، ذخایر و برکاتش را آشکار می کند و مردی از شما کسی را نمی یابد تا به او صدقه دهد و احسان کند؛ چون تمام مؤمنان بی نیاز می شوند.»

عدل و غنای فراگیر به صورت خودجوش و با اراده و تصمیم انسانها به وجود می آید و کسی که می خواهد عضو چنین جامعه ای باشد بایستی عدالت پیشه و نیکوکار باشد و همچون سایر اعضا بیندیشد و عمل کند.

ص: ۵۳۰

۱- الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۸۲.

انصار در تفکر مهدویت به کسانی گفته می شود که به ندای امام، پاسخ مثبت می دهند و به یاری و دفاع از ایشان می پردازند (۱) و با تمام امکانات در خدمت نهضت قرار دارند و از توانایی خاصی برخوردارند.

کسی که می خواهد در جمع انصار قرار گیرد، شایسته است به خواندن دعای عهد رو بیاورد تا از پیش با مسئولیتهای خطیر خود آشنا شود. در متن دعا آمده است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُؤْتَمِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛ (۲) خدایا! مرا از یاران او، از کمک کاران او، از دفاع کنندگان او، از شتابندگان به سوی او در برآورده کردن حوایج او، از فرمانبران او امر او، از حمایت کنندگان از او، از پیشروان در انجام اراده او و از شهیدان در رکابش قرار بده.»

انصار از ثبات و پایداری ویژه ای برخوردارند و با توانمندی مخصوصی در میدان مبارزه قدم می گذارند. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا؛ (۳) دلهای آنان را آهنین قرار داده است. توان یک تن از آنان با توان و نیروی چهل نفر برابری می کند.»

ص: ۵۳۱

۱- . الامام المهدی من المهدی الی الظهور، ج ۱، ص ۴۷۹.

۲- . مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۳- . بحار الأنوار، همان، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

از نظر قرآن، افزایش توان مقاومت، با میزان شناخت و معرفت و ایمان انسان پیوند تنگاتنگی دارد.

در این باره قرآن دو سطح متفاوت درک و شناخت و ایمان مسلمانان صدر اسلام را گزارش می کند که در یکی، هر مؤمن بر ده نفر نامسلمان، پیروز می شود؛ به این دلیل که نامسلمانان، تفقه و درک مناسبی از زندگی و فرجام آن ندارند؛ ولی مسلمانان از شناخت عمیق تری برخوردارند. حال، چنانچه مسلمانان به ضعف شناخت و ایمان گرفتار شوند، توان مقاومتشان کاهش می یابد تا آنجا که یک مسلمان، فقط بر دو مسلمان چیره می شود:

(إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ * أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ بِمَا عَمِلُوا قَدِيرٌ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا عَمِلُوا خَبِيرًا) (۱) «اگر از شما بیست تن باشند و در جنگ پایداری کنند، بر دویست تن غلبه خواهند یافت و اگر صد تن باشند، بر هزار تن از کافران پیروز می شوند؛ زیرا آنان مردمی عاری از فهمند. اکنون خدا به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعفی است؛ بنابراین اگر از شما صد تن باشند و در جنگ پای فشرند، بر دویست تن پیروز می شوند. و اگر از شما هزار تن باشند، به یاری خدا بر دو هزار تن پیروز می شوند.»

اصحاب امام(ع) نیز که تعدادشان ۳۱۳ نفر است، در شیعه بودن، شجاعت و قدرت اراده مثل انصار امام هستند. امام صادق(ع) می فرماید: «فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَإِنَّ قَلْبَهُ لِأَشَدُّ مِنْ زُبُرِ الْحَدِيدِ؛» (۲) همانا مردی از آنان توان چهل نفر را دارد و قلب او از پاره های آهن سخت تر است.»

ص: ۵۳۲

۱- انفال / ۶۵ و ۶۶.

۲- اثبات الهداه، حرّ عاملی، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ج ۶، ص ۴۰۵.

اصحاب در کنار این مشترکات، مزایایی دارند که به موقعیت اجتماعی خدادادی آنان در عصر حضور، نفوذ اراده و سیره زندگی و پرستش آنان مربوط می شود. به تعبیر دیگر، آنان به برکت زندگی و بندگی ویژه، به نوعی قدرت فکری و مدیریتی رسیده اند که به عنوان فرمانروایان منصوب از طرف امام، جوامع بشری آن روز را براساس عدل و داد اداره می کنند. واداشتن انسانها به اطاعت و رعایت عدالت، بیشتر معلول شخصیت و نفوذ معنوی آنها است و نه ابزار اعمال قدرت و حکومت. این مسئله، یکی از ویژگیهای حکومت حق در عصر حضور است.

به هر حال، نقش اجتماعی، انقلابی و سیاسی، و نیز شخصیت الهی، سیره و رفتار فردی و اجتماعی و حتی احوال شخصی اصحاب امام(ع)، به صورت مشروح در روایات باب مهدویت بیان شده است؛ چنان که امام جعفر صادق(ع) فرموده است: «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ (ع) عَلَى مِثْبَرِ الْكُوفَةِ وَحَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُ مَائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشْرَ رَجُلًا عَدَّهُ أَصْحَابُ بَدْرٍ وَهُمْ أَصْحَابُ الْوِلَايَةِ وَهُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ؛ (۱)» گویا قائم(ع) را می بینم که بر منبر کوفه است و سیصد و سیزده نفر اصحابش، به تعداد اهل بدر، اطرافش را گرفته اند و آنان، اصحاب ولایت و حکمرانان خدا در زمین بر خلق اویند.»

و یا امام باقر(ع) در این باره می فرماید: «كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ (ع) وَقَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ حَتَّى سَبَّاعِ الْأَرْضِ وَ سَبَّاعِ الطَّيْرِ يَطْلُبُ رِضَاهُمْ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى تَفْخَرُ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ وَتَقُولُ: مَرَّ بِي الْيَوْمَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ؛ (۲)» گویا اصحاب قائم(ع) را می بینم که میان مشرق و مغرب را گرفته اند و هیچ چیز نیست، مگر اینکه فرمانبردار آنهاست، حتی درندگان زمین و هوا و هر چیز در مقام تحصیل رضایت آنان است تا جایی که زمینی بر زمین دیگر افتخار کند و گوید: امروز یکی از اصحاب قائم بر من عبور کرد.»

ص: ۵۳۳

۱- اثبات الهداه، حرّ عاملی، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ج ۶، ص ۴۴۹.

۲- اثبات الهداه، حرّ عاملی، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ج ۶، ص ۴۵۰.

امام علی (ع) نیز پس از بیان تعداد اصحاب امام و شجاعت و صلابت آنان می فرماید: «فَهُمُ الَّذِينَ وَحَدُوا اللَّهَ حَقَّ تَوْحِيدِهِ لَهُمْ بِاللَّيْلِ أَصْوَاتٌ كَأَصْوَاتِ الثَّوَاكِلِ خَوْفًا وَخَشْيَةً مِنَ اللَّهِ تَعَالَى قَوَامُ اللَّيْلِ، صَوَامُ النَّهَارِ، كَأَنَّمَا رَبَّاهُمْ أَبٌ وَاحِدٌ وَأُمٌّ وَاحِدَةٌ قُلُوبُهُمْ مُجْتَمَعَةٌ بِالْمَحَبَّةِ وَالنَّصِيحَةِ؛» (۱) آنان به یکتایی خداوند _ به گونه ای که شایسته اوست _ عقیده دارند. آنان در شبانگاه چون زنان عزیز از دست داده، از خوف و ترس خدا ضجه و ناله می کنند و شبها بیدار و روزها روزه دارند؛ چونان اند که گویا آنها را یک پدر و مادر تربیت کرده و محبت و خیرخواهی، قلبهایشان را به هم گره زده است.»

آرزوی عضویت در گروههای فعال عصر حضور فرهنگ مهدویت، منتظران را به خروج از بی تفاوتی تشویق می کند. در دعاهای مختلف با تعبیرهای گوناگون، به اهل ایمان تذکر داده می شود که از خدا بخواهند توفیق حضور فعال در واحدهای اجتماعی هدفدار عصر حضور را به آنان عنایت کند. این ادعیه به دعاکننده کمک می کند تا در قبال رخداد ظهور حجت، گرفتار موضعگیری اشتباه نشده، با آرامش خاطر در پی کسب موفقیت در جامعه آن روز باشد؛ برای مثال چند مورد را ذکر می کنیم:

ص: ۵۳۴

۱. «وَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يُوقِنِي لِلطَّلَبِ بِشَارِكُمْ مَعَ الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ؛» (۱) از خدا می خواهم که توفیق دهد تا همراه امام منتظر از دشمنان شما انتقام بگیرم.»

۲. «وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَاتَّبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ؛» (۲) خدایا! مرا از یاوران، پشتیبانان، پیروان و شیعیانش قرار بده.»

۳. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛» (۳) پروردگارا! مرا از یاوران، یاران، مدافعان، مشتاقان، در برآوردن حوایج او و حمایت کنندگان از او و سبقت گیرندگان به تحقق خواسته های او و شهدای راه حضرتش قرار بده.»

۴. «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ تُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا فِيهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛» (۴) پروردگارا! ما اشتیاق داریم که در سایه حکومتی کریمانه بندگی تو را پیشه کنیم. حکومتی که به کمک آن، اسلام و مسلمانان را عزت می بخشی و نفاق و منافقان را به ذلت و خواری می کشانی. ما را در آن حکومت از دعوت کنندگان به اطاعتت و از رهبران راهت قرار بده و در سایه آن، کرامت دنیا و آخرت را روزی ما فرما.»

ص: ۵۳۵

۱- . مفاتیح الجنان، زیارت عاشورای غیر معروف.

۲- . مفاتیح الجنان ، زیارت دوم صاحب الامر.

۳- . مفاتیح الجنان ، دعای عهد.

۴- . مفاتیح الجنان ، دعای افتتاح.

در حقیقت، مضمون دعاهایی که ذکر شد، بیان خواست و آرزوی کسانی است که در حال انتظار به سر می‌برند؛ به عبارت دیگر، مؤمنان، وقتی ظهور زود هنگام امام زمان(ع) را از پیشگاه خدا می‌طلبند، هدفشان این نیست که به زندگی مرفه و بدون تشویش و نگرانی دست یابند و شاهد پیشرفتهای علمی و صنعتی باشند؛ بلکه دنبال ایفای نقش خود هستند؛ آن هم نقش رهبری، سربازی، جهاد، دعوت به سوی خداوند و اطاعت دستورهای او.

ص: ۵۳۶

شرایط عضویت در گروه یاران مهدی(ع)

فصل ششم: عصر انتظار

حضور فعال در عصر انتظار

شرایط عضویت در گروه یاران مهدی(ع)

همان گونه که در قسمت قبل گفته شد، رعایت عدالت و نیکی به دیگران فرهنگ رایج جامعه عصر حضور را تشکیل می دهد و این فرهنگ، پیش از تشکیل حکومت بین اصحاب، انصار و پیروان امام(ع) رواج دارد. امام(ع) همراه چنین پیروانی، جامعه بشری را به بندگی خداوند، رعایت عدالت، احسان و نیکی به همدیگر فرا می خوانند. بنابراین، بندگی خدا، رعایت عدالت، اخلاق و نیز خیرخواهی، ابتدایی ترین شرط پذیرش در گروههای فعال عصر حضور است.

شجاعت، قوت قلب، اراده آهنین و آمادگی هر فرد برای رویارویی با چهل نفر، از دیگر ویژگیهای شیعیان، یاران و اصحاب امام است و داوطلب عضویت در این گروهها ناگزیر از داشتن ویژگیهای یاد شده است. این ویژگیها ارتباط تنگاتنگی با قدرت علمی و معرفتی افراد نیز دارد.

ص: ۵۳۷

سومین شرط، توان رهبری و مدیریتی پیشرفته است که برای متقاضیان عضویت در گروه اصحاب، لازم است؛ همان گونه که محبت و خیرخواهی متقابل نیز از صفات لازم برای عضویت در جمع اصحاب امام قلمداد شده است.

توان رهبری در اندیشه دینی، به معنای مجموعه شایستگیهایی است که فرد یا افراد را ممتاز نشان می دهد، موقعیت اجتماعی آنان را بالا می برد و سبب افزایش جاذبه و نفوذ معنوی ایشان می شود. عمده ترین این شایستگیها عبارت است از: اوج تعبد، کمال عقیدتی، کمال اخلاقی، داشتن شناخت دینی، مهارت سیاسی و حس مردم دوستی.

وقتی این ویژگیها در بالاترین حد ممکن در افراد وجود داشته باشد، قدرت، آنان را به طغیان و استبداد وادار نمی کند و انجام مسئولیتها برایشان آسان می شود. بدین طریق، زندگی و رفتار آنها سرمشق و الگوی سایر افراد جامعه شناخته می شود و بدین وسیله، اصلاح جامعه به آسانی انجام می گیرد.

درباره پیامبر(ص) نیز نخست این مزایا با عنایت ویژه الهی به وجود آمد و آن گاه وظیفه رهبری جامعه به او سپرده شد؛ برای نمونه، درباره کمال اخلاقی پیامبر به عنوان یکی از محورهای شایستگی رهبری، در روایتی از امام صادق(ع) می خوانیم:

ص: ۵۳۸

«إِنَّ اللَّهَ أَدَّبَ نَبِيَّهُ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ «أَنْتَكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»، ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَالْأُمَّةِ لِيُسَوِّسَ عِبَادَةَ فَقَالَ: «مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا؛» (۱) خداوند، پیامبرش را تربیت کرد و ادب او را نیکو ساخت. وقتی او را به کمال ادب رساند، فرمود: تو به اخلاق شکوهمندی نایل آمده ای. آن گاه کار دین و امت را به او سپرد تا به سیاست [و تدبیر] امور بندگانش بپردازد. سپس فرمود: «آنچه رسول [خدا] برای شما آورد، بپذیرید و از آنچه نهی کرده، خودداری کنید.»

به هر حال، هر کدام از گروههای اصحاب، انصار، اعوان و شیعیان امام(ع) ویژگیها و شرایطی دارند. افراد داوطلب عضویت در هر کدام از این گروهها باید از آن شرایط برخوردار باشند. سؤال قابل طرح این است که آیا افراد در عصر حضور به صورت معجزه آسا از این ویژگیها برخوردار می شوند یا اینکه به صورت طبیعی با اراده و تلاش خود، آن خصایص را در شخصیت خویش فراهم می آورند؟ ممکن است فردی، احتمال اعجاز را مطرح کند و روایت امام باقر(ع) را دلیل ادعای خود بداند؛ آنجا که آن بزرگوار فرموده است: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ؛» (۲) در زمان قیام قائم ما، خداوند دستش را روی سر بندگان می گذارد و به کمک آن، عقول آنان را جمع می کند و به کمال می رساند.»

ص: ۵۳۹

-
- ۱- اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ج ۱، ص ۲۶۶. تذکر: مبلغان محترم توجه فرمایید در مواردی که آیه یا روایتی در این کتاب به صورت تحت اللفظی ترجمه شده است هنگام بازگویی آن ترجمه در سخنرانی و منبر، معنای سلیس و روانش را بیان دارند. مانند: «إِنَّ اللَّهَ أَدَّبَ نَبِيَّهُ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ...؛ خداوند پیامبرش را به نیکوترین وجه تربیت و تأدیب کرد....»
- ۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

روایت مزبور، هر معنا و تفسیری که داشته باشد، نمی تواند دلیل قانع کننده ای برای ادعای فوق تلقی شود.

کسی که کمترین آگاهی دینی دارد، می فهمد که طرح چنین احتمالی با تعالیم دین سازگاری ندارد. دین برای این است که متدینان را در مسیر کسب علم، اخلاق و رفتار شایسته هدایت کند. دل بستن به معجزه برای ساختن شخصیت اسلامی مناسب برای عضویت در گروههای طرفدار نهضت حضرت مهدی(ع)، به معنای نادیده گرفتن دین و رها شدن در مسیر بی بند و باری است.

سیره منتظران و تمام متون باب انتظار با تأکید، این مطلب را بازگو می کند که انتظار از نوع رفتار هدفمندانه است و نه آرزو و توقع محافظه کارانه و سازش گرایانه؛ زیرا بیزاری سازش کارانه از نظر اسلام، گناهی غیر قابل بخشش است. دین هیچ گاه به مسلمانان اجازه نمی دهد که به بهانه ناتوانی و خواست قدرت حاکم، راه و روش زندگی غیرارزشی را فراروی خود قرار دهند؛ بلکه اگر اختناق، فرصت سالم زیستن را از آنان گرفت، باید راه هجرت را پیش گیرند، هر چند بیچارگان، معذور شناخته شده اند.

قرآن می گوید: (إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا، إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسِيءُ تَطْيَعُونَ حِيلَهُ وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا، فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا) (۱)؛ «کسانی که فرشتگان جانشان را می ستانند، در حالی که بر خویشان ستم کرده بودند، از آنها می پرسند: در چه کاری بودید؟ گویند: ما در روی زمین مستضعف بودیم. فرشتگان گویند: آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟ مکان اینها جهنم است و سرانجامشان بد، مگر مردان و زنان و کودکان مستضعفی که هیچ چاره ای نیابند و به هیچ جا راه نبرند. باشد که خدا عفویشان کند. و خداوند عفو کننده و بخشنده است.»

ص: ۵۴۰

عمار سباطی وقتی فضیلت انتظار را شنید، با شگفت زدگی پرسید: «ما که در حال انتظار به سر می بریم و کسانی که در کنار امام زندگی می کنند، پیرو یک دین هستیم. پس چرا اعمال ما فضیلت بیشتری دارد؟» امام فرمود: «أَنْتُمْ سَبَقْتُمْوَهُمْ إِلَى الدُّخُولِ فِي دِينِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْيُكُلِ فَتَهْ وَخَيْرٌ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ الْمُسْتَبِرِّ مُطِيعُونَ لَهُ صَابِرُونَ مَعَهُ، مُنْتَظِرُونَ لِدَوْلِهِ الْحَقِّ خَائِفُونَ عَلَى إِمَامِكُمْ وَعَلَى أَنْفُسِكُمْ مِنَ الْمُلُوكِ؛» (۱) شما پیش از آنها دین را پذیرفتید و به نماز، روزه، حج و کسب هر نوع آگاهی و انجام هر کار خیر و عبادت پنهانی خدا سبقت جستید، در حالی که مطیع او و صبر کننده با او و در انتظار برپایی حکومت حق هستید و برای امامتان و خودتان از [ستم] پادشاهان می ترسید.»

سیره منتظران باید به گونه ای باشد که به مقبولیت آنان در جبهه تحت رهبری امام و سهولت تشکیل دولت حق بینجامد.

ص: ۵۴۱

امام صادق(ع) در روایتی می فرماید: «مَنْ سَيَّرَهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْظِرْ وَلْيَعْمَلِ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعِيدَهُ، كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَانْتَظِرُوا؛»(۱) کسی که خوشحال می شود که از اصحاب قائم باشد، پس باید انتظار بکشد و در حال انتظار به کسب تقوا و اخلاق نیکو پردازد. پس اگر اجل، دامنگیرش شد و قائم، پس از وی قیام کرد، پاداش او همانند پاداش کسی است که آن حضرت را درک می کند. پس بکوشید و انتظار بکشید.»

این حدیث نشان می دهد که بر خلاف نظر برخی راحت طلبان، در دوران انتظار نمی توان دست روی دست گذاشت و امیدوار بود که امام زمان بیاید و امور را اصلاح کند.

ص: ۵۴۲

زندگی با دستوره‌های دینی در دوران غیبت واقعا دشوار و طاقت فرساست. البته اگر وظایف دینی متوجه منتظران باشد که هست، پیامد پرداختن بدانها واقعا پرهزینه است.

یمان تمار از جعفر بن محمد (ع) نقل کرده است که حضرت فرمود: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَهُ الْمُتَمَسِّكُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِشَوْكِ الْقِتَادِ بِيَدِهِ، ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ هَكَذَا، قَالَ: فَأَيُّكُمْ تُمْسِكُ شَوْكَ الْقِتَادِ بِيَدِهِ، ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَهُ فَلَيْتِي اللَّهُ عَبْدٌ عِنْدَ غَيْبَتِهِ وَلَيْتَمَسَّكُ بِدِينِهِ؛ (۱)» همانا برای صاحب این امر، غیبتی است. کسی که در عصر غیبت به دینش پایبند بماند، مانند کسی است که دست خود را از بالای شاخه درخت قتاد (درخت بزرگی که خارهایش مثل سوزن است)، به طرف پایین آن می کشد تا خارهایش بریزد. سپس با دستش اشاره کرد و فرمود: این گونه (یعنی شکل کشیدن دست را بر درخت، با کشیدن دستش بر دست دیگر ترسیم کرد) و فرمود: کدام یک از شما شاخه [خاردار] درخت قتاد را با دست خود می گیرد؟ سپس مدت طولانی خاموش شد؛ آن گاه فرمود: برای صاحب این امر، غیبتی است. پس بنده باید در زمان غیبت تقوای الهی را پیشه خود سازد و به دینش تمسک جوید.»

بر اساس روایت معاویه بن وهب از امام صادق (ع)، رسول خدا (ص) فرمود: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَتَوَلَّى وَلِيَّهُ وَيَنْبِرُ مِنْ عِدُوِّهِ وَيَتَوَلَّى الْأَئِمَّةَ الْهَادِيَةَ مِنْ قَبْلِهِ أَوْلِيَّكَ رُفَقَائِي وَذُؤُؤُ وَدُدَى وَمَوَدَّتِي وَأَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ؛ (۲)» خوشا به حال کسی که قائم اهل بیتم را درک کند، در حالی که پیش از ظهورش پیرو او بوده، دوستانش را دوست و از دشمنانش بیزاری می جسته و امامان پیش از او را سرپرستان خود می شناخته است. آنان رفقا، دوستداران و بزرگوارترین امتم برای من هستند.»

ص: ۵۴۳

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹.

براساس این روایت، یکی از بارزترین شاخصهای منتظر، تولا- و تبرای عملی است که ممکن است تلخ ترین نتایج از قبیل شکنجه، زندانی، تبعید شدن و... را برای او داشته باشد.

یکی از آیاتی که طبق روایت امام سجاد، امام باقر و امام صادق(ع) (۱) وضعیت شیعیان منتظر را پیش از ظهور بیان می کند و وضعیت و شرایط پس از ظهور را توضیح می دهد، آیه ۵۵ سوره نور است: (وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا)؛ خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داد که در روی زمین جانشین دیگرانشان کند؛ همچنان که مردمی را که پیش از آنان بودند، جانشین [دیگران] کرد. و دینشان را که خود برایشان پسندیده است، برایشان استوار سازد و وحشتشان را به ایمنی بدل کند. مرا می پرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی کنند.»

آیه دیگری که بر اساس روایتی از امام باقر(ع) (۲) به امام زمان و اصحابش اشاره دارد، آیه ۱۰۵ سوره انبیا است که با تعبیر «عِبَادِي الصَّالِحُونَ»، خودسازی را تا حد دستیابی به مقام صالحان برای آنها اثبات می کند: (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)؛ (۳) «ما در زبور پس از ذکر نوشته ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد.»

ص: ۵۴۴

۱- . تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه ۵۵ سوره نور.

۲- . تفسیر مجمع البیان ، ذیل آیه ۱۰۵ سوره انبیاء.

۳- . انبیاء / ۱۰۵.

براساس این آیه، ایمان و رفتار صالح و پرورش شخصیت شایسته، به عنوان پیش زمینه های دستیابی به وراثت و خلافت زمین، یکی از ویژگیهای رفتاری منتظران راستین است. بی تردید، این نوع خودسازی بدون تبری سیاسی و موضع گیری در قبال حکومتهای باطل _ که فشارها، محتتها، رنجها و گرفتاریهای ناشی از آن بر کسی پوشیده نیست _ عملی نخواهد بود.

بنابراین، منتظران واقعی کسانی هستند که با عبور از مسیر بندگی و کسب صفای باطن، غیب را به تماشا می نشینند و با احساس حضور در محضر غایب منتظر، زندگی را تجربه می کنند. در نتیجه، وقتی تمام معتقدان به مهدویت، با آرزوی مشارکت در نهضت جهانی حضرت مهدی(ع) و تشکیل دولت حق، سیره نیل به قلّه عرفان را پیشه خود قرار می دهند؛ انتظار، قدرت سازندگی خود را باز می یابد و حضور در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی و... با معنویت همگانی آمیخته می شود.

ص: ۵۴۵

فصل ششم: عصر انتظار

وظایف منتظران در عصر انتظار

مقدمه

از جمله مسائلی که همواره شیعیان و پیروان اهل بیت (ع) در دوران غیبت کبری، خواهان فهم آن هستند، شناخت وظایفی است که در این دوران به عهده آنان گذاشته شده است. در این مقاله تلاش خواهیم کرد وظایف منتظران را هر چند به صورت مختصر بیان کنیم.

ص: ۵۴۶

از حضرت امام صادق (ع) نقل شده است که روزی امام حسین (ع) بر اصحاب خود وارد شد و پس از حمد خدا و درود بر پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ وَاللَّهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادِهِ مَنْ سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا أَبِى أَنْتَ وَ أُمِّى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِى يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛ (۱) ای مردم! خداوند بندگان را نیافرید، مگر برای اینکه او را بشناسند، زمانی که او را شناختند، او را پرستش کنند و هنگامی که او را پرستش کردند، با عبادت و پرستش او از بندگی غیر او بی نیاز شوند. مردی عرض کرد: ای پسر پیامبر! پدر و مادرم فدای شما باد! معرفت خداوند چیست؟ فرمود: شناخت اهل هر زمانی به امامشان؛ امامی که طاعت او بر آنان واجب است.»

همچنین پیامبر اکرم (ص) فرمود: «مَنْ مَيَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَيَاتَ جَاهِلِيَّةٍ؛ (۲) هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.»

ص: ۵۴۷

۱- بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۹۳ و کنز الفوائد، کراچکی، ص ۱۵۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۶۸ و ج ۳۲، ص ۳۲۱ و ينابيع الموده، ج ۳، ص ۳۷۲.

توجه به مضامین دعا‌هایی که خواندن آنها در عصر غیبت توصیه شده است نیز ما را به اهمیت مسئله شناخت حضرت ولی عصر(ع) راهنمایی می‌کند. در یکی از دعا‌های معروف و معتبری که شیخ صدوق آن را در کتاب اکمال الدین نقل کرده است، می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛ (۱)»

بارالها! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی، پیغمبرت را نخواهم شناخت. بارالها! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من نشناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت. بارالها! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجت خود را به من نشناسانی از دینم گمراه می‌شوم.»

ص: ۵۴۸

فصل ششم: عصر انتظار

وظایف منتظران در عصر انتظار

تمسک به ریسمان ولایت اهل بیت (ع)

ولایت اهل بیت (ع) دو گونه است: ۱. ولایت تکوینی؛ ۲. ولایت تشریحی.

ولایت تکوینی بدین معناست که حضرات معصومان (ع) به اذن و اراده الهی، می توانند در مقام تکوین و عینیات خارجی، دخل و تصرف کنند؛ مانند: معجزات انبیاء و کرامات اولیا (ع).

ولایت تشریحی به معنای ولایت و سرپرستی جامعه و مؤمنان است. امامان معصوم (ع) هر کدام در زمان خود، ولی و سرپرست جامعه هستند و مردم را هدایت تشریحی می کنند؛ از جمله وظایف مهم منتظران در زمان غیبت، چنگ زدن به ریسمان ولایت اهل بیت (ع) است.

امام صادق (ع) در این باره فرمود:

ص: ۵۴۹

«طُوبَى لِمَنْ يَلْتَمِسُنَا فِي غَيْبِنَا» (۱) خوشا به حال شیعیان ما! آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان [ولایت] ما تمسک می جویند.»

همچنین امام سجاد(ع) فرموده است: «مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ وَلَايَتَنَا فِي غَيْبِنَا فَأَمِنَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَأُحُدٍ» (۲) هر کس در غیبت قائم ما بر دوستی [و عقیده به امامت ما] ثابت قدم باشد، خدای متعال اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد به او عطا می کند.»

و نیز حضرت صادق(ع) فرمود: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ؛ زَمَانِي بِرِ مَرْدَمٍ فَرَارِسِدْ كِه پيشوايشان از آنان غايب شود.» زراره پرسيد: «در آن زمان مردم چه كنند؟» امام(ع) فرمود:

«يَتَمَسَّكُونَ بِالْأَمْرِ الَّذِي هُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ» (۳) به همان امر [ولایتی] که بر آن هستند چنگ زنند تا برایشان آشکار شود.»

ص: ۵۵۰

۱- . اکمال الدین ، ج ۲ ، باب ۳۴ ، ح ۵ .

۲- . اکمال الدین ، ج ۱ ، ص ۴۳۹ .

۳- . اکمال الدین ، ج ۲ ، باب ۳۳ ، ح ۴۴ .

انتظار فرج

یکی از وظایف مهم مردم در عصر غیبت، انتظار فرج است. رسول خدا(ص) فرمود: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ (۱)» با فضیلت ترین اعمال امت من، انتظار فرج است.»

امام صادق(ع) فرمود: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعِبَادُ مِنَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّهَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَ لَمْ يَظْهَرُوا لَهُمْ وَ لَمْ يَعْلَمُوا مَكَانَهُ وَ هُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجَّهَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ لَا مِيثَاقَهُ فَعِنْدَهَا فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً» (۲)؛ زمانی بندگان به خدای بزرگ نزدیک ترند و خدا از ایشان راضی تر است که حجت خدای متعال از میان آنان ناپدید شود و ظاهر نشود و آنان جایش را [هم] ندانند. با این همه بدانند که حجت و میثاق خدا باطل نشده است. در آن زمان، هر صبح و شام چشم انتظار فرج باشید.»

آنچه در روایات مربوط به انتظار فرج حضرت ولی عصر(ع) بسیار به آن پرداخته شده است، مسئله صبر در این انتظار و پاداش صابران در این دوران است. در ذیل به چند نمونه از این روایات اشاره می شود:

ص: ۵۵۱

۱- مجمع البحرین، ص ۲۹۷.

۲- کافی، ج ۲، باب نادر فی الغیبه، ص ۱۲۷.

الف) امام صادق(ع) به نقل از پیامبر اکرم(ص) فرمود: «سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بِيَدٍ وَأُحِيدٍ وَحَيْنٍ وَ نَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا [تَحْمَلُونَ] لِمَا حُمِّلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبَرَهُمْ؛ (۱)» پس از شما کسانی بیایند که یک نفر از ایشان پاداش پنجاه نفر از شما را داشته باشد [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا(ص)! ما در جنگ بدر و احد و حنین با تو بودیم و درباره ما آیه نازل شده است؟ پیامبر(ص) فرمود: اگر آنچه [از حوادث ایام] به ایشان می رسد، به شما رسد، صبر آنان را ندارید.»

ب) پیامبر اکرم(ص) فرمود: «إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ عِبَادَهُ؛ (۲)» انتظار فرج با صبر، عبادت است.»

ص: ۵۵۲

۱- . کافی، ج ۸، ص ۳۷ و مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۹۰.

۲- . الدعوات، قطب الدین راوندی، مدرسه الامام المهدی، ص ۴۱.

ج: امام رضا(ع) فرمود: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرُ وَانْتِظَارُ الْفَرَجِ؛» (۱) چه نیکوست شکیبایی و انتظار فرج.»

د) امام حسین(ع) فرمود: «لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَثْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخِرُونَ فَيُودُونَ [فَيُؤَدُّونَ] وَ يُقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَمَا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؛» (۲) برای او [مهدی] غیبتی است که اقوامی در آن از دین خارج شوند و گروهی بر دین ثابت قدم بمانند و آزار و اذیت می کشند و به آنها گفته می شود: این وعده [ظهور] چه وقت عملی می شود، اگر راست می گوئید؟ بی تردید صبرکننده در زمان غیبت در برابر آزار و تکذیب [مخالفان]، به منزله جهاد کننده با شمشیر در رکاب رسول خدا(ص) است.»

ص: ۵۵۳

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹.

۲- اکمال الدین، ج ۱، ص ۴۳۷.

یکی از وظایف مهم منتظران دولت حق، پارسایی و آراستگی به اخلاق خوب و پسندیده است. امام صادق(ع) فرمود: «مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ (۱)» هر کس شادمان می شود از اینکه از یاران حضرت مهدی(ع) باشد، باید منتظر باشد و به پرهیزگاری و اخلاق نیکو رفتار کند و او منتظر [واقعی] است.»

همچنین امام صادق(ع) فرمود: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدًا وَ لِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ؛ (۲)»

به یقین برای صاحب این امر غیبتی است. پس بنده خدا باید تقوای الهی پیشه کند و به دینش چنگ زند.»

۱- الغیبه، ص ۲۰۰، باب ۱۱، ح ۱۶.

۲- کافی، ج ۲، باب فی الغیبه، ص ۱۳۲.

یکی از وظایف مهم مردم در دوران غیبت کبری، داشتن روحیه اصلاحگری در سطح جامعه است. هر فردی باید در برابر آحاد جامعه اسلامی احساس مسئولیت کند، در راه اصلاح و ساختن افراد بکوشد تا جامعه و افراد آن آماده پذیرش حکومت جهانی حضرت مهدی شوند.

اصلاح جامعه از راه امر به معروف و نهی از منکر تحقق می یابد و بر قوانین امر و نهی در متن دین اسلام بسیار تأکید شده است.

امام باقر(ع) در بیان وظایف شیعیان در دوران غیبت فرمود: «لِيَعِينَنَّ قَوِيُّكُمْ ضَعِيفُكُمْ وَ لِيُعْطِفَنَّ غَشِيكُمْ عَلَى فَقِيرِكُمْ وَ لِيَنْصَحَ الرَّجُلُ أَخَاهُ كَنْصَحِهِ لِنَفْسِهِ؛» (۱) توانمندان شما باید به ضعیفان کمک کنند و اغنیای شما باید به فقرایتان مهربانی کنند. هر کس باید برادر [دینی] اش را نصیحت کند، نصیحتی که به نفع برادرش باشد.»

خداوند متعال می فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (۲) «شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اند؛ [چه اینکه] امر به معروف و نهی از منکر می کنید و...»

ص: ۵۵۵

۱- . بشاره المصطفی لشيعه المرتضى، عماد الدين طبري الآملی الكنجی، ۱۱۳.

۲- . آل عمران/ ۱۱۰.

و امام جعفر صادق(ع) فرمود: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصُّلْحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ»(۱)؛ بی تردید امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا(ع) و طریقه صالحان است. [امر به معروف و نهی از منکر] وظیفه ای سترگ [و خطیر] است که به کمک آن سایر واجبات انجام می پذیرد و راهها امنیت می یابد و در آمدها حلال [و مشروع] می شود، مظالم باز گردانده می شود، زمین آباد می شود و از دشمنان انتقام گرفته می شود و امور سامان می یابد.»

آری، اگر همه مسلمانان خود را به اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی موظف بدانند، قدمهای اولیه برای نیل به جامعه ایده آل و مطلوب مهدوی برداشته می شود.

ص: ۵۵۶

۱- . الکافی، ج ۵، ص ۵۶؛ التهذیب، طوسی، ج ۶، ص ۱۸۰ و تحف العقول، ص ۲۲۷.

فصل ششم: عصر انتظار

وظایف منتظران در عصر انتظار

آمادگی نظامی برای ظهور امام زمان (ع)

به تصریح روایات، آماده کردن سلاح و کسب مهارت نظامی که مناسب با هر عصری باشد، برای شرکت در سپاه حضرت مهدی (ع) از وظایف منتظران است.

امام صادق (ع) فرمود: «لِيُعَدَّنَ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَيِّئاً فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيٍّ رَجَوْتُ لَأَنْ يُنْسَى فِي عُمُرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ وَ يَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ؛» (۱) هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم (ع) هر چند به اندازه یک تیر، مهیا کند. هر گاه خدای تعالی چنین نیتی از او ببیند، امیدوارم عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند (و در زمره یاران و همراهانش قرار گیرد).»

همچنین امام کاظم (ع) فرمود: «مَنْ ارْتَبَطَ دَابَّةً مُتَوَقِّعاً بِهِ أَمْرُنَا وَ يَغِيظُ بِهِ عَيْدُونَنَا وَ هُوَ مُنْسُوبٌ إِلَيْنَا أَدَّرَ اللَّهُ رِزْقَهُ وَ شَرَحَ صِدْرَهُ وَ بَلَّغَهُ أَمَلَهُ وَ كَمَانَ عَوْنًا عَلَيَّ حَوَائِجِهِ؛» (۲) هر کس مرکبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که خودش به ما منسوب باشد، خداوند روزی اش را فراخ سازد، به او شرح صدر عطا کند، او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته هایش او را یاری کند.»

ص: ۵۵۷

۱- الغیبه، باب ماجاء فی ذکر الشیعه، ص ۱۷۳ و بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

۲- الکافی، ج ۶، ص ۵۳۵، ح ۱.

از جمله وظایف مهم شیعیان و علاقه مندان آن حضرت، فراموش نکردن او، و همیشه به یاد و ذکر او بودن است.

امام علی (ع) فرمود: «مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا لِهَجِّ بَدْرِهِ؛ (۱) هر کس چیزی را دوست بدارد، همواره نام آن را بر زبان دارد.»

امام کاظم (ع) درباره غیبت امام زمان (ع) فرمود: «يَغِيبُ عَنِ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَ لَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ؛ (۲) خودش از دیدگان مردم پنهان می شود؛ ولی یاد او از دلهای مؤمنان مخفی نمی شود.»

دعای ندبه، زمزمه ای عاشقانه است که در آن هر صبح جمعه با معشوق خود ارتباط برقرار می کنیم و به یاد او سرشک از دیدگانمان جاری می شود. چه زیباست نغمه های عاشقان مهدی؛ آنجا که می گویند: «عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَ لَا تُرَى وَ لَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيْسًا وَ لَا نَجْوَى؛ بسیار بر من سخت است که خلق را ببینم و تو را نبینم و از تو صدایی نشنوم.»

ص: ۵۵۸

۱- . غررالحکم، ص ۶۵، ح ۸۵۹.

۲- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۸، باب ۳۴، ح ۶.

«هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأَطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَ الْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جُزُوعٍ فَأَسَاءَ دَجَزَعَهُ إِذَا خَلَا هَلْ قَصِيدَتْ عَيْنٌ فَسَاءَ دَتْهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى هَلْ إِلَيْكَ يَا ابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتَلْقَى هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمًا مِنْكَ بَعْدَهُ فَنَحْطِي؛ (۱)» آیا کسی هست که مرا یاری کند تا به همراهی او ناله و گریه را طولانی کنم؟ آیا ناله کننده و بی تابی هست که من با زاری، او را هنگام تنهایی اش یاری و همراهی کنم؟ آیا در چشمی خار رفته است که چشم من [در ناراحتی و اشک] با او همدردی کند؟ ای زاده احمد! آیا راهی به سوی تو هست که به ملاقات تو منتهی شود؟ آیا روز [جدایی] ما به فردای [وصال] می رسد که از آن حظ بریم؟»

ولی عصر(ع) نیز از یاد شیعیان خود غافل نیست و اگر ارتباط ما با امام زمان(ع) برقرار شود و در همه امور زندگی به یاد و ذکر آن حضرت باشیم، به یقین، مشمول عنایت و لطف ایشان می شویم؛ چنان که در نامه امام عصر(ع) به شیخ مفید (قدس سره) به این موضوع اشاره شده است.

ص: ۵۵۹

۱- . اقبال الأعمال، ص ۲۹۸ و بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۸، باب ۷، ح ۱.

آن حضرت می فرماید: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمَرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ ؛ (۱۱)» ما از رسیدگی به حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم.»

ص: ۵۶۰

۱- . احتجاج، ج ۲، ص ۵۹۸.

انسان، وقتی به کسی علاقه داشته باشد، یاد و خاطره محبوب، همیشه در فکر و ذهنش حضور دارد و این باعث می شود که زندگی اش رنگ و بوی معشوق بگیرد. اگر محبوب انسان، موجودی متعالی و ملکوتی باشد، این الگوپذیری زمینه رشد و تعالی او را فراهم می سازد؛ اما اگر محبوب و معشوق وی موجودی پست و فرومایه باشد، این الگوپذیری باعث سقوط و هلاکت وی خواهد شد. خداوند در قرآن کریم به سبب اهمیت محبت به اهل بیت (ع)، مزد رسالت پیامبر اکرم (ص) را مودت و دوستی خاندان او قرار داده است و می فرماید: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)؛ (۱) «بگو من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمی کنم، به جز دوستی و مودت با اهل بیتم.»

همچنین پیامبر اکرم (ص) فرمود: «لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ يَكُونَ عِزَّتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عِزَّتِهِ وَ يَكُونَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ وَ يَكُونَ ذَاتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ ذَاتِهِ»؛ (۲) «هیچ بنده ای ایمان [واقعی] نمی آورد، مگر اینکه نزد او من از خودش محبوب تر و اهل بیت من و خاندان من از اهل بیت و خاندان او محبوب تر باشند و ذات من از ذات خودش محبوب تر باشد.»

ص: ۵۶۱

۱- . شوری / ۲۳.

۲- . أمالی، شیخ صدوق، ص ۳۳۴، مجلس ۴۵، ح ۸۴.

امام حسن عسکری (ع) خطاب به حضرت مهدی (ع) فرمود: «وَاعْلَمَ أَنَّ قُلُوبَ أَهْلِ الطَّاعَةِ وَالْإِخْلَاصِ نَزَعٌ إِلَيْكَ مِثْلَ الطَّيْرِ إِذَا أَمَّتْ أَوْ كَارَهَا؛» (۱) بدان که دل‌های اهل بندگی و اخلاص به سوی تو پر می‌کشند؛ همچنان که پرنده به سوی آشیانه اش پر می‌کشد.»

البته این طور نیست که محبت، یک طرفه باشد؛ بلکه امامان معصوم (ع) نیز به شیعیان واقعی، ابراز علاقه و محبت کرده و می‌کنند، و در غم و شادی آنان شریک اند.

امام رضا (ع) فرمود: «الْإِمَامُ الْأَمِينُ الرَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّفِيقُ، وَكَأَلَمَّ الْبِرَّهَ بِالْوَلَمِدِ الصَّيِّغِ؛» (۲) امام، امین و دوست است، و برادر دلسوز است، و مانند مادری است که با فرزند خردسال خود مهربان است.»

همچنین امام علی (ع) فرمود: «إِنَّا لَنَفْرَحُ لِفَرَحِكُمْ وَنَحْزَنُ لِحَزَنِكُمْ؛» (۳) ما در شادمانی شما شاد و برای اندوه شما اندوهگین می‌شویم.»

ص: ۵۶۲

۱- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۸، ح ۱۹.

۲- . تحف العقول، ص ۳۲۴.

۳- . بصائر الدرجات، ص ۲۶۰، باب ۱۶، ح ۲.

امام رضا(ع) فرمود: «مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ شَيْعَتِنَا يَمْرُضُ إِلَّا مَرَضْنَا لِمَرَضِهِ وَ لَا اِعْتَمَّ إِلَّا اِعْتَمَمْنَا لِعَمِّهِ وَ لَا يَفْرَحُ إِلَّا فَرِحْنَا لِفَرَحِهِ وَ لَا يَغِيبُ عَنَّا أَحَدٌ مِنْ شَيْعَتِنَا أَيْنَ كَانَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ أَوْ غَرْبِهَا؛»^(۱) هیچ کس از شیعیان ما... غم‌دیده نمی‌شود، مگر آنکه ما نیز در غم او غمگین می‌شویم و شاد نمی‌شود مگر اینکه از شادی او شاد می‌شویم و هیچ یک از شیعیان ما در مشرق و مغرب زمین از نظر ما دور نیستند.»

امام مهدی(ع) فرمود: «إِنَّهُ أَنْهَىٰ إِلَيَّ اِرْتِيَابَ جَمَاعَةٍ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَا دَخَلَهُمْ مِنَ الشُّكِّ وَ الْحَيْرَةِ فِي وُلَاهِ أَمْرِهِمْ فَعَمَّنَا ذَلِكَ لَكُمْ لَمَّا لَنَا وَ سَأَوْنَا فِيكُمْ لَأَفِينَا؛»^(۲) از تردید گروهی از شما (شیعیان) در دین، و شک و حیرت در مسئله‌الایان امرشان آگاه شدم. پس این غم ما به خاطر شما است، نه به خاطر خود ما، و برای شما متأثر شدیم، نه برای خودمان.»

حضرت مهدی(ع) در این روایت و امثال آنها به شیعیان ابراز محبت و علاقه کرده و اعلام کرده است که از گمراه شدن آنها به شدت ناراحت و متأثر می‌شود.

ص: ۵۶۳

۱- بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۵۴.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

یکی از نشانه های دوستی، محزون بودن در فراق و دوری از دوست و محبوب است. بدیهی است که علاقه مندان به صاحب الزمان(ع) در دوران غیبت در فراق او اندوهگین هستند و این اندوه را به گونه های مختلفی بروز می دهند.

امامان معصوم نیز به سبب غیبت امام زمان(ع) می گریستند؛ برای نمونه، سدید صیرفی می گوید که به خدمت مولایمان امام صادق(ع) رفتیم و امام را در حال گریه و ناله دیدیم. او حالت امام را این گونه تشریح می کند: «هُوَ يَبْكِي بُكَاءَ الْوَالِدِ الْتَّكْلِي ذَاتِ الْكَبَدِ الْحَرِيِّ قَدْ نَالَ الْحُزْنَ مِنْ وَجَنَّتِهِ وَ شَاعَ التَّغَيُّرُ فِي عَارِضِهِ وَ أَبْلَى الدَّمُوعُ مَحَجْرِيهِ وَ هُوَ يَقُولُ سَيِّدِي غَيْبْتُكَ نَفْتُ رُقَادِي وَ ضَيَّقْتُ عَلَيَّ مِهَادِي وَ أَسْرَتْ مِنِّي رَاحَةَ فُوَادِي سَيِّدِي غَيْبْتُكَ أَوْصَلْتُ مُصَابِي بِفَجَائِعِ الْأَيِّدِ ؛ (۱)» او همچون مادر فرزند از دست داده، می گریست، اندوه از گونه های مبارکش پیدا بود و رنگش تغییر کرده بود. اشکهایش لباسش را خیس کرده بود و در این حالت می گفت: مولای من! غیبت تو، خواب را از چشمانم ربوده و زمین را بر من تنگ کرده و آسایش دلم را از من گرفته است. مولای من! غیبت تو، بلا و مصیبت مرا به فاجعه های ابدی پیوند داده است.»

شاعر عرب، حزن و اندوه قلبی خود را در غم دوری از حضرت مهدی(ع) چنین بیان کرده است:

ص: ۵۶۴

قلبي اليك من الاشواق محترق

و دمع عيني من الآماق مندفق

الشوق يحرقني والدمع يغرقني

فهل رايت غريقا وهو محترق؟ (۱)

و شاعری پارسی گوی، ابیات فوق را چنین به فارسی در آورده است:

دل ز شوق دیدنت سوزد چو عود

از فراق_ت دی_ده بارد همچو رود

غرقه در سیلاب اشک و دل کباب

کس غریق شعله ور کی دیده بود

ص: ۵۶۵

شناخت عظمت و مقام حضرت مهدی(ع) و نگه داشتن حرمت او

از جمله وظایف مهم شیعیان، شناخت جایگاه رفیع حضرت مهدی(ع) و رعایت احترام آن حضرت است. امامان معصوم(ع) پس از مقام ربوبی و نبوی(ص)، مقام و رتبه سوم را در عالم وجود دارند، و انسانهای عادی با آنان مقایسه نمی شوند.

امام علی(ع) فرمود: «لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ (ص) مِنْ هَيْدِهِ الْأَمَّةِ أَحَدٌ وَلَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ؛ (۱)» نباید احدی از این امت را با آل محمد(ص) مقایسه کرد و نباید کسی را که نعمت آل محمد(ص) همواره بر او جریان داشته، با آنان برابر دانست. آنان اساس دین و ستون یقین هستند.»

پیامبر اکرم(ص) در توصیف جایگاه حضرت مهدی(ع) در بهشت فرمود: «الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ، عَلَيْهِ جَلَابِيبُ التُّورِ؛ (۲)» مهدی(ع) طاووس اهل بهشت است که هاله هایی از نور، او را احاطه کرده است.»

ص: ۵۶۶

۱- . نهج البلاغه، فیض، خ ۲.

۲- . منتخب الأثر، ص ۱۴۷؛ ینایع الموده، ج ۳، ص ۱۶۴ و نور الابصار، ص ۱۷۰.

و نیز فرمود: «نَحْنُ وَوَلَدُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ الْجَنَّةِ أَنَا وَحَمْزَةُ وَجَعْفَرٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْمَهْدِيُّ؛» (۱) ما هفت نفر از اولاد عبدالمطلب هستیم که سروران اهل بهشتیم: من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی (ع).»

امام علی (ع) فرمود: «فَهُوَ فِي الذُّرْوَةِ مِنْ قُرَيْشٍ وَ الشَّرَفِ مِنْ هَاشِمٍ وَ الْبَقِيَّةِ مِنْ إِبْرَاهِيمَ؛» (۲) او (حضرت مهدی (ع)) والاترین قریش و گرامی ترین بنی هاشم و تنها بازمانده ابراهیم خلیل است.»

و امام رضا (ع) فرمود: «يَكُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ وَ أَحْكَمَ النَّاسِ وَ أَتْقَى النَّاسِ وَ أَحْلَمَ النَّاسِ وَ أَشَجَعَ النَّاسِ وَ أَشِيخَى النَّاسِ وَ أَعْبَدَ النَّاسِ؛» (۳) او (حضرت مهدی (ع)) داناترین، حکیم ترین، پرهیزگارترین، بردبارترین، بخشنده ترین و عابدترین مردم است.»

جای آنست که شاهان ز تو شرمنده شوند

ص: ۵۶۷

-
- ۱- . بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۳، باب ۱، ح ۳۹ و كشف الغمه، ج ۲، ص ۴۳۸.
 - ۲- . بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۷۲، باب ۴، ح ۳۹.
 - ۳- . من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۸، باب النوادر، ح ۵۹۱۴ و مناقب آل ابی طالب (ع)، ج ۱، ص ۲۵۳، باب فی إمامه الأئمه الأثنی عشریه.

سلطنت را بگذارند و تو را بنده شوند

گر به خاک قدمت سجده میسر گردد

سر فرازان جهان جمله سرافکنده شوند (۱)

ای که از لطف، سراسر جانی

جان چه باشد؟ که تو صد چندانی

به دمی زنده کنی صد مرده

عیسی، آب حیاتی، جانی

به تماشای تو آید همه کس

لاله زاری، چمنی، بستانی

روی در روی تو آرند همه

قبله ای، آینه ای، جانانی

آرزوی دل بیمار منی

صحتی، عافیتی، درمانی

همه خوبان به تو آراسته اند

کهربایی، گهری، مرجانی (۲)

ص: ۵۶۸

۱- . هلالی.

۲- . فخرالدین عراقی.

فصل ششم: عصر انتظار

وظایف منتظران در عصر انتظار

دعا برای فرج امام زمان (ع)

در روایات معصومان (ع) دعا برای فرج امام زمان (ع) به عنوان یکی از عوامل نجات انسانها در دوران هلاکت بخش غیبت کبری مطرح شده است.

امام حسن عسکری (ع) فرمود: «وَاللَّهِ لَيُعَيِّنَنَّ غَيْبَهُ لِمَا يَنْجُوا فِيهَا مِنَ الْهَلَاكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ؛» (۱). به خدا سوگند که او غیبتی [سخت] می کند. در آن غیبت، از هلاکت نجات نمی یابد، مگر کسی که خدای عزوجل او را بر قول به امامت آن حضرت ثابت بدارد و او را در عصر غیبت بر دعای به تعجیل فرج او موفق بدارد.»

از سوی دیگر، صاحب زمان (ع) در موارد زیادی، شیعیان را به دعای برای فرج خویش توصیه کرده است؛ برای مثال، آن حضرت در پایان توقیع به جناب اسحاق بن یعقوب می فرماید:

ص: ۵۶۹

۱- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴، باب ۳۸، ح ۱.

«أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ» (۱) برای تعجیل در فرج، زیاد دعا کنید که همانا آن فرج شماست.»

درباره زمان و نحوه دعا برای فرج امام عصر(ع) توصیه های زیادی از سوی اولیای دین بیان شده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود:

الف) در منهاج العارفين آمده است: «مستحب است انسان پس از نماز صبح صد مرتبه بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» (۲)

ب) مرحوم شیخ بهائی نقل می کند: «پس از نماز صبح و در حالی که با دست راست، محاسن خود را و کف دست چپ را به سوی آسمان می گیری، هفت مرتبه می گویی: يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ.» (۳)

ج) علامه مجلسی در کتاب المقباس نقل کرده است: «در تعقیب نماز صبح پیش از آنکه با کسی صحبت کند صد بار بگوید: يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِثْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.» (۴)

ص: ۵۷۰

۱- الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۹۰، فصل ۴.

۲- منهاج العارفين، ص ۱۰۸.

۳- مفتاح الفلاح، ص ۲۰۶ و مصباح المتهجد، ص ۵۳.

۴- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۳.

د) کتاب جمال الصالحین از امام صادق (ع) نقل کرده است که حضرت فرمودند: «از حقوق ما بر شیعیان این است که پس از هر نماز واجب، دست خود را به چانه گرفته و سه بار بگویند: يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ عَجَلُ فَرَجِ آلِ مُحَمَّدٍ يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ إِحْفَظْ عَنِّيهِ مُحَمَّدٍ، يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ إِنَّتُمْ لِإِيْنِهِ مُحَمَّدٍ (ص)» (۱)

ه) مرحوم شیخ طوسی در کتاب مختصر المصباح در جایی که وظیفه های شب جمعه را ذکر می کند، صد بار این دعا را سفارش می کند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ أَهْلِكَ عِدْوَهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْبَانِسِ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَ الْآخِرِينَ» (۲)

ص: ۵۷۱

-
- ۱- . مکیال المکارم، ج ۲ ص ۷.
 - ۲- . مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۱.

فصل ششم: عصر انتظار

وظایف منتظران در عصر انتظار

دعا و زمزمه عاشقانه

دعا بهترین وسیله ارتباط انسان با خدای خویش، ناشی از شناخت انسان از عجز خویش و اظهار کرنش در برابر آفریدگار است. انسان مؤمن، امید خود را از غیر خدا قطع، و دست نیاز به سوی خدای بی نیاز دراز می کند و رفع مشکلات خویش را تنها از او می خواهد. درباره موضوع امام زمان(ع) دعاها و زیارت‌های مخصوصی وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

الف) دعای ندبه

مرحوم علامه مجلسی در بحار الأنوار دعای شریف ندبه را از سید بن طاووس از بعضی از اصحاب نقل می کند و می گوید که محمد بن علی بن ابوقره می گوید: «دعای ندبه از کتاب محمد بن حسین بن سفیان بزوفری برای من نقل شد، و گفته شده است که آن دعا برای صاحب الزمان(ع) است و مستحب است در اعیاد چهارگانه (جمعه، عید فطر، قربان، غدیر) خوانده شود.» (۱)

ب) دعای عهد

ص: ۵۷۲

امام صادق(ع) فرمود: «کسی که چهل بامداد، خدای را با دعای عهد بخواند، از یاوران قائم ما خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبر بیرون می آورد.» (۱)

ص: ۵۷۳

۱- بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۴۱.

فصل ششم: عصر انتظار

نبرد انتظارها

اشاره

بشر سالها است که در آرزویی بس بزرگ بی قرار است. توده های موج و عظیم انسانی، هر کدام به فراخور حال و مجال دین خویش در انتظار تشکیل آرمان شهری دنیایی اند؛ جهان شهری که عدالت، رهیدگی از بند اسارتها و دلبستگی شیرین معنوی چاشنی آن باشد؛ از این رو اعتقاد به آخرالزمان و ظهور منجی و اصلاحگر توانمند و بزرگ جهانی از آرمانهای مشترک تمام ادیان و مذاهب زنده دنیا به شمار می رود؛ اما این مسئله در مذهب شیعه به گونه ای متمایز مطرح است؛ چرا که هویت اساسی شیعه و رمز ماندگاری، پویش و جوشش آن در طول تاریخ در پیوند با اندیشه سرخ حسینی و امید سبز مهدوی معنا می شود.

شیعیان، همواره با تنی زجر دیده و محنت کشیده، ولی با چشمانی پر از انتظار، دلهایی مالامال از نور امید و دستانی توانمند و شورآفرین، دل در گرو آمدن آن یار غایب از نظر داشته اند. در هم تنیدگی شور سرخ و انتظار سبز برای شیعه، هویتی پیچیده پدید آورده است. همین ویژگی است که سبب به خطا رفتن بسیاری از تحلیلها شده، آنان را در دام عینیت گرایی می اندازد.

ص: ۵۷۴

واقعه انقلاب اسلامی و بنیانهای شیعی آن از سویی و از دیگر سو توان چشمگیر و طاقت بالای آن در پشت سر نهادن بحرانهای پدید آمده از سوی دشمنانش، نگاه بسیاری را به سوی شیعه جلب کرده است؛ اما آنچه دغدغه این نوشتار را فراهم ساخته است، اثبات اندیشه انتظار از دیدگاه شیعه یا دیگر ادیان نیست؛ (۱) بلکه این مقاله در صدد است تا دیدگاه معتقدان به منجی را درباره چگونگی رسیدن وی به قدرت، ملاحظه و بررسی کند.

پیشاپیش، ذکر این نکته لازم است که با توجه به شرایط موجود جهانی، یعنی تسلط جهان یهودی - مسیحی بر فناوری و سیطره مسلمانان بر بخش عظیمی از ذخایر انرژی و نقاط راهبردی دنیا، این گفتار نیز بیشترین توان خود را در این زمینه به کار خواهد گرفت.

ص: ۵۷۵

۱- جهت اطلاع از موضوع فوق ر.ک: گونه شناسی اندیشه موعود در ادیان مختلف، علی موحدیان، مجله هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳.

پیروان هندوئیسم مانند دیگر ادیان در قیام نجات بخش هیچ تردیدی روا نمی دارند و در کتابهای گوناگون خود با صراحت از آن سخن به میان می آورند.

در کتاب جوک - یکی از کتب هندیان - در رابطه با ویژگیهای مصلح چنین آمده است: «سرانجام، دنیا به کسی برمی گردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او فرخنده و خجسته باشد.» (۱)

و در جای دیگر شاکمونی پیامبر هندوها در کتاب خود نسبت منجی را به سید خلاق می رساند و ثمره قیام وی را خاطر نشان می سازد: «پادشاهی دنیا به فرزند سید خلاق دو جهان، کشن بزرگوار تمام شود. او کسی باشد که بر کوههای مشرق و مغرب دنیا حکم براند و بر ابرها سوار شود و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده شود.» (۲) یا آنکه هدایت انسانها را از ویژگی حکومت وی دانسته و در کتاب دداتک این گونه می آورد: «دست حق در آید و جانشین آخر ممتا ظاهر کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و همه جا خلاق را هدایت کند.» (۳)

جالب آنجا است که هندوئیسم اگر چه به رفق، مدارا، فردگرایی و گریز از اجتماع مشهور است؛ اما در رابطه با قیام آخرالزمان، از واژه هایی همچون: شمشیر، هلاکت شریان و... سود می برد.

- ۱- . همشهری، ویژه نامه میلاد مهدی(ع)، ۲۶/۱۰/۷۴ و آرمان شهر در ادیان، محمد علی بزنونی، پگاه، شماره ۲۴، ص ۲.
- ۲- . مصلح جهانی، سید هادی خسروشاهی، ص ۶۰.
- ۳- . مصلح جهانی، سید هادی خسروشاهی، ص ۶۰.

هندوها رهبر آخرالزمان را با نام کلکی و یکی از جلوه های ده گانه خدای حفظ کننده (ویشنو) Vishnu می دانند و وی را این گونه ترسیم می کنند: «این مظهر ویشنو در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسبی سفید، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد، ظاهر می شود و شریران را هلاک می سازد و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت می دهد. این مظهر دهم در انتهای عالم، ظهور خواهد کرد.» (۱)

اما آنچه مهم است آن است که هندوئیسم به همین میزان پیشگویی بسنده کرده، به هیچ عنوان در صدد مغلوب سازی اندیشه های رقیب بر نمی آید؛ یعنی از هندوئیسم یک اندیشه غالب و پیروز نمی سازد و آن را به صورت دینی جهان شمول _ که طاقت بر دوش کشیدن حکومت جهانی را دارد _ معرفی نمی کند.

ص: ۵۷۷

۱- . ر. ک: اوپانیشاد، ص ۷۳۷.

در هزاره گرایی زردشتیان، انتظار ظهور سه منجی از نسل زردشت مطرح است. این اصلاح طلبان، یکی پس از دیگری جهان را پر از داد خواهند کرد. هوشیدر، هزار سال پس از زردشت، هوشیدر ماه، دو هزار سال پس از وی و سوشیانس سه هزار سال پس از صاحب اوستا خواهد آمد و با ظهور او جهان، پایان خواهد یافت. (۱)

جاماسب حکیم در کتاب جاماسب نامه، به نقل از زردشت، جزئیات ظهور سوشیانس را می آورد: «مردی بیرون آید از زمین تازیان، بر آیین جد خویش با سپاه بسیار روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر از داد کند. سوشیانس، نجات دهنده بزرگ، دین را به جهان رواج دهد، فقر و گرسنگی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر، هم گفتار و هم کردار کند.» (۲)

در یکی دیگر از کتابهای مذهبی زردشتیان، این گونه می خوانیم: «لشکر اهریمنان با ایزدان دائم در روی خاکدان، محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد. آن گاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهد نشست.» (۳)

ص: ۵۷۸

۱- . آشنایی با ادیان بزرگ جهان، حسین توفیقی، ص ۶۶.

۲- . جاماسب نامه، ص ۱۲۱، به نقل از. آرمان شهر در ادیان، پگاه حوزه، ش ۲۴.

۳- . مصلح جهانی، ص ۵۹.

همان گونه که پیداست، آیین زردشت، سوشیانس را از تبار زردشت می داند؛ اما در حکایتی غیرمتعصبانه، منجی را متدین به آیین جد خویش دانسته، سرزمین اعراب را آغاز گاه قیام معرفی می کند.

در رویکرد پیروان اوستا به آخرالزمان نیز مانند هندوئیسم، یک نگاه حکایت گرایانه به چشم می خورد. زردشتیان، ضمن آنکه بر نبرد خیر و شر تأکید می کنند؛ اما به روشنی مرز آنها را مشخص نمی سازند؛ از این رو نمی توان اندیشه هزاره گرای زردشتیان را تفکری همآورد طلب و ستیزه جو به شمار آورد.

ص: ۵۷۹

آن گونه که بررسیها نشان می دهد، پیش از اسارت قوم یهود و آوارگی آنان به دست آشوریان، اندیشه ظهور منجی در ادبیات مذهبی، غیر مذهبی، اساطیر، افسانه ها و روایات مکتوب و شفاهی بنی اسرائیل جایی نداشته است.

تنها در سده دوم پیش از میلاد بود که ظهور نجات بخش قوم خدا در اذهان و افکار یهود توسعه یافت (۱) و دانیال نبی به دنبال رنجهای پیاپی قوم یهود، پایان زجرها را نوید داد: «و در ایام این پادشاهان، یهوه، خدای آسمانها سلطنتی را که تا ابد جاوید می ماند، بر پا خواهد کرد و این سلطنت به قومی دیگر غیر از بنی اسرائیل منتقل نخواهد شد؛ بلکه تمامی آن سلطنتها را خرد کرده، مغلوب خواهد ساخت و خودش برای همیشه پایدار و جاودان خواهد ماند.» (۲)

اشعیا پیامبر نیز در پیشگوییهای خود مژده آمدن مسیح را داد و گفت: «برای ما ولدی و پسری بخشیده می شود که سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قادر و پدر سرمدی و سرور و سلامتی خواننده خواهد شد. ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داوود و بر کشور وی پایانی نخواهد بود تا آنکه انصاف و عدالت را برای همیشه استوار سازد.» (۳)

ص: ۵۸۰

۱- تاریخ ادیان جهان، عبدالعظیم رضایی، ج ۱، تهران، انتشارات علمی، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش، ص ۵۲۶.

۲- دانیال نبی، باب دوم، آیه ۴۴؛ در برخی ترجمه ها نامی از قوم بنی اسرائیل برده نشده است.

۳- کتاب اشعیا، باب ۹: ۶-۸.

البته شایان توجه است که قوم یهود به عنوان مردمی دیندار، همواره به آینده خویش امیدوار بودند و این عبارت کتاب مقدس، میان یهودیان رایج بود که: «اگر چه ابتدایت صغیر بود، عاقبت تو بسیار رفیع شود.» (۱) با این وجود، آنان پس از نخستین ویرانی شهر قدس، همیشه در انتظار رهبر الهی، قدرتمند و پیروزی آفرین بودند تا اقتدار و شکوه «قوم برگزیده» را احیا کند.

یهودیان بر مبنای آنچه در زبور داوود آمده بود، خود را وارثان به حق خداوند می پنداشتند. در زبور آمده است: «زیرا که شریران، منقطع و متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. هان! پس از اندک زمانی، شریر نخواهد بود؛ اما حکیمان (صالحان) وارث زمین خواهند شد و میراث آنها خواهد بود تا ابد الآباد؛ زیرا متبرکان خداوند، وارث زمین، و ملعونان وی منقطع خواهند شد.» (۲)

این اندیشه وقتی با پیشگوییهای صریح اشعیا در هم آمیخت، نیرو و امیدی تازه در رگهای یهود جریان یافت. ایشان کلام اشعیا را در حافظه خود به خوبی حفظ کردند و آن را دستمایه عشق به آینده ای روشن و افتخارآمیز قرار دادند؛ آنجا که می گوید: «نهالی از تنه، یسی (پدر داوود) بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت؛ یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و روح معرفت و ترس از خداوند، خوشی او در ترس از خدا خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوشهای خویش تنبیه نخواهد کرد؛ بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد. جهان را به عصای دهان خویش زده، شریران را به نفخه لبهای خود خواهد کشت. کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت.»

ص: ۵۸۱

۱- ایوب، باب ۸: ۷.

۲- زبور داوود، باب ۳۷، ر.ک: به مجموع آیات ۹، ۱۸، ۲۸ و ۲۹.

سپس اشعیا به گونه ای کنایه آمیز به صلح جهانی در آن دوران اشاره می کند و ادامه می دهد: «گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم و طفل کوچک، آنها را خواهد راند... طفل شیر خواره بر سوراخ مار، بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فساد نخواهد کرد؛ زیرا جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود؛ مثل آبهایی که دریا را می پوشاند.» (۱)

اما صفیای پیامبر به نابودی رهبران دولتها اشاره می کند و آن را مقدمه جهان شمولی دین یهود می داند. او می گوید: «به منظور گردآوری طوایف بشر بر یک دین حق، سلاطین دول مختلف را نابود کنیم. آن وقت برگردانیم به قومها لب پاکیزه را برای خواندن همگی به نام خدای و عبادت کردن ایشان به یک روش.» (۲)

همان گونه که تا کنون مشاهده فرمودید، اندیشه حکومت جهانی مصلح بر اساس دین یهود ویژگیهایی متفاوت از هندوئیسم و زردشت دارد؛ زیرا آنان:

ص: ۵۸۲

۱- . اشعیا، باب ۱۱: ۱-۹.

۲- . صفیای، باب ۳: ۸-۹.

۱. خود را قوم برگزیده و وارث زمین می دانند؛

۲. منجی را از نسل داوود دانسته، از این رو وی را متدین و مروج آیین موسایی می پندارند؛

۳. نبرد با سلاطین و دولتها و نابودی آنان را مقدمه حکومت جهانی منجی یهود برمی شمردند؛

۴. معتقدند هر کس که در برابر نجات دهنده قرار گیرد شریر شمرده شده، مشمول عذاب و خذلان می شود.

اگر چه تمامی این موارد، از اندیشه انتظار نجات دهنده در دین یهود، تفکری مهاجم ترسیم می کند؛ اما واقعیت آن است که یهودیان در طول تاریخ به این مسائله از دریچه ای مذهبی نگریسته، انتظار را یک وظیفه مقدس به شمار آورده اند. تنها پس از ورود صهیونیسم سیاسی به دنیای یهود بود که زاویه نگاه برخی یهودیان به این مسئله عوض شد و تشکیل یک حاکمیت سیاسی را راهگشای «عصر مسیحا» دانستند.

هم اکنون صهیونیستها با سوء استفاده از تغییر نگرش به وجود آمده، خود را به عنوان منتظران واقعی مسیحا معرفی کرده، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم اسرائیل (پنجم ماه ایار عبری)، پس از دمیدن در شیپور عبادت، این گونه دعا می کنند: «اراده خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش دهد.»

(۱)(۱)

ص: ۵۸۳

۱- . آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۰۲.

بی گمان طرز تلقی صهیونیسم از مقوله انتظار و ظهور منجی، یکی از بینش های چالش آفرین و بحران ساز فراروی معتقدان به آخرالزمان است؛ چرا که تکیه بیش از اندازه بر نژاد و قومیت، این مکتب را دچار نوعی تمامیت خواهی غیر عادلانه کرده و ظرفیتهای گفتگو را از آن گرفته است؛ از این رو انتظار مسیحا در اندیشه صهیونیسم، دچار نوعی فلج ذاتی است که توانایی مبادله افکار و تفاهم را ندارد. (۱)

ص: ۵۸۴

۱- . جهت اطلاع بیشتر درباره تفاوت صهیونیسم توراتی و صهیونیسم سیاسی، ر. ک: پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، روزه گارودی، ص ۵ به بعد.

مسیحیان و بازگشت مسیح

اندیشه بازگشت عیسی (ع) یکی از باورهای جامعه مسیحیت را تشکیل می دهد. این شوق و انتظار در بخشهای قدیمی تر عهد جدید مانند رساله اول و دوم پولس به تسالونیکیان به خوبی منعکس شده است؛ اما در رساله های بعدی مانند رساله های پولس به تیموتاؤس و تیطس، همچنین رساله پطرس، به بعد اجتماعی مسیحیت توجه شده است.

این مسئله از آنجا ناشی می شد که با گذشت زمان پی بردند که بازگشت مسیح بر خلاف تصور آنها نزدیک نیست؛ (۱) هر چند اقلیتی از آنان بر این عقیده باقی ماندند که عیسی به زودی خواهد آمد و حکومت هزار ساله خود را تشکیل خواهد داد؛ حاکمیتی که به روز داوری پایان خواهد یافت. از همین رو از دیر، باز گروههای کوچکی به نام هزاره گرا در مسیحیت پدید آمدند که تمام سعی و تلاش خود را صرف آمادگی برای ظهور دوباره عیسی در آخرالزمان می کنند. (۲)

البته وجود آیاتی در انجیل، این حالت انتظار را تشدید می کند و با اشاره به تعیین نشدن وقت ظهور، آن را ناگهانی معرفی می کند؛ برای مثال در انجیل متا از زبان عیسی (ع) این گونه نقل شده است: «شما نمی توانید زمان و موقع آمدن مرا بدانید؛ زیرا این فقط در ید قدرت خداست. هیچ بشری از آن لحظه (زمان ظهور) آگاهی ندارد؛ حتی فرشتگان؛ تنها خدا آگاه است.» (۳)

ص: ۵۸۵

۱- . آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۷۰.

۲- . ر. ک: حسین توفیقی، هزاره گرایی در فلسفه تاریخ مسیحیت، مجله موعود، ش ۱۷، ص ۱۴-۲۰.

۳- . انجیل متا، باب ۲۴: ۳۶.

یا آنکه در انجیل لوقا این چنین آمده است: «مسیح می گوید: همیشه آماده باشید؛ زیرا من زمانی می آیم که شما گمان نمی برید.» (۱)

روشن نگه داشتن چراغ انتظار در لایه لای انجیل به چشم می خورد؛ مثلاً در انجیل آمده است: «کمرهای خود را ببندید و چراغهای خود را فروخته بدارید. باید مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد. پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که شما گمان نمی برید، پسر انسان می آید.» (۲)

مسیحیت، ضمن تأکید بر غیر منتظره بودن بازگشت عیسی، هدف از این بازگشت را ایجاد حکومتی الهی در راستای حکومت الهی آسمانها ارزیابی می کند. (۳)

ص: ۵۸۶

۱- . لوقا، باب ۱۲: ۴۰.

۲- . لوقا، باب ۱۲: ۳۵-۴۰.

۳- . انجیل متا، باب ۶: ۱۰.

افزون بر این، ظهور مسیح را یگانه راه حل برای ادامه حیات و زندگانی بر می شمرد (۱) و عیسی را منجی انسانها و پادشاه پادشاهان معرفی می کند. (۲) وی بر اساس سخنان دانیال نبی؛ سیستم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تربیتی و مذهبی جهان را عوض خواهد کرد و جهانی بر مبنای راه و روش خدا بنا می کند. (۳) مسیحیان همچنین برای ظهور حضرت عیسی بن مریم، علامتی قائل اند: «عنقریب پس از آن آزمایش سخت، روزگاران خورشید تیره و تاریک می شود و ماه نور خود را از دست خواهد داد و ستارگان افول خواهند کرد و قدرتهای آسمانی نیز به لرزه در خواهند آمد و سپس آثار و علائم ظهور آن مرد آسمانی آشکار خواهد شد و سپس تمامی قبایل زمین نگران و غمگین می شوند و آن گاه عیسی از ابرهای آسمان با جلال و شکوه و قدرت فرو خواهد آمد.» (۴)

در انجیل مرقس نیز ضمن تاکید بر مضامین گذشته، به جمع آوری یاران به دست مسیح اشاره شده است: «سپس عیسی با شکوه و جلال و قدرت خواهد آمد و فرشتگان تحت امر خود را به اطراف و اکناف عالم روانه خواهد کرد و منتخبان خود را از چهار گوشه جهان از بالاترین نقطه آسمان تا پایین ترین نقطه زمین جمع خواهد کرد.» (۵)

ص: ۵۸۷

۱- . انجیل متا ، باب ۲۴ : ۲ .

۲- . مکاشفه ، باب ۱۷ : ۱۴ و باب ۱۹ : ۱۶ .

۳- . دانیال ، باب ۲ : ۴۴ - ۴۵ .

۴- . انجیل متا ، باب ۲۴ : ۲۹ - ۳۰ .

۵- . مرقس ، باب ۱۳ : ۲۴ - ۲۷ .

روایات اسلامی نیز بر آمدن حضرت مسیح(ع) صحه می گذارند؛ از جمله آنکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَيُوشِكَنَّ أَنْ يُنْزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ حُكْمًا عَدْلًا وَإِمَامًا مُقْسِطًا؛»(۱) سوگند به آنکه جانم به دست او است به یقین عیسی بن مریم به عنوان داوری عادل و پیشوایی دادگر در میان شما فرود خواهد آمد.»

همچنین مفسران در تفسیر آیه ۱۵۹ سوره نساء آن را با بازگشت حضرت مسیح در آخرالزمان مرتبط می دانند و این آیه را در همین رابطه ارزیابی می کنند.(۲) به هر حال مسئله فرود آمدن مسیح(ع) و بازگشت وی در آخرالزمان از نقاط مشترک اندیشه انتظار نزد مسلمانان و مسیحیان است. البته اسلام در این باره، منجی موعود را مهدی(ع) و او را پیشوای آخرالزمان معرفی می کند: «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ؛»(۳) چگونه خواهید بود، آن گاه که عیسی بن مریم در میان شما فرود آید و پیشوای شما از خودتان باشد.» یا آنکه در روایتی دیگر از قول امام باقر(ع) نقل شده است: «يُنْزَلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا فَلَمَّا بَقِيَ أَهْلُ مِلَّةِ يَهُودِيٍّ وَ لَا نَصِيرَانِيٍّ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يُصَلِّي خَلْفَ الْمَهْدِيِّ؛»(۴) [عیسی] پیش از قیامت، به دنیا فرود می آید و هیچ کس از ملت یهود و مسیحی نمی ماند، مگر آنکه پیش از مرگ به او ایمان آورد و [آن حضرت] پشت سر مهدی(ع) نماز می گذارد.»

بی گمان بر هر پژوهشگر آگاه روشن است که روایات اسلامی و اعتقادات مسیحی درباره ظهور از نزدیکی فراوانی برخوردار است. مقایسه خبرهای رسیده از روایات اسلامی درباره پیشرفت غیر قابل تصور علوم در زمان ظهور،(۵) ایجاد رفاه اجتماعی،(۶) علائم ظهور(۷) و دیگر موارد، با آنچه آمد به روشنی این مدعا را ثابت می کند.

ص: ۵۸۸

- ۱- . عصر ظهور، ص ۳۴۱.
- ۲- . ر.ک: مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۱۲؛ تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۰۴؛ المیزان (عربی)، ج ۵، ص ۱۴۳؛ همچنین درباره آیات عروج و تصلیب عیسی(ع) ر.ک: آل عمران/ ۵۵؛ نساء/ ۱۵۷ و ۱۵۸.
- ۳- . بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۴۴؛ ر.ک: صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳ و صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۴.
- ۴- . بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۴۹.
- ۵- . حدیث از امام صادق(ع)، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
- ۶- . بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۶۸.
- ۷- . ر.ک: میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۷۷ به بعد.

این مسئله به خودی خود می تواند زمینه های گفتگو و هم اندیشی بین انتظار اسلامی و مسیحی را فراهم آورد. ناگفته نماند که حتی در برخی انجیل‌های پذیرفته شده گروهی از پروتستانها، به روشنی از ظهور نجات دهنده ای صحبت به میان می آید که از فرزندان پیامبر عربی است: «مسیح در وصایای خود به شمعون پطرس می فرماید: ای شمعون! خدای من فرمود: تو را وصیت می کنم به سید انبیا که بزرگ فرزندان آدم و پیغمبران امی عربی است. او بیاید، ساعتی که فرج قوی شود و نبوت بسیار شود و مانند سیل جهان را پر کند.» (۱)

ص: ۵۸۹

۱- . همشهری، ۲۶/۱۰/۷۴، به نقل از: مصلح جهانی؛ نقل از آرمان شهر در ادیان، محمد علی بزنجونی، پگاه، ش ۲۴، ص ۲.

بازگشت مسیح از زاویه ای دیگر

همان گونه که پیش از این گذشت، هزاره گرایی در میان مسیحیت، همواره وجود داشته است. این اندیشه در طول تاریخ، دارای اوج و افولهای بسیار بوده است؛ اما هم اکنون با گذر از قرن بیستم و ورود به قرن بیست و یکم، امیدهای تازه ای را پدید آورده است. با نگاهی به پایگاههای اینترنتی و حجم گسترده اطلاعات آنها، شور انتظار به راحتی قابل لمس است. (۱)

این مسئله به تنهایی خطر خیز نیست؛ اما اگر این مطلب را به علاوه وقوع انقلاب اسلامی، ادعای زمینه سازی ظهور - که به کمک برخی روایات نیز تأیید می شود-، (۲) نگاه جهان شمول اسلام، (۳) جذابیتهای ذاتی شیعه و محتوای غنی آن در نظر بگیریم، مسئله، پیچیده تر خواهد شد.

اگر به آنچه گذشت؛ تمامیت طلبی غرب، نظریه جهانی سازی، اندیشه پایان تاریخ فوکویاما و جنگ تمدنها را بیفزاییم خواهیم دید، اندیشه انتظار یکی از میادین چالش خیز بین جهان اسلام به ویژه ایران و دنیای غرب است. ساخت فیلمهای روز استقلال، آرماگدون و ماتریس در پایان دهه نود و نوشته آداموس در دهه هشتاد نمادی از همین تقابل است؛ تقابلی که با گذشت زمان، روز به روز جدی تر می شود.

ص: ۵۹۰

۱- جهت اطلاع بیشتر ر.ک: سید احمد رضا یکانی فرد، آخرالزمان، منجی گرایی در اینترنت، مجله موعود، ش ۳۱، ص ۶۴ به بعد.

۲- ر.ک: عصر ظهور، علی کورانی، ص ۲۹۹ به بعد.

۳- الإسلامُ يَغْلُوا وَ لَا يُغْلَى عَلَيْهِ: پیامبر اکرم(ص)، وسایل الشیعه، ج ۲۶، ص ۱۴.

یکی از مواردی که همواره در اندیشه انتظار مسیحیت و اسلام به عنوان چالش مطرح شده است، نبرد آخرالزمان است. با نگاهی به تاریخ اروپا و آمریکا می بینیم که در مقاطعی حساس، رهبران آنان با اشاراتی کوتاه و بسیار مبهم، مطالبی را بیان می داشتند که حکایتگر اندیشه های درونی حاکم بر آنها بوده است.

وقتی ناپلئون به دشت جرزال، میان جلیله و سامریه - حوالی کرانه غربی رود اردن - رسید، گفت: «این میدان، بزرگ ترین نبرد جهان است.» (1) وی این مطلب را بر اساس آموزه های انجیلی ابراز داشت؛ اما به نظر نمی رسد هیچ پژوهشگر مسلمانی این گفتار وی را که در تاریخ ثبت شده است، توجه، تجزیه و تحلیل کرده باشد.

بیش از صد سال بعد، فرانسه توانست با سوء استفاده از ضعف امپراتوری عثمانی، سوریه و لبنان را به دست آورد. در آن زمان، ژنرال گورو، فرمانده فرانسوی و فاتح دمشق، پای خود را با تنفر و تکبر تمام بر مزار صلاح الدین ایوبی گذاشت و اظهار داشت: «هان ای صلاح الدین! ما باز گشتیم.»

این رفتار متفرعانه مخصوص این فرمانده فرانسوی نبود. آلن بی، ژنرال انگلیسی نیز که خود در جنگی دیگر در زمان جنگ جهانی اول در هارمجدون، پیروزی ارزشمندی را به دست آورده بود، هنگام ورود به قدس، سرمست از پیروزی خویش در برابر کنیسه قیامت ابراز داشت: «امروز جنگهای صلیبی به پایان رسید.» این حادثه برای یهودیان از چنان اهمیتی برخوردار بود که اسرائیل زانگوئیل آن را جنگ هشتم صلیبی نامید. (۱)

در ادامه، خط سیر این اندیشه را در رفتار جنگجویانه آیزنهاور، رئیس جمهور جمهوری خواه آمریکا در دهه پنجاه، پی می گیریم. وی اعلام کرد: «بزرگ ترین جنگی که در پیش داریم جنگی برای تسخیر افکار انسانها است»؛ (۲) اما وی ابراز نداشت که سخن وی در واقع، روشی برای تحقق نظریه حمبس برونهام در کتاب مبارزه برای جهان است که نوشته بود: «هدف ما ایجاد دولت جهانی آمریکایی است، به گونه ای که با دول جهان به رقابت برخیزد.» (۳)

در پی این طرز تفکر تند و مهار گسیخته در دهه هشتاد با جنگ ستارگان ریگان، تفکر مذهبی وی درباره مشیت الهی، جنگ برای نابودی دشمنان خدا و حکومت هزار ساله مسیح (۴) روبه رو می شویم. پس از ریگان، بوش - پدر - با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نظریه «نظم نوین جهانی» را مطرح می سازد. فرزند او پس از حوادث یازده سپتامبر بار دیگر با نبش قبر اندیشه ها و انگیزه های مدفون مذهبی، از جنگهای صلیبی سخن می گوید و کشورهای ایران، عراق و کره شمالی را محور شرارت می نامد.

ص: ۵۹۲

۱- ر.ک: نقد و نگرشی بر تلمود، ظفر الاسلام خان، ترجمه محمد رضا رحمتی، ص ۷۱.

۲- تبلیغات دینی، احمد رزاقی، ص ۲۰ و ۲۱.

۳- تبلیغات دینی، احمد رزاقی، ص ۲۰ و ۲۱.

۴- تدارک جنگ بزرگ، گریس هال سل، ترجمه خسرو اسدی، ص ۷۴.

نگاه تفوق جویانه و نامدارای غرب به مسلمانان با فراز و نشیبهای مصلحتی در طول چند قرن اخیر به خوبی روشن است. اکنون این پرسش مطرح می شود که آیا همه این اظهار نظرها اتفاقی است؟ و از نگرش لیبرالیستی غرب ناشی می شود یا برآیندی از ناگفته های ذهنی و عقیدتی غریبان است که با بیانهای گوناگون ابراز می شود؟ از سوی دیگر آیا این نگاه خصمانه در اندیشه انتظار منجی آخرالزمان نیز ردپایی از خود برجا گذاشته است یا خیر؟

گریس هال سل در جستجوی پاسخ برای این پرسشها کتاب «تدارک جنگ بزرگ» را به رشته تحریر در آورده است. این نویسنده مسیحی آمریکایی به ریشه یابی دشمنیهای غرب پرداخته، با دلایل گوناگون و مستند، این نظریه را اثبات می کند که برخی موضع گیریها و رفتارهای خصمانه یا دوستانه از سوی برخی سردمداران کشورهای قدرتمند مسیحی، ناشی از یک عامل عقیدتی است؛ عاملی که از سوی حرکتی راست افراطی مسیحی به شدت در جامعه مسیحی تبلیغ می شود و تا کنون با اقبال خوبی رو به رو بوده است. این عامل چیزی جز «آخرالزمان» نیست؛ نبردی که در دره مجدون رخ خواهد داد.

بر اساس این روایت عهد عتیق، پیکاری بزرگ بین ارتش دویست میلیونی شرق از سوی و از سوی دیگر ارتش یهودی - مسیحی به وقوع خواهد پیوست. نبرد هارمجدون هم زمان با بازگشت «مسیح» روی خواهد داد و بر اساس تأویلهای گروهی از کشیشان پروتستان در این جنگ از سلاحهای هسته ای استفاده خواهد شد: (1)

ص: ۵۹۳

۱- جهت اطلاع بیشتر درباره چگونگی تاویلها ر.ک: تدارک جنگ بزرگ.

«ای پسر انسان! نظر خود را بر جوج که از زمین مأجوج و رئیس روش و ماشک و توبال است، بدار و بر او نبوت نما و بگو خداوند «یهوه» چنین می فرماید: اینک من ای جوج! رئیس روش و ماشک و توبال بر ضد تو هستم و تو را برگردانیده، قلاب خود بر چانه ات می گذارم و تو را با تمامی لشکرت بیرون می آورم. اسبان و سواران که جمیع ایشان با اسلحه تمام آراسته جمعیت عظیمی با سپرها و مجنها و همگی اینها شمشیر به دست گرفته، فارس و کوش و فوط با ایشان و جمیع ایشان با سپر و خود، جو مرو تمامی افواجش و خاندان توجرمه از اطراف شمال با تمامی افواجش و قومهای بسیاری همراه تو. پس مستعد شو و تو و تمامی جمعیت که نزد تو جمع شده اند، خویشان را مهیا سازید و تو مستحفظ ایشان باش. بعد از روزهای بسیار از تو تفقد خواهد شد و در سالهای آخر به زمینی که از شمشیر استرداد شده است، خواهی آمد که از میان قومهای بسیار بر کوههای اسرائیل که به خرابه های دائمی تسلیم شده بود، جمع شده است و آن از میان قومها بیرون آورده شده و تمامی اهلس به امنیت ساکن می باشند.» (۱)

افزون بر این آیات که به چگونگی تشکیل سپاهیان مهاجم و پایان خوش جنگ می پردازد، برخی دیگر از آیات، جنبه های دهشتبار نبرد را روشن می سازند: «خداوند یهوه می گوید در آن روز یعنی در روزی که جوج به زمین اسرائیل بر می آید، همانا حدت خشم من به بینی ام خواهد برآمد... هر آینه در آن روز، تزلزل عظیمی در زمین اسرائیل خواهد شد، و ماهیان دریا و مرغان هوا و حیوانات صحرا و همه حشراتی که بر زمین می خزند و همه مردمانی که بر روی جهان اند، به حضور من خواهند لرزید و کوهها سرنگون خواهد شد و صخره ها خواهد افتاد و جمیع حصارهای زمین، منهدم خواهد شد.» (۲)

ص: ۵۹۴

۱- . عهد عتیق، حزقیال نبی، باب ۳۸، آیات ۲-۸.

۲- . عهد عتیق، حزقیال نبی، ، باب ۳۸، آیات ۱۸-۲۰.

در کتاب زکریای نبی به چگونگی کشته شدن جنگاوران مهاجم اشاره می شود: «گوشت ایشان در حالتی که بر پای های خود ایستاده اند، کاهیده خواهد شد و چشمانشان در حلقه گذاخته خواهد شد و زبان ایشان در دهانشان کاهیده خواهد شد.»
(۱)

شدت حادثه و تعداد کشتگان در این نبرد عظیم، آن چنان زیاد است که در مکاشفه یوحنا از آن به عنوان ضیافت خداوند برای پرندگان یاد می شود: «و دیدم فرشته ای را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند، تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می کنند ندا کرده، می گوید: بیایید و به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید، تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران و گوشت اسبان و سواران آنها و گوشت همگان را چه آزاد، چه غلام و چه صغیر و چه کبیر.»
(۲)

این روایات عهد عتیق و انجیل، شباهت بسیاری با واقعه و نبرد قرقیسیا (۳) در روایات شیعی دارد؛ برای مثال به روایتی از امام صادق (ع) در همین باره توجه فرمایید: «إِنَّ لِلَّهِ مَائِدَةً وَ فِي غَيْرِ هَذِهِ الرَّوَايَةِ مَأْدُبَةٌ بِقَرْقِيسَا يَطْلُعُ مُطْلَعٌ مِنَ السَّمَاءِ فَيُنَادِي يَا طَيْرَ السَّمَاءِ وَيَا سِبَاعَ الْأَرْضِ هَلُمُّوا إِلَيَّ الشَّبَعِ مِنْ لُحُومِ الْجَبَّارِينَ؛ (۴) همانا برای خداوند در قرقیسیا سفره ای است که سروس آسمانی [از آن] خبر می دهد. پس ندا می دهد ای پرندگان آسمانی و ای درندگان زمین! برای سیر شدن از گوشت ستمکاران شتاب کنید.»

ص: ۵۹۵

- ۱- کتاب زکریا، باب ۱۴: ۱۲.
- ۲- مکاشفه یوحنا، باب ۱۹: ۱۷ و ۱۸.
- ۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۶.
- ۴- الغیبه، النعمانی، ص ۲۷۸، باب ۱۴، ح ۶۳.

حضرت باقر(ع) نیز ضمن تأکید بر شدت واقعه می فرماید: «همانا واقعه برای فرزندان عباس و مروانی در قرقیسیا روی خواهد داد که نوجوان را پیر می کند و خداوند هر گونه یاری را از آنان دریغ داشته، به پرندگان آسمان و درندگان زمین الهام می کند تا از گوشت ستمگران سیر شوند.» (۱)

بر اساس تحلیل‌های معتقدان نبرد آخرالزمان جمعیت جهان، طی وقایع و حوادث ظهور از بین خواهند رفت: «خداوند می گوید که در تمامی زمین، دو حصه منقطع شده خواهند مرد و حصه سوم در آن باقی خواهند ماند و حصه سوم را از میان آتش خواهم گذرانید و ایشان را مثل قال گذاشتن نقره، قال خواهم گذاشت و مثل مصفا ساختن طلا، ایشان را مصفا خواهم نمود و اسم مرا خواهند خواند و من ایشان را اجابت نموده، خواهم گفت: ایشان قوم من هستند و ایشان خواهند گفت که یهوه خدای ما می باشد.» (۲)

این نگاه نیز با روایات اسلامی مطابقت دارد؛ چرا که از امیرمؤمنان در این باره نقل شده است: «لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يُقْتَلَ ثَلَاثًا وَ يَمُوتَ ثَلَاثًا وَ يَبْقَى ثَلَاثًا» (۳) مهدی، زمانی خروج خواهد کرد که مردمان کشته شوند، بمیرند، باقی مانند.»

ص: ۵۹۶

۱- . الغیبه، النعمانی ، ص ۳۰۳، ح ۱۲.

۲- . کتاب زکریا، باب ۱۳: ۸-۹.

۳- . میزان الحکمه، ج ۱، ص ۸۵.

مجموع روایات توراتی و انجیلی، دستاویزی قابل اعتنا به دست هزاره گرایان مسیحی و پیروان تندرو مشیت الهی داده است. البته شایان توجه است که پیروان این نظریه، حتی به متحدان یهودی خود نیز رحم نمی کنند و ضمن آنکه معتقدند میلیونها نفر از یهودیان در این جنگ کشته می شوند، آینده عده باقی مانده را چنین ترسیم می کنند: «پس از نبرد هارمجدون، تنها صد و چهل هزار نفر یهودی زنده خواهند ماند و همه آنان، چه مرد، چه کودک، در برابر مسیح، سجده خواهند کرد و به عنوان مسیحیان نو آیین، خود به تبلیغ کلام مسیح خواهند پرداخت.» (۱)

با وجود اصرار معتقدان به نبرد آخرالزمان بر واژه هارمجدون، این کلمه تنها یک بار در انجیل مطرح شده است؛ (۲) اما با این حال، این تفسیر جنگ طلبانه در جوامع مسیحی به شدت بازتاب می یابد؛ به گونه ای که در سال ۱۹۸۵ م این گونه تفسیرها - که در قالب برنامه های تلویزیونی ارائه می شد - تنها در آمریکا حدود شصت میلیون مخاطب را به خود جذب کرده بود.

ص: ۵۹۷

۱- . تدارک جنگ بزرگ، ص ۵۴.

۲- . مکاشفه یوحنا، باب ۱۶: ۱۶.

همچنین فروش کتاب «مرحوم سیار، بزرگ زمین» که در همین باره نوشته شده بود به مرز هجده میلیون نسخه رسید و در سراسر دهه هفتاد پر فروش ترین کتاب پس از انجیل به شمار می رفت. (۱)

هم اکنون آمریکاییان به بیش از هزار و چهارصد ایستگاه رادیویی گوش فرا می دهند که برنامه های مذهبی پخش می کنند (۲) و هشتاد هزار کشیش بنیاد گرای پروتستان، روزانه از چهارصد ایستگاه رادیویی به تبلیغ مرام و مکتب خویش می پردازند. از این تعداد، اکثریت آنها را هواخواهان مشیت الهی (نبرد پیروزمند مسیحیان در آخرالزمان) تشکیل می دهند. (۳)

این مبلغان جنگ که بیشتر درباره حمایت خداوند از مسیحیان و عظمت و آینده درخشان ایشان سخن می گویند، با استفاده از شبکه های تلویزیونی خویش، هم اکنون حدود شصت کشور را تحت پوشش قرار داده اند. قابل ذکر است که یکی از ایستگاه های تلویزیونی مروج این نوع دیدگاه در جنوب لبنان حضور فعال دارد.

ص: ۵۹۸

-
- ۱- . تدارک جنگ بزرگ، ص ۱۹.
 - ۲- . جهت اطلاع از نقد این گونه برنامه ها ر.ک: زندگی در عیش، مردن در خوشی، نیل پستمن، ترجمه صادق طباطبایی، فصل هفتم، ص ۲۱۹ به بعد.
 - ۳- . تدارک جنگ بزرگ، ص ۲۶.

یکی دیگر از فعالیتهای در خور توجه این گروه، تربیت یکصد هزار کشیش متعصب، و مدافع مسیحیت و جنگ طلب است که عمده فعالیت خود را در آمریکا متمرکز کرده اند. جالب است بدانیم مفسران و نظریه پردازان این نظریه تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی واژگانی همچون روش، ماشک، توبال، فارس و جومرو توجرمه را که به زعم اینان، حریفان اصلی نبرد مجددون را تشکیل می دهند، به ترتیب بر روسیه، مسکو، توبولسک (یکی از شهرهای شوروی سابق)، ایران، شمال آفریقا یا کشورهای اروپای شرقی و قزاقهای جنوب روسیه تطبیق می کردند. این گروه نسبتاً قدرتمند با توجه به اعتقادات خویش، صلح یا سازش خاورمیانه را برخلاف مشیت الهی ارزیابی می کنند و ضمن آنکه روابط خویش را با دولت اسرائیل مستحکم می سازند، تشکیل رژیم صهیونیستی را مقدمه ظهور مسیح ارزیابی می کنند.

جری فاول که یکی از کشیشان معروف و از رهبران این گروههای افراطی است درباره روند صلح خاورمیانه و پیمان کمپ دیوید می گوید:

ص: ۵۹۹

«به رغم انتظارهای خوش بینانه و دور از واقع بینی دولت ما، این قرارداد پیمان پایداری نخواهد بود. ما از صمیم قلب برای صلح در اورشلیم دعا می کنیم.»

ما به یقین بالاترین احترامها را برای نخست وزیر اسرائیل و ریاست جمهوری مصر قائل هستیم، این دو نفر مردان بزرگی هستند و در این هیچ تردیدی نیست... اما هم شما، هم من می دانیم تا روزی که خداوندگار ما عیسی مسیح بر روی تخت داوود در اورشلیم (قدس) جلوس نکند، صلحی در خاورمیانه برقرار نخواهد شد.» (۱)

با تأسف بایستی اظهار داشت این دیدگاه افراطی تنها به پژوهشگران راست مسیحی و برخی کشیشان محدود نمی شود؛ بلکه رسوبات این طرز تلقی در یکی از مهم ترین نظریات سیاسی - راهبردی، یعنی نظریه جنگ تمدنها و در پیوند با اهداف دراز مدت قدرتهای بزرگ به خوبی قابل مشاهده است.

نظریه جنگ تمدنها که استخوان بندی سیاست خارجی و دفاعی آمریکا را شکل داده است درباره آینده جوامع بشری به ویژه دو تمدن اسلام و غرب، نگاهی نزدیک به مشیت طلبان مسیحی داشته، ابراز می دارد: «تقابل اصلی جوامع بشری برخورد فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی است.» (۲)

ص: ۶۰۰

۱- تدارک جنگ بزرگ، ص ۲۶، با اندکی تصرف.

۲- هویت، ص ۲۶ و نفوذ و استحاله، ص ۲۷.

از مجموع مطالب گذشته، این حقیقت را می توان دریافت که بحث انتظار بین مثلث اسلام، مسیحیت و یهودیت و به عبارتی ادیان ابراهیمی به صورت جدی مطرح است.

در این میان از آنجا که هویت شیعه در پیوند با مفهوم انتظار قوام می یابد و انقلاب اسلامی نیز داعیه دار همین بینش است، با قاطعیت می توان اظهار داشت که بار انتظار، بیش از دیگر مذاهب بر دوش شیعه دوازده امامی است. از سوی دیگر، برداشت سیاسی قدرت مدارانه صهیونیستها از مفهوم انتظار مسیحا و مسیحیان از بازگشت عیسی (ع) نقطه ای پرتنش را به وجود می آورد.

در عین حال، اندیشه انتظار موعود در شیعه با توجه به غنای محتوایی و گیرایی آن، فرصتی طلایی را در آغاز هزاره سوم به دست آورده است. استفاده هدفدار و روشمندانانه از این فرصتها می تواند راه را بر اندیشه های رقیب ببندد یا دست کم آنان را بی رقیب نگذارد. در مقابل، بی توجهی و ناکارآمدی برنامه ها با توجه به شرایط موجود، ضمن آنکه راه نفوذ و هجوم را برای اندیشه های دیگر باز خواهد گذاشت، نتیجه ای جز نبرد انتظارها و پیرو آن، جنگ منتظران در پی نخواهد داشت.

فصل ششم: عصر انتظار

مهدویت و مدعیان دروغین

مقدمه

اعتقاد به حضرت مهدی (ع) از زمان پیامبر اکرم (ص) رواج داشته است. آن حضرت در موارد متعدد از غیبت طولانی، ظهور و قیام حضرت مهدی (ع) و ویژگی آن بزرگوار خبر داده اند. تقریباً بعد از واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) ادعای مهدویت کم کم آغاز گشت و پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) در سال (۲۶۰ هـ. ق) و شروع غیبت صغرا، عده ای رسماً ادعای مهدویت، نیابت و بابت کردند. مانند: محمد بن علی شلمغانی (۱)، محمد بن علی بن هلال (۲)، محمد بن نصیر نمیری (۳)، احمد بن هلال کرخی (۴)، حسین بن منصور حلاج (۵)، ابو محمد حسن شریعی (۶)، محمد بن عبدالله (نفس زکیه) (۷)، علی محمد شیرازی (۸)، غلام احمد خان (قادیانیه) (۹)، مهدی سودانی (احمد بن عبدالله) (۱۰)، و افراد دیگر که تا به امروز همچنان این نوع ادعاهای دروغ ادامه دارد. (۱۱) برخی از نویسندگان حدود چهل و شش نفر را نام برده اند که مدعی مهدویت بودند؛ (۱۲) ولی قطعاً بیش از این تعداد است.

ص: ۶۰۲

- ۱- شلمغانی از یاران امام عسکری (ع) بود و در آغاز انحرافی نداشت؛ اما پس از شهادت امام (ع) انتظار نیابت داشت و بر ضد حسین بن روح کارشکنی کرد و در نهایت از جانب امام زمان (ع)، توقیعاتی بر ضد او صادر گردید و سرانجام به امر سلطان وقت به دار آویخته شد. ر.ک: خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال، یوسف بن مطهر حلّی، ص ۳۹۹، شماره ۱۶۴۰؛ احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۳۷۸ و ۳۷۹، شماره ۱۰۲۹.
- ۲- ابن هلال از نزدیکان امام حسن عسکری (ع) است، ولی رفته رفته پیروی از هوای نفس را در پیش گرفت و عاقبت ادعای وکالت از جانب امام مهدی (ع) کرد. وی نایب دوم امام زمان (ع) را منکر شد. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۰۰، ح ۳۷۴.
- ۳- نمیری یکی از رقبای محمد بن عثمان بود که نیابت وی را قبول نداشت و خود ادعای نیابت کرد. او کسی است که امام هادی (ع) او را لعن کرد. ر.ک: شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال (رجال الکشی)، ص ۵۲۰ و ۵۲۱، شماره ۹۹۹ و ۱۰۰۰؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۳۸۹ و ۳۹۸.
- ۴- کرخی از یاران حضرت هادی (ع) یا امام عسکری (ع) بود. وی مشهور به غلو و مورد لعن و نفرین ابدی است. ر.ک: احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۸۳ شماره ۱۹۹؛ الفهرست، ص ۸۳، شماره ۱۰۷؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۳۹۹-۴۰۱.
- ۵- حلاج در سال ۲۷۰ هـ ق به مکه سفر کرد و از آنجا به اهواز رفت و خود را رسول امام غایب و باب آن حضرت معرفی کرد. به همین جهت علمای علم رجال او را از مدعیان با بیت شمرده اند. ر.ک: اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۲، ص ۴۸؛

الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۰۱-۴۰۳.

۶- وی نخستین کسی بود که به دروغ ادعای نیابت امام زمان(ع) کرد. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۷.

۷- وی در سال ۱۴۵ هـ ق ادعای مهدویت کرد. ر.ک: سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی(ع) از ولادت تا ظهور، ص ۵۷۰ به بعد.

۸- در سال ۱۲۶۴ هـ ق در زمان سلطنت محمدشاه مجلسی را با حضور ناصرالدین میرزا و چندتن از علما ترتیب دادند که در آن علی محمد آشکارا از مقام مهدویت خود سخن گفت. ر.ک: فاضل مازندرانی، ظهور الحق، ج ۳، ص ۱۴.

۹- وی در سال ۱۰۹۴ م خود را مسیح مهدی موعود و تا را کریشنا معرفی کرد. ر.ک: فرهنگ فرق اسلامی، محمد جواد مشکور، ص ۳۹.

۱۰- سودانی در سال حدود (۱۳۰۰ق) به کمک انگلیس ادعای مهدویت کرد. ر.ک: محمد بهشتی، ادیان و مهدویت، ص ۷۱.

۱۱- مخصوصاً در چند سال اخیر بر تعداد این افراد افزوده شده است. برخی از آنها تا به حال دستگیر و محکوم به اعدام یا زندان شده اند. می توانید در ویژه نامه مجله جام جم، کژراهه، (تأملی در عرفانها و شبه عرفانهای دروغین)، انتشارات جام جم، اسفند ۱۳۸۶؛ و قبيله حيله (نگرشی بر کارنامه مدعیان معنویت و مهدویت)، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۹، این گونه مطالب را ملاحظه کنید.

۱۲- هویت، ص ۲۶ و نفوذ و استحاله، ص ۷۱-۸۳.

فصل ششم: عصر انتظار

مهدویت و مدعیان دروغین

ادعاهای مدعیان

تحقیقات به عمل آمده نشان می دهد که مدعیان دروغین هر کدام برخی از ادعاهای زیر را مطرح و با فریب و نیرنگ، دیگران را به خود جذب می کنند.

۱. ادعای مشاهده یا ارتباط با امام زمان (ع).

۲. ادعای ارتباط با عوالم غیب و ملکوت.

۳. ادعای مهدویت و تعیین تاریخ ظهور.

۴. ادعای داشتن عقل کل، علم لدنی و نفس گرم.

۵. ادعای داشتن شعور کیهانی، علوم باطنی و انرژی عوالم هستی.

۶. ادعای داشتن موکل، همزاد، جن و ...

ص: ۶۰۳

۷. ادعای پیشگویی و آینده نگری.

۸. ادعای مؤثر بودن اذکار و اورادی غیر مأثوره که با روشهای مخصوص به دیگران ارائه می کنند.

۹. ادعای خبر داشتن از ذخایر زیرزمینی و گنجهای پنهان.

۱۰. ادعای داشتن چشم برزخی و آگاهی از سرّ و درون انسانها.

۱۱. تکفیر اشخاصی که با عقاید آنان مخالفت می کنند.

۱۲. گفتن دروغهای بزرگ با مهارت خاص و حساب شده برای جذب تک تک مدیران.

۱۳. چهره کردن خود با عنوان شخصیت‌های عرفانی و دارای مکارم معنوی و نائل شدن به مقام عالی معنوی مؤید به تأییدات امام زمان(ع) تا حد مقربین آن حضرت.

ص: ۶۰۴

فصل ششم: عصر انتظار

مهدویت و مدعیان دروغین

انگیزه های مدعیان دروغین

طبق تحقیق به عمل آمده می توان علل ادعای دروغین و انگیزه های مدعیان دروغین را در موارد زیر مورد توجه قرار داد:

۱. جاه طلبی و قدرت خواهی: قدرت طلبی یکی از عوامل مهم در عملکرد فریب کارانه و جاه طلبانه این گروه است. آنان برای جلب عواطف و بدست آوردن قدرت و مقام به چنین ادعاهایی متوسل شده و ای بسا خود را مهدی نجات بخش معرفی می کنند. از جمله این گروه می توان مهدی عباسی را نام برد. پدرش منصور دوانقی ادعا کرد که پسرش مهدی عباسی همان مهدی موعود است.

۲. شهرت طلبی: رسیدن به شهرت نیز از عوامل بسیار مهم در پیدایش مذهبهای ساختگی و ادعاهای دروغین است. از آثار بد این صفت رذیله آنست که انسان را برای دستیابی به شهرت و بزرگ شدن به سوی کارهای خطرناک می کشاند.

ص: ۶۰۵

۳. طمع ورزی: در زمان غیبت صغری برخی برای آنکه اموال امام زمان(ع) را به وکیل و نماینده واقعی اش تحویل ندهند، ادعای نیابت و بابت کردند. در حال حاضر نیز برای اینکه برخی بتوانند نذورات و هدیه هایی که به عشق امام زمان(ع) از سوی خیل عظیم دوستداران امام عصر(عج) سرازیر می شود به خود اختصاص دهند، به چنین دروغ بزرگی مبتلا می شوند.

۴. ضعف ایمان و باورهای دینی: یکی دیگر از عوامل چنین ادعاهای نادرستی، ضعف ایمان است. کسانی که ایمان قوی و باورهای محکم و عمیق داشته باشند، هرگز چنین اجازه ای به خود نمی دهند که مردم را از راه دین منحرف سازند و کار ابلیس را در پیش گیرند.

۵. استفاده ابزاری: موضوع مهدویت همیشه مورد توجه جامعه اسلامی بوده و هست. این موضوعی است که تمام ادیان و مذاهب جهان به آن اذعان دارند، از این رو اعتقاد به ظهور شخصی مصلح در آخرالزمان و نجات نوع بشر از انواع و اقسام مصایب و تنگناها تقریباً به صورت عقیده مشترک میان همه مردم در آمده است. در برخی از زمانها، شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، موقعیت مناسبی برای برخی از افراد بوجود می آورد تا برای پیشبرد اهداف خاص خود از موضوع مهدویت بهره بردای کنند و با طرح ادعاهایی توجه مردم را به سوی خود جلب کنند.

۶. نقشه استعمار: بعضی از مدعیان دروغین، بر اساس نقشه و خواست استعمارگران ادعای مهدویت کردند. استعمار پلید، برای درهم کوبیدن اسلام و ایجاد تفرقه و کینه توزی در جامعه اسلامی، نقشه های خائنانه بسیاری کشید. از جمله نقشه های شیطانی استعمار در این میدان ساختن مرامها و مسلکهای مختلف میان مسلمانان و بازی با مفاهیم و اعتقادات دینی آنان بود تا بدین وسیله، بی ایمانی، سست باوری و تزلزل دلها را در جامعه اسلامی پدید آورد. از جمله چیزهایی که در این میدان از آن بهره بردند، اندیشه عقیده به مهدی موعود(ع) بود. در این راه برخی عناصر را به دلخواه خود تربیت کردند و به آنان دستور دادند ادعای مهدویت کنند و با همه امکانات در این راه به آنان یاری رسانند.

ص: ۶۰۷

فصل هفتم: عصر ظهور

عصر ظهور در کلام امام باقر(ع)

مقدمه

امامان معصوم(ع) به سبب اهمیت مسئله مهدویت و غیبت دوازدهمین حجت الهی در فرصتهای مناسب از عصر ظهور سخن گفته و شیعیان را با نشانه ها، علائم و ویژگیهای دولت کریمه حضرت قائم(ع) آشنا ساخته اند.

این آگاهیها و اطلاع رسانی آن ستارگان هدایت، باعث شده است که اهل ایمان و منتظران حکومت عدل حضرت مهدی(ع) بیش از پیش امیدوار و دل بسته آن عصر شده، نسلهای بعدی را نیز با این فرهنگ مأنوس کنند.

دلدادگان فرهنگ انتظار با همه مشکلات و گرفتاریهایی که دشمنان برایشان فراهم می آورند، هرگز امید به رسیدن آن روز دیدنی و لذتبخش را از دست نمی دهند؛ بلکه شوق و عشقشان بیشتر می شود و زیر لب زمزمه می کنند:

چه خوش باشد که بعد از انتظاری

به امیدی رسد امیدواری

سخن از خصوصیات انقلاب جهانی آن یار سفر کرده، زمانی شیرین تر می شود که امامان معصوم(ع) ویژگیها و نشانه های عصر ظهور حضرت قائم آل محمد(ص) را برایمان توصیف کنند و بذر امید و آرزوی استقرار دولت کریمه امام زمان(ع) را در دلهای به انتظار نشستہ مان شکوفا سازند تا رایحه دل انگیز دوران ظهور در روح و جسم انسانهای خسته از ظلم، ناعدالتی، فتنه و فساد، حیاتی تازه ببخشند.

اگر آن نایب رحمان ز درم باز آید

عمر بگذشته به پیرانه سرم باز آید

دارم امید خدایا که کنی تأخیری

در اجل تا به سرم تاج سرم باز آید

ص: ۶۰۹

گر نثار قدم مهدی هادی نکنم

گوهر جان به چه کار دگرم باز آید

آنکه فرق سر من خاک کف پای وی است

پادشاهی کنم ار او به سرم باز آید

کوس نو دولتی از بام سعادت بزنم

گر بینم که شه دین ز درم باز آید

می روم در طلبش کوی به کوی، دشت به دشت

شخصم ار باز نیاید خبرم باز آید

«فیض» نو مید مشو در غم هجران و منال

شاید ار بشنود آه سحرم، باز آید (۱)

امام باقر(ع) در گفتاری امیدآفرین و نشاط بخش به منتظران حقیقی آن حضرت چنین مژده می دهد:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ فَيَأْطُبُوهُمُ لِلثَّابِتِينَ عَلَى أَمْرِنَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ إِنَّ أَدْنَى مَا يَكُونُ لَهُمْ مِنَ الثَّوَابِ أَنْ يُنَادِيَهُمُ الْبَارِيُّ عَزَّ وَجَلَّ عِبَادِي أَمْتُمْ بِسَرِّي وَصِيَدْتُمْ بِغَيْبِي فَأَبْشِرُوا بِحُسْنِ الثَّوَابِ مِنِّي؛» (۱) (زمانی بر مردم می آید که امامشان از منظر آنان غایب می شود. خوشا به حال آنان که در آن زمان در امر [ولایت] ما اهل بیت ثابت قدم و استوار بمانند. کمترین پاداشی که به آنان می رسد، این است که خدای متعال خطابشان می کند و می فرماید: بندگان من! شما به حجت پنهان من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید. پس بر شما مژده باد که بهترین پاداش من در انتظارتان است.»

آن گاه امام باقر(ع) ادامه داد: «خداوند متعال برای ارجگذاری از چنین منتظران راستینی به آنان می فرماید: شما مردان و زنان، بندگان حقیقی من هستید. رفتار نیک و شایسته تان را می پذیرم و از کردار ناپسندتان عفو می کنم و برای شما سایر گنه کاران را می آمرزم و بندگانم را به سبب شما با باران رحمت خود سیراب و از آنان بلا را دفع می کنم. ای عزیزترین بندگان من! اگر شما نبودید، عذاب دردناک خود را به مردم نافرمان نازل می کردم.» (۲)

ص: ۶۱۱

۱- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۰.

۲- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۰.

پیشوای پنجم(ع) در توصیف یاران حضرت مهدی(ع) که در زمان غیبت، خود را برای شرکت در قیام جهانی آن حضرت آماده می کنند، به ابو خالد کابلی فرمود: «من به گروهی می نگرم که در آستانه ظهور از طرف مشرق زمین به پا می خیزند. آنان به دنبال طلب حق و ایجاد حکومت الهی تلاش می کنند. بارها از متولیان حکومت اجرای حق را خواستار می شوند؛ اما با بی اعتنایی مسئولان مواجه می شوند. وقتی که وضع را چنین ببینند، شمشیرهای خود را به دوش می نهند و با اقتدار و قاطعیت تمام در انجام خواسته شان اصرار می ورزند تا اینکه سردمداران حکومت نمی پذیرند و آن حق طلبان ثابت قدم، به قیام و انقلاب ناگزیر می شوند و کسی نمی تواند جلوگیرشان شود. این حق جویان وقتی که حکومت را به دست گرفتند، آن را به غیر از صاحب الامر(ع) به شخص دیگری نمی سپارند. کشته های اینها همه از شهیدان راه حق محسوب می شوند.»

حضرت باقرالعلوم(ع) در اینجا به ابو خالد کابلی جمله ای زیبا فرمود که می تواند نصب العین همه منتظران لحظات ظهور باشد. آن حضرت فرمود: «أَمَّا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ (۱) مطمئنا بدان! اگر من آن روزگاران را درک کنم، جانم را برای فداکاری در رکاب حضرت صاحب الامر(ع) تقدیم می دارم.»

امام پنجم (ع) در باره استقامت و استواری یاران حضرت مهدی (ع) به آیه ای از قرآن استناد کرد و در تفسیر آیه (فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا)؛ (۱) «هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما برمی انگیزیم [تا شما را سخت درهم کوبند و برای به دست آوردن مجرمان] خانه ها را جستجو می کنند و این وعده ای قطعی است.» فرمود: «این بندگان پیکارجو و مقاوم که به طرفداری از حق به پا می خیزند، همان حضرت قائم و یاران وفادار او هستند.» (۲)

ص: ۶۱۳

۱- . اسراء / ۵.

۲- . تفسیر، عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱.

در آستانه ظهور حضرت مهدی(ع) اوضاع جهان به بدترین وضع خود می رسد و ظلم، ناعدالتی، تبعیض و تضییع حقوق دیگران به بدترین وضع خود تبدیل می شود و مردم از هر شخص و حکومتی ناامید می شوند و به دنبال روزنه امید و ندای عدالتی می گردند که آنان را از آن منجلاب ستم و از چنگال زورمداران و مستکبران نجات بخشد. مردم، چنان از دست دروغگویان فتنه انگیز و فرصت طلب به تنگ می آیند که شب و روز، آرزوی قیام منادی عدالت را در سر می پروراند.

حضرت امام باقر(ع) فضای تاریک جهان، را پیش از ظهور این گونه بیان می کند: «لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزِلٍ وَفِتْنَةٍ وَبَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ وَطَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَسَيِّفٍ قَاطِعٍ بَيْنَ الْعَرَبِ وَاخْتِلَافٍ شَدِيدٍ بَيْنَ النَّاسِ وَتَشْتِيتٍ فِي دِينِهِمْ وَتَغْيِيرٍ فِي حَالِهِمْ حَتَّى يَتَمَنَّى الْمُتَمَنَّى الْمَوْتَ صَبَاحًا وَمَسَاءً مِنْ عَظَمٍ مَا يَرَى مِنْ كَلْبِ النَّاسِ وَأَكْلِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا» (۱). حضرت قائم(ع) قیام نمی کند، مگر در حال ترس شدید مردم و زلزله ها و فتنه و بلایی که بر مردم فرا رسد و پیش از آن، گرفتار طاعون می شوند. آن گاه شمشیر برنده میان اعراب حاکم می شود و اختلاف میان مردم و تفرقه در دین و دگرگونی احوالشان به اوج می رسد؛ به گونه ای که هر کس بر اثر مشاهده درنده خوبی و گزندگی ای که میان برخی از مردم نسبت به بعضی دیگر به وجود می آید، صبح و شام، آرزوی مرگ می کند. «آن گاه امام افزود: «وقتی که یأس و ناامیدی تمام مردم را فرا گرفت و دیگر از هر جهت خود را در بن بست احساس کردند، امام غایب(ع) قیام می کند.»

برای اجرای عدالت و گسترش مساوات در جامعه اسلامی لازم است که موانع عدالت را از میان برداشت و راه آن را هموار کرد؛ زیرا اصحاب زر و زور و تزویر و کسانی که از درهم ریختگی جامعه در راه ترویج فساد و انحراف بهره می برند، هرگز از عدالت و برنامه های عادلانه راضی نخواهند بود و با توسل به هر شیوه ای در مسیر احقاق حقوق مردم سنگ اندازی خواهند کرد.

بنابراین، یکی از مهم ترین ویژگیهای زمامداران عادل، قاطعیت و صلابت در مقابله با دشمنان داخلی و خارجی است. امام زمان (ع) نیز با اقتدار کامل، مخالفان اسلام و دشمنان عدالت را سرکوب خواهد کرد. امام باقر (ع) می فرماید: «لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا بِالسَّيْفِ؛» (۱) (آن حضرت [در سرکوب دشمنان قسم خورده اش] فقط شمشیر را می شناسد.)

او در قاطعیت همانند جدش رسول خدا (ص) عمل خواهد کرد و به خیانتکاران، کافران و عوامل داخلی دشمن اجازه هیچ گونه توطئه ای نخواهد داد.

ص: ۶۱۵

حضرت باقر(ع) درباره شباهت حضرت مهدی(ع) به پیامبران الهی مطالبی فرموده و درباره تشابه حضرت خاتم اوصیا به حضرت خاتم انبیا(ص) فرموده است: «وَأَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ (ص) فَالْقِيَامُ بِالسَّيْفِ وَتَبْيِينُ آثَارِهِ ثُمَّ يَضَعُ سَيْفَهُ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ فَلَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛ (۱) و اما [شباهت حضرت مهدی(ع)] به پیامبر اکرم(ص) قیام با شمشیر است [که دشمنان لجوج را از میان برمی دارد] و آثار آن حضرت را آشکار می کند. آن گاه هشت ماه به صورت مسلح و آماده به سر می برد و همواره با دشمنان خدا مبارزه می کند تا اینکه خداوند راضی شود.»

ص: ۶۱۶

۱- . اکمال الدین، ص ۳۲۹.

بدون تردید، بانوان شایسته و متعهد در دولت آن حضرت جایگاه ارزشمندی دارند. نقش زن در آن زمان، همانند زنان صدر اسلام، فراخور حال آنان و با توجه به موقعیت ویژه شان خواهد بود؛ یعنی همان رسالتی که یک زن مسلمان، طبق آیین اسلام به دوش گرفته است، در عصر ظهور نیز به آن پای بند خواهد بود. آنچه از روایات برمی آید، آن است که عده ای از کارگزاران آن حضرت از بانوان ارجمند هستند. جابر بن یزید جعفی از یاران نزدیک امام محمد باقر(ع) به نقل از آن حضرت فرمود: «وَيَجِيءُ ءِ وَاللَّهِ ثَلَاثُ مَائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ؛ (۱)» به خدا سوگند! ۳۱۳ نفر یاران مهدی(ع) می آیند که پنجاه نفر از آنان زن هستند و بدون هیچ گونه وعده قبلی در شهر مکه، جمع می شوند.»

روایت دیگری در این باره از ام سلمه، همسر رسول خدا(ص) از طریق اهل سنت نقل شده است که پیامبر اکرم(ص) در آن گفتار با اشاره به عصر ظهور و اجتماع یاران حضرت مهدی(ع) در اطراف آن حضرت می فرماید: «يَعُوذُ عَائِدَةٌ فِي الْحَرَمِ فَيَجْتَمِعُ النَّاسُ إِلَيْهِ كَالطَّيْرِ الْوَارِدِ الْمُتَفَرِّقَةِ حَتَّى يَجْتَمِعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُ مَائَةٍ وَأَرْبَعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِ نِسْوَةٌ...؛ (۲)» [در زمان ظهور] پناه خواهی به حرم خداوند در مکه پناهنده می شود. مردم همانند کبوتران از هر سو به جانب او رو می آورند تا اینکه سیصد و چهارده نفر که عده ای از آنان زن هستند، دور او را می گیرند.» سپس ادامه داد: «و از همانجا خروج می کنند و بر تمام ستمگران و اعوان و انصارشان پیروز می شوند و عدل را آن چنان در روی زمین برقرار می سازند که زندگان آرزو می کنند که ای کاش مرده هایشان نیز از طعم آن عدالت می چشیدند.»

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲.

۲- معجم احادیث المهدی(ع)، ج ۱، ص ۵۰۱ و المعجم الأوسط، ج ۵، ص ۳۳۴.

فصل هفتم: عصر ظهور

عصر ظهور در کلام امام باقر(ع)

مخالفان دولت مهدوی

سران جبهه باطل، معمولاً افرادی خودخواه، متکبر و صاحب صفات ناپسند انسانی هستند که در مقابل حق خودنمایی می کنند. آنان چنان در منجلاب فساد و گناه غوطه ورنند که انسانهای حق طلب و جلوه های فضیلت را خطرناک ترین دشمنان خویش قلمداد می کنند. به همین سبب، تمام تلاشهای خود را برای نابودی آیین حق و رهبران الهی به کار می گیرند؛ اما خداوند، طبق سنت پایدار خود همواره حق را پیروز ساخته و دشمنانش را مأیوس و مغلوب کرده است.

قرآن می فرماید: (يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُنِيرَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)؛ (۱) «[مخالفان حق] می خواهند نور خدا را با دهانهای خود خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی خواهد که نورش را کامل کند؛ هر چند کافران را خوش نیاید.»

ص: ۶۱۸

تلاشهای زیادی در عصر ظهور، صورت می گیرد تا از استقرار حکومت قائم آل محمد(ص) جلوگیری شود، اما آن حضرت به لطف و مدد الهی، تمام موانع را از میان برمی دارد.

سفیانی یکی از دشمنان سرسخت حضرت مهدی(ع) است. امیر مؤمنان علی(ع) درباره جنایات وی به کوفیان فرمود: «بدا به حال کوفه! سفیانی چه جنایاتی در آنجا انجام می دهد؛ به حریم شما تجاوز می کند، کودکان را سر می برد و ناموس شما را هتک می کند.»(۱)

امام باقر(ع) درباره ویژگیهای وی فرمود: «اگر سفیانی را مشاهده کنی، در واقع پلیدترین مردم را دیده ای. وی دارای رنگی بور و سرخ و کبود است. هرگز برای بندگی خدا سر فرو نیاورده و مکه و مدینه را ندیده است.»(۲)

همچنین آن بزرگوار می فرماید: «گویا من سفیانی (سرکرده دشمنان حضرت امام عصر(ع)) را می بینم که در زمینهای سرسبز شما در کوفه اقامت گزیده، ندا می دهد که هر کس، سر یک نفر از شیعیان علی(ع) را بیاورد، هزار درهم پاداش اوست. در این هنگام، همسایه به همسایه دیگر حمله می کند و می گوید: این شخص از شیعیان است. او را می کشد و هزار درهم جایزه می گیرد.»(۳)

ص: ۶۱۹

۱- . یوم الخلاص، ص ۹۳.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

۳- . ص ۲۱۵.

شیصبانی نیز یکی دیگر از سران جبهه باطل در عصر ظهور است. او از دشمنان کینه توز اهل بیت (ع) و حضرت مهدی (ع) است. ریشه اش به بنی عباس می رسد و شخصی بد کردار، شیطان صفت و گمنام است. امام باقر (ع) به جابر جعفی فرمود: «سفیانی خروج نمی کند؛ مگر آنکه پیش از او، شیصبانی در سرزمین عراق خروج می کند. او همانند جوشیدن آب از زمین، یکباره پیدا می شود و فرستادگان شما را به قتل می رساند. پس از آن در انتظار خروج سفیانی و ظهور قائم (ع) باشید.» (۱)

دجال نیز فتنه گری کذاب و فریبنده است که موجی از آشوب و فتنه به پا می کند و بسیاری را با دسیسه های شیطانی اش می فریبد. چشم راست او ناپیداست و نام اصلی اش صیف بن عائد است. او ادعای خدایی می کند. در سحر و جادو، زبردست و در فریب مردم، مهارت عجیبی دارد و شیطان صفتان، اطراف او گرد می آیند.

طبق مشیت الهی و سنت تغییرناپذیرش در طول تاریخ همواره به اثبات رسیده است که اهل باطل همچون کف روی آب، نابود شدند هستند. سرانجام حضرت مهدی (ع) نیز با غلبه بر سران کفر و فتنه و نفاق طومار زندگانی دشمنان فضیلت و کمال را درهم می پیچد و بساط عدل و داد و انسانیت را در روی زمین می گسترد.

ص: ۶۲۰

فصل هفتم: عصر ظهور

امدادهای غیبی در عصر ظهور

مقدمه

بدون تردید از برترین آموزه های انبیا، ایمان به غیب است؛ به گونه ای که خداوند در ابتدای صحیفه آسمانی خود، آن گاه که ویژگیهای پرهیزگاران را برمی شمرد، ابتدا ایمان به غیب را بیان می فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...»؛ (۱)

«این است کتابی که در آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوایندگان است؛ آنان که به غیب ایمان می آورند...»

بخشی از این اعتقاد به غیب، مربوط به اعتقاد به امدادهای غیبی الهی است. این امدادهای الهی در طول تاریخ به بهترین نحو ممکن به کمک انسانها آمده و آنها را از نابودی، حفظ کرده است. از آیات قرآن به روشنی استفاده می شود که خداوند در مقابله حق و باطل، جانب جریان حق را نگه می دارد و از آن دفاع می کند، و این دفاع خداوند، گاهی از طریق نیروهای پنهان و امدادهای غیبی صورت می گیرد.

ص: ۶۲۱

البته، در بزرگ‌ترین و وسیع‌ترین رویارویی حق با باطل و انقلابی که در راستای اهداف انبیا در نظام هستی رخ خواهد داد، این سنت الهی بیش از پیش جلوه خواهد کرد.

اساس قیام حضرت مهدی(ع) بر امور طبیعی است؛ ولی به اقتضای گستردگی آن، خداوند تبارک و تعالی نیز برخی نیروهای غیبی و فوق‌طبیعی را در اختیار آن حضرت قرار خواهد داد تا اسباب پیروزی ایشان هر چه بهتر فراهم آید.

از آیات و روایات موارد ذیل را به عنوان برخی امدادهای غیبی می‌توان یادآور شد:

ص: ۶۲۲

نصرت الهی

نصرت الهی یکی از نمونه های بارز جانبداری خداوند از اهل ایمان و جریان حق است. در این باره در آیه ۴۰ سوره حج می خوانیم: (وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ)؛ «و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری کند یاری می دهد؛ چرا که خدا سخت نیرومند شکست ناپذیر است.»

در روایات فراوانی از نصرت الهی به عنوان یکی از عوامل پیروزی حضرت مهدی (ع) در قیام جهانی آن حضرت یاد شده است. پیامبر اکرم (ص) در این باره فرمود: «قَائِمٌ أَهْلِ بَيْتِي... يُؤَيِّدُ بِنَصْرِ اللَّهِ» (۱) قائم اهل بیت من... به نصرت الهی تایید می شود.»

ص: ۶۲۳

از دیگر نیروهای غیبی خداوند که به یاری مؤمنان آمده و می آیند، فرشتگان هستند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) در روایتی پس از آنکه نصر الهی را از جمله امدادهای غیبی مربوط به قیام خاتم اوصیا (ع) ذکر فرمود، چنین ادامه می دهد: «وَيُنْصِرُ بِمَلَائِكَةِ اللَّهِ» (۱) با ملائکه الهی یاری می شود.»

امام صادق (ع) نیز در بیانی نورانی ذیل آیه شریفه (أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ) (۲) چنین فرمود: «هُوَ أَمْرُنَا، أَمْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا تَسْتَعْجِلُوا بِهِ حَتَّىٰ يُؤَيِّدَهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ: الْمَلَائِكَةِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الرَّعْبَ» (۳) آن امر، به امر ما اشاره دارد. امر خداوند، این است که در باره آن شتاب نورزید تا خداوند آن را با سه لشکر فرشتگان، مؤمنان و ترس، او را [در برابر موانع و دشمنان] یاری دهد.»

از روایات به دست می آید که این فرشتگان در سه گروه به یاری حضرت می شتابند:

ص: ۶۲۴

۱- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۲

۲- . نحل / ۱.

۳- . الغیبه، نعمانی، ص ۲۴۳، ح ۴۳.

روایات فراوانی درباره نزول فرشته وحی و دیگر ملائکه مقرب خداوند هنگام ظهور، در دست است که از عظمت قیام حضرت مهدی(ع) حکایت دارد.

- در همین باره در روایاتی چند از جبرئیل به عنوان نخستین بیعت کننده با حضرت مهدی(ع) یاد شده است.

امام باقر(ع) در این باره فرموده است: «فَيَكُونُ أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جِبْرَائِيلُ؛» (۱) پس نخستین کسی که با او بیعت می کند، جبرئیل است.»

برخی دیگر از روایاتی که همراهی فرشتگان مقرب الهی با حضرت مهدی(ع) را در قیام بزرگ آن حضرت یادآور شده اند، از این قرار است:

شیخ مفید(رحمه الله) در امالی خود با ذکر سند به نقل از حضرت سجاد(ع) درباره قیام امام مهدی(ع) چنین آورده است: «كَأَنِّي بَصَيْتُ أَحِبِّكُمْ قَدْ عَلِمَا فَوْقَ نَجْفِكُمْ بِظَهْرِ كُوفَانَ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا جِبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ وَ إِسْرَافِيلُ أَمَامَهُ؛» (۲) گویا [می بینم] صاحب شما را که بر نجف شما، پشت کوفه همراه سیصد و چند نفر بالا رفته است و جبرئیل سمت راست او و میکائیل سمت چپ و اسرافیل در مقابل اوست.»

ص: ۶۲۵

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۵، ح ۱۰.

۲- امالی، شیخ مفید، ص ۴۵، ح ۵.

همچنین از امام صادق(ع) نقل است که فرمود: «لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يَكُونَ تَكْمِلَهُ الْحَلَقَةُ قُلْتُ وَ كَمْ تَكْمِلُهُ الْحَلَقَةُ؟ قَالَ: عَشْرَةَ آلَافٍ، جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ...» (۱) قائم، خروج نخواهد کرد، مگر حلقه [سپاه] به کمال و تمام رسد. عرض کردم: حلقه به چه مقدار کامل می شود؟ فرمود: ده هزار که جبرئیل از سوی راست آن و میکائیل از سوی چپ آن قرار دارند.»

همچنین از روایات استفاده می شود که جبرئیل، پرچم قیام حضرت مهدی(ع) را می آورد. شخصی از امام صادق(ع) پرسید که آیا پرچم قیام نزد حضرت است یا اینکه برای او آورده می شود؟ آن حضرت فرمود: «بَلَّ يَأْتِي بِهَا جِبْرَائِيلُ؛» (۲) بلکه جبرئیل آن را می آورد.»

ب) فرشتگان حاضر در جنگ بدر

ص: ۶۲۶

۱- . الغيبة، ص ۳۰۷، ح ۲.

۲- . الغيبة، ص ۳۱۰، ح ۵.

آیات و روایاتی چند، از حضور فرشتگان الهی در جنگ بدر سخن به میان آورده اند. در روایاتی نیز از یاری شدن حضرت مهدی(ع) به نیروی فرشتگان حکایت دارد.

امام باقر(ع) فرمود: «يَا ثَابِتُ كَأَنِّي بِقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ أَشْرَفَ عَلَيَّ نَجْفُكُمْ هَذَا وَ أَوْمَأَ يَدِيهِ إِلَى نَاحِيَةِ الْكُوفَةِ فَإِذَا هُوَ أَشْرَفَ عَلَيَّ نَجْفُكُمْ نَشَرَ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَإِذَا هُوَ نَشَرَهَا انْحَطَّتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ بَدْرٍ...» (۱) ای ثابت! گویی که من هم اکنون قائم اهل بیت خود را می‌نگرم که به این نجف شما نزدیک می‌شود - و با دست خود به سمت کوفه اشاره فرمود - و همین که به نجف شما اشراف پیدا کرد، پرچم رسول خدا(ص) را بر خواهد افراشت و چون آن را برافرازد، فرشتگان بدر بر او فرود آیند.»

امام صادق(ع) فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، نَزَلَتْ مَلَائِكَةُ بَدْرٍ وَ هُمْ خَمْسَةَ آلَافٍ؛» (۲) هنگامی که قائم - که درود خداوند بر او باد - قیام کند، فرشتگان روز بدر (که در جنگ بدر به یاری پیامبر آمدند) فرود می‌آیند و آنان پنج هزارند.»

ص: ۶۲۷

۱- . الغيبة ، ص ۳۰۸ ، ح ۳.

۲- . الغيبة، النعمانی، ص ۲۴۴، ح ۴۴.

فرشتگانی که در قیام عاشورا به زمین نازل شدند، به تقدیر الهی، آن گاه رسیدند که کارزار به پایان رسیده بود و از این روی، خداوند آنها را مأمور ساخت تا هنگام قیام منتقم خون ابا عبدالله (ع) در زمین بمانند و چون آن منتقم ظهور کرد، او را یاری می کنند و انتقام خون شهید کربلا را از ستمگران باز ستانند.

شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا (ع) این حکایت را به طور مفصل به نقل از امام رضا (ع) آورده است که در بخشی از آن چنین می خوانیم:

«وَلَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ لِنَصِيرِهِ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْثٌ غُبْرٌ إِلَى أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَشِعَارُهُمْ يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ؛ (۱) همانا چهارهزار از فرشتگان برای یاری او (امام حسین (ع)) به زمین فرود آمدند؛ اما او را کشته یافتند. پس آنها در مجاورت قبر او ژولیده و غبار آلود تا هنگام قیام قائم (ع) خواهند ماند [و چون قائم ظهور فرماید] آنها از یاران او خواهند بود و شعار آنها یا لثارات الحسین است.»

ص: ۶۲۸

فصل هفتم: عصر ظهور

امدادهای غیبی در عصر ظهور

القای ترس در دل دشمنان

خدای جهان آفرین در قیام جهانی حضرت مهدی(ع) ترس و دلهره را بر قلب کافران، مشرکان و ستمگران حق ستیز خواهد افکند و آنان قدرت تصمیم گیری و مخالفت را به کلی از دست می دهند.

البته، این القای ترس، در زمان پیامبران پیشین نیز وجود داشته است. قرآن شریف به این واقعیت تصریح کرده، آن را از عوامل پیروزی پیامبر گرامی(ص) بر دولتها و ملتهای معاصرش برمی شمارد.

برخی از این آیات عبارت اند از:

الف) (سَيَلْقَى فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ)؛ (۱) «ما به زودی در دلهای کسانی که کفر ورزیدند بیم و هراس خواهیم افکند.»

ص: ۶۲۹

ب) (وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا) (۱)؛ «و در دل‌های آنها ترس [و وحشت] انداخت. گروهی را می کشید و گروهی را به اسارت می گیرید.»

طبق این باور، هیچ مانعی ندارد که یکی از امدادهای الهی برای حضرت مهدی (ع) نیز رعب و ترسی باشد که خداوند در دل دشمنان می اندازد؛ همان گونه که روایات بسیاری بدین واقعیت تصریح کرده اند.

امام باقر (ع) در این باره فرمود: «الْقَائِمُ مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصِيرِ تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ يَبْلُغُ سِلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ دِينَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ (۲) قائم ما با ترس یاری می شود و به نصرت تأیید می شود. زمین برای او در نور دیده شود و گنجهای خود را ظاهر سازد، و سلطنتش شرق و غرب [عالم] را فرا گیرد و خدای تعالی به واسطه او دینش را بر همه ادیان چیره کند؛ گر چه مشرکان را ناخوش آید.»

ص: ۶۳۰

۱- احزاب / ۲۶.

۲- اکمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۰، باب ۳۲، ح ۱۶.

فصل هفتم: عصر ظهور

امدادهای غیبی در عصر ظهور

نیروهای طبیعت

بخشی از امدادهای غیبی در عصر ظهور، همان نیروها و امکانات طبیعی است؛ مانند: باد، ابر و ... که خداوند، پیامبران خود را با آنها مجهز کرده است.

همان گونه که اشاره شد این عوامل در اختیار برخی پیامبران پیشین نیز بوده است.

خداوند درباره تسخیر عوامل طبیعی به دست حضرت سلیمان(ع) چنین فرموده است: (وَلَسَلِيمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ)؛ (۱) «و تندباد را مسخر سلیمان ساختیم که به فرمان او به سوی سرزمینی که آن را پر برکت کرده بودیم، حرکت می کرد و ما از همه چیز آگاه بودیم.»

در روایات از جمله امدادهای الهی به حضرت مهدی(ع) مسخر ساختن عوامل طبیعی در ذیل اراده حضرت بقیه الله(ع) است.

ص: ۶۳۱

رسول گرامی اسلام(ص) در بیان حوادث شب معراج به نقل از خداوند متعال چنین نقل فرموده است: «وَأَسَيَّرْنَا لَهُ الرِّيَّاحَ وَ لَأُدَلِّنَّ لَهُ السَّحَابَ الصَّعَابَ وَ لَأَرْقِيَنَّ فِي الْأَسْبَابِ فَلَأَنْصُرَنَّهُ بِجُنْدِي وَ لَأَمُدَّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى تَغْلُو دَعْوَتِي؛»(۱) بادهای را به تسخیر او در می آورم و گردنکشان سخت را رام او می سازم و او را بر نردبان ترقی بالا می برم و با لشکریانم یاری اش می کنم و با فرشتگانم به او مدد می رسانم تا آنکه دعوتم را آشکار کند.»

ص: ۶۳۲

۱- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۴، باب ۲۳، ح ۴.

فصل هفتم: عصر ظهور

روزنه امید

اشاره

فرجام نگرى يکى از مسائلى است که از ديرباز مطرح بوده است و پيشينه اى به وسعت تاريخ بشر دارد. انسانهاى نخستين و بدوى تا انسانهاى کنونى در قرن حاضر، همگى در نگاه به آينده خویش و داشتن دغدغه درباره آن اتفاق نظر دارند؛ اما در اين ميان، اختلافاتى نيز در نوع نگرش و باورها مطرح بوده است که باعث ديدگاههاى متضاد درباره آينده بشر شده است که از اين رهگذر، برخى نگاهى خوش بينانه دارند و عده اى نيز آينده تاريک و غبارآلودى را براى بشر در نظر گرفته اند.

بى ترديد در نگاه اوليه، قرائن و شواهد گواهى مى دهند که دنيا به سوى فاجعه پيش مى رود و ديدگاه کسانى درست است که براى بشر، آينده اى تاريک پيش بينى کرده اند. ترک عواطف، افزايش فاصله طبقاتى، ظهور اختلافات دولتها و ملتها، بروز نابسامانيتهاى اخلاقى و اجتماعى، ازدياد ظلم و ستم، شيوع تبعيض و نابرابرى، و مانند آن، شواهدى براى اين ديدگاه است.

ص: ۶۳۳

آگاهان سیاسی می گویند: تنها بمبهای هسته ای موجود در زرادخانه های بعضی کشورها، برای نابود ساختن تمام شهرهای کره زمین، نه یک بار، بلکه هفت بار کافی است. این سلاحها با آن هزینه سنگین، بی جهت ساخته نشده است؛ بلکه برای مصرف در یک جنگ اتمی وحشتناک فراهم شده است و در جهانی که این همه برخورد مرزی و تراحم منافع و مناطق قابل انفجار وجود دارد، پیدا کردن بهانه برای شروع آن، کار مشکلی نیست. از طرف دیگر، در میان سران خودکامه برخی کشورها، حس جاه طلبی و جنون قدرت نیز به اندازه کافی برای شروع چنین جنگی وجود دارد.

بنابراین در نگاه ابتدایی، حق با کسانی است که آینده را تیره و تاریک بینند و می گویند: جهان در آینده نزدیک با یک تنازع کلی و با یک جنگ فراگیر، به دیار نیستی گام می نهد و نظام زندگی و سایر موجودات زمینی برای همیشه فرو می ریزد؛

اما کسانی که آینده جهان را روشن ارزیابی می کنند، با استناد به براهین عقلی و نقلی به انسانهای خسته و ملول از فرهنگها و مکاتب پوچ گرا، نشاط و حیات دوباره را نوید می دهند.

اکنون برای این دیدگاه که آینده را مثبت ارزیابی می کند و آن را روشن می بیند، به بیان چند دلیل می پردازیم:

ص: ۶۳۵

فطرت انسان بر محور عدالت خواهی و ظلم ستیزی استوار است و بشر ذاتاً از ظلم متنفر است و ستم را زشت می‌شمارد. این تنفر و بیزاری، اختصاص به فرد یا جمعیتی ندارد و به سرزمین خاصی محدود نیست. همه افراد بشر در هر تیره و رنگی و در هر سن و سالی که باشند به ندای فطرت خود پاسخ می‌دهند و بی‌عدالتی را به هر شکل آن بر نمی‌تابند.

انسان به سبب همین ویژگی فطری، همواره برای رهایی از ستم تلاش کرده، در نابودی آن می‌کوشد تا به نتیجه برسد. از سوی دیگر، گرایش فطری در وجود انسان، یک گرایش واقعی است که اگر موارد آن در خارج به وقوع نرسد، اصل این گرایش، لغو و بیهوده خواهد بود و این، با اصل حکیمانه بودن کارهای خدا منافات دارد. پس باید روزی برسد که این گرایش درونی انسان به منصفه ظهور برسد تا بشر به این میل باطنی دست یابد.

بر اساس آموزه های اسلامی در دوران ظهور و حکومت واحد جهانی حضرت مهدی(ع)، بشر به این خواسته فطری و گرایش درونی خود می‌رسد و عدالت پایدار به رهبری امام زمان(ع) در سراسر گیتی استقرار می‌یابد. پیامبر اکرم(ص) درباره این رخداد مهم می‌فرماید: «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاتِيهِ اسْمُهُ اسِيْمِي وَ خُلُقُهُ خُلُقِي يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا» (۱) (مردی از اهل بیت من که هم نام و هم خلق من است قیام می‌کند و زمین را از عدل و داد پر می‌سازد.)

هر موجودی برای رسیدن به کمال و ترقی کوشش می کند و نوع انسان نیز از این قاعده مستثنا نیست. فرد برای رسیدن به کمال، مراحل نظیر غرایز و احساسات را طی کرده، و به مرحله تعقل و شعور پا می نهد که اساسا این دوره ها با یکدیگر متفاوت هستند. اجتماع انسانی نیز خواه ناخواه برای رسیدن به کمال باید این سه دوره را طی کند.

آری بشر، یک روز کودک بود، و زندگی اش در پرتو حاکمیت غرایز اداره می شد. سپس به تدریج به دوره احساس رسید؛ شرارتهای آدم کشیها، و زد و خوردهای فراوان، محصول این دوره است؛ ولی انسان، کم کم به دوره عقل و زندگی عقلانی نیز می رسد، و همین زندگی عقلانی، مرحله کمال انسانیت است. البته جامعه انسانی هنوز تا رسیدن به دوره تکامل عقلی و زندگی عقلانی و اجرای فرهنگ دینی، فاصله زیادی دارد.

امروز بشر در جهت ابزار و تکنولوژی به پله های کمال پا نهاده است؛ اما با رشد عقلانیت دینی _ اخلاقی و بهره وری درست از ابزار، بیگانه است؛ زیرا تردیدی نیست که در کنار این همه تکامل عقل ابزاری و علوم تجربی، نابسامانی و ناهنجاری نیز رشد فزاینده ای داشته و انسان به رفاه و آسایش رسیده، هنوز در چالشهای اجتماعی و تنازعات و تضادهای زندگی، هر روز بیش از پیش تلخکامی را تجربه می کند.

البته با وجود همه ناهنجاریها، نباید ناامید شد؛ زیرا سیر حرکت بشر، سیر متریقی و به سوی کمال است و نغمه های دلنوازی که حاکی از رویکرد روح جمعی بشر به سوی ترقی است، آینده روشن و نوید بخشی را فراسوی انسان ترسیم می کند. نغمه های تازه و امیدبخشی نظیر طرح موضوع «خلع سلاحهای کشتار جمعی»، همکاریهای بین المللی، «مسئله حقوق بشر» و نظایر اینها، همه می تواند امیدوار کننده باشد و به عنوان نمودارهایی از رشد و بلوغ عقلی بشر هر چند در افق محدود قلمداد شود؛ گرچه سردمداران استکبار از این شعارها به عنوان ابزاری برای رسیدن به مقاصد خود بهره می برند.

ص: ۶۳۸

دانه گندمی که در دل خاک با شرایط مناسبی قرار می گیرد، شروع به رشد و نمو کرده و به شاهراه تحول گام می نهد و هر لحظه، صورت و حالت تازه ای به خود گرفته، با نظم و ترتیب مشخصی راهی را می پیماید تا بوته ای کامل شود.

اگر هسته میوه ای در مهد زمین قرار گیرد، سیر مشخصی را می پیماید تا به صورت درختی برومند در آید. اگر نطفه حیوانی در رحم مادرش قرار داده شود، با الگوی از پیش تعیین شده ای که در ذات آن قرار دارد، رشد کرده، به فردی کامل از آن حیوان تبدیل می شود. این راه مشخص و سیر منظم در هر یک از انواع آفرینش که در این جهان مشهورند برقرار و حاکم است.

بدیهی است که نوع انسان نیز در این نظام تکاملی که بر هستی حکمفرماست، قرار دارد و نمی تواند خود را از آن قاعده مستثنا کند. البته این هدایت در وجود انسان به دلیل وجود برخی ویژگیها متفاوت است. انسان با دارا بودن خرد، افزون بر هدایت تکوینی، از هدایت فطری و تشریحی نیز بهره مند است. (۱)

با رویکرد کلی به مفهوم هدایت درباره انسان، هدایت را به سه گونه می بینیم:

الف) هدایت تکوینی

از آنجا که خداوند انسان را برای هدف خاصی آفریده است، مقدمات وصول به این هدف را در وجودش قرار داده و نیروهای لازم را به او بخشیده است که این همان هدایت تکوینی است؛ چنان که قرآن کریم می فرماید:

(قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى)؛ (۱) «خدایی که به هر چیزی، آفرینش ویژه اش را داد، سپس هدایت کرد.»

(الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى، وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى)؛ (۲) «همان که آفرید و هماهنگی بخشید و آنکه اندازه گیری کرد و راه نمود.»

ب) هدایت فطری

ص: ۶۴۰

۱- طه / ۵۰.

۲- اعلی / ۲ و ۳.

نیرو و گرایش دیگری در وجود بشر قرار داده شده است تا عشق و علاقه او به سوی هدف بیشتر شود و انسان را در راه رسیدن به تکامل مدد رساند، به این گرایش و میل باطنی، هدایت فطری می گویند؛ چنان که قرآن کریم می فرماید:

(فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا)؛ (۱) «فطرت الهی که مردم را بر آن خلق کرد.»

(وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا)؛ (۲) «سوگند به نفس و آنکه آن را درست کرد. سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد.»

ج) هدایت تشریحی

در راستای هدایت تکوینی و فطری، خداوند متعال، رهبران و انبیای بزرگ خویش را با پیام و تعالیم روشن، برای سعادت و رستگاری بشر، مبعوث کرد تا انسانها را به سوی هدف و رسیدن به کمال مطلوب راهنمایی کنند. این نوع هدایت را هدایت تشریحی می نامند؛ چنان که قرآن کریم می فرماید:

ص: ۶۴۱

۱- . تغابن / ۱۱.

۲- . شمس / ۷ و ۸.

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ)؛ (۱) «به راستی پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و با آنها کتاب و میزان را فرود آوردیم.»

آری، انسان افزون بر بهره مندی از هدایت تکوینی که همه موجودات به نحوی از آن برخوردارند، دارای هدایت فطری و تشریحی است و وجود این نوع هدایت که در قالب گرایش و کشش درونی و نیز در قالب تلاش و کوشش انبیای الهی تبلور یافته است، بدون نتیجه نخواهد ماند.

قطعا روزی خواهد آمد که فطرت هدایت طلب و هدایت خواه انسان به آرزوی دیرینه خود برسد و کوشش انبیا و اولیای الهی به بار بنشیند. آن روز، همان روز موعود است که موعود جهانیان، حضرت مهدی (ع)، پاسخگوی گرایشهای اصیل بشر و نتیجه بخش زحمات رسولان الهی خواهد آمد تا انسانها از نعمت هدایت عمومی بهره مند شوند.

بدیهی است اگر عمر تاریخ بشر به سر آید و گرایش و میل راستین فطری بشر بدون پاسخ گذاشته شود و نیز زحمات طاقت فرسای پیامبران بدون نتیجه بماند، بیهوده و لغو بودن گرایشهای فطری بشر را در پی خواهد داشت و این با حکیمانه بودن افعال الهی سازگاری ندارد.

ص: ۶۴۲

پس ضروری است که روزی فرا رسد تا در آن روز، هدایت الهی در سراسر جهان، کران تا کران، استقرار یابد و همه مردم در پرتو دین و مکتب واحد، هدف و غایت واحد، و نیز با رهبری یگانه، به تعالی و تکامل مطلوب دست یابند:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُدِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَ أَهْلَهُ.» (۱)

ص: ۶۴۳

۱- . دعای افتتاح.

فصل هفتم: عصر ظهور

وقت ظهور

مقدمه

عاقبت عالم ما صلح و صفا خواهد شد

قلب معشوق پر از مهر و وفا خواهد شد

شام هجران و غم دل سپری خواهد گشت

یار بی پرده نمایان ز خفا خواهد شد

قدم از پرده غیبت به برون خواهد زد

خضر ما ساقی صهبای بقا خواهد شد

عالم پیر جوان گردد و سر مست سرور

مشک ریزان نفس باد صبا خواهد شد

شب ظلمانی غم مهر رخس بشکافد

روشنی بخش به خورشید و سما خواهد شد

همه آفاق پر از زمزمه عشق شود

خود بیندیش در آن روز چه ها خواهد شد (۱)

ص: ۶۴۴

۱- . نوبهار عالم جان، احمد احمدی بیرجندی، شعر از ناصر مکارم شیرازی به نقل از: مجله درسهایی از مکتب اسلام، سال بیست و نهم، اسفند ۱۳۶۸ ش، ش ۱۱.

مهدویت یکی از اندیشه های ریشه دار فرهنگ غنی اسلام است که ابتدا از سوی پیامبر گرامی اسلام (ص) مطرح شده و همواره مظلومان عالم را به حاکمیت مستضعفان امیدوار کرده است؛ از این رو، همواره این پرسش در ذهن مسلمانان شکل گرفته است که ظهور آن موعود چه زمانی خواهد بود؟ به گونه ای که حتی پیش از ولادت آن حضرت برخی از پیروان اهل بیت (ع) از ائمه اطهار (ع) درباره زمان آغاز آن تحول بزرگ و قیام جهانی، پرسشهای فراوانی کرده اند.

البته، همواره پیشوایان معصوم (ع) مسائل مربوط به حضرت مهدی (ع) به ویژه زمان ظهور آن حضرت را از اسرار الهی ذکر کرده و تعیین کنندگان وقت برای آن را تکذیب کرده اند.

با سیری کوتاه در بوستان کلام الهی و بیانات نورانی ائمه اطهار (ع) به مطالب ذیل درباره وقت ظهور برخوایم خورد:

ص: ۶۴۵

۱. علم و آگاهی از زمان دقیق ظهور، تنها به خداوند متعال اختصاص دارد؛

۲. همواره معصومان(ع) مردم را از تعیین وقت درباره ظهور حضرت مهدی(ع) برحذر داشته و وقتگذاران را تکذیب کرده اند؛

۳. روایات فراوانی، رخداد ظهور را ناگهانی ذکر کرده و احادیث فراوانی اصلاح امر فرج را یک شبه بیان کرده اند. البته این نیز با تعیین وقت ظهور منافات دارد؛

۴. اگرچه پنهان بودن زمان ظهور، از اسرار الهی است و حکمت الهی اقتضا کرده است که آگاهی به هنگام ظهور مهدی(ع) نزد مردم، مجهول و مکتوم باشد؛ ولی در برخی روایات نیز به پاره ای از حکمتهای آن اشاره شده و تا حدودی، محدوده زمانی آن معین شده است؛

۵. سرانجام با مراجعه به کلام نورانی معصومان(ع) می توان چگونگی آگاهی حضرت مهدی(ع) از هنگام ظهور را به راحتی دریافت که اشاره خواهد شد.

در این نوشتار کوتاه به اختصار، موارد فوق مورد بررسی خواهد شد.

ص: ۶۴۶

از روایاتی که علم به زمان ظهور را ویژه خداوند دانسته، به موارد ذیل می توان اشاره کرد:

- در روایت مشهوری است که وقتی شاعر بلندآوازه شیعی در محضر هشتمین آفتاب برج امامت، امام رضا(ع) در ضمن قصیده خود، سخن از ظهور و قیام حضرت مهدی(ع) بر زبان جاری ساخت، آن حضرت در حالی که سرشک از دیدگانش جاری بود، رو به دعبل کرده، فرمود: «يَا خُزَاعِيُّ نَطَقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلَى لِسَانِكَ بِهَدْيَيْنِ الْبَيِّنَيْنِ فَهَلْ تَدْرِي مَنْ هَذَا الْإِمَامُ وَ مَتَى يَقُومُ؟» ای خزاعی! همانا روح القدس بر زبانت این دو بیت را جاری ساخت. آیا می دانی این امام کیست و چه زمانی قیام می کند؟»

آن گاه خود آن حضرت به معرفی آن امام پرداخت. سپس درباره زمان ظهورش چنین فرمود: «وَأَمَّا مَتَى فَاخْبَارٌ عَنِ الْوَقْتِ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ دُرِّيِّكَ فَصَالَ مَثَلَهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُجَلِّيهَا لَوْقَتِهَا إِلَّا هُوَ تَقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْتَهُ؛ (۱) و (۲)» و اما اینکه چه زمانی [ظهور خواهد کرد؟!]. این خبر دادن از وقت است. پدرم از پدرش و ایشان از پدرانم از رسول گرامی اسلام(ص) نقل کرده اند که وقتی از آن حضرت پرسیده شد: ای رسول خدا! چه زمانی قائم از ذریه شما ظهور می کند؟ آن حضرت فرمود: مثل او مثل قیامت است که [خداوند درباره زمان وقوع آن چنین فرمود]: هیچ کس جز او به هنگامش، آن را آشکار نمی سازد. این امر بر [اهل] آسمانها و زمین دشوار است. جز به صورت ناگهانی به سراغ شما نمی آید.»

ص: ۶۴۷

۱- اعراف / ۱۸۷.

۲- عیون اخبار الرضا(ع)، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۲۶۶ و اکمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۷۲.

از آنجایی که حضرت، مخفی بودن زمان ظهور را همانند زمان قیامت و رستاخیز قلمداد فرموده است، می توان چنین نتیجه گرفت:

- با مخفی بودن قیامت، یک نوع آزادی عمل برای همگان پیدا می شود و از سوی دیگر چون وقت آن دقیق معلوم نیست و در هر زمان محتمل است، نتیجه اش حالت آماده باش دائمی است و همین طور درباره قیام حضرت مهدی(ع) است؛ چرا که اگر تاریخ تعیین می شد و زمان ظهور دور بود، همه در غفلت، غرور و بی خبری فرو می رفتند و اگر زمانش نزدیک بود، ممکن بود آزادی عمل را از دست بدهند و اعمالشان جنبه اضطراری پیدا کند.

- همان گونه که علم به زمان قیامت فقط در اختیار خداوند است، علم به زمان ظهور حضرت حجت(ع) نیز از آن خداوند است. همچنین در سخنان فراوانی در بیانات پیشوایان(ع) از ظهور حضرت مهدی(ع) در کنار قیامت یاد شده است و از این رو، برخی ویژگیهای آن، همانند رستاخیز است.

ص: ۶۴۸

خداوند در ادامه آیه فوق، علم به قیامت را حتی از پیامبر خود منتفی ساخته است؛ آنجا که می فرماید: (يَسْأَلُونَكَ كَاتِبًا كَفَىٰ عَنْهَا قُلُوبٌ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ)؛ (۱) «از تو می پرسند، چنان که گویا تو از چون و چند آن آگاهی. بگو همانا علم آن نزد خداوند است.»

از اینجا می توان نتیجه گرفت که حتی پیامبر اکرم (ص) نیز به زمان دقیق ظهور امام عصر (ع) آگاه نیست و جای بسی تأمل است که عده ای به خود جرئت می دهند و به راحتی وقت ظهور را تعیین می کنند.

نه تنها این سؤال از نخستین معصوم پرسیده شد و ایشان این گونه جواب فرمود که علم به زمان ظهور نزد خداست؛ بلکه وقتی از آخرین معصوم (ع) نیز چنین سؤالی را پرسیدند، در ضمن توقیعی این سان جواب فرمود: «... وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَكَذَبَ الْوَقَّاتُونَ؛» (۲) و اما ظهور فرج همانا در اختیار خداوند متعال است و وقتگذاران، دروغ گفتند.»

و هم آن حضرت در آخرین توقیع به آخرین سفیر خود، ظهور را تنها در اراده و اختیار خداوند دانسته، چنین فرمود: «وَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى؛» (۳) و ظهوری نخواهد بود، مگر آن گاه که خداوند تبارک و تعالی اجازت فرماید.»

ص: ۶۴۹

۱- اعراف / ۱۸۷.

۲- کتاب الغیبه، شیخ طوسی، مؤسسه معارف اسلامی، ص ۲۹۱.

۳- الخرایج والجراحی، قطب الدین راوندی، مؤسسه امام مهدی (ع)، ۳ جلد، ج ۳، ص ۱۱۲۸ و کتاب الغیبه، ص ۳۹۵.

از بیانات فوق به روشنی به دست می آید که زمان آغاز ظهور، یکی از اسرار الهی است و دست اندیشه و فکر بشر از رسیدن به آن، سخت کوتاه و ناتوان است:

امروز خـانـه دل نـور و ضیـا نـدارد

جایی که دوست نبود آنجا صفا ندارد

شهری است پر ز آشوب کاشانه ای لگدکوب

آن دل کـه از تغـافل شـوق لقا ندارد

آیا برگزیدگان می دانند؟

اکنون که روشن شد علم به زمان ظهور در شأن و مقام پروردگار است، آیا این علم در اختیار برگزیدگان قرار گرفته است یا خیر؟

پیش از این اشاره شد که علم به زمان ظهور، همانند علم به قیامت به خداوند اختصاص دارد؛ ولی در برخی روایات نیز متذکر شده اند که پروردگار، بخشی از این آگاهی را در اختیار پیامبر اکرم(ص) قرار داده و آن حضرت نیز به وارثان علم خود منتقل ساخته است. البته، ایشان نیز مأمور شده اند هرگز این علم را در اختیار دیگران قرار ندهند و اضافه بر آن، شیعیان را امر به تکذیب وقتگذاران کرده اند.

رحمان بن کثیر نقل می کند که نزد امام صادق(ع) بودم که مهزم وارد شد. از آن حضرت پرسید: «فدایت شوم: آیا مرا خبر نمی دهید از زمان این امری که انتظار آن را می کشیم؟» آن حضرت فرمود: «یا مهزم! کَذَبَ الْوَقَاتُونَ ؛ (۱) ای مهزم! وقتگذاران، دروغ می گویند.»

ص: ۶۵۰

در جایی دیگر آن حضرت در جواب ابی بصیر، همین جمله را فرمود و افزود: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَّا نُؤَقَّتُ؛ ما خاندانی هستیم که هرگز وقت [ظهر] را اعلام نمی کنیم.»

البته همین مطلب در سخنان پدر بزرگوار ایشان، امام باقر(ع) با تأکید بیشتری ذکر شده است. آن گاه که «فضیل بن یسار» از زمان ظهر پرسید، امام پنجم در جواب او فرمود: «كَذَبَ الْوَقَاتُونَ ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ.» (۱) بدون تردید، مقصود از تعیین وقت در اینجا، عبارت است از مشخص کردن دقیق سال و روز ظهر و گرنه همان گونه که اشاره خواهد شد، برخی روایات به صورت اجمالی، برخی محدوده های زمانی ظهر را مشخص کرده اند.

همان گونه که بیان شد در روایات فراوانی از ظهر آن حضرت به عنوان حادثه ای ناگهانی یاد شده است و واضح است که ناگهانی بودن آن با تعیین قبلی وقت منافات دارد؛ چرا که وقتی برای امری؛ زمان مشخص شد، دیگر دفعی و ناگهانی بودن آن معنا نخواهد داشت. به طور مسلم کسانی که تعیین وقت می کنند، سخنان خلاف این گروه روایات است.

ص: ۶۵۱

پاره ای از این روایات را این گونه می توان دسته بندی کرد:

الف) اصلاح شدن امر ظهور در یک شب

حضرت علی (ع) می فرماید: «قال رسول الله (ص): الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يُصَلِّحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ» (۱)؛ مهدی از ما اهل بیت است که خداوند امر [فرج] او را در یک شب اصلاح می فرماید.»

امام باقر (ع) نیز این معنا را این گونه بیان کرده است:

«يُصَلِّحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ» (۲) خداوند امر [فرج] او را در یک شب اصلاح می کند.»

ب) آمدن همانند شهاب فروزان

امام باقر (ع) پس از بیان غیبت حضرت مهدی (ع) فرمود: «ثُمَّ يَبْدُو كَالشَّهَابِ الْوَقَّادِ» (۳) او همانند شهابی شعله ور ظاهر خواهد شد. پیامبر اسلام (ص) نیز در این باره می فرماید: «فَعِنْدَ ذَلِكَ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقِيبِ» (۴) در آن هنگام همچون شهابی فروزان خواهد آمد.»

ص: ۶۵۲

۱- اکمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۲، باب ۶، ح ۱۵.

۲- الغیبه، نعمانی، مکتبه الصدوق، ص ۱۶۳.

۳- کتاب الغیبه، ص ۱۵۹ و اکمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۴.

۴- اکمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷.

واضح است که کلام مقتدایان معصوم(ع) گزاف نبوده و تشبیهات ایشان بدون حساب نبوده است. از سوی دیگر، فرا رسیدن همچون شهاب، سخن از ناگهانی بودن، بدون پیش بینی قبلی، غافلگیرانه و به سرعت بودن آن است:

خورشید رخ میوشان در ابر زلف یارا

چون شب سیه مگردان روز سپید مارا

ما را زتاب زلفت افتاده عقده بر دل

بر زلف خم به خم زن دست گره گشارا

ای بحر عفو و رحمت بر ما تو بارشی کن

کز لوح دل بشویم مسوده خطا را

فخر جهانیان شد ننگ صنم پرستی

جانا ز پرده بنمای روی خدا نما را

ای آشکار و پنهان برقع ز رخ برافکن

تا جلوه ات بینم پنهان و آشکارا (۱)

ص: ۶۵۳

۱- . فؤاد کرمانی.

زمان ظهور در روایات

فصل هفتم: عصر ظهور

وقت ظهور

زمان ظهور در روایات

در برخی روایات به صورت محدود، زمانهایی برای رخداد این حادثه بزرگ ذکر شده است. روایات در این باره به چند دسته تقسیم می شود:

۱. روایاتی که جمعه را روز ظهور معرفی کرده اند:

امام صادق(ع) در این باره می فرماید: «يَخْرُجُ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ؛»^(۱) قائم ما اهل بیت در روز جمعه ظهور خواهد کرد.»

۲. روایاتی که روز ظهور را مصادف با روز عاشورا ذکر کرده اند:

امام باقر(ع) ضمن بیاناتی درباره روز عاشورا فرمود: «... وَ هَذَا الْيَوْمُ الَّذِي يَقُومُ فِيهِ الْقَائِمُ(ع)؛»^(۲) و این روز (عاشورا) روزی است که در آن قائم(ع) قیام خواهد کرد.»

ص: ۶۵۴

۱- الخصال، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، ۲ جلد، ج ۲، ص ۳۹۴ و بحار الأنوار، مؤسسه الوفاء، ج ۵۶، ص ۲۶.

۲- تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۰ جلد، ج ۴، ص ۳۰۰.

۳. روایاتی که ظهور حضرت مهدی(ع) را در سال فرد ذکر کرده اند:

حضرت جعفر صادق(ع) می فرمود: «لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ إِلَّا فِي وَتْرٍ مِنَ السَّنِينَ؛ (۱) قائم، ظهور نمی کند، مگر در سال فرد.»

۴. برخی روایات نیز روز ظهور را شنبه ذکر کرده اند:

امام باقر(ع) فرمود: «يَخْرُجُ الْقَائِمُ (ع) يَوْمَ السَّبْتِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ؛ (۲) قائم در روز شنبه _ که روز عاشورا است _ خروج می کند.»

اگرچه قرائن بیشتری بر ظهور حضرت مهدی(ع) در روز جمعه وجود دارد؛ ولی این روایت و امثال آن را می تواند به این صورت توجیه کرد که نخستین روز ظهور، جمعه است و از آنجایی که حوادث فراوانی با شروع ظهور رخ خواهد داد، بخشی از آن حوادث روز شنبه واقع خواهد شد.»

ص: ۶۵۵

۱- . کتاب الغیبه، ص ۴۵۳؛ روضه الواعظین، محمد بن حسن فتال نیشابوری، انتشارات رضی، ص ۲۶۳ و اعلام الوری، فضل

بن حسن طبرسی، دارالکتب الاسلامیه، ص ۴۵۹.

۲- . تهذیب، ج ۴، ص ۳۳۳، باب ۷۳، ح ۱۱۲.

اکنون این پرسش پیش می آید که اگر خود حضرت حجت (ع) از زمان دقیق ظهور آگاهی ندارد، پس چگونه در آستانه ظهور از وقت آن مطلع خواهد شد؟

در این بخش نیز روایات فراوانی ذکر شده است که راههای حصول علم حضرت به زمان ظهور را گفته اند. اکنون به تعدادی از آنها اشاره می شود:

۱. الهام

بدون شك معصومان (ع) مشمول الهام خداوند هستند. آری، وحی به صورت رسمی با رحلت پیامبر (ص) پایان گرفت؛ ولی در موارد فراوانی به اهل بیت (ع) الهاماتی می شده و خواهد شد؛ از جمله، برخی روایات، چگونگی آگاه شدن حضرت ولی عصر (ع) از زمان ظهور را از طریق الهام ذکر کرده اند.

مستند این نظر، روایتی است از امام صادق (ع) که ذیل آیه شریفه (فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ) (۱) فرمود: «إِنَّ مِنَّا إِمَامًا مُّسْتَبْرَأً فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً فَظَهَرَ فَتَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى؛» (۲) به درستی که از ما امامی پنهان است و چون خدای تعالی بخواهد او را ظاهر سازد، نکته ای در قلبش ایجاد می کند. پس او ظاهر شود و به دستور خدای تعالی قیام کند.»

ص: ۶۵۶

۱- مدثر / ۸.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۴۳؛ کتاب الغیبه، طوسی، ص ۱۶۴ و رجال، کشی، انتشارات دانشگاه مشهد، ص ۱۹۲.

در روایاتی چند، اشاره شده است که وقتی ظهور آن حضرت نزدیک شد و وقت قیام فرا رسید، پرچمی _ که آن حضرت هنگام ظهور در دست خواهد داشت _ به اذن و اراده الهی برافراشته می شود و آن حضرت را از فرمان قیام آگاه خواهد کرد.

پیامبر گرامی اسلام (ص) در این باره فرمود: «... لَهُ عِلْمٌ إِذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ انْتَشَرَ ذَلِكَ الْعِلْمُ مِنْ نَفْسِهِ وَ انْطَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَنادَاهُ الْعِلْمُ اخْرُجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَاقْتُلْ اَعْدَاءَ اللَّهِ؛ (۱)» برای او پرچمی است که وقتی هنگام خروجش فرا رسید، خود به خود باز می شود و به آن حضرت خطاب می کند و می گوید: ای ولی خدا! ظهور کن و دشمنان خداوند را نابود ساز که دیگر برای تو نشستن در مقابل دشمنان خدا جایز نیست.»

۳. بیرون آمدن شمشیر از غلاف

ص: ۶۵۷

۱- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۵، باب ۷، ح ۱۷ و الخرایج و الجرایح، قطب الدین راوندی، ج ۲، ص ۵۵۰ و ج ۳، ح ۱۱۶۶.

هم آن حضرت فرمود: «لَهُ سَيْفٌ مُّعَمَّدٌ فَإِذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ اقْتَلَعَ ذَلِكَ السَّيْفُ مِنْ غِمْدِهِ وَ أَنْطَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَنَادَاهُ السَّيْفُ اَخْرُجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَلَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تَقْعُدَ عَنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ فَيَخْرُجُ؛ (۱)» برای او شمشیری است در غلاف. پس هنگامی که وقت ظهورش فرا رسید، آن شمشیر از غلافش خارج می شود. خداوند آن شمشیر را به سخن درمی آورد و شمشیر به حضرتش می گوید: ای ولی خدا! خارج شو که دیگر نشستن در مقابل [ستم] دشمنان خدا جایز نیست. پس او ظهور می کند.»

ص: ۶۵۸

۱- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۵، باب ۷، ح ۱۷، و با تفاوت اندکی: کفایه الأثر، علی بن محمد خزاز قمی، ص ۲۶۶.

فصل هفتم: عصر ظهور

وقت ظهور

حکمت‌های مخفی بودن زمان ظهور

در پایان، ذکر این نکته خالی از لطف نیست که مخفی بودن زمان ظهور حضرت مهدی(ع) دارای حکمت‌های فراوانی است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. زنده نگه داشتن روح امید و انتظار در جامعه در طول غیبت امام مهدی(ع)؛ زیرا در صورت معلوم بودن زمان ظهور، بحث انتظار بی معنا خواهد شد.

۲. معنا پیدا کردن امتحان شیعیان در عصر غیبت.

۳. غافلگیر کردن مخالفان و دشمنان.

یکی از دلایل غیبت، تلاش دشمنان برای نابودی آن حضرت بود؛ از این رو، روشن بودن زمان ظهور، دشمنان را برای از بین بردن و مقابله با آن حضرت آماده می‌سازد؛ در حالی که نامعلوم بودن و ناگهانی بودن زمان ظهور، باعث غافلگیری دشمنان خواهد شد.

ص: ۶۵۹

فصل هفتم: عصر ظهور

مسجد در عصر ظهور

مقدمه

پیامبر اکرم (ص) در ابتدای ورود خویش به مدینه، به ساخت مسجد اقدام کرد. ساختن مسجد، هم زمان با فقر، محرومیت و بیسوادی مردم بود؛ زمانی که جاهلیت هنوز در افکار مردم ریشه داشت و حکومت اسلامی پا نگرفته و از نظر بنیه اقتصادی به شدت ضعیف بود؛ نه بیت المال وجود داشت و نه مسلمانان و شخص پیامبر (ص) از مال و منالی برخوردار بودند.

اکثر اصحاب در خانه های انصار مقیم بودند و عده ای نیز در کنار مسجد زندگی می کردند که به اصحاب الصّفّه شهرت یافتند. در این شرایط، مسجدی بسیار ساده و با استفاده از مصالحی چون: خشت، گل و چوب ساخته شد و با فرا رسیدن فصل گرما، مجوّز پهن کردن و بلند کردن دیوارها و انداختن سایبانی بر سقف مسجد از رسول خدا (ص) گرفته شد.

در سال هفتم هجری به علّت توسعه اسلام و افزایش مسلمانان، حضرت، فرمان توسعه مسجد را صادر کرد؛ درحالی که هنوز سقّی برای آن ساخته نشده بود.

ص: ۶۶۰

پس از رحلت پیامبر اسلام(ص) بر اثر گسترش فتوحات مسلمانان، کشورگشایی خلفا، راه یافتن فرهنگ و تمدنهای دیگر و اخذ تجارب، بنیان معماری جدیدی در ساخت مساجد براساس نیازها و ضرورتهای زمان با سرعت بسیار آغاز شد. (۱)

سقف، محراب، مقصوره، گنبد، شبستان، صحن، رواق، مناره، و... اموری است که در این تحولات جدید به بنای مسجد اضافه شد. البته ریشه این تحولات، ضرورتها، سیاستها، رقابتها، پیشرفت معماری و تمدن اسلامی و گاه، زیبایی خواهی بوده است. (۲)

علاقه مسلمانان به تعظیم و تقدیس مساجد که منبعث از تأکیدهای قرآن کریم و دستورهای پیامبر اکرم(ص) و پیشوایان اسلامی مبنی بر عمران و آبادی مسجد، (۳) اخذ زینت در مسجد، (۴) رفعت مکانی مسجد، (۵) تعظیم شعائر الهی (۶) و... استوار بوده است، باعث اهتمام بیش از پیش آنان در زیباسازی و مقاوم سازی و هنرنمایی در مساجد شده است.

بدیهی است که در بستر گسترش تمدن و پیشرفتهای علمی و تکنولوژیهای مدرن، به طور طبیعی روز به روز طبق تحولات و پیشرفتهای زمان، بر شکوفایی و هنرنمایی مساجد افزوده می شود و این روند ادامه خواهد یافت تا روزی که آخرین ذخیره الهی ظهور کند.

ص: ۶۶۱

۱- مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، حسن رهبری، ص ۲۸۷.

۲- مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، حسن رهبری، ص ۲۸۷.

۳- توبه / ۱۸.

۴- اعراف / ۳۱.

۵- نور / ۳۶.

۶- حج / ۳۲.

نگاهی به روایات وارده در این موضوع، ما را با برنامه های حضرت مهدی (ع) درباره مساجد آشنا می سازد. آنچه از روایات استفاده می شود، به شرح ذیل است:

ص: ۶۶۲

وقتی آن حضرت قیام می کند، برنامه های خویش را به یاران و اصحاب خود اعلام می دارد و از تک تک آنها تعهد و بیعت می گیرد که طبق دستورهای اعلام شده رفتار کنند و آنان حق تخلف از آن را ندارند.

از جمله اموری که بر آن بیعت گرفته می شود، این است که مساجد را هنگام درگیری نظامی و فتح شهرها و محلات تخریب نکنند؛ از این رو هیچ کس به هیچ وجه اجازه ندارد که بدون علت و خودسرانه، مسجدی را تخریب کند؛ مگر در مواردی که خود امام صلاح بداند و یا طرحهای توسعه راههای عبور و مرور، چنین امری را ایجاب کند.

امیرمؤمنان(ع) فرمود: «أَنَّهُ يَأْخُذُ الْبَيْعَةَ عَنْ أَصْحَابِهِ عَلَى أَنْ لَا يَسْرِقُوا وَلَا يَزْنُوا وَلَا يَمُوتُوا مُشْلِمًا... وَلَا يُخَرَّبُوا مَسْجِدًا؛ (۱)» به راستی او (مهدی(ع)) از یارانش بیعت می گیرد که سرقت و زنا نکنند و به مسلمانی دشنام ندهند... و مسجدی را [بدون دلیل] تخریب نکنند.»

پیامبر اکرم (ص) به فرمان الهی، مسجد ضرار را تخریب کرد. این مسجد را دوازده نفر (۱) از منافقان ساخته بودند.

در قرآن کریم در این باره می خوانیم: (وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِزْوَاجًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسَيْنِيَّ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ * لَا تَقُمْ فِيهِ أُبَيْدًا)؛ (۲) «و [گروهی از منافقان] کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان [به مسلمانان] و [تقویت] کفر و تفرقه میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بود و سوگند یاد می کنند که نظری جز نیکی [و خدمت] نداشته ایم، اما خداوند گواهی می دهد که آنها دروغگو هستند. [ای پیامبر!] هرگز در آن [مسجد] قیام [و عبادت] نکن.»

پیامبر اسلام (ص) پس از نزول آیه به عاصم بن عدی عَجَلَانِي و مالک بن رُحْتَم سالمي دستور داد که آن مسجد را تخریب کنند. (۳)

ص: ۶۶۴

۱- . جاریه بن عامر با پسرانش، ودیعه، خدام، بجاد، ابو حبیبه، معتب، عبّاد، و ثعلبه بن حاطب.

۲- . توبه/۱۰۷ و ۱۰۸.

۳- . مجمع البیان، طبرسی، دار المعرفه، ج ۵، ص ۱۱۰.

چون پدید آمد که آن مسجد نبود

خانه حیلِت بُد و دام یهود

پس نبی فرمود کانرا برکنید

مطرح خاشاک و خاکستر کنید

صاحب مسجد، چو مسجد قلب بود

دانه ها بر دام ریزی، نیست بود

بر محک زن کار خود ای مرد کار

تا نسازی مسجد اهل ضرار (۱)

در نتیجه، این چهار مشخصه در هر مسجدی باشد، در زمان حضرت حجّت (ع) نیز تخریب می شود:

الف) مسجدسازی با هدف ضرر زدن و یا بروز ضرر از جانب مسجد به اسلام: «ضِرار»؛

ب) مسجدسازی با هدف ترویج کفر: «وَكُفْرًا»؛

ج) مسجدسازی با هدف تفرقه اندازی در میان مؤمنان: «وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛

د) ساخت مسجد برای اعلان جنگ با خدا و رسول خدا(ص): «وَأَرْضَاداً لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ».

ص: ۶۶۵

۱- . مثنوی معنوی.

مساجدی که براساس نیت پلید ساخته شده باشد نیز به دست آن حضرت تخریب می شود.

ابو بصیر از امام باقر(ع) نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَهَدَمَ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ وَلَمْ يَبْقَ مَسْجِدٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَهُ شُرْفٌ إِلَّا هَدَمَهُ؛» (۱) هنگامی که قائم(ع) قیام کند، به کوفه رود و در آنجا چهار (۲) مسجد را ویران کند و مسجد کنگره داری در روی زمین نباشد، جز آنکه حضرت، آن را خراب سازد.»

ابوبصیر در روایت دیگر از حضرت صادق(ع) نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ(ع) دَخَلَ الْكُوفَةَ وَ أَمَرَ بِهِمْ الْمَسَاجِدِ الْأَرْبَعَةَ حَتَّى يَبْلُغَ أَسَاسِيهَا وَيَصِيَّزُهَا عَرِيشًا كَعَرِيشِ مُوسَى وَيَكُونُ الْمَسَاجِدُ كُلُّهَا جُمًّا لَا شُرْفَ لَهَا كَمَا كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ(ص)؛» (۳) آن گاه که قائم(ع) قیام کند، داخل کوفه شود و دستور انهدام مساجد چهارگانه را صادر فرماید تا به پایه های آنها برسد و آنها را همانند سایبان حضرت موسی(ع) قرار می دهد و کلیه مساجد، ساده و بدون کنگره خواهند بود؛ آن گونه که در زمان رسول خدا(ص) [ساده و بی آرایش] بودند.»

ص: ۶۶۶

- ۱- . الارشاد، شیخ مفید، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، کتابفروشی علمیه اسلامیة، اول، ج ۲، ص ۳۵۹.
- ۲- . مساجد چهارگانه همان مساجد ملعونه هستند که با انگیزه شادمانی از شهادت حسین بن علی(ع) پس از فاجعه کربلا در کوفه بنا نهاده شدند. ر.ک: مهدی موعود(ع) (ترجمه ج ۱۳ بحار الأنوار) علی دوانی، دار الکتب الاسلامیه، سوم، ص ۱۱۳۴.
- ۳- . مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، مکتبه الاسلامیه، ج ۳، ص ۱۵۱ و همان، چاپ آل البیت(ع)، ج ۱۷، ص ۱۲۱.

تحول عظیمی که در دوران ظهور مهدی(ع) رخ می دهد و اسلام، جهانگیر و عالمی می شود، می طلبد که مساجد ساخته شده براساس تقوا و پاکی، بیش از گذشته توسعه یابند؛ چرا که توسعه اسلام و ازدیاد مسلمانان و روی آوردن به مساجد و معنویات چنین امری را به دنبال خواهد داشت.

مفضل بن عمر از امام صادق(ع) نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) بَنَى فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ وَ اتَّصَلَتْ بَيْتُ أَهْلِ الْكُوفَةِ بِنَهْرٍ كَرْبَلَاءَ؛» (۱) هنگامی که قائم آل محمد(ص) قیام کند، پشت کوفه مسجدی می سازد که دارای هزار در خواهد بود و خانه های مردم کوفه به نهر کربلا متصل می شود.»

امیرمؤمنان(ع) هنگامی که به شهر حیره (۲) رسید، فرمود: «يَتَّصِلَنَّ هَذِهِ بِهَذِهِ وَأَوْ مَأْ بِيَدِهِ إِلَى الْكُوفَةِ وَالْحَيْرَةِ حَتَّى يُبَاعَ الدِّرَاعُ فِيمَا بَيْنَهُمَا بِدَنَانِيرٍ وَ لَيْبَتِينَ بِالْحَيْرَةِ مَسْجِدٌ لَهُ خَمْسِي مِائَةٍ بَابٍ يُصَلِّي فِيهِ خَلِيفَةُ الْقَائِمِ (ع) لِأَنَّ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ لَيُضِيقُ عَلَيْهِمْ...» (۳) [روزی برسد که] این به آن وصل شود _ و با دستش به کوفه و حیره اشاره کرد _ و [چنان مرغوبیت پیدا کند که] یک ذراع زمین آن به چند اشرفی فروخته شود و مسجدی در حیره بنا شود که دارای پانصد درب خواهد بود و نماینده قائم در آن نماز می گزارد؛ زیرا مسجد کوفه برای آنها تنگ خواهد بود.»

ص: ۶۶۷

۱- .الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۰.

۲- . محلی نزدیک کوفه.

۳- . مهدی موعود(ع)، ص ۱۱۳۴ و بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴، ح ۱۷۳.

راوی می گوید که من عرض کردم: «ای امیر مؤمنان! آیا مسجد کوفه در آن روز گنجایش این همه جمعیت را _ که می فرمایید _ دارد؟» فرمود: «چهار مسجد برای قائم ساخته می شود که مسجد کوفه کوچک ترین آنهاست. مسجد فعلی کوفه و دو مسجد دیگر در آن روز در این دو طرف کوفه واقع است» و با دست مبارک اشاره به نهر اهل بصره و کوفه و نجف کرد.

تغییرات در مسجدالحرام و مسجدالنبی (ص)

در طول تاریخ، دستهای غیر معصوم در اطراف مکه و مسجد الحرام و همین طور در مسجدالنبی (ص) تغییراتی به وجود آورده اند که یقیناً برخی از آنها مرضی معصومان (ع) و نبی مکرم نیست. در عهد ظهور، این دو مسجد مهم و با عظمت به حالت اولیه دوران پیامبر (ص) برخواهند گشت.

همان گونه که در حدیثی از امام صادق (ع) نقل کردیم، هنگام قیام قائم (ع) کلیه مساجد، ساده و بدون کنگره _ آن گونه که در زمان رسول خدا (ص) بود _ تغییر شکل داده می شود. اطلاق این روایت، شامل مسجدالحرام و مسجدالنبی (ص) نیز می شود.

ص: ۶۶۸

از آنچه گفته شد، می توان به دست آورد که سیمای مساجد در عصر ظهور این گونه خواهد بود:

۱. رعایت اصل سادگی در بنا و ساخت مساجد؛

۲. دوری از تجمل گرایی و زدودن بدعتها و ظواهر غیر اسلامی؛

۳. احیای ارزشهای اسلامی دوران بعثت پیامبر خدا(ص) در معماری مساجد؛

۴. توجه به معنویت مساجد و پرهیز از ظاهر آرایبی.

مسجد، مرکز حکومت و سکونت

هر حکومتی نیاز به مرکز فرمانروایی و دارالاماره دارد؛ در آنجا به امور کشوری رسیدگی می شود. در زمان خاتم انبیا(ص) طبق این اصل عمومی، مدینه مرکزیت یافت و مسجد النبی(ص) به عنوان ستاد فرماندهی آن حضرت قرار گرفت.

امام مهدی(ع) نیز به عنوان آخرین جانشین پیامبر(ص) و مُصلح جهانی و بنیانگذار حکومت واحد جهانی، به چنین مرکز و تشکیلاتی نیاز دارد. از روایات استفاده می شود که حضرت مهدی(ع) همچون جدّش رسول خدا(ص) از مکه ظهور می کند و مانند امیر مؤمنان(ع) کوفه را مقرّ حکومت خویش قرار می دهد و مسجد کوفه را دار الإماره خویش و مسجد سهله را محل سکونت خود قرار می دهد.

ص: ۶۶۹

امام صادق(ع) درباره مقرّ حکومت آن حضرت، فرمود: «دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ وَمَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا وَبَيْتُ مَالِهِ وَمَقْسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ» (۱) مقرّ سلطنت وی شهر کوفه است و محل حکومتش مسجد جامع کوفه و بیت المالش و محل تقسیم غنائم مسلمانان، مسجد سهله است.»

در جای دیگر فرمود: «كَيْفَ أَنْتُمْ لَوْ ضَرَبَ أَصْحَابُ الْقَائِمِ الْفَسَاطِيطَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَانِ ثُمَّ يُخْرَجُ إِلَيْهِمُ الْمِثَالُ مُسْتَأْنَفُ أَمْرِ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ» (۲) چگونه خواهید بود زمانی که اصحاب قائم، خیمه هایی در مسجد کوفه برافرازند. آن گاه فرمان کاملاً جدیدی برای آنها صادر شود [که انجام آن] بر عرب بسیار دشوار باشد.»

درباره سکونت آن حضرت در مسجد سهله نیز روایات فراوانی وارد شده است؛ از جمله ابوبصیر می گوید که امام صادق(ع) فرمود: «كَأَنِّي أَرَى نُزُولَ الْقَائِمِ فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَعِيَالِهِ. قُلْتُ: يَكُونُ مَنَزَلُهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ. قَالَ: نَعَمْ كَانَ فِيهِ مَنَزَلٌ إِدْرِيسَ وَكَانَ مَنَزَلُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَقَدْ صِلَى فِيهِ وَفِيهِ مَسْكَنُ الْخَضِرِ» (۳) گویا من فرود آمدن قائم را با خانواده اش در مسجد سهله می نگرم. گفتم: فدایت شوم! آیا آنجا اقامتگاه او می شود؟ فرمود: آری، در آن مسجد، اقامتگاه ادريس(ع) و ابراهيم خليل الرحمان(ع) نیز بوده و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده است؛ مگر اینکه در آن مسجد نماز گزارده است. همچنین سکونتگاه خضر(ع) در آن است.»

ص: ۶۷۰

۱- . مهدی موعود(ع)، ص ۱۱۵۹ و بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

۳- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.

حضرت صادق(ع) در جای دیگر، وقتی از مسجد سهله نام برده شد، چنین فرمود: «أَمَا أَنَّهُ مَنَزَلُ صَاحِبِنَا إِذَا قَدِمَ بِأَهْلِهِ؛» (۱) همانا آن مسجد، منزل صاحب ما [حضرت مهدی(ع)] است، آن گاه که با خاندانش بیاید.»

مسجد، دانشگاه علوم قرآن

مسجد، از همان آغاز، فقط محل عبادت نبود؛ بلکه در آنجا به امور اجتماعی، سیاسی و نظامی نیز رسیدگی می شد و از همه مهم تر، مرکز آموزش و تعلیم علوم دینی و قرآنی بود.

در دوران خاتم اوصیا(ع) نیز مسجد، مرکز و دانشگاه علوم اسلامی، به ویژه علوم قرآنی می شود. روایات فراوانی در این باره داریم که به یک نمونه اشاره می شود:

امام علی(ع) فرمود: «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شَيْعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَقَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يَعْلَمُونَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنزِلَ؛» (۲) گویی شیعیانمان را در مسجد کوفه می بینم که چادرهایی زده اند و قرآن را آن چنان که نازل شده، به مردم می آموزند.»

ص: ۶۷۱

۱- .الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۵.

۲- .بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

از آنچه گفته شد، به دست آمد که در عصر ظهور، تحولات وسیعی در مساجد ایجاد می شود؛ از یک سو، با بدعتها و خرافات در مساجد برخورد می شود و مساجد ضرار گونه تخریب می شوند و از سوی دیگر، مساجد، توسعه فیزیکی یافته، بر معنویات آن افزوده شده، به مراکز تعلیم و تعلّم و دانشگاه علوم قرآنی تبدیل می شوند. مسجد کوفه به عنوان مقرّ حکومت حضرت مهدی(ع) و مسجد سهله نیز به عنوان محل سکونت او و عائله اش انتخاب می شود.

ص: ۶۷۲

فصل هفتم: عصر ظهور

یاران مهدی(ع)

مقدمه

انسانها طبق میل و گرایش فطری خویش، در انتظار روزی به سر می برند که یک انسان عرشی پا بر فرش گذاشته، بساط ظلم و ستم، کفر و نفاق، حيله و تزویر و تبعیض و نابرابری را برچیند و سراسر جهان را از عدل و داد، برابری و مساوات و راستی و درستی پر کند.

بدیهی است برای تحقق حکومت جهانی و تحقق عدالت فراگیر و همه جانبه در سراسر گیتی، وجود یک رهبر آسمانی با صفات و شاخصه های عرشی و یارانی باصلابت، سترگ و باایمان، ضروری است.

ص: ۶۷۳

قیام و انقلاب جهانی حضرت مهدی (ع) به حدی گسترده است که قلمرو یارگیری او، اقوام گذشته، حال و آینده و موجودات آسمانی، فرشتگان و ملائک را در بر می گیرد و هر کدام از اینها در سلک سرباز و کارگزار لشکر مهدی (ع) انجام وظیفه می کنند.

۱. فرشتگان

امام باقر (ع) فرمود: «... نَزَلَ إِلَيْهِ جِبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ الْمَلَائِكَةُ صُفُوفًا، فَيَقُولُ جِبْرَائِيلُ: يَا سَيِّدِي قَوْلُكَ مَقْبُولٌ وَ أَمْرُكَ جَائِزٌ...» (۱) جبرائیل، میکائیل و فرشتگان در حالی که صف کشیده اند، بر او (امام زمان (ع)) فرود می آیند. جبرائیل می گوید: ای سرور من، فرمان تو مطاع و امر تو نافذ است...»

و نیز فرمود: «فَيَقُولُ جِبْرَائِيلُ: أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُكَ. أُبْسِطُ يَدَكَ فَيَمْسَحُ عَلَيَّ يَدِهِ» (۲) پس جبرائیل می گوید: من نخستین کسی هستم که با تو بیعت می کنم، دستت را بده. پس خود را به دست مبارک او می کشد.»

ص: ۶۷۴

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷ و بشاره الاسلام، ص ۲۶۸.

۲- بشاره الاسلام، ص ۲۳۱ و الزام الناصب، ص ۱۹۰.

همچنین آن حضرت فرمود: «كَأَنِّي بِالْقَائِمِ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ، وَقَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ: جِبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ، وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ...» (۱) (گویی قائم (ع) را در نجف کوفه می بینم که با پنج هزار فرشته از مکه به سوی نجف شتافته، جبرائیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ اوست....»

و نیز آن بزرگوار فرمود: «لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ، لَنَصَّرَهُ اللَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ الْمُسَوِّمِينَ وَالْمُرْدَفِينَ وَالْمُنْزِلِينَ وَالْكَرُوبِينَ. يَكُونُ جِبْرَائِيلُ عَلَى مَقْدَمَتِهِ وَمِيكَائِيلُ عَلَى سَاقَتِهِ، وَاسْرَافِيلُ عَنْ يَسَارِهِ» (۲) (زمانی که قائم آل محمد ظهور کند، خداوند او را با فرشتگان نشاندار (ویژه) و به صف درآمده و فرستاده شده و مقرب یاری می کند. جبرائیل در پیشاپیش او و میکائیل از پشت سر او و اسرافیل از سمت چپ او خواهد آمد.)

خورشید جمالت چو از پرده در آید

ص: ۶۷۵

-
- ۱- . ارشاد، مفید، ص ۳۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷ و منتخب الأثر، ص ۳۱۲.
 - ۲- . الغيبة، نعمانی، ص ۱۲۲؛ ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۳۶ و منتخب الأثر، ص ۴۷۳.

شرمنده ز انوار تو شمس و قمر آید

دنیا شود از پرتو نور تو درخشان

آن موکب شاهانه چو با کَر و فرآید

عیسی به زمین آید و بیعت بنماید

یاران تو با نیروی فتح و ظفر آید

جبریل چو نازل شود آن دم به حضورت

فوج ملکوتی زپی یکدگر آید

یارب تو بده خاتمه این غیبت کبری

سلطان جهان، حجت اثنا عشر آید (۱)

۲. جنیان و پریان

امام صادق (ع) فرمود: «يُسَيِّدُ الْقَائِمُ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَرَمِ، وَيَمِيْدُ يَدَهُ إِلَى الْبَيْعَةِ فَتَرَى بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ لَدَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، وَيَقُولُ:

هَذِهِ يَدُ اللَّهِ وَعَنِ اللَّهِ وَبِأَمْرِ اللَّهِ، ثُمَّ يَتْلُو الْآيَةَ: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ، فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ» فَيَكُونُ أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جِبْرَائِيلُ، ثُمَّ الْمَلَائِكَةُ وَنُجَبَاءُ الْجَنِّ، ثُمَّ نِقَبَاؤُهُ وَأَصْرِيحَاتُهُ؛ (٢) (قائم ع) هنگام ظهور پشتش را به حرم (کعبه) تکیه دهد و دستش را برای [پذیرش] بیعت دراز کند، دست او سفید غیرزنده دیده می شود و می فرماید: این دست خداست، از سوی خداست و به فرمان خداست. سپس این آیه را تلاوت می کند: "بی گمان کسانی که با تو بیعت می کنند، [در واقع] با خداوند بیعت می کنند، دست خداوند بر فراز دست ایشان است؛ پس هر کس که پیمان شکنند، همانا به زیان خویش پیمان شکسته است." پس نخستین کسی که با او بیعت کند، جبرائیل است؛ آن گاه فرشتگان، سپس بزرگان جن، آن گاه نزدیکان و یاران آن حضرت.

۳. انبیا و اولیا (ع)

ص: ۶۷۶

۱- . مرحوم حجت الاسلام شرفی.

۲- . ارشاد، مفید، ص ۳۴۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۸.

برخی انبیا(ع) و اولیای الهی(ع) در ابتدای قیام جهانی برای سهیم شدن و مشارکت کردن در استقرار عدالت جهانی، رجعت می کنند و خود را برای یاری رساندن به حضرت مهدی(ع) آماده می کنند. در ذیل به بعضی از موارد اشاره می شود که در روایات به آنها تصریح شده است:

الف) حضرت عیسی(ع)

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «فَيَلْتَفِتُ الْمَهْدِيُّ وَقَدْ نَزَلَ عِيسَى عِنْدَ الْمَنَارَةِ الْبَيْضَاءِ مِنَ الْقُدْسِ... فَيَقُولُ الْمَهْدِيُّ تَقَدَّمْ صَلِّ بِالنَّاسِ فَيَقُولُ: إِنَّمَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ لَكَ فَيَصَلِّي عِيسَى خَلْفَهُ وَيُبَايِعُهُ وَيَقُولُ: إِنَّمَا بَعِثْتُ وَزِيْرًا، وَلَمْ أُبْعَثْ أَمِيرًا؛ (۱)» (مهدی(ع) متوجه می شود که عیسی(ع) در قدس در نزدیکی مناره سفید فرود آمده است... پس مهدی(ع) می گوید: جلو بایست و با مردم نماز بخوان. سپس عیسی(ع) می گوید: نماز برای تو اقامه شده است. پس عیسی(ع) پشت سر او نماز می خواند و با او بیعت می کند و می گوید: من به عنوان وزیر برانگیخته شده ام؛ نه به عنوان امیر [و امام].»

امام صادق(ع) فرمود: «يَعُودُ الْقَائِمُ إِلَى الْقُدْسِ وَيُصَلِّي بِالنَّاسِ إِمَامًا، حَتَّى إِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَأُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، يَنْزِلُ - يَعْنِي عِيسَى (ع) - وَمَعَهُ سَبْعُونَ أَلْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَهُوَ بِعِمَامَةٍ خَضْرَاءَ، مَتَقَلِّدٌ بِسَيْفٍ، عَلَى فَرَسٍ وَيَبْدِهِ حَزْبَةٌ...؛ (۲)» (قائم(ع) به قدس برمی گردد و [چند روزی] با مردم نماز می خواند، چون روز جمعه فرا رسد و نماز به پا شود، عیسی(ع) با هفتاد هزار فرشته، در حالی که عمامه سبزی به سر دارد و شمشیرش را حمایت کرده، سوار بر اسب و با سلاحی در دست فرود می آید.»

ص: ۶۷۷

۱- الصواعق المحرقة، ص ۹۸؛ ینابیع الموده، ج ۳، ص ۹۰ و ص ۱۳۵؛ منتخب الأثر، ص ۳۱۶ و الامام المهدی، ص ۶۹.

۲- الزام الناصب، ص ۲۲۹.

ب) حضرت موسی (ع)

امام صادق (ع) فرمود: «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ مِنْ ظَهْرِ هَذَا الْبَيْتِ بَعَثَ اللَّهُ مَعَهُ سَبْعَةَ وَعِشْرِينَ رَجُلًا مِنْهُمْ أَرْبَعَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى (ع)... وَيُوشِعُ بَنُ نُونٍ وَ... وَمُوسَى (ع)؛» (۱) هرگاه حضرت مهدی (ع) از پشت این خانه (کعبه) ظهور کند، خداوند بیست و هفت نفر از مردان (یاران مهدی (ع)) را برمی انگیزد که از آنان، چهارده نفر از قوم موسی (ع)... و یوشع بن نون... و حضرت موسی (ع) هستند.»

ج) حضرت خضر (ع)

یکی از یاران خاص امام زمان (ع) هنگام قیام و حکومت جهانی، حضرت خضر (ع) است که در قالب سربازی فداکار، پیشاپیش مولا و رهبر خود، حضرت مهدی (ع)، جانفشانی می کند.

امام صادق (ع) فرمود: «يَمْشِي الْخَضِرُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَيَقْفُو آثَرَ رَسُولِ اللَّهِ... لَهُ مَلَكٌ يُسَدُّهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَرَاهُ...؛» (۲) خضر (ع) در پیشاپیش او (حضرت مهدی (ع)) حرکت می کند و او از روش پیامبر اکرم (ص) پیروی می کند... برای او فرشته ای است که او را یاری می کند از جایی که او را نمی بیند.»

ص: ۶۷۸

۱- دلایل الامامه، جریر بن رستم طبری الآملی، ص ۲۴۷.

۲- بشاره الاسلام، ص ۲۹۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴ و منتخب الأثر، ص ۴۹۰.

امام رضا(ع) فرمود: «إِنَّ الْخَضِرَ شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ، فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ حَتَّى يُنْفَخَ فِي الصُّورِ... وَسَيُؤْنَسُ اللَّهُ بِهِ وَحَشَهُ قَائِمًا فِي غَيْبَتِهِ؛ (۱)» حضرت خضر(ع) از آب حیات نوشید، پس او تا زمانی که در صور دمیده شود، زنده است و نخواهد مُرد... خداوند به وسیله او وحشت قائم ما را در زمان غیبتش به انس مبدل می سازد.»

۴. مؤمنان

امام علی(ع) فرمود: «إِذَا قَامَ تَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَصْحَابُهُ عَلَى عِدَّةِ أَهْلِ يَدْرِ وَأَصْحَابِ طَالُوتَ، وَهُمْ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا؛ (۲)» هنگامی که [امام مهدی(ع)] قیام کند، اصحاب او که به تعداد اصحاب بدر و اصحاب طالوت، سیصد و سیزده نفر هستند، به دور او گرد می آیند.»

امام باقر(ع) می فرماید: «ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ حِينَ يَكُونُ فِي مِثْلِ الْحَلْقَةِ: عَشْرَةَ آلَافٍ رَجُلٍ؛ (۳)» سپس [حضرت مهدی(ع)] از مکه خارج می شود، در حالی که ده هزار نفر، مانند حلقه، او را در میان گرفته اند.»

ص: ۶۷۹

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲ و ص ۲۷۷.

۲- الزام الناصب، ص ۱۹۹.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷ و منتخب الأثر، ص ۴۶۸.

امام رضا(ع) فرموده است: «وَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ، تُطْوَى لَهُمُ الْأَرْضُ طَيًّا حَتَّى يُبَايَعُوهُ؛» (۱) شیعیان او (حضرت ولی عصر(ع)) از اطراف و اکناف جهان به سوی او می شتابند و زمین، زیر پای آنها طی می شود، تا [به محضر او رسیده، بیعت کنند.]

امام صادق(ع) فرمود: «لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يَكُونَ تَكْمِلَهُ الْحَلَقَةُ. قُلْتُ: كَمْ تَكْمِلُهُ الْحَلَقَةُ. قَالَ: عَشْرَةَ آلاَفٍ؛» (۲) امام مهدی(ع) قیام نمی کند تا حلقه کامل شود. گفتم: چند نفر حلقه را کامل می کنند. فرمود: ده هزار نفر.»

آری، سربازی و جانفشانی در رکاب امام زمان(ع) آرزوی قلبی همه دوستان و شیعیان آن حضرت است و در پی رسیدن به این آرزو، منتظران در رواق انتظار با دیدگانی امیدوار، در انتظار نشسته اند تا آن گوهر عالم تاب، پدیدار شود و خود را در سلک یاران او قرار دهند.

ص: ۶۸۰

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷ و منتخب الأثر، ص ۴۸۶.

۲- . الغیبه، نعمانی، ص ۳۰۷.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَحَدِدُ لَكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَبَيْعَةً فِي رَقَبَتِي اللَّهُمَّ كَمَا شَرَّفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ وَفَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ وَخَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النُّعْمَةِ فَصَلِّ عَلَى مَوْلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ؛ (۱)» پروردگارا، من در این روز و در هر روز، عهد و بیعتی را که از آن حضرت برگردن دارم، تجدید می کنم. پروردگارا! چنان که مرا به این شرافت سرفراز فرمودی و به این فضیلت گرامی داشتی و به این نعمت [بزرگ] اختصاص دادی، پس بر مولا و آقای من حضرت صاحب الزمان درود فرست و مرا از یاران و پیروان و مدافعان [و نصرت کنندگان] و از آنان قرارده که در رکاب حضرتش با کمال شوق و بی هیچ گونه کراهتی به درجه رفیع شهادت می رسند.»

ص: ۶۸۱

۱- . مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر(ع).

بستر زمان و تاریخ، دالان ورودی انسانها به دانشگاه مهدوی است؛ دانشگاهی که در آن ملیت، قومیت، مذهب، نژاد، مقطع تاریخ و زمان مطرح نیست؛ بلکه فراملی، قومی، مذهبی، نژادی و انسانی است.

دانشگاهی که برای سعادت و رستگاری بشر، برنامه های خاص و ویژه ای تدارک دیده است و در راستای تحقق آرزوی دیرینه انسانها، دانش پژوهانی را برای تربیت و تعلیم پذیرش کرده است تا تاریخ بشر را که مملو از ظلم و ستم، تبعیض و نابرابری است دگرگون کند و آن روی سکه را که عدل و داد، مساوات و برابری است برای جهان و جهانیان به ارمغان بیاورد.

آری، طبق بیان معصومان(ع) در احادیث مختلف، بعضی انبیا، اولیا، فرشته ها و... از رواق و دالان انتظار عبور کرده و با پوشیدن کسوت سربازی، خود را در سلک یاران حضرت مهدی(ع) قرار داده اند؛ مانند: حضرت عیسی(ع)، موسی(ع)، خضر(ع)، الیاس(ع)، و اصحاب کهف.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «فَبَيْنَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ هَبَطَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ بِشَرْقِيِّ دِمَشْقٍ عِنْدَ الْمَنَارَةِ الْبَيْضَاءِ، بَيْنَ مَهْرُودَتَيْنِ وَاضَةً عَا يَدَيْهِ عَلَى أَجْنِحِهِ مَلَكَيْنِ... فَيَطْلُبُ الدَّجَالَ فَيُدْرِكُهُ بِبَابٍ لُدٍّ فَيَقْتُلُهُ؛» (۱) در چنین حالی (پس از ظهور حضرت حجت (ع)) حضرت عیسی بن مریم (ع) در شرق دمشق، نزد مناره سفید، میان دو ابر رنگین و در حالی که دو دست خود را روی بالهای دو فرشته نهاده، فرود می آید... دجال را دنبال می کند، در باب لُدّ به او می رسد و او را به هلاکت می رساند.»

امام باقر (ع) فرموده است: «وَيَسِيرُ نَحْوَ الْكُوفَةِ وَيَنْزِلُ عَلَى سِرِيرِ النَّبِيِّ سُلَيْمَانَ وَيَمِينِهِ عَصَا مُوسَى (ع) وَجَلِيسُهُ الرُّوحَ الْأَمِينُ وَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ...» (۲) [حضرت ولی عصر (ع)] به سوی کوفه حرکت می کند و بر تخت سلیمان پیامبر (ع) می نشیند و عصای موسی (ع) را در دست می گیرد و روح الامین (جبرائیل) و حضرت عیسی بن مریم (ع) همراه او هستند.»

ص: ۶۸۳

۱- الصواعق المحرقة، ص ۱۶۲؛ صحیح، مسلم، ج ۱، ص ۱۰۷؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۷۹؛ بشاره الاسلام، ص ۱۹۲ و

منتخب الأثر، ص ۳۱۶.

۲- إلزام الناصب، ص ۲۰۸.

امام صادق(ع) فرمود: «...فَبَيَّعَتُ اللَّهَ الْفِتْيَةَ مِنْ كَهْفِهِمْ مَعَ كَلْبِهِمْ، مِنْهُمْ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: مَيْلِخَاءُ وَآخَرَ حَمَلَاهَا، وَهُمَا الشَّاهِدَانِ الْمُسْلِمَانِ لِلْقَائِمِ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «أَنَا لَنْ نُصِرُّ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (۱) وَهُؤُلَاءِ هُمُ الْأَشْهَادُ: أَيُّ الشُّهُودِ الَّذِينَ يُسَلِّمُونَ عَلَيَّ الْقَائِمِ بِاسْمِهِ؛ (۲) خداوند، اصحاب كهف را همراه با سگشان برمی انگیزد. یکی از آنها «میلخاء» نام دارد و یکی دیگر «حملاها». این دو نفر شاهدهی هستند که به حضرت مهدی(ع) شهادت می دهند و سلام می گویند؛ چنان که خدای تبارک و تعالی می فرماید: "ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و در روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم"، اینها؛ همان گواهان هستند؛ یعنی شاهدانی که به حضرت قائم(ع) به اسم سلام می دهند.»

امام صادق(ع) می فرماید: «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ مِنْ ظَهْرِ هَذَا الْبَيْتِ بَعَثَ اللَّهُ مَعَهُ سَبْعَةَ وَعِشْرِينَ رَجُلًا مِنْهُمْ أَرْبَعَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ قَوْمِ مُوسَى (ع) وَهُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» وَأَصْحَابُ الْكَهْفِ ثَمَانِيَةٌ...؛ (۳) هرگاه حضرت حجت(ع) از پشت این خانه (کعبه) ظهور کند، خداوند بیست و هفت نفر از مردان (یاران مهدی(ع)) را برمی انگیزد که چهارده نفر آنان از قوم حضرت موسی(ع) هستند. آنها همان کسانی هستند که خداوند [در وصف آنها در قرآن کریم] می فرماید: "از میان قوم موسی(ع) جماعتی هستند که به حق راهنمایی می کنند و به حق داوری می کنند" و هشت نفر [از آنان] اصحاب كهف هستند.»

ص: ۶۸۴

۱- مؤمن / ۵۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۶۵ و ج ۵۳، ص ۸۵ و بشاره الاسلام، ص ۸۹.

۳- دلائل الإمامه، جریر بن رستم الطبری الآملی، ص ۲۴۷.

در نگاه تکوین، مرد، ماهیتی غیر از زن و زن، هویتی غیر از مرد دارد؛ امّا در مقام تشریح که از ناحیه خدا در قالب قرآن و سنت ارائه شده است، پیروی از شریعت فضیلت و شرافت است و سرپیچی، پستی و رذیلت را به ارمغان می آورد.

بدیهی است که در این مقوله، انسائیت در معرض خطاب و عتاب است و نوع انسان، محور امر و نهی خدا قرار می گیرد و تفاوتی در اکتساب فضیلت و رذیلت بین زن و مرد نیست؛ بلکه همه با یک صدا و آهنگ به سوی خداوند برای تعالی و تکامل گام بر می دارند:

(مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)؛ (۱) «هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم و پاداش آنها را خواهیم داد به بهترین اعمالی که انجام می دادند.»

شرکت در قیامِ آخرین نجات بخش بشر و حضور در تشکیل حکومت واحد جهانی ایشان، کمالی است که همه در آرزوی آن به سر می‌برند و در این بین، فرقی بین زن و مرد نیست؛ زیرا گزینشِ سرباز و یارگیری رهبر جهانی بر اساس لیاقت، شایستگی و خصال نیکِ افراد است، نه ماهیت، هویت جنسی و شخصی آنها؛ از این رو در روایات معصومان(ع) به حضور زنان در میان یاران خاص حضرت مهدی(ع) اشاره شده است.

امام باقر(ع) فرمود: «وَيَجِبِي ۙ وَاللَّهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَبَضْعَةُ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ إِمْرَةً يَجْتَمِعُونَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ؛» (۱) سوگند به خدا! سیصد و ده نفر و اندی، بدون وعده پیش او (حضرت صاحب الامر(ع)) گرد می‌آیند که در میان آنان پنجاه زن است.

از این روایات و روایتهای دیگری (۲) - که به سبب اختصار از ذکر آنها صرف نظر می‌شود - چنین استفاده می‌شود که در میان یاران خاص حضرت(ع) زنان مؤمن همراه و همدوش مردان مؤمن در به ثمر رساندن قیام و نهضت مهدوی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

ص: ۶۸۶

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۲- . يوم الخلاص (روزگار رهایی)، ج ۱، ص ۴۲۳ و ۴۲۴.

فصل هفتم: عصر ظهور

یاران مهدی(ع)

مقاطع سنی یاران

کلیه قیامها و نهضتها به سبب ایجاد حرکت بنیادین و نو در سطح جامعه، به نیروی فعال و کارآمد و پرانرژی نیاز دارند و بدون نیروی انسانی، به ویژه نیروی جوان که دارای نیروی متراکم و قوی است، حرکت و سیر نهضت کند و در نهایت به رکود می انجامد. پس در میان عوامل حرکت آفرین، نیروی جوان در مرتبه اول قرار دارد.

اکنون اگر یک جنبش دارای ویژگیهای انحصاری، نظیر: کلیت و فراگیری، دوام و قداست باشد، رعایت گزینه یاد شده به دو علت، ضرورت بیشتری پیدا می کند:

الف) جوان در حرکت روبنایی، دارای قدرت بدنی و صلابت جسمی است که از پس کارهای سخت و مهم برمی آید؛

ص: ۶۸۷

ب) جوان در حرکت زیربنایی، دارای روح لطیف و صیقل داده شده است که به منزله آئینه بدون زنگار می ماند، حق را بدون درنگ می پذیرد و به آن گردن می نهد؛ بالطبع، فرمانبرداری او از رهبر و مولای خود بیشتر است و این شاخصه، رمز موفقیت هر قیام و نهضتی شمرده می شود.

نهضت مهدوی نیز با مؤلفه های یاد شده از این قاعده مستثنا نیست؛ بلکه نیاز به نیروی کارآمد و جوان در آن بیشتر احساس می شود. در روایات مختلف به جوان بودن اکثریت یاران مهدی(ع) اشاره شده است.

امام علی(ع) فرمود: «أَصِيحَابُ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ، إِلَّا مِثْلَ الْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ وَالْمِلْحِ فِي الزَّادِ، وَ أَقَلُّ الزَّادِ الْمِلْحُ؛ (۱)»
یاران قائم(ع) همه جوان هستند، در میان آنها پیرمرد یافت نمی شود، مگر به مثل سرمه در چشم و نمک در طعام، که کمتر از هر ماده ای در طعام نمک است.»

امام باقر(ع) فرمود: «بَيْنَا شَبَابُ الشَّيْعَةِ عَلَى ظُهُورِ مَنَازِلِهِمْ نِيَامٌ، إِذْ تَوَافَوْا إِلَى صَاحِبِهِمْ فِي لَيْلِهِ وَاحِدَةً عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ، فَيُصَيَّبُ حُونَ بِمَكَّةَ، يَجْتَمِعُونَ قَرَعًا كَقَرَعِ الْخَرِيفِ مِنَ الْقَبَائِلِ؛ (۲)» در حالی که جوانان شیعه، پشت خانه هایشان خوابیده اند، یک مرتبه چون قطعه های ابر پاییزی در یک شب، از تیره های مختلف، بدون وعده قبلی به سوی صاحبشان برده می شوند، صبح، همگی خود را در مکه معظمه می یابند و دور شمع وجودش گرد می آیند.»

ص: ۶۸۸

۱- . الغيبة، نعمانی، ص ۱۷۰؛ بشاره الاسلام، ص ۲۰۶ و بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.

۲- . ینابیع الموده، ج ۳، ص ۷۹؛ الغيبة، ص ۱۷۰ و بشاره الاسلام، ص ۱۰۳ و ۲۰۵.

افزون بر اینکه غالب یاران ولی عصر(ع) جوانان هستند، رهبر و امام قیام نیز به صورت جوان، یعنی با قیافه چهل سالگی ظهور می کند. این دو شاخصه (جوان بودن رهبر و جوان بودن یاران) از ویژگیهای مهم در موفقیت هر قیام و نهضتی است.

امام صادق(ع) می فرماید: «إِنَّهُ مِنْ أَعْظَمِ النَّبِيِّهِ أَنْ يَخْرُجَ إِلَيْهِمْ صَاحِبُهُمْ شَابًا وَهُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا؛» (۱) از امتحانات بزرگ خداوندی است که صاحبشان به صورت جوانی ظاهر می شود، در حالی که آنها او را پیری کهنسال تصور می کنند.»

امام صادق(ع) فرموده است: «إِنَّ فِي صَاحِبِ الزَّمَانِ شَبَّهًا مِنْ يُونُسَ: رُجِوعُهُ فِي غَيْبَتِهِ بِشَرَحِ الشَّبَابِ؛» (۲) در صاحب الزمان(ع) نشانی از حضرت یونس هست و آن اینکه پس از غیبتش به صورت جوانی ظاهر می شود.»

ص: ۶۸۹

۱- . اعلام الوری، ص ۴۰۷ و منتخب الأثر، ص ۲۵۸.

۲- . الغیبة، طوسی، ص ۲۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۹ و منتخب الأثر، ص ۲۵۸.

فصل هفتم: عصر ظهور

آخرالزمان در فرهنگ مهدویت

اشاره

بدون تردید، هر آغازی را انجामी است و هر شروعی را پایان؛ مگر ذات اقدس پروردگار که آغاز و انجام ندارد. دنیا نیز از این قاعده کلی و فراگیر بیرون نیست؛ از این رو زمانی بر این دنیا گذشته و زمانی خواهد گذشت که زمان پایان خواهد بود و قسمت پایانی از کتاب زمان را «آخرالزمان» نام نهاده اند.

«آخرالزمان»، اصطلاحی است که در فرهنگ اغلب ادیان بزرگ به چشم می خورد و به ویژه در ادیان ابراهیمی از برجستگی و اهمیت ویژه ای برخوردار است.

این اصطلاح، معمولاً به مدت زمان پایان دنیا و رویدادهایی که ممکن است در آن بخش از زندگی دنیوی به وقوع بپیوندد، گفته می شود که ادیان بزرگ درباره آن پیشگوییهای کرده اند؛ از جمله اینکه صحیفه آسمانی مسلمانان در مواردی فراوان به این بخش از آینده اشاره کرده و پرده از برخی رخدادهای آن زمان برداشته است.

ص: ۶۹۰

به طور کلی این اصطلاح در معارف ارزشمند اسلامی به دو معنا به کار رفته است:

۱. مدت زمانی طولانی که با ولادت آخرین پیامبر الهی آغاز و با شروع قیامت پایان می یابد و از همین روست که از پیامبر اسلام (ص) به عنوان پیامبر آخرالزمان یاد شده است؛

۲. معنای دوم که تا حدودی از معنای نخست محدودتر است، شامل مدت زمانی می شود که با ولادت حضرت مهدی (ع) آغاز شده است و نیز زمان غیبت صغری و کبری و همچنین ظهور حکومت جهانی آن حضرت را در بر می گیرد.

از مجموع احادیثی که در کتابهای روایی، تفسیر و تاریخ درباره دوران آخرالزمان ذکر شده، دو مطلب اساسی و قابل توجه به دست می آید که گویای این مطلب است که آخرالزمان به دو دوره کاملاً متفاوت تقسیم می شود:

دوران نخست، زمانی است که در آن، فساد اخلاقی و ظلم و ستم، همه جامعه های بشری را فرا خواهد گرفت و در دوران دوم - که با قیام مصلح جهانی آغاز می شود - تمامی فسادها و ظلمها ریشه کن شده، جای خود را به عدالت خواهد داد و توحید، عدل و رشد عقلی و علمی در سراسر زندگی انسانها گسترش می یابد.

ص: ۶۹۱

کلیات عقاید مربوط به آخرالزمان تقریباً در میان فرقه های بزرگ اسلام پذیرفته شده است؛ ولی اینکه آیا این تحولات آخرالزمان با ظهور مهدی موعود(ع) پدیدار خواهد شد و نیز در اینکه مهدی موعود چه کسی است، اختلافاتی وجود دارد.

شیعیان دوازده امامی، حضرت مهدی(ع) و حکومت جهانی او را حسن ختام حیات بشری در دنیا دانسته، بر پایی قیامت صغری و حاکمیت برخی ائمه را تحت عنوان «رجعت»، مهر پایانی طومار زندگی بر زمین ذکر کرده اند که البته هر دو مجالی وسیع می طلبد و فرصتی دیگر.

ص: ۶۹۲

تعبیرهایی در روایات وجود دارد که پیوند ناگسستنی مهدویت با آخرالزمان را به روشنی بیان می کند. برخی از این روایات را در ذیل نقل می کنیم:

۱. امام صادق(ع) از جد بزرگوارشان رسول گرامی اسلام(ص) روایت فرمود که آن حضرت رو به سوی علی(ع) کرده، چنین فرمود: «أَلَا- أُبَشِّرُكَ أَلَا- أُخْبِرُكَ؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ: كَانَ جَبْرَائِيلُ عِنْدِي آتِئاً وَأُخْبِرَنِي أَنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ؛»(۱) آیا تو را بشارت ندهم؟ آیا تو را خبر ندهم؟ عرض کرد: بله، یا رسول الله. پس آن حضرت فرمود: هم اکنون جبرئیل نزد من بود و مرا خبر داد که آن قائمی که در آخرالزمان ظهور می کند و زمین را از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از ظلم و جور آکنده شده باشد، هر آینه از ذریه تو و از فرزندان حسین(ع) است.»

۲. عبدالله بن مسعود از رسول گرامی اسلام(ص) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ؛»(۲) دنیا به پایان نرسد، مگر اینکه امت مرا مردی رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می شود.»

ص: ۶۹۳

۱- الغیبه، ابن ابی زینب، کتابخانه صدوق، چاپ اول، ۱۳۶۶، ص ۳۵۷، ح ۱.

۲- کتاب الغیبه، الطوسی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، الطبعة الثانی، ۱۴۱۷، ص ۱۸۲، ح ۱۴۱.

۳. ابان می گوید: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنِّي يَحْكُمُ بِحُكْمِهِ آلِ دَاوُدَ وَلَا يَسْأَلُ بَيْنَهُ، يُعْطَىٰ كُلَّ نَفْسٍ حَقَّهَا؛» (۱) دنیا به سرانجام نخواهد رسید تا اینکه مردی از تبار من قیام کند و به حکومت آل داوود [که خود علم خواهد داشت] حکم می کند و از بینه سؤال نخواهد کرد و هر صاحب حقی را به حق خویش خواهد رساند.»

۴. در حدیث شریف نبوی می خوانیم: «وَلَا تَنْقِضِي الْأَيَّامَ حَتَّىٰ يَمْلِكَ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيءُ إِسْمَهُ إِسْمِي؛» (۲) روزهای دنیا منقضی نشود تا اینکه مردی از اهل بیت من [بر زمین] حکومت کند که همنام من باشد.»

۵. عبدالله بن مسعود می گوید که پیامبر خدا (ص) فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّىٰ يَبْعَثَ رَجُلًا مِّنِّي؛» (۳) اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا مردی از خاندان من را برانگیزد.»

ص: ۶۹۴

۱- . الکافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ج ۱، ص ۳۹۷.

۲- . بشاره المصطفیٰ لشیعه المرتضیٰ، الطبرسی الآملی، منشورات المطبعه الحیدریه، ص ۲۵۸.

۳- . کتاب الغیبه، شیخ علوی، ص ۴۶، روایت ۳۰.

۶. پیامبر گرامی (ص) می فرماید: «يَكُونُ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ وَظُهُورِ الْفِتَنِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ عَطَاءُهُ هَنِيئًا؛» (۱) (هنگام پایان زمان و آشکار شدن فتنه ها، مردی هست که به او مهدی گفته می شود و بخشش او فراوان است.)

در همه روایات فوق با تعبیرهای مختلف، بحث آخر الزمان، و ظهور امام زمان (ع) در این دوران مطرح شده است.

ص: ۶۹۵

۱- . کشف الغمه، اربلی، دارالاضواء، ج ۳، ص ۲۶۰، ح ۲۴.

فصل هفتم: عصر ظهور

آخرالزمان در فرهنگ مهدویت

علائم و نشانه های آخرالزمان

این دوران، دارای نشانه هایی است که در اصطلاح به آنها «علائم آخرالزمان» گفته می شود.

افزون بر اصطلاح رایج «علائم آخرالزمان» در فرهنگ مسلمانان، اصطلاح مشابه دیگری است که از آن به «اشراط الساعة» یاد می شود. این اصطلاح به علائم وقوع قیامت اختصاص دارد؛ ولی از بررسی روایات ذیل این عنوان در کتابهای حدیثی به دست می آید که محتوای سخنان، مطالب مشترک فراوانی با روایات آخرالزمان دارد و بسیاری از نشانه ها در هر دو دسته روایات ذکر شده است. البته اصطلاح دوم نزد اهل سنت و اصطلاح نخست نزد شیعیان شایع تر و رایج تر است.

همان گونه که اشاره شد، این دوره، دارای ویژگیهایی است که در روایات اسلامی از آنها یاد شده است. برخی از آن خصوصیات که در آستانه ظهور به خوبی قابل مشاهده است، عبارت اند از:

ص: ۶۹۶

پیامبر اکرم (ص) آن گاه که به توصیف زندگی مردم در دوران آخرالزمان می پردازد، این گونه می فرماید: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ... دِينُهُمْ دَرَاهِمُهُمْ وَهَمُّهُمْ بُطُونُهُمْ، وَقَبْلَتُهُمْ نِسَاؤُهُمْ وَيَزْكَعُونَ لِلرَّغِيفِ وَيَسْجُدُونَ لِلدَّرْهَمِ حِيَارَى سِيكَارَى، لَا مُسْلِمِينَ وَلَا نَصَارَى؛ (۱)» (روزگاری برای مردم فرا می رسد که... دین و آیین آنها درهمهایشان و همت آنها شکمهایشان و قبله آنها زنانشان است. رکوع و سجودشان برای مال دنیا است، در حیرت و مستی خواهند بود و نه مسلمان اند و نه نصرانی.)»

درباره نشانه های فراموشی دین، به موارد ذیل اشاره شده است:

ص: ۶۹۷

امام علی (ع) فرمود: «فَإِنَّ عِلَامَةَ ذَلَّتِكَ إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ وَأَضَاعُوا الْأَمَانَةَ وَاسْتَحَلُّوا الْكِبْذَ وَأَكَلُوا الرِّبَا وَأَخَذُوا الرِّشْيَ وَشَيَّدُوا الْبُنْيَانَ، وَبَاعُوا الدِّينَ بِالدُّنْيَا وَاسْتَعْمَلُوا السُّفَهَاءَ وَقَطَعُوا الْأَرْحَامَ وَأَتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ وَاسْتَخَفُّوا بِالْدِّمَاءِ وَظَهَرَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ وَاسْتَعْمِلَ الْفُجُورُ وَقَوْلُ الْبُهْتَانِ وَالْإِثْمُ وَالطُّغْيَانُ؛ (۱)» به درستی که نشانه آن، هنگامی است که مردم، نماز را بمیرانند، امانت را ضایع کنند، دروغ را جایز شمارند، رباخواری کنند، رشوه بگیرند، بناها را محکم و مرتفع بسازند، دین را به دنیا بفروشند، سفیهان را به کار گیرند، قطع رَحِم کنند، از هوای نفس پیروی کنند، خونها را سبک بشمارند، شهادتهای دروغ آشکار شود، فحشا معمول شود و بهتان و گناه و مرزشکنی رواج یابد.»

۲. دنیاپرستی

ص: ۶۹۸

۱- . اکمال الدین، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۵۲۵، ح ۴۷.

از دیگر ویژگیهای آخرالزمان، غوطه ور شدن مردم در دنیا و دنیاپرستی است. رسول گرامی اسلام(ص) در این باره فرموده است: «سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَخْبُثُ فِيهِ سِرَائِرُهُمْ وَتَحْسُنُ فِيهِ عِلَائِيَّتُهُمْ طَمَعًا فِي الدُّنْيَا، لَا يُرِيدُونَ بِهٖ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ رَبُّهُمْ يَكُونُ دِينُهُمْ رِيَاءً لَا يُخَالِطُهُمْ خَوْفٌ يَعْصِمُهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ فَيَدْعُوْنَهُ دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ؛» (۱) به زودی زمانی بر امت من می آید که در آن زمان درون آنها پلید می شود، ولی ظاهر آنها به طمع دنیا آراسته می شود. به آنچه در پیشگاه خداوند است دل نمی بندند، دین آنها ریا [و تظاهر] است، خوف از خدا به دلشان راه نیابد [و خداوند آنها را به عذابی فراگیر دچار سازد، به این صورت که] آنها خداوند را همچون آدم غرق شده می خوانند و خداوند دعایشان را مستجاب نمی کند.»

۳. فتنه های بزرگ

ص: ۶۹۹

۱- . الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۸، ص ۳۰۶.

از دیگر ویژگیهای عصر آخرالزمان، ظهور و بروز امتحانات بزرگ الهی است که بسیاری از انسانهای سست ایمان در این آزمایشهای الهی مردود و عده ای که ایمان در تمام وجودشان رسوخ کرده، موفق بیرون می آیند.

ابو خالد کابلی از امام سجاد(ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «یا ابا خالد! لتأیبن فتن کقطع الیل المظلم لا ینجوا الا من أخذ الله میثاقه اولئک مصابیح الهدی وینابیح العلم؛» (۱) ای ابا خالد! هر آینه فتنه هایی همچون قطعه های شب تاریک [در راه است و] فرا خواهد رسید که هرگز کسی [از آن] نجات نخواهد یافت، مگر کسی که خداوند از او پیمان گرفته است و ایشان چراغهای هدایت و چشمه ساران دانش اند.»

آری، کسی که در بارش فتنه، سر ایمان را به سلامت در برد، کاری کارستان کرده است. پیامبر اکرم(ص) از آن سوی اعصار و قرون از دیدن چنین اشخاصی به شگفت آمده، به علی(ع) چنین فرمود:

ص: ۷۰۰

۱- . امالی، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳، ص ۴۵.

«يا عَلِيُّ! أَعْجَبُ النَّاسِ إِيمَانًا وَأَعْظَمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسِوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ؛ (۱) ای علی! بدان که شگفت آورترین مردم در ایمان و بزرگ ترین آنان در یقین مردمی هستند که در آخرالزمان واقع شده اند، پیغمبر را ملاقات نکرده اند و از امام خود محجوب اند و همانا به نوشته - که خط سیاهی بر صفحه سفید است - ایمان آورده اند.»

ص: ۷۰۱

۱- . من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۶۶.

فصل هفتم: عصر ظهور

آخرالزمان در فرهنگ مهدویت

سیمای زندگی در آخرالزمان

با توجه به ویژگیهای فوق می توان سیمای زندگی در این دوره را این گونه ترسیم کرد:

۱. دین در آخرالزمان

همان گونه که اشاره شد، عوامل فراوانی دست به دست یکدیگر داده، روز به روز حقیقت تابناک دین را در هاله ای از ابهام فرو می برند؛ از این رو همواره دین در جوامع رو به کم رنگ شدن می رود و خرافات و انحرافات فراوانی گریبانگیر آن می شود؛ به نحوی که وقتی حضرت مهدی(ع) قیام کرد، غبار از چهره دین برمی گیرد و همگی گمان می کنند این دین جدیدی است که آن حضرت ارائه می فرماید.

امیرمؤمنان علی(ع) این حقیقت را این گونه بیان فرموده است: «أَيُّهَا النَّاسُ! سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ يُكْفَى فِيهِ الْإِسْلَامُ، كَمَا يُكْفَى الْإِنَاءُ بِمَا فِيهِ» (۱) ای مردم! به زودی، زمانی بر شما خواهد رسید که اسلام، چونان ظرف واژگون می شود و آنچه در آن است می ریزد.»

ص: ۷۰۲

۱- . نهج البلاغه، سید رضی، نشر امام علی(ع)، خ ۱۰۳.

همچنین رسول گرامی اسلام (ص) می فرماید: «سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ يُسْمُونَ بِهِ وَهُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مُسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى؛» (۱) (زمانی بر امت من پیش می آید که از قرآن، جز نقش آن و از اسلام، جز نام آن باقی نماند، [به ظاهر] مسلمان نامیده می شوند، در حالی که بیش از همه مردمان از آن دورند، مساجدشان آباد است، ولی از هدایت خالی است.»

۲. مردان آخرالزمان

امتحانات خداوند برای زن و مرد یکسان است؛ ولی پاره ای روایات به ویژه درباره مردان آخرالزمان سخن گفته اند که به برخی از آنها اشاره می شود:

امام صادق (ع) فرمود: «...وَرَأَيْتَ الرَّحِيلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمَ وَلَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ فُجُورٍ، أَوْ بَخْسٍ مِكْيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ أَوْ غَشْيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شُرْبِ مُسْكِرٍ كَثِيبًا حَزِينًا؛» (۲) (مردی را می بینی هنگامی که یک روز بر او گذشته و گناه بزرگی انجام نداده است، از قبیل: فحشا، کم فروشی، کلاهبرداری و یا شرب خمر، بسیار غمگین و اندوهگین می شود.)

ص: ۷۰۳

۱- . ثواب الاعمال، شیخ صدوق، انتشارات شریف رضی، ص ۲۵۳.

۲- . الکافی، ج ۸، ص ۴۰.

خداوند متعال، زن را همانند مرد، گوهر گرانبهای آفرینش قلمداد کرده است و او گاه با اختیار و انتخاب خود تا اوج کمالات معنوی صعود و گاهی به پایین ترین درکات سقوط می کند.

رسول گرامی اسلام (ص) در وصف برخی از زنان در آن دوران چنین می فرماید: «كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَ نِسَاؤُكُمْ وَفَسَقَ شُبَّانُكُمْ وَلَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَلَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ. فَقِيلَ لَهُ: وَيَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ وَشَرٌّ مِنْ ذَلِكَ» (۱) چگونه می شود حال شما، هنگامی که زنهاي شما فاسد شوند و جوانانتان فاسق، و شما نه امر به معروف می کنید و نه نهی از منکر. به پیامبر اکرم (ص) گفته شد که آیا این چنین خواهد شد؟! آن حضرت فرمود: بله و بدتر از آن [نیز خواهد شد].»

سرانجام سیمای زنان بد در آخرالزمان را با این سخن از امیرمؤمنان علی (ع) ادامه می دهیم که فرمود: «يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتٍ مَتَبَّرَجَاتٍ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ، مَائِلَاتٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ، مُسْرِعَاتٌ إِلَى اللَّذَاتِ، مُسْتَحِلَّاتٌ لِلْمَحْرَمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ» (۲) در آخرالزمان و نزدیک شدن قیامت - که بدترین زمانهاست - زنهايي ظاهر می شوند که برهنه و لخت اند، زینتهای خود را آشکار می سازند، به فتنه ها داخل می شوند، به سوی شهوتها می گرایند، به سوی لذتها می شتابند، حرامهای الهی را حلال می شمارند و در جهنم جاودانه خواهند بود.»

ص: ۷۰۴

۱- تحف العقول، ابن شعبه حرانی، انتشارات جامعه مدرسین، ص ۴۹.

۲- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، ج ۳، ص ۳۹۰ و مکارم الاخلاق، طبرسی، انتشارات شریف رضی، ص ۲۰۱.

سخن را با کلامی از امیرمؤمنان(ع) درباره انسانهایی که در این دوران سخت نجات می یابند به پایان می بریم که آن حضرت فرمود: «وَذَلِكَ زَمَانٌ لَا يَنْجُو فِيهِ إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ نُؤْمِهِ إِنْ شَهِدَ لَمْ يُعْرِفْ وَإِنْ غَابَ لَمْ يُفْتَقَدْ، أَوْلِيكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَأَعْلَامُ السُّرَى لَيْسُوا بِالْمَسَابِيحِ وَلَا الْمَذَابِيحِ الْبُدْرُ أَوْلِيكَ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمْ أَبْوَابَ رَحْمَتِهِ وَيَكْشِفُ عَنْهُمْ ضَرَاءَ نِقْمَتِهِ؛ (۱)» و آن زمانی است که از فتنه ها نجات نمی یابد، مگر مؤمنانی که بی نام و نشان اند. اگر در حضور باشند شناخته نشوند و اگر غایب شوند کسی سراغ آنها را نمی گیرد. آنها چراغهای هدایت و نشانه های روشن اند. نه مفسده جو هستند و نه فتنه انگیز، نه در پی اشاعه [فحشایند] و نه مردمی سفیه و لغوگو! اینان اند که خداوند، درهای رحمتش را به سویشان باز می کند؛ و سختیها و مشکلات را از آنان برطرف می سازد.»

ص: ۷۰۵

۱- . نهج البلاغه، سید رضی، نشر امام علی(ع)، ترجمه محمد کاظم محمدی - محمد دشتی، خ ۱۰۳.

فصل هشتم: علائم ظهور

نشانه های ظهور و قیام امام زمان(ع)

مقدمه

واژه مهدویت و مهدی(ع) تبلور فرهنگ انتظار است که همه مسلمانان، اعم از شیعه و اهل سنت در باور داشت آن، اتفاق نظر دارند. از زمان ظهور اسلام، پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) و یاران ایشان، عهده دار تبیین فرهنگ مهدویت بوده اند. این رسالت در هر عصری، میان آنها ادامه پیدا کرده است تا دوران غیبت کبری امام زمان(ع) که در این برهه مهم و حساس، علما و مبلغان دینی مسئولیت تبیین و تثبیت آن را بر عهده گرفته. مردم را به فرا رسیدن روزگار ظهور امیدوار می کنند.

ص: ۷۰۶

فصل هشتم: علائم ظهور

نشانه های ظهور و قیام امام زمان (ع)

ضرورت بیان نشانه های ظهور

هر مسئله ای که اهمیت و مقبولیت عمومی داشته باشد، مخاطرات و تهدیدها برای آن از ناحیه سوجدویان و فرصت طلبان بیشتر خواهد شد؛ از جمله این مسائل که دارای شاخصه های جهانی و همگانی است، ظهور منجی است که به منزله اعتقاد و باور عمومی در همه ادیان مطرح شده است. طبیعی است افرادی که در پی منفعت فردی اند با آزمندی بسیار و با ظاهرسازی فریبنده به اغفال مردم می پردازند تا به نیت سوء خود برسند.

از این رو بیان نشانه ها و علائم ظهور، ضروری است و رهبران و بزرگان دین، برای جلوگیری از این انحرافها و کج رویها و برای حفظ باورهای اصیل مردم، باید منجی و مصلح آخر زمان را با تمام شاخصه ها و خصال معرفی نمایند و برای ظهور و قیام او نشانه ها و علائمی را بیان کنند تا مردم در تمیز سره از ناسره در تحیر و تردید نمانند.

ص: ۷۰۷

از همین رو در روایات و احادیث بسیاری منجی آخر زمان (حضرت مهدی(ع)) و کیفیت ظهور او، با تمام نشانه ها بیان شده است.

در رویکرد کلی و کلان، می توان نشانه های ظهور را به انواع مختلف تقسیم کرد که به یکایک آنها خواهیم پرداخت:

ص: ۷۰۸

آن دسته از نشانه هایی که شاخصه های کلی و عمومی دارند؛ یعنی در قالب پدیده خاص، در برهه خاص و در افراد خاصی متصّف نشده اند، «علائم عمومی» نامیده می شوند؛ نظیر: احادیث و روایاتی که از احوال و اوضاع مردمان آخر زمان و انحرافات و کج رویها در آن دوره سخن به میان آورده اند که در واقع، نوعی بیان نشانه های ظهور امام زمان (ع) است؛ اما در قالب و معیار کلی و عمومی.

«عن ابن عباس عن رسول الله (ص): فی حدیث أنّ الله أوحى إليه ليلة أسرى به أن يوصى إلى عليّ و أخبره بالأئمة من ولده إلى أن قال: آخر رجل منهم يصي لي خلفه عيسى ابن مريم يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً... قلت إلهي فمتى يكون ذلك فأوحى إليّ عزّ و جلّ يكون ذلك إذا رُفِعَ العلم و ظهر الجهل و كثر القراء و قلّ العمل و كثر الفتك و قلّ الفقهاء الهادون و كثر فقهاء الضلالة الخونة... و كثر الجور و الفساد و ظهر المنكر و أمر أمّتك به و نهوا عن المعروف...» (۱) ابن عباس می گوید: در شب معراج، مطالبی به رسول اکرم (ص) وحی شد که باید به حضرت علی (ع) سفارش کند و به او درباره ائمه پس از آن حضرت _ که از فرزندان او هستند _ خبر داد؛ تا آنجا که فرمود: آخرین آنها [نشانه هایی دارد؛ از جمله اینکه] عیسی بن مریم پشت سرش نماز می خواند، زمین را از عدل و داد پر می کند، چنانچه از ظلم و جور پر شده باشد... عرض کردم: خداوندا! آن کی خواهد شد؟ خداوند به من وحی کرد: هر گاه علم از میان برداشته شود و نادانی ظاهر شود؛ قرائتهای [قرآن] زیاد اما عمل کم شود، قتل و کشتار زیاد شود، فقها و هدایت کنندگان واقعی کم شوند، علمای فاسق و خیانتکار زیاد شوند... جور و فساد زیاد شود؛ منکر ظاهر شود، امت تو امر به منکر و نهی از معروف کنند...»

بعضی از علائم ظهور، به صورت خاص و با شاخصهای ویژه در افراد متعین، تبلور می یابد؛ مثلاً در روایات بسیاری ذکر شده است که ظهور امام زمان (ع) در سال و روز فرد تحقق پیدا خواهد کرد. ظهور و خروج افرادی به نام دجال و سفیانی که مظهر گمراهی و نیز قیام افرادی مثل یمانی و سید خراسانی که سنبل هدایت هستند، جزء علائم خاص شمرده می شود و در احادیث، با اسم و رسم و با ویژگیهای مخصوصشان وارد شده است.

امام باقر (ع) فرمود: «تَنْزِلُ الرَّايَاتِ السُّودِ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خُرَّاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بُعِثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ؛» (۱) پرچمهای سیاهی از ناحیه خراسان بیرون می آید و به جانب کوفه به حرکت در می آید. پس چون مهدی ظاهر شود، اینان وی را به بیعت دعوت می کنند.»

و نیز آن بزرگوار فرمود: «برای مهدی ما، دو نشانه است که از وقتی خداوند، آسمانها و زمین را خلق فرمود، سابقه ندارد: خسوف در شب اول ماه رمضان و کسوف در نیمه همان ماه و این دو از زمانی که خداوند، آسمانها و زمین را خلق کرده است، [این چنین] وجود نداشته است.» (۲)

ص: ۷۱۰

۱- اثباه الهداه، ج ۷، ص ۲۱۷.

۲- منتخب الأثر، ص ۴۴۴.

در روایات فوق، نشانه های خاصی برای ظهور امام زمان(ع) تعیین شده است.

ص: ۷۱۱

فصل هشتم: علائم ظهور

نشانه های ظهور و قیام امام زمان (ع)

ب) نشانه های حتمی و غیر حتمی

۱. نشانه های حتمی

آنچه به طور قطع، پیش از ظهور حضرت رخ خواهند داد و در واقع، هیچگونه قید و شرطی در ایجاد آنها لحاظ نشده است، علائم حتمی نامیده می شوند و شاید بتوان گفت که ادعای ظهور، پیش از تحقق آنها کذب و دروغ است.

امام سجاد (ع) فرمود: «إِنَّ أَمْرَ الْقَائِمِ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ وَ أَمْرُ السُّفْيَانِيِّ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَا يَكُونُ قَائِمٌ إِلَّا بِسُفْيَانِيٍّ؛ (۱)» ظهور قائم از ناحیه خداوند، قطعی و خروج سفیانی نیز از جانب خداوند قطعی است و قائمی جز با سفیانی وجود ندارد.»

امام صادق (ع) فرمود: «وَالْيَمَانِيُّ مِنَ الْمَحْتُمِ؛ [قیام] یمانی از نشانه های حتمی است.»

ص: ۷۱۲

فضل بن شاذان از ابی حمزه ثمالی نقل می کند: «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْمَحْتُومِ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَالتَّمَدُّاءُ مِنَ الْمَحْتُومِ وَطُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا مِنَ الْمَحْتُومِ، وَ اخْتِلَافُ بَيْنِ الْعَبَّاسِ فِي الدَّوْلَةِ مِنَ الْمَحْتُومِ وَقَتْلَ النَّفْسِ الزَّكِّيَّةِ مَحْتُومٌ وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ مَحْتُومٌ...» (۱) (به امام باقر (ع) عرض کردم: آیا خروج سفیانی حتمی است؟ فرمود: آری، صیحه آسمانی نیز از علائم حتمی است و طلوع خورشید از مغرب حتمی است. اختلاف بین بنی عباس در رابطه با حکومت، حتمی است. کشته شدن نفس زکیه حتمی است، قیام قائم آل محمد (ص) حتمی است...»

۲. نشانه های غیر حتمی

ص: ۷۱۳

۱- . ارشاد، مفید، ج ۳، ص ۳۴۷.

بعضی از نشانه های ظهور، پیش از ظهور، به طور مشروط رخ می دهند؛ یعنی اگر مقتضی آنها موجود و موانع مفقود باشد، تحققشان حتمی خواهد بود. در میان نشانه ها، آنچه حتمی شمرده شده، از محتومیات هستند و غیر از آنها که گروه بسیاری از علائم را تشکیل می دهند جزو علائم غیر حتمی شمرده می شوند.

ص: ۷۱۴

فصل هشتم: علائم ظهور

نشانه های ظهور و قیام امام زمان (ع)

ج) علائم با فاصله و بی فاصله

۱. نشانه های نزدیک به وقت ظهور

در بعضی روایات، تصریح شده است که بعضی علائم در سال ظهور امام زمان (ع) رخ می دهد؛ یعنی پیش از ظهور و در آستانه قیام حضرت مهدی (ع)، این نشانه ها یکی پس از دیگری پدیدار و به ظهور امام زمان منتهی می شود.

امام صادق (ع) فرمود: «خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ الْخُرَاسَانِيَّةِ وَ السُّفْيَانِيَّةِ وَ الْيَمَانِيَّةِ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرِ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَ لَيْسَ فِيهَا رَايَةٌ بِأَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيَّةِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ» (۱) خروج سه نفر قیام خراسانی و سفیانی و یمانی، در یک سال و در یک ماه و یک روز خواهد بود و در این میان، هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی، به حق و هدایت دعوت نمی کند.

امام باقر (ع) فرمود: «لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ الْقَائِمِ وَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ أَكْثَرُ مِنْ خَمْسِ عَشْرَةَ لَيْلَةً» (۲) بین ظهور مهدی (ع) و کشته شدن نفس زکیه، بیش از پانزده شب فاصله نیست.

ص: ۷۱۵

۱- الغیبه، طوسی، ص ۴۴۶.

۲- کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۶، باب ذکر علامات قیام القائم.

۲. علائم دارای فاصله زمانی با ظهور

بعضی نشانه‌ها با فاصله بسیاری با وقت ظهور تحقق می‌یابد؛ حتی بعضی از آنها پیش از تولد امام زمان رخ داده‌اند و بعضی پس از تولد و پیش از ظهور با فاصله زیاد، تحقق پیدا کرده و خواهند کرد؛ چنان‌که شماری از آنها، همچون از هم گسستن بنی‌امیه و بنی‌عباس، خروج ابومسلم خراسانی، اختلاف بین مسلمانان و... اتفاق افتاده است.

ص: ۷۱۶

غالب نشانه های ظهور، طبیعی و زمینی اند و هر کدام در تثبیت حقانیت ظهور و قیام حضرت مهدی (ع) نقش اساسی دارند.

امام علی (ع) فرمود:

«وَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي الْحَرَمِ فَيَبْلُغُ السُّفْيَانِي، فَيَبْعَثُ إِلَيْهِ جُنْدًا مِنْ جُنْدِهِ فَيَهْرَمُهُمْ فَيَسِيرُ إِلَيْهِ السُّفْيَانِي بِمَنْ مَعَهُ، حَتَّى إِذَا صَارَ بَبِيْدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ، خَسَفَ بِهِمْ، فَلَا يَنْجُوا مِنْهُمْ إِلَّا الْمُخْبِرُ عَنْهُمْ؛ (۱)» مردی از خاندان من در سرزمین حرم قیام می کند، پس خبر خروج وی به سفیانی می رسد. وی سپاهی از لشکریان خود را برای جنگ، به سوی او می فرستد و آنان را شکست می دهد؛ آن گاه خود سفیانی و همراهانش به جنگ وی می روند و چون از سرزمین بیداء می گذرند، زمین آنان را فرو می برد و جز یک نفر، که خبر آنان را می آورد کسی از آنان نجات نمی یابد.»

نشانه هایی نظیر فرو رفتن سفیانی در بیداء، قیام یمانی، خراسانی، سفیانی و دجال، قتل نفس زکیه، جنگهای خونین و... از جمله علائم زمینی و طبیعی هستند.

ص: ۷۱۷

۲. علائم آسمانی

به علت اهمیت ظهور امام زمان، افزون بر نشانه های زمینی و طبیعی، برخی علائم آسمانی نیز در زمان ظهور حضرت رخ خواهند داد، تا مردم بهتر رهبر و مصلح آسمانی را بشناسند و در راستای تحقق رسالت و اهداف او مشارکت کنند؛ مانند:

- صیحه آسمانی

امام صادق(ع) فرمود: «إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ (ص)، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ، وَ يَشْرِبُونَ حُبَّهُ، وَ لَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ؛ (۱)» هر گاه گوینده ای از آسمان ندا دهد که حق با اولاد محمد(ص) است، در آن هنگام، ظهور مهدی(ع) به سر زبانها می افتد، و همه [شراب] دوستی او می نوشند و غیر او را یاد نمی کنند.»

- کسوف

ص: ۷۱۸

۱- . کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۸، ح ۳۹۶۶۵.

امام صادق(ع) فرمود:

«عَلَامَةُ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ كُسُوفُ الشَّمْسِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي ثَلَاثِ عَشْرَةٍ وَ أَرْبَعِ عَشْرَةٍ مِنْهُ؛» (۱)

نشانه ظهور مهدی(ع) کسوف خورشید در ماه مبارک رمضان است [و وقت کسوف] سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان خواهد بود.»

ص: ۷۱۹

۱- . الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۲، باب ۱۴، ح ۴۷.

فصل هشتم: علائم ظهور

زمینه سازان ظهور

مقدمه

تحقق انقلاب عظیم حضرت مهدی(ع) به عنوان بزرگ ترین تحولی است که بشر در حیات خود خواهد دید. این واقعه بزرگ برپایه‌هایی استوار است که از مهم ترین آنها فراهم آمدن یاران، همراهان و هم‌زمانی است که تا پای جان برای اجرای اهداف آن حضرت از پای ننشینند.

بازشناسی این عوامل، ما را به شناخت آن حکومت سترگ نزدیک تر خواهد کرد؛ آن گاه خویشتن را با آن شرایط و ویژگیها محک خواهیم زد و از خود خواهیم پرسید: آیا ما خود را برای آن روزگار آماده ساخته ایم؟ شاید آن روز، همین فردا باشد. با فهم این ویژگیها در خواهیم یافت که پای رفتن این راه را داریم یا خیر؟ و آیا در آن روز موعود و در هنگامه نبرد حق با باطل در کدامین جبهه قرار خواهیم گرفت؟

با گذری در بوستان کلام معصومان(ع) این ویژگیها به خوبی فرا روی ما قرار خواهد گرفت. پس قدم در این گلستان می نهیم و از گلهای عطرآگین آن مشام اندیشه را آکنده می سازیم.

ص: ۷۲۰

پاره ای از ویژگیهای یاران آن موعود امتهای از این قرار است:

ص: ۷۲۱

فصل هشتم: علائم ظهور

زمینه سازان ظهور

شناخت پروردگار

خداوند متعال، فلسفه اساسی آفرینش انسانها را عبادت و بندگی معرفی فرموده است؛ آنجا که می فرماید: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)؛ (۱) «جن و انس را خلق نکردم، مگر برای اینکه عبادت کنند.»

این مهم، زمانی حاصل می شود که شناخت آن ذات مقدس فراهم آید. پس از شناخت خداوند است که راه رشد، هموار و موانع برطرف می شود.

یاران امام مهدی(ع) از جمله کسانی هستند که خداوند را آن گونه می شناسند که شایسته او است. حضرت علی(ع) این شناخت والای خداوند را در ایشان، این گونه وصف فرموده است:

«رَجَاءُ الْمُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَيْضاً أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ (۲)» مردانی مؤمن که خدا را چنان شناخته اند که شایسته است و آنان، یاران مهدی(ع) در آخرالزمان هستند.»

ص: ۷۲۲

۱- . ذاریات / ۵۶.

۲- . کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۷۸، باب ۵.

امام صادق(ع) ششمین ستاره فروزان سپهر ولایت، قلبهای آنان را بسان پولاد دانسته، می فرماید: «... رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَمَّا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ...»(۱) آنان مردانی اند که دل‌هایشان گویا پاره های آهن است. هیچ تردیدی به خداوند قلب‌هایشان را نیالاید و [قلب‌هایشان] از سنگ استوارتر است.»

ص: ۷۲۳

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، باب ۲۶، ح ۸۲.

شناخت امام در هر زمان بر پیروان، لازم است؛ ولی آنچه شناخت رهبر آخرین را از اهمیتی دوچندان برخوردار می سازد، شرایط ویژه او است. ولادت پنهان، زیست پنهان و امتحانات دشوار، برخی از این ویژگیهاست.

یاران امام مهدی(ع) امام خویش را به بهترین وجه می شناسند و این شناخت آگاهانه در تمامی وجودشان رسوخ کرده است. بنابراین یار او شدن بدون شناخت آن بزرگوار امکان ندارد.

در روایات فراوانی چنین بیان شده است: «... مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛» (۱) هر که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلی خواهد مرد.

همچنین امام صادق(ع) فرمود: «... اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَمْ تَأَخَّرَ... فَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ كَانَ كَمَنْ كَانَ فِي فُسْطَاطِ الْقَائِمِ(ع)؛» (۲) امام خویش را بشناس. پس وقتی او را شناختی پیش افتادن و یا تأخیر این امر (ظهور) به تو آسیبی نخواهد رساند... پس هر که امام خویش را شناخت، مانند کسی است که در خیمه قائم(ع) باشد.»

- ۱- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹.
- ۲- . الغیبه، نعمانی، ص ۳۳۱، باب ۲۵، ح ۷.

آری، حضرتش در پس پرده غیبت است؛ ولی هرگز جمال وجودش برای انسانهای مهدی صفت پنهان نبوده است. اگر معرفت به آن حضرت نباشد دیدن ظاهری ایشان نیز سودی در بر نخواهد داشت. کم نبودند کسانی که همواره جمال دلنشین پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) را زیارت می کردند؛ ولی بهره معرفتی چندانی از آن اسوه های آفرینش نبردند.

امام صادق (ع) فرمود: «وَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلِهِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَشِيرَةٍ لَا بَلْ بِمَنْزِلِهِ مَنْ قَعِدَ تَحْتَ لَوَائِهِ» (۱) هر که امامش را شناخت و پیش از قیام صاحب این امر (امام زمان (ع)) از دنیا رفت، بدان کسی است که در سپاه آن حضرت، خدمتگزاری خواهد کرد؛ نه، بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت است.»

بنابراین شوق و سعادت دیدار آن حضرت از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ ولی از آن مهم تر، شناخت و معرفت ایشان است که حاصل آن، ارتباط روحی و سنخیت با آن امام همام است. به یقین اگر کسی به وظیفه و تکلیفی عمل کند که خداوند متعال برایش تعیین فرموده است، خود آن بزرگوار به دیدنش خواهد رفت؛ چنان که در طول همه سالهای غیبت چنین بوده است.

ص: ۷۲۵

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، باب أنه من عرف إمامه لم يضره...، ح ۲.

امام صادق(ع) در کمال تأکید، شیعیان را به شناخت خداوند، پیامبر و حجتهای الهی فرخوانده است؛ از جمله دعاهاى دوران غیبت را این گونه توصیه فرموده است: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛ (۱)»
بارالها! خود را به من بشناسان که اگر خودت را به من معرفی نکنی، پیامبرت را نشناسم. بارالها! پیامبرت را به من معرفی کن که اگر پیامبرت را به من معرفی نکنی حجتت را نشناسم. بارالها حجتت را به من معرفی کن که اگر حجتت را به من معرفی نکنی از دین خود گمراه می شوم.»

نواب اربعه نیز دعای پیشین را نقل کرده اند که احتمال دارد ایشان از خود حضرت مهدی(ع) نقل کرده باشند. (۲)

ص: ۷۲۶

۱- . کافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ اکمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۲ و الغیبه، نعمانی، ص ۱۶۶.

۲- . ر. ک: اکمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۲.

فصل هشتم: علائم ظهور

زمینه سازان ظهور

اطاعت محض از خداوند و اولیای او

پس از شناخت خداوند و امام زمان(ع) و اعتقاد به آنان باید این شناخت و اعتقاد را عملی کرد و تبلور حقیقی آن در اطاعت محض از آن انوار پاک است.

همسو کردن رفتارها، نیتها و جهت گیریها طبق خواست رهبر الهی از مهم ترین ویژگیهای رهروی راستین است و این صفت به خوبی در یاران امام مهدی(ع) وجود دارد.

شایان توجه اینکه اگر کسی در مرحله شناخت، در حد ممکن، معرفت اندوخت، در مرحله اطاعت، تردید نخواهد داشت؛ حال آنکه اگر کسی در آن مرحله به تردید و یا نقصان معرفتی دچار شد، هرگز در مرحله اطاعت پیرو خوبی نخواهد بود.

در قرآن کریم اطاعت از امام، همسنگ اطاعت از خداوند و پیامبر او شمرده شده است؛ آنجا که خداوند می فرماید: (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)؛ (۱) «از خداوند و رسول و صاحب امرتان اطاعت کنید.»

ص: ۷۲۷

امروزه حضرت مهدی(ع) در پس پرده غیبت است؛ اما اراده و فرمائش را باید گردن نهاد؛ چرا که اگر کسی اکنون از دستورهای آن حضرت اطاعت کرد در زمان ظهور نیز چنین خواهد بود.

رسول گرامی اسلام(ص) در این باره فرمود: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَتَوَلَّى وَلِيَّهُ وَ يَتَّبِعُهُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَتَوَلَّى الْأُمَّةَ الْهَادِيَةَ مِنْ قَبْلِهِ أَوْلِيكَ رُفَقَائِي وَ ذُو وُدِّي وَ مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ؛ (۱)» خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت را درک کند. حال آنکه پیش از قیام او نیز پیرو او باشد. با دوست وی دوست، و با دشمنش دشمن [و مخالف]، و با رهبران و پیشوایان هدایتگر پیش از او نیز دوست باشد. اینان همنشین و دوستان من و گرامی ترین امتم نزد من هستند.»

ص: ۷۲۸

۱- . کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۵۶ و اکمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶، باب ۲۵، ح ۲.

فصل هشتم: علائم ظهور

زمینه سازان ظهور

احترام خالصانه

از آنجایی که امام حقی بزرگ برگردن پیروان دارد، خداوند متعال احترام او را بر مردمان لازم فرموده است؛ از اینرو هر آنچه مایه بزرگداشت او می شود از سوی یاران آن حضرت انجام می گیرد. ایشان این روحیه را در زمان غیبت در خود ایجاد کرده اند تا در زمان ظهور نیز همواره در تمامی امور، احترام آن حضرت را پاس دارند.

ائمہ اطہار(ع) که معلم انسانهايند، هرگز از این مهم غفلت نکرده اند و عظمت شأن آخرین معصوم(ع)، آنها را به تکریم و احترامی مثال زدنی واداشته است.

وقتی دعبل خزاعی، قصیده ای شورانگیز برای امام علی بن موسی الرضا(ع) خواند - که در ابیاتی از آن به حضرت مهدی(ع) اشاره شده بود - حضرتش به احترام ذکر نام مقدس ایشان، متواضعانه برخاسته، دست بر سر نهاد و برای فرج قائم آل محمد(ص) دعا فرمود.

ص: ۷۲۹

راوی این عمل ارزشمند امام رضا(ع) را اینگونه وصف کرده است: «فَوَضَعَ الرَّضَا(ع) يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ وَتَوَاضَعَ قَائِمًا وَدَعَى لَهُ بِالْفَرَجِ؛ (۱)» حضرت رضا(ع) دست خود را بر سرش قرار داد و در حالی که ایستاده بود تواضع کرد و برای فرج او (امام زمان(ع)) دعا کرد.»

به راستی کسی که از احترام اندکی به صورت برخاستن هنگام شنیدن نام آن حضرت کوتاهی می کند، چگونه می تواند در عصر ظهور به تکریم آن حضرت پردازد و از جان خود بگذرد؟!

مناسب است درباره احترام به آن حضرت بیشتر بخوانیم.

از امام صادق(ع) سؤال شد: «چرا هنگام شنیدن نام قائم لازم است برخیزیم؟» فرمودند: «آن حضرت، غیبت طولانی دارد و این لقب، یادآور دولت حقه او و ابراز تأسف بر غربت اوست. آن حضرت از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد به هر کس که حضرتش را به این لقب یاد کند، نگاه محبت آمیز می کند. از تجلیل و تعظیم او است که هر بنده خاضعی در مقابل صاحب عصر خود هنگامی که مولای بزرگوارش به سوی او بنگرد از جای برخیزد. پس باید برخیزد و تعجیل در فرج امر مولایش را از خداوند مسئلت کند.» (۲)

غیر از حکمت یاد شده، آمادگی افراد در هر آن، برای قیام، مبارزه و جهاد در راه تحکیم عدالت اجتماعی و حفظ حقوق انسانها واجد اهمیتی بسزاست.

ص: ۷۳۰

۱- . منتخب الأثر، ص ۶۴۰، ح ۳.

۲- . پیشین، ح ۴.

انسان منتظر که زمینه ساز ظهور در عصر غیبت است، باید همواره دارای چنین هدفی باشد و در راه تحقق آن به گونه های مختلف بکوشد و تا آنجا این آمادگی را داشته باشد و ابراز دارد که هرگاه نام پیشوای قیام (قائم) ذکر می شود به پاخیزد و آمادگی همه جانبه خویش را نشان دهد و این آمادگی را همیشه به خود و دیگران تلقین و تحکیم کند. (۱)

ص: ۷۳۱

۱- . خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۶۴.

فصل هشتم: علائم ظهور

زمینه سازان ظهور

انتظار راستین

انتظار راستین، اساس شخصیت در یاران صاحب الزمان (عج) است و پیشینه ای بس دراز و طولانی در تاریخ شیعه دارد.

آخرین فرستاده الهی (ص) بانگ برآورده و انسانها را به روزگاری سراسر نور نوید داده و فرموده است: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ؛» (۱) دنیا به پایان نرسد، مگر اینکه امت مرا مردی از اهل بیت من رهبری کند که به او مهدی گفته می شود.»

اکنون قرن‌ها از آن بانگ ملکوتی می گذرد؛ ولی همچنان طنین دلنشین و امیدبخش آن در گوش انسانهاست و این بشارت بزرگ زندگی مردمان را در عصر بلند انتظار با تاریخی روشن از نمودها و جلوه های فکری و عملی روز به روز به آن دروازه روشنایی نزدیک تر می سازد.

ص: ۷۳۲

و آنچه در این رهیافت از ارزشی بس بلند برخوردار است، زمینه سازی برای ایجاد آن حکومت موعود است؛ اگرچه زمان برپایی آن از اسرار الهی و تنها در حیطه اراده خداوند است. انتظار به معنای چشم به راه بودن و درنگ کردن به امید پیشامدی خاص و به بیان دیگر، کیفیتی روحی است که باعث می شود حالت آمادگی به وجود آید برای آنچه انتظارش را دارند و ضد آن یأس و ناامیدی است.

این اندیشه در فرهنگ مهدویت بیش از هر چیز، مشتمل بر عنصر خوشبینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است که طبق بسیاری از نظریه ها و فرضیه ها فوق العاده تاریک و ظلمانی است.

امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی انسانی، در زبان روایات اسلامی، «انتظار فرج» خوانده شده و از جمله عبادات، بلکه برترین آنها شمرده شده است.

پیامبر اکرم و ائمه معصوم(ع) بر انتظار آن روز موعود، و لحظه شماری در فرا رسیدن آن حکومت حقه - که تنها به دست آن حضرت تشکیل می شود - فراوان تأکید کرده و آن را از اصول اساسی دینداری شمرده و پادشاهای بزرگی برای منتظران بیان فرموده اند.

از همین رو، علمای بزرگ، انتظار ظهور منجی را یکی از وظایف مهم مردم در عصر غیبت و عنصری اساسی در زمینه سازی و حفظ روحیه مناسب برای درک زمان ظهور ذکر کرده اند. ایشان همواره مؤمنان را به رعایت این وظیفه خطیر با گفتار و کردار و می داشتند.

در باب انتظار فرج و ارج و اهمیت آن احادیث فراوانی از پیشوایان معصوم(ع) روایت شده است. رسول گرامی اسلام(ص) در این باره فرموده است:

«أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ (۱)» برترین کارهای امت من انتظار فرج از خدای عزیز و جلیل است.»

ص: ۷۳۴

بدون هیچ توضیحی، توجه خوانندگان محترم را به کلمه «اعمال» یعنی «کارها» در روایت جلب می‌کنیم که آن حضرت، انتظار را عمل و کار دانسته است و نه سکون و بی‌کاری.

ص: ۷۳۵

فصل هشتم: علائم ظهور

زمینه سازان ظهور

آمادگی برای خدمت به حضرت مهدی (ع)

آنان که وجودشان سرشار از عشق خداوند و اولیای اوست، اگر عصر ظهور را درک کنند، بزرگ ترین افتخارشان خدمت به ساحت بلند مهدی آل محمد (ص) خواهد بود.

شاید باور کردن این سخن بسی مشکل نماید که رئیس مذهب شیعه، همو که هزاران دانشمند، زانوی ادب و دانشجویی در محضر کلامش بر زمین می نهادند و همو که شاگردان مکتبش عقابان تیز پرواز آسمان اندیشه و علم بودند، آن گاه که نام آخرین ذخیره الهی نزدش برده می شد با حسرتی برآمده از عمق جان و آرزویی بی مانند، آهی از نهاد برمی آورد و می فرمود: «لَوْ أَدْرَكْتُه لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛ (۱) اگر او را درک کنم تمام روزهای زندگانی ام خدمتگذار او خواهم بود.»

هر کس بخواهد در آن روزگار، خدمت حضرتش نصیب وی شود، باید هم اکنون در دوران غیبت، خدمت به آن حضرت و یاران او را سرلوحه کارهای خود قرار دهد.

ص: ۷۳۶

بی تردید خادمان دوران ظهور، همان خادمان دوران غیبت اند. پس منتظر راستین و علاقه مند به حضرت مهدی (ع) باید تمامی لحظه های زندگی خود را سرشار از خدمت به او و راه و هدفش سپری کند.

ص: ۷۳۷

یکی از ویژگی‌های یاران ولی عصر(ع) در عصر غیبت، خودسازی و مواظبت بر رفتار خویش است که در پی آن، جامعه و دیگران نیز به این امر، متمایل خواهند شد. شکی نیست که دینداری در عصر غیبت حضرت مهدی(ع) از هر زمانی دیگر بسی مشکل تر و طاقت فرساتر است.

حضرت صادق(ع) سختی این دوران را این گونه به تصویر کشیده اند: «إِنَّ لِيَصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَهُ الْمُتَمَسِّكُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقَتَادِ. ثُمَّ قَالَ: هَكَذَا بِيَدِهِ فَأَيُّكُمْ يُمَسِّكُ شَوْكَ الْقَتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لِيَصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَهُ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزْبًا وَ لِيَتَمَسَّكُ بِدِينِهِ ؛ (۱)» صاحب این امر، غیبتی دارد که در آن، هر کس از دین خود دست بردارد، همانند کسی است که با کشیدن دست خود به ساقه قتاد [که بوته ای تیغدار است] خارهای آن را بسترده. پس کدام یک از شما با دست خود تیغهای قتاد را نگه می دارد؟

سپس آن حضرت مدتی سر به زیر افکند و فرمود: صاحب این امر دارای غیبتی است. پس بنده خدا باید پرهیزگاری و تقوا پیشه کند و به دین خود تمسک جوید.»

آزمایشهای دینی برای همه ایمان آورندگان در همه زمانها، قانون الهی است؛ اما در عصر غیبت، تمامی عوامل دست به دست هم داده و این آزمایش را به کمال خود رسانده است. در این دوران است که حفظ دین، بسیار دشوار است و بیشتر مردم به انگیزه های گوناگون، ایمان خویش را در زندگی ازدست می دهند.

گسترش زمینه های ناباوری، افزایش انگیزه های انحراف و گریز از دین و ستیزه جویهای دشمنان با دینداران و دینداری، از مهم ترین عوامل این آزمایش است.

موفقیت در این آزمایش، نیازمند بینشی است که انسان دیندار در پرتو آن بتواند در برابر تحریفها، شبهه ها و تردیدها رویکرد دینی خود را حفظ کند و با هیچ یک از عوامل انحراف، خلوص دینی و دینداری را در فکر و عمل از دست ندهد.

اگر چنین شد، مصداق این فرمایش رسول گرامی اسلام (ص) خواهد بود که فرمود: «به زودی پس از شما، کسانی می آیند که یک نفر از آنان، پاداش پنجاه نفر از شما را دارد.» گفتند: «ای رسول خدا! ما در جنگ بدر و احد و حنین در رکاب شما جهاد کردیم و درباره ما آیه قرآن نازل شده است.»

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «اگر آنچه از آزارها و رنجها که بر آنان می رسد، بر شما آید، بسان آنان شکیبایی نخواهید داشت.»
(۱)

پایداری بر دین در روزگار غیبت به تحمل سختیها، محرومیتها و تنگناهای مادی خلاصه نمی شود؛ بلکه تحمل فشارهای سخت روحی و معنوی نیز بر آنها افزوده می شود. و چنانچه دینداری با شکیبایی درست و آگاهانه توأم نباشد به تدریج ناامیدیها روی می آورد و باور را از روح و فکر برمی دارد. بنابراین منتظر راستین باید زمینه ساز صادق ظهور باشد و اگر چنین بود، داشتن ویژگیهای فوق، پاره ای از خصوصیات او خواهد بود.

ص: ۷۴۰

۱- . کتاب الغیبه، ص ۴۵۶.

حکومت امام زمان (ع) تنها حکومت واحد جهانی

مقدمه

فصل نهم: پس از ظهور

حکومت امام زمان (ع) تنها حکومت واحد جهانی

مقدمه

بحث درباره جهانی شدن در فرهنگ متداول روز در ذات خود، بحث کم و بیش مبهمی است. علت ابهام آن، این است که مفهوم یکسان و یکدستی از آن ارائه نشده است.

واژه جهانی شدن از یک جهت، مفهوم کاملاً جدید و از لحاظی یک مقوله قدیمی به شمار می رود. ظهور این پدیده، باعث بروز تحریک شگفت انگیز اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ارزشی شده، تفاسیر جدیدی از سیاست، اقتصاد، فرهنگ، اقتدار، امنیت و... به دست می دهد.

جهانی شدن در شکل امروزی آن، از زمان فروپاشی کمونیسم و نظام دو قطبی و سرانجام پایان جنگ سرد، بیشتر مطرح شده است. مفهوم جهانی شدن و مفاهیم نزدیک به آن، نظریاتی هستند که از سوی اکثر پژوهشگران مسائل سیاسی و امور بین الملل برای توصیف وضعیت حاکم بر نظام بین الملل به کار می رود.

ص: ۷۴۱

جهانی شدن به معنای فرایندی اجتماعی است که از مدتها پیش آغاز شده و رو به گسترش است و در آن قید و بندهای جغرافیایی _ که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است _ از بین می رود. واژه جهانی شدن حرکت به سوی یک جامعه جهانی واحد را نوید می دهد.

پرسشی که اینجا پیش می آید این است که دیدگاه شیعه درباره جهانی شدن و حاکمان حکومت جهانی چیست و حکومت جهانی حضرت مهدی(ع) چگونه حکومتی خواهد بود؟ و اساسا جهانی بودن حکومت امام مهدی(ع) به چه معناست؟ در این نوشتار کوتاه به این پدیده و اینکه در روایات اسلامی، مقصود از حکومت جهانی چیست، مطالبی خدمت شما خوانندگان گرامی عرضه می کنیم.

در یک بررسی جامع و کامل در روایات و سخنان ائمه اطهار(ع) به جرئت می توان گفت که یکی از ویژگیهای انکارناپذیر حکومت امام زمان(ع) جهان شمولی آن است. حکومت آن حضرت، شرق و غرب عالم را فرا می گیرد و گلبانگ توحید از تمام آبادیهای زمین شنیده می شود و نسیم جان نواز عدل و داد، سراسر گیتی را سرشار می کند.

ص: ۷۴۲

امام حسین(ع) در این باره فرمود: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ(ع) وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُحْيِي اللَّهَ تَعَالَى بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يُظَهِّرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ (عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) (۱) ؛ (۲)»
دوازده هدایت شده از ماست: اولین آنها علی بن ابیطالب(ع) و آخر ایشان نهمین فرزند از فرزندان من است و او قائم به حق است که خداوند به وسیله او زمین را پس از مردنش حیات می بخشد و دین حق را بر تمامی ادیان غلبه می دهد، اگر چه مشرکان را خوش نیاید.»

در آن دوران به دست آن امام بزرگ، آرمان والای تشکیل جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی تحقق می پذیرد و آرزوی دیرینه همه پیامبران و امامان(ع) و مصلحان و انسان دوستان برآورده می شود.

ص: ۷۴۳

۱- . توبه / ۳۳.

۲- . عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۶۸، باب ۶، ح ۳۶.

امام رضا(ع) از پدران‌ش از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده است که خداوند در شب معراج در بخشی از سخنان طولانی اش فرمود: «... لَعَاظَهْرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْيَادِي وَ لَأَمَكِّنَنَّ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا؛ (۱) و به درستی، زمین را به وسیله آخرین آنها (ائمه اطهار(ع)) از دشمنانم پاک خواهم ساخت و گستره زمین را در فرمانروایی او قرار خواهم داد....»

در دوران رهبری امام مهدی(ع) با ایجاد مرکز واحد و مدیریت و حاکمیت یگانه الهی برای همه اجتماعات، نژادها و منطقه ها، سبب اصلی جنگ و ظلم از بین می رود.

در روایتی از رسول گرامی اسلام(ص) می خوانیم: «الْأَيُّمَةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوَّلُهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَيَّ يَدِيهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا؛ (۲) پیشوایان پس از من دوازده نفرند: ای علی! اولین آنها تو هستی و آخرین آنها قائم است؛ همو که خداوند به دست او مشرقها و مغربها [کنایه از تمامی کره زمین] را فتح خواهد کرد.»

ص: ۷۴۴

۱- . کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۵، باب ۲۳، ح ۴.

۲- . امالی، شیخ صدوق، ص ۱۱۱، مجلس ۲۴، ح ۹ و عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۵، ح ۳۴.

اگر چه امید به آمدن مصلح جهانی در افکار و عقاید تمامی اقوام و ملل ریشه دارد و کم و بیش به گونه های متفاوت در همه جا مطرح بوده است؛ اما در تفکر شیعی، انتظار فرج و حاکمیت آن موعود به طور روشن و شفاف مطرح است؛ به گونه ای که آن امام منتظر و آن منجی نهایی را زنده می دانند و اعتقاد دارند روزی به فرمان خداوند خواهد آمد و جهان را از عدل و داد پر خواهد کرد.

از این رو مفهوم «غیبت» و «انتظار فرج» نزد شیعه دوازده امامی مفهومی است متفاوت با دیگر ادیان و مذاهب و مکتبها. همان گونه که اشاره شد، یکی از مفاهیمی که از همان ابتدا در ارتباط با مهدویت و ظهور منجی آخرین پدید آمد و در شمار عقاید دینی بسیاری از شیعیان در آمد، مفهوم حکومت واحد جهانی است؛ به این معنا که با ظهور امام غایب، اسلام که تنها دین الهی و کامل و دارای شریعت جامع است، مقبول همگان خواهد شد و در آن زمان، ستمگران و جباران از مسند قدرت به زیر کشیده خواهند شد. پس از آن، حکومت جهانی اسلام با زعامت و رهبری مستقیم آخرین امام معصوم و عادل بر پا خواهد شد و عدالت بر بنیاد دیانت و اخلاق در مقیاسی جهانی اجرا خواهد شد.

در برخی آیات قرآن به این حاکمیت اشاره شده است. همه آیات مربوط به جهانی بودن دین اسلام مؤید این معناست. بی تردید، زمانی فرا خواهد رسید که تنها دین حاکم بر جهان، اسلام خواهد بود.

جهانی بودن دین اسلام و اختصاص نداشتن آن به قوم یا منطقه ای خاص، از ضروریات این آیین الهی است؛ حتی کسانی که به آن، ایمان ندارند می دانند که دعوت اسلام، همگانی بوده، و به منطقه جغرافیایی خاصی محدود نبوده است.

افزون بر این، شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که پیامبر اکرم(ص) به سران کشورها مانند: قیصر روم، پادشاه ایران، فرمانروایان مصر، حبشه و شامات، به رؤسای قبایل مختلف عرب و... نامه نوشتند و به سوی آنان پیک ویژه گسیل داشتند. آن حضرت، همگان را به پذیرفتن این دین مقدس دعوت کردند و از پیامدهای وخیم کفر و روی گردانی از اسلام بر حذر داشتند. اگر دین اسلام، جهانی نبود چنین دعوتی به طور عمومی انجام نمی گرفت و سایر اقوام و امتهای هم برای پذیرفتن آن، عذری می داشتند. (۱)

بنابر این مبانی و مقدماتی که ناگزیر به آرمان حکومت واحد جهانی شیعی منجر می شود، از این قرار است:

ص: ۷۴۶

۱- آموزش عقاید، محمدتقی مصباح یزدی، ج ۲، ص ۱۱۶.

فصل نهم: پس از ظهور

حکومت امام زمان(ع) تنها حکومت واحد جهانی

جهانی بودن رسالت اسلام

همه مسلمانان بر این باورند که اسلام، آخرین حلقه از سلسله طولانی نبوت و از هر جهت کامل ترین و جامع ترین دین است و تا روز قیامت نیز بشر را از هر جهت کفایت خواهد کرد. روزی فرا خواهد رسید که اسلام، تمامی آدمیان و پیروان ادیان را پیرو خود خواهد کرد و بدین ترتیب، جهان در تسخیر آموزه های بلند و آسمانی اسلام در خواهد آمد.

قرآن مجید این حقیقت سترگ را این گونه تصویر کرده است:

– (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ)؛ (۱) «در حقیقت، دین نزد خداوند، همان اسلام است.»

ص: ۷۴۷

- (وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ؛) (۱) «و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود.»

- (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ؛) (۲) «امروز دین شما را برایتان کامل کردم.»

- (مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛) (۳) «محمد، پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است.»

- (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛) (۴) «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز سازد.»

با بهره گیری از این سخنان نورانی، مسلمانان به حقانیت، جامعیت، خاتمیت، جهان شمولی، جهان گستری و غلبه نهایی دین اسلام دست یافته اند.

ص: ۷۴۸

۱- آل عمران / ۸۵.

۲- مائده / ۳.

۳- احزاب / ۴۰.

۴- توبه / ۳۳.

فصل نهم: پس از ظهور

حکومت امام زمان(ع) تنها حکومت واحد جهانی

اعتقاد به مهدویت

چنانکه گفته شد، اعتقاد به مهدویت و ظهور منجی دادگستر و جهانی، ناگزیر به چیرگی اسلام بر تمامی ادیان، مکاتب و ایدئولوژیها و استیلا بر فرمانروایان غیر الهی گره خورده است. این اعتقاد در نهایت به تأسیس حکومت جهانی منجر خواهد شد؛ به ویژه اگر از منظر شیعی به تاریخ بنگریم، ظهور مهدی خاص و شناخته شده و در عین حال غایب از دیدگان و تشکیل حکومت حق و عدالت گستر، اجتناب ناپذیر خواهد بود.

از نظر شیعه، تاریخ اسلام پس از پیامبر اکرم(ص) با حذف امام علی بن ابی طالب(ع) و فرزندان معصوم او در حوزه سیاست و حکومت به انحراف گرایید. این کار پیامدهای منفی متعددی نیز در پی داشت که یکی از آنها محرومیت جامعه از رهبری معنوی و آسمانی بود؛ چرا که امام علی(ع) و پس از او امامان معصوم(ع) پیشوایان دینی و سیاسی بر حق بوده و حق خلافت و امامت انحصاری داشته اند. در نتیجه، دیگران، غاصب حق معصوم اند و «جائر» و «باطل» اند. این انحراف تاکنون ادامه پیدا کرده است. شیعیان منتظرند که آخرین بازمانده از پیشوایان معصوم(ع) ظهور کند و تاریخ اسلام و در نهایت، تاریخ انسان را به مسیر طبیعی و الهی اش باز گرداند.

ص: ۷۴۹

در آن صورت، اسلام، عزیز و همگانی می شود و مسلمانان، توانمندان بر جهان چیره می شوند. طبق این تفسیر، تشکیل حکومت واحد جهانی، گریزناپذیر خواهد بود.

در منابع روایی اسلامی - و به ویژه شیعی - از خصوصیات، اختیارات و عملکردهایی یاد شده است که جملگی آنها جز با تشکیل حکومت واحد جهانی محقق نخواهد شد؛ از جمله گفته شده است که امام مهدی (ع) ظلم و جور را برای همیشه بر می اندازد و عدالت و دین حق را در سطح جهان برای همیشه مستقر می کند. همچنین در برخی روایات، از اختیارات، قدرت و امکانات مطلق و جهانی امام غایب یاد شده است که عملاً جز چیرگی بر جهان و تشکیل حکومت مقتدر جهانی نخواهد بود.

در روایتی از امام باقر (ع) چنین نقل شده است: «الْقَائِمُ مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصِيرِ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ دِينَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا أَعْمَرَ وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ع) فَيَصَلِّي خَلْفَهُ» (۱) قائم ما با انداختن بیم و هراس در دل ستمگران یاری می شود، با پشتیبانی [و حمایت از جانب خداوند] تأیید می شود؛ زمین برایش خاضع و تسلیم می شود، گنجها و خزائن برایش آشکار و نمایان می شود، حکومت او شرق و غرب عالم را فرا می گیرد، خداوند به کمک او دینش را بر تمامی ادیان چیرگی می بخشد، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند، در زمین خرابی و ویرانی نمی ماند، مگر آنکه آباد شود و عیسی بن مریم (ع) از آسمان فرود آید و پشت سر او نماز گزارد.»

ص: ۷۵۰

۱- . اکمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۰، باب ۳۲، ح ۱۶ و أعلام الوری، ص ۴۶۳، الفصل الثالث من الباب الرابع.

به استناد این نوع روایات، هرگز تردیدی نخواهد ماند که حکومت حضرت مهدی (ع) تمامی زمین را فرا خواهد گرفت ان شاء الله.

ص: ۷۵۱

فصل نهم: پس از ظهور

نهضت اخلاقی در انقلاب جهانی مهدی موعود(ع)

مقدمه

یکی از ابعاد انقلاب جهانی حضرت مهدی(ع) ایجاد اصلاحات در بعد اخلاقی زندگی انسانهاست. با ظهور آن حضرت، مشکلات اخلاقی بشر، مرتفع و انسانها به آسایش و آرامش خواهند رسید. با نهضت اخلاقی آن حضرت، آدمی به ارزشهای واقعی روی می آورد و فضایل اخلاقی احیا می شود.

در این مجال برای معرفی اجمالی نهضت اخلاقی در انقلاب جهانی ولی عصر(ع) دورنمایی از زندگی اخلاقی در دوران پیش از ظهور را مطرح کرده، برخی اقدامهای آن مصلح جهانی را در این باره بیان می کنیم.

ص: ۷۵۲

نهضت اخلاقی در انقلاب جهانی مهدی موعود(ع)

گسست روابط انسانی

گسیختن پیوندها، از پدیده های ویرانگر پیش از ظهور است. در این روزگاران، پیوندهای اجتماعی استواری وجود ندارد و زندگی بر محور حق و عدل و ارزشهای انسانی دور نمی زند. ضابطه در روابط اجتماعی، ارزش انسان و احترام به حقوق او نیست. انسانها به ظاهر در کنار یکدیگر زندگی می کنند؛ ولی دلها و فکرها آنها با هم و در کنار هم نیست و ناسازگاریها و قضاوتهای مادی، مانع نزدیکی و همدلی مردمان است. (۱)

پیامبر اکرم(ص) درباره این دوران می فرماید: «وَذَلِكَ عِنْدَ مَا تَصِيرُ الدُّنْيَا هَرْجًا وَمَرْجًا وَيَعَارُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا الْكَبِيرُ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَ لِمَا الْقَوِيُّ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ فَحِينَئِذٍ يَأْذَنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ (۲)»؛ [غیبت] در هنگامی است که دنیا دچار آشفتگی می شود، و مردمان به یکدیگر می تازند، نه بزرگ به کوچک رحم می کند، و نه قدرتمند بر ناتوان. در این هنگام خداوند به امام [غائب] اجازه خروج می دهد.»

ص: ۷۵۳

۱- . عصر زندگی، محمد حکیمی، ص ۲۳۹.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰.

امام صادق(ع) شرایط اخلاقی دوران پیش از ظهور را چنین بیان می کند: «وَرَأَيْتَ الصَّغِيرَ يَسْتَحْقِرُ بِالْكَبِيرِ ... وَرَأَيْتَ الْجَارَ يُؤْذِي جَارَهُ وَ لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ؛ (۱)» کوچک تر را می بینی که بزرگ تر را تحقیر می کند... و همسایه را می بینی که همسایه را می آزارد و چیزی مانع او [در این آزار رسانی] نیست.»

این ناهنجاریهای اخلاقی و این بی احترامیها در حکومت جهانی مهدی(ع)، از میان خواهد رفت و مردم یک پارچه و یک دل نسبت به همدیگر احساس مسئولیت کرده، بزرگ ترها مراعات حال کوچک ترها را می کنند و کوچک ترها احترام بزرگ ترها را نگه می دارند:

«وَأُلْقِيَ الرَّأْفَةُ وَالرَّحْمَةُ بَيْنَهُمْ فَيَتَوَاسَوْنَ ... وَ لَا يَغْلُو بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ يَزْحَمُ الْكَبِيرُ الصَّغِيرَ...؛ (۲)» در میان [عموم] مردم مهربانی و رحمت برقرار می شود و در سایه آن مواسات و همیاری می کنند... و بر یکدیگر برتری طلبی ندارند و بزرگ تر به کوچک تر رحمت [و عطف و مهربانی] می ورزد...»

ص: ۷۵۴

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵.

امام علی (ع) می فرماید: «الْمَهْدِيُّ سَيَمُحُّ بِالْمَالِ، شَدِيدٌ عَلَى الْعُمَّالِ، رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ؛» (۱) مهدی (ع) بخشنده مال است، بر کارگزاران و مأموران [دولت خویش] بسیار سختگیر است، و نسبت به ناتوانان [و مستمندان]، بسیار مهربان است.»

ص: ۷۵۵

۱- . خورشید مغرب، ص ۳۰.

نهضت اخلاقی در انقلاب جهانی مهدی موعود(ع)

پول پرستی

در جامعه پیش از ظهور، پول و سرمایه حرف اول را می زند. معیار ارزشمندی و بی ارزشی در داشتن پول و نداشتن آن است و هر که ثروت و سرمایه اش بیشتر باشد، احترام و فضیلتش نزد مردم بیشتر خواهد بود و هر که تهیدست و بی نوا باشد، جایگاه متناسب خود را در جامعه ندارد؛ اگر چه دارای فضایل اخلاقی و عملی باشد.

پیامبر اکرم(ص) خطاب به ابن مسعود درباره مردم در دوران پیش از ظهور می فرماید: «يَتَفَاضَلُونَ بِأَحْسَابِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ؛»(۱) [مردم آخرالزمان] با حسب و نسبها و سرمایه هایشان بر یکدیگر برتری می جویند.»

امام صادق(ع) درباره این مردم می فرماید: «وَرَأَيْتَ صَاحِبَ الْمَالِ اعَزَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ؛»(۲) ثروتمند را می بینی که از مؤمن، عزیزتر است.»

ص: ۷۵۶

۱- مکارم الأخلاق، ص ۵۲۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۷۹، باب ۴۱، ح ۳۱۵۵۴.

همچنین امام صادق(ع) می فرماید: «وَرَأَيْتَ النَّاسَ هَمُّهُمْ بَطُونُهُمْ وَفُرُوجُهُمْ لَا يُبَالُونَ بِمَا أَكَلُوا وَ مَا نَكَحُوا وَ رَأَيْتَ الدُّنْيَا مُقْبِلَةً عَلَيْهِمْ؛ (۱)» مردم را می بینی که همه کوشش آنان صرف شکم و مسائل جنسی می شود، و در شکم و شهوت لابلالی و بی باک اند، و دنیا به آنان روی آورده است.»

امام صادق(ع) می فرماید: «وَرَأَيْتَ النَّاسَ مَعَ مَنْ غَلَبَ... وَ رَأَيْتَ الْخَلْقَ وَ الْمَجَالِسَ لَا يُتَابِعُونَ إِلَّا الْأَغْنِيَاءَ؛ (۲)» مردم را می بینی که همراه با قدرتهای غالب اند (چه سیاسی و چه اقتصادی و...) و مردم و مجلسها تبعیت نمی کنند، مگر از سرمایه داران.»

ولی در روزگاران سبز، همه چیز رنگ سبز به خود می گیرد و معیار ارزش و فضیلت، ایمان، تقوا، ایثار و از خود گذشتگی است. فرهنگ غالب و فراگیر آن دوران، احساس مسئولیت، توجه به هموعان و رفع مشکلات یکدیگر و... خواهد بود. هرکس تلاش می کند تا دیگران را در سرمایه خود شریک و شادبها را با دیگری تقسیم کند.

ص: ۷۵۷

۱- . روضة الكافي، ص ۴۰، ح ۷ و وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۲۷۷، باب ۴۱، ح ۲۱۵۵۴.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲، باب ۲۷، ح ۱۶۴.

امام باقر(ع) می فرماید: «حَتَّى إِذْ قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُزَامِلَةُ» (۱) وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ؛ (۲). هنگام ظهور قائم(ع) دوستی و یگانگی حاکم می شود [تا آنجا که] هر کس، هر چه نیاز دارد، بدون هیچ ممانعتی از جیب برادر دینی اش بر می دارد.»

اسحاق بن عمار می گوید: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَذَكَرَ مُوَسَاةَ الرَّجُلِ لِإِخْوَانِهِ وَ مَا يَجِبُ لَهُ عَلَيْهِمْ فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ أَمْرٌ عَظِيمٌ فَقَالَ إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَجَبَ عَلَيْهِمْ أَنْ يُجَهِّزُوا إِخْوَانَهُمْ وَ أَنْ يُقَوُّوهُمْ؛» (۳). نزد امام صادق(ع) بودم که از تساوی مردم با یکدیگر و حتی که هر کسی به دیگری دارد، سخن گفت، من سخت در شگفت شدم، پس فرمود: این، هنگام قیام قائم ماست که در آن روزگار، واجب است که یکدیگر را آماده و پشتیبانی کنند.»

ص: ۷۵۸

۱- «مزامله» رفاقت و دوستی خالص است، «زامله: ای صار عدیله علی البعیر؛ با او رفاقت و دوستی کرد؛ یعنی همسان او شد در نشستن در یک طرف کجاوه»: منتهی الادب فی لغه العرب.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵.

۳- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۱۴.

نهضت اخلاقی در انقلاب جهانی مهدی موعود(ع)

گسست روابط خانوادگی

پیش از ظهور، خانواده، به عنوان هسته اصلی اجتماعات، به بی ثباتی و تزلزل دچار می شود و پیوندهای خانوادگی گسیخته و سست می شود، مرد حقوق زن و زن حقوق مرد را رعایت نمی کند، فرزندان حرمت پدران و مادران را ندارند، و مادران و پدران مسئولیت تربیت فرزندان را از یاد می برند.

امام صادق(ع) درباره این دوران می فرماید: «وَرَأَيْتَ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرَ وَ اسْتُخِفَّ بِالْوَالِدَيْنِ ... وَ رَأَيْتَ الْأَرْحَامَ قَدْ تَقَطَّعَتْ؛» (۱) و می بینی که نافرمانی و گستاخی [در برابر پدران و مادران] آشکار است، به والدین بی حرمتی می شود... و پیوندهای خانوادگی از هم گسسته است.»

در زمان ظهور حضرت ولی عصر(ع) با ارشادات حضرت مهدی(ع)، اخلاق مردم تکمیل و مشکلات خانوادگی و اجتماعی آنان مرتفع می شود. امام باقر(ع) فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛» (۲) چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقول آنها را با این کار، متمرکز می کند و اخلاقشان را با آن به اکمال می رساند.»

ص: ۷۵۹

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

همچنین امام صادق(ع) فرمود: «وَفِي أَيَّامِ دَوْلَتِهِ تَطِيبُ الدُّنْيَا وَ أَهْلِهَا» (۱) در روزگار دولت او، دنیا پاکیزه و اهل دنیا نیکو شوند.»

همچنین در روایت آمده است: «أَمَّا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَذْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقَرُّ» (۲) به خدا قسم! عدلش را وارد خانه های آنها می کند، چنان که گرما و سرما وارد می شود.»

ص: ۷۶۰

۱- روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۵۰.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

فصل نهم: پس از ظهور

نهضت اخلاقی در انقلاب جهانی مهدی موعود(ع)

رواج فرهنگ استثمار‌گری و درنده‌خویی

استثمار و استثمار‌گری، دارای پیشینه تاریخی طولانی است. استثمار در زمانهای گذشته به صورت فردی و جزئی و در قالب اقتصادی مطرح بوده است؛ اما با گذشت زمان، استثمار و استثمار‌گری نیز در قالبهای جدیدتر ظاهر شده است تا جایی که اکنون افزون بر استثمار اقتصادی که در گذشته مطرح بوده، استثمار سیاسی و به ویژه استثمار فرهنگی - آن هم در سطح کلی و فراگیر - بروز کرده است و استثمار‌گران، این امر را زمینه ساز چپاول اقتصادی ملت‌ها قرار داده اند.

پیامبر اکرم(ص) درباره این ویژگی در دوران پیش از ظهور می فرماید: «فَعِنْدَهَا يَلِيهِمْ أَقْوَامٌ إِنْ تَكَلَّمُوا قَتَلُوهُمْ وَإِنْ سَكَتُوا اسْتَبَاحُوهُمْ لَيْسَتْ أُرْوَا بِفَيْئِهِمْ؛ (۱)» در آخرالزمان، اقوامی بر مسلمانان سیطره یابند که اگر لب به سخن گشایند آنان را بکشند و اگر لب فرو بندند [خون] ایشان را مباح شمرند تا منابع و درآمد آنان را تصاحب کنند.»

ص: ۷۶۱

امام علی(ع) درباره این زمان می فرماید: «كَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذُنَابًا، وَ سَلَّطِيْنُهُ سِيَاعًا، وَ أَوْسَاطُهُ أَكَالًا، وَ فُقَرَاؤُهُ أَمْوَاتًا؛» (۱) مردم آن زمان گریگ اند، و شاهانشان درنده و مردم متوسط [در آن جامعه] طعمه [توانگران] و بینوایانشان مردگان اند.»

همه حکومت‌های ظلم، جور و باطل در دوران ظهور از بین خواهند رفت و بساط استعمارگران و استثمارگران برچیده خواهد شد. امام باقر(ع) فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ(ع) ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ؛» (۲) هنگامی که قائم قیام کند، دولت باطل از بین خواهد رفت.»

در زمان دولت یار، دیگر چنین نیست که قدرتمندان حقوق ضعیفان را پایمال کنند و با وجود گرسنگی مردم به شکم پرستی و جاه طلبی پردازند. امام صادق(ع) درباره سیره فردی امام زمان(ع) به عنوان حاکم اسلامی می فرماید: «فَوَاللَّهِ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغُلِيْظُ وَ لَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشْبُ؛» (۳) به خدا سوگند! لباس او جز [پوشاکی] درشت و خوراک او جز [خوراکی] سخت نخواهد بود.»

ص: ۷۶۲

۱- . نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۳۲۴.

۲- . الکافی، ج ۸، ص ۲۷۸.

۳- . الغیبه، نعمانی، ص ۱۲۲.

نهضت اخلاقی در انقلاب جهانی مهدی موعود(ع)

انقلاب ارزشها

رویکرد مردم در عصر پیش از ظهور از نظر سقوط و انحطاط اخلاقی به حدی است که در منظرشان معروف، منکر و منکر، معروف جلوه می کند؛ یعنی در ارزشها دگرگونی و تبدیل حاصل می شود. بدیهی است که این رویکرد، از یک انحراف عمیق و فراگیر در آن جامعه حکایت می کند. آن قدر منکر در جامعه فراوان می شود که مردم به آن عادت کرده، آن را به منزله یک معروف می پندارند و در مقابل، معروفها در جامعه به حدی کم رنگ و فراموش می شوند که اگر افرادی به انجام آنها مبادرت ورزند، برای مردم، چیز تازه و غیر معروفی جلوه می کند.

پیامبر اکرم(ص) خطاب به ابن مسعود در تبیین شرایط این زمان فرمود: «يَا ابْنَ مَسْعُودٍ إِنَّهُمْ يَرَوْنَ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَالْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا فَفِي ذَاتِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَمَّا يَكُونُ فِيهِمُ الشَّاهِدُ بِالْحَقِّ وَلَا الْقَوَامُونَ بِالْقِسْطِ؛ (۱)» ای پسر مسعود! بدان که مردم [در آخرالزمان] معروف را منکر و منکر و زشت را معروف و نیک پندارند. در این روزگار است که خداوند بر دلهای ایشان مهر می زند و در میانشان نه شاهد حقی یافت می شود و نه بر پا دارندگان عدالت.»

ص: ۷۶۳

امام صادق(ع) شرایط این زمان را چنین ترسیم می کند: «وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَلَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ فُجُورٍ أَوْ بَخْسٍ مَكِّيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ أَوْ غَشْيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شُرْبِ مُسْكِرٍ كَثِيرًا حَزِينًا يَحْسَبُ أَنَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ وَضِيعَةٌ مِنْ عُمْرِهِ» (۱) و می بینی که اگر کسی روزی بر او بگذرد و گناهان بزرگی چون زشتکاری، یا کاستن پیمانہ و ترازو، یا فریبکاری حرامی... انجام نداده باشد، افسرده و دلتنگ است، و می پندارد که در این روز زیان کرده است.»

آری، فرهنگ و اخلاق غالب مردم در آن دوران سیاه چنین است که گناهان بزرگی چون کم فروشی و پایمال کردن حق مردم رواج دارد، و اساس مبادلات و داد و ستدها بر کاستی و تجاوز به حقوق دیگران استوار شده است، و تلاش و مبادله ای که از غیر این راهها صورت گیرد، نوعی زیان و عقب ماندگی محسوب می شود.

ص: ۷۶۴

امام صادق(ع) می فرماید: « إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِهِ النَّاسَ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مِنْ جُحَالِ الْجَاهِلِيَّةِ فَقُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَتَى النَّاسَ وَ هُمْ يَعْجِدُونَ الْحِجَارَةَ وَ الصُّخُورَ وَ الْعِيدَانَ وَ الْخَشَبَ الْمَنْحُوتَةَ وَ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَ كُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ وَ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ؛ (۱) آزاری که قائم ما هنگام رستاخیز خویش، از جاهلان آخرالزمان بیند، بسی سخت تر است از آزاری که پیامبر(ص) از مردم جاهلیت دید. [راوی می گوید: گفتیم: این چگونه می شود؟ امام فرمود: پیامبر، میان مردم آمد، در حالی که آنان سنگ و صخره و چوب و تخته های تراشیده شده را می پرستیدند و قائم ما قیام کند و نزد مردم آید، در حالی که همه آنان آیه های قرآن را تأویل و توجیه می کنند و با کتاب خدا علیه او دلیل می آورند.»

تأویل و توجیه ناصحیح از قرآن و ایستادگی در مقابل امام زمان(ع)، نشان از انحرافات عمیق مردم از قرآن و سنت اسلامی دارد. همچنین از این حدیث استفاده می شود که برداشتهای ناصحیح از قرآن و فرهنگ اسلامی در منظرشان صحیح و ناب جلوه کرده است.

ص: ۷۶۵

امام علی(ع) درباره حضرت ولی عصر(ع) در دوران ظهور می فرماید: «يَعْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَطَفُوا الْهُدَىٰ عَلَى الْهَوَىٰ، وَ يَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛»(۱) هواپرستی را به هدایت باز می گرداند، پس از آنکه هدایت را به هواپرستی تبدیل کرده باشند و رأی را به قرآن بر می گرداند، زمانی که مردم قرآن را به رأی و اندیشه [خود] مبدل کرده باشند.»

امیرمؤمنان(ع) درباره نقش احیاگری امام زمان در دوران ظهور می فرماید: «وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ؛»(۲) آنچه از کتاب و سنت مرده است، زنده خواهد کرد.»

ص: ۷۶۶

۱- . نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۴۲۴.

۲- . نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۴۲۴، خ ۱۳۸.

فصل نهم: پس از ظهور

روش حکومت امام زمان (ع)

اشاره

امام زمان (ع) برای برافراشتن پرچم اسلام و حاکمیت قرآن در تمام گیتی ظهور خواهد کرد؛ بدین سبب، روش حکومتی امام (ع) بر اساس قرآن و سیره پیامبر (ص) و امامان (ع) خواهد بود.

درباره روش حکومتی امام زمان (ع) روایات فراوانی از معصومان (ع) وارد شده است که آنها را در چند موضوع و محور می توان بررسی کرد.

ص: ۷۶۷

فصل نهم: پس از ظهور

روش حکومت امام زمان(ع)

اصالت دادن به کتاب و سنت

صاحب الامر(ع) قرآن و سنت و شریعت نبوی را اساس تمام امور در حکومت خویش قرار می دهد و با تمام قدرت برای اجرای احکام الهی تلاش می کند و به هیچ کس اجازه تخطی از این حدود را نخواهد داد.

روایات فراوانی در این باره نقل شده است که در ذیل به نمونه هایی از آن بسنده می کنیم:

— رسول خدا(ص) فرمود: «قائم (امام زمان) از اولاد من است، اسمش اسم من و کنیه اش کنیه من و شکل و شمایلش شکل و شمایل من و روشش روش من است. او مردم را بر ملت و شریعت من نگه می دارد و آنها را به سوی کتاب خداوند عزوجل دعوت می کند.» (۱)

— امام علی(ع) فرمود: «خواسته ها را تابع هدایت (قرآن) می کند، هنگامی که مردم، هدایت را تابع هوسهای خویش قرار می دهند و آرا و افکار را پیرو قرآن می کند، پس از آنکه قرآن را تابع رأی [خود] گردانده باشند... کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) را که تا آن روز متروک مانده، زنده می کند [و به آن جامه عمل می پوشاند].» (۲)

ص: ۷۶۸

۱- . الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي، إِسْمُهُ إِسْمِي، وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي. يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۳، باب ۱، ح ۱۹.

۲- . نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خ ۱۳۸: يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَ يَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ... وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ.

— امام باقر(ع) می فرماید: «مهدی(ع) مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر(ص) و ولایت علی بن ابی طالب و یزاری از دشمنان او دعوت می کند.» (۱)

ص: ۷۶۹

۱- ... يَدْعُوا النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِهِ نَبِيِّهِ وَ وِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِ. يوم الخلاص، كامل سليمان، بيروت، دارالكتاب اللبناني، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۲ ق، ص ۳۲۵.

فصل نهم: پس از ظهور

روش حکومت امام زمان (ع)

رفتار بر اساس سیره پیامبر و امامان (ع)

— رسول خدا (ص) فرمود: «مهدی (ع) روش مرا دنبال می کند و هرگز از روش من بیرون نمی رود.» (۱)

— امام صادق (ع) می فرماید: «امام زمان (ع) [در حکومت خویش] به سیره و روش پیامبر در میان مردم عمل، و طبق رفتار او رفتار می کنند.» (۲)

عبدالله بن عطا از امام صادق (ع) درباره سیره حکومتی امام زمان (ع) سؤال کرد. حضرت فرمود: «به روش پیامبر عمل می کند...» (۳)

ص: ۷۷۰

-
- ۱- . أَنَّ الْمَهْدِيَّ يَقْفُوا أَثْرِي لَا يُخْطِئُ: منتخب الأثر، ص ۴۹۱، فصل ۹، باب ۳، ح ۲.
 - ۲- . قَالَ الصَّادِقُ (ع): ... وَأَنَّ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ يَعْمَلُ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ: بحار الأنوار، المكتبة الاسلاميه، الطبعة الثالثة، ج ۵۲، باب ۲۸، ح ۷۸.
 - ۳- . عن عبدالله بن عطاء، عن أبا عبدالله (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ سِيرَةِ الْمَهْدِيِّ كَيْفَ سِيرَتُهُ؟ قَالَ: يَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)...: بحار الأنوار، ج ۵۲، ح ۱۰۸.

یکی از شاخصهای بسیار مهم و برجسته در حکومت امام مهدی(ع) مبارزه با دولتهای باطل و اقامه قسط و عدل به معنای واقعی و وسیع کلمه است. روایات فراوانی در این باره وارد شده است که در ذیل، نمونه هایی از آن را مرور می کنیم:

— امام باقر(ع) می فرماید: «هنگامی که قائم قیام کند، هر دولت باطلی از بین می رود.» (۱) از این روایات استفاده می شود که نخستین کار امام(ع) مبارزه با دولتهای باطل خواهد بود.

— امام رضا(ع) فرموده است: «ترازوی عدالت را در میان مردم می نهد و [در سرتاسر حکومتش] هیچ انسانی به دیگری ستم نخواهد کرد.» (۲)

ص: ۷۷۱

۱- . إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ: الكافي، دارالاضواء، ج ۸، ص ۲۷۸.

۲- وَ وَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ، فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱، باب ۲۷، ح ۲۹.

— همچنین در روایت دیگری می فرماید: «خداوند به دست مهدی (ع) سراسر گیتی را از عدل و قسط پر می کند؛ همان گونه که سراسر، ظلم و جور بود.» (۱)

— امام باقر (ع) فرمود: «وقتی قائم اهل بیت (ع) قیام کند، اموال را مساوی تقسیم می کند و در میان مردم با عدالت رفتار می کند.» (۲)

— و در روایت دیگر می فرماید: «او در میان همه بندگان خدا، عدالت را اجرا و به عدل رفتار می کند؛ چه نیکان و چه افراد فاسق و فاجر (عدالت او به طور یکسان در حق خوب و بد اجرا می شود).» (۳)

— رسول خدا (ص) نیز فرمود: «مهدی عدالت را همچنان که سرما و گرما وارد خانه می شود، وارد خانه های مردمان کند.» (۴)

ص: ۷۷۲

-
- ۱- ... يَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا: همان، ح ۳۰.
 - ۲- إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَعَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ...: همان، ح ۱۰۳.
 - ۳- ... وَيَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹، باب ۲، ح ۲.
 - ۴- ... أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرَّ وَالْقُرَى: همان، ج ۵۲، باب ۲۷، ح ۱۳۱.

فصل نهم: پس از ظهور

روش حکومت امام زمان (ع)

روش مدیریتی و قضایی

امام عصر (ع) برای اداره جهان، استانداران و وزیرانی می گمارد که جز به مصالح اسلام و رضایت خدا به چیزی نمی اندیشند؛ چنان که در روایات، ترکیب دولت مهدی (ع) را از پیامبران، جانشینان آنان، تقوا پیشگان، صالحان روزگار و امتهای پیشین و از سران و بزرگان پیامبران (ع) بیان می کنند که نام برخی از آنها نیز در روایات آمده است. (۱)

رسول خدا (ص) فرمود: «مهدی (ع) دقیقاً فرمان خدا را اجرا می کند، با کسی حساب خویشاوندی ندارد و سنگی روی سنگ نگذارد.» (۲)

امام صادق (ع) می فرماید: «مهدی (عج) یارانش را در همه شهرها پراکنده می کند و به آنان دستور می دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنان را فرمانروایان کشورهای جهان قرار می دهد، و به آنها دستور می دهد که شهرها را آباد سازند.» (۳)

ص: ۷۷۳

۱- حضرت عیسی (ع) هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی (ع)، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانة انصاری، مالک اشتر نخعی و قبیله همدان. ر، ک: چشم اندازی از حکومت مهدی (ع) نجم الدین طیبی، قم، شرکت چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۹۰.

۲- . يَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَلَى حُدُودٍ لَا يُغَيِّرُ بَقْرَاهِ وَلَا- يَضَعُ حَجْرًا حَجْرًا: ملاحم الفتن في ظهور الغائب المنتظر، ابن طاووس، بيروت، مؤسسه الوفاء، الطبعة السادسة، ۱۴۰۳، ص ۱۰۸.

۳- . قال الصادق (ع): يُفَرِّقُ الْمَهْدِي أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ وَيَأْمُرُهُم بِالْعِدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَيَجْعَلُهُمْ حُكَّامًا فِي الْأَقَالِيمِ وَيَأْمُرُهُم بِعُمْرَانِ الْمُدُنِ: الامام المهدی (ع)، علی محمد دخیل، بیروت، دار المرتضی، ۱۴۰۳ ه ق، ص ۳۷۱.

— در روایتی می خوانیم: «هنگامی که قائم (حضرت مهدی(ع)) قیام کند، به عدالت حکم خواهد کرد، ظلم و جور در روزگار او از بین خواهد رفت و امنیت در تمام راهها برقرار می شود.» (۱)

— در روایت دیگر می خوانیم: «امام زمان(ع) در میان مردم مانند داوود نبی(ع) و حضرت محمد(ص) قضاوت خواهد کرد.» (۲)

حکم داوودی طبق بیان قرآن چنین است: «ای داوود! ما تو را خلیفه [و نماینده خود] در زمین قرار دادیم، در میان مردم به حق داوری کن، و از هوای نفس پیروی نکن که تو را از راه خدا منحرف می سازد.» (۳)

قضاوت محمدی(ص) این است که قرآن می فرماید: «و اگر میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن...» (۴)

ص: ۷۷۴

-
- ۱- . إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجُورُ، وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ: بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ح ۸۳.
 - ۲- . وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُودَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ: همان، ادامه حدیث ۸۳.
 - ۳- . يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...: ص ۲۶.
 - ۴- . وَ انْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ...: مائده/۴۲.

و نیز می فرماید: «طبق احکامی در میان آنها حکم کن که خدا نازل کرده است و از هوا و هوسهای آنها پیروی نکن.» (۱)

_ امام صادق (ع) درباره روش قضاوت امام زمان (ع) می فرماید: «... مهدی (ع) در میان پیروان تورات (یهودیان) بر اساس تورات قضاوت می کند و در میان پیروان انجیل (مسیحیان) طبق انجیل قضاوت می کند، و در میان پیروان زبور بر اساس همان کتاب حکم می کند، و در میان پیروان فرقان (قرآن) نیز طبق قرآن حکم می کند.» (۲)

البته منظور از کتاب تورات، انجیل و زبور، اصل آنها است؛ نه کتابهای تحریف شده.

ص: ۷۷۵

۱- . فَأَحْكُمُ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ...: همان / ۴۸.

۲- . يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ، وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ...: بحار الأنوار، ج ۵۲، ح ۸۴.

فصل نهم: پس از ظهور

روش حکومت امام زمان(ع)

روشهای اقتصادی

امام مهدی(ع) بر اساس روایات، فقر را از بین می برد (۱) و در دوران او در تمامی روی زمین خرابی باقی نمی ماند، مگر آنکه آباد شود، (۲) برده ها آزاد و قرضها و دیون همه پرداخت می شود، (۳) گنجها را استخراج و ثروتها را تقسیم می کند (۴) و زمین در دست شیعیان آن حضرت قرار می گیرد، (۵) به اندازه ای که کسی بتواند بر دارد و حمل کند، مال و ثروت در اختیار درخواست کننده قرار می دهد، (۶) عدالت و سازندگی را در همه شهرها گسترش می دهد (۷) و خوان حکمت و ثروت گسترده می شود (۸) و با ثروت اندوزی مبارزه می شود. (۹)

از مطالب بالا استفاده می شود که روش حکومتی امام زمان بر سه محور اساسی زیر خواهد بود.

ص: ۷۷۶

- ۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹، روایت ۲۱۲.
- ۲- منهاج البراعه، ج ۸، ص ۳۵۳.
- ۳- الامام المهدی، قزوینی، مؤسسه الوفاء، قم، ۱۴۰۵ هـ، ص ۶۳۱.
- ۴- منتخب الأثر، ص ۴۷۲، فصل ۷، باب ۳، حدیث ۲.
- ۵- الکافی، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۴۰۸.
- ۶- سنن، ترمذی، دار الفکر، ج ۴، ص ۴۳۹، روایت ۲۲۳۲.
- ۷- يوم الخلاص، کامل سلیمان، دار الکتب لبنانی، ص ۳۱۵.
- ۸- الغیبه، نعمانی، مؤسسه الاعلمی، ص ۱۵۸.
- ۹- تهذیب الاحکام، طوسی، دار الکتب الاسلامیه، ج ۴، ص ۱۴۴، روایت ۴۰۲.

۱. اصالت دادن به کتاب و سنت؛

۲. اداره جامعه بر اساس روش پیامبر(ص) و امامان(ع)؛

۳. اقامه قسط و عدل در تمام امور حکومتی، اجتماعی و سیاسی به معنای واقعی کلمه.

ص: ۷۷۷

فصل نهم: پس از ظهور

عدالت در دوران ظهور

مقدمه

در نگاه نخست، چنین به نظر می‌رسد که پاک ساختن زمین از ظلم، گناه و بساط طاغوتها و ستمگران ناممکن است؛ و گویا زمین و زمینیان با گناه و ظلم خو گرفته‌اند و مظلومان عالم فریادرسی ندارند، تا حق آنها را از ظالمان و طاغیان بستاند؛ گویا جهان به تحمل وجود شوم ستم پیشگان عادت کرده است؛ تا جایی که بشر، دوره‌ای را سراغ ندارد که در آن، جامعه جهانی، از ستم و ستمگران خالی باشد.

از سوی دیگر حکمت خداوند بر این تعلق گرفته است که زندگانی انسان بر اساس فطرت خدادادی جاری شده و شالوده آن، یعنی عدالت خواهی و ظلم ستیزی، بدون پاسخ و جواب نماند.

ظلم و ستم با رستاخیز مهدی(ع)، به دیار عدم، سفر کرده، جای خود را به عدل و داد می‌سپارد. در آن دوره، عدالت اجتماعی فراگیر می‌شود و ثمره کوشش انبیا و اولیا به بار می‌نشیند و مردم، طعم شیرین عدالت را می‌چشند.

ص: ۷۷۸

امام زمان(ع) پس از تولد چنین دعا کرد: «... اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعِيدِي وَ اْتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَ تَبِّثْ وَطْأَتِي وَ اَمَلْهُمُ الْأَرْضَ بِي عَيْدَلًا وَ قِسْطًا؛ (۱)» خداوندا! آنچه را که به من وعده دادی محقق ساز و امر [حکومت عدالت گستر جهانی] مرا به کمال برسان و گام های مرا استوار بدار و زمین را به دست من از عدل و داد پر ساز.»

در احادیثی که درباره قیام مهدی(ع) آمده است بر دعوت به توحید و مبارزه با شرک و کفر اعتقادی، به اندازه ایجاد عدالت و اجرای آن، تأکید نشده است. علت این امر را باید در نیاز عمده جامعه به برقراری عدالت و گسترش دادگری در این زمان دانست.

امام صادق(ع) فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَيْدِلِ وَ اَزْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ اَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ اَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ رَدَّتْ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ؛ (۲)» هرگاه قائم قیام کند، به عدل حکم می کند و در ایام او جور مرتفع می شود و به دست او راهها امن می شود، زمین برکاتش را خارج می سازد و هر حقی به صاحبش برگردانده می شود.»

ص: ۷۷۹

۱- . اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۸ و بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸ و ارشاد، ص ۳۳۴.

سالار شهیدان(ع) فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي يَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا كَذَلِكَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص)؛» (۱) اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی کند، تا مردی از فرزندان من خروج کند، پس زمین را از عدل و داد پر کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد. این چنین از پیامبر(ص) شنیدم.»

حضرت صادق(ص) فرمود: «وَ اللَّهُ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَ الْقَرْيُ؛» (۲) به خدا قسم! عدالت خود را در درون خانه های مردم وارد می کند، همان گونه که سرما و گرما داخل می شود.»

امام رضا(ع) فرمود: «فَإِذَا خَرَجَ وَ وَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا؛» (۳) آن گاه که خروج کند، ترازوی عدل را در بین مردم می نهد، پس هیچ کس به دیگری ظلم نمی کند.»

ص: ۷۸۰

-
- ۱- . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸.
 - ۲- . الغیبه، نعمانی، ص ۱۵۹؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۴۴ و بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.
 - ۳- . کمال الدین، ص ۳۷۲ و بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

فصل نهم: پس از ظهور

عدالت در دوران ظهور

ارزش عدالت

عدالت از اصول مهم و از تعالیم و اهداف عمده اسلام است. در دستوره‌های اسلامی، انسانها مأمور شده‌اند که در تمام ابعاد زندگی خود (فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و نیز در گفتار، رفتار و کردار) عدالت را رعایت کنند و آن را سرلوحه کارهای خود قرار دهند.

قرآن کریم در آیات متعددی، ارزش و اهمیت عدالت را بیان کرده و به آن سفارش فرموده است که نمونه‌هایی از این آیات در ذیل بیان می‌شود:

۱. (إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى)؛ (۱) «عدالت ورزید که عدل به تقوا نزدیک تر است.»

ص: ۷۸۱

و إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا؛ (۱) «وقتی سخن گفتید به عدالت سخن گوید.»

۲. (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛) (۲) «حقیقتاً خداوند به عدل و احسان امر می کند.»

۳. (وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ؛) (۳) «و البته نباید بدی گروهی، شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک تر است.»

۴. (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛) (۴) «به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو فرود آوردیم تا مردم به عدالت برخیزند.»

بر اساس این آیه، فرستادن رسولان الهی و کتابهای آسمانی برای تحقق عدالت در جامعه بشری است.

ص: ۷۸۲

۱- . انعام / ۱۵۳.

۲- . النحل / ۹۲.

۳- . مائده / ۸.

۴- . الحديد / ۲۵.

در جامعه اسلامی، همه افراد در برابر بیت المال و امکانات عمومی مساوی اند و هیچ عامل نژادی و سوابق مبارزاتی و انتساب به افراد یا گروههای صاحب نفوذ و قدرت، مانع اجرای عدالت نمی شود؛ از این رو گریزگاه قانونی در جامعه اسلامی وجود ندارد.

ائمه اطهار(ع) که مفسران واقعی قرآن کریم هستند نیز در کلمات نورانی خود بر مسئله عدالت تأکید ورزیده اند؛ برای نمونه چند فراز از گفتار آنان را در ذیل می آوریم:

۱. امام صادق(ع) فرمود که روزی حضرت علی(ع) به خلیفه دوم فرمود: «ثَلَاثٌ إِنْ حَفِظْتَهُنَّ وَ عَمِلْتَ بِهِنَّ كَفَتْكَ مَا سِوَاهُنَّ وَ إِنْ تَرَكْتَهُنَّ لَمْ يَنْفَعِيكَ شَيْءٌ سِوَاهُنَّ؛ سه چیز است که اگر از آنها حفاظت کرده و به آنها عمل کنی تو را از غیر آنها بی نیاز می کند و اگر آنها را ترک کنی، غیر آنها سودی به تو نمی رساند.»

خلیفه پرسید که آن سه چیز کدام اند؟ حضرت فرمودند: «إِقَامَةُ الْحُدُودِ عَلَى الْقَرِيبِ وَ الْبَعِيدِ وَ الْحُكْمُ بِكِتَابِ اللَّهِ فِي الرِّضَا وَ السَّخَطِ وَ الْقِسْمُ بِالْعَدْلِ بَيْنَ الْأَحْمَرِ وَ الْأَسْوَدِ...» (۱) اجرای حدود بر نزدیک و دور (آشنا و بیگانه)، و حکم کردن به کتاب خدا در حال خرسندی و خشم و تقسیم عادلانه بین سیاه و سرخ...»

ص: ۷۸۳

۱- . التهذيب، ج ۶، ص ۲۲۷، ح ۵۴۷ و دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۴۳، ح ۱۵۴۳.

۲. امام علی(ع) به فرزندش امام حسین(ع) فرمود: «أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ... وَبِالْعِدْلِ عَلَى الصَّدِيقِ وَالْعِدْوِ؛ (۱)» تو را به تقوای الهی در حال غنا و تنگدستی و رعایت عدالت با دوست و دشمن سفارش می کنم.»

۳. ابومالک می گوید: «قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ(ع) أَخْبِرْنِي بِجَمِيعِ شَرَائِعِ الدِّينِ قَالَ قَوْلُ الْحَقِّ وَالْحُكْمُ بِالْعِدْلِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ هَذِهِ جَمِيعُ شَرَائِعِ الدِّينِ؛ (۲)» (به امام سجاد(ع) گفتم: مرا از مجموعه آیینهای دین آگاه کن. امام فرمود: سخن حق و داوری طبق عدالت و وفای به عهد. اینها همه آیینهای دین است.»

ص: ۷۸۴

۱- . بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۳۸.

۲- . تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۷۹.

فصل نهم: پس از ظهور

عدالت در دوران ظهور

تحقق عدالت به دست مهدی(ع)

لازمه تحقق عدالت اجتماعی، از بین رفتن ناهنجاریها و مفسد اجتماعی است. حضرت مهدی(ع) در حکومت جهانی خود با این مفسد مبارزه و معضلات را برطرف می کند. در ذیل به چند روایت درباره مفسد و بی عدالتی در دوران غیبت اشاره می شود:

۱. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «وَذَلِكَ عِنْدَ مَا تَصِيرُ الدُّنْيَا هَرْجَاءً وَ مَرْجَاءً وَ يُعَارُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا الْكَبِيرُ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَ لَا الْقَوِيُّ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ فَحِينَئِذٍ يَأْذُنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ؛»(۱) و آن (قیام قائم(ع)) در هنگامی است که دنیا دچار آشفستگی می شود و مردمان به یکدیگر می تازند، نه بزرگسال به خردسال رحم می کند و نه قدرتمند به ناتوان. خداوند در این هنگام به او (امام غایب) اجازه خروج می دهد.»

۲. امام صادق(ع) درباره دوران غیبت امام عصر(ع) می فرماید: «وَ رَأَيْتَ الزُّبَا ظَاهِرًا لَا يُعَيَّرُ؛»(۲) می بینی که ربا آشکار است و سرزنش نمی شود.»

ص: ۷۸۵

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰.

۲- منتخب الأثر، ص ۴۲۹.

۳. همچنین آن حضرت درباره این دوران فرمود: «وَرَأَيْتَ الْوَلَمَايَةَ قَبَالَهَ لِمَنْ زَادَ؟» (۱) می نگری که ولایت (مسئولیت و پستها) در دست کسانی است که رشوه بیشتری می دهند.»

با نگرش به مجموعه این احادیث و احادیث دیگر در تبیین و ترسیم دوران پیش از ظهور، به این نکته پی می بریم که بزرگ ترین بحران در حیات انسانی پیش از ظهور، نبود عدالت اجتماعی است.

حضرت مهدی(ع) در دوران حکومت جهانی خویش با کلیه معضلات اجتماعی که دامنگیر جامعه جهانی است، مبارزه، و جهان را از لوٹ آنها پاک می کند. او جامعه ایده آل اسلامی را بر مبنای فرهنگ ناب محمدی(ص) تشکیل می دهد. در ذیل به چند روایت درباره عملکرد حضرت حجت(ع) در دوران ظهور و ویژگیهای این زمان است اشاره می شود:

۱. امام صادق(ع) درباره دوران ظهور می فرماید: «وَيَحْسُنُ حَالَ عَامَّةِ الْعِبَادِ، وَيَجْمَعُ اللَّهُ الْكَلِمَةَ، وَيُؤَلِّفُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلَفَةٍ، وَلَا يُعْصِي اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) فِي أَرْضِهِ، وَيُقَامُ حُدُودُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، وَيَرُدُّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ؛» (۲) حال عموم مردم را بهبود بخشد، و خداوند وحدت کلمه پدید آورد، و بین قلبهای پراکنده الفت ایجاد کند، و خداوند در زمین معصیت نشود، و حدود الهی میان مردم اجرا شود و خداوند، حق را به اهلش باز گرداند.»

ص: ۷۸۶

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

۲- اکمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۶.

۲. همچنين آن حضرت فرمود: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا... أَيُّ يُحْيِيهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أَيْمِهِ الضَّلَالُ؛» (۱) [خداوند در قرآن می فرماید: «بدانید که خداوند زمین را پس از مردنش زنده می کند» یعنی خداوند، زمین را با عدل قائم در رستاخیز ظهور او زنده می کند، پس از آنکه از ستم فرمانروایان ضلالت مرده باشد.»

۳. امام صادق(ع) فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ؛» (۲) هنگامی که قائم قیام کند، بر اساس عدالت حکم می کند و ظلم و جور در دوران او برچیده می شود و راهها در پرتو وجودش امن می شود.»

۴. امام باقر(ع) درباره عملکرد حضرت مهدی(ع) در دوران ظهور فرمود: «وَيُوسِّعُ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ فَيَصِيِّرُ سَبِيلَ ذِرَاعًا وَيَهْدِيهِمْ كَهْلًا مَسْجِدًا عَلَى الطَّرِيقِ وَ كَهْلًا جَنَاحٍ وَ كَهْلًا عَلَى الطَّرِيقِ؛» (۳) جاده بزرگ و اصلی را توسعه می دهد تا به ۶۰ ذراع برسد و تمام مساجدی را که در مسیر قرار دارند، خراب می کند و تمام دریچه هایی که به راهها گشوده می شود، می بندد و بالکنها و فاضلابها و ناودانهایی که در راه [عبور مردم] باز می شود، می بندد.»

ص: ۷۸۷

۱- . غیبت، نعمانی، ص ۲۵ و تأویل الآیات الظاهرة، سید شرف الدین حسینی استرآبادی، ص ۶۳۸.

۲- . بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۸۰ (طبع قدیم).

۳- . بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۸۶.

۵. امام باقر(ع) می فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمٌ أَهْلَ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَعَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ (۱)؛ هنگامی که قیام کننده اهل بیت(ع) قیام کند، به صورت مساوی تقسیم می کند و در میان رعیت به عدالت رفتار می کند.»

۶. در دعای ندبه می خوانیم: «مَنِّي تَرَانَا وَتَرَكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِيَوَاءَ النَّصِيرِ تُرَى أ تَرَانَا نَحْفُ بِعِكَ وَ أَنْتَ تَوُمُّ الْمَلَأَ وَ قَدْ مَلَأَتِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَذَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا؛ کی ما را می بینی و ما هم تو را بینیم، در حالی که پرچم پیروزی را به پا داری... و زمین را با عدل پر کرده باشی و به دشمنانت خواری و عذاب را چشانده باشی.»

ص: ۷۸۸

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱، ح ۱۰۳.

فصل نهم: پس از ظهور

شمه ای از جلوه های رأفت حضرت مهدی(ع)

مقدمه

سَلَامٌ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ

أَبِي الْقَاسِمِ الْغُرِّ نُورِ الْهُدَى

سلام و درود بر قائم منتظر، حضرت ابوالقاسم(ع) که سر سلسله نیکان و چراغ هدایت است.

سَيُطْلَعُ كَالشَّمْسِ فِي غَاسِقٍ

يُنَجِّيهِ مِنْ سَيْفِهِ الْمُنْتَظَرِ

به زودی همچون خورشید، در شب تاریک طلوع می کند و با شمشیر برآنش انسانها را نجات می بخشد.

تَرَى يَمَلَأُ الْأَرْضَ مِنْ عَدْلِهِ

كَمَا مَلَأَتْ جُورَ أَهْلِ الْهُوَى

سراسر زمین را همان گونه که از ظلم و جور هوا پرستان پر شده، از عدل و داد پر می کند.

سَلَامٌ عَلَيْهِ وَآبَائِهِ

وَ أَنْصَارِهِ مَا تَدْوُمُ السَّمَاءِ (۱)

سلام بر او و بر پدرانش و بر یارانش؛ سلامی همیشگی و جاوید.

محبتها و الطاف ظاهری و باطنی اهل بیت (ع) نسبت به تمام انسانها به ویژه یاران و دوستانشان، حقیقتی انکارناپذیر است؛ چرا که آنان معدن کرامت، رأفت و رحمت الهی برای عموم مردم اند.

قرآن کریم درباره پیامبر اکرم (ص) می فرماید: (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)؛ (۲) «ما تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم.» آن حضرت جلوه ای از رحمت بی پایان الهی است. دلسوزی، مهرورزی و مهربانیهای رسول خدا (ص) در آیات متعددی مطرح شده است و در سیره آن حضرت، آشکارا به چشم می خورد.

ائمه هدی (ع) نیز که تداوم بخش راه رسول گرامی اسلام (ص) و جانشینان به حق ایشان هستند، از این ویژگی مهم حضرتش، تمام و کمال بهره را داشته اند. البته حضرات معصومان (ع) نه تنها در صفت مهرورزی و دلسوزی، بلکه در سایر کمالات نیز از آن حضرت (ص) ارث برده اند.

ص: ۷۹۰

۱- شرح احقاق الحق، ج ۱، ص ۷۹. ابیات مذکور از سروده های قاضی فضل بن روزبهان از مشاهیر علمای اهل تسنن و نویسنده کتاب ابطال الباطل در رد کتاب نهج الحق علامه حلی است.

۲- انبیاء/ ۱۰۷.

بنابراین، همان گونه که قرآن کریم پیامبر خدا(ص) را رحمت برای جهانیان معرفی می کند، تمام ائمه از جمله حضرت مهدی(ع) نیز از همان رحمت و عطوفت محمدی نسبت به بندگان خدا برخوردارند؛ از این رو در آخرین فرازهای دعای ندبه از خداوند متعال، چنین درخواست می کنیم: «وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ دُعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَ فَوْزاً عِنْدَكَ؛ خداوندا! برای ما رأفت و رحمت و دعا و خیر او (حضرت ولی عصر(ع)) را عنایت کن تا به این وسیله به دریای رحمت و کامیابی در نزدت دست یابیم.»

محبت، مهر و وفای آن حضرت، چیزی نیست که بتوان در صفحاتی کوتاه از آن سخن راند و حقّ مطلب را ادا کرد؛ اما چند نکته ای را برای تذکر می توان بیان کرد و دل‌های مالامال از عشق پیروان حضرتش را برای لحظاتی به دریای مهر و رحمت آن گرامی می توان پیوند داد؛ چرا که امام عصر(ع) غمخوار حقیقی امت و پدر مهربان مردم غمدیده و محنت کشیده است. حضرت رضا(ع) در خطبه ای طولانی که در روز جمعه در مسجد جامع مرو ایراد کرد، به این نکته اشاره می کند و می فرماید: «الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبُرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ وَ مَفْزَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ؛ (۱) امام، دوستی همدل، پدری دلسوز، برادری تنی، مادری مهربان به فرزند کوچک و پناه بندگان در مواقع دشوار زندگی است.»

ص: ۷۹۱

البته این سخنان بدان معنا نیست که ولی عصر(ع) هیچ گونه برخوردی با دشمنان خود نمی کند. بدیهی است که هر یک از جهانیان، بسته به استعدادشان از مهر سرشار آن حضرت بهره می برند؛ اما دشمنان لجوج و کینه توزی که همانند غده سرطانی در کالبد جامعه نفوذ کرده اند و مانع راه اصلاح می شوند، به خشم آن امام(ع) دچار و نابود خواهند شد. به این سبب، مهر و قهر امام زمان(ع) همانند اجداد مطهر خویش است.

رسول گرامی اسلام(ص) برای اصلاح جامعه، گاهی دست به شمشیر می برد و با دشمنان خود به شدت تمام برخورد می کرد، امام عصر(ع) نیز چنین خواهد بود؛ ولی آنچه این نوشتار آن را دنبال می کند، بیان جلوه هایی از مهر و رأفت امام مهدی(ع) است؛ زیرا درباره قهر آن حضرت، فراوان سخن گفته اند تا جایی که برخی می پندارند حضرت مهدی(ع) فقط مظهر قهر الهی است و دشمنان امامت نیز به این باور دامن زده و آن حضرت را شخصی خوفناک و قهار قلمداد می کنند و چهره ای مهیب از آن امام رئوف ارائه می دهند که غیر از انتقام به چیز دیگری نمی اندیشد.

از این رو در این مقال به برخی مظاهر مهرورزی آن حضرت به مردم، خاصه دوستان و شیعیانش می پردازیم؛ چرا که بر این باوریم هر خیر و نیکی که به ما می رسد از ناحیه اوست و ما هر چه داریم، از لطف جوشان و محبت سرشار آن وجود مقدس داریم؛ همچنان که فرمود: «ما رهبری شما را مهمل نگذاشته و شما را از یاد نبرده ایم. اگر چنین بود، مشکلات سنگینی، شما را احاطه می کرد و دشمنان، شما را نابود می کردند.»(۱)

ص: ۷۹۲

فصل نهم: پس از ظهور

شمه ای از جلوه های رأفت حضرت مهدی(ع)

سیمای مهربان

حضرت آیت الله بهجت فرموده است که شخصی می گفت: «همراه رفقا بودم که آقایی را از دور در کوچه دیدم. به دلم افتاد که حضرت امام عصر(ع) است. با خود گفتم: وقتی رسید، در دل به او سلام می کنم. اگر جوابم را داد، معلوم می شود که خود حضرت است. هنگامی که از کنارش رد می شدیم، در دل به آن بزرگوار سلام کردم، تبسمی کرد و فرمود: علیکم السلام! به همراهان خود گفتم: آقا را دیدید؟! گفتند: کدام آقا؟! معلوم شد که آنها نه آقا را دیده اند و نه جواب سلام او را شنیده اند!»(۱)

منم که مهر علی و ولی پناه من است

ص: ۷۹۳

۱- . در محضر آیت الله بهجت، ص ۱۸۷.

دعای نایب حق ورد صبحگاه من است

ز پادشاه و گدا فارغم بحمدالله

گدای خاک ره دوست پادشاه من است

به حال من نظری می کن ای امام زمان

که التفات تو کفاره گناه من است

مرا ز دُنیی و عقبی غرض وصال شماست

جز این خیال ندارم خدا گواه من است

فصل نهم: پس از ظهور

شمه ای از جلوه های رأفت حضرت مهدی(ع)

لطف بی انتها

روزی شیخ سلار بن عبدالعزیز (۱) در مجلس درس شیخ مفید، یکی از مطالب علمی را به شکل شایسته ای بیان کرد و همه حاضران را به اعجاب و تحسین واداشت.

«شیخ مفید» نیز از هوش سرشار و مقام علمی این شاگرد لذت برد و خوشحال شد. نام و نشان و احوال وی را پرسید، گفتند: «این دانشمند جوان به لطف شما زنده است و زندگی اش مرهون سخن شماست.» شیخ مفید، چگونگی ماجرا را سؤال کرد، گفتند: «وقتی که مادر او از دنیا رفت، او در شکم مادر بود. اطرافیان و بستگانش درباره وی متحیر ماندند و به محضر شما آمدند. اول فتوا دادید که آن زن دفن شود، وقتی که آنان از محضر شما مرخص شدند، شخصی را با عجله فرستادید و او آمد و گفت: «شیخ می فرماید، پهلوی چپ آن مادر را بشکافید و بچه را بیرون آورده، بعداً دفن کنید.»

آنان، طبق دستور شما عمل کردند و پیش از دفن مادر، بچه را بیرون آوردند و اکنون این عالم وارسته و متبحر که در محضر شما نشسته است، همان طفل است.» شیخ مفید(رحمه الله) با کمال تعجب فرمود: «به خدا قسم! آن فتوای دوم از من نبوده است. حالا که چنین است، با خود شرط می کنم که دیگر در امور مسلمانان دخالت نکنم و درباره احکام شرعی مسلمانان فتوا صادر نکنم؛ چرا که نزدیک بود با یک فتوای اشتباه، باعث مرگ چنین شخص دانشمندی شوم.»

ص: ۷۹۵

۱- حمزه بن عبد العزیز معروف به سلار دیلمی از بزرگان فقهای امامیه در قرن پنجم به شمار می آید. او از ممتازترین شاگردان شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی است. المقنع فی المذهب، التقریب فی اصول الفقه و المراسم العلویه از جمله آثار گرانقدر اوست. وی در سال ۴۶۳ق وفات یافت و در منطقه خسروشاه در حومه تبریز مدفون شد. مزار او امروزه مطاف عاشقان اهل بیت(ع) و دوستاران علم و دانش است.

پس از آن تصمیم، این پیام از سوی مولای غایب از نظر به دست شیخ مفید رسید: «یا شیخ! مِنْكَ الْخَطَاءُ وَ مِنَّا التَّشْدِيدُ؛ ای شیخ! [تو همچنان در مسند فتوا بنشین و مردم را راهنمایی کن و] اگر خطایی از تو سر بزند، ما آن را تصحیح می کنیم.»

شیخ مفید پس از این پیام، آرامش خود را بازیافت و با تصمیم قاطع به حل و فصل امور مسلمانان پرداخت و فهمید که او تنها نیست و پشتوانه ای قوی از سوی خداوند متعال، او را حمایت می کند و ذیل توجهات حضرت ولی عصر(ع) قرار دارد.

علامه میرزا محمد حسین شهرستانی(رحمه الله) پس از نقل این حکایت می نویسد: «این عبارت، از جمله توقیعاتی است که از ناحیه مقدسه حضرت مهدی(ع) صادر شده است.»(۱)

ص: ۷۹۶

فصل نهم: پس از ظهور

شمه ای از جلوه های رأفت حضرت مهدی(ع)

جلوه رحمت الهی

افزون بر آثار رأفت آن حضرت در طول زمان غیبت، گسترده ترین جلوه های مهر و محبت و عنایات آن حضرت پس از ظهور است؛ زیرا که اهل آسمان و زمین پس از تحمل غمها و اندوههای فراوان به سرور دست خواهند یافت.

انسانهای خسته از دشواریهای زندگی و بی مهریهای جفاکاران و ستمگران، عزت نفس خود را بازیافته، احساس نشاط و فرح خواهند کرد. آنان رحمت پروردگار عالمیان را در وجود امام عصر(ع) به روشنی مشاهده کرده، آن وجود گرامی را از دل و جان خواهند ستود.

رسول گرامی اسلام(ص) در این باره می فرماید: «يَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرُ وَ الْوَحْشُ وَ الْحَيْتَانُ فِي الْبَحْرِ؛ (۱) اهل آسمان و زمین، پرندگان و حیوانات وحشی و حتی ماهیان دریا [در اثر گسترش رحمت و رأفت و عدالت و کرامت آن حضرت] شادی می کنند.»

ص: ۷۹۷

سفره گسترده مهر مهدوی(ع) نه تنها دوستان را شادمان می کند؛ بلکه مخالفان و دشمنان حضرتش نیز تا حدودی از آن بهره مند خواهند شد.

سفیانی فردی ستمگر و بی رحم از اولاد بنی امیه است. او به اهل بیت(ع) و پیروان آنان ستمهای بی شماری را روا می دارد و نامش در روایات آخرالزمان بسیار به چشم می خورد. وقتی وی به دست یکی از دوستان امام زمان(ع) به نام صباح دستگیر می شود، او را نزد امام مهدی(ع) می آورند. سفیانی می گوید: «ای عمو زاده! بر من منت بگذار و مرا عفو کن، من نیز همانند شمشیر برنده ای در مقابل دشمنان از تو دفاع می کنم.»

در آن حال، حضرت مهدی(ع) که میان اصحاب خود نشسته و از عذراء با حیا تر است، امر می کند که او را رها کنند. یاران حضرت می گویند: «ای فرزند رسول خدا(ص)! آیا او را با همه جنایاتش آزاد می کنید؟» امام می فرماید: «با او هر طور که دوست دارید رفتار کنید.» آنان او را پس از آزادی دستگیر کرده، به قتل می رسانند. پس از این، امام دستور می دهد تا بدن سفیانی را دفن کنند. (۱)

ص: ۷۹۸

مهدی بهار جانها

فصل نهم: پس از ظهور

امام مهدی(ع) بهار جانها

مهدی بهار جانها

چهره گل، باغ و صحرا را گلستان می کند

دیدن مهدی(ع) هزاران درد، درمان می کند

مُدعی گوی__د که با یک گل نمی گردد بهار

من گل__ی دارم که عالم را گلست__ان می کند

نشاط آورترین و خوشایندترین فصل سال و محبوب ترین و دوست داشتنی ترین فصول نزد همه انسانها و حتی حیوانات و پرندگان فصل بهار است. از سوی دیگر، زیباترین جلوه های زندگی انسان در دوران جوانی، بروز می کند؛ دورانی که او سرشار از انرژی، قدرت و نشاط است و در واقع، جوانی نیز بهار عمر انسان به حساب می آید.

تمامی این بهارها، کوتاه و محدود است و به قطعه خاصی از دوران بستگی دارد که حداکثر چند ماه و یا چند سال به طول می انجامد؛ اما همین دوره کوتاه نیز بدون بهارِ آفرینِ حقیقی، بی نشاط است.

آمد بهار و گلرخ من در سفر هنوز

خندید و ابر چشم من از گریه تر هنوز

آمد درخت گل به بر اما چه فایده؟

کان سرو گلغذار نیامد به بر هنوز

آنچه بشر آرزو دارد و در پی دستیابی به آن است، بهار طولانی و همگانی و نشاط فراگیر و عمومی است؛ بهاری که تمام نقاط زمین را فرا گیرد و تمام موجودات را زیر بال خود قرار دهد و تمام دلها را نشاط بخشد و تمام جانها را سرسبز سازد.

در متون دینی ما به این آرزوی بشری و تحقق آن اشاراتی شده است؛ از جمله درباره جان جانان، حضرت صاحب الزمان (روحی له الفداء) چنین تعبیری آمده است: «السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنْامِ وَنَضْرَهُ الْأَيَّامِ؛» (۱) سلام بر بهار مردم و شادی روزگار.»

گل من را بهاری بی خزان است

ص: ۸۰۰

۱- . مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر، ص ۱۰۰۶ و بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱.

و در برخی روایات نیز از روزگار ظهور مهدی(ع) تعبیر به «نیروز» (نوروز) شده است که آغاز بهار است؛ از جمله امام صادق(ع) فرمود: «يَوْمُ النَّيْرُوزِ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَظْهَرُ فِيهِ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ... وَ مَا مِنْ يَوْمٍ نَيْرُوزٍ إِلَّا وَ نَحْنُ نَتَوَقَّعُ فِيهِ الْفَرَجَ؛ (۱)» روز نوروز روزی است که قائم ما اهل بیت در آن ظهور می کند... و هیچ روز نوروزی نیست، مگر اینکه ما در آن روز منتظر فرج می باشیم.»

ای دل بشارت می دهم خوش روزگاری می رسد

با درد و غم طی می شود آخر بهاری می رسد

این تعبیر، فقط یک تعبیر ذوقی و ادبی، شعرگونه و عاری از حقیقت نیست؛ بلکه از واقعیتی بس ژرف، حکایت دارد که تنها در دوران مهدی موعود(ع) تحقق پذیر خواهد بود.

ص: ۸۰۱

در دوران مهدی(ع) بهار، همه جانبه و فراگیر خواهد بود، و نشاط و شادی عمومی و جهانی خواهد شد. در این مقاله فقط به دو مورد اشاره می کنیم.

اگر آن گل به تنهایی نماید چهره بر عالم

شود بر مدعی پیدا که با یک گل بهار آید

ص: ۸۰۲

فصل نهم: پس از ظهور

امام مهدی (ع) بهار جانها

بهار دله‌ا

ای مایه ناز! جمله کار تو خوش است

مانند بهار روزگار تو خوش است

نخستین گامی که برای بهار همه جانبه و نشاط دله‌ا در دوران آن بهار آفرین به وجود می آید، زنده شدن قرآن و سنت است. وقتی قرآن زنده شد، دله‌ا نیز بانشاط و بهاری می شود.

حضرت علی (ع) فرمود: «يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛ (۱)» امام مهدی (ع) زمانی که مردم هدایت الهی را به خواسته های نفسانی برگردانده اند، هوای نفس را به هدایت الهی برمی گرداند و آن گاه که مردم قرآن را تفسیر به رأی کنند، او نظریات را به قرآن گرایش دهد. و در ادامه فرمود: «وَيُحْيِي مِثَّ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ؛ (۲)» و آنچه از قرآن و سنت مرده [و بدان عمل نمی شود] زنده می کند.»

آن گاه که قرآن بر تمام امور حاکم شد، دله‌ا بهاری خواهد شد؛ زیرا امام علی (ع) می فرماید: «تَعَلَّمُوا كِتَابَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَأَبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رِبْعُ الْقُلُوبِ؛ (۳)» کتاب خدای بلند مرتبه را فراگیرید؛ زیرا بهترین سخن و رساترین موعظه است و در قرآن اندیشه کنید که به راستی قرآن، بهار دله‌ا است.»

ص: ۸۰۳

۱- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۴۰ و ۴۱؛ نهج البلاغه، خ ۱۳۸ و میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۱۲۴۶.

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۴۰ و ۴۱؛ نهج البلاغه، خ ۱۳۸ و میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۱۲۴۶.

۳- تحف العقول، علی بن شعبه، ص ۱۵۰؛ میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۵۱۸، ح ۱۶۴۳۰ و وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۲.

و قرآن نیز همیشه بهاری است؛ چنان که از امام صادق (ع) سؤال شد: چرا قرآن همیشه تازه و زنده است و هرگز کهنه نمی شود؟ فرمود: «لَاِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لِرِمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِإِنْسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ، وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غُضُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛» (۱) برای اینکه خداوند تبارک و تعالی، آن را برای زمان خاصی و برای مردم معینی قرار نداده است. در نتیجه، قرآن در هر زمانی، تازه و تا روز قیامت نزد هر گروهی، جدید خواهد بود.»

نکته دیگر این است که خود قرآن نیز بهاری دارد؛ چنان که فرمود: «لِكُلِّ شَيْءٍ رِبْعٌ وَ رِبْعُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ؛» (۲) هر چیز بهاری دارد و بهار قرآن ماه رمضان است.» و اوج آن شب قدر است و شب قدر، پیوند محکمی با حجت الهی دارد؛ چرا که تقدیرات در بهار معنوی الهی نازل می شود. البته، وقتی این حجت آشکار شود، با وجود بهاری خویش، تمام هستی را با قرآن _ که بهار دلها است _ بهاری خواهد کرد.

ص: ۸۰۴

۱- بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۱۵، ح ۸ و ۹ و میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۵۱۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۲۷.

در دوران ظهور، بهار معنوی با بهاری شدن دلها و خردها به اوج خود می رسد، طبیعت نیز سرسبز، شکوفا و بارور می شود. این را از روایاتی می توان استفاده کرد که به برخی از آنها اشاره می شود:

وفور گنجها و معادن

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «يُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفْلَاحَ كَبِدِهَا وَيَحْتُو الْمَالَ حَثْوًا وَلَا يَعِيدُهُ عَيْدًا؛» (۱) زمین پاره های جگر خود را برای آن حضرت ظاهر می سازد و ثروت فزونی می یابد، [به حدی] که قابل شمارش نیست.»

جگر گوشه های زمین، کنایه از گنجهای نهفته است و امیرمؤمنان (ع) نیز در خطبه ای به آن اشاره می کند: «و تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كَبِدِهَا وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سَلْمًا مَقَالِيدَهَا فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرِهِ وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ؛» (۲) زمین، پاره جگرهای خود را برایش بیرون می ریزد و تمام کلیدهایش را به وی می سپارد. او به شما نشان خواهد داد که روش دادگری چیست و بخش مرده کتاب و سنت را احیا خواهد کرد.»

ص: ۸۰۵

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶۸، ح ۹.

۲- نهج البلاغه، خ ۱۳۸.

امام علی(ع) فرمود: «لَوْ قَدَّ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَلَا خَرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا... وَاصِيَّةٌ طَلَّحَتِ السَّبَاعُ وَالْبُهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ، وَعَلَى رَأْسِهَا زِينَتُهَا لَا يَهَيِّجُهَا سَبْعٌ؛»(۱) اگر قائم ما قیام کند، آسمان، بارانش را نازل می کند و زمین، گیاهان خویش را بیرون کند، پرندگان و چهارپایان در آشتی به سر برند تا آنجا که زنی از عراق به شام می رود و هر جا پا می گذارد سر سبز است، و در حالی که زینت او بر سرش است، هیچ درنده ای مزاحم او نمی شود.»

رسول اکرم(ص) فرمود: «أَمَّتْ مَنْ دَرُورَانِ مَهْدِي(ع) از نعمتهایی بهره مند می شوند که هرگز پیش از آن متنعّم نشده بودند، آسمان، بارانش را پی در پی می فرستد و زمین نیز چیزی از گیاهان را در خود نگه نمی دارد؛ بلکه آن را بیرون می فرستد.»(۲)

ص: ۸۰۶

۱- . بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴، ح ۱.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۳.

آن حضرت در جای دیگر فرمود: «يَخْرُجُ فِي اخِرِ اُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، يَسْقِيهِ اللهُ الْغَيْثَ وَ تَخْرُجُ الْاَرْضُ نَبَاتَهَا، وَ تَكْثُرُ الْمَاشِيَةُ وَ تَعْظُمُ الْاُمَّةُ؛ (۱)» در پایان امت من، مهدی خروج می کند. خداوند برای او باران می فرستد و زمین، گیاه خویش را بیرون می کند... و گله ها فراوان شده، و امت [اسلامی] بزرگ خواهد شد.»

راستی که باید گفت: سلام بر بهار مردم و جانها، سلام بر بهار آفرین هستی و سلام بر نشاط بخش روزگار!

ص: ۸۰۷

۱- . كنز العمال، ۳۸۷۰۰ و میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۱۲۴۵.

فصل نهم: پس از ظهور

رجعت

پیش گفتار

یکی از اعتقادات در مکتب تشیع، مسئله رجعت مردگان به دنیا، پیش از شروع قیامت است. عالمان شیعه با عنایت به قرآن و روایات معصومان(ع) اعتقاد به چنین پدیده ای را یکی از ضروریات مذهب شیعی، تلقی کرده اند.

ص: ۸۰۸

رجعت

مفهوم رجعت

رجعت در لغت به معنای بازگشت است که در قرآن و روایات اسلامی با واژه های گوناگونی نظیر کره، رد، حشر و ایاب، استعمال می شود که همه این واژه ها در معنای «بازگشت» مشترک اند. (۱)

مرحوم سید مرتضی در بیان معنای اصطلاحی رجعت می فرماید: «معنای رجعت، چنین است که خدای تعالی به هنگام ظهور امام زمان(ع)، گروهی از شیعیان را که پیش از قیام آن حضرت از دنیا رفته اند، به دنیا باز می گرداند تا آنان به پاداش یآوری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدس نایل آیند، و نیز برخی از دشمنان حضرتش را زنده می کند تا از ایشان انتقام گیرد؛ بدین ترتیب که آشکاری حق و مرتبه بالای پیروان حق را بنگرند و اندوهگین شوند.»

ص: ۸۰۹

۱- . لسان العرب، ابن منظور، ج ۸، ص ۱۱۴ و اقرب الموارد، ج ۱، ص ۳۹۱.

فصل نهم: پس از ظهور

رجعت

آثار رجعت

یکی از سؤالات مطرح در بحث رجعت، این است که چرا باید عده ای از انسانها اعم از خوب و بد، پیش از قیامت، در دوران ظهور حضرت مهدی (ع) به دنیا برگردند؟ رجعت چه اهمیتی دارد که این مقدار حضرات معصومان (ع) در روایات، ادعیه و زیارات بر آن تأکید کرده اند تا حدی که بعضی علما و بزرگان دین، رجعت را از ضروریات مذهب شیعه برشمرده اند؟

رجعت به دنیا تنها با اذن و اراده الهی قابل تحقق است و چون خدای حکیم، تمام کارها را از روی حکمت انجام می دهد، پس رجعت نیز دارای حکمت خواهد بود. در اینجا به مواردی از آثار رجعت اشاره می کنیم:

ص: ۸۱۰

انتقام گرفتن از ستمگران

در رجعت، گروهی از منافقان و ستمگران تاریخ که در حق انسانها از هیچ ظلم و ستمی دریغ نکرده اند و نیز غاصبان خلافت اهل بیت (ع) به دنیا برمی گردند تا به بخشی از مجازاتهای خویش، قبل از قیامت برسند.

امام صادق (ع) فرمود: «لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ مَا كَانَ ضَعَبَتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلَّ الْقَائِمِ وَقَالَ: بِهَذَا أَنْتَقِمُ لَهُ مِنْ ظَالِمِيهِ؛ (۱)» هنگامی که کار حسین (ع) خاتمه یافت، ملائکه به درگاه خدا تضرع کردند. پس خداوند، سایه حضرت قائم را بر پا داشت و [به آنها] فرمود: به دست این، از آنان که به او ستم کردند (قاتلان امام حسین (ع)) انتقام می گیرم.»

درباره این روایت باید گفت که در صورتی امام زمان (ع) می تواند از قاتلان امام حسین (ع) انتقام بگیرد که آنها در دنیا و در قید حیات باشند و این با رجعت تحقق خواهد یافت.

یکی از اهدافی که رجعت مؤمنان بر آن استوار است، یاری رساندن به دین الهی در عصر طلایی ظهور امام زمان (ع) است. بزرگی قیام جهانی حضرت مهدی (ع) می طلبد که یاران آن حضرت از حیث تعداد و نیرو به فراخور آن نهضت باشند.

رجعت، زمینه ساز بازگشت همه افرادی است که لایق یاری رساندن هستند؛ ولی قبلا از دنیا رفته اند. در برخی از دعاها از خدای بزرگ می خواهیم که ما را در دوران ظهور امام عصر (ع) - در صورتی که مرده باشیم - زنده فرماید تا او را یاری دهیم؛ چنان که در دعاها ماه ذیقعه چنین می خوانیم:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ أَوْلِيَائِكَ وَارْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ وَأَظْهِرْ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى جَمِيعِ آبَائِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ صِيحْبِهِ أُسْرَتِهِ وَابْعَثْنَا فِي كَرَّتِهِ حَتَّى نَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ أَعْوَانِهِ» (۱) خداوندا! فرج دوستانت را نزدیک کن. آنچه به ستم از آنان گرفته اند به ایشان برگردان و قائمشان (ع) را به حق ظاهر کن... خداوندا! بر آن بزرگوار و پدرانش درود فرست و ما را از یارانش قرار ده و در رجعتش محشورمان کن تا جزو یاری کنندگان آن حضرت باشیم.»

لذت بردن مؤمنان از حاکمیت اسلام

بسیاری از مؤمنان در طول تاریخ، آرزوی حاکمیت دین در سراسر جهان را داشتند و در این راه مبارزه کردند؛ اما دشمنان دین با ظلم و جور خود نگذاشتند دین در تمام ابعاد حاکمیت یابد. در دوران رجعت، مؤمنان برمی گردند تا عزت دین و خفت و خواری ظالمان را ببینند.

امام باقر(ع) فرمود: «أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيُنْشَرُونَ إِلَى قُرَاهِ أَعْيُنِهِمْ وَأَمَّا الْفَجَّارُ فَيُنْشَرُونَ إِلَى خِزْيِ اللَّهِ إِيَّاهُمْ أَلَمْ تَسْمَعْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ (وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ) (١)؛ (٢)» اما مؤمنان به سوی روشنیهای چشمانشان برمی گردند [تا چشمانشان با دیدن حکومت عدل امام زمان(ع) روشن شود] و اما ستمگران برمی گردند تا دچار عذاب الهی شوند، چنان که خداوند می فرماید: عذاب نزدیک تر را پیش از عذاب بزرگ تر به آنها می چشانیم.»

ص: ۸۱۳

۱- . سجده/۲۱.

۲- . الايقاظ من الهجعه، ص ۲۷۲.

رجعت

براهین رجعت

پیش از آنکه به دلایل قرآنی و حدیثی رجعت پردازیم، ابتدا امکان چنین پدیده ای را از نظر عقلی بررسی می کنیم و آن گاه سراغ قرآن و حدیث رفته و موضوع را از نظر وقوع و تحقق، بررسی می کنیم.

مسئله رجعت در این دنیا با مسئله حیات مجدد در روز رستاخیز مشابهت دارد. رجعت و معاد دو پدیده همگون هستند، با این تفاوت که رجعت با افق محدود و با قلمرو دنیایی، پیش از قیامت به وقوع می پیوندد؛ ولی در رستاخیز اکبر همه انسانها از ابتدا تا انتهای خلقت، برانگیخته خواهند شد. بنابراین کسانی که امکان حیات مجدد را در روز رستاخیز پذیرفته اند، باید رجعت، یعنی زندگی دوباره در این جهان را ممکن بدانند.

معاد یعنی برگشت روح انسان به همین بدن مادی. اکنون اگر چنین بازگشتی در آن مقطع زمانی (قیامت) ممکن باشد، طبعا بازگشت آن به این جهان، پیش از قیامت ممکن خواهد بود؛ چرا که امر محال در هیچ زمانی امکان وقوع ندارد.

فیلسوف بزرگ اسلامی، صدر المتألهین می فرماید: «در باب اعتقادات، آنچه قابل پیروی است یا دلیل و برهان است و یا نقل صحیح و قطعی که از اهل بیت(ع) رسیده باشد. روایات صحیح و فراوانی از امامان و سرورانمان درباره درستی عقیده به رجعت و وقوع آن به هنگام ظهور قائم آل محمد(ص) به ما رسیده است. عقل نیز این موضوع را غیرممکن نمی داند؛ چرا که نمونه های فراوانی به اذن خداوند به دست پیامبرانی چون عیسی(ع) و شمعون(ع) و دیگر پیامبران انجام یافته است.»(۱)

پس از بیان امکان رجعت از منظر عقل، وقوع آن را با استناد به آیات و روایات تحلیل و بررسی خواهیم کرد.

ص: ۸۱۵

۱- شیعه و رجعت، محمد رضا طبسی نجفی، ترجمه محمد میرشاه لو، ص ۱۴۵.

۱. (وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ، وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ) (۱۱)؛ «و هنگامی که فرمان [عذاب] به آنها رسد، جنبنده ای را از زمین برای آنها خارج می کنیم که با آنان سخن می گوید که مردم به آیات ما یقین ندارند و [به خاطر آور] روزی را که ما از هر امتی گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می کنند محشور می کنیم و آنها نگه داشته می شوند [تا به یکدیگر ملحق شوند].»

با بیان چند نکته، دلالت آیه بر رجعت روشن می شود.

الف) حشر گروهی از هر امتی غیر از حشر در روز قیامت است. حشر در آیه فوق، حشر همگانی نیست؛ در حالی که حشر در روز قیامت، شامل همه انسانها می شود؛ چنان که در آیه ای در وصف حشر روز قیامت چنین آمده است:

(وَحَشْرَنَاهُمْ فَلَمْ نُبَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا)؛ (۱) «و همه را محشور می کنیم و احدی از آنان را فرو نخواهیم گذاشت.»

ب) در صدر آیه خداوند می فرماید: «إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ»، و همه مفسران اتفاق دارند که وقوع قول (فرمان) از علائم قیامت است و روشن است که علامت یک شیء، غیر از خود آن شیء است. (۲)

ج) آیات پیش از این آیه از نشانه های پیش از رستاخیز در پایان جهان سخن گفته اند و در آیات آینده نیز به همین موضوع اشاره می شود. بنابراین بعید به نظر می رسد که آیات قبل و بعد، از حوادث پیش از رستاخیز سخن گویند؛ اما آیه وسط از خود رستاخیز. هماهنگی آیات ایجاب می کند که همه درباره حوادث پیش از قیامت باشند. (۳)

ص: ۸۱۷

۱- . کهف / ۴۷.

۲- . تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۷ و المیزان، ج ۱۵، ص ۳۹۷.

۳- . تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۸.

مفسران اهل سنت، معمولاً این آیه را ناظر به قیامت می دانند و می گویند کلمه فوج به رؤسا و سردمداران هر گروه و جمعیت اشاره دارد. آنان درباره ناهماهنگی آیات - که از این تفسیر برمی خیزد - گفته اند: آیات در حکم تأخیر و تقدیم است و گویی آیه ۸۳ پس از آیه ۸۵ قرار گرفته باشد؛ (۱) ولی می دانیم که هم تفسیر «فوج» به معنای مزبور خلاف ظاهر است، و هم تفسیر ناهماهنگی آیات به تقدیم و تأخیر. (۲)

د) شاهد دیگر بر دلالت آیه بر رجعت، خروج دابه الارض است که یکی از نشانه های رستاخیز به شمار می رود؛ (۳) یعنی از نشانه هایی است که پیش از رستاخیز رخ می دهد.

«دابه» به معنای «جنبنده» و «ارض» به معنای «زمین» است. قرآن کریم از این کلمه به طور سربسته می گذرد، و گوئی بنابر اجمال و ابهام بوده است. تنها وصفی که قرآن برای آن ذکر می کند، این است که با مردم سخن می گوید، و افراد بی ایمان را اجمالاً مشخص می کند.

ص: ۸۱۸

۱- . مفاتیح الغیب، ج ۲۴، ص ۲۱۸.

۲- . تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۹.

۳- . المیزان، ج ۱۵، ص ۴۳۵.

در بیان شخصیت و وصف «دابه الارض» دو قول مطرح است:

۱. گروهی آن را یک موجود جاندار و جنبنده غیرعادی از غیر جنس انسان با شکلی عجیب دانسته اند، و برای آن عجایی نقل کرده اند که شبیه خارق عادات و معجزات انبیا(ع) است. این جنبنده در آخرالزمان ظاهر می شود و از کفر و ایمان سخن می گوید و منافقان را رسوا می سازد و بر آنها علامت می نهد.

۲. جمعی دیگر به پیروی از روایات متعدد، او را یک انسان می دانند؛ یک انسان فوق العاده، متحرک، جنبنده و فعال که یکی از کارهای اصلی اش جداساختن صفوف مسلمانان از منافقان و علامتگذاری آنهاست؛ حتی از برخی روایات استفاده می شود که عصای موسی(ع) و خاتم سلیمان(ع) با او است. (۱)

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «لَمَّا يُدْرِكُهَا طَالِبٌ وَلَا يَفُوتُهَا هَارِبٌ فَتَسْمُ الْمُؤْمِنَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ تَكْتُبُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُؤْمِنٌ وَ تَسْمُ الْكَافِرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ تَكْتُبُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ «كَافِرٌ» وَ مَعَهَا عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ؛ (۲) [دابه الارض بقدری نیرومند است که] هیچ کس به او نمی رسد و کسی نمی تواند از دست او فرار کند. بین دو چشم مؤمن علامت می گذارد و می نویسد: مؤمن و بین دو چشم کافر علامت می گذارد و می نویسد: کافر، و عصای موسی و انگشتر سلیمان با او است.»

ص: ۸۱۹

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۲.

۲- بحار الأنوار، ج ۶، ص ۳۰۰؛ ایقاظ، ص ۳۳۵؛ مجمع البیان، ذیل آیه مورد بحث و نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۸.

امام صادق(ع) فرمود که مردی به عمار گفت: «آیه ای در قرآن است که فکر مرا پریشان ساخته و مرا در شک انداخته است.» عمار گفت: «کدام آیه؟» گفت: «آیه (وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ...)» عمار گفت: «به خدا سوگند! من روی زمین نمی نشینم و غذا و آبی نمی خورم تا دابه الارض را به تو نشان دهم.» سپس همراه آن مرد به خدمت امام علی(ع) آمد؛ در حالی که غذا می خورد. هنگامی که چشم امام به عمار افتاد، فرمود: «بیا.» عمار جلو رفت و نشست و با امام(ع) غذا خورد. آن مرد سخت در تعجب فرو رفت و با ناباوری به این صحنه می نگریست؛ چرا که عمار به او قول داده بود و قسم خورده بود که تا به وعده اش وفا نکند، غذا نخورد. گویی، قول و قسم خود را فراموش کرده است. هنگامی که عمار برخاست و با علی(ع) خداحافظی کرد، آن مرد رو به او کرد و گفت: «عجیب است، تو سوگند یاد کردی که غذا و آب نخوری و بر زمین ننشینی مگر اینکه دابّه الارض را به من نشان دهی.» عمار در جواب گفت: «أَرَيْتُكَهَا إِنْ كُنْتَ تَعْقِلُ؛ (۱)» من او را به تو نشان دادم، اگر می فهمیدی.»

۲. (إِنَّا لَنَنْصِرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ؛) (۲) «بی گمان ما رسولان خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می خیزند، یاری می دهیم.»

ص: ۸۲۰

۱- مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۴۲؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۷ و تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۲.

۲- مؤمن / ۵۱.

با بیان چند نکته روشن خواهد شد که این آیه به رجعت اشاره دارد:

الف) مفهوم و سیاق آیه بر فعلی دلالت دارد که در آینده بطور حتمی، به وقوع خواهد پیوست.

ب) پیروزی و نصرتی که در این آیه وعده داده شده، تا کنون تحقق نیافته است و خداوند، هرگز خلف وعده نمی کند. پس ناگزیر باید در آینده تحقق پیدا کند.

ج) همه پیامبران (به جز حضرت عیسی (ع) و حضرت خضر (ع)) و مؤمنان، هنگام نزول قرآن در قید حیات نبوده و در این دنیا یاری نشده اند. پس به مقتضای این آیه باید آنها زنده شوند تا در همین دنیا یاری شوند.

د) لفظ نصرت در مواردی به کار می رود که دو گروه، مشغول مخاصمه و جنگ باشند و شخصی یا گروهی دیگر، یکی از طرفهای درگیر را کمک کند تا برطرف مقابل چیره شود. طبیعی است که چنین معنایی با یاری کردن خداوند به انبیا و مؤمنان در آخرت، سازگاری ندارد؛ بلکه مصداق آیه با رجعت و نصرت انبیا و اولیا در همین دنیا، تحقق پیدا می کند.

شیخ مفید (رحمه الله) در تفسیر این آیه می فرماید: «شیعیان عقیده دارند که خدای تبارک و تعالی وعده نصرت خود را درباره دوستانش، پیش از آخرت تحقق خواهد بخشید و آن، هنگامی است که قائم (ع) قیام کند که در پایان آن مؤمنان رجعت می کنند و وعده الهی تحقق می یابد.» (۱)

ص: ۸۲۱

۱- ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۳۰ و الايقاظ من الهجعه، ص ۴۶.

مؤید چنین برداشتی از آیه مورد نظر، حدیثی است که از امام صادق(ع) در تفسیر آیه نقل شده است. آن حضرت فرمود: «وَاللَّهِ فِي الرَّجْعَةِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَنْبِيَاءَ كَثِيرَةً لَمْ يُنْصَرِّرُوا فِي الدُّنْيَا وَقُتِلُوا وَالْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِمْ قُتِلُوا وَلَمْ يُنْصَرِّرُوا فِي الدُّنْيَا وَذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ» (۱) به خدا سوگند! [این آیه] درباره رجعت است، مگر نمی دانی که پیامبران خدا زیادند، در این دنیا یاری نشدند و کشته شدند، امامان پس از آنان [نیز] کشته شدند و یاری نشدند. این آیه درباره رجعت است.»

ص: ۸۲۲

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۵؛ تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۰۱ و نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۲۶.

فصل نهم: پس از ظهور

رجعت

استدلال به روایات معصومان(ع)

اخبار و روایاتی که درباره رجعت وارد شده به قدری زیاد است که بسیاری از بزرگان و علمای دین در طول تاریخ شیعه درباره آنها ادعای تواتر کرده اند.

علامه مجلسی(رحمه الله) می گوید: «نزدیک به ۲۰۰ حدیث صریح از امامان(ع) به طور متواتر به دست ما رسیده است.»(۱)

مرحوم شیخ حر عاملی(رحمه الله) می گوید: «هیچ شکی نیست که این احادیث مذکور به حد تواتر معنوی رسیده است و تعداد آن ۵۲۰ حدیث خواهد بود.»(۲)

مرحوم طبرسی(رحمه الله) می گوید: «از امامان(ع) به طور متواتر روایت شده است که خداوند هنگام قیام مهدی(ع) گروهی از دوستان و دشمنان آن حضرت را... برمی گرداند.»(۳)

ص: ۸۲۳

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲.

۲- الايقاظ من الهجعه، ص ۳۳، ۴۳۰.

۳- مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴.

محدث جزایری (رحمه الله) در شرح تهذیب ادعا کرده است که ۶۲۰ حدیث درباره رجعت دیده است. (۱)

آنچه از معصومان (ع) درباره رجعت به ما رسیده است در سه قالب احادیث، ادعیه و زیارات مطرح شده است؛ از این رو ذیل هر یک از این عناوین، برخی از سخنان آنان را نقل می کنیم.

ص: ۸۲۴

۱- بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۸۸.

۱. از امام صادق(ع) چنین نقل شده است: «مَنْ أَقْرَبَ بَسْبَعِهِ أَشْيَاءَ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَ ذَكَرَ مِنْهَا الْإِيمَانَ بِالرَّجْعَةِ؛» (۱) هر کس به هفت چیز اعتقاد داشته باشد، مؤمن است و در میان آن هفت چیز، ایمان به رجعت را ذکر فرمودند.»

۲. امام صادق(ع) فرمود: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا؛» (۲) کسی که ایمان به رجعت ما نداشته باشد از ما نیست.»

۳. امام صادق(ع) می فرماید: «أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ يَوْمُ يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ؛» (۳) روزهای خداوند سه تا است: روزی که قائم [آل محمد(ص)] قیام کند و روز رجعت و روز قیامت.»

ص: ۸۲۵

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۲.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۲۱.

۳- . همان، ص ۶۳ و معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۳۶۶.

۴. مأمون به حضرت رضا(ع) عرض کرد: «ای ابوالحسن! درباره رجعت چه می گویی؟» آن حضرت فرمود: «إِنَّهَا الْحَقُّ وَ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ وَ نَطَقَ بِهَا الْقُرْآنُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) يَكُونُ فِي هَيْدِهِ الْأُمَّةُ كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ حَذْوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ» (۱) رجعت حق است و در امتهای گذشته نیز بوده و قرآن آن را بیان کرده است و رسول خدا(ص) فرمود: آنچه در امتهای گذشته واقع شده در این امت نیز بدون کم و کاست واقع خواهد شد.»

۵. ابوالصلاح کنانی نقل می کند که می خواستم مسائلی را از امام باقر(ع) بپرسم و در ضمن، مایل نبودم صریحا سؤال را مطرح کنم. باقرالعلوم(ع) فرمود: «لَعَلَّكَ تَسْأَلُ عَنِ الْكِرَاتِ؛ گویا می خواهی از رجعتها سؤال کنی؟» گفتم: «آری.» فرمود: «تِلْكَ الْقُدْرَةُ وَ لَا يُنْكِرُهَا إِلَّا الْقَدْرِيُّ؛» (۲) این از قدرت [خدا] است و جز قدریه کسی آن را انکار نمی کند.»

ص: ۸۲۶

۱- . حق الیقین، سید شبر، ص ۱۱؛ دوله المهدی، بهارنچی، ص ۳۸۱.

۲- . الايقاظ من الهجعه، حر عاملی، ص ۲۷۶.

۶. ابوبصیر می گوید که امام صادق(ع) فرموده است: «أَيْنِكُمْ أَهْلُ الْعِرَاقِ الرَّجْعَةَ؟؛ آیا اهل عراق رجعت را انکار می کنند؟»
گفتم: «بله». فرمودند: «سُبْحَانَ اللَّهِ، أَمَا يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ (وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا) (۱)؛ (۲) سبحان الله! مگر قرآن نمی خوانند که می فرماید: روزی که از هر جمعی دسته ای را محشور می کنیم.»

۷. امام جعفر صادق(ع) فرمود: «وَاللَّهِ لَا تَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُمِيتَ الْأَحْيَاءَ وَيُرِدَّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ وَ يُقِيمَ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَاهُ؟» (۳) به خدا سوگند که روزها و شبها به سر نیاید و قیامت بر پا نشود تا آنکه خداوند، مردگان را زنده کند و زندگان را بمیراند و حق را به اهلش برگرداند و دین برگزیده خود را بر پا دارد.»

ص: ۸۲۷

۱- . نمل/۸۳.

۲- . الايقاظ من الهجعه، ص ۲۷۸.

۳- . بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۰۲.

فصل نهم: پس از ظهور

رجعت

(ب) رجعت در زیارات معصومان (ع)

۱. در زیارت جامعه می خوانیم: «وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ... مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ؛ شما را گواه می گیرم که من به همه آنچه شما به آن مؤمن هستید ایمان دارم... به شما معترف و به بازگشت شما معتقد هستم و رجعت شما را تصدیق می کنم، به انتظار فرمان و دولت شما به سر می برم.»

۲. در زیارت وارث امام حسین (ع) می خوانیم: «وَأَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَرُسُلَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ وَرُسُلَهُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ؛ خدا و ملائکه و انبیا و رسولان را گواه می گیرم که به [امامت] شما مؤمن هستم و به بازگشت شما یقین دارم.»

۳. در زیارتنامه ای که امام صادق(ع) برای زیارت پیامبر(ص) و هر یک از ائمه(ع) دستور فرمودند، آمده است: «إِنِّي لَمِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ مُقَرَّرٌ بِرَجْعَتِكُمْ لَا أَنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةَ وَلَا أَرْعَمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ؛»(۱) من از جمله کسانی هستم که قائل به فضل شما و اقرار کننده به رجعت شما هستم و [در این باره] منکر قدرت خدا نیستم و جز آنکه خدا می خواهد اعتقادی ندارم.»

۴. در زیارت حضرت ابوالفضل(ع) می خوانیم: «إِنِّي بَكُمْ وَ يَايَاكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛»(۲)

من به شما و بازگشت [و رجعت] شما ایمان دارم.»

ص: ۸۲۹

۱- . بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹.

۲- . بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۲۰۰.

«فَإِنْ أَدْرَكْتَ أَيَّامَكَ الزَّاهِرَةَ وَ أَعْلَامَكَ الظَّاهِرَةَ وَ دَوْلَتَكَ الْقَاهِرَةَ فَعَبِّدْ مِنْ عَبِيدِكَ... وَ إِنْ أَدْرَكْتَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ فَإِنِّي
أَتَوَسَّلُ بِكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَنْ يُصَيِّبَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ وَ رَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ لِأَبْلُغَ مِنْ
طَاعَتِكَ مُرَادِي وَ أَشْفِي مِنْ أَعْدَائِكَ فُؤَادِي؛» (۱) اگر دوران درخشان و پرچمهای برافراشته و حکومت قدرتمند تو را درک
کردم، بنده ای از بندگان تو خواهم بود... و اگر پیش از ظهورت، مرگ مرا فرارسید، با توسل به تو از خدا می خواهم که بر
محمد و آل محمد(ص) درود فرستد و برای من بازگشتی در دوران ظهورت و رجعتی در زمان [حکومت] قرار دهد تا با
فرمانبرداری تو مراد خویش را دریابم و دلم را [با انتقام] از دشمنان شفا بخشم.»

ص: ۸۳۱

۱- بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۶۰.

فصل نهم: پس از ظهور

رجعت

ج) رجعت در ادعیه معصومان (ع)

۱. در دعای عهد آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادَكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيِّئِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي؛ پروردگارا! اگر مرگی که بر تمام بندگان قضاوت حتمی قرار دادی، میان من و او (حضرت مهدی (ع)) جدایی افکند، پس مرا [هنگام ظهور مهدی (ع)] از قبر برانگیز، در حالی که کفنم را ازار خود کرده و شمشیرم را از نیام برکشیده و نیزه ام را برهنه ساخته ام و دعوت دعوت کننده را لیک می گویم.»

۲. در دعای روز سوم شعبان که مقارن با میلاد سیدالشهدا (ع) است، چنین می خوانیم:

ص: ۸۳۲

«اسئلك بحق المولود في هذا اليوم... قَتِيلِ الْعَبْرَةِ وَ سَيِّدِ الْأَسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكُرَّةِ؛» (۱) [خدایا] به حق زاده این روز...
که کشته اشک و آقای قوم بود و در روز بازگشت (رجعت) به نصرت [الهی] یاری می شود.»

ص: ۸۳۳

۱- . مفاتیح الجنان، اعمال روز سوم شعبان.

بازگشت در میان امتهای گذشته، بسان رجعت اصطلاحی در عقاید شیعه نیست؛ ولی بازگشت انسان به این دنیا پس از مرگ در امتهای پیشین اتفاق افتاده است که مواردی از آن را در ذیل می آوریم. وقوع چنین مواردی، دلیل بر امکان وقوع رجعت است.

۱. قرآن کریم می فرماید: (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ؛) (۱) «آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ، از خانه های خود فرار کردند و آنان هزارها نفر بودند؟ (آنان به بهانه بیماری طاعون، از شرکت در میدان جهاد خودداری کردند). خداوند به آنها گفت: بمیرید [و به همان بیماری که آن را بهانه قرار داده بودند، مردند]، سپس خدا آنها را زنده کرد.»

امام باقر(ع) در تفسیر آیه فوق فرمود: «إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ مَدِينَةٍ مِنَ الْمَدَائِنِ الشَّامِ وَكَانُوا سَبْعِينَ أَلْفَ نَفْسٍ... قَالَ لَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوتُوا جَمِيعاً فَمَاتُوا مِنْ سَاعَتِهِمْ وَصَارُوا رَمِيمًا يَلُوحُ وَكَانُوا عَلَى طَرِيقِ الْمَارَةِ فَكَنَسَتْهُمُ الْمَارَةُ فَنَحَّوهُمْ وَجَمَعُوهُمْ فِي مَوْضِعٍ فَمَرَّ بِهِمْ نَبِيُّ مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ يُعَالِلُ لَهُ حَزْقِيلُ فَلَمَّا رَأَى تَلْمِكَ الْعِظَامِ بَكَى وَاشْتَعَبَ وَقَالَ يَا رَبِّ لَوْ شِئْتَ لَأَحْيَيْتَهُمُ السَّاعَةَ... فَعَادُوا أَحْيَاءً؛» (۲) «آنها اهل یکی از شهرهای شام و هفتاد هزار خانوار بودند... خداوند به آنها امر فرمود: همگی بمیرید. همه در یک ساعت مردند، و کم کم پوسیدند. چون در راه عابران بودند همه را در محلی جمع کردند. یکی از پیامبران بنی اسرائیل به نام حزقیل از کنار آنان عبور کرد، وقتی که آن استخوانها را دید گریست و اشک ریخت و گفت: پروردگارا! ای کاش اینها را اکنون زنده می کردی [... با دعای آن پیامبر] آنها زنده شدند.»

۱- . بقره/ ۲۴۳.

۲- . الايقاظ من الهجعه، ص ۱۲۳.

۲. قرآن کریم می فرماید: (وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ، ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ)؛ (۱) «و هنگامی که گفتید: ای موسی! به تو ایمان نمی آوریم تا خدای را آشکارا ببینیم! پس صاعقه شما را گرفت، در حالی که مشغول نظاره بودید. سپس شما را پس از مرگتان زنده کردیم. شاید شکرگزار شوید.»

در کتابهای تفسیری آمده است که آنها هفتاد نفر بودند و حضرت موسی(ع) ایشان را برای شنیدن سخنان خداوند برگزید. هنگامی که سخنان خدا را شنیدند، گفتند: «ما ایمان نمی آوریم تا خدا را آشکارا ببینیم.» خداوند بر آنها صاعقه ای فرستاد و همگی سوختند و از بین رفتند. حضرت موسی(ع) از این ماجرا سخت ناراحت شد؛ چرا که از بین رفتن هفتاد نفر از سران بنی اسرائیل در این ماجرا بهانه خوبی به دست ماجراجویان بنی اسرائیل می داد؛ از این رو از خداوند متعال بازگشت آنها به زندگی را تقاضا کرد. این تقاضا پذیرفته شد و همه آنها زنده شدند و به زندگی خود ادامه دادند. (۲)

۳. قرآن کریم می فرماید: (وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ، فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِعَصَاكَ كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ)؛ (۳) «و [به یاد آورید] هنگامی را که فردی را به قتل رساندید، سپس درباره [قاتل] او به نزاع پرداختید و خداوند آنچه را مخفی می داشتید، آشکار می سازد. سپس گفتیم: قسمتی از آن [گاو] را به مقتول بزنید [تا زنده شود، و قاتل را معرفی کند]. خداوند این گونه مردگان را زنده می کند، و آیات خود را به شما نشان می دهد، شاید اندیشه کنید.»

ص: ۸۳۵

۱- . بقره: ۵۵ و ۵۶.

۲- . تفسیر طبری، ج ۱، ص ۲۳۱؛ تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۲۱۶؛ تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۵۸ و مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۱۵.

۳- . بقره/ ۷۲ و ۷۳.

در تفسیر این آیه آورده اند که یک نفر از بنی اسرائیل به طرز مرموزی کشته می شود، در حالی که قاتل به هیچ وجه معلوم نیست. در میان قبایل بنی اسرائیل نزاع رخ می دهد. هر یک، آن را به طایفه و افراد قبیله دیگر نسبت می دهد و خویش را تبرئه می کند. داوری را برای فصل خصومت نزد موسی(ع) می برند و حل مشکل را از او درخواست می کنند، و چون حل این قضیه از طریق عادی ممکن نبود، و از طرفی ممکن بود ادامه این کشمکش به فتنه عظیمی در میان بنی اسرائیل منجر شود، حضرت موسی(ع) با استمداد از لطف پروردگار دستور داد که گاو ماده ای را بکشند و یکی از اعضای گاو ذبح شده را به جسد مقتول بزنند. اینجا بود که مقتول، زنده شد و گفت: «فلان کس مرا کشت» و پس از گفتن این کلام، دوباره فوت کرد.

(۱)

داستان فوق به طور اجمال و کوتاه در کتاب تورات، سفر تثئیه، فصل ۲۱ نیز بیان شده است.

ص: ۸۳۶

۱- . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۰۲؛ تفسیر المیزان، ج ۱، در ذیل آیه فوق.

۴. در قرآن کریم آمده است: (وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ)؛ (۱) «و پیامبری (عیسی) به سوی بنی اسرائیل [فرستادیم که به آنان گفت: من با نشانه ای از پروردگارتان نزد شما آمده ام. من برای شما از گل [موجودی] مثل شکل پرنده می سازم. پس در آن می دمم و به اذن خدا پرنده واقعی می شود. کور و پیسی را شفا می دهم و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم.»

در کتابهای تفسیر آمده است که حضرت عیسی (ع) چهار نفر را زنده کرد.

ص: ۸۳۷

۱- آل عمران / ۴۹.

الف) عازر: وی یکی از دوستان حضرت عیسی(ع) بود و سه روز از فوت او می گذشت. عیسی(ع) به خواهر او فرمود: «مرا بر سر قبر او ببر.» سپس گفت: «خداوندا! ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و ای پروردگار زمینها! تو مرا به سوی بنی اسرائیل فرستادی تا آنان را به دین تو بخوانم و به آنان خبر دهم که من مردگان را زنده می سازم. پس عازر را زنده کن! در این هنگام عازر از قبرش بیرون آمد و سالیانی زندگی کرد و دارای فرزندان شد.

ب) ابن العجوز (پسر پیرزن): او مرده بود. وی را در تابوت نهادند که عیسی(ع) بر او گذر کرد و از خدا درخواست کرد تا آن پسر را زنده کند. خدا دعایش را مستجاب کرد و مرده، زنده شد.

ج) دختر عاشر: از عیسی(ع) درخواست کردند که او را زنده کند و حضرت دعا کرد و زنده شد.

د) سام پسر نوح: حضرت مسیح(ع) خدا را به اسم اعظمش خواند تا سام زنده شود. سام زنده شد و گفت: «آیا رستاخیز برپا شده است؟» عیسی بن مریم(ع) فرمود: «نه، بلکه من تو را به اسم اعظم زنده کردم.»(۱)

ص: ۸۳۹

۱- . مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۴۵.

رجعت

رجعت کنندگان

رجعت جنبه عمومی و همگانی ندارد؛ بلکه به مؤمنان خاص و کافران ستمگر اختصاص دارد؛ چنان که امام صادق(ع) می فرماید: «وَإِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَهِيَ خَاصَّةٌ لِمَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَ الشُّرْكَ مَحْضًا» (۱) رجعت، امری همگانی نیست، بلکه اختصاصی است و تنها کسانی رجعت می کنند که ایمان خالص و یا شرک خالص داشته باشند.»

در ذیل به برخی از رجعت کنندگان اشاره می شود.

الف) پیامبران گذشته

ص: ۸۴۰

۱- البرهان، سید هاشم بحرانی، ج ۲، ص ۴۰۸.

عبد الله بن مسكال از امام صادق (ع) نقل می کند که آن حضرت در تفسیر آیه (وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ)؛ (۱) «و زمانی که خدا از پیامبران پیمان گرفت که شما را کتاب و حکمت داده ام، به پیامبری که آیین شما را تصدیق می کند و با رسالت نزد شما می آید بگروید و یاری اش کنید.» فرمود: «يَا بَعْثَ اللَّهِ نَبِيًّا عَنْ آدَمَ [مِنْ لَعْدُنْ آدَمَ] فَهَلُمَّ جَزًّا إِلَّا وَ يَرْجِعْ إِلَى الدُّنْيَا فَيَقَاتِلُ وَ يَنْصُرُ رَسُولَ اللَّهِ (ع) وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ (۲) خداوند هیچ پیامبری را از آدم تا سایر انبیا مبعوث نکرد، جز آنکه به دنیا باز و رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) را یاری خواهند کرد.»

ب) پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع)

ص: ۸۴۱

۱- آل عمران / ۸۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۲.

ابن خالد کابلی از امام سجاد(ع) نقل می کند که آن حضرت در تفسیر آیه (إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ)؛ (۱) «آن کسی که قرآن را بر تو فرض کرد، تو را به بازگشتگاهی برمی گرداند»، چنین فرمود: «يرجع اليكم نبيكم وامير المؤمنين والائمة؛» (۲) پیامبر(ص) و امیر مؤمنان(ع) و همه امامان(ع) به سوی شما باز می گردند.»

ج) امام حسین(ع) نخستین رجعت کننده

امام صادق(ع) فرمود: «إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكُرُّ فِي الرَّجْعَةِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) وَ يَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ؛» (۳) نخستین شخصی که به دنیا رجعت خواهد کرد، امام حسین(ع) است. ایشان آن قدر در زمین زندگی خواهد کرد تا آنکه از فرط پیری دو ابروی او بر چشمانش بیفتد.»

د) مؤمنان

ص: ۸۴۲

۱- . قصص / ۸۵.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۶.

۳- . بحار الأنوار، جلد ۵۳، ص ۶۳.

مفضل بن عمر می گوید که درباره قائم (ع) و اینکه برخی از اصحاب ما که منتظر ظهور ایشان بودند از دنیا رفتند گفتگو می کردیم. امام صادق (ع) فرمود: «إِذَا قَامَ أَتَى الْمُؤْمِنَ فِي قَبْرِهِ فَيُقَالُ لَهُ يَا هَيْدَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ؛ (۱)» (هنگامی که [حضرت مهدی (ع)] قیام کند، [کسانی] در قبر مؤمن داخل می شوند و به او گفته می شود: ای فلانی! مولای تو ظهور کرده است، اگر می خواهی که به او بیوندی، پس به او ملحق شو.»

هـ) قوم موسی (ع) و اصحاب کهف

حضرت صادق (ع) فرمود: «يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ظَهْرِ الْكَعْبَةِ مَعَ سَبْعَةِ وَعِشْرِينَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى (ع) الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ وَ سَبْعَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ وَيُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَ سَلْمَانَ، وَ أَبُو دَجَانَةَ الْأَنْصَارِي، وَ الْمِقْدَادِ وَ مَالِكِ الْأَشْترِ؛ (۲)» قائم (ع) از پشت کعبه قیام می کند و همراه او بیست و هفت نفر مرد هستند. پانزده نفر از قوم حضرت موسی هستند، یعنی همان کسانی که به حق راهنمایی می کردند و به حق داوری می کردند، و هفت نفر از اصحاب کهف هستند و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر [نیز از آنان] هستند.»

ص: ۸۴۳

۱- . غیبت، طوسی، ص ۴۵۹.

۲- . روضه الواعظین، ص ۲۶۶.

فصل دهم: امام مهدی (ع) در آینه شعر

مهدویت در شعر حافظ

گذری بر زندگی حافظ شیرازی

شمس الدین محمد شیرازی، متخلص به حافظ و ملقب به لسان الغیب، یکی از پر رمز و رازترین شاعران جهان است. نام پدرش بهاءالدین است که بازرگانی می کرده و مادرش اهل کازرون شیراز بوده است. بعضی تاریخ تولد او را سال ۷۹۲ ق و برخی بین سالهای ۷۲۰ - ۷۳۰ ق ثبت کرده اند که اوایل قرن ۸ هجری بوده است. پس از مرگ پدرش، برادرانش که بزرگ تر از او بودند، هر کدام به سویی روانه شدند و شمس الدین با مادرش در شیراز ماند و روزگار آنها در تهیدستی می گذشت.

همین که به سن جوانی رسید، در نانوائی به خمیرگیری مشغول شد، تا آنکه عشق به تحصیل کمالات او را به مکتبخانه کشاند. او علوم و کمالات را در زادگاه خود کسب کرد و در مجالس درس علما و فضیلات بزرگ شهر خود حاضر شد. وی قرآن کریم را از حفظ کرده بود و بنا بر تصریح صاحبان نظر، تخلص حافظ نیز به همین سبب است.

عشقت رسد به فریاد، ورخود به سان حافظ

ق_رآن زب_ر بخوانی در چه_ارده روای_ت

حافظ در سن ۳۸ سالگی همسر خویش را از دست داد و پس از او بار دیگر، زمانه نامهربانی خود را به او نمایان ساخت و این بار، فرزندش را از او گرفت. وفات حافظ را بین سالهای ۷۷۵ _ ۷۸۵ ق نوشته اند. (۱)

ص: ۸۴۵

۱- . ر، ک: زندگینامه شعرای ایرانی، لیلا صوفی، بخش زندگی حافظ.

فصل دهم: امام مهدی (ع) در آینه شعر

مهدویت در شعر حافظ

عشق در بیان حافظ

شعر حافظ امتیازات زیادی دارد؛ از جمله روح عشق و امیدواری است که در دیوان او موج می زند. وقتی که می گوید: «مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید» یا «یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور»، در دل خواننده؛ روح امید، عشق، شور و شوق می دمَد و در عین حال، ملاحظت بیان حافظ، جای خود را دارد.

حافظ درباره عشق الهی _ که موضوع غزلهای عرفانی اوست _ صحبت می کند. وی درباره عشق انسانی هم وقتی از معشوقان جسمانی و مادی صحبت می کند، خاطر نشان می کند که عشق وی همچون امری است که به یک سابقه ازلی ارتباط دارد. در غزلهای عرفانی حافظ، عشق مجازی؛ همچون پرده ای به نظر می آید که عشق الهی در ورای آن پنهان است.

درد عشق _ ی کشی _ ده ام که مپرس

زهر هجری کشیده ام که می‌رس

گشت هـ ام در جهـ ان و آخـ ر کار

دلـ بـ ری بر گزیـ ده ام که می‌رس

آن چنـ ان در هـ وای خـ اک درش

می رود آب دیـ ده ام کـ هـ می‌رس

من به گوش خود از دهانش دوش

سخنـ انی شنیـ ده ام که می‌رس

همچـ و حافظ غریب در ره عشق

به مقام ی رسیـ ده ام که می‌رس (۱)

ص: ۸۴۷

فصل دهم: امام مهدی(ع) در آینه شعر

مهدویت در شعر حافظ

محبوب حافظ کیست؟

دلبر حافظ، معصوم است که همه عالم به پارسایی، عفاف و عصمت او اذعان دارند. در این باره، حافظ از میان اهل بیت(ع) به محبوب عصر خود، یعنی حضرت مهدی(ع) نظر داشته است. البته حافظ درباره حضرت حجت(ع) غزل گفته است، نه قصیده؛ ولی سخن در اینجاست که تقریباً کمتر غزلی است که بیتی یا ابیاتی از آن مناسب با وصف حالِ امامِ غایب از انظار نباشد. سرانجام وی با آتش شعله ور عشق محبوب دو عالم به دیدار حضرت حق شتافته است.

دست از طلب ندارم تا ک_ام من بر آید

یا تن رسد به جانان یا جان زتن بر آید

بگشای تربتم را بعد از وفات و بنگر

ک_ز آتش درون_م دود از کف_ن بر آید(۱)

ص: ۸۴۸

نام حضرت مهدی (ع) در شعر حافظ

فصل دهم: امام مهدی (ع) در آینه شعر

مهدویت در شعر حافظ

نام حضرت مهدی (ع) در شعر حافظ

حافظ، نام حضرت را صریحاً در اشعارش برده و از ظهور او و نابودی دجال (مظهر ریا، تزویر، بدی و پلیدی) سخن گفته است.

کجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل

بگو بسوز که «مهدی» دین پناه رسید (۱)

ص: ۸۴۹

۱- دیوان و فالنامه حافظ شیرازی، ص ۲۴۹.

غیبت امام زمان (ع)

فصل دهم: امام مهدی (ع) در آینه شعر

مهدویت در شعر حافظ

غیبت امام زمان (ع)

از مسائلی که در شعر حافظ مطرح شده است، غیبت امام عصر (ع) است.

دیگِ رز شاخ سـ رو سه ی بلب ل صبور

گلبانگ زد که چشم بد از روی گل به دور

ای گـ ل به شکـ ر آنکه تویی پادشاه حسن

بـ ا بلبـ لان بیـ دل شیـ دا مکـ ن غـ رور

از دست غیبـ ت تو شکایـ ت نمـ ی کنـ م

تا نیسـ ت غیبـ ی نبـ ود لـ ذت حضور

گر دیگران به عیش و طرب خرم اند و شاد

ما را غـ م نگـ ا ر بـ ود مـ ای هـ سـ رور

حافظ شکایت از «غم هجران» چه می‌کنی

ص: ۸۵۰

در هجر وصل باشد و در ظلمت است نور) (۱)

شاعر در اشعار فوق اظهار می دارد که از غیبت شکایت نمی کنم؛ ولی گاه آتش سوزان هجر، آن چنان در وجودش شعله ور می شود که به ناچار غیبت و هجران یار را به زبان می آورد و اظهار می کند که به هر وسیله و به صد جادو از خدا می خواهیم که دوران غیبت او را به سر آورد و ظهور او نزدیک شود:

ای غایب از نظر به خدا می سپارم

جانم بسوختی و به جان دوست دارم

تا دامن کف ن کشم ز پای خاک

باور مک ن ک ه دس ت زدام ن بدارم) (۲)

* * *

حسب حالی نوشتیم و شد ایامی چند

محرمی کو که فرستم به تو پیغامی چند

م ا بدان مقصد عالی نتوانیم رسید

هم مک ر پیش نه د لطف شما گامی چند) (۳)

- ۱- دیوان و فالنامه حافظ شیرازی، ص ۲۶۱.
- ۲- دیوان و فالنامه حافظ شیرازی، ص ۹۸.
- ۳- دیوان و فالنامه حافظ شیرازی، ص ۱۸۹.

فصل دهم: امام مهدی(ع) در آینه شعر

مهدویت در شعر حافظ

حافظ و انتظار

حافظ در ابیاتی از یار سفر کرده سخن می گوید و به غیبت صاحب الامر(ع) اشاره می کند و شب و روز در انتظار به سر می برد.

فکر بلب ل هم_ه آن است که گل ش_د یارش

گل در اندیشه که چون عشوه کند در کارش

دلربایی هم_ه آن نیست که عاشق بکشن_د

خواجه_ه آن اس_ت که باشد غم خدمتکارش

بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نب_ود

این هم_ه ق_ول و غ_زل تعبیه در منقارش

آن سفر کرده که صد قافله دل همره اوست

هر کج ا هس ت خدای ا به سلام ت دارش (۱)

ص: ۸۵۲

۱- دیوان و فالنامه حافظ شیرازی، ص ۲۸۴.

حافظ در ابیات فوق به مناجات با حضرت حق پرداخته، و از مقام ربوبی می خواهد که امام زمان(ع) را در پناه خود حفظ کند و او را در نهایت سلامت نگاه دارد. وی در جای دیگری بیان می کند:

ای صبا سوختگان بر سر ره «منتظرند»

گر از آن یار سفر کرده پیامی داری (۱)

حافظ در انتظار محبوب خود لحظه شماری می کند و اشک می ریزد و در اشک غسل می کند. برای دیدار محبوب دعا می کند، و در مناجات خود از حضرت حق دیدار یار را می طلبد.

یا رب سببی ساز که یارم به سلامت

باز آید و برهاندم از بند ملامت (۲)

ص: ۸۵۳

۱- دیوان و فالنامه حافظ شیرازی، ص ۴۵۴.

۲- دیوان و فالنامه حافظ شیرازی، ص ۹۶.

فصل دهم: امام مهدی (ع) در آینه شعر

مهدویت در شعر حافظ

تشریح خدمت ولی عصر (ع)

پس از غیبت کبری، هزاران نفر از اقشار گوناگون در طلب گوهر وصل، ترک تعلقات کرده، در نهایت به فیض زیارت آن حضرت نائل شده و می شوند؛ ولی حافظ، اجازه بازگو کردن دیدار خود را نداشته است و می بایست آتش این عشق را چون رازی سر به مهر حفظ کند.

مصلحت نیست کـ ه از پرده برون افتد راز

ور نه در مجلس رندان خبری نیست که نیست (۱)

حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست

ص: ۸۵۴

کـه آـشـنـا سـخـن آـشـنـا نـگـه دـارـد (۱)

وصال حضرت، کار آسانی نبود؛ زیرا محبوب، عالی مقام است و به سادگی نمی توان به قرب او دست یافت؛ اما حافظ، خستگی ناپذیر است و دست از جستجو بر نمی دارد. او بدون لحظه ای درنگ، همواره منزل به منزل در طلب دوست، لحظه های عمر را سپری می کند و نشان استراحت گاه محبوب را از باد صبا و نسیم سحر جویا می شود:

ای نسیـم سحـر آرامگه یار کجاست

منزل آن مه عاشق کـش عـیـار کجاست؟ (۲)

و در جای دیگر می گوید:

ز کوی یار بیار ای نسیم صبح غباری

که بوی خون دل ریش از آن تراب شنیدم (۳)

و سرانجام حافظ شیرازی، زیارت جمال امام زمان (ع) را چنین بیان می کند:

ص: ۸۵۵

۱- دیوان و فالنامه حافظ شیرازی، ص ۱۲۹.

۲- دیوان و فالنامه حافظ شیرازی، ص ۲۶.

۳- دیوان و فالنامه حافظ شیرازی، ص ۳۲۹.

در خرابات مغـان نـورخـدا می بینم

این عجب بین که چه نوری ز کجا می بینم

جلوه بر من مفروش ای ملک الحاج که تو

خانه می بینی و مـن خانـه خدا می بینم

خواهم از زلف بتان نافه گشایی کردن

فکـر دورسـت همـانا که خطا می بینم

و شرایط دیدار و حال خود را چنین توصیف می کند:

سوز دل اشک روان آه سحر ناله شب

این همه از نظر لطف شما می بینم

دوستان عیب نظر بازی حافظ مکنی د

که مـن او را زمحبان شما می بینم (۱)

۱- دیوان و فالنامه حافظ شیرازی، ص ۳۶۳.

شبهات حضرت مهدی(ع) به پیامبران(ع)

فصل دهم: امام مهدی(ع) در آینه شعر

مهدویت در شعر حافظ

شبهات حضرت مهدی(ع) به پیامبران(ع)

حافظ اشاراتی درباره شبهات حضرت صاحب الامر(ع) به پیامبران دارد. در این باره چند نمونه از ابیات ذکر می کنیم:

۱. حضرت سلیمان:

گرچه شیرین دهن__ان پادشاه اند ولی

(او سلیمان) زمان است که خاتم با اوست (۱)

۲. حضرت عیسی:

مژده ای دل که «مسیحا» نفسی می آید

که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید (۲)

* * *

از روان بخشی «عیسی» نزنم پی_ش ت_و دم

ص: ۸۵۷

زانکه در روح فزایی چو لبَت ماهِ رنِیس_ت (۱)

۳. حضرت یوسف:

«یوسف» گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه احزان ش_ود روزی گلست_ان غم مخور (۲)

حافظ مکن اندیشه که آن «یوسف» م_ه روی

ب_از آی_د و از کلب_ه اح_زان ب_ه در آی_ی (۳)

گف_تن_د خِلاِی_ق که ت_وی بی «یوس_ف ثانی»

چ_ون نی_ک بدی_دم ب_ه حقیق_ت به از آنی (۴)

ص: ۸۵۸

۱- دیوان و فالنامه حافظ شیرازی، ص ۷۷.

۲- دیوان و فالنامه حافظ شیرازی، ص ۲۶۲.

۳- دیوان و فالنامه حافظ شیرازی، ص ۵۰۰.

۴- دیوان و فالنامه حافظ شیرازی، ص ۳۳۷.

فصل دهم: امام مهدی (ع) در آینه شعر

مهدویت در شعر حافظ

سیمای ظاهری حضرت مهدی (ع)

مهدی صاحب الزمان (ع) از معدود انسانهایی است که از نهایت زیبایی صورت و اندام برخوردار است تا آنجا که پیامبر (ص) درباره او فرموده است: «مهدی طاووس اهل بهشت است که هاله ای از نور، او را احاطه کرده است.» (۱)

در اشعار حافظ نیز ابیاتی مشاهده می شود که وی در آنها به سیما و جمال یار پرداخته است:

نظیر دوست ندی دم آگ ر چه از مه و مهر

نه ادم آینه ه ه ا در مق ابل رخ دوس ت (۲)

ص: ۸۵۹

۱- منتخب الأثر، ص ۱۴۷.

۲- فالنامه و دیوان حافظ شیرازی، ص ۶۵.

به حُسن و خلق و وفا کس به یار ما نرسد

تـ و را دریـ ن سخـ ن انکـ ار کـ ار ما نرسد

اگر چه حسـ ن فروشـ ان به جلوه آمده اند

کسی «به حسن» و «ملاحت» به یار ما نرسد

هـ زار نقـ د بـ ه بـ ازار کـ اینـ ات آرنـ د

یکـ ی به سکـ ه صاحـ ب عیـ ار مـ ا نرسد

هـ زار نقـ ش بر آـ د ز کلـ ک صنـ ع و یکی

بـ ه به «دلپـ ذیـ ریـ نقـ ش ننگـ ار» مـ ا نرسد (۱)

امیرمؤمنان علی(ع) فرمود: «مهدی، چهره ای زیبا و موهایی جاذب دارد که بر شانه هایش فرو ریخته و درخشندگی چهره اش بر مشکی محاسن شریفش غلبه می کند.» (۲)

خواجه شیراز در ابیاتی درباره ظاهر و قامت یار خود می گوید:

- ١- . فالنامه و ديوان حافظ شيرازى ، ص ١٦٣.
- ٢- . محمد باقر مجلسى، بحار الأنوار، ج ٥١، ص ٣٦.

ننگِ رَدِ دِیگِ ر به سرو اندر چمن

ه ر ک ه دی د آن «س رو سیم اندام» را (۱)

گل‌گذاری ز گلستان جهان ما را بس

زین چمن سایه آن «سرو روان» ما را بس (۲)

امام صادق (ع) فرموده است: «مهدی (ع) راست قامت است؛ ولی نه در حد دراز، چهار شانه است و سینه فراخ و پیشانی باز دارد.» (۳)

وجود خال در چهره محبوب از دیگر علائمی است که حافظ به عنوان نشانی از سیمای نگار خود از آن یاد می کند و در ابیاتی چنین بیان می دارد:

«خال مشکین» که بر آن عارض گندمگون است

س ر آن دان ه که شد رهنز آدم با اوست (۴)

ص: ۸۶۱

۱- دیوان و فالنامه حافظ، ص ۱۵.

۲- فالنامه و دیوان حافظ شیرازی، ص ۲۷۵.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳.

۴- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶۴.

ای «روی مـاه منـظـر» تـو نو بهـار حسن

«خال» و خـط تو مرکز حسن و مدار حسن (۱)

بـر آن چشـم سیـه صـد آفریـن بـاد

که در عاشق کشی سحر آفرین است (۲)

در حدیثی از علی (ع) چنین می خوانیم: «مهدی (ع) دیدگانی مشکی، موهایی پرپشت، چهره ای چون ماه تابان و خالی بر گونه راست دارد.» (۳)

ص: ۸۶۲

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۱

۳- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۵۱.

فصل دهم: امام مهدی(ع) در آینه شعر

مهدویت در شعر حافظ

بشارت آمدن

هنگام ظهور حضرت مهدی(ع) با اینکه قرن‌ها از غیبت کبری گذشته است، ایشان به صورت جوان ظاهر می‌شوند و گذشت زمان، اندام زیبای او را پیر و فرسوده نمی‌کند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «از امتحانات بزرگ خداوندی این است که صاحب ما به صورت جوانی ظاهر می‌شود؛ در حالی که آنها او را پیری کهنسال تصور می‌کنند.»(۱)

حافظ شیرازی نیز با اشاره به جوانی حضرت حجت(ع) در زمان ظهور، در غزلی چنین می‌گوید:

ساقی بیا که یار ز رخ پـرده برگـرفت

ص: ۸۶۳

کـ اـرـچـ رـاـغـ خـلـ وـتـیـانـ بـ اـزـ دـرـ گـ رـفـت

آن شمع سر گرفته دگر چهره برفروخت

وین «پیر سالخورده، جوانی» زسر گرفت

بار غمی که خاطـر ما خسته کـ رده بود

عیسی دمی خدا بفرستـاد و برگـرفت

زین قصه هفت گنبد افلاک پر صدا است

کوته نظر ببین که سخن مختصر گرفت (۱)

و با ظهور امام زمان(ع) درد و رنج از جهان رخت برمی بندد و شادی و نشاط جایگزین اندوه و تشویش می شود. در آن هنگام، حیات و زندگی راستین به زمین و اهل زمین باز می گردد و عالم پیر و فرسوده نیز جوان و تازه خواهد شد.

نفس باد صبا مشک فشان خواهـد شد

عالم پیـر دگـر بـاره جـوان خواهد شد

١- ديوان و فالنامه حافظ، ص ٩٣.

ارغوان، جام حقیقی به سخن خواهد داد

چشم «نرگس» به «شقایق» نگران خواهد شد (۱)

و در اواخر این غزل مطرح می کند که روزی غم هجران عاشقان حضرت و درد هجر پایان می پذیرد و عاشقان پس از تحمل اندوه و فراق از شدت رنجی که از بابت دوری محبوب کشیده اند، بی اختیار تا بارگاه دوست، فغان کنان پیش می روند:

این تطـاول که کشیـد از غم هجران بلبل

تا سراپرده گل نعره زنان خواهد شد

ماه شعبان منہ از دست قدح کاین خورشید

از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد (۲)

مراد از خورشید در اینجا، حضرت ولی عصر (ع) است که روزی ظهور خواهد کرد.

ص: ۸۶۵

۱- دیوان و فالنامه حافظ، ص ۱۷۱.

۲- دیوان و فالنامه حافظ، ص ۱۷۱.

فهرست منابع و مآخذ

فصل دهم: امام مهدی (ع) در آینه شعر

مهدویت در شعر حافظ

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه.

- صحیفه سجادیه.

الائمة الاثني عشریه، محمد بن علی بن طولون.

الاتحاف بحب الاشراف، عبدالله بن محمد بن عامر شبراوی شافعی مصری.

اثبات الهداء، بالنصوص و المعجزات، محمد بن حسن بن حرّ عاملی.

الاحتجاج، ابو منصور احمد بن علی طبرسی.

الإختصاص، شیخ ابو عبدالله محمد مفید.

آخرین تحول با حکومت ولی عصر (عج)، محمد مهدی موسوی خلیجی.

الإرشاد، شیخ ابو عبدالله محمد مفید.

آشنایی با ادیان بزرگ جهان، حسین توفیقی.

اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی.

اعلام الوری باعلام الهدی، ابومنصور احمد بن علی طبرسی.

آفتاب در عزیمت، سید محمد بنی هاشمی.

اقبال الاعمال، سید رضی الدین علی بن طاووس.

اقرب الموارد فی وضع العربیه و الشوارد، سعید خوری شرتونی لبنانی.

الامالی، شیخ ابوجعفر صدوق.

الامالی، شیخ مفید.

الامام المهدی من المهد الی الظهور، محمد کاظم قزوینی.

امام زمان و سید بحر العلوم، سید جعفر رفیعی.

امام مهدی حماسه ای از نور، شهید سید محمد باقر صدر.

ص: ۸۶۷

آموزش عقاید، محمد تقی مصباح یزدی.

اهل البيت في الكتاب و السنه، محمد محمدی ری شهری.

او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور.

اوپانشاد، محمد دار اشکوه.

الایقاظ من الهجعه، شیخ حر عاملی.

بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی.

بحوث فی الملل و النحل، جعفر سبحانی.

بداية المعارف الالهية ، سيد محسن خرازی.

البداية و النهاية، عماد الدین اسماعیل بن کثیر.

برترینهای فرهنگ مهدویت، ستاد انتخابات برترینهای فرهنگ مهدویت.

البرهان في تفسير القرآن، سيد هاشم بحراني.

ص: ٨٦٨

بشاره المصطفى لشيعة المرتضى، عماد الدين طبري آملی.

بشارة الاسلام، سيد مصطفى آل سيد حيدر كاظمی.

بصائر الدرجات الكبرى في فضائل آل محمد(ع)، محمد بن حسن بن فروخ صفار.

البلد الامين، تقى الدين شيخ ابراهيم كفعمی.

بيان الفرقان، شيخ مجتبی قزوينی.

پرونده اسرئیل و صهيونيسم سياسی، روژه گارودی.

پیام نگار، متن خطبه غدیر، سيد حسين حسینی.

تاریخ ادیان جهان، عبدالعظیم رضایی.

تاریخ فلسفه در جهان اسلام، خوری، ترجمه عبدالحمد آیتی.

تاریخ گزیده، حمد الله مستوفی.

تاریخ ما بعد الظهور، سید محمد صادق صدر.

ص: ۸۶۹

تأويل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الطاهره، سيد شريف الدين على حسيني استرآبادى.

تبليغات دينى، احمد رزاقى.

تحف العقول فى آل الرسول، ابن شعبه حرانى.

تدارك جنگ بزرگ، گريس هال سل، ترجمه خسرو اسدى.

تفسير جامع البيان فى تفسير القرآن، محمد بن جرير طبرى.

تفسير صافى، ملامحسن فيض كاشانى.

تفسير فرات كوفى، فرات بن ابراهيم كوفى.

تفسير مجمع البيان، ابو على طبرى.

تفسير مفاتيح الغيب، فخر الدين رازى.

تفسير نمونه، جمعى از نويسندگان.

تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی.

ص: ۸۷۰

التفسير، ابي نصر محمد بن مسعود بن عياش سمرقندی.

التفسير، علی بن ابراهیم قمی.

تهذيب الأحكام، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی.

الثاقب فی المناقب، محمد طوسی.

ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق.

جاماسب نامه، جاماسب.

جلاء العیون، محمد باقر مجلسی.

جلوه های پنهانی امام عصر (ع)، حسین علی پور.

جلوه های لاهوتی.

جمال الاسبوع، سید بن طاووس.

چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان.

ص: ۸۷۱

حق اليقين، في معرفه اصول الدين، سيد عبدالله شير.

حکومت جهانی مهدي(ع)، مكارم شیرازی.

حياه الامام محمد المهدي، باقر شريف قرشى.

الخرائج و الجرايح، قطب الدين راوندی.

خصائص المهدي، محمد راجی.

الخصال، شيخ صدوق.

خورشيد مغرب، محمد رضا حكيمی.

خوشه های طلايی، محمد علی مجاهدي.

دائرة المعارف آمريکايی.

دائرة المعارف بریتانیایی.

داد گستر جهان، ابراهیم امینی.

ص: ۸۷۲

دارالسلام، عراقی میثمی.

درّ یتیم، نصر الله شبستری.

دراسات و بحوث مؤتمر الامام جعفر بن محمد الصادق (ع)، مجمع جهانی اهل بیت (ع).

دعائم الاسلام، قاضی أبوضیفه نعمان بن محمد تمیمی مغربی.

دلائل الإمامة، جریر بن رستم طبری آملی.

دولة المهدي، بهارانچی.

دیوان امام خمینی (رحمه الله)، روح الله موسوی خمینی (رحمه الله).

دیوان حافظ.

دیوان و فالنامه حافظ شیرازی، واحد تحقیقات گلها.

ذخائر العقبی، محبّ الدین طبرسی.

راز طول عمر امام زمان(ع)، علی اکبر مهدی پور.

ص: ۸۷۳

رجال کشی، محمد بن عمر کشی.

روزگار رهایی، کامل سلیمان.

روضه الصفا، محمد بن سید برهان الدین خاوند شاه مشهور به «میرخان».

روضه الکافی، محمد بن یعقوب کلینی.

روضه الواعظین، محمد بن حسن فتال نیشابوری.

الزام الناصب فی إثبات الحجۃ الغائب، حائری یزدی.

زندگانی حضرت صاحب الزمان، میرزا مهدی صادقی.

زندگی در عیش مردن در خوشی، نیل به پستمن، ترجمه صادق طباطبائی.

زندگی نامه شعرای ایرانی، لیلا صوفی.

سبائک الذهب فی معرفه قبائل العرب، محمد امین بغدادی سویی.

سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد قرويني.

ص: ٨٧٤

سنن ابوداود، سلیمان بن اشعث ازدی.

سنن ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره.

سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی.

شرح احقاق الحق و ازهاق الباطل، قاضی نورالله شوشتری.

شرح زیارت جامعه کبیره، حسین همدانی درود آبادی.

شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی.

شیعه در اسلام، سید محمد حسین طباطبایی.

شیعه و رجعت، محمد رضا طبسی نجفی.

شیفتگان حضرت مهدی (ع)

صحاح اللغة، اسماعیل بن حماد جوهری.

صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری.

صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری.

ص: ۸۷۵

الصحيحه المباركه المهديه، مرتضى مجتهدي.

صحيحه مهديه، سيد مرتضى مجتهديه.

الصراط المستقيم إلى مستحق التقديم، علي بن يونس العاملي.

عصاره خلقت، عبدالله جوادى آملی.

عصر الظهور، علي كوراني.

عصر زندگي، محمد حكيمي.

عقد الدرر، ابن عبد العزيز مقدس شافعي.

علل الشرايع، شيخ صدوق.

علم اليقين في اصول الدين، ملا محسن فيض كاشاني.

عوالم العلوم، عبدالله بحراني اصفهاني.

عيون اخبار الرضا، شيخ صدوق.

ص: ٨٧٦

عيون المعجزات، سيد مرتضى علم الهدى.

غرر الحكم و درر الكلم، امام امير المؤمنين على بن ابيطالب(ع)، عبدالواحد آمدى تميمى.

الغيبه، ابن ابى زينب محمد بن ابراهيم نعمانى.

الغيبه، ابوجعفر محمد بن حسن طوسى.

فتح البارى فى شرح صحيح البخارى، احمد بن على بن جهر عسقلانى.

فرائد السمطين، محمد جوينى خراسانى.

فرهنگ سخنان امام حسين (ع)، محمد دشتى.

فرهنگ علوم سياسى، على بخشى.

الفصول المهمه، ابن صباغ مالکى.

قصص العلماء، ميرزا محمد تنكابنى.

قيام و انقلاب مهدي (ع)، مرتضى مطهري (رحمه الله).

ص: ۸۷۷

كامل الزيارات، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولويه.

الكامل فى التاريخ، ابن اثير جزرى.

كتاب مقدس، عهد جديد، انجيل لوقا.

كتاب مقدس، عهد جديد، انجيل متى.

كتاب مقدس، عهد عتيق.

كتاب مقدس، عهد قديم، كتاب اشعيا.

كتاب مقدس، عهد قديم، كتاب پيدايش.

كتاب مقدس، عهد قديم، مزامير داود.

كتاب مقدس، مكاشفه يوحنا.

الكشاف، محمود بن عمر زمخشرى.

كشف الغمء فى معرفة الأئمء، على بن عيسى أربلى.

ص: ٨٧٨

كشوف المراد فى شرح تجرید الاعتقاد، علامه یوسف بن مطهر حلّی.

كفاية الأثر، على بن محمد خزاز قمی.

كمال الدين و تمام النعمة، شیخ صدوق.

كنز الفوائد، محمد بن على بن عنان كراچكى.

كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، حسام الدين هندى.

گفتارهای پیرامون امام زمان(ع)، سید حسن افتخار زاده.

لسان العرب، محمد بن مكرم ابن منظور.

لغتنامه دهخدا، على اكبر دهخدا.

لمعات إلهیه، عبدالله زنوزى.

مجمع البحرين، فخر الدين طریحی.

مجمع الزوائد و منبع الفوائد، علی بن ابوبکر هیشمی.

ص: ۸۷۹

مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله، محمد خادمی شیرازی.

المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی.

مروج الذهب، علی بن الحسین مسعودی.

مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری.

مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، حسن رهبری.

مصلح جهانی، سید هادی خسرو شاهی.

معانی الأخبار، شیخ صدوق.

معجم احادیث الامام المهدي (ع)، الهيئة العلمیه فی مؤسسه المعارف الاسلامیه.

المعجم الاوسط، سلیمان بن احمد طبرانی.

مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.

مكارم الاخلاق، رضى الدين طبرى.

مكيال المكارم، محمد تقى موسى اصفهان.

من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق.

مناهج العارفين، شيخ عبدالله بن شيخ عبدالرحمن مداينى.

منتخب الأثر فى الإمام الثانى عشر، لطف الله صافى.

منتخب الأنوار المضيئه، على بن عبدالكريم نيلى نجفى.

منتهى الآمال، شيخ عباس قمى.

مناهج البراعة فى شرح نهج البلاغه، ميرزا حبيب الله هاشمى خوئى.

مهج الدعوات، سيد رضى الدين على بن طاووس.

مهدى انقلابى بزرگ، مكارم شيرازى.

مهدی منتظر در نهج البلاغه، ابن حجر هیثمی.

ص: ۸۸۱

مهدى موعود(ع)، على دوانى.

موسوعه احاديث الامام المهدي، على كورانى.

موسوعه احاديث اميرالمومنين(ع)، محمد محمدى رى شهرى.

ميزان الحكمة، محمد محمدى رى شهرى.

الميزان فى تفسير القرآن، سيد محمد حسين طباطبائى.

ناسخ التواريخ، محمد تقى سپهرى.

نجم الثاقب، حسين نورى طبرسى.

نقد و نگرشى بر تلمود، ظفر الاسلام خان ترجمه: محمد رضا رحمتى.

نهج البلاغه ترجمه: محمد دشتى.

نو بهار عالم جان، احمد احمدى.

نواب الدهور، مير جهانى.

ص: ۸۸۲

نور الابصار، مومن شبلنجی مصری.

ولایت فقیه، امام روح الله خمینی.

ولایت فقیه، در عصر غیبت، علیرضا رجالی تهرانی.

ولایت فقیه، عبدالله جوادی آملی.

یار غائب از نظر، محمد حجتی.

یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(ع)، علی رضا رجالی تهرانی.

ینابیع الموده، شیخ سلیمان قندوزی حنفی.

یوم الخلاص، کامل سلیمان کتّان.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

